

حرکت‌های بزرگ ملی افغانستان (وی حرکت‌ها)

و  
حرکت‌های نام‌نهاد تحت تسلط کمونیست و روس‌ها

نویسنده: محمد علم فیض زاده



# جرگه های بزرگ ملی افغانستان (لوی جرگه ها)

و  
جرگه های نام نهاد تحت تسلط کمونست ها و روس ها

نویسنده: محمد علم فیض زاد



نام کتاب : جرگه های بزرگ ملی افغانستان (لوی جرگه ها)

و

جرگه های نام نهاد تحت تسلط کمونسیت ها و روس ها

نویسنده : محمد علم فیض زاد

مستقیم : ببرک لودی

طبع اول : میزان ۱۳۶۸

تعداد : دو هزار

پناه لایبریری  
حق طبع برای نویسنده محفوظ است

ACKU



204



## اهداء

به شهیدای وطن عزیزم افغانستان با مخصوص  
جوانان حکومت محلی چاه آب از جمله نوزده  
تن اعضای خانواده ام که جانهای خود را  
در جهاد و دفاع وطن فداء کرده اند .

## فهرست مندرجات

صفحه	موضوعات
	مقدمه
۱	پیشگفتار
	<b>بخش اول</b>
۴	توضیحات مختصر
۷	تذکر
۱۰	جرگه های خورد و بزرگ معمول در وطن ما
۱۲	جرگه های بزرگ ملی یا لوی جرگه ها
	<b>بخش دوم</b>
	جرگه های باستانی
۱۵	سبها (مجلس یا جرگه)
۱۵	جرگه سیمتی
۱۷	جرگه بزرگ مذهبی عصر کنشکا
	<b>بخش سوم</b>
	جرگه های محلی و منطوقوی ملی
۱۹	جرگه سال ۳۶۶ ه ق مطابق ۹۷۷ م شهر غزنی
۲۶	تشکیل جرگه در انتخاب سبکتگین بعیث پادشاه
	جرگه سال ۱۰۸۸ ه ش مطابق ۱۷۰۹ م قندهار
۲۷	فعالیت های سیاسی میرویس هوتکی
۲۸	تشکیل جرگه و آغاز فعالیت جدی و موثر
۳۰	جرگه سال ۱۰۹۶ ه مطابق سال ۱۷۱۷ م شهر هرات
۳۱	اقدام به تشکیل جرگه
۳۱	دنباله جرگه هرات

- ۳۳ تصمیم قاطع
- ۳۵ جرگه بزرگ سال ۱۱۲۶ هـ ش مطابق ۱۷۴۷ م قندهار
- ۳۸ جرگه سال ۱۲۵۷ هـ ق کابل (۱۸۴۱ میلادی) شهر کابل
- جرگه سال ۱۲۴۴ هـ ش مطابق ۱۸۶۵ میلادی عصر
- ۴۳ امیر شیرعلیخان در کابل
- ۴۷ شورای دولتی امیر حبیب الله خان.

### بخش چهارم

- جرگه های بزرگ ملی (لوی جرگه ها)
- ۵۰ لوی جرگه سال ۱۳۰۱ شهر جلال آباد
- ۵۲ جرگه بزرگ (لوی جرگه) سال ۱۳۰۳ هـ ش کابل - پغمان
- ۵۲ تسوید اعلان لوی جرگه ۱۳۰۳
- سواد فرامین که باسمای علما ، سادات و کلای
- ۵۴ ملت اسپال شده بود و سواد فرمان مورخه ۵ ثور ۱۳۰۳
- ۵۸ گذارشات حفاه شریفه لوی جرگه سال ۱۳۰۳
- نطق اعلیحضرت غازی افغان به تقریب افتتاح لوی جرگه
- ۵۸ بعد از نماز عید قربان در سلام خانه
- ۶۶ قانون اساسی امان الله خان و جریانات بعدی
- ۷۹ اسمای مامورین حکومت و نمایندگان ملت در لوی جرگه سال ۱۳۰۳
- ۱۲۳ جرگه بزرگ (لوی جرگه) سال ۱۳۰۷ هـ ش پغمان
- ۱۳۷ جرگه بزرگ (لوی جرگه) سال ۱۳۰۹ کابل
- ۱۳۸ فرمان اعدام امیر حبیب الله بچه سقاء
- ۱۳۹ ده نقطه اساسی طرز العمل حکومت نادر خان
- ۱۴۱ اعلان لوی جرگه سال ۱۳۰۹
- ۱۴۲ افتتاح لوی جرگه و جریانات آن

- ۱۴۷ مکتوب امان الله خان
- ۱۴۷ اسمای اعضای لوی جرگه' سال ۱۳۰۹ هـ . ش
- ۱۶۹ قانون اساسی عصر نادر خان
- ۱۸۴ جرگه' بزرگ ملی (لهی جرگه) سال ۱۳۲۰ ش کابل
- ۱۹۴ اخراج المان ها و ایتالوی ها از افغانستان
- ۱۹۸ مقدمات تشکیل لوی جرگه سال ۱۳۲۰ (۱۹۴۱)
- ۱۹۹ نطق افتتاحیه محمد ظاهر شاه و گذارشات جرگه
- ۲۰۲ تصویب و اختتام جرگه' سال ۱۳۲۰ هـ ش
- ۲۰۵ جرگه' بزرگ (لوی جرگه) سال ۱۳۳۲ کابل
- ۲۱۵ استعفی داؤد خان از مقام صدارت
- جرگه' بزرگ سال ۱۳۴۳ هـ ش کابل مطابق سپتمبر ۱۹۶۲ م
- ۲۱۶ و مقدمات تسوید قانون اساسی جهت تقدیم ترگه
- ۲۲۳ تمدید دوره' خدمت وکلای دوره' یازدهم شواری ملی
- ۲۲۴ فرمان پادشاهی
- ۲۲۵ اسمای وکلای دوره' یازدهم
- اسمای اعضای مجلس عیان که بعلت تمدید دوره' خدمت دوره' یازدهم
- ۲۳۲ شورا در جرگه' سال ۱۳۴۳ اشتراک ورزیده بودند.
- ۲۳۲ اعلان پادشاهی
- ۲۳۵ نطق افتتاحیه محمد ظاهر شاه پادشاه افغانستان.
- ۲۳۸ بیانیه' داکتر محمد یوسف صدر اعظم دوره' انتقال
- ۲۴۶ فهرست قانون اساسی ۱۳۴۳
- ۲۴۷ توشیح قانون اساسی
- ۲۴۸ دیباچه و متن قانون اساسی
- ۲۸۱ پیام اعلیحضرت معظم همایونی بمناسبت اختتام لوی جرگه
- ۲۸۲ تبصره درباره' ماده' ۷۸ و محدود شدن لوی جرگه

اسمای نمایندگان انتخابی مردم که در لوی جرگه سال ۱۳۴۳

شرکت نمودند

۲۸۶

### بخش پنجم

جرگه های نام نهاد

۲۹۷

جرگه نام نهاد سال ۱۳۵۵ هـ ش کابل

۲۹۹

تظاهر به خدمت گذاری

۲۹۹

مسئله پشتونستان

۳۱۱

قانون اساسی داؤد خان

۳۱۱

توشیح رئیس جمهور

قانون اساسی دولت جمهوری افغانستان سال ۱۳۵۵

۳۱۲

تصویب شد

۳۳۶

اسمای نمایندگان که در جرگه سال ۱۳۵۵ اشتراک کرده بودند

جبهه باصطلاح ملی پدر وطن یا جرگه نام نهاد سال

۳۵۱

۱۳۴۰ کابل تحت تسلط روسها

۳۵۱

کودتای ۷ ثور

۳۶۶

جرگه نام نهاد کمونستی سال ۱۳۶۴ کابل تحت تسلط روسها

۳۷۷

گسترش دوستی افغان شوروی

۳۷۷

تأمین صلح و امنیت

۳۸۰

جرگه نام نهاد عالی قبایل ماه سنبله ۱۳۶۴ تحت تسلط روسها

۳۸۶

جرگه نام نهاد سال ۱۳۶۵ هـ ش در کابل بنام لوی جرگه

۳۸۷

جرگه نام نهاد سال ۱۳۶۶ هـ ش مطابق ۱۹۸۷ م کابل

۳۹۰

خاتمه

۳۹۴

فهرست مآخذ

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بقلم استاد خلیل الله (خلیلی)

### مقدمه

فکر سالم عقول ملتهاست

که کفیل همه سعادتهاست

یکی از دانشمندان همکشورم که از سالها با وی پیوند دوستی داشتم و او را از علمبرداران خدمت فرهنگ و قلمداران فیاض وطن می‌شناختم درین ایام آوارگی و شبهای غربت و بیچارگی کنایی در دسترس مطالعه من گذاشت که پس از تحقیق و تتبع و تلاش فراوان آنرا نگاشته است .

این کتاب تاریخ لویه جرگه‌های وطن محبوب من افغانستان است .

روشنگر آرای اجتماعی ملت است که در حوادث مهم گاهی در مواقع بس خطیر و هراس آور و گاهی در آوان امن و آرامش ظهور نموده و این پدیده است که حاکمیت مردم را در تعیین سر نوشت مردم تمثیل مینماید و این جاست که یا بنیان ملوکیت و استبداد متزلزل بوده و در برابر حوادث خطیر ، مردم مانده و ایمان و آرای مردم . یا نظام ملوکیت استوار بوده و در بعضی قضایا خود را مجبور یافته که در برابر ملت خم شود و یا تأسیس لویه جرگه برای حل آن قضایا از آرای مردم استمداد نماید .

(لویه جرگه) مرکب مقلوب توصیفی است و این همان اجتماع آرای مردم است که در کتاب خجسته آسمانی ما به کلمه شوری تعبیر شده تحقیق مولف در اجزای این مرکب بر پایه علم اللغه بنا یافته اما معلوم نیست مرکب (لویه جرگه) از کدام زمان بجای شورای مردم در کشور ما اطلاق گردیده .

( ب )

در هر حال به عقیده این عاجز بزرگی لویه جرگه یا مجلس بزرگ را باید در  
حوادثی ارزیابی کنیم که در جرگه مطرح گردیده و آن جرگه بسر نوشت مردم  
مربوط بوده باشد .

از جریان این تاریخ بر میآید که جرگه‌ها بدو نوع انعقاد یافته .  
جرگه‌های که در مواقع خطر از اراده آزاد خود ملت منعقد شده و آن در  
روزگاری بوده که نظام مرکزی برهم خورده و تاج سلطنت سرنگون گردیده و  
مردم بخودی خود با دشمن بیگانه دست و گریبان بوده اند .  
تشکیل جرگه در چنین هنگام اگرچه شمار اعضای آن اندک و از هرگونه  
تشریفات عاری بوده در پایه اول از بزرگی و عزت قرار دارد .  
و جرگه‌های دیگر که در مسایل روز و تدوین قوانین در هنگام امن و  
آرامش بوسیله فرمان و دعوت نامه تشکیل شده در درجه دوم قرار دارند .  
تفاوتست میان جرگه‌های که حکومت آنها را آورده و جرگه‌های که آنها  
حکومت‌ها را آورده اند .

مثلاً گه‌ای که سران جهاد در غزای شیر پور و خرد کابل نمودند بدون  
تردید بزرگترین و موثرترین جرگه وطن ما در قرن اخیر است .  
میگویند افسران قوای برتانیه یک روز قبل از جرگه بد اکبر خان غزای  
هدایای گرانبها و پول گزاف تقدیم کردند و بر جوانی وی تجربگی وی فریب خوردند .  
چون جرگه منعقد شد شبی سخت ظلمانی و وحشت انگیز بود فردای در پی  
داشت که مردم تنها دوراه در پیش داشتند ذلت غلامی یا تاج آزادی .

حمید سخسور حماسه سرای کشمیر شرح این شب و این جرگه را در اکبر  
نامه سخت زیبا منظوم گردانیده در سوال و جوابی که اکبر قهرمان جوان با سران  
جهاد نموده من این بیت ملمع را شاهکار این منظومه میدانم :

چواو گفت این سرزمین اخلم

یکی گفت استا بلا و آخلم

و ازین دست است جرگه پروان که چون مردم لشکرکفار را شکستند جرگه  
منعقد شد و آرای همه بران قرار گرفت که پیش آهنگ صفهای جهاد باز مانده  
سلاله طاهر نبوی ایشان غلام قادر هوپینانی چارمیکاری را بر مسند امارت نشاندند

وی ابا آورد و گفت من باین متاع مبتذل یعنی تاج پادشاهی خرقة سیادت را بدل نمیکم و این شعر او هنوز سرود جوانان آن سا ماست .  
 میکم دیوانگی تا بر سرم غوغا شود  
 سکه بر زر میزنم تا صاحبش پیدا شود

دور نرویم جرگه شب ۲۴ حوت ۱۳۵۷ که سنگرگزینان هرات قیام فردای شانرا تثبیت نمودند و بیست و پنج هزار شهید در آن معرکه دادند از جرگه‌های ممتاز و متعالی در تاریخ ماست .

جرگه شب موسوم به (الله اکبر) که هفت سال قبل شهریان کابل در برابر سپاه متجاوز وحشی روسیه شوروی مسجد بمسجد و خانه بخانه منعقد نمودند و فردای آن هزاران زن و دختر بفقیرترین و جسی جامه گلگون شهادت پوشیدند گوهر اکلیل مفاخر ما شمرده میشود . همچنین جرگه‌های مزار شریف ، قندهار ، بدخشان و تخارستان از گردنه خیر تا دهنه ذوالفقار .

ای کاش فرماندهان سنگرهای ما مجال می یافتند و شرح این جرگه‌ها را ثبت میکردند و آن مفاخر جاودانی را به نسلهای فردای ما و به جهان آزادی خواهان بارمغان میگذاشتند .

یکی از عوامل عقب ماندگی مردم ما وسایر ملت‌های مسلمان این بود که سنت شورا برداشته شده بود و حکومت‌ها از ملت‌ها فاصله داشتند . سرنوشت ملت‌ها را از خود ملت‌ها پنهان میکردند .

اگر شورائی در دولتی تأسیس میشد تلاش بعمل می آمد تا نمایندگان ملت قبل از آنکه از جانب مردم انتخاب شوند از سوی کارمندان حکومت انتصاب گردند . برهنه پایان کشور که طبقه عامه ملت را تشکیل میداند بجزم آنکه بی سواد ندارند و از عمده تقلید ظواهر غربیان درست بر نمی آیند باید همواره در زاویه فرمان برداری و خواری دور از دستگاه حکومت گذاشته شوند .

این اشتباه سیاسی همیشه بزیان دولتمردان تمام شده در میدان حوادث آنها خود را بیگانه از مردم شناخته بانزوا ساخته اند ملت مانده است و مبارزه با دشمن ، ملت مانده و خودش و ایمانش و جرگه هایش .



روستا زادگان با ایمان عمه سالار و سنگری گشتند  
 ناز پروردگان مسند و جاه خواب کردند و بستری گشتند  
 باید اذعان کرد که لویه جرگه‌های که از طرف ملت‌ها در مواقع خطیر انعقاد  
 یافته و اوویه جرگه‌های که در دوره‌های امن و آرامش تشکیل شده و دران سود  
 و زیان مردم مطرح بحث و شور قرار گرفته هر دو مظهر افکار مردم و تجلیگاه رأی  
 و اندیشه آزاد آن شناخته میشود و بر اساسات خجسته دین مبارک اسلام استوار  
 است .

دولتی که بر آرای آزاد مردم استوار نیست آله تمتع خود کاگان مستبد  
 است و ملتی که شوری ندارد زبان ندارد .

نویسنده این کتاب گرامی برادرم محمد علم فیض زاد شایسته هرگونه  
 تقدیر و سپاس است .

در حیرت شهادت جوانان رشید خانواده نبیش را تهنیت گویم که در دفاع  
 از خاک مبارک وطن در برابر نیروی خونخوار وحشی روس جان سپرده اند .

یا مهاجرتش را در اردو گاه آوارگان در سرزمین پاکان تهنیت خوانم ،  
 خدمات فرهنگیش یاد کنم و یا این اثر تحقیقی وی را تقدیر تمام .

دانشمندی که سالهای دراز عمر را در خدمت معارف برستی و سرافرازی  
 بسر برده و جریانات افکار ملت را در لویه جرگه و پارلمان ، خود مشاهده نموده  
 و برتری مؤقف والای برهنه پایان مسلمان را بر مقام متزلزل ملوکیت شناخته  
 تحقیقات عالمانه وی آن هم در تاریخ لویه جرگه عالی تر از آنست که این سالمند  
 آواره هیچ مدان بر آن مقدمه‌ئی بنویسم یا موخره‌ئی بنگارم .

این کتاب مقام آرای آزادگان ملت را توضیح میدهد انعکاس آواز مردم است  
 آواز مردم صدای حق است .

تتبع و استقرای مؤلف در دیدگی‌های خودش و در مآخذ و اثنای تاریخ نگاران  
 افغان و بیگانگان مؤلف محترم را در ادای اسانت بیشتر توفیق بخشیده .

معلوم است شخصیت‌های فرهنگی که در مرکز علمی جمعیت اسلامی در  
 اسلام آباد گرد آمده اند تلاش دشمن خونخوار را در امحای فرهنگ وطن ادراک

نموده اند و بر آنند که این گوهرگرمی اسلامی و ملی را از تاراج نگهدارند توفیق  
خدا مشعل راه شان باد .  
ذکر ایامی که در لویه جرگه و دارالشوری در کنار نمایندگان ملت سرافراز  
افغانستان نشسته بودم همواره مایه سر بلندی من است .  
یاد باد آن روزگاران یاد باد

خلیلی

۱۰ سنبله ۱۳۶۵

اسلام آباد

## پیش گفتار

دانشمندان گفته اند : «اگر خواسته باشی دوست بی عیبی داشته باشی شاید همیشه بی دوست بمانی و اگر بخواهی کتاب بی نقصی تألیف کنی شاید هیچ تألیف نکنی.»

مردم افغانستان در طی قرون متمادی دارای تاریخ و فرهنگ درخشانی بوده در شهر نشینی ، ایجاد صنایع ، ترویج علم و دانش ، تجارت ، زراعت ، ایجاد باغها ، الوداری و تربیه حیوانات بمصدر خدمات بس عظیمی گردیده اند .

با استفاده از منابع طبیعی ، در ایجاد مدنیت ، آبادانی تعمیم علم و معرفت پیش قدم بوده خدمات بزرگی به مردم خود و جامعه انسانی انجام داده اند .

در دفاع از وطن و خصوصیات ملی و عنعنوی خود نیز شدیداً علاقه مند بوده ، در مقابل هر تجاوزگر ، دلیرانه و با شهامت و جان بازی مقاومت و دفاع کرده نام و شهرت با افتخاری در تاریخ کشور بیادگار گذاشته اند .

از خصوصیات مهم مردم ما شجاعت ، دلاوری و سلح شوری آنهاست که تاریخ کشور ما شاهد آنست . از اسکندر مقدونی تا مغل و شیبانی و هر تجاوزگر دیگر بمقاومت شدید مردم و مجاهدین مملکت ما مواجه گردیده اند . جهاد دلیرانه مردم ما در مقابل قوای استعماری انگلیس در طول تخمین یک قرن از مثالهای زنده تاریخ کشور ما است .

اینک در مقابل سلطه کمونیزم و تجاوز روسها جهاد مجاهدین شجاع مردم ما جهان امروز را متعجب ساخته است که شمه ازین جهاد مقدس و حماسه آفرین مردم مان را جسته جسته ذکر خواهیم کرد . باوصف آنکه از موضوع بحث ما که درباره جرگهها است جدا میباشد ، ناچار نام افغانستان هر جا می آید ، جهاد مقدس مردم ما نیز بخاطرها تداعی میگردد . مردم ما در سرویرانههای خود (باوصف هزاران مانع و مشکلات در مقابل جدیدترین سلاحهای روس) خون پاک خود را

می‌ریزند و از وطن دفاع میکنند.

مردم افغانستان دارای بعض خصوصیات و غنعات قیمت‌دار ملی بوده‌اند و هستند که در میان سائر جوامع بشری مختص به خود مردم این مملکت و از رسوم و عادات نهایت مفید و با ارزش مردم ما محسوب می‌گردد.

یکی ازین رسوم ارزشمند جرگه‌های قومی و ملی می‌باشد که چه در مواقع عادی زندگی و چه در موارد مهم ملی مردم دور هم جمع شده و در مسایل عمومی بحث و مذاکره کرده‌اند و تمام مردم افغانستان بدون در نظر داشت کدام قوم، گروه و قبیله خاص این عنعنۀ بزرگ ملی را تا حال حفظ کرده‌اند.

در گذشته در جرگه‌ها که شرح آنها خواهد آمد مردمانی اشتراک می‌کردند که مربوط به جامعه و محیط خود بوده، از دردها، مشکلات مسایل مهمه مردم آگاه و انسانهای خیراندیش، دلسوز، نیکوکار و وطن دوست بودند. لذا تصمیم‌هایشان بحدت فیصله‌های لوی جرگه یا جرگۀ بزرگ ملی مورد قبول و اتمام واقع میشد.

اصلاً بانی و موجد جرگه‌ها در هر عصر و زمان مردم کشور بوده‌اند نه حکومتها و سلاطین، جرگه‌ها از طرف مردم دائر گردیده در امور مهم کشور و گاه در تعیین پادشاه و رئیس دولت و امور مهمه دیگر تصمیم گرفته‌اند. مانند جرگۀ سال ۳۶۶ هـ ق مطابق ۹۷۷ م شهر غزنی که سبکتگین را به پادشاهی برگزیدند و جرگۀ سال ۱۰۹۶ هـ ق مطابق ۱۷۱۷ م شهر هرات که فیصله‌های آنرا مطالعه خواهید کرد و جرگۀ سال ۱۱۲۶ هـ ق مطابق ۱۷۴۷ م مزار شیر سرخ قندهار که نتیجه‌اش انتخاب احمد شاه بابا بحدت پادشاه مملکت بود. اگر حکومتها و پادشاهان در تدویر جرگه‌ها اقدام کرده‌اند، در مملکت اوضاعی پیش آمده که دولت در حل مسایل ناچار مانده، لذا جرگه‌ها را دعوت کرده‌اند.

این اثر مشتمل بر ذکر ۳ نمونه از جرگه‌های باستانی، ۲ جرگه که در ادوار گذشته و تاریخ معاصر مملکت دائر شده تصمیم‌هایی که جرگه‌های مذکور اتخاذ کرده‌اند، قوانین اساسی که در بعضی ازین جرگه‌ها تصویب شده و در مدت شصت سال اخیر تاریخ مملکت نافذ بوده‌اند، میباشد.

بر علاوه در هر قسمت مظالم روسها، قتل عام، کشتار و آوارگی هموطنان

عزیز، جهاد مجاهدین شجاع و با شهامت مردم ما چسته چسته بیان شده مخصوصاً شش جرگه اخیر تماماً باقیست چرگه‌های ملی گذشته و ذکر جنایات و خیانت‌های کمونست‌ها میباشد که چگونه می‌خواهند رسوم و رواج‌های غنیمت‌جویی مفید مردم ما را به نفع اغراض جنایت کارانه شان استعمال و از نام تاریخی آن بهره‌گیری کنند . نویسنده با وصف عدم دست رسمی منابع و مآخذ لازم و بی‌سرو سامانی‌های مهاجرت و آوارگی و صدمات شدید روحی ناشی از تسلط کمونست‌ها بر وطن محبوب ما خواستم درباره جرگه‌ها و مجالس مشورتی بزرگ ملی و مقایسه با مجالس مسخ شده و نام نهاد کمونست‌ها تتبعاتی کرده آنچه از منابع مختلف گرد آورده ام مورد استفاده خوانندگان عزیز بگذارم تا باشد که خدمت کوچکی در احیای فرهنگ وطن مخصوصاً درین موقع که از هر جهت مورد تاخت و تاز خائن و وطن فروشان جنایتکار واقع شده است کرده باشیم .

از دانشمند محترم استاد خلیلی که با وصف مشغولیت‌های علمی و کم فرصتی این اثر ناچیز را بدقت مطالعه فرموده و مقدمه‌ی هم تحریر کرده اند منت گذار می‌باشیم .

در تحریر این اثر از قسمت مطالعات آسیای میانه کتابخانه پوهنتون پشاور بحد زیاد استفاده کرده ام لذا وظیفه خود میدانم که به آس جوان آن مؤسسه داکتر محمد انور، عارف جان و همه کارکنان آنجا تمنیات صمیمانه ام را تقدیم دارم . از استاد برهان الدین ربانی رهبر عالی‌قدر جمعیت اسلامی افغانستان که سرتالیف این کتاب مشوق من بوده اند متشکرم . و نیز از برادر محترم بزرگ لودی که در امور چاپ و تصحیح کتاب همت گماشته اند امتنان دارم . همکاری‌های برادر زاده جوامع ابو نوذر را که در تهیه بعضی مواد نموده است قابل قدر میدانم .

محمد علم فیض زاد

شماره ۵، ۱۳۶۵، ش

اسلام آباد

# بخش اول

## توضیحات مختصر

### توضیح کلمه جرگه

مردم کشور ما از سالیان متمادی در حل و فصل مسایل محلی و ملی به تشکیل جرگه‌ها و مجالس پرداخته و موضوعات ذات‌الینی را حل و فصل میکردند و این عنعنه تاریخی تا امروز ادامه دارد. لفظ جرگه در سرزبان‌ها بسیار متداول و مرسوم است.

چون کتاب موجوده در باره جرگه‌های افغانستان تحریر شده لازم دیده شد درباره اصل کلمه جرگه هم مطالعاتی صورت بگیرد، اینک آنچه که از فرهنگ‌ها جمع آوری گردیده و در لغت نامه‌ها بیان شده است بغرض استفاده خوانندگان تقدیم میشود.

### جرگ

جرگ حلقه معرکه کشتی گیران (غیث اللغات و چراغ هدایت) معرکه کشتی گیران که آنرا ورزش خانه و تعلیم گه و تعلیم گه نیز گویند (بهار عجم، آنند راج) و بعد ازان بجرگ حشریان را تحرک دادند (جویی).

جرگ را دیده حیرت زده محشرکن تازه کنن زمزمه را نماز عراقی سرکن قایل اهل دل و لایق الفت نبود جرگ و تگرگی کسه در و شور محبت نبود میر نجات در خطاب بمطرف (به نقل از بهار عجم و آنند راج).

حلقه وصف مردم و حیوانات (ناظم الاطباء).

نوعی از شکار (کردن) که مردم بسیاری دور شکار را حلقه بسته و آنرا درمیان گیرند (از ناظم الاطباء) مرادف تگرگ که بمعنی حلقه زدن لشکر برای شکار باشد (از بهار عجم و آنند راج).

## جرگه

بنتج ... سکون را و فتح گ : حلقه زدن و صف کشیدن مردم و حیوانات دیگر (برهان) . صف کشیدن انبوه مردم (غیثات اللغات) .

و نوعی از شکار که گرد صید حلقه بسته میگیرند : صاحب غیثات اللغات این لغت را ترکی میداند اما تمام فرهنگها بشمول آنند راج این لغت را فارسی میدانند و ترکی بودن این لغت در هیچ فرهنگ دیگر دیده نشده است . مطلق صف و حلقه است خواه مردمان باشند خواه سائر حیوانات از چرنده و پرنده (از آنند راج و بهار عجم) .

و فرمان شد که لشکرهايي که برمدار ایستاده اند بجرگه روان شوند (رشیدی) .  
و لشکر در قنای آن دیوار بجرگه فرود آمدند (رشیدی) .

عقل از زمره رئیس و هلیس بخت در جرگه عبید و خدام  
(نور الدین ظهوری : نقل از بهار عجم و آنند راج)

چو تیغت کندکار بر جرگه تنگ در آید بدم لا : بد عزاز یلنگ  
(نور الدین ظهوری به نقل از بهار عجم و آنند راج)

گر آهوی چین و غزال خطا است که در جرگه چشم جادوی اوست  
(محسن تاشر آنند راج)

سرور جرگه شاهان جهان شاه نجف صفدر معرکه شیر دلان شیر خدا  
(سید اشرف به نقل از آنند راج)

و گر زاغ و گر صعوه ناتوانم همیت بس که در جرگه بلبلانم  
(طالب آملی بنقل از آنند راج)

نوعی از شکار و آن چنان است که لشکریان بدور صحرا حلقه زنند تا صید بدر نرود .

(بهار عجم و آنند راج)

چشم او در حلقه دارد آهوی عقل مرا  
حد مجنون کی بود داخل شدن در جرگ من  
(سیح کاشمی به نقل از بهار عجم)

اسراع چشم آورد اردز خویش رفتن ما  
زجرگه زه آهيو است در طيدن ما

(فطرت به نقل از آئند راج)

## تريکيات

### شکار جرگه

شکاریکه حیوانات شکاری را از هر سوی بمركز رانند تا بد انجا گرد شوند  
تا شکار شاه یا امیر و ملتزمان رکاب وی آسان شود. یاد داشت مؤلف فرهنگ  
مرحوم دهخدا جرگه سبق حلقه زدن صفا کشیدن :

اشارت کرد خاصان را نشستند

پرستاران به خدمت جرگه بستند

(ناظم هروی به نقل از ارمغان آصفی)

### جرگه پهلووانان

بعضی گویند جائیکه پهلووانان باهم کشتی گیرند .

(بهار عجم - آئند راج)

با ذکر توضیح فرهنگهای مختلف در مورد کلمه جرگه میتوان نتیجه گرفت  
که این کلمه دری فارسی و به معنی انبوه مردم ، جمعیت مردم ، گروه مردم  
نشست و گرد هم آئی ، تبادل افکار و شور و مذاکره میباشد .

کلمه و اصطلاح جرگه در تاریخ و فرهنگ مردم ما رسمیت و سابقه طولانی  
دارد . در قانون اساسی مملکت ما نافذ در سال ۱۳۴۳ هـ.ش مطابق ۱۹۶۴  
میلادی رسماً داخل اصطلاحات قانونی گردید که مجلس شورای ملی «ولسی جرگه»  
و مجلس اعیان (سنا) مشرانو جرگه نام گذاشته شد .



## تذکر

افغانستان در طول تاریخ شاهد تحولات و دگرگونی‌های بوده است، گاه فاتحین و جهان‌گیران باین سرزمین لشکرکشی کرده‌اند مانند اسکندر مقدونی، فاتحین اسلام، چپاول‌گران مغول، شیپانی و غیره. و زمانی هم بشهادت تاریخ فاتحین و کشورکشایان این سرزمین به ممالک دیگر لشکر رانده و فتوحات کرده‌اند مثل، هیاطله‌ها، غزنویها، غوری‌ها، احمد شاه ابدالی و غیره.

در دوره‌های بعد از اسلام فتوحات پادشاهان افغانستان بیشتر جنبه جهادی داشته و هدف شان ترویج دیانت و مذهب اسلام بوده است و ترام بآن علم و صنعت و فرهنگ گران بهای را به سرزمین‌های مفتوحه معرفی نموده‌اند. علماً، روحانیون، فلاسفه و صنعت‌گران تبارز کرده‌اند. چنانکه در دوره فتوحات غزنویان و غوریان در هند مشاهده میشود. در اثر این فتوحات و لشکرکشی‌ها زبان و ادبیات دری از افغانستان بآنجا معرفی گردید. فرهنگ غنی اسلامی در نیم‌قاره هند انتقال و ترویج یافته است. زبان دری هفتصد سال در هند زبان رسمی و زبان ارتباط در میان گروه‌ها و قبایل مختلف بود که زبانهای یکدیگر را نمیدانستند. آثار هنری و فرهنگی اسلامی آن دوره‌ها تا حال باقیمانده است. ظهور ممالک اسلامی پاکستان و بنگله دیش و وجود چندین میلیون نفوس مسلمان هنوز هم در هند نتیجه همین جهاد و مساعی بزرگان دیانت شعار چون محمود غزنوی، شهاب‌الدین غوری، احمد شاه ابدالی و غیره بوده است.

اما استیلای بیگانگان در خاك ما در طول زمان چنان ویرانی‌ها و خرابی‌های را بار آورده که تا سالیان متمادی جبران نگردیده است. هنگام هجوم مغل، قتل عام، تاراج و ویرانی شهرها و مناطق آباد کشور ما مثل بلخ، هرات، غزنه و بامیان که حتی حیوانات را زنده نگذاشتند از مثالهای آنست.

این سرزمین مرد خیز در هر یک از حادثات تاریخی که قتل عام ، ویرانی ، سوختن‌ها و تاراج‌ها را دیده ، مزارع ، شهرها و قصبات آن ویرانی و غیر قابل استفاده شده بازهم بقایای سکنه آن به پا خاسته ، خسارات را جبران ، وطن خود را آباد و به سر بلندی زندگی را از سر گرفته اند .

امروز وطن ما را روس‌ها اشغال کرده اند ، مردم ما را قتل عام میکنند ، هیچ روزی نیست که صدها نفر فرزندان این وطن باثر بمباردها ، طیارات ، توپ‌ها و تانکهای دشمنان انسانیت (روس‌ها و کمونست‌های افغانستان) بشهادت نرسند . صدها خانه و کتانه در دهات و قصبات کشور همه روزه به آتش کشیده میشود و بچاک یکسان میگردد . انسانها را زنده بطرول زده میسوزند . فجایع و بیدادگری‌های روس تجاوزگرو چپاول‌گری‌های آنها بحدیست که درین مختصر نمی‌گنجد ، جدا گانه باید تحریر شود . اینجا تنها همین قدر یادآوری میکنم که در طول هشت سال و چند ماهیکه روس‌ها بچاک ما تجاوز کرده اند . مقاومت نهایت شدید مردم دلیر و مرزبان ما روبرو شده اند بجهدین و جوانان تاریخ ساز ما در هر نقطه و هر منطقه کشور بر بختن خون و فدا کردن جان شریفین شان از دیانت و ناموس مردم و وطن دفاع کرده و عرصه را بر تجاوزگران و خدا ناشناسان روس و دست نشانده‌های شان تنگ ساخته اند . و این مایه امیدواری مردم افغانستان به کامیابی شان ، در تشدید مبانی دین ، اعاده آزادی و حیثیت ، تحکیم بنای وحدت ملی و تمامیت ارضی مملکت ما میباشد .

درین جنگ‌ها که ما برای عقیده ، شرف و حیات می‌جنگیم بیش از پنج میلیون برادران و خواهران ما در ممالک همسایه پاکستان و ایران و ممالک دیگر آواره شده و بیش از یک میلیون نفر در جنگ‌ها ، بمباردهای بیرحمانه ، زندان‌های عذاب جن خود را از دست داده اند .

روس‌های تجاوزگر و خون آشام در اثر ضربات و حملات شجاعانه جوان مردان بجاهد خسارات زیادی دیده اند . خبر رسانی‌های بعضی ممالک تلفات روس‌ها را در مدت شش سال و چند ماه در حدود ۱۰۰ - الی بیست هزار نفر نشان میدهند ، آنهم از روی تخمین ، زیرا روس‌ها در چنین موارد حقایق را نمیگویند تا کسی بداند که چه اندازه تلفات دیده اند . اما در حقیقت تلفات

روس‌ها بمراتب بیشتر از آن است که خود میگویند. مصارف مالی روس‌ها در جنگها با مردم مجاهد افغانستان و خسارات سلاح‌ها و غیره تدارکات نظامی از ملیونها دالر روزانه تجاوز میکنند<sup>(۱)</sup>.

هر چه درباره وطن میگویم و مینویسم حتماً حرف از تجاوز روس‌ها میان می‌آید و لذا ناچار چند کلمه از جنایات روس‌ها ذکر گردید. در مورد تجاوز روس‌ها جنایات و فجایع آنها و کمونست‌های وطن فروش افغانستان گفتنی‌ها زیاد است.

چون موضوع بحث ما لوی جرگه‌های افغانستان میباشد اینک بر میگردیم به اصل مطلب یعنی جرگه‌های بزرگ در تاریخ مملکت ما.

افغانستان سرزمین ازاده‌نیست و مردم آن در کمال سر پندگی و آزاد منشی در طول قرون‌ها زندگی کرده اند. این مردم متدین و به مسایل مذهبی نهایت پابند و به رسوم و عینات زندگی شان دلچسپی و علاقه فندی زیاد دارند.

بعضی نویسندگان بیگانه این پابندی به دیانت، عادات و رسوم ملی را در آثار شان یک نوع مقاومت در مقابل پیشرفت و انکشاف تعبیر کرده اند که بسیار بیجا و نادرست است. مردم ما چیزیکه باعث ترقی و انکشاف مملکت میشود بخوبی استقبال کرده و دلچسپی و همکاری نشان داده اند. البته مردم ما بی بند و باریها، ظهرتگری‌ها، مود پسندی و فیشته‌ها و تقلیده‌های کورکورانه از عادات و رسوم بیگانه‌گان را که برای مردم ما بی‌لزوم میباشد ترقی و انکشاف نمیدانند. آنچه در نظر مردم ما انکشاف و پیشرفت تصور میشود عبارت از کسب علم و معرفت، صنعت و تکنالوجی عصری و تطبیق آن در زندگی مردم، احداث سیستم‌های جدید آبیاری، انکشاف زراعت و صدها مثال دیگر انکشاف واقعی می‌باشد.

پس آنچه که بعض نویسندگان بیگانه در مورد وطن و مردم ما مینویسند یا در اثر عدم معرفت و آشنائی بوطن و روحیه مردم ما میباشد و یا بعضاً عمداً بعلت اغراض خود شان از حقایق تجاهل کرده و چیزهای نادرست در مورد وطن

۱- در سالهای اول تجاوز روس‌ها بوطن ما به سبب نا بلدی شان به طرز جنگ و حملات مجاهدین تلفات شان خیلی زیاد بود.

## جرگه های خورد و بزرگ معمول در رطن ما

مردم افغانستان از دیر باز خصوصیت‌هایی داشته که در زندگی اجتماعی شان با استفاده از آن خصوصیت‌ها به حل و فصل امور عادی و مهمه پرداخته اند یکی ازین خصوصیت‌های مردم ما در سر تا سر افغانستان تشکیل جرگه‌ها (مجالس) خورد و بزرگ می باشد که بنام‌های پنجایت، جرگه، مجلس، انجمن و غیره یاد میشود. این جرگه‌ها بنا بر اهمیت مسائل به سویه ده منطقه و مملکت انعقاد میگردد(۱) . جرگه‌ها و مجالس قومی محلی و جرگه‌های بزرگ چه در زندگی عادی و روزانه مردم و چه در حیات عمومی و سیاسی مملکت سهم بارزی داشته است . قبل از اینکه به ذکر جرگه های بزرگ ملی که اصل هدف این نوشته میباشد بپردازیم از جرگه‌های خورد محلی نیز یادآوری میکنیم که بذات خود خالی از دلچسپی نیست . جرگه‌های خورد محلی ، از خبره مردم عناد الموقع در خود محل یا قریه دائر و یا بعضا بمناطق دور ترکه واحدهای اداری جداگانه داشته اند نیز ارتباط گرفته اند . در جرگه های محلی (غیر از مجالس مشوره به سویه حکومتی که وقتی وجود داشت) بعضا مامورین محلی خیر اندیش وقت هم اشتراک میکردند . این جرگه‌های محلی در موارد قلت آب ، کمبود غله و مسایلی عمده قومی از طرف مردم موظف می شدند .

در مواقع قلت آب چند نفر ریش سفیدان و اشخاص خیر اندیش بمراکز مناطق بالا آب رفته مشکلات خود را با مردم که باشر آمیزش‌های دوستانه یک دیگر و یا قسمتی از شاملین آن جرگه را میشناختند در میان میگذازدند . از مشوره شخص والی یا حاکم آنجا نیز استفاده میشود . مردم سرآب (بالا آب)

۱- نفوذ کمونیست‌ها تشکیل جرگه‌های موقتی محلی را غیر ممکن ساخته است . مردم حتی دو نفرو سه نفر باهم حرف زده نمی‌توانند چه رسد به اینکه در یک مجلس باهم بنشینند .

بصدای آنها لبیک گفته چند نفر معتمد را بهمستی میر آب باشی ها کوک<sup>(۱)</sup> باشی ها و چک<sup>(۲)</sup> باشی ها به سربندها روان میکنند تا صدها بند خورد و بزرگ نهرها را رها کرده و برای دوسه روز یا بیشتر بوقفها یا مسلسل آب اندازی میکنند . آب در دریای کلان جریان یافته در مواقع حساس کم آبی و خطر خشک شدن مزارع پایان آب سبب نجات مزارع از خشک شدن میشود . این جرگه در حقیقت یک مقدار آب را غیر اصل حق آبه مردم پایان آب بطور خیر اندیشانه و گذشت برادرانه بآثر ضرورت اهم به مزارع پایان آب مهیا میسازد ، کاریا که گاه گاه به بدبینی و جدالهای همیشگی می انجامد به برادری و خودگذری حل و فصل میکنند . این حالت کم آب در مورد قندز ، خان آباد بارها پیش آمده است که با وصف سیرابی آن مناطق بعضا در سالهای کم برف و خشک چنین حالت را بوجود آورده است و رهایی آب از نهرهای مناطق تالقان به زراعت مناطق پایان آب کمک کرده است . این وضع در بعضی مناطق دیگر نیز گاه گاهی پیش آمده است .

قسم دیگر این جرگه های محلی در موارد کم حاصلی و خشک سالیها دیده شده است . بعضا در یک منطقه غله زیاد و در مناطق دیگر حاصلات کم شده که مسبب گرانی و خطر قحطی گردیده است . به سبب کمی وسایل ترانسپورت ، بندش راهها در زمستان ، جلوگیری بعضی حکام محل از صدور غله (از خوف بروز قحطی در خود محل) به مناطق کم حاصل در چنین موارد جرگه محلی تشکیل و خیراندیشان بمنطقه مورد نظر اعزام و صدور گندم و غیره مواد را از حالت عادی آن به مقدار بیشتر تقاضا میکنند . این جرگه مخصوصاً حکام و مامورین محل را از اهمیت موضوع ملتفت ساخته به مشوره مو سفیدان آن محل راههای آسان تر ارسال غله جبات را جستجو و در صدور گندم و غیره مایحتاج تسریع و تزئید بعمل می آورند . که در

۱- زیر دست یک میر آب نظر به وسعت منطقه چند نفر کوک باشی و چک باشی می باشد .

۲- یک میر آب بذریعه چند نفر کوک باشی و کوک باشی بذریعه چند نفر چک باشی معاونت می شوند . این هر دو کلمه بیشتر در صفحات شمال معاونت .

نرخ‌ها تعادل نسبی را بار آورده است. و این غیر از اقدام و فعالیت هائیمت که حکومتها در چنین موارد باید نظر به مسئولیت‌های خود انجام بدهند.

قسم دیگر کار این جرگه‌های خورد محلی در مورد خاتمه منازعات شخصی از قبیل جنگ و جدالها و دعاوی حقوقی که مدت‌های زیادی بین اشخاص و گروه‌های وسیع‌تر قومی جریان داشته اقدام میکنند. بعضی ازین منازعات سالهای زیادی در دوائر حکومتی و محاکم در دوران بوده و طرفین ذی دخل متحمل خسارات زیاد شده اند. و قتیکه جرگه قومی دائر میشود آن منازعات طولانی را حل و فصل کرده و کدورتها و بد بینی‌های ناشی ازین مناقشات را از میان برده اشخاص در گیر درین مسایل که تا آنوقت به اصطلاح گو شیریں ماسورین مربوط بوده اند دست از منازعات کشیده و بزندگی عادی خود مشغول گردیده اند. همچنان بعضی اشخاص بنا بر ظلم و بد رفتاری ماسورین محل و خوف جان، خانه و کاشانه خود را گذاشته در کوه‌ها پناه برده و سبب نا آرامیها و بی‌امنی گردیده اند، در چنین موارد کسانیکه نزد مقامات حکومتی و مردم به خیراندیشی و صداقت شهرت داشته‌اند، میان افراد مذکور و مقامات حکومتی حسن تفاهم ایجاد و درگیریهای بی‌لزام را از میان می‌برند و اشخاص قبلاً با اصطلاح یاغی که به ضمانت و وساطت جرگه‌های محلی دوباره به زندگی عادی خود بازگشته به کارهای شخصی خود مشغول و یک فرد سالم جامعه شده‌اند. و بسا کارهای عام‌المنفعه دیگر بذریعه این نوع جرگه‌های محلی انجام گردیده است.

### جرگه‌های بزرگ

جرگه‌های بزرگ ملی یا لوی جرگه‌ها در تاریخ افغانستان مصدر کارهای مهمی گردیده‌اند. تا وقتیکه مردم افغانستان بامیدواری و علاقه مندی، در شرایط عادی آزادانه، بسرافرازی، عزت و آبرو مندی زندگی داشته‌اند، نمایندگان جرگه‌های

۱- کلمه لوی در پشتو به معنی بزرگ است در متون پشتو چونت کلمه جرگه که بعد از لوی می‌آید مؤنث می‌باشد لذا لویه جرگه تحریر میشود. چون در تحریر دری مؤنث و مذکر مستعمل نیست و این متن به دری تحریر میشود لذا لوی جرگه تحریر گردید.

بزرگ ملی نیز از میان همان مردم آزاد و سرافراز تعیین و کارهای آن نیز بهمان سنگینی و متانت آغاز و انجام یافته ، فیصله‌های شان سرنوشت ساز و تصامیم آنها در سیاست مملکت مؤثر واقع شده است . مانند لوی جرگه سال ۱۳۳۰ هـ ش که در حساس ترین روزهای جنگ دوم جهانی دائرگردیده مباحثات و فیصله‌های متین آن سبب رفع تشویش ملت در آن ایام اضطراب شده مملکت از خطر اشغال دو دولت متحد شامل در جنگ یعنی انگلیس و روس نجات یافت . کشور ایران در سوم برج سنبله سال ۱۳۳۰ هـ ش از طرف دولت‌های روس و انگلیس که متحد هم بودند اشغال گردیده بود .

همچنان لوی جرگه سال ۱۳۴۳ که قانون اساسی جدید یا بزرگترین و امید بخش ترین دوره زندگی سیاسی و اجتماعی مملکت را به تصویب رساند . در مورد هر کدام از جرگه‌های بزرگ ملی مفصل بحث خواهیم کرد .

و هر گاه حکومتی در رأس مملکت قرار داشته است که رئیس و اعضای آن اشخاص فرومایه ، خائن و آله دست دشمنان شرف و ناموس وطن بوده اند حیثیت مردم ، آبروی مملکت ، تاریخ و ارزش‌های ملی آن را بیازی گرفته اند ، پس جرگه‌ها هم مانند صدها میراث ارزش مند دیگر ملی آله دست اشخاص وطن فروش ، بی وجدان و دهن بین دشمنان وطن شده و انسانهای بی ارزش گم نام ، که فاقد شعور وجدان وطن خواهی و فاقد ادراک ارزش‌های مهم ملی و فاقد پایه مردمی بوده اند بنام اعضای جرگه جمع کرده شده اند تا بتوانند تنها و تنها از نام این میراث بزرگ ملی و تاریخی کشور به نفع خیانت‌ها و رسوائی‌های خود استفاده کنند مانند جرگه جبهه ملی پدر وطن در سال ۱۳۰۶ هـ ش تحت نظر روس‌ها در کابل و جرگه سال ۱۳۶۴ هـ ش تحت اثر حکومت کموتستی دست نشانده روس‌ها در کابل که در مورد هر کدام آنها جهت آگاهی خوانندگان محترم معلوماتی تقدیم خواهیم کرد .

طوریکه پیشتر اشاره شد جرگه‌های بزرگ ملی درحالاتیکه به سرنوشت مملکت ، مسایل ملی و عمومی مردم و مصالح علیای مملکت ارتباط داشته دائرگردیده است . علماء ، روحانیون ، دانشمندان و بزرگان قوم و خیر اندیشان جامعه که درمیان مردم شهرت نیک داشته احساس مسئولیت میکردند ، بیعت اعضای لوی جرگه رسماً از طرف پادشاهان باسناد فرامین و یا انتخاب و معرفی مردم به مقامات

حکومی انتخاب و بمرکز مملکت اعزام میشدند .

یکی از<sup>(۱)</sup> نویسندگان در باره اعضای لوی جرگه‌های افغانستان چنین

میر . . .

«لوی جرگه شامل مردم برجسته ، قبایل ، دهات ، ولایات بوده ، آنها مردم  
با ن و با نفوذ ملت بودند» . خلاصه هرکس بحیث عضو لوی جرگه انتخاب  
شده میتوانست تا از اعتبار مردمی و داشتن صلاحیت تصمیم گیری و برا زندگی  
دوستان مردم برخوردار نمی بود .

-رین نوشته‌ها بر علاوه لوی جرگه هائیکه در طول ۶۴ سال اخیر  
در مملکت ما دائر شده بعضی جرگه‌های مهمیکه در تاریخ کشور ما در مواقع  
حساس دائر شده و فیصله‌های هم می کرده اند نیز تذکار میدهم .

۱- روابط سیاسی افغانستان در نیمه اول قرن بیست . روابط با روس ، انگلیس  
و جرمنی .



## بخش دوم جرگه‌های باستانی

سبها «مجلس یا جرگه» :

مردم افغانستان در هر عصر و زمان دارای این خصوصیت بوده اند که کارهای مهم قومی، محلی و ملی را در مجالس، محافل، جرگه‌های قومی حل و فصل کرده و از ابتدائی‌ترین دوره‌های زندگی تا زندگی قبیله وی، ده نشینی و نسبتاً شهرنشینی این خصوصیت را همیشه حفظ کرده و مشوره و تبادل نظر همواره مورد توجه مردم مملکت ما قرار گرفته است. مجالس و جرگه‌ها نظر به اوضاع و حالات اجتماعی و قبیله وی تفاوت داشته گاه به شکل کوچک و محدود و گاهی به پیمانه وسیع تشکیل می‌شده است.

این خصوصیت را از همان آوان که آریائی‌های باختری از زندگی گینه داری و رمه داری داخل مرحله حیات قبیلوی شدند حائز بوده و دست به تشکیل جرگه‌ها و مجالس زدند که «سبها»<sup>(۱)</sup> (Sabha) بمعنی مجلس یا جرگه یاد می‌شود.

سبها (مجلس) که در قریه تشکیل می‌شد در آن رویدادهای کوچک اجتماعی و سیاسی قریه حل و فصل می‌گردید و برای اجلاس آن اطاق معین وجود داشته است که همه مردم قریه اشتراک می‌کردند. سبها در زبان قدیم آریائی مجلس می‌باشد. چنانچه تا حال این کلمه و بسیاری کلمات قدیمی دیگر در زبانهای هند و پاکستان معمول است. امروز در هندوستان مجلس ملی را لوک سبها (مجلس مردم) می‌گویند. و این اسم از قدیم در میان اقوام آریائی معمول بوده و مجالس خود را بنام سبها یعنی جرگه یا مجلس یاد کرده اند.

جرگه سیمتی<sup>(۲)</sup>

طوائف و قبایل آریائی در پهلوی سبها دارای یک نوع جرگه قومی دیگر

۱- تاریخ جرگه‌های ملی نوشته عبدالله «مهربان» بحواله تاریخ قدیم افغانستان.

۲- تاریخ جرگه‌های ملی نوشته عبدالله مهربان.

نیز بودند که بنام سیمتی (Simathy) یاد میشد ولی مانند سبها همه مردم در آن اشتراک کرده نمیتوانستند جرگه قومی سیمتی مخصوص ریشی‌ها<sup>(۱)</sup> (داناایان) غمنا و اعیان قوم بوده است. چنانچه در سرود ریکوید آمده است که «ای اندرا رفقای تو یعنی کسانی که اسبها و عراده‌ها و زره‌ها و دارائی دارند در مجلس سیمتی داخل میشوند.»

ازین سرود ریکوید معلوم میشود که جرگه سیمتی مخصوص طبقه اعیان و بزرگان قوم بوده است که میتوانستند در تعیین سرانجام جامعه سهم فعال داشته باشند.

محققان اهمیت این دو مجلس یا جرگه را در عضویدی یکی میدانستند و عقیده دارند که آریایی‌ها جهت حل مسایل حیاتی همه بالا استثنا شامل این جرگه‌ها می‌شدند ولی بعضی چنان فکر میکنند که این مجالس از هم فراق داشته در جرگه سیمتی شخص پادشاه هم شرکت میکرد حتی انتخاب میشد. چنانچه زیر محقق المانی درین مورد میگوید که:

«شاه در جامعه آریانای قدیم توسط مجلس سیمتی انتخاب میشد.»

ولی طوریکه از سرودهای ویدی برمی‌آید سبها نیز در انتخاب شاه بی تأثیر نبوده است. زیرا در یکی ازین سرودها چنین آمده است «همه مردم مرا به پادشاهی انتخاب کرده اند.» و این نتیجه رای تمام مردم است که در جرگه‌های سبها در قریه‌ها در انتخاب پادشاه خود اظهار رأی کرده‌اند<sup>(۲)</sup>.

چیزیکه درین جرگه دارای ارزش و اهمیت خاص است تعمیم و تطبیق مصوبات جرگه‌های مذکور بوده است. و این عادت قدیم تا امروزی در مردم ما مروج بوده «ظائف خود را بوجه نیکو انجام و نشر شایسته و موثر را در حیات اجتماعی و سیاسی و وحدت ملی مردم وطن ما ایفا مینمایند.»

۱- ریشی‌ها - دانشمندان بودند که بحکم را رهبری می‌کردند

۲- تاریخ جرگه‌های ملی نوشته عبدالله «مهریان».

## جرگه بزرگ مذهبی عصر کنشکا

در قرن ششم قبل از میلاد در نیم قاره هند دیانت بودائی ظهور کرد و کم‌کم  
و به تدریج بمالک همسایه نفوذ نمود .

دیانت بودائی در سرزمین آریانا وقتی زمينه بیشتر ترویج یافت که سلسله  
شاهان کوشانی در سرزمین قدیم ما بتدريج رسيدند .

در عصر کوشانیان در دیانت بودائی تغییرات قابل ملاحظه بوجود آمد و  
چون شاهان مذکور به دیانت بودائی گرویده بودند لذا در ترویج و انکشاف آن  
سعی بعمل می آوردند . چنانچه در دوره کوشانیان بزرگ مخصوصاً در عصر کنشکا  
(۱۲۰-۱۶۰ میلادی) تعدیلات و طریقه نازه دیانت بودائی بوجود آمد که آنرا  
مهایانا (راه بزرگ نجات) میگفتند .

با جلوس کنشکا برمسند سلطنت در اثر تجویز علمای کندها را و کاپیسا زمره  
تعدیل و اصلاح اصول قدیمه این دیانت بلند شد . بمنظور عملی کردن این نظریات  
به امر کنشکا محفل بزرگی مذهبی در شهر کشمیر از مربوطات پایتخت زمسائی  
امپراطوری کوشانی دایر گردید .

این جرگه بزرگ مذهبی که پنجاه نفر از علمای معتبر و راهبین در آن  
اشترک کرده بودند تحت ریاست وازو میترا (Vasou Mitra) که یکتب از  
دانشمندان گدهارا در فلسفه و علوم مذهبی بود دایر شد . درین جرگه بزرگ پارموا  
(Parsva) مشاور مذهبی دربار کنشکا که اهل کندهارا و همیشه با پادشاه در تمام  
نقاط امپراطوری مصاحب و او را در امور دینی رهنمائی میکرد نیز اشترک داشت .  
و نیز ادیب و نویسنده بزرگ عصر کنشکا امواکوسا درین جرگه اشترک داشت  
که تمام گذارشات و فیصله های جرگه بقلم او جمع و تدوین شده بود .\*

\* تاریخ جرگه های ملی ، نوشته عبدالله مهربان به حواله تاریخ قدیم افغانستان

بعداً تمام این تصاویر و مواد به امر کیشکا بر روی لوحه های مسی نوشته شد و آنها را در صندوقهای سنگی نگهداری نمودند و همچنین یک استوپه بزرگ را بمنظور انبار یا ذخیره آنها اعمار نمودند و سلطان یکی از راهبین بزرگ و عالم را که یکساس (Yaksas) نام داشت موظف به مراقبت آنها نمود .

ACKU

## بخش سوم

### جرگه‌های محلی و منطقوی ملی

جرگه سال ۳۶۶ هـ ق مطابق ۹۷۷ م شهر غزنی :

این جرگه بزرگ و تاریخی در شهر باستانی غزنی بنا بر ضرورت و لزوم دیدم  
اراکین دولت و سران میپاه معتقد گردید و در نتیجه آن ناصر الدین سبکتگین  
شخص لایق و کاردان بخت پادشاه انتخاب شد. این شخص مؤسس سلطنت غزنویان  
و مصدر کارهای مهمی در تاریخ افغانستان گردیده و نام جاویدان در تاریخ مملکت  
بیادگار گذاشت. مؤرخین هر کدام به نوبت خود آمدن الپتگین به غزنی و وقوع  
این حادثه مهم تاریخی را برشته تحریر در آورده اند، که اینک روایات تاریخی  
و اظهار نظر هائیکه در مورد استقرار الپتگین و تشکیل سلطنت غزنویان شده  
بطور مختصر یاد آوری میکنیم. از جمله استاد خلیل الله خلیلی در اثر تاریخی اش  
بنام سلطنت غزنویان چنین نگاشته است :

«سلطنتی که نفوذ آن به دو طرف خاک افغانستان بر شرق و غرب مستولی  
شد، بدست الپتگین سپه سالار جنگجوی امرای بنی سامان در حدود سالهای ۳۵۱  
و ۳۵۲ در غزنی بنیاد نهاده شد. ولادت الپتگین در حدود ۲۶۷ ق واقع گردیده  
و بعد از من رشد و بلوغ در زمره غلامان احمد پسر اسمعیل سامانی داخل و در  
ذیل محافظین شاهی منسلک گردید. وی را نصر پسر احمد آزاد نمود و نوح پسر  
نصر بفرماندهی دسته از افواج خود مقرر گردانید و متدرجا در اثر لیاقت و  
هوش ممتازیکه داشت برتبه حاجب الحجابی ارتقا جست. نوح وفات کرد و الپتگین  
در دربار عبدالملک قدر و منزلتی بسزا یافت و در پیشگاه شهریار جوان سامانی  
نفوذی به کمال حاصل نمود، در رمضان ۳۴۵ هنگامیکه بکرین ملک فرمانده  
افواج خراسان به بخارا حمله آورد سپهسالار الپتگین وی را از پا در انداخت و  
مقتولش ساخت. هنرمندی و نیروی الپتگین و دسیسه درباریان عبدالملک را بران

داشت تاوی را از بخارا به بلخ تبعید و حکومت آنجا را بد و تفویض نماید» .  
 اما حکومت بلخ چنانچه باید مایه تسکین و قناعت سپهسالار نشد و در قبال نظر بلندش کوچک آمد . عبدالملک بهراس اندر شد و وی را به سرداری سپاه و حکومت خراسان گماشت . سرداری سپاه خراسان در ۳۰ ذی الحجه ۳۴۹ بوی نامزد گردید هنوز الپتگین در خراسان حکومت داشت که عبدالملک امیر سامانی در شوال ۳۵۰ قی بدان سرای شتافت . بر سر وفات امیر عبدالملک ابو علی بلعمی که از دوستان الپتگین بود نامه انشاد کرد و از وی مشوره خواست تا معلوم کند الپتگین بجا نشینی سلطنت کرا میخواهد و رای او درین باب باکیست . الپتگین نگاشت که شایسته سلطنت پس از عبدالملک فرزند صغیر اوست زیرا برادر امیر بازچه نفوذ درباریان و دستخوش اغراض بیگانگان است و او را برای تأسیس مبانی سلطنت خراسان که وی در نظر داشت کافی نمیدانست اما کارها دیگرگونه شد .

در پای تخت اقداماتی بازگونه بعمل آمد . یعنی بجای اینکه سلطنت را بر پسر صغیر عبدالملک مقرر دارند برادر او را به پادشاهی برداشتند . الپتگین ازین حادثه بهم برآمد و آشفته خاطر گردید و بران شد که تصمیم خود را از راه قوه و شمشیر بکار اندازد و سلطنت عبدالملک را که پادشاه و ولی نعمت مهربان او بود هر نوع باشد به پسرش مقرر دارد . درین کار از دوست خود ابو منصور که قبل از وی فرمانده سپاه خراسان بود و اکنون حکومت طوس داشت یاری خواست و باوی پیمان درست کرد و اعتماد نمود و او را به خراسان گماشت و خودش در ذی قعدة ۳۵۰ راه بخارا پیش گرفت .

امیر منصور اهمیت مسئله را ملتفت شد و ابو منصور را هر نوع بود از الپتگین گردانید و ولایت خراسان را بدو مقرر داشت تا او راه رود آمویه را بر الپتگین بر بندد .

چون اردوی الپتگین بر ساحل آمو رسید وی از دو جانب خطر را متوجه خود دید به هراس افتاد حتی از توطئه در اردو گاه خویش نیز مشتبه شد . (زیرا امیر چند تن از صاحب منصبان او را با خود همدمت کرده بود) .  
 الپتگین در اثر حدوث این و قایع ناگوار از حمله بر بخارا مایوس شد و

اردو گاه خود را آتش زده به بلخ بازگردید . امیر منصور قشونی بالغ بر (۱۲۰۰۰) سوار بقول گردیزی بسرکردگی بدهاخ و بقول نرشخی بسرکردگی اشعث بن محمد به تعقیب او فرستاد .

هر دو لشکر در نیمهٔ ربیع الاول ۳۵۱ ق در حدود ذره (خلم) مصادف شدند و مصادف دادند با آنکه با الپتگین بیش از هفتصد تن نبود و سپاه دشمن چندین برابر او بودند فیروزی نصیب لشکریان الپتگین شد ، تنی چند از سرداران سپاه اشعث اسیر و مامای امیر منصور نیز دستگیر گردید . حمد الله مستوفی سالار این لشکر ابو الحسن سیمجور را نگاشته ولی این قول تایید نمیشود. ازین فتح درخشان به بعد الپتگین بران شد که جانب غزنه حرکت نماید و بیاری باشندگان این سرزمین ها که خواهان استقلال سلطنت بودند حکومتی مستقل و جدید بپا دارد و عهد اطاعت سامانیان را فسخ نماید . الپتگین چندی در طخارستان مانده به غزنه آمد . در آن وقت ابوبکر لایک که از امرای محلی است حاکم غزنه بود بعضی نام او را ازوک مینویسند . الپتگین با وی مصادف داد و بعد از چهار ماه محاصره بقولی لایک را مقتول و بقولی صحیح تر منهزم نموده غزنی را به تصرف خود در آورد و در آنجا پادشاهی خود را اعلان نمود . شنیدن این خبر در دربار بنی سامان تولید اضطراب نمود و موجب خشم امیر منصور گردید و او را بر آن آورد که سپاهی مرکب از بیست هزار تن به درباری ابو جعفر به غزنی بفرستد ولی این سپاه هم مصدر کاری شده نتوانسته و از امیر الپتگین شکست فاحش یافته هزیمت کردند امیر منصور چون وضعیت را دیگر گونه دید مجبور شد برای حفظ شئون خود و جلوگیری از وقایع ناگواری که پیش بینی میشد با الپتگین از در مصالحه پیش آید و حکومت قله و مفتوحه اش را بدو مسلم داشت الپتگین در ۲ شعبان ۳۵۲ ق زندگانی را پدرو گفت .

تاریخ عتبی تحت عنوان ذکر امیر ناصر الدین سبکتگین و مبداء کار او شرحی دارد آن قسمت که با آمدن الپتگین به غزنی ربط دارد چنین ذکر شده است ( . . . . . ابو الحسن خازن گفت امیر ناصر الدین در عهد سلطنت منصور بن نوح سامانی با ابو اسحاق بن<sup>(۱)</sup> الپتگین که صاحب جیش خراسان بود بخدمت تخت

۱- سبکتگین غلام آزاد کرده الپتگین بود . خود الپتگین صاحب جیش خراسان بود نه کدام پسر او (نویسنده) .

او رسید به خزارا موسوم به حجابت او و مدار کوز و حل و عقد اشباع و حذب و اشباع و حشم به و مقروض بسود و ارکان دولت و احقاند آن حضرت بنفسم او در کفایت و کیاست معترف و از انوار عنایت و هدایت او در تعاریف امور ملک مقنن و معترف . چون ابو اسحاق ابن البتگین را بغزنه فرستادند<sup>(۱)</sup> و ایالتان بهد و باز بستند زمام ترتیب و تدبیر آن اشغال و تقریر آن اعمال بر رای رزین و اندیشه صائب و فکر ثاقب ناصر الدین سبکتگین سپردند . و چون ابو اسحاق به غزنه رسید بمدت نزدیک سپری شد و دعوت حق را اجابت کرد و در دودمان او کسی نبود که شایستگی پادشاهی داشتی ، انصار و اعوان و آزاد و بنده او محتاج گشتند بکسی که سرداری ایشان را مترشح باشد و هرکسی که اختیار کردند بر محک تجربه عیاری کامل نداشت تا همگان مجتمع الهمه و متفق الکامه شدند که اهلیت و استحقاق سروری و خصائص مهتری جز ناصر الدین سبکتگین را نیست و باتفاق بر ریاست و سرداری او رضا دادند و بر کفایت و ریاست او عهد بستند و بیعت کردند و امیر ناصر الدین همگان را در کنف رعایت خویش گرفت و بمصالح و مباح<sup>(۲)</sup> همه قیام نمود و در حق هر یک بر وفق حال و فراخور احوال و مراتب او تقریر اقطاع و ترتیب معاش فرمود پس روی بجهاد کفار و قمع اعدای دین آورد و ناحیت هندوستان که مسکن دشمنان اسلام و معبد او<sup>(۳)</sup> و اصنام بود دارالغزو ساخت و همواره بر آن اطراف و اکناف می تاخت . . . . .

و تاریخ غزنویان تالیف کافر ادسوند باس ورت Clifford Admond  
Bosworth ترجمه حسن انوشه در مورد آمدن البتگین به غزنی چنین نگاشته است :

۱- ابو اسحاق ابن البتگین یعنی ابراهیم ابن البتگین که از ابو علی لایو یک سردار ابوبکر لایو یک امیر محلی غزنی شکست خورد و به بخارا رفت . امیر منصور سامانی با ابراهیم مدد کرد و سال بعد او را با لشکر فراوان بغزنی فرستاد . ابوعلی لایو یک شکست خورد و ابراهیم دوباره بسلطنت غزنی نشست . و بعد در ۲۵ ذی قعدة سال ۳۵۵ هـ - ق وفات یافت .

۲- مباح جمع منهج بمعنی راه راست ، راه آشکار ، راه بیدر و کشاده

۳- او<sup>۳</sup> او<sup>۳</sup> بمعنی بتها .



الپتگین با نیروی کوچکی از غلامان خاص خود و عازیان همراه افتاد، بنا به گفته سیاست نامه صفحه ۱۲۹ نویسنده غلام و هشتصد غزازی، بنا بر مجمع الانساب شیکره هفتصد غلام و دو هزار و پنجاه همراه تا جیک با او بودند، بر سر راه خود شار بامیان و پادشاه هندو شاهی کابل را مغلوب ساخت، و پس از چهار ماه محاصره دژ غزنی را از ابوبکر لاویک بیرون کرد. بنا بر روایت جوز جانی الپتگین بدریافت منشوری از منصور بن نوح سامانی خود را در غزنی سامان داد. اما سیاست نامه خاطر نشان میکند که اردویی از بخارا بسرکردگی ابو جعفر برای سرکوبی الپتگین گسی (گسیل) شده بود. . . . .»

و نیز چنین آمده است: الپتگین از غلامان ترکی زبان دربار سامانی از جمله افراد اردوی شاهی بود. این شخص لایق و کاردان بزودی در اثر لیاقت و کردانی اش بحیث افسر گارد شاهی تعیین گردیده. و بعد از کمی برتبه بزرگ حاجب الحجاب تعیین شد. در سال ۹۵۶ میلادی بحکومت بلخ تعیین شد. در سال ۹۵۹ میلادی سپه سالار (صاحب جیش) اردوی سامانی و والی تخارستان (افغانستان شمالی) تعیین شد و در دولت سامانی این بزرگترین مقام بود. در سال ۹۶۰ میلادی عبدالملک سامانی در بخارا فوت شد. الپتگین به وزیر دولت سامانی ابوعلی بلعمی نوشت (که فرزند عبدالملک را به پادشاهی بیعت کنند در حالیکه درباریان منتفذ به برادر او منصور سامانی بیعت کرده بودند). روایت دیگر اینست که: «بعد از فوت عبدالملک اراکین دولت از الپتگین مشوره خراستند که برادر عبدالملک را به پادشاهی قبول کنند یا پسرش را؟ الپتگین قرار فوق نوشت که پسرش مستحق میباشد در حالیکه قبل از رسیدن نامه الپتگین به بخارا برادرش منصور را به پادشاهی برداشته بودند». لذا وضع بهم خورد و الپتگین حسب معمول دربار ثرفت تا به اصطلاح آنوقت مشور تازه نماید و عزم جهاد به هند کرد. امیر منصور پادشاه جدید سامانی در سال ۹۶۱ م سپاهی جهت سرکوبی سپه سالار به بلخ سوق نمود. الپتگین سپاه سامانی را در تنگی خلم و صیاد شکست داد و خود جانب قلب افغانستان «غزنی» حرکت کرد و غزنی را بزور شمشیر از ابوبکر لاویک حاکم غزنی گرفت و باین صورت در سال ۹۶۲ م در غزنی اساس یک حکومت محلی را گذاشت. پادشاه سامانی بعد از شکست خلم به سدارا پیش آمد و فرسار

حکومت خراسان را به البتکین فرستاد، البتکین در سال ۶۶۴ م فوت شد و حکومت غزنی بدست پسرش ابراهیم و بعد از فوت او بدست افسران او بلکاتکین و پرتکین افتاد. آنها ۱۲ سال یکی پی دیگر حکومت کردند ولی حدود حکومت شان از علاقه غزنی تجاوز نمیکرد. حتی گردیز در پهلوی غزنی حکومت محلی جداگانه داشت<sup>(۱)</sup>.

بهرحال البتکین بقرار شرحی که ذکر شد بغزنی آمد و اساس حکومت مستقل را درین دیار گذاشت<sup>(۲)</sup>. پس از فوت او پسرش ابراهیم و بعد از او بلکاتکین و بالاخره پرتکین بقدرت رسیدند.

«پرتکین<sup>(۳)</sup> شخص سفاک و ظالم بود مردم از مَم او برآشفته بوعلی لایک

۱- افغانستان در مسیر تاریخ.

۲- بوری تکین هم آمده است.

۳- در مورد رفتن البتکین به غزنه تاریخ بخارا تالیف ابوبکر محمد نرشخی روایت دیگری دارد قرار ذیل:

و سپهسالار البتکین در نیشابور بود. چون خبر وفات امیر رشید به او رسید قصد (حضرت) کرد، تا امیر سدید را بگیرد. و امیر سدید لشکر فرستاد، و چون به جیحون رسید خواست که بگذرد نتوانست گذشتن، از آنکه لشکر بسیار آمده بود. خواست که باز گردد و به نیشابور رود با ولایت خود، امیر سدید نامه کرد به محمد بن عبدالرزاق به نیشابور تا او را نکارد که به نیشابور در آید. البتکین خبر یافت دانست که به نیشابور نتواند رفتن، همچنان از آب جیحون بگذشت و به بلخ رفت و بلخ را بگرفت، و خلاف ظاهر کرد.

امیر سدید اشعث بن محمد را فرستاد، و با البتکین حربها کرد. و باخر البتکین را از بلخ بیرون کرد. البتکین به غزنه رفت اشعث بن محمد بر اثر وی به غزنه رفت، و آنجا نیز حربها کردند، و دیگر بار البتکین از پسر وی به هزیمت شد، و باز به بلخ گریخت. و باز امیر سدید او را امان داد، بعد از خلاف و حرب بسیار به خدمت آمد.

را به پادشاهی دعوت نمودند، ابوعلی لایبک باتفاق پسر پادشاه کابل بغزنی حمله کردند. ولی سبکتگین در حصه چرخ با پنجمصد نفر غلامان خود راه را بر آنها گرفت و مصاف داد. ابوعلی لایبک و پسر شاه کابل هر دو اسیر و مقتول شدند. غزنویان پریتگین را خلع و سبکتگین را به پادشاهی برداشتند. (۲۷ شعبان ۳۶۶ هـ - ق) (سلطنت غزنویان استاد خلیلی).

## تشکیل جرگه و انتخاب سبکتگین بحیث پادشاه

در اثر برانندگی اوضاع مملکت اراکین دولت و سران سواد تصمیم گرفتند تا شخص ذی‌بیتی را بحیث پادشاه انتخاب کنند تا مهمات مملکت‌داری و امور حیات را سر و سامان بدهد. همان بود که در سال ۳۶۶ هـ ق - ۹۷۰ میلادی در شهر تاریخی غزنی جرگه‌ای را دائر و پس از غور و مذاکره در اطراف امور مملکت سبکتگین غلام آزاد کرده و داماد الپتگین را که شخص با لیاقت و کفایت بود و از هر نگاه مورد اعتماد سران ملک (نظامی و ملکی) بود بحیث پادشاه انتخاب کردند این شخص دلاور، با تدبیر و کردار (سبکتگین) مؤسس دولت مشهور غزنویست که خود او و بعد از او محمود پسرش خدمات شایانی در ترویج دیانت و فرهنگ اسلامی انجام دادند. در اثر مشوره و مذاکره این جرگه سبکتگین که تا آنوقت در جمله اراکین درجه اول هم نبود مورد توجه واقع گردید و برحق به پادشاهی برگزیده شد.

سبکتگین عنوان امیر خراسان اختیار کرد و بلافاصله ایالت بست را از بمای توزیان حاکم محلی گرفت و ادیب و دانشمند مشهور بست (ابوالفتح بستی) را به دبیری خود تعیین کرد. و متعاقباً قصدار را در بلوچستان فتح کرد. و در سال ۹۸۶ با دولت برهمن شاهیان کابلستان جنگ کرد و ایالت لغمان را بگرفت و به اشاعه دین اسلام پرداخت.

سبکتگین دامنه فتوحات خود را از لغمان به طرف مشرق توسعه داد و در نقاط مفتوحه دیانت اسلام رایج می‌شد.

خلاصه در نتیجه مذاکره و مشوره این جرگه سران لشکری، اراکین و امرای ملکی از میان همه بزرگان ملک که در جرگه اشتراک داشتند سبکتگین را بحیث پادشاه خود انتخاب کردند از بزرگان مملکت در مقابل تصمیم جرگه کسی اعتراض نکرد. و سبکتگین در آینده مصدر خدمات عظیم و ارزنده به مملکت و اسلام گردید.

## جرگه سال ۱۰۸۸ هـ مطابق سال ۱۷۰۹ م قندهار

### فعالیت‌های سیاسی میرویس هوتکی

قبل از آنکه هدف تشکیل جرگه بزرگ (مانجه) (۳۰ میلی شال شرقی شهر قندهار) و نتیجه آن تذکار یابد لازم است قدری از اوضاع آن وقت و سابقه ظهور میرویس هوتکی یاد آوری گردد.

شاه حسین صفوی<sup>(۱)</sup> که در سال ۱۰۹۴ پادشاه ایران شد، گرگین خان نرجستانی را بحکومت قندهار تعیین نمود. این شخص در قندهار به شدت و عصبانیت حکومت کرد. درین وقت میرویس هوتکی وارد صحنه گردید میرویس خان بیث کلانتر شهر از مظالم گرگین شکایات مفصل با مضای خود و روشناسان بدربار شاه حسین ارسال کرد. در یار صفوی به شکایات مردم رسیدگی نشد. در عوض گرگین از جریان آگاه شده میرویس را از کلانتری معزول و با یک تعداد از امضا کنندگان آن شکایت نامه تحت الفاظ به اصفهان روان کرد.

میرویس که در اصفهان تحت نظارت بود توانست خود را بپوشد کند و در حالیکه شاه و صدر اعظم را بخود خوش بین کرده بود اجازه سفر حج گرفت. او در حجاز بنام مردم مسلمان افغانستان از علمای آنجا استفتای کرده و فتوای حاصل کرد که بموجب آن مردم حق داشتند در مقابل پادشاهی که خلاف شرع رفتار کند قیام کنند.

هاجی میرویس حین بازگشت به قندهار هر جا قبیله، خان و ملاتی دید فرود آمد و از فساد دربار صفوی و لزوم اقدام برای آزادی سخن راند و فتوای علمای حجاز را بحیث سند معتبر دینی به آنها نشان داد. میرویس اتحاد قبایل و خانها و علما را توصیه میکرد و همه را منتظر روز اقدام عمومی در قندهار میساخت.

۱ - افغانستان در مسیر تاریخ.

مردم قراه ، سیستان و قندهار اعم از تاجک ، هزاره ، پشتون و بلوچ همه او را بصفت رهبر آزادی خواه خود شناختند . و تئیکه میرویس به قندهار رسید با گرگین ظاهرداری میکرد و در باطن با روسای قبایل در داخل و خارج شهر مشغول مذاکره و طرح یک قیام عمومی بود . این فعالیت‌های مداوم و عاقلانه میرویس تا سال ۱۷۰۹ م طول کشید .

### تشکیل جرگه و آغاز فعالیت جدی و موثر

میرویس همچنان فعال بود کارها را با مذاکره با سران قبایل و علما سربراه و بالاخره جرگه بزرگ و مخفی در موضع (مانجه) (۳۰ میل شمال شرقی شهر قندهار) دایر شد . درین جرگه بزرگ ملی قرار قطعی اتخاذ گردید که گ گین از بین برده شود و آزادی اعلان گردد . درین جرگه وظایف رهبران و قبایل متعلقه شان تعیین شد تا برای حفظ آزادی و مقابله با هرگونه پیش آمد نظامی دولت صفوی آماده گردند .

با اثر حسن نیت ، از خودگذری و کوشش خسته‌گی ناپذیر حاجی میرویس این جرگه با خوشی رهبری او را پذیرفتند . خصوصیت بارز این جرگه تاریخی آن بود که برعکس سابق رؤسای قبایل ابدالی ، غلجائی ، تاجیک ، هزاره و اوزبک بشمول علمای متنفذ بحیث قوه واحد ملی متشکل گردید . از جمله مشاهیر شاملین جرگه اینها بودند : میرویس خان ، یحیی خان ، برادر میرویس محمد خان معروف به حاجی انکو برادر زاده میرویس یونس خان کاکر ، نورخان بریخ ، گل خان بابری ، عزیز خان نورزئی ، سید ال خان ناصری ، بابو جان بابی ، بهادر خان ، یوسف خان و ملا پیر محمد معروف به مباحی و غیره . مؤرخین میگویند مقررات این جرگه بازاری و اختصای کامل عملی گردید . برای این که قوای گرگین به هر طرف سوق و تقلیل یابد مصلحتاً یکی از روسای بلوچ از دادن مالیه انکار کرد و گرگین قطعات نظامی به تیرین اعزام کرد . متعاقب آن کاکرها در ارغستان از دادن مالیات انکار کردند . و گرگین شخصاً بغرض تنبیه آنان از شهر خارج شد درین وقت او را شب در منزل «ده شیخ ارغستان» در باغی پذیرائی کردند ، در ساعات نیم شب حاجی میرویس با افراد آماده‌اش با و حمله کرد . گرگین با اقرار گارد و عساکر معیّی اش کشته شد . میرویس خان بدون توقف بجانب شهر تاخت و شهر را

تصرف کرد سپاه باقیمانده گرگین در داخل شهر تارومارو قردا حکومت مستقل ملی در قندهار اعلان شد. سال (۸۸۰ هـ مطابق ۱۷۰۹ م) و تمام دری زبانان، تاجیک هزاره، اوزبک و بلوچ با پشتو زبانان در مقابل خارجی در یک صف واحد قرار گرفتند<sup>(۱)</sup>.

یک بار دیگر دیده شد که این جرگه بزرگ و مهم تا چه اندازه در بر آوردن اعمال ملی موفق گردید آنچه دستی میتوانست آشکارا و مخفی کار کند و تفرقه ایجاد نماید و نه حزبی وجود داشت که به طرفداری از اعضای خود دیگران را تخریب کند و نه دست پیکانه که با صرف پولهای گزاف در میان مردم تفرقه ایجاد کند بلکه آنچه در فکر منافع ملی، خیر و صلاح مردم و آزادی از سلطه بیگانه بودند نه در فکر دیگری اینست که رازهای مهم شان از دشمن نهفته بماند و پلانههای ملی آنان بجا و بموقع تطبیق میگردد.

حاجی میرویس خان هوتکی در جرگه بزرگ «مانجه» قندهار بخت رهبر مردم انتخاب شده بود، در سایه اتحاد و باهمی اقوام مختلف، خوانین علما قدرت گرگین را در هم شکست. جرگه قیادت و اختیارات را به میرویس سپرده بود و علما هم بعد از خواندن فتوای علمای مکه مکرمه و مدینه منوره با میرویس همنوای بودند. میرویس خان توانست تمام خوانین را در گرد مفکوره حصول استقلال ملی متحد و متفق نگهدارد:

(۳) «سکه زد بر درهم دارالقرار قندهار»

«خان عالی شاه عادل میرویس نامدار»

۱- افغانستان در مسیر تاریخ تألیف میر غلام محمد (غبار).

۳- این فرد سجع سکه طلائی است که در وقت میرویس خان ضرب زده شده و در موزیم ملی عراق موجود است. «یادداشت استاد خلیلی»

## جرگه سال ۱۰۹۶ هـ مطابق ۱۷۱۷ م شهر هرات

با استفاده از تجارب ارزشمندیکه از جرگه‌های گذشته بعمل آمده ، مردم تشکيل اين جرگه‌ها و مشوره در مسايل ملي را مهم تلقی کردند و حقیقتاً جرگه‌ها برای جلوگیری از بروز احساسات خصمانه و فرو نشاندن خشم‌های ناشی از حمود خواهی ، جاه طلبی و غرور قومی و ملی خیلی‌ها مؤثر و مفید واقع گردیده است .

یک جرگه مهم دیگر ازین نوع جرگه‌ها که در یک موقع حساس تاریخی وطن دائر شد جرگه سال ۱۰۹۶ هـ (۱۷۱۷ م) هرات بود که حکام و روسای حکومت را در اجراءات شان بدمستی و کفایت لازم رهبری کرد . برای اینکه درباره جرگه و فعالیت‌های آن تشریح نگاشته شود ، سوابق مختصر تاریخی و وضعیکه در آنوقت در هرات مستولی بود یاد آوری میشود .

بعد از آنکه مردم قندهار تحت رهبری حاجی میرویس خان و تصمیم جرگه «مانجه» قندهار ، گرگین و عساکر معینی او را از بن بردند ابدالی‌های قندهار عبدالله خان ابدالی را برای ریاست قبيله خود از ملتان خواستند (۱) عبدالله خان که شرایط را مساعد دید با ایل خود به قندهار آمد و امور محلی و سرپرستی قوم خود را بدست گرفت این شخص اتحاد اقوام را که قبلاً بعمل آمده بود مهم شمرد و با میادست و قدرت میرویس هم‌نوا شد . بعد از فوت میرویس عبدالعزیز این کفایت را نداشت که بتواند این اتحاد را حفظ کند . لذا عبدالله خان با ایل خود در سال ۱۰۹۵ هـ از قندهار به هرات رفت .

اما حکومت صفوی هرات که وقایع قندهار پسرکردگی میرویس خان را پیشم دیده بود نمیگذاشت آن وقایع تکرار شود . لذا عبدالله خان را با پسر جوانش محبوس نمود . در عوض مردم هرات قیام کردند و عباس قلی والی صفوی هرات را از کار برکنار کردند . دولت صفوی که بعد از قیام قندهار بهراس افتاده بود با عجله



جعفر خان را بحیث والی هرات بغرض حفظ امنیت اعزام کرد. پیش از آنکه جعفر به هرات برسد عبدالله خان توانست به کمک مردم از محبس فرار کند. او سر راست به اسفزار رفته قوای پراکنده ابدالی‌های آنجا را جمع کرد و بالای قلعه اسفزار حمله کرده آنرا اشغال نمود. و بعد از تشکیل یک قوه مسلح باستقامت هرات حرکت کرد، او جعفر خان حاکم صفوی هرات را در خارج آن شهر شکست داد و شهر را محاصره کرد بالاخره قوای دولت صفوی را از شهر اخراج و حکومت ملی هرات را اعلان نمود. (۱۰۹۶ تا ۱۱۱۰ ه. مطابق ۱۷۱۷ تا ۱۷۳۱ م).

### اقدام به تشکیل جرگه

در سال ۱۷۱۷ م حکومت ابدالی هرات تشکیل شد عبدالله خان از طرف تمام روسای قبایل ابدالی و خان‌های سایر اهالی هرات بریاست حکومت پذیرفته شد عبدالله خان نیز عینده ملی را مراعات و جرگه دائمی سران قوم را تشکیل نمود. این جرگه تمام امور حکومت را مطرح و نتیجه فیصله خود را توسط رئیس حکومت در محل مورد تطبیق میگذاشت و بمشوره جرگه از جوانان قابل حمل سلاح از اطراف و نواحی هرات یک لشکر دائمی تشکیل داد و جرگه مذکور با اهلیت و توانائی حکومت نو تشکیل را نظم و ترتیب داد و اردوی نسبتاً منظم بوجود آورد.

### دنباله جرگه هرات

در سال ۱۰۹۸ ه. مطابق ۱۷۱۹ م آتش خانه جنگی باز مشتعل گردید. شاه محمود از قندهار به مقصد تسخیر فراه لشکر کشید و اسد الله ابدالی جلو او را در دل آرام گرفت در این جنگ اسد الله کشته شد و شاه محمود دیگر متعرض هرات نشد. بعد از کشته شدن اسد الله عبدالله خان پدرش دل شکسته شد و جرگه هرات زمان خان ابدالی را عوض او رئیس حکومت تعیین کرد.

عبدالله خان محبوس و بعداً (بنا بر روایت افغانستان در مسیر تاریخ) مسموم گردید.

درین وقت دولت صفوی ایران<sup>(۱)</sup> از دشمنی میان حکومت‌های هرات و

۱- لازم یاد آوریم که مردم افغانستان و ایران بحیث برادران هم کیش، هم زبان و همیشه باهم روابط حسنه داشته اند باهم رفت و آمدها داشته در وطن یکدیگر دارای دوستان و خویشاوندان بوده ارتباطها را همیشه حفظ

قندهار مطلع شده و مجدداً قشونی بغرض تسخیر هرات بقیادت صفی قلی خان سوق نمود .

زمان خان رئیس جدید حکومت ابدالی هرات ۱۰۹۸ تا ۱۱۰۱ هـ مطابق ۱۷۱۹ تا ۱۷۲۲) خانها و اشراف هرات را دلجوئی کرد و جرگه را محترم شمرد جعفر خان حاکم صفوی هرات را که محبوس بود در خیابان باغ نوهرات در جواب سوقيات دولت صفوی اعدام کرد و خود با سپاهی در جوار اسلام قلعه کنونی جلو قشون ایران را گرفت . اردوی صفوی را شکست دادند و صفی قلی قوماندان قوای ایران کشته شد و خود زمان خان بهرات برگشت ، و در سال سوم حکومت خود مرد .

بعد از فوت زمان خان اکثریت اعضای جرگه هرات علی الرغم خواستۀ عبدالغنی خان الکوژائی و سائر طرفداران خاندان زمان خان ، محمد خان پسر دیگر عبدالله خان رئیس سابق حکومت هرات را که در علاقۀ شورابک مقام داشت بریاست حکومت انتخاب کردند . او به هرات آمد و حکومت را در دست گرفت (از ۱۷۲۲ تا ۱۷۲۳) .

محمد خان دولت صفوی را از بین رفته و دولت غلجائی قندهار را مشغول امور ایران دید در صدد توسعه حدود هرات برآمد و بدون مشوره با جرگه ابتداء با خراسان کنونی لشکر کشید و شهر مشهد را محاصره کرد . جنگهای حصار ۴ ماه طول کشید ، محمد خان از طرف اداره هرات و رقبای داخلی خود مشوش بود ، بدون اخذ نتیجه قاطع بهرات برگشت و تا وقتیکه بهرات میرسید جرگه هرات معزولی او را از حکومت هرات اعلام کرد .

جرگه در عوض محمد خان ذوالفقار خان پسر زمان خان را بریاست حکومت

← کرده اند .

ولی سلاطین و حکومتها بغرض بر آورده شدن اعمال شخصی و سیاسی خود همه کارها را بنام ملت انجام داده و ملت های برادر را مخالف هم نشان داده اند و وضع گرگین با مردم قندهار در عهد صفویها و جنگهای بعد از آن با مردم هرات در زمان ابدالیها از همین قبیل پیش آمده است .

انتخاب کرد (از ۳۰۳ تا ۱۱۰۴) و او از شورابک به هرات آمد. سال دیگر رحمن خان پسر دیگر عبدالله خان باعده از اتباع مسلح خود وارد هرات شده قضیه خون خواهی پسر مسموم خود را از ذوالفقار خان پیش کشید. این دعوی مسلح ابدالی‌ها را علناً بدو دسته طرفدار خانواده عبدالله خان و طرفدار خانواده زمان خان تقسیم کرد<sup>(۱)</sup>.

### تصمیم قاطع

وقتی که نمایندگان مردم بحیث مسئولین امور عامه یکجا جمع میشوند، اگر مداخلات بی مورد و غرض آلود از طرف صاحب غرضان دولت‌ها بعمل نیاید، در اثر بحث و مذاکره و تبادل تجارب اشتباهات، غلط فهمی‌ها و اغراض شخصی از میان رفته و میلان عمومی حتماً به جانب منافع عامه میگردد. اینک درین مختصر ملاحظه خواهیم کرد که جرگه هرات چگونه در مواقعی که خطر خود پسنیدی و اغراض شخصی منافع عامه و صلاح ملت را تهدید میکرد تصمیم قاطعانه اتخاذ و کسانی را که بنا بر تمایلات شخصی به امور ملی و مملکتی بی اعتنائی میکردند از صحنه دور میکرد.

طوری که در فوق اشاره گردید وجود این دو دسته متخاصم خطر نفاق و برادر کشی و در نتیجه انقراض عمومی حکومت ابدالی هرات را نزدیک ساخت لهذا جرگه در صدد جلوگیری برآمد مدعی (رحمن خان) و مدعی علیه (ذوالفقار خان) هر دو را طرد کرد. ذوالفقار خان را با سکونت در باخرز و رحمن خان را به اقامت در فراه محکوم و اعزام کرد و الله یار خان پسر دیگر عبدالله خان را از ملتان خواستند و بحکومت هرات مقرر نمودند. او از (۴۰۴ - ۸۰۸ هـ) (۱۷۲۵ - ۱۷۲۹ م) زمام امور را در دست گرفت. الله یار خان مرد لایقی بود، ولی خود غرضی‌ها و رقابت‌ها برای او موقع موقتیت نداد. عبدالغنی خان الکوزانی در هرات بنام ذوالفقار خان به ضد الله یار خان قیام کرد و ذوالفقار خان را تحریک کرد تا از باخرز بهرات آمد و جنگ‌های داخلی بین هر دو در گرفت. این جنگ‌ها شش ماه طول کشید. تا مردم از هر دو طرف بیزار شدند و جرگه هرات ذوالفقار خان را بحکومت مورچاق و الله یار خان بحکومت فراه اعزام نمودند. جرگه از تعیین رئیس جدید حکومت نیز خود داری کرد و اداره حکومت را

(بدون آنکه خود جرگه هم رئیس داشته باشد) در دست گرفت . این میسّم اداره بی رئیس چند ماه دوام کرد ، تا آنکه آوازه تشکیلات نظامی شاه طهماسب صفوی و قصد هجوم نادر افشار به هرات مردم و جرگه هرات را تکان داد .

پس جرگه هرات مجدداً الله یار خان را از فراموشی احضار و بریاست حکومت تعیین نمودند و در عوض او ذوالفقار خان را بحکومت فراموشی اعزام نمودند . چون خطر حمله خارجی پیش آمد با اثر تجویز و توصیه جرگه بار دیگر ابدالی ها از خانه جنگی دست کشیدند و آرامش نسبی برقرار گردید . تا اینکه حملات نادر افشار در هرات آغاز شد .

ACKU

## جرگه بزرگ سال ۱۱۲۶ هـ مطابق ۱۷۴۷ م کندهار

یکی از جرگه‌های بزرگ که در نوع خود از موثرترین جرگه‌ها در تاریخ وطن ما میباشد جرگه منعقد در سال ۱۷۴۷ میلادی در قندهار بود که احمد خان ابدالی (احمد شاه بابا) را بحیث پادشاه انتخاب کرد و به تفاق و شقاق و امکان بروز جنگ و برادرکشی در میان مردم خاتمه داد. تفصیل این جرگه بزرگ بحواله «افغانستان در مسیر تاریخ» چنین است :

نادر شاه<sup>(۱)</sup> افشار در سال ۱۱۲۶ هـ کشته شد و اختلال در اردوی بزرگ او پدید آمد قشون افغانی که مرکب از چهار هزار غلجائی و دوازده هزار ابدالی ، تاجک و ازبک بود ، بصوابدید قوماندان عمومی نور محمد غلجائی و احمد خان ابدالی بطرف قندهار حرکت کردند . در قندهار که مرکز تمام اقوام و گروه‌ها بود نور محمد خان به خان‌های غلجائی ، ابدالی ، هزاره و بلوچ و تاجک پیشنهاد کرد که جرگه ای تشکیل و پادشاهی انتخاب شود . این جرگه در سال ۱۱۲۶ هـ (اکتوبر ۱۷۴۷ م) در مزار شیر سرخ در داخل قلعه نظامی نادر آباد منعقد گردید ، مدت نه روز دوام کرد . در طی این جلسات اتفاق آراء ممکن نمیشد ، زیرا موضوع مهم این بود که هر خان مقتدر طالب سلطنت بود ، در حالیکه خان‌های رقیب از قبیل نور محمد خان غلجائی ، محبت خان پوپل زائی ، موسی خان اسحق زائی ، نصرالله خان نور زائی وغیره همدیگر را رد میکردند ، تنها کسیکه درین جرگه راجع به

---

۱- نادر شاه در سال ۱۷۴۷ م در فتح آباد توسط افسران قزلباش و افشار که از ترس جان خود در کمین او بودند کشته شد ، هنگامیکه نادر شاه در فتح آباد (قوچان) او تراق کرده بود به خیمه اش حمله کرده او را کشتند و بنه او را تاراج کردند . ولی قشون افغانی و ازبکی حرم او را از دستبرد افسران ایرانی محافظت کردند . حرم نادر شاه در برابر این حمایت الماس مشهور کوه نور را به قوماندان قطعات ابدالی و ازبکی احمد خان ابدالی (بعدها احمد شاه) اهداء کرد .

خود حرف نمیزد احمد خان ابدالی بوده ، مذاکرات و گفت و شنودها همچنان ادامه داشت و هر کدام ادعای برتری بردیگران داشتند . در ظرف مدت نه روز نتیجه حاصل نه گردید بالاخره در روز نهم طرفین یکنفر عضو جرگه را حکم تعیین کردند که هرکه را او به سلطنت انتخاب کند ، همه به او بیعت نمایند . این شخص یک مرد روحانی بود که به هیچ قبیله ، حتی قندهار تعلق نداشت و او همان صابر شاه نام کابلی پسر متصوف «استاد لایخوار» از اهل کابل بود که طبقات مختلف قندهار باو ارادت و اعتماد داشتند . این صوفی مدبر برخاست و احمد خان ابدالی را بحیث پادشاه معرفی کرد و هم خوشه گندمی را در عوض تاج به کلاه او نصب نمود(۱).

خانهای بزرگ اگرچه خواستند یا نخواستند مجبور به بیعت و تصدیق سلطنت این مرد جوان گردیدند . این است که احمد خان ابدالی به عنوان احمد شاه په پادشاهی کشور اعلان شد .

خوانین و اقوام دیگر به تصمیم این جرگه بزرگ تاریخی احترام گذاشتند و به فیصله آن راضی گردیده آنرا پذیرفتند . واقعا طوریکه در تاریخ اشاره شده خانهای بزرگ دیگر «اگر خواستند یا نخواستند» بان موافقت کردند ، حقیقت اینست که اگر خوانین و بزرگان دیگر قلبا از تصمیم آن جرگه بزرگ ناراضی هم بودند ، با درک حساسیت و نزاکت اوضاع و جلوگیری از تشتت و پراگندگی به آن موافقت کردند اگر نمی خواستند ، اگر نزاکت اوضاع را درک نمی نمودند کار به جنگ و جدال و خونریزی و برادر کشی می انجامید .

سران قوم و خوانین دیگر نیز به قبول آن مفکوره ، شخصیت و وسعت نظر خود را واقعا ثابت کردند و نتیجه مباحثات این جرگه بزرگ در طول نه روز شخصیت بزرگ و برازنده ای را بحیث پادشاه افغانستان در صحنه سیاست مملکت آورد . درود بر روان آن از خود گذشته گان . هرگاه ملت آزاد باشد و جرگه های ملی به آزادی انتخاب و دور از مداخله های بی مورد گذاشته شوند ، مسایلی را به تصویب میرسانند که نتیجه اش به نفع ملت انجامیده ، بی اعتنائی بحقوق مردم ، اغراض شخصی دران راه نمی یابد .

بارها دیده شده است که مردم در سر یک مسئله جزئی مدت ها مناقشه میکنند ولی کاری باین بزرگی وقتیکه بنام یک جرگه انجام می یابد همه مخالفتها یکسو

گذاشته شده ، منافع عمومی خیر و صلاح مردم در نظر گرفته شده اتحاد و اتفاق بوجود می آید .

و اما دیدیم که داؤد خان در شام عمر به سبب چند روز تکیه زدن در مسند قدرت با همدستی دشمنان وطن کودتائی را سربراه کرد و بزعم خودش سلطنتی را سرنگون نمود . نتیجه اقدام خود را پیش بینی کرده نتوانست . او مدت کمی ازین قدرت غم فزا استفاده کرد که بار دیگر پیروان غدار او و وطن فروشان بروسها مقرب تر او را سرنگون کردند و یک باره همه هستی و موجودیت کشور را پامال ملحدان و خدا ناشناسان و غلامان بی اراده کمرن کردند . امیدواریم به نیروی ایمان و همت مجاهدان شجاع مردم ما که هر روز خونهای پاک شان در جهاد علیه تجاوز گران روس و خائنان دست پروده آنها میریزد نعمت بزرگ آزادی وطن ما اعاده گردد .

## جرگه سال ۱۲۵۷ هـ. ق مطابق ۱۸۴۱ م شهر کابل

در سال ۱۸۴۱ م در آستانه شدت جنگ‌های اول افغان و انگلیس مردم از هر گوشه و کنار جمع شده بودند، رهبران جهاد در داخل شهر کابل فعالیت داشته و گاه در یک خانه و گاهی در خانه دیگر جلسه دائر میکردند و ارتباط شان با مردم بیرون شهر کابل برقرار بود. رهبران جهاد همه کارها را بمشوره و درکمال صداقت انجام میدادند.

در جلسه شب اول نومبر ۱۸۴۱ م سردار محمد زمان خان برادر زاده دوست محمد خان را بنام نواب بحیث رئیس تعیین کردند و نائب اسین الله خان لوگری را بحیث نائب او انتخاب کردند.

ینابری روایت افغانستان در مسیر تاریخ (چون اجتماع رهبران جهاد هر روز و هر شب ممکن نبود لذا برای اداره جنگ و صلح یک شورای ۱۲ نفری تشکیل شد که مرکز آن در یکی از کوچه‌های شور بازار کابل بود. این شورای تاریخی توانست هزارها مجاهد داو طلب ملی را تحت نظم در آورد، آذوقه رسانی و باروت سازی تنظیم گردید. برای پراندن برج جنگی بالا حصار نقب زن از پنجشیر خواسته شد. علما در مساجد برای قیام بر جهاد به تبلیغ پرداختند، زنان نان فراوان پخته در سرهایشان به سراز اردو گاه‌های مجاهدین میرساندند).

همچنان جلسه اول نومبر فیصله کرد که از ۱۷ رمضان ۱۲۵۷ هـ. ق مطابق دوم نومبر ۱۸۴۱ م قیام عمومی آغاز شود. میر حاجی در مسجد پل خشتی و علمای دیگر در سائر مساجد جهاد را اعلان کردند. جنگ علیه انگلیس‌ها در شهر کابل، اطراف بالا حصار و غیره نقاط به شدت آغاز گردید.

انگلیس‌ها برای اینکه درمیان رهبران جهاد نفاق انداخته و از آن استفاده کنند بذریعه طرفداران خود جداگانه به هر یک از رهبران جهاد توصل ورزیده و آنها را وعده‌های گوناگون میدادند. رهبران نیز هر کدام بعد از آنکه با نماینده انگلیس در خفا مذاکره میکردند مکتوبها و صورت مذاکرات سری انگلیسها را در جلسه خصوصی برای سائر رهبران افشاء و اطمینان آنها را فراهم میکردند.



هیچگونه مذاکره و گفت و شنود با انگلیسها که از طرف یکنفر صورت میگرفت از سائر رهبران پنهان نمیماند لذا بیکدیگر اطمینان کامل داشتند .

بتاریخ ۲۵ نومبر ۱۸۴۱ وزیر اکبر خان و سردار سلطان احمد خان وارد شهر کابل شده از طرف قوای ملی استقبال شدند . این دو نفر از بخارا وارد بلخ شده و مردم برضد استبدادی انگلیس از وزیر اکبر خان حمایت و پکشدک سواره داو طلب عبارت از شش هزار نفر بدور او جمع شده بودند . او از طریق خلم ، پامیان ، و هزاره جات و غور بند عازم کابل گردید سواران ازین مناطق نیز باقشون او ضم شده میرفتند .

انگلیسها ورود سواران جنگی شمال را همراه سردار محمد اکبر خان و سرازیر شدن جوانان داو طلب جهاد از کوهستان و کوهدامن و غیره اطراف کابل را سیدیدند در داخل و اطراف شهر کابل پیهم مورد حملات مجاهدین و قوای آزادی خواه ملی قرار می گرفتند .

عبار مینویسد «مکاتن بدون واسطه با رهبران ملی داخل مذاکره صلح شد و آنها با شرط تخلیه کابل موافقت کردند که بگذارند قوای انگلیس سلامت از افغانستان خارج شود . مکاتن صورت قرار دادی را تسوید و بذریعہ مگریگر و لارنس باردوی به مجاهدین فرستاد معاهده مذکور دارای ۴ فقره ذیل بود :

۱- قوای انگلیس از افغانستان خارج میشود .  
۲- شاه شجاع خلع و در لودیالنه مقیم میشود و افغانستان سالانه سه صد هزار روبیه برایش معاش میپردازد در عوض اسیر دوست محمد خان باافغانستان اعاده میگردد .

۳- تا انجام تخلیه افغانستان یک نفر از سرداران افغانی در نزد انگلیسها بغرض تهیه آذوقه در بدل پول نقد باقی خواهد ماند .

۴- آینده قشون انگلیس داخل افغانستان نخواهد شد مگر آنکه حکومت دوست افغانستان خواهش کند .

رهبران جهاد فرار داد متقابل ۱۲ فقره ای را که در یکی از جلسات جرگه تسوید کرده بودند برای مکاتن فرستادند این قرار داد شامل شرائط ذیل بود که در ۱۱ دسامبر ۱۸۴۱ مکاتن در یک میدان هموار با نمایندگان ملی ملاقات و مذاکره کرده و قرار داد مذکور امضاً و تبادلہ گردید . این قرار داد در حالی امضاً شده بود که هنوز قوای انگلیس در کابل ، قندهار و جلال آباد مستولی بود . مواد

معاهده مذکور قرار آتی است .

- ۱- شرط اول اینکه بنابر خواهش صاحبان (انگلیسها) سرداران ازین طرف مقرر شوند که افواج صاحب بطرف جلال آباد بروند که در عرض راه سه آنها مزاحمت نرسد ، سرداران ذی الاقتدار سردار محمد عثمان خان و سردار شاه دوله خان مقرر هستند به همراه بروند .
- ۲- شرط دوم اینکه لشکر جلال آباد (قشون انگلیس) پیشتر از رسیدن قوچ کابل (انگلیس) به جلال آباد روانه پشاور شوند و بعد از این معطلی جائز ندارد .
- ۳- شرط سوم اینکه افواج غزنین (انگلیس) بزودی و تعجیل تدارک خودها را دیده از راه کابل (نه از راه قندهار) پشاور بروند تا مل نکتند .
- ۴- شرط چهارم اینکه افواج قندهار و دیگر ملک افغانستان که در او لشکر باشد (لشکرهای انگلیس) بزودی مراجعت به ملک هندوستان نماید .
- ۵- شرط پنجم اینکه مال بندگان امیر دوست محمد خان از توپ خانه وغیره نزد صاحبان باشد همه را واپس مسترد کنند .
- ۶- شرط ششم اینکه آنچه صاحبان از توپ خانه وجبه خانه و باروت و تفنگ علاوه دست پیش وغیره اسبابیکه در اینجا از جهت عدم بارگیری بماند لا کلام به نواب محمد زمان خان تملیک کنند .
- ۷- شرط هفتم اینکه آنچه از عیال شاه شجاع از جهت عدم بارگیری در اینجا بماند در بالا حصار به خانه حاجی خان جای داده میشود ، هر وقت که بندگان امیر دوست محمد خان وغیره مردم افغان با اهل عیال شان در پشاور رسیدند مرخص میباشند که ملک هندوستان بروند .
- ۸- شرط هشتم اینکه افواج صاحبان که در پشاور رسیدند تدارک بندگان امیر دوست محمد خان وغیره مردم افغان را نمایند که با اهل و عیال شان بزودی به کابل برسند بخیریت روانه کنند .
- ۹- شرط نهم اینکه موازی شش نفر معتبر و معتمد صاحبان انگلیس بطریق یرغمل در کابل باشند ، هر ساعتیکه امیر دوست محمد خان و باقی افغانها معه اهل و عیال وارد پشاور شدند بعد از آن مرخص باشند .
- ۱۰- شرط دهم اینکه دو مرتبه (بار دوم) صاحبان انگلیس خواهش ملک افغانستان را به هیچ وجه نکتند و نسلا بعد نسل فی مابین روابط دوستی و اتحاد

مربوط و مضبوط باشد، سرکار افغانستان هرگاه بجهت مدافعت اعدای بیرون امداد بخواهد، سرکار انگلیسیه در تبلیغ آن دریغ و مضایقه نکنند درین صورت سرکار افغانستان به سرکار غیر بدون صلاح سرکار انگلیسیه عهد نکند، هرگاه از آن طرف در امداد قصور بوقوع برسد بعد از آن تخیر میباشد.

۱۱- شرط یازدهم اینکه اگر صاحبی از صاحبان انگلیس بجهت بعضی واقعات رفته نتواند و در اینجا بماند بنا بر خواهش صاحبان، بهمرای او سلوک نیکی و خوبی شود.

۱۲- شرط دوازدهم اینکه از کل توپخانه و خم پاره که دارند شش توپ اسپهی و سه توپ قاطری که جمعه نه ضرب شود همراه برده باقی را بگذارند و به نواب عالی تملیک کنند و آینده خیر و شر دولتین را واحد و متحد دانند، هرگاه جماعه مسلمین و غیره طائفه صاحبان انگلیس درین شرائط و شروط تفاوت و تخلف کنند اهل اسلام در دین و آئین خود و صاحبان انگلیس در طریقه و آئین خود عهد شکن و کذاب خواهند بود و در عالم ملامت میباشد. این کلام بطریق عهد نامه قلمی شد که سند طرفین باشد تحریر ۱۶ ذی القعدة الحرام ۱۲۵۷ (مهرامضا کنندگان افغانی) یا صاحب الزمان نواب جبار خان، غلام محمد خان، خان گل خان، صوفی خان، بابانی، محمد ناصر خان، محمد عثمان خان، نائب امین الله خان، عبدالرسول خان، محمد یار خان، عبدالسلام خان پسر خواجه میر خان (افغانستان در مسیر تاریخ به نقل از مجموع عسکری کابل طبع ۱۳۰۰)، به نقل از نسخه اصلی معاهده محفوظ در موزیم کابل).

طوریکه در فوق ذکر شد این قرار داد را مکناتن امضا کرد و بعد از امضا این معاهده یک مقدار اسلحه مستعمل خود را با دو قلعه جنگی (ریکا و ذوالفقار) در مقابل یکصد و پنجاه من هندی غله به افغانها تحویل دادند، با وصف اینکه ۶ نفر (تریور، راموند، سکتر، شلتن، گرانت و کنولی) را بگروگان داده بودند بازهم در تخلیه کابل بهانه جوئی کرده آنها را به تاخیر میانداختند.

مکناتن که آذوقه بدست آورده بود و پنج هزار عسکر محصور در بالا حصار با اردوی او یکجا شد، سر از اجرای معاهده ۱۲ فقره ای تافت و به دسایس تازه دست زد، این بار خواست با پسر امیر دوست محمد خان یعنی وزیر اکبر خان توصل ورزد، سران جهاد تصمیم گرفتند تا با انگلیسها مذاکره کنند.

بالاخره مکناتن صبح ۲۳ دسامبر ۱۸۴۱ با کیشان تریور، کوتان لارتس، کپان میکنزی و یک قطعه سواره از جهاوتی خارج شده به قلعه محمود خان که محل جلسه تعیین شده بود آمد. وزیر اکبر خان، محمد شاه خان غلجائی، دوست محمد خان، خدا بخش خان، محی الدین خان، نایب مومن غلجائی، چند نفر دیگر در روی یک سنگ نشسته بودند، مذاکره آغاز شد، در اثمای مذاکره مجاهدین وعده خلافتها و عهد شکنیهای انگلیسها را به رخ شان کشیدند. وزیر اکبر خان که سخن گوی این جلسه بود در آخر گفت چون به شما اعتماد نیست لذا تا برآمدن انگلیسها از افغانستان باید نزد ما باشید و امر گرفتاری شان را داد. مکناتن مقاومت میکرد. چون قشله عسکری انگلیس نزدیک بود از خوف حملات انگلیسها و رهائی گروگانها مکناتن و تریور هر دو راکشند. مکنزی و چند نفر دیگر نجات داده شد که بعداً او و دیگران تیز در جنگ و حملات مجاهدیت کشته شدند.

در همین جلسه ۲۳ دسامبر ۱۸۴۱ م تمام سران مجاهدین سردار محمد اکبر خان جوان ۲۴ ساله را بحیث رهبر سیاسی و نظامی خود انتخاب کردند. و کسی اعتراض نکرد که این شخص تا حال در کجا بود او که تازه از بخارا آمده بود بلاد رنگ در صف رهبران پیوست. روز دیگر این جرگه جلسه خود را در منزل محمد زمان یکی از رهبران جهاد دائر کرد. و نتیجه اش جنگ معروف خورد کابل و انهدام در حدود بیست هزار عساکر انگلیس بود که از آنهمه افواج و صاحب منصبان تنها یک نفر داکنر بنام (برائیدن) زنده و نیم جان خود را به جلال آباد رساند.

غرض هر وقت مسائیل عمومی و مهمه پیش آمده و مردم ضرورت شدید احساس کرده اند اقدام به مشوره و تدویر جرگهها کرده بالاخره راهی پیدا کرده اند که منفعت عمومی و آبرومندی ملی را بار آورده است. درین جرگه هم طوریکه ملاحظه میکنید نه کدام حکومت مقتدر وجود داشت و نه قدرتی که بالای رهبران جهاد اثر وارد کند تنها اراده مردم و سران جهاد بود که کارها را سربراه میکرد و نتیجه مشوره و مذاکره بود که کارها بموفقیت انجام می یافت.

حسن نیت، وطن خواهی، صداقت و راست کاری، اجتناب از اغراض شخصی از اعمال و کردار سران جهاد مشهود بود. و این است راز موفقیت و کابلیایی مخصوصاً برای کسانیکه عهده دار مقام زعامت و رهبری میباشند.

## جرگه بزرگ سال ۱۲۴۴ هـ ش مطابق ۱۸۶۵ م)

### عصر امیر شیر علی خان در کابل

یکی از جرگه‌های بزرگ دیگر که در تاریخ افغانستان بنظر می‌رسد جرگه سال ۱۲۴۴ هـ ش میباشد که در عصر امیر شیر علیخان دایر شد .

امیر شیر علیخان که بعد از فوت پدرش دوست محمد خان بسلطنت رسید در سلطنت خود به مخالفت برادرانش مواجه گردید ، هر کدام خواهان سلطنت بودند . این وضع امنیت کشور را مختل میکرد ، امیر شیر علیخان در صدد رفع اختلافات داخلی بر آمد او خواست مخالفین خود را از سر راه بر دارد و امنیت در مملکت تأمین گردد .

امیر شیر علیخان با در نظر داشت اینکه حمایت مردم در تحکیم سلطنت او و تأمین امنیت سهم بسزائی دارد خواست پشتی بانی ملت را جلب و از نیروی ملی و قومی استفاده کرده سلطنت خود را با تأیید مردم استحکام بخشد . لذا با پیروی از رسوم و عنعنات دیرینه مردم افغانستان اقدام به تشکیل جرگه بزرگ (لوی جرگه) نمود .

در سال (\*) ۱۲۴۴ هـ ش مطابق ۱۸۶۵ میلادی بتعداد دو هزار نمایندگان از اکثر مناطق و طوایف افغانستان در شهر کابل جمع آمده جرگه بزرگ ملی را تشکیل دادند .

این جرگه تحت ریاست شخص امیر شیر علیخان با اشترک تمام اراکین دولت دایر گردیده و تصامیم اتخاذ نمود ، تصامیم جرگه توسط فرمان شاهی به اطلاع مردم رسانیده شد ، شاملین جرگه همکاری خود را در مورد رفع مخالفان امیر شیر علیخان و تأمین امنیت در مملکت ابراز داشتند . امیر شیر علیخان توانست با همکاری

(\*) تاریخ جرگه‌های ملی نوشته عبدالله مهربان بحواله شاهان متأخر افغانستان نوشته یعقوب علیخان «صافی» .

سنت مسکلات داخلی را رفع نماید .

در جرگه سال ۱۳۴۴ ش مطابق ۱۸۹۵ میلادی امیر ششیر علیخان بیعت بیش از دو هزار نماینده مردم از اقوام مختلف ترک ، تاجک ، پشتون و هزاره که در شهر کابل گرد آمده بودند در تعیین شهزاده عبدالله ( که ۷ ساله بود ) بیعت ولیعهد گرفت . تصمیم این جرگه او را در برابر برادرانش کمک و سلطنت موصوف را استحکام بخشید .

جریده شمس النهار بگانه نشریه مطبوع و رسمی در افغانستان آنوقت مراسم بیعت ولیعهدی شهزاده عبدالله جان را در شماره دوم سال ۱۳۴۴ ش چنین یادداشت نموده است .

همین که در سال ۱۳۴۴ ش امیر ششیر علیخان جرگه کبیر ملی را در کابل دعوت نمود به تعداد دو هزار نماینده از اطراف و اکناف مملکت به شهر کابل آمدند و تپه سرنجان محل انعقاد ولیعهدی معین و چراغان گردید و انعقاد جلسه بیعت ولیعهدی مصادف بود با روز اول عید سعید فطر . علاوه بر نمایندگان وکلای انتخابی مردم به تعداد یکها نفر ( هشت الی نه لک نفر ) ( این رقم سیالغه آمیز دیده میشود نویسنده ) بمنظور ادای نماز عید در پای تپه سرنجان جمع شده بودند و ترتیبات خاص نظامی و مراسم با شکوه برپا بود و همینکه نماز عید ادا گردید وعظ نامه ای که چند روز قبل حسب فرمان شاهی و توسط قاضی عبدالقادر خان که از فضایی افضل بوده و تهیه شده بود ذریعه اعم العلماء افضل الفضلاء قاضی محمد اسین خان پشاورى با صدای بلند و رسا از منبر به گوش مردم رسانیده شد .

این وعظ نامه که حاوی مطالب فراوان پیرامون بیعت ولیعهدی بود با جمالت ذیل شروع میشد (۱)

« بسم الله الرحمن الرحيم : حمد بی قیاس خداوندی را سزد که ذات پاکش منزّه از ولایت عهدی است بعد از توصیف صفات خداوندی مردم را خطاب نموده گفت : « ای عابدان را کعبین مسجد مصلی وای صاحبان حاضرین جلسه معلی واضح ولایح باد که امروز روز کمال و نشاط و سرمایه متاع خوش و انبساط است که در چنین روز محمود و ساعت مسعود که هم روز مبارک عید الفطر و هم بیعت ولیعهدی شاهزاده بلند اقتدار با عز و قار است که شما جمله از خواص و عوام اراکین دولت این

سلطنت خداداد درین محل عالی جمعید باید خاطر نشان نمود که بموجب پسندید شما امروز این جلسه بزرگ را دائر و حاضر نمود امیر المؤمنین امیر شیر علیخان از جانب خود سردار عبدالله جان را ولیعهد ساخته و مقرر نموده آرزوی ولیعهدی او را از شمایان در اجابت شمایان دارد» .

بعد از اتمام وعظ نامه دو قطعه وثیقه یکی از جانب وکلای ملت دیگری از جانب شخص امیر شیر علیخان بمناسبت تأیید و تعیین ولیعهد ترتیب گردید و بشرح ذیل از جانب حافظ قاضی محمد امین که از علمای کرام بود بمردم قرائت شد .

«ما کل اکابر و اعظم و افاخم خطه کابل اصالتاً از جانب خود و وکالتاً از جانب رعایای ماتحت خود اقرار نموده و گذارش داده بودئند که این تقرر ولیعهد صاحب حسب حسب تجویز و پسندید ما جمله رعایا و برایا اراکین خوانین و تجار و ملازم این سلطه خداداد به ظهور رسیده است میان جمله حاضرین و غائبین که از جانب او شان وکیل مطلق اقرار مینمائیم که این ولیعهد مایان را منظور است که در فدای سر و مال و جان در خدمت بندگان اشرف امیر صاحب در خدمت ولیعهد به هیچگونه تقصیر دریغ نخواهیم کرد و اگر سرموی ازین عهد مخالفه ورزیم خدا و رسول خدا خصم جان ما باد و در دول دیگر هم بدنام عالم تصور شویم» . چنانچه درین عهد نامه تقریباً دو هزار مواهیر ثبت نمودند .

جای مهر و کلا و نمایندگان ملت

وثیقه دیگریکه بمناسبت تعیین و تقرر شهزاده عبدالله جان از جانب امیر شیر علیخان عنوانی شهزاده موصوف ترتیب شده بود و مورد پسند و تأیید رعایا و وکلای ملت قرارگرفت مضمون آن ازین قرار بود(۱) .

«حسب پسندید اراکین و خوانین و رعایا و تجار این دولت خداداد قرة باصره حشمت و کبکگری شخصی سلطنت یعنی سردار عبدالله جان را ولیعهد مقرر نمودم و اینهم محض بنا بر خیرخواهی سلطنت خود که اگر از قضا که در آن جز رضا چاره نیست امری روی دهد در انتظام امور سلطنت به ظهور نرسد حتی الوسع چیزیکه متعلق بمن بود بانجام رسانیدم باقی مفوض به خالق لایزال است . به ولیعهد نصیحت میکنم که در صورت اطاعت و وفا به عهد بیعت جمله رعایا و برایا اراکین و خوانین و ملازم و غیر ملازم این سلطنت بمنزله فرزندان خود تصور



کرده در رعایت حفظ حقوق ایشان که بموجب احادیث بدمه پادشاه وقت واجب میباشد در ادای آن کوتاهی نورزد که یوم الحساب پرسیده خواهد شد» .

بعد ازان خود امیر صاحب بر خاسته بر منبر نشسته شمشیر خاصه شاهی را که امیر دوست محمد خان پدرش بوقت ولیعهدی باو داده بود به کمر شهزاده ولیعهد عبدالله جان بسته و قرآن خاصه شاهی عطیه امیر مرحوم را نیز چون حمایل بگردن او کرده بیان نمود که «ای فرزند من ترا به عدل و احسان و دوستی به همراه دوستان درستی و بیداری در کاروبار سلطنت فرمایش مینمایم و اشخاصی را که الحال ولیعهدی ترا قبول نموده اطاعت کرده و وثیقه محکم دادند در صورت اطاعت از جانب شما احسان واجب و در صورت نقض عهد قرآن خصم جانان شان باد» .

بعد از ختم بیانات شاه امیر نظام افواج افغانستان حسین علیخان فوراً امر فیرتوپها و تفنگها را داد و تقریباً ده لک فیر تفنگ و یک هزار فیرتوپ رعد نشان بظهور رسید و علاوه بران مردم و اهالی نیز با تفنگهای خود فیرها نمودند و تا دوازده بجه روز صدای فیرها فضای شهر را دگرگون ساخته بود و تقریباً ده لک نفر درین محفل با شکوه جشن ولیعهدی که تا آن زمان در تاریخ افغانستان بیسابقه بود جمع شده بودند .

ساعت یک بجه باین مناسبت مارش عظیم سپاهیان شاهی از حضور ولیعهدی و وکلای ملت عبور نمودند . مدت سه شبانه روز تپه مرتجان باین مناسبت چراغان بود و جشن سرور و شادی در سراسر کابل حکم فرما بود .



## شورای دولتی امیر حبیب الله خان

در دوران سلطنت امیر حبیب الله خان شهید تنها یک شورای دولتی تشکیل گردیده بود که اعضای آن از طرف شخص پادشاه از شهزاده گان و مامورین عالی رتبه و بعضی مشاهیر شهر کابل انتخاب میگردید .

حبیب الله خان در کارهای مهم باعضای این شورای دولتی مشوره میکرد چنانچه در دوران جنگ جهانی اول در اکتوبر ۱۹۱۵ م مطابق ۱۲۹۳ هـ ش موعیکه هیات المان ، استریا و ترکیه بانامه های ویلهلم دوم قیصر المان و محمد رشاد خانس سلطان ترک<sup>(۱)</sup> وارد افغانستان شده و اتحاد نظامی و با همی را علیه انگلیس پیشنهاد کرد ، امیر حبیب الله خان این شورای دولتی را نزد خود تشکیل داد و یک تعداد علما و روحانیون که طرفدار داخل شدن به جنگ بودند نیز در جرگه مذکور که مجموعاً (۵۴) نفر میشدند اشتراک کرده بودند . این جرگه که در اکتوبر ۱۹۱۵ مطابق ۱۲۹۳ هـ ش و ۱۲ ذیقعد ۱۳۳۳ هـ ق دائر شد اکثر مامورین عالی رتبه دربار برهبری سردار نصرالله خان نائب السلطنه طرفدار داخل شدن افغانستان در جنگ بودند . ذهنیت عمومی مردم نیز طرفدار جنگ بود ، علما و روحانیون نیز طرفدار شمولیت افغانستان در جنگ بودند اشخاص مشهور آنها عبارت بودند از پاچای اسلام پور (ما ذون ملا نجم الدین هده) ملا محمد جان موسهی پسر فیض محمد صاحب (ما ذون ملا عبدالغفور سوات) ملا صاحب نگاب (ما ذون ملا صاحب هده) پاچای تیرگری (ما ذون اخند زاده هده) میان صاحب مرد ، میان صاحب حصارک ، استاد هده ، شمش الحق صاحب حافظ جی پسر صوفی صاحب ملا محمد مرید ، ملا عبدالغفار ، پسران حضرت صاحب مجددی شور بازار وغیره که میخواستند افغانستان داخل جنگ شود ولی امیر حبیب الله خان داخل جنگ نشد . هیات ترکی و المانی تا ۲۲ قوس ۱۲۹۴ هـ ش مطابق ۱۹۱۶ م در افغانستان باقی ماند .

امیر حبیب الله خان بتاريخ شب پنجشنبه اول حوت ۱۲۹۷ - ۱۸ جمادی الاول سال ۱۳۳۷ مطابق فروری ۱۹۱۹ در کله گوش لغمان بشهادت رسید و امان الله خان در کابل و سردار نصرالله خان نائب السلطنه در لغمان و بعد در جلال آباد اعلان پادشاهی کردند ولی سه روز بعد که احوال از کابل رسید و امان الله خان اعلان شاهی خود را هر طرف خبر داده بود نصرالله خان از پادشاهی صرف نظر کرد و به امان الله خان بیعت نمود . معین السلطنه و دیگر اراکین دولت هم به امان الله خان بیعت کردند . امان الله خان پادشاه مملکت شناخته شد . شورای دولتی امیر حبیب الله خان از اشخاص ذیل تشکیل شده بود :

- ۱- رئیس شخص امیر حبیب الله خان (۱) .
- ۲- اعضاً .
- ۱- سردار نصرالله خان نائب السلطنه .
- ۲- سردار عنایت الله خان معین السلطنه .
- ۳- سردار عبدالقدوس (پسر سردار سلطان محمد خان برادر امیر دوست محمد خان) .
- ۴- سردار محمد آصف خان (برادر زاده عبدالقدوس خان و پسر سردار یحیی خان) مصاحب خاص .
- ۵- سردار محمد یوسف خان (خمسر امیر حبیب الله و برادر محمد آصف مصاحب خاص .
- ۶- میرزا محمد حسین خان مستوفی الممالک ، نایب سالار ملکی و نظامی .
- ۷- لوی ناب خوشدل خان .
- ۸- امیر محمد خان تگابی سپه سالار .
- ۹- سید عطا محمد خان (خواهر زاده سردار شیر علی خان قندهاری) .
- ۱۰- سعد الدین خان قاضی القضاة .
- ۱۱- حاجی عبدالرزاق خان امام و مبلغ کابل .
- ۱۲- سلیمان خواجه محتسب باشی .
- ۱۳- سردار محمد یونس خان پسر سلطان محمد خان .

---

۱- روابط سیاسی افغانستان در نیمه اول قرن بیست (روابط با جرمنی انگلیس و روس) .

- ۱۴- سردار محمد خان امين العسس .
- ۱۵- ناظر محمد صفر خان ناظر و مهر دار و امين اطلاعات بعدها نائب الحكومه قطغن و بدخشان .
- ۱۶- سردار محمد رفيق خان (پسر سردار محمد صديق خان پسر سردار امير محمد).
- ۱۷- محمد سليمان خان (پسر سردار محمد آصف خان) شاه اقامى نظامى .
- ۱۸- على احمد خان (پسر خوشدل خان لوى ناب) شاه اقامى ملكى .
- ۱۹- ميرزا محمود سر رشته دار تعميرات .
- ۲۰- ميرزا غلام محمد خان سر منشى .
- ۲۱- فيض محمد خان چرخى و كيل قبائل لوگر .
- ۲۲- سردار محمد يوسف خان پسر امير دوست محمد خان .
- ۲۳- نائب سالار نادر خان (بعداً پادشاه افغانستان) .
- ۲۴- نائب سالار محمد نعيم خان بدخشى .
- ۲۵- نائب سالار ملكى مير احمد شاه خان .
- ۲۶- مولوى عبدالروف .
- ۲۷- ديوان نرنجنداس .
- ۲۸- برگد ملكى احمد جان خان .
- ۲۹- غلام محمد وردك پنچات باشى .
- ۳۰- گل محمد پسر جنرال تاج محمد .

## بخش چهارم

### جرگه‌های بزرگ ملی (لوی جرگه‌ها)

#### جرگه بزرگ (لوی جرگه) سال ۱۳۰۱ هـ. ش جلال آباد

طوری‌که قبلاً اشاره بعمل آمد امان الله خان بعد از شهادت پدرش پادشاه شد. او خواست مملکت باساس قوانین اداره شود. اولاً قوه اجرائیه را تشکیل داد که هیأت وزراء به اجرای امور مملکت می‌پرداختند. نظیر شورای دولت که در وقت امیر حبیب الله خان بود امان الله خان نیز شورای دولت را دائر نمود. قوانین<sup>(۱)</sup> بعد از تصویب مجلس وزرا از طرف شورای دولت تصویب میشد و بعد از منظوری پادشاه نافذ میگردید. در ترتیب پروژه‌های قوانین که نظام نامه یاد میشدند، جمال پاشا و بدری بیگ متخصص ترکی سهم می‌گرفتند. امان الله خان بغرض تصویب نهائی قوانین موضوعه اش متوجه جرگه‌های ملی و عنعنوی مملکت گردیده خواست اولین قانون اساسی مملکت را با قوانین فرعی دیگر به تصویب لوی جرگه برساند. لذا اولین لوی جرگه ملی را که مرکب از اعضای شورای دولت، نمایندگان ملت از کابل، ولایت مشرق (گنجرهار، لغمان و کنر) و بعضی جاهای نزدیک اطراف کابل و اعضای حکومت بود در زمستان ۱۳۰۱ هـ. ش در جلال آباد دائر کرد. قانون اساسی و یک تعداد قوانین و نظام نامه‌ها را به تصویب رساند که قوانین مذکور بعداً در جرگه بزرگ سال ۱۳۰۳ در شهر کابل مورد بحث و مذاقه قرار گرفتند در مورد جرگه ۱۳۰۱ جلال آباد که ۸۷۲ نفر در آن اشتراک داشتند امان الله خان شخصاً در ضمن اعلان لوی جرگه سال ۱۳۰۳ چنین اظهار کرده است. «...»<sup>(۲)</sup> در سنه ۱۳۰۱ بجلال آباد مجلس لوی جرگه را انعقاد نموده چون موقع انعقاد مجلس مذکور ایام زمستان بود و احضاریت تمام وکلاء و نمایندگان ملت افغانستان اسباب زحمت شان مینمود، از نقاط مملکت تنها

۱- افغانستان در مسیر تاریخ

۲- گذارشات لوی جرگه سال ۱۳۰۳ طبع کابل.

بوکلای منتخبه موجود شان که در مجلس شورای دولت شمولیت داشتند اکتفا کرده از اقوام سمت مشرق که خیلی قریب و سهولت پذیر بود و کلا و کلان و سوانده ها ، سادات و علمای شانرا جلب نموده بالمواجه اولها در اسور مملکت و ترقیات ملت که لازم بمشاوره بودند مذاکره و فیصله نمودیم برای سالهای آینده بواسطه که انعقاد مجلس لوی جرگه سمت مشرق در ایام سرما واقع شده بود و هم بایست این مجلس بزرگ در شهر کابل که نقطه وسطی و پایتخت مملکت افغانستان است انعقاد پذیرد . . . . .»

غرض این جرگه بزرگ پایه و اساس لسوی جرگه های بعدی که در تاریخ مملکت جرگه های بزرگ ملی و مملکت شمول بودند گردید . اگرچه قانون اساسی و سایر قوانین فرعی در جرگه سال ۱۳۰۱ جلال آباد مورد بحث قرار گرفت اما معلوم میشود خواه به سبب اینکه در جرگه جلال آباد نمایندگان تمام نقاط مملکت شمولیت نداشتند و یا علل دیگر لازم دیده شده است نظامنامه های مذکور در جرگه آینده مورد بحث و مذاکره قرار گیرد و شاید تا آنوقت یک تعداد نظامنامه های دیگر هم برای لوی جرگه سال ۱۳۰۳ آماده ساخته شده است . چنانچه نظامنامه اساسیه و تمام نظامنامه های فرعی دیگر که تا آنوقت آماده شده بوده در جرگه بزرگ ۱۳۰۳ مورد بحث و مذاکره قرار گرفت و تعدیلاتی در آنها بعمل آمد .

## جرگه بزرگ (لوی جرگه) سال ۱۳۰۳ هـ - ش کابل - پغمان

بعد از لوی جرگه سال ۱۳۰۱ و تجار بیکه از آن بدست آمد امیر امان الله خان لوی جرگه دیگری در سال ۱۳۰۳ هـ ش در شهر کابل دائر نمود . نمایندگان در لوی جرگه به کمال جرئت و آزادی نظریات خود را بیان داشته و بعضی پیشنهادات و نظریات شاه را که به جرگه تقدیم میگردید رد میکردند و آنچه را که به مصالح مملکت مفید میدانستند تصویب میکردند . امان الله خان در مورد افتتاح لوی جرگه مذکور توسط اعلان پادشاهی بمردم افغانستان چنین بیان داشت :

### تسوید اعلان لوی جرگه سال ۱۳۰۳

کافه رعایای صداقت شعارم !

بدیهی<sup>(۱)</sup> است که حمایت در زندگی معنوی و فراهم نمودن وسایل سعادت و ترقی و استراحت یک قوم، یک ملت ، اولین وظیفه و تکلیف واجبی دولت است باید دولت متحمل این بار گران گردیده وظیفه خود را انجام دهد و از دیگر طرف حتمی است که ملت با حکومت معاوضت و مساعدت نموده در پیشرفت مقاصد و ترقیات دولت خود قولاً و فعلاً مسامحه و کوتاهی نکند تا متفقاً به آرزو و مرام خویش نایل و کامیاب شوند .

لذا باتباع و انقضای امر موکده (و شاور هم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله) همیشه چنین ازاده دارم که در تمام جریانات مهمه امور مملکت و سعادت و آسایش ملت آرامی قوم نیز تاحد ممکن شامل و در تحمل این بارگران علی قدر امکان فکراً و قولاً معاوضد و مساعد باشند . چنانچه در مرکز سلطنت مجلس عالی شورای دولت و اعضای منتخبه و اعضای طبیعیه که اشخاص با تجربه و خیرخواه دولت و ملت هستند تشکیل داده موجود بودن و کلای شما را در علاقه داریها و حکومتیها و مرکز نایب الحومگی و حکومتهای اصلاحی به شورای دولت حتمی شمرده احضار کرده ام . تا بانها که فی السواقع زبان شما و وکیل تمام

---

۱- گذارشات لوی جرگه ۱۳۲۳ چاپ مطبعه کابل .

معاملات تان هستند در همه امورات سترگ مشاوره و استصواب و تعاطی افکار کرده شود.

علاوٓا از چندبست که درین مورد مقصد دیگر را بخاطر میپرورانم که تشکیل یک مجلس لویه جرگه است که باید لاقبل در سال یک دفعه علی العموم و کلا و نمایندگان و کلان شوندهگان قومی و علمای ملت دران مجلس اجتماع نموده همه مسایل مهمه و افکاریکه در تعالی و ترقی مملکت خویش مدنظر داشته باشم مواجهاً بمشاوره و تصویب و تصفیة قرار دهم و بعد از استصواب مجلس مذکور در معرض اجراء گذاریم، موعده انعقاد این مجلس عالی را (با استثنای مواعده ضرورت) هیئت اوی جرگه بعد از هر دوره سه ساله تصویب نموده اند در سنه ۱۳۰۱ بجلال آباد یک مجلس لوی جرگه را انعقاد نموده چون موقع انعقاد مجلس مذکور ایام زمستان بود و احضاریت تمام و کلا و نمایندگان ملت افغانستان اسباب زحمت شان مینمود از دیگر نقاط مملکت تنها بوکلای منتخبه موجوده شان که در مجلس شورای دولت شمولیت داشتند اکتفا کرده از اقوام سمت مشرق که خیلی قریب و سهولت پذیر بود و کلا و کلان شوندهها و سادات و علمای شانرا جلب نموده بالمواجهه اونها در امور مملکت و ترقیات ملت که لازم مشاوره بودند مذاکره و فیصله نمودیم. برای سالهای آینده بواسطه که انعقاد مجلس لوی جرگه سمت مشرقی در ایام سرما واقع شده بود و هم بایست این مجلس بزرگ در شهر کابل که نقطه وسطی و پایتخت مملکت افغانستان است انعقاد پذیرد وقت و موضع آنرا تبدیل داده مرکز لوی جرگه را کابل و موقع افتتاح آنرا اسال بماه ذی الحججه الحرام که هوای کابل ملایم و سازگار و وفور فسواکه و خورا که باب میشود قرار دادیم تا سادات، علما و کلا و کلان شوندهگان ملت در محفل لوی جرگه بشهر کابل اثبات وجود نمایند و راجع به سعادت و ترقیات شما رعایای صادقه ام و مملکت عزیز مان بهیئت و حیثیت عمومی در مجلس مذکور مذاکره و تظاهر افکار نموده مطالب عمده دولت و ملت را چه در امور خارجی و چه در امور داخلی حل و فصل نمائیم و از خداوند توانا و قدیر در ترقی و تعالی مملکت خود استمداد و کمک بخواهیم.

شما را ازین مکتوبات قلبیه ام آگاهانیده بفرای عموم (حکام اعلی) نایب الحکومهها و زمام داران محلی تان) بفرمان جداگانه اشعار نمودم که از وکلای منتخبه آن سمت که در علاقه داریها و حکومتیها و مرکز نایب الحکومگیها و

حکومتی‌های اعلا هستند مناصفه<sup>(۱)</sup> را برای اجرا آن یومیه همان موضع گذاشته مناصفه را با تعدادیکه یفرامین جداگانه بحکام خبر داده شده از سادات و علما و مشایخ و کلا و شواندگان و نمایندگان و روسا از هر محل بقرار تقسیم بسه تقریب انعقاد مجلس لوی جرگه مرکز (حکومتی اعلی و نایب الحکومتی‌ها) طلب نموده بیک موعدیکه بموقع انعقاد مجلس لوی جرگه مرکز کابل رسیده بتوانند روانه دارلسلطنه کابل نمایند و خرج راه و خوراکه آنها را تا رسیدن از آنجا پرداخته در مرکز کابل از بدو ورود تا اختتام مجلس خرج و خوراکه آنها را دولت تدارک و تهیه کرده بانها می پردازد و این مجلس آتیا فقط در خود کابل و بهمین تاریخ منعقد گردیده به تعداد معینه از هر ولا نفری بصورت وکالت و نمایندگی برای شمولیت ورزیدن لوی جرگه حاضر خواهند شد . و از خدای تعالی امید قوی داریم که به این مجلس عالی بموافقت آرای و کلا و نمایندگان ملت نجیب افغانستان بس مطالب مهم دائر به ترقیات وطن مقدس مساحل و فصل گردیده صورت انصرام و اجرا پذیرد»<sup>(۲)</sup> .

(محل مهر شهر یار شازی)

«سواد فرامینی کهه باسمأ علما ، سادات و مشایخ و وکلائی مات اسبال<sup>(۳)</sup>

شده بود» .

سواد فرمان مؤرخ ۵ ثور ۱۳۰۵ ش

و یک نمونه از فرمان مذکور

تحریر یوم پنجشنبه ۵ ثور ۱۳۰۳

.....»

چون حکمت بالغه حضرت حکیم علی الاطلاق جبل و تقدس شانہ اساس مدنیت و ترقی و تعالی بشریت را به اتحاد و اتفاق منوط نموده و برای متحد ساختن افراد متعدد و افکار متضدد ، ابلاغ احکام آیه شریف (وشاور هم فی

۱- در عصر امان الله خان بعلاوه مراکز ولایات و حکومتی‌های اعلا مجالس

مشوره در مراکز حکومتی‌های محلی و علاقه داری‌ها هم دائر بود که امور داخلی و مسائل قومی بشوره اجرا میگردد .

۲- گذارشات لوی جرگه سال ۱۳۰۳ .

۳- اسمال : یاریدن ناران ، ریختن اشک ، ریختن آب ، بسیار سخن گفتن برکمی .



الأمر) همه ما متابعان دین منیف احمدی را صلوات الله و سلامه علیه ، درین شاه راه فلاح و نجات دارین امر آکید میفرماید . حضرت حق پیغمبر خود را که (وما یطق عن الهوی) در شان او است امر میفرماید که با امتان و پیروان خودت در همه کار مشوره نمای .

لهذا این کمترین عباد الله از بدو جلوس خود تتبع به پیروی سنت سینه محمدیه علیه الاف الثناء والتحمیه اساس سلطنت وطن عزیز خود را بمشوره وضع نموده در پایتخت عالی بخت مملکت شاهانه خودم تشکیل مجلس شورای دولت که مرکب از وکلای منتخبه شما ملت و اعضای طبعیه مامورین دولت نموده همه قوانین و نظامات مملکت داری در آنجا غور و خوض میشود و بعد بالاتفاق آراء در معرض اجراء آورده میشود ، همچنان در مرکز همه ولایات و حکومتیها و علاقه داریها مجلس مشوره از اعضای منتخبه وکلای شما ملت دایر و عمه اجراء مطابق احکامات الهی بواسطه مامورین دولت باتفاق و مشوره وکلای منتخبه اجراء میشود ، باوجود این همه مجالس مشوره که به پیروی سنت سینه در همه مملکت شاهانه اجرا است چون حکومت را از ملت و ملت را از حکومت دانسته به نفع و ضرر وطن عزیز خود را بهمه ملت نجیب خود مشترکاً مساوی میدانم اراده نمودم که در هر سال یک مجلس باسم (لوی جرگه) که مرکب باشد از علما و سادات و مشایخ و خوانین و وکلای همه اقوام به دارالسلطنه کابل انعقاد یافته در همه امورات مملکت داری و پیشنهادات متری و تعالی و تنظیم نظامات و قوانین دولتی و تمامی سیاسیات داخله و خارجه بحث و مذاکره نموده شود و آنچه خیر و بهبود اداره حکومت و فوز و فلاح اهالی ملت را باتفاق آراء ملاحظه نمائیم متفقاً تنظیم و بعد از اتفاق آراء متوکلا علی الله در اجراء آن عزم بالجزم نمائیم تا باشد که باتباع سنت قرون اول اسلام ترقیات دینی و دنیوی خود را فائز و نایل شویم چنانچه از فحوای اعلانات علیجده مستحضر خواهید بود .

بنابران حضور والای ما چون شما را صادق و خیر خواه دولت میدانند شمولیت شما را در (لوی جرگه) لازم دانسته ابلاغ میفرمائیم که سفر خرج شما از آمدن الی کابل بواسطه (نائب الحکومگی آنجا) انتظام میشود بخاطر جمعی تمام الی روز هشتم ماه ذی الحجه الحرام وارد کابل شده نماز عید الضحی را با همه برداران دارالسلطنه خود ادا نموده در مجلس (لوی جرگه) شامل باشید . در ایام توقف کابل البته مهمان اعلیحضرت ما خواهید بود ، و بعد از اختتام لوی جرگه خرج و سفریه شما را وزارت داخله تادیه نموده مع الخیر در مسکن خود عودت بنمائید .

(امیر امان الله)



تجدید و تحریک  
۱۳۰۳

صدور منبر انانعت ضمن ارجحانک ما ربک تعزیرش!  
چون حکمت بالو حضرت حکیم علی الاطلاق مبرو تشمس شانه اساس مذبت و تربیت و تقابل بشریت با با اتحاد و اتفاق

دربار شمس سخن افرا و متعدد و انکار متضدد ، اذاع احکم ام ایة شریفه (و سیکان یهم فی الامم) همدان

دین خب لصد راصولات الله و سلامه علیه ، دین شاهره فلاح و نجاح دلین امر الیکه میفرماید ، حضرت حق  
پنیا بسر خوراکه (و سیکان یهم فی الامم) در شان اولت ابریسفر ماید که با استان پورا  
خودت در همه کار مشوره نامه .

لبدل این کترین عباد الله از بد و جلوسر خود متج پیسر و نشت سینه محمدیه علیه السلام  
و تجتیمه ، اساس سلطنت و من عزیز خود را مشوره وضع نمود در پایتخت عالی بخت مملکت شامانه خودم  
مجلس شورا دولت که مرکب از و کلا منتخب شملت و همضا طبعیه تبه نامورین هملت نموده  
توانین و نظامات مملکت را در اینجا غور و خوض می نمود و بعد الاتفاق آما در معرض اجرا آمده مشوره  
و در کارها هر دو لایسن و حکومتها علاقه دار با مجلس مشوره از همضا منتخبه و کلا شملت دایره ، و همه اجراءات  
مطابق احکامات الهیه بر طبق نامورین دولت با اتفاق و مشوره و کلا منتخبه اجرا می شود ، با وجود این هر مجلس  
مشوره که به پر درست سینه در همه مملکت شامانه اجراءات چون حکومت بالذقت و قن بالذقت  
در نفع و ضرر و من عزیز خود را بهر بخت تجتیمه خود مشورگان مساوی میسر دانم الله و نمودم ، که در هر سال یکبار  
باسم (لوی جبرگ) که مرکب باشد از علماء و سادات و مشایخ و خوانین و و کلا همه را تو لوم بدله است سلطنت  
کامبر اتفاق یافته و همه امور است مملکت در دینش بهلاست حق و تعالی و تنظیم نظامات و قوانین و لیسر نامی سیاسی

داخله و خارج بحث مذکور نموده و آنچه خیر و بهبود اداره حکومت و فوز و فلاح امالی ملت را با اتفاق از <sup>حفظ</sup>  
 نمایم متفقاً تنظیم و بعد از اتفاق آراء متوکلاً علی الله در اجراء آن عزم با مجرم نمایم تا باشد که با <sup>است</sup> اتباع  
 قرون اول اسلام ترقیات دینی و دنیوی خود را را فائز و نائل شویم چنانچه از فخر اعلانات <sup>مستحضرت</sup> علمیه مستحضرت  
 بنابر آن حضور و لا را چون شمارا صالح و خیر خواه دولت میداند شمولیت شمارا در (لوی جرگه)  
 لازم نیسته المبلغ میفرماییم که سفر خرج شما از آمدن الی کابل بر بستر (بنا بر امر کابل) تنظیم شود  
 بخاطر جمع تمام ۱۲ روز هشتم ماه ذی الحجه الحرام وارد کابل شده نماز عید شخصی را با پیس برادگان در سلطنت  
 اول <sup>مستحضرت</sup> مجلس (لوی جرگه) شامباشید. ایام توقف کابل بسته بهمان <sup>مستحضرت</sup> مستحضرت ما خواهد بود  
 و بعد از اختتام لوی جرگه خرج سفریته شمارا و وزارت داخله تا دیه نموده مع <sup>مستحضرت</sup> مجلس در مسکن  
 خود عودت مینمایند.

در ماه سرطان ۱۳۰۳ (اواسط جولای ۱۹۲۴) نمایندگان مملکت در شهر کابل حاضر شدند. عیداضحی را امیر امان الله خان با نمایندگان و وکلای ملت یکجا ادا کرده و بعد قرار پروگرام معینه همه به سلامخانه رفتند و طوریکه در گذارشات ذکر شده هر کدام بجای خود اخذ موقع کردند و مراسم روز اول در سلامخانه برپا گردید.

### گذارشات حضله شریفه لوی جرگه سال ۱۳۰۳

بعد از اینکه نماز عیداضحی به ترتیب و تفصیلیکه در فوق مرقوم گشت (مطلب از گذارشات نماز عید است) اختتام یافت عموم سادات، مشایخ، علما، فضلاء اعزه، خوانین، وکلاء، وزراء، روسا، معینها و دیگر اشخاص کشوری و قشونی که اطلاعاتنامه های رسمی دائرة شاه غاسی شمولیت شانرا در حلقه مبارکه سلامخانه اجازه داده بود، بیک صورت قابل دید اعزام یافته بعد از اینکه وزراء، وکلاء و معینهای وزارت، اراکین و امرا، ضابطون نظامی بجانب یمین و خاندان شاهی و علمای اعلام و تمیز صاحب رتب (۱) و (۲) و (۳) و مدیرها و مامورین ملکی بطرف یسار مدعوین موصوفه لوی جرگه بمقابل تخت عالی بخت حسب المراتب اخذ موقع نمودند، رئیس صاحب عمومی شورای دولت اطلاع ورود مسعود ذات جهانبانی را داده حضرت عالی محمد یعقوب خان شاه غاسی قومانداه ولار (ولار) را بهمه حضار داده ذات شاهانه بزیر علم (نبویه) دوباره انجلا افزای انظار حاضرین و فرحت بخشای قلب مشتاقین گشته حاضرین که بوضعیت نهایت مؤدبانه قیام رسم تعظیم و سلام را ادا نموده یک بار دیگر غلغله ادعیه شان را به عیوق<sup>(۱)</sup> رسانیدند، ذات محبی ملت افغان بعد از امر جلوس پیا ایستاده نطق ذیل را ایراد فرمودند:

نطق اعلیحضرت غازی افغان به تقریب افتتاح لویه جرگه

بعد از نماز عید قربان در سلام خانه<sup>(۲)</sup>

«اولا بهمه شما برادران و مهمانان عزیز خویش تبریک عید را میگویم، آرزو مندم که خداوند بسیار عیدههای خوب و با شرف را نه تنها برای شما بلکه به تمام قوم افغان عطا و احسان فرماید و اینطور کارهای خوب از دست شما سر بزند

۱- ستاره نزدیک کهکشان کنایه از بلندی.

۲- گذارشات لوی جرگه سال ۱۳۰۳.

و چنان ترقیاتی را خداوند نصیب تان کند که هر روز برای شما عید باشد .  
 پس برای شما مهمانان عزیز خود خوش آمدید گفته میگویم که پایتخت  
 افغانستان خانه تمام ملت افغان است همه شما بخانه خود تان خوش آمدید .

میخواهم در موضوع تشریف آوری شما مهمانهای عزیزم که در اینجا حضور  
 دارید چیزی عرض نمایم ، خدای را شاکرم که محض از کرم و الطاف خویش و  
 برکت روحانیت (رسول الله ﷺ) درین دوره پنج ساله تا توانستیم شب و روز  
 کوشش کردیم و در فراهم آوردن موجبات ترقی افغانستان کوتاهی ننموده ایم ، چون  
 غیر از خدمت دین و خدمت وطن و حفظ ناموس و شرف افغانستان دیگر مقصد و  
 آرزوی نداشتیم ، بهمه خیالات و مقاصد خویش کامیاب و بهر کاریکه اقدام ورزیدیم  
 بهکمال راستی او را انجام داده ایم (الحمدلله) که تا این زمان ما ملت افغان در تمام  
 مطالب و مقاصد خود مان بخوبی تمام فائز بوده درین عرصه پنجسال کامیابانه  
 کار کردیم .

عموم حضار «الحمد لله ، شکر ، شکر» .

اکنون خواهشمندیم که یک دوره جدید را شروع نمائیم که کار روائیها و  
 اجراءات آن نسبت پنج سال گذشته اسباب ترقی مملکت و وسیله آسایش و منفعت  
 رعیت ما باشد و در چیز هائیکه ذریعه بهبودی و تعالی ملت پنداشته شوند کوشش  
 کنیم . اگرچه یک لحظه از خدمت شما قوم نجیب خویش باز نمانده ام (بالله شهیدا)  
 بهر صورتیکه توانستم سعی کردم و عرق ریزی که این ملت پس مانده خود را تا  
 یک درجه علیا برسانم . (الحمدلله) که از مراحم ایزدی به آرزوهائیکه نسبت  
 ترقیات ملت و مملکت خود بدل میپورانیدیم موفق گشتیم و امروزه روز در تمام  
 مقاصد و مطالب خویش کامیاب هستیم و یکمال افتخار میگویم که امروز ملت ما  
 سرفراز ترین ملت های روی دنیاست . (کف زندهای شادمانی) .

لذا درین دوره تازه خواستیم تا از اتفاق آراء و افکار شما و کلا و علما و  
 فضلا و اعزه ملت استفاده نموده اساس مجدد حکومت را به فکرهای متین شما تاسیس  
 کرده ترقی های فوق العاده و بهبودیهای بی اندازه برای ملت و مملکت خویش  
 فراهم آوریم .

مقصود را که از شمولیت شما در (لوی جرگه) در نظر دارم اینست که شما  
 نسبت به این خادم ملت و اعضای منتخبه مجلس عمومی شورای دولت عادات و  
 اطوار و افکار و اجراءات و ضروریات و احتیاجات ملت چنان اطلاع و معلوماتی را

بدست دارید که ما و آنها نداریم . اگرچه ما هم تا یک درجه اجالی از احوال ملت و مملکت واقفیم اما بطوریکه شما واقفیت کلی و معلومات تفصیلی دارید ما نداریم چنانچه یک تولیمشر نسبت به کنسولکامش معلومات زیاد به تولى خود دارد و همچنین کنسولکامش تا درجه معلومات از کندک خود دارد که غند مشر ندارد .

چیز را که درین روز افتتاح بشما معروض میدارم و شما را بطور یاد داشت میگویم همین است ، آنچه به فکر شما برای بهبود ملت و ترقی مملکت تان بهم رسد محضاً برای خدا بگوئید و بغیر از اظهار افکار حقیقی خویش لحاظ و خاطر داری هیچ کس را نکند که فلانکس اینطور گفته منم باید چنین گویم فی هر کدام تان خودها را وکیل قوم و کفیل مهمات عمومی پنداشته فقط رضای ایزدی و رفاه و آسایش عموم را مد نظر گرفته آنچه به فکر تان برسد حقانه بگوئید ، زیرا که اگر قوم ما باسایش باشد خود ما نیز آسوده حالیم . چنانچه افغانها در مثل میگویند (چه خان بی په یاران بی) بلی اگر خدا نخواست قوم ما غریب ، بیکار ، بیعلم ، پریشان ، ناتوان باشد ضرور ما هم پریشان هستیم . بنا برین محض استرضای خداوند آنچه دران فایده عموم باشد آزادانه در مجلس بیان نمائید .

این خادم ملت از اول جلوس بر تخت سلطنت تا حال خیر و بهبود عموم ملت افغانستان را یکسان زیر نظر گرفته هیچگاه بدون صلاح و مشوره کاری را ننموده و شما را هم محض بدینمقصد خواستم که صرف جهت مزید منفعت و آسودگی عموم ملت افغانستان با شما مشوره کنم .

اقوام دانسته ما خوب میدانند که این کارها و خدمت هائیرا که ما میکنیم تماماً به منافع و رفاهیت عموم سکنه افغانستان است لکن بعضی از اشخاص که تا حال فکر شان چندان بلند نشده و نتایج و ثمره این افکار و خیالات ما و شما را بخوبی احساس و درک کرده نمیتوانند بازهم ما خود داری ننموده فقط بغرض حصول رضای خدا و منفعت قوم و سر سبزی مملکت خویش کوششها میکنیم ، مشورهها مینمایم تا ملت خود را به درجههای بسیار عالی برسانیم .

بلی یک مریض دوا نمسی خورد اما بهر طوریکه ممکن باشد او را دوا میخورانند . یک پسر خورد برضای خویش هرگز به مکتب نمیرود مگر پدرش او را به رفتن مدرسه مجبور میسازد . اگرچه پسر در آوان نادانی ازین اوضاع پدر خود میرنجد ، اما چون فایده او در آتیه بدو عاید است در حق پدر دعا گوئی میکند ، باید علماء ، فضلاء ، سادات ، مشایخ ، رؤسا و دانشمندان ، پادشاهان کسانیرا که

از حقایق اطلاع ندارند و خیر و شر خودها را بطوریکه لازم است بخوبی نمیدانند، نصیحتا بهمینند و در زیادت خدمات و زنده نمودن حسیات آنها کوشش ورزند، اگرچه فی الحال برایش در انجام این خدمت مقدس تکلیفی عاید خواهد شد، لکن زمانیکه مردم بحقایق و مفاد خویش دانسته شوند خاکش را طوطیای چشم خود مینایند.

باین سبب برای آسایش ملت خود هر چیز را که شما علما و دانشمندان بگوئید و هر خیر و منفعتی را که شما لازم میدانید بیان کنید. تا من عاجز خدمت گار شاکه بامر خداوند امروز پادشاه شما همسم بجا بیاورم تا درین دوره جدید بهترین اصول و طرز را که برای خیر و آسایش عموم ملت باشد بسازیم و بروی کار بیاوریم.

در خاتمه کافه ملت افغانستان را مظفر و کامیاب و بهترین سکنه تمام کرده دنیا از خدای خود خواسته ام. خدای ما قادر است که ملت ما را بهترین و کامیاب ترین ملل روی دنیا بگرداند.

اگرچه این سخن را شنیده بعضیها خواهند گفت چطور میتواند شد که این ملت پس مانده افضل و اعلای تمام ملل دنیا شود. ممکن آنها علاقه مندی مرا با ملت بطوریکه دارم نخواهند دانست که از فرط عشق و محبت خود برای آنها تمام خوبیها و ترقی هائیکه در دنیاست خواهاتم و عقیده دارم که خداوند مهربان است و ضرور این عرض و التجای ما را قبول کردنی است.

بعد از ختم بیانیۀ امان الله خان شیر احمد خان رئیس لوی جرگه از طرف مجلس بیانیۀ تحت عنوان عریضه جوایسه و دعائیه لوی جرگه بحضور شاهانه ایراد کرده مراتب شکران و دعا گوئی ادا نمود که اظهارات او ساعت یازده و نیم صبح خاتمه پذیرفت.

بعد از ختم این جلسه امان الله خان عازم پغمان گردید و توسط شاه غاسی (ایشک اقامی) به نمایندگان جرگه امر شد که امروز در کابل باشند سر از فردا دو شنبه ۲۲ سرطان ۱۳۰۳ عزیمت فرمای پغمان شوند. در رویدادهای لوی جرگه چنین آمده است:

در پغمان هر کدام و کلا گروه گروه و جوق جوق گشت و گدار نموده کسب التذاذ می کردند.

روز پنجشنبه ۲۵ سرطان قرار یادداشت شاه غاسی (ایشک اقامی) در بالا باغ



پغمان منتظر وکلاء نشسته عندالورود همه را پذیرائی کردند .

جلسه دیگر روز جمعه ۲۶ سرطان در مسجد جامع پغمان تشکیل شد نماز جمعه با شترک وکلاء و نمایندگان جرگه خوانده شد . جلسات بتاریخ ۲۸ سرطان آغاز گردید و تا تاریخ ۹ برج اسد همان سال ادامه داشته بتاریخ مذکور خاتمه پذیرفت . لایحه دخول در جرگه و طرز اجراءات و تعیین جاهای شاملین جرگه در همین روز جمعه به وکلاء توزیع گردید که قرار ذیل خلاصه میشود :

- ۱- اشخاصیکه برای لوی جرگه خواسته شده اند داخل میشوند .
- ۲- از سامورین داخله الی سرکاتبها و از عسکری الی کتدکمشر .
- ۳- اخبار نویسان که تکت اجازه داشته باشند .
- ۴- در نشستن اخذ موقع مطابق نقشه صورت میگرفت .
- ۵- طریق اظهار نظر .
- ۶- شنیدن نظریه دیگران .
- ۷- ختم اظهارات آخرین نفر .
- ۸- نظام رای گیری .

رای گیری درین جرگه سری بود . برای هر نفر نماینده دو مهره یکی سیاه و یکی سفید داده میشد هرکس که به موضوع فیصله شده طرفدار بود مهره سفید و اگر مخالف بود یا رای منفی میداد دانه سیاه را بهمان طرف می انداخت .

نمایندگان شامل درین جرگه بزرگ ملی در اواسط ماه جولای (سرطان) وارد شهر کابل شده بودند . طوریکه در فوق ذکر گردید افتتاح اول در سلاخانه و بعد جلسات دیگر در پغمان دائر شد که از ۲۸ سرطان تا تاریخ ۹ برج اسد (۱۹ تا ۳۱ جولای) ادامه داشت . درین جرگه تمام مسایل داخلی و خارجی بعلاوه قوانین و نظامنامه ها مطرح بحث واقع گردید . امان الله خان بحضور نمایندگان که جمعاً ۱۰۵۴ نفر بودند بار دیگر خطابه افتتاحیه در پغمان ایراد کرد و به نمایندگان ملت گفت :

«افغانستان توسط دشمنان خود پیوسته تهدید میشود آزادی و قدرت سیاسی وقتی تأمین میشود که افغانها باهم متحد و متفق باشند» (۱) . بعد ازان وزیر خارجه بیمائها و قراردادهای افغانستان را از زمان حصول آزادی باینطرف به جرگه ارائه

۱- روابط سیاسی افغانستان در نیمه اول قرن بیست (روابط با انگلیس ، روس و جرمنی)



داشت و تبصره‌ها و نظریات ملت را در باره آنها مطالبه کرد .

نمایندگان به آزادی کامل و استدلال در اطراف موضوع حرف زدند. چیزی را قبول و تعدادی را رد کردند که عظمت جرگه بهمان اصل تاریخی و شکوه آن در جریان بود منبع مذکور چنین ادامه میدهد «هرگاه امان الله خان یک مجلس آرام و مطیع و سربراه را توقع میداشت باید علی‌الغالب از آن دلسرد و مایوس میشد و آنرا لغو میکرد . مگر خوشبختانه نمایندگان ملت آزادانه حرف میزدند و ابراز نظر میکردند» .

انتقادات زیادی در عقد پیمان افغانستان و روس بعمل آمده بود ، بدرجه اول در بحث ماده ۵۱ این پیمان بود که بااساس آن باید افغانستان پنجاه را که در سال ۱۸۸۵ میلادی روس‌ها اشغال کرده بودند بدست می‌آورد . انتقاد دیگری در مورد نقض پیمان آزادی خیهوه و بخارا بود که موجودیت این دو مملکت هم از طرف روس و هم از طرف افغانستان برسمیت شناخته شده بود . یکی از اعضای جرگه اظهار داشت که «افغانستان باید بر علیه روس اعلان جنگ بدهد» .

در جرگه که نمونه‌ای از آزادی ، اعتماد به نفس و شناخت و اظهار حقیقت بود دیده میشود که نمایندگان واقعا روح دیانت شعاری ، راستی ، صداقت و وطن خواهی که از نیات مردم افغانستان نشئت کرده بود بدرستی و وجه احسن تمثیل کرده اند .

نمایندگان بحضور پادشاهی که دوستی روس را بادل و جان پذیرفت و در حقیقت راه را برای بار اول جهت ورود افکار کمونستی و الحاد در مملکت ما گشود به صراحت کامل و بی پروا از خیانت روسیه سخن زدند و عقد قرار دوستی با چنین مملکت غاصب را خلاف آرزوهای مردم خود تشخیص کرده مسأله پنجاه را بر رخ پادشاهی که در عهد سلطنت پدرکلانش از دست رفته بود کشیدند . همچنان نمایندگان از اظهار همدردی در مورد دو مملکت مسلمان و برادر که آزادی شان از جانب روس سلب شده و آن ممالک را هم باقتل و قتال آزادی خواهان ، مجاهدین علم ، روحانیون و زعای ملی شان اشغال کرده بود نه تنها خود داری نکردند بلکه به لهجه شدید قرار داد را با روس نکوهش کردند ، بلکه با ابراز احساسات تند دولت را به جنگ علیه روس تشویق کردند<sup>(۱)</sup> . تا آنکه وزیر خارجه وقت باردیگر

۱- روابط خارجی افغانستان در نیمه اول قرن بیست (روابط با انگلیس . روس و المان) .

از مسایل بین المللی و دوستی روس و افغان حرف زد و در باره قراردادهای مذکور توضیحات داد و ارزش دوستی افغان و روس را بیان کرد .

درین جلسه قرار داد با ایتالیا تصویب شد و از کمک آن مملکت در ساحه نظامی و اعزام متخصصین قدر دانی بعمل آمد . در مورد قرار داد با برطانیه وزیر خارجه موضوعات جنگ با انگلیس و اینکه افغانستان چگونه جنگ را آغاز کرده بود بیان نمود که برطانیا از ندادن پاسخ به مکتوب اسیر به جنگ آغاز کرد و طیارات خود را در ساحه افغانستان فرستاد . بعد ازان جنگ شروع شد . حکومت برطانیا پیغام فرستاد که «اگر افغانستان برای حصول آزادی خود با انگلستان جنگ کرده باشد حکومت برطانیا قطعاً مائع آزادی و استقلال آن نمیشود . هرگاه جنگ علت دیگری داشته باشد باید آنرا واضح سازد تا آنکه دران مورد راه مفاهمه ومذاکره باز شود . . . .» بعد از آن وزیر خارجه پیمان خاتمه جنگ را بین دو قدرت به نمایندگان توضیح داد . انتقاداتی توسط نمایندگان ملت در مساله تجدید نظر محدود سرحدات افغانستان بلند شد . مگر امیر امان الله خان توضیح داد که این قرار داد بعد از یکسال میتواند فسخ شود و افغانستان باید برای یکسال انتظار بکشد که ظاهراً این مطلب طرف قناعت نمایندگان واقع شد .

اینک مشاهده میشود که نمایندگان با توجه و علاقه خاص به مسایل مملکت می بینند و جزئی ترین بی اعتنائی در مورد سرحدات مملکت را نمی پذیرند و شخص پادشاه مجبور میشود رشته سخن را از وزیر خارجه گرفته و بگوید که این قرار داد موقتی و برای یکسال است و بعد از یکسال میتواند فسخ گردد و باین دلیل نماینده ملت را قناعت میدهد . تا آنوقت شاید چیزی هم از مدت قرار داد گذشته باشد .

درین جرگه نمایندگان بامور اسلامی توجه خاص میدول داشتند و طوریکه در عین منبع ذکر گردیده یک سلسله انتقادات به روش مصطفی کمال در موضوع از بین بردن خلافت اسلامی وارد گردید که در اثنای مباحثه قرارداد بین ترک و افغان جلب توجه کرده بود . نمایندگان ملت افغانستان درین جرگه فیصله کردند که از ترکیه تقاضا گردد تا در باره مساله خلافت تجدید نظر کند و اعتبار پیمان را بدون قبول زعامت کنونی ترکیه و پیشوائی مذهبی موجوده ترک تصویب کردند . بعضی از اعضای نمایندگان ملت تجویز کردند که زمامدار افغانستان عهده خلافت اسلامی را بدوش بگیرد . بشرط آنکه ایران و ترکیه درین زمینه کمک

مالی بکنند .

دیده میشود که اعضای لوی جرگه نظر به دلچسپی خاصی که به اسلام و معتقدات دینی خود دارند قرار داد را با ترکیه بدون رسمیت شناختن رعایت آن تصویب میکنند یعنی قرار داد را با ملت عقد میکنند نه با حکومتی که با خلافت اسلامی تضاد واقع شده و آنرا از بین برده است و از پادشاه افغانستان تقاضا میکنند خلافت اسلامی را بعهد بگیرد . نمایندگان در تمام موارد نظر خود را به آزادی خاطر ابراز داشته اند آنچه را برای مملکت مفید تشخیص کرده بودند تصویب و آنچه را خلاف مصالح مملکت می پنداشتند رد میکردند . جائیکه پای مصالح مملکت در میان می بود چیز دیگری را نمی شناختند . درین جرگه سفارش گردید که روابط بین افغانستان ، ایران و فرانسه بیشتر توسعه و تحکیم یابد .

جرگه بعد از تصویب قرار داد و پیمانها با مالک خارجی که بعضی سبب بحث و مناقشات طولانی گردید به مسایل داخلی پرداخت که اصلاحات امور داخلی توجه نمایندگان را بخود جلب کرد و خصوصیت و خشم آنها را در بعضی موارد بره انگیخت . انتقادات زیادی بر قوانین موضوعه جدید و نظام نامه ها بعمل آمد . در قانون اساسی اصلاحات بعمل آمد مثلاً در ماده (۱) دوم قانون مذکور چنین اصلاحی را بوجود آوردند که «اسلام دین رسمی و مذهب حنفی رسمی اکثریت مطلق مردم افغانستان است . هندوها و یهودیان (در آنوقت در افغانستان یک تعداد مردم یهود وجود داشت) نیز تبعه افغانستان شناخته میشوند و حقوق شان حمایت میشود . . . .» .

قانون اساسی که در جرگه سال ۱۳۰۱ جلال آباد مورد بحث قرار گرفته بود در جرگه سال ۱۳۰۳ هم در باره آن مباحثاتی صورت گرفت که بعضی مواد آن تعدیل و متبای تصویب شد اینک متن قانون مذکور را نقل و بعد به جریانات دیگر جرگه می پردازیم . این قانون طوریکه در صفحات قبل تذکار یافت ابتدا در جرگه ۸۷۲ نقری سال ۱۳۰۱ شهر جلال آباد که با شتراک اعضای شورای دولت و نمایندگان مردم از نقاط مختلف ولایت ننگرهار ، لغمان ، کنر (مشرق آنروز) دایر شده بود تحت بحث و مذاکره قرار گرفت و بعد بان جرگه سال ۱۳۰۳ رویت داده شد . را در صفحه بعدی ملاحظه میکنید (۲) .

۱- منبع فوق .

۲- نگاهی به عهد سلطنت امانی نوشته آقای سید رسول .

## قانون اساسی امان الله خان و جریانات بعدی

- ماده اول : افغانستان در اجرای امور داخلی و خارجی اش کاملاً آزاد و مستقل است . تمام اجزا و نواحی مملکت زیر فرمان پادشاه افغانستان بوده و بحدت یک کتله واحد بدون کدام نوع تفرق بین اجزای آن اداره خواهد گردید .
- ماده دوم : دین مردم افغانستان دین مقدس اسلام است . پیروان سایر ادیان مثل یهودیان و هندوها ساکن افغانستان از حمایت کامل دولت برخوردارند . بشرطیکه آنها امنیت عمومی را مختل نسازند .
- ماده سوم : کابل پایتخت افغانستان است . تمام مردم افغانستان نزد دولت حقوق مساوی دارند . مردم کابل دارای کدام امتیاز خاصی که مردم سایر شهرها و قراء از آن برخوردار نباشند نیستند .
- ماده چهارم : از اینکه پادشاه افغانستان خدمات شایان در راه آزادی و ترقی ملت افغانستان انجام داده ، ملت نجیب افغانستان خود را مرهون پیروزیهای خط مشی شان دانسته اعلیحضرت شان بعد از جلوس بر تخت ، به اشراف و مردم افغانستان وعده خواهد داد که بر اساس اصول شریعت و مواد این قانون حکم خواهد راند و استقلال را حفظ و به ملت وفادار باقی خواهد ماند .
- ماده پنجم : پادشاه خادم و مدافع دین مبین اسلام و حکمران و پادشاه تمام اتباع افغانستان میباشد .
- ماده ششم : امور مملکت از طرف وزراء که از طرف پادشاه انتخاب و مقرر میگردد ، اداره میگردد . هر وزیر مسئول امور وزارت مربوطه است لذا پادشاه مسئول نیست .
- ماده هفتم : ذکر نام پادشاه در خطبهها ، ضرب زدن سکهها بنام پادشاه ، تعیین مناصب مامورین باسناد قوانین مربوطه ، اعطای مدالها و عطایا ، انتخاب و تقرر ، خلع یا تبدیل صدر اعظم و وزراء ، تصدیق قوانین عامه و اشاعه و دفاع از قوانین و سعرات

عسکری ، اعلان جنگ و صلح و امضای سایر معاهدات ، بخشش عمومی و عفو یا تخفیف مجازات‌ها همه از حقوق اعلیحضرت پادشاه است .

### حقوق عمومی اتباع افغانستان

ماده هشتم : تمام مردمیکه در پادشاهی افغانستان سکونت دارند بلا تفریق مذهبی و طبقاتی اتباع افغانستان شناخته میشوند . بدست آوردن یا از دست دادن ملیت بامسأ سواد قانونی مناسب صورت خواهد گرفت .

ماده نهم : تمام مردم افغانستان دارای آزادی های فردی اند و از هرگونه تجاوز بر آزادی های فردی دیگران منع میباشند .

ماده دهم : حریت فردی از هرگونه تعرض و مداخله مصئون است هیچکس جز بامسأ حکم فیصله محکمه شرعی و نظامات مقننه توقیف یا مجازات نخواهد گردید . بردگی منغی است . هیچکس نمیتواند دیگران را بصفت برده و غلام استخدام نماید .

ماده یازدهم : مطبوعات و چاپ روزنامه های داخلی مطابق حکم قوانین مربوطه آزاد است . حق چاپ روزنامه ها مختص به دولت و اتباع افغانستان است . نشرات خارجی از طرف دولت تنظیم یا سانسور خواهد شد .

ماده دوازدهم : اتباع افغانستان حق تاسیس شرکت های تجاری ، صنعتی و زراعتی را طبق قوانین مربوط خواهند داشت .

ماده سیزدهم : تمام اتباع افغانستان به صورت انفرادی یا دسته جمعی ، حق تقدیم عرایض بحکومت را در مقابل افراد دولتی یا عادی که در برابر احکام شریعت یا قوانین دولت بی حرستی کرده باشند خواهند داشت . اگر در کدام موارد به عرایض شان توجه صورت نگرفت ، آنها میتوانند به سلسله مراتب بمقام بالاتر عارض گردند . اگر باز هم رضائیت شان حاصل نشد ، آنها میتوانند مستقیماً به پادشاه عارض گردند .

ماده چهاردهم : تمام اتباع افغانستان حق تعلیم و تربیده رایگان را مطابق نصاب تعلیمی قبول شده دارند ، خارجی ها حق افتتاح مکاتب را در

- افغانستان ندارند لکن میتوانند بصفت معلم استخدام گردند .
- ماده پانزدهم : تمام مکاتب افغانستان تحت اداره ، نظارت و تفتیش دولت که وظیفه رشد تعلیم و تربیه علمی و ملی تمام اتباع مملکت را باساس روح اتحاد و نظم دارد ، میباشد و با تعلیم عقاید و مذهب حمایت شده اتباع مهاجر (هندوها و یهودها) مداخلت صورت نخواهد گرفت .
- ماده شانزدهم : کافه تبعه افغانستان به حضور شریعت و قوانین دولت دارای حقوق و مسئولیت مساوی در برابر دولت اند .
- ماده هفدهم : تمام اتباع افغانستان طبق شرایط لازم و توانائی شان و ضرورت دولت شایستگی استخدام در دوائر ملکی را خواهند داشت .
- ماده هژدهم : تمام مالیات موضوعه طبق قوانین مربوطه و به تناسب ثروت و توانائی اتباع جمع آوری خواهد گردید .
- ماده نوزدهم : در افغانستان تمام دارائیهای نقدی و جنسی اشخاص مصئون است . اگر دولت بملکیت کسی روی اهداف عامه ضرورت پیدا کند ، طبق مواد قوانین اجتماعی قبل از همه قیمت ملکیت پرداخته شده بعداً امتلاک خواهد گردید .
- ماده ۲۰ : آسایشگاه و منازل تمام اتباع افغانستان واجب الحرمت است . نه مامورین دولت و نه سائر افراد بدون اجازه داخل منزل کسی شده میتواند . مگر اینکه باساس حکم قانون باشد .
- ماده ۲۱ : تمام دعاوی و قضایا در محاکم عدلی باساس حکم شریعت و قوانین جزائی ، مدنی و جنائی فیصله خواهد شد .
- ماده ۲۲ : مصادره اسوال و کار اجباری کاملاً منع است . مگر در حالات جنگ استخدام به کار طبق مواد قانون مربوطه صورت خواهد گرفت .
- ماده ۲۳ : اسوال هیچ کس مصادره نخواهد شد مگر بحکم قوانین دولت و انتظام نامه ها .
- ماده ۲۴ : تمام انواع شکنجه ازین به بعد منع است هیچگونه مجازات برکس اعمال نخواهد شد مگر به اساس حکم قانون جزای مدنی و قانون جزای عسکری .

وزراء

- ماده ۲۵ : مسئولیت اداره حکومت بدوش شورای وزراء و ریاست‌های مستقل است . رئیس شورای وزراء شخص اعلیحضرت است . در غیاب او شان نایب شان مقام صدارت عظمی را اشغال خواهد کرد و یا در غیاب او شان وزیر عالی مقام درین سمت خواهد بود .
- ماده ۲۶ : اگر در صورت غیابت یک وزیر کفیل سرپرستی دران وزارت تعیین میگردد ، او از تمام صلاحیت‌های وزیر استفاده میتواند .
- ماده ۲۷ : در هر سال قبل از تجلیل روز استقلال در یک روز مناسب که از طرف شاه تعیین میگردد یک دربار عالی تشکیل خواهد گردید . این مجلس تحت ریاست شاه مرکب خواهد بود از مامورین دولت ، سران و بزرگان مردم و سائبر اشراف که از طرف شاه انتصاب خواهند شد درین مجلس تمام وزراء و روسای ادارات مستقل گذارش فعالیت و اجراءات سال قبل را در جلسه علنی بیان خواهد داشت .
- ماده ۲۸ : شاه صدراعظم و وزراء را انتخاب خواهند کرد .
- ماده ۲۹ : شورای وزراء سیاست داخلی و خارجی را طرح خواهد کرد . فیصله‌های شورای وزراء معاهدات و سائر امور که بیه تصدیق شاه ضرورت دارد ، بعد از امضا و تصدیق او مورد اجراء قرار خواهد گرفت .
- ماده ۳۰ : هر وزیر امور مربوط وزارتش را با صلاحیت کامل اجراء خواهد کرد . امور متعلق بیه تصمیم شاه باو و امور متعلق به شورای وزیران به آن مرجع راجع خواهد شد .
- شورای وزیران امور راجعه را طبق قوانین خاص مورد بحث قرار داده فیصله و نظریات را که از طرف شورای ابراز گردیده امضاً خواهد کرد .
- ماده ۳۱ : تمام وزراء در ارتباط به سیاست عمومی حکومت و هم در ارتباط به مسئولیت‌های شخصی اش به شاه مسئول اند .
- ماده ۳۲ : احکام و فرامین شفاهی شاه باید به شکل تحریری درآمده و از



طرف او امضا گردد .

ماده ۳۳ : محاکمه وزراء در صورت سوء اداره ، در دیوان عالی مطابق قوانین خاص مربوطه صورت خواهد گرفت . محاکمه اعمال نا جائز شان در امور خارج از وظائف در محاکم عادلی مثل سائریت صورت خواهد گرفت .

ماده ۳۴ : وزیر که در دیوان عالی متهم باشد یا فیصله نهائی از وظیفه برکنار خواهد شد .

ماده ۳۵ : وسعت تشکیلات وزارت های مختلف ، وظایف و صلاحیت های شان در نظامنامه تشکیلات اساسی افغانستان تشریح گردیده است .

ماده ۳۶ : مامورین باساس شایستگی و مطابق مقررات ، قوانین مربوطه مقرر خواهند گردید . هیچ مامور از وظیفه اش برکنار شده نمیتواند مگر اینکه استعفا دهد یا سوء اجراءات و مخاطرات تنظیم دولت . مامورین که سابقه نیک اجرائی داشته باشند سزاوار ترفیع و تقاعد خواهند بود .

ماده ۳۷ : وظائف مامورین ذریعه قانون جدا گانه توضیح گردیده و مامور مسئول اجرای وظائف محوله اش طبق قانون خواهد بود .

ماده ۳۸ : تمام مامورین باید احکام قانونی آمرین شانرا تعمیل نمایند اگر کدام حکم مامور غیر قانونی جلوه نمود موضوع را به مقامات عالیله وزارت مربوطه راجع سازد . اگر مامور به اجرای اوامر غیر قانونی بدون اینکه به مقامات عالی اطلاع داده باشد پردازد ، او مساویانه مجرم شناخته میشود .

### شورای دولت و شورای ولایات

ماده ۳۹ : بموجب این ماده یک شورای دولت در پایتخت پادشاهی و شورای محلی در حکومت ها و ولایات کشور تشکیل میگردد و بحیث ارگانهای مشورتی فعالیت خواهند کرد .

ماده ۴۰ : عضویت در شورای دولت و شوراهای محلی انتخابی و انتصابی خواهد بود .

ماده ۴۱ : نماینده های منتخب شوری ها عبارت از آئنده مامورینی خواهند بود که در قانون تشکیلات اساسیه حکومت افغانستان توظیف



گردیده اند اعضای انتصابی شورای دولت از طرف پادشاه انتخاب خواهد شد. تعداد اعضای منتخب و اعضای منتصب مساوی خواهد بود. اعضای انتخابی از طرف مردم انتخاب خواهد گردید. مواد جداگانه نظامنامه تشکیلات اساسی دولت طریق انتخاب اعضای شورای دولت را توضیح نموده است.

ماده ۴۲ : وظایف شورای دولت و شوراهای محلی علاوه بر مسئولیت‌های که در نظامنامه تشکیلات اساسی دولت افغانستان توضیح گردیده عبارت است از :

(الف) تقدیم پیشنهادات لازم به دولت جهت بهبود صنعت ، تجارت ، زراعت و معارف .

(ب) تقدیم عرایض به دولت در مورد بی‌نظمی‌های امور مالیات و یا وضع عمومی اداری جهت علاج اوضاع .

(ج) شکایت نمودن به دولت در صورت تجاوز بر حقوق مردم که از طرف قانون برسمیت شناخته شده .

ماده ۴۳ : پیشنهادات ، عرایض یا شکایات شوراهای مشورتی در مرحله

اول به والی و حاکم منطقه تقدیم خواهد گردید . والی‌ها و یا

حکام مربوطه اقدام لازم در حدود صلاحیت‌های شان بعمل خواهند آورد . اگر همچو موضوعات از حدود صلاحیت شان

خارج بود موضوع را بوزارت مربوطه جهت غور راجع خواهند

ساخت . وزارت مربوطه بالنوبه اقدام لازم بعمل خواهد

آورد و در مورد خاص طبق حکم ماده (۳۰) این قانون

عمل خواهد کرد و یا اگر قضیه ماهیت قانونی داشته باشد طبق

حکم ماده (۴۶) این قانون اجراءات صورت خواهد گرفت .

ماده ۴۴ : اگر در ظرف یکماه بعد از تقدیم پیشنهاد عریضه یا شکایات شورای

مشورتی به والی و حکام مربوطه کدام اقدام صورت نگرفت

شورای مشورتی خود میتوانند موضوع را به شورای دولت

راجع سازند .

ماده ۴۵ : شورای دولت پس ازان راجع به قضیه اظهار نظر نموده آنرا

بوزارت مربوطه راجع خواهد ساخت اگر وزارت مذکور اقدام

بعمل نیاورد شورای دولت مستیما قضیه را به شاه راجع خواهد ساخت .

ماده ۴۶ : مسوده قوانین که از طرف حکومت ترتیب میگردد از طرف شورای دولت مورد بحث و مناقشه قرار گرفته بعدا به شورای وزراء جهت تدقیق بیشتر راجع خواهد شد . اگر مسوده مذکور از طرف هر دو شوراها تصویب گردد جهت تصدیق به شاه راجع خواهد شد . البته بعد از تو شیخ شاه شکل قانون را بخود خواهد گرفت .

ماده ۴۷ : بر علاوه اعضای انتصابی و دائمی شورای دولت عده از ماسورین عالی رتبه ملکی و عسکری بالاتر از مقام والی ، حاکم اعلی ولو امشر به ترتیب ببحث اعضای موقتی شورای دولت تا زمانی انتخاب گردیده میتوانند که کدام وظیفه جدید به ایشان محول گردد بشرط آنکه آنها از وظیفه بخاطر قضیه مربوط (دوسیه) شان سبکدوش نشده باشند .

ماده ۴۸ : شورای دولت بر بودجه سالانه دولت که از طرف وزارت مالیه ترتیب خواهد گردید به اساس اصول نظامنامه بودجه تجدید نظر خواهد کرد .

ماده ۴۹ : شورای دولت بر تمام معاهدات قراردادهای و موافقتنامه های که بین حکومت و خارجیها امضاء میگردد تجدید نظر خواهد کرد .

### محاکمات

ماده ۵۰ : تمام قضایا و دعاوی در محکمه عدلیه فیصله خواهد شد به استثنای موضوعات که در نظامنامه محاکم ذکر گردیده ، قاضی میتواند موضوع را حفظ هم نماید .

ماده ۵۱ : کافه اتباع و یا اشخاص در محاکم عدلی برای حفظ حقوق شان از طریق قانونی استفاده بعمل آورده میتوانند .

ماده ۵۲ : محاکم عدلی میتوانند صدور فیصله در مورد قضایای را که باید فیصله نمایند به تعویق اندازند .

ماده ۵۳ : تمام محاکم عدلی از هرگونه مداخله سبعا است .

ماده ۵۴ : با اساس نظامنامه تشکیلات اساسی حکومت افغانستان محاکم متعدد

به‌سلسله مراتب مختلف تشکیل گردیده .

ماده ۵۵ : هیچ‌نوع محکمه اختصاصی جهت رسیدگی یا فیصله کددام قضیه و یا معامله در بیرون تشکیلات منظم قضائی تشکیل شده نمیتواند.

### دادگاه عالی

ماده ۵۶ : دادگاه عالی گاه‌گاهی روی اهداف خصوصی جهت محاکمه وزراء تشکیل میگردد و بعد از انجام وظیفه‌اش منحل خواهد شد .

ماده ۵۷ : تشکیلات و اصول کار دادگاه عالی توسط قانون علیحده توضیح خواهد شد .

### امور مالی

ماده ۵۸ : جمع‌آوری مالیات با‌اساس مقررات عمومی مالیات صورت خواهد گرفت .

ماده ۵۹ : بودجه سالانه که توسط آن عایدات و مصارفات دولت تعیین خواهد گردید در هر سال تهیه خواهد گردید . تمام عواید و مصارف دولت با‌اساس همین بودجه خواهد بود .

ماده ۶۰ : در اخیر هر سال گزارش مالی تهیه و دران عایدات و مصارف حقیقی سال گذشته دولت به آن‌های که امور بودجه را تنظیم مینمایند شرح داده خواهد شد .

ماده ۶۱ : به اساس قانون علیحده‌ایکه درین مورد به تصویب رسیده یک دفتر تفتیش دیوان محاسبات تشکیل خواهد شد . وظیفه دیوان محاسبات این خواهد بود که معلوم کند آیا عایدات و مصارف دولت مطابق بودجه بوده است یا خیر .

ماده ۶۲ : تشکیلات و طرق تطبیق گزارش مالی و بودجه در قانون علیحده که درین مورد منظور شده تصریح گردیده است .

### اداره ولایات

ماده ۶۳ : اداره ولایات بر سه اصل اسامی استوار است :

- ۱- غیر مرکزی بودن قدرت .
- ۲- تصریح وظائف و مسئولیت‌ها .
- ۳- تصریح صلاحیت‌ها .

تمام مسئولیت‌های مامورین ولایات به اساس اصول فوق و قوانین

مربوطه معین گردیده است. صلاحیت این مامورین نیز با اساس همین اصالیب قوانین محدود است و هر مامور به امر ما فوق ترش مسئول است.

ماده ۶۴ : نمایندگی های وزارتها در ولایات تأسیس گردیده. همه اشخاص کارهای مربوطه شان را اولاً به شعبات مذکور جهت حل و فصل راجع خواهند ساخت.

ماده ۶۵ : اگر معضلات مردم در نمایندگی های وزارتها حل نگردد و یا اینکه مامورین مربوطه موضوع را مطابق قانون فیصله ننمایند. شاکیون میتوانند موضوع را به دقاتر عالی تر وزارتها در ولایات و یا اگر ضرورت احساس شود به حکام و حاکم اعلی راجع سازند.

ماده ۶۶ : تشکیلات وظایف و مسئولیت های بلدیّه در نظامنامه بلدیّه تصریح گردیده.

ماده ۶۷ : حالات اضطراری یا اداره از طرف حکومت در هر گوشه مملکت که در آن امکان اغتشاش و یا بغاوت وجود داشته باشد و یا اینکه امنیت عامه را تهدید نماید اعلان خواهد شد.

#### امور متفرقه

ماده ۶۸ : تعلیمات ابتدائی به کافه اتباع افغانستان اجباری است. نصاب های تعلیمی و تعلیم علوم مختلفه در نظامنامه مختلف توضیح گردیده و تطبیق خواهد شد.

ماده ۶۹ : هیچ یک از مواد این قانون به هیچ وسیله و دلیل نمیتواند فسخ گردد.

ماده ۷۰ : این قانون در صورت پیشنهاد از طرف دو سوم شورای دولت و منظوری شورای وزراء و تصدیق پادشاه اصلاح خواهد شد.

ماده ۷۱ : در صورت لزوم هر نوع توضیح و یا تغییرات مواد این قانون و یا مائز قوانین دولت باید به شورای دولت راجع گردد. هر نوع تصحیح و توضیح از طرف شورای دولت و امضای وزراء چاپ و نشر خواهد شد.

ماده ۷۲ : در اثنای وضع قوانین شرائط عینی وضع زندگی مردم مقتضیات وقت و خاصاً احکام شریعت جدا در نظر خواهد بود.

ماده ۷۳ : مصونیت مکاتیب شخصی یکی از حقوق همه افراد است و تمام مراسلات از طریق پوسته صورت گرفته هر نوع معاینه ممنوع است. مراسلات مردم به همان شکلی که به پوسته تسلیم شده به مرسل الیه تسلیم خواهد شد مگر اینکه محکمه به باز نمودن لفاغه مرامله و معاینه آن حکم نموده باشد.

مباحثات در اطراف قوانین جریان یافت بحث و مذاکره زیاد صورت گرفت. نمایندگان در مسایل دینی نهایت دقیق و حساس دیده میشدند جامعه افغانی واقعا یک جامعه مذهبی است در مقابل مسایل دینی همیشه حساسیت نشان داده اند<sup>(۱)</sup> و در هر ماده قانون که جزئی ترین تضاد با احکام مذهبی دیده شده آنرا به شدت رد کرده اند. در ماده نهم قانون اساسی «تمام مردم افغانستان دارای آزادی های فردی اند و از هرگونه تجاوز بر آزادی های فردی دیگران منع میباشند» چنین تعدیل بوجود آورده شد. «تمام مردم افغانستان دارای آزادی های فردی میباشند مگر مسئولیت وظائف دینی خود را بشکل درست آن باید انجام بدهند و تابع قانون جزای مملکت باشند». هکذا در ماده ۲۴ چنین ثبت گردید: «شکنجه کردن و انواع دیگر جزاهای بدنی بصورت قطع ممنوع است به هیچ کس بدون امر شریعت اسلام هیچنوع جزا داده نمیشود تا جمع قوانین دولت بااساس شریعت اسلام استوار باشند».

اعضای لوی جرگه تمام نظامنامه ها و قوانین دولت را که بغرض تصویب به لوی جرگه تقدیم شده بود به دقت تحت بررسی قرار دادند و خود را برای قبول

۱- مقاومت امروز مردم ما در مقابل تجاوزگران روس ناشی از همین پیروی اعتقاد و ایمان و فداکاری برای حفظ دین و ناموس وطن است ولوکه این مقاومت مردم ما از طرف دشمنان دین و ناموس وطن با استعمال تانک، توپ و طیاره و صدها نوع سلاح های جدید اختراع دیگر مقابل میشود و سبب قتل عام مردم، ویرانی دهات و قصبات و آوارگی میلیون ها فرزندان وطن ما شده است باز هم مردم ما در سر ویراندهای وطن می جنگند و مقاومت میکنند.

و یا رد قسمت‌هاییکه مفید و آنچه که خلاف ارزش‌های مذهبی پنداشته میشد آماده کرده بودند و مسایل را با دلچسپی و وسعت نظر بررسی میکردند و اگرچه نسبت به امان الله خان بدینی ایجاد شده بود باز هم در قوانین هرگاه کدام تضاد صریح با مسایل مذهبی پیدا نمیشد تصویب میکردند و البته آنچه که خلاف احکام شریعت بود رد میکردید. «قانون ازدواج که در جرگه مذکور بنام نظامنامه نکاح تدوین شده بود که داشتن یک زن را تشویق میکرد و برای نکاح دوم قید مالیه گذاشته شده بود و داشتن نکاح نامه را شرط اول ازدواج میدانست که این مسایل به قانون اسلامی هم آهنگ و موافق نبود (مورد قبول واقع نگردید) در عین حال اعضای لوی جرگه برای کسیکه به خانم خود رویه خراب میکند جزا تعیین کرد. پیش بینی در قانون جزا برای جریمه نقدی خلاف اسلام بنظر می‌آمد. بعضی از اعضای جرگه چنان تصور میکردند که جریمه‌های نقدی یک جزای سنگین برای پولداران نمی باشد در حالیکه غربا توان تادیبه آنها ندارند محبوس میکردند. فقط درین صورت ازین جزا غربا متضرر میشوند<sup>(۱)</sup>. یکی از پیش بینی‌های قانون برای دزد مشهور بالفساد تعیین سخت ترین جزا بود.

در موضوع تعلیم و تربیه نمایندگان تاسیس پوهنحی علوم اسلامی را بزبان عربی پیشنهاد کرده بودند. بعضی از نمایندگان ملت به تعلیم و تربیه عصری انتقاد میکردند بالخصوص تعلیم و تربیه دختران را نمی پسندیدند. اکثریت نمایندگان از ادامه مکاتب فرانسوی و جرمنی پشتیبانی کردند. زیرا تحضیل زبان خارجی در قرآن کریم ممنوع قرار داده نشده است. اما مکاتب نسوان مخصوصا مکاتب عالی آنها نمی خواستند و میگفتند مکاتب مذکور بسته شود. بر اثر فشار جرگه حکومت مجبور شد تا پرداخت مبلغ معافیت عسکری را پایان آورد و قبول عوض را در تحت شرایط خاص بپذیرد. جرگه صورت داوطلبانه خدمت عسکری را پیشنهاد کرد تا مورد تصویب قرار گیرد. مگر حکومت جدا از جرگه خواهش کرد تا باین منظور نخست ذهنیت مردم را معلوم و به پذیرش این پیشنهاد متیقن شوند بعد تصمیم نهائی بگیرند. جرگه داشتن تذکره نفوس را رد کرد مگر در صورت شرایط خاص. همچنان تعیین جزا در مقابل جرم‌های پیش بینی شده (در قانون برای هر جرم جزا پیش بینی گردیده بود که در صورت ارتکاب آن جرم مجرم مجزاء می‌رسید) خلاف

مقررات شریعت اعلان شد. بر حسب قانون اسلام جزا باید قبل از ارتکاب جرم تعیین نشود. درین جرگه سه صد نفر علمای دینی از جمله ۱۰۰ عضو اعضا جرگه عضویت داشتند. غرض از تذکر بعض پیشنهادها و تصویب یارد آن اینست که جرگه‌ها با صلاحیت، آزادی و اطمینان کامل بوظایف شان میپرداختند و اعضای جرگه بدون جزئی ترین و اندک ترین اندیشه از قوت و قدرت دولت نظریات شانرا ابراز می‌داشتند بسا پیشنهادهای دولت ردگردید. زمام داران آنوقت هم همه جریانات را بدون کم و کاست نشر میکردند.

در موقعیکه لوی جرگه سال ۱۳۰۳ جریان داشت مردم خوست ولایت پکتیا اغتشاش برپا کرده بودند. لوی جرگه بهمان روحیه خیر اندیشانه و علاقه مندی به امنیت کشور و آرامش مردم پیشنهاد کرد که (۳۰ نفر از اعضای جرگه بخوست بروند و بمردم بفهمانند که قوانین و نظامنامه‌ها به قوانین اسلام وفق داده شده است بنا بران دیگر جایی برای بغاوت نمی‌ماند. اما امیر امان الله این تجویز را رد کرد و گفت خودش برای فرو نشاندن این بغاوت وسایل کافی در دست دارد. باثر عدم موافقت پادشاه جرگه از اعزام نمایندگان منصرف گردید.

اعزام نمایندگان از طرف لوی جرگه مخصوصاً در حین جریان جرگه که نمایندگان از

تمام نقاط مملکت حضور داشتند شاید تاثیر بسزائی در فرو نشاندن اغتشاش میکرد مخصوصاً برای مردم پکتیا که به جرگه‌ها نهایت احترام دارند و در میان آن مردم جرگه‌ها به انواع و اقسام آن وجود دارد بهر حال مطلب از خصوصیت این جرگه‌ها است که چیزیکه بخیر و صلاح مردم پندارند اظهار می‌کنند. نمایندگان موضوعات را با دقت مورد بررسی قرار داده و در بسیاری مواردیکه در نظر امیر امان الله خان و اراکین دولت او خوش آیند هم نبود اعتراض میکردند چنانچه قبلاً ذکر شد در بیانیه یک وکیل در مورد پنجاه بچیث یک جزء خاک افغانستان و همچنان موضوع خبوه و بخارا را بچیث مسأله دو مملکت اسلامی و همسایه که در نهایت شدت عنوان گردید وزیر خارجه بیانات وکیل را باین جملات که افغانستان با شوروی دوست است بین دو مملکت جنگ نمیشود رد کرد. البته عکس العمل این مذاکرات بعداً در اطراف مملکت حین عزیمت اعضای جرگه به خانه‌های شان معلوم بود.

و یا در مورد اظهارات بعضی نمایندگان در مسایل سرحدات و حساسیت آنها امیر امان الله خان شخصاً نمایندگان را به این جملات که این قرار دادهای موقتی و برای یک سال است تسکین داد و تشویش آنها را عجلالتا رفع کرد. **رویک** همرفته درین

جرگه تعدیلاتی در قانون اساسی و سایر نظامنامه‌ها بوجود آمده‌امیر امان الله خان نیز همه را با حوصلهٔ فراخ شنید و اهمیت لوی جرگه را نادیده نگرفت، جرگه در حالی خاتمه یافت که نمایندگان به اطراف و اکناف مملکت افکار و نظریات گوناگونی را با خود بردند.

ACKU



ذوات آتی مشتمل بر مامورین ، خوانین ، سادات ، مشایخ ، نمایندگان منتخب  
 سات در جرگه ۱۳۰۳ اشتراك نموده بودند (۱) :

شماره	اسم	صفت مجیزه	مقامات
۱-	اعلیحضرت معظم غازی	شهریار استقلال بخش	کابل
	امیر امان الله خان	رئیس اول لوی جرگه	
۲-	عبدالعزیز خان	رئیس تنظیمیه قندهار	»
		وزیر داخله اسبق حال	
		وکیل وزارت حربیه	
۳-	شیر احمد خان	وکیل وزارت خارجه	»
		رئیس شورای دولت رئیس	
		دوم لوی جرگه	
۴-	غلام محمد خان	وزیر داخله	»
۵-	سردار حیات الله خان	وزیر عدلیه	»
۶-	میرزا میر محمد هاشم خان	وزیر مالیه	»
۷-	فیض محمد خان	وزیر معارف	»
۸-	میرزا محمد ایوب خان	وکیل وزارت تجارت	»
۹-	محمد یعقوب خان	شاه غاسی حضور (ایشک اقاسی)	»
۱۰-	محمود یاور	والی کابل	»
۱۱-	عنایت الله خان	معین السلطنه	»
۱۲-	محمد نعیم خان (بدخشی)	وکیل وزارت حربیه	»
۱۳-	عبدالوکیل خان (نورستانی)	قوماندان قول اردو	»
۱۴-	محمد اسحاق خان	مستشار سفارت پاریس	»

۱- گذارشات لوی جرگه سال ۱۳۰۳ .

- ۱۵- عبدالصمد خان  
 ۱۶- جناب علی محمد خان  
 ۱۷- جناب قاضی صاحب هرات  
 ۱۸- محمد عمر خان  
 ۱۹- سردار محمد کبیر خان  
 ۲۰- میرزا غلام مجتبی خان  
 ۲۱- جناب محمود سامی  
 ۲۲- غلام حیدر خان  
 ۲۳- عبدالحمید  
 ۲۴- محمد عمر خان  
 ۲۵- محمد جان خان  
 ۲۶- میرزا غلام معروف خان  
 ۲۷- محمد حسین خان  
 ۲۸- محمد حیدر خان  
 ۲۹- عبدالرحمن خان  
 ۳۰- محمد ایوب خان (ادیب)  
 ۳۱- احمد شاه خان (هندی)  
 ۳۲- گل احمد خان  
 ۳۳- جناب میر محمد حسین خان  
 ۳۴- عبدالرحیم خان  
 ۳۵- جناب پنین بیگ خان  
 ۳۶- جناب سعدالدین خان  
 ۳۷- جناب محمد یونس خان
- کابل معین وزارت داخله  
 ,, معین وزارت معارف  
 ,, معین وزارت عدلیه  
 ,, نایب سالار  
 ,, مدیر مستقله طبیه  
 ,, مستوفی ولایت کابل  
 ,, لوامشر مکاتب حریده  
 ,, لوامشر قلعه بیگی ارگ  
 ,, رئیس ارکان حریده  
 ,, غنمد مشر معاون دائره ارکان  
 ,, غنمد مشر معاون دائره احتیاط  
 ,, رئیس ستجش مالیه  
 ,, رئیس تدریسات معارف  
 ,, وزیر مختار  
 ,, رئیس مرکه و پشتو  
 ,, رئیس مکتب امانی و امانیه  
 ,, (معاون مکتب نجات که در  
 حادثه قتل نادرشاه اعدام شد)  
 ,, رئیس نمایشات عرفانی  
 ,, کوتوالی  
 ,, دوم شورای دولت  
 ,, سوم شورای دولت  
 ,, لوامشر اعضای طبیعه شورا  
 شخص دلاور و از قومندانهای  
 با شخصیت اردو بود در  
 اوایل جلوس نادر خان  
 اعدام گردید.  
 ,, قوماندان کوتوالی  
 ,, رئیس بلدیہ

کابل	سرکاتب حضور	۳۸- میرزا محمد اکبر خان
»	سرکاتب عالی وزراء (سرمنشی ظاهر شاه)	۳۹- حافظ نور محمد خان
»	مدیر سکوت نویسی دائره شاه غاسی	۴۰- میر علی احمد خان
»	مدیر محاسبه دائره شاه غاسی	۴۱- میر محمد هاشم خان
»	کندک مشر مدیر شعبه دوم ارکان	۴۲- جناب محمد کریم خان
»	ترجمان ترکی	۴۳- جناب حسن بیگ خان
»	کندک مشر ارکان حریده	۴۴- جناب عبدالغفار خان
»	کندک مشر ارکان حریده	۴۵- جناب امین الله خان
»	کندک مشر رساله شاهی	۴۶- جناب امیر محمد خان
»	کندک مشر مدیر لوازمات حریده	۴۷- جناب محمد مهدی خان
»	کندک مشر طبیه حریده	۴۸- جناب میر غلام محمد خان
»	کندک مشر احتیاطی حریده	۴۹- جناب عبدالحمید خان
»	کندک مشر ترجمان حریده	۵۰- سید دلاور علی شاه خان
»	مدیر دول اسلامی در وزارت خارجه	۵۱- جناب عبدالشکور خان (از فضیله لغمان)
»	مدیر دول روس و ترکستان خارجه	۵۲- جناب حفیظ الله خان
»	مدیر دول هند و اروپا خارجه	۵۳- جناب ہاز محمد خان
»	مدیر تشریفات دارالترجمه خارجه	۵۴- جناب محمد عثمان خان امیر
»	مدیر اوراق خارجه	۵۵- جناب میرزا غلام محمد خان
»	مدیر محاسبه خارجه	۵۶- جناب میرزا غلام رسول خان
»	مدیر مامورین داخلیه	۵۷- جناب سردار محمد عمر خان
»	مدیر نفوس داخلیه	۵۸- جناب عزیز الله خان
»	مدیر پست و تلگراف داخلیه	۵۹- جناب عبدالجبار خان
»	مدیر معابر داخلیه	۶۰- جناب محمد حسین خان
»	مدیر محاسبه داخلیه	۶۱- جناب میرزا علی خان

- ۶۲- جناب میرزا محمد سرور خان مدیر محاسبه عمومی بابله کابل
- ۶۳- جناب میرزا عبدالوهاب خان مدیر مامورین عمومی بابله
- ۶۴- جناب عبدالاحمد خان مدیر تحریرات معارف
- ۶۵- جناب محمد اکرم خان مدیر مامورین معارف
- ۶۶- جناب محمد عیسی خان مدیر تنظیمات معارف
- ۶۷- محمد اکبر خان مدیر مامورین عدلیه
- ۶۸- توفیق بیگ مدیر عمومی زراعت و وزارت تجارت
- ۶۹- عبدالعزیز خان مدیر عمومی مکتوب اویسی وزارت تجارت
- ۷۰- جناب میرزا عبدالعزیز خان مدیر محاسبه وزارت تجارت
- ۷۱- میرزا محمد سعید خان منشی شورای دولت
- ۷۲- میرزا محمد نوروز خان مدیر تحریرات یاوری (وزیر داخله در عصر مظاہر شاہ)
- ۷۳- میرزا عبدالرحیم خان مدیر محاسبه مرکزی آیالت کابل
- ۷۴- میرزا محمد خان مدیر تحصیلی آیالت کابل
- ۷۵- میرزا محمد اکبر خان مدیر عین المال
- ۷۶- میرزا محمد نوروز خان مدیر ضبط احوالات
- ۷۷- جناب ملا عبدالرحمن خان قاضی سرافعه کابل
- ۷۸- میرزا اختر محمد خان مدیر نفوس ولایت کابل
- ۷۹- میر محمد صدیق خان مدیر زراعت آیالت کابل
- ۸۰- محمد حسین خان مدیر معارف آیالت کابل
- ۸۱- میرزا محمد اسلم خان مدیر محاسبه آیالت کابل
- ۸۲- مولوی برهان الدین سرکاتب دائره سوانح نگاری حضور
- ۸۳- میرزا محمد سرور خان مخفف نویس حضور
- ۸۴- جناب میرزا رحمت الله مخفف نویس حضور
- ۸۵- عبدالسلام مخفف نویس حضور
- ۸۶- محمد اکبر خان مخفف نویس حضور
- ۸۷- سلطان محمد خان کاتب دائره سوانح نگاری حضور

- ۸۸- جناب میرزا دلاور خان کاتب دائره سوانح نگاری حضور کابل
- ۸۹- عبداللہ خان سر کاتب دائره تحریرات شاغسی
- ۹۰- حیر عباس خان سر کاتب دائره محاسبہ  
تحریرات شاغسی
- ۹۱- جناب سید محمد ایشان خان سر کاتب دائره تحریرات حضور ،  
خطاط معروف ، مدت ها بیٹ  
معلم در مکاتب خدمت کرد
- ۹۲- میرزا سراج الدین خان کاتب مطبعه دائره  
تحریرات شاغسی
- ۹۳- میرزا محمد محسن خان کاتب مطبعه دائره تحریرات شاغسی
- ۹۴- احمد راتب خان کاتب مطبعه دائره  
تحریرات شاغسی
- ۹۵- میرزا عبداللہ افغانی نویسنه دائره تحریرات حضور
- ۹۶- میرزا رجب علی خان کاتب اول اوراق تحریرات حضور
- ۹۷- میرزا سید محمود خان کاتب دوم اوراق تحریرات حضور
- ۹۸- باز محمد خان تولیمشر سوم ارکان حربیه
- ۹۹- میرزا عبدالسلام خان تولیمشر دوم ارکان حربیه
- ۱۰۰- میرزا حاجی حفیظ اللہ تولیمشر تحویلدار کتابخانه عسکری
- ۱۰۱- سید اکبر خان تولیمشر ۲ ارکان حربیه
- ۱۰۲- سید احمد خان تولیمشر ۴ ارکان حربیه
- ۱۰۳- ذکریا خان تولیمشر ۲ ارکان حربیه
- ۱۰۴- محمد علی خان تولى مشر مدیر ۴ ارکان حربیه
- ۱۰۵- سلطان احمد خان تولیمشر احتیاطی ارکان حربیه
- ۱۰۶- محمد علی خان تولیمشر ۲ احتیاطی ارکان حربیه
- ۱۰۷- میرزا میر امان الدین خان سر کاتب ۲ احتیاطی ارکان حربیه
- ۱۰۸- میرزا رسم علی خان سر کاتب محاکمات حربیه
- ۱۰۹- میر غلام رؤف سر کاتب دائره شخصیه حربیه
- ۱۱۰- میرزا افضل احمد خان سر کاتب حربیه
- ۱۱۱- میرزا دوست محمد خان سر کاتب شعبه ۲ شخصیه حربیه

کابل	سر کاتب حربيه	۱۱۲- ميرزا غلام نبی خان
”	سر کاتب حربيه	۱۱۳- ميرزا غلام بهاء الدين
”	مدیر اوراق حربيه	۱۱۴- ميرزا محمد قاسم خان
”	مدیر وزارت حربيه	۱۱۵- ميرزا عبدالله
”	سر کاتب وزارت حربيه	۱۱۶- ميرزا عبدالعلي خان
”	معاون دوم دول اسلامي و خارجيه	۱۱۷- ميرزا محمد خان
”	سر کاتب دول اسلامي و خارجيه	۱۱۸- ميرزا عبدالغفور خان
”	معاون روس ترکستان خارجيه	۱۱۹- ميرزا غلام احمد خان
”	سر کاتب دول روس ترکستان خارجيه	۱۲۰- ميرزا عبدالصبور
”	معاون هند و اروپا خارجيه	۱۲۱- ميرزا سلطان احمد خان
”	معاون سفير و ترجمان خارجيه	۱۲۲- ميرزا عبدالهادی خان
”	ماسور بقايای ماليه	۱۲۳- ميرزا محمد جان خان
”	ماسور وزارت ماليه	۱۲۴- ميرزا مير سلام الدين خان
”	ماسور بودجه ماليه	۱۲۵- ميرزا عبدالقيوم
”	ماسور اوراق ماليه	۱۲۶- ميرزا عبدالله خان
کابل	سر کاتب تصفيه ماضيه ماليه	۱۲۷- حاجی ميرزا محمد عمر
”	سر کاتب تصفيه ماضيه ماليه	۱۲۸- ميرزا محمد يعقوب خان
”	سر کاتب تصفيه ماضيه ماليه کابل	۱۲۹- ميرزا فخرالدين خان
”	سر کاتب تصفيه ماضيه ماليه کابل	۱۳۰- ميرزا محمد نبی
”	سر کاتب تصفيه ماضيه ماليه کابل	۱۳۱- ميرزا محمد علم خان
”	سر کاتب ماليه ولايت کابل	۱۳۲- ميرزا عبدالغفور خان
”	” ” ” ”	۱۳۳- ميرزا حمزالله
”	سر کاتب ماليه ولايت قندهار	۱۳۴- ميرزا محمد سرور
”	سر کاتب ماليه ولايت هرات	۱۳۵- ميرزا سراج الدين

سرکاتب مالیه ترکستان و قطغن کابل	۱۳۶- میرزا محمد اکبر
سرکاتب مالیه ترکستان و قطغن	۱۳۷- میرزا عبدالرحیم خان
سرکاتب حکومت‌های اعلیٰ	۱۳۸- میرزا غلام نبی
سرکاتب	۱۳۹- میر عزیز الله خان
سرکاتب بقایای مالیه	۱۴۰- میرزا فیض الدین
سرکاتب وزارت مالیه	۱۴۱- دیوان حکم چند
سرکاتب وزارت مالیه	۱۴۲- میرزا غلام صدیق خان
سرکاتب بودجه مالیه	۱۴۳- میرزا محمد حسن خان
سرکاتب مامورین مالیه	۱۴۴- میرزا علی محمد خان
سرکاتب مکتب مالیه	۱۴۵- میرزا عبدالستار
معاون مدیریت شفر خارجه	۱۴۶- میرزا نور محمد خان
معاون دارالترجمه خارجه	۱۴۷- محمد قاسم
ترجمان خارجه	۱۴۸- عبدالمجید خان
سرکاتب شفر خارجه	۱۴۹- عبدالرحمن خان
معاون مدیریت اوراق خارجه	۱۵۰- غلام احمد
ماموریت هم‌کابی وزارت داخلیه	۱۵۱- سید عبدالغفار خان
مامور وزارت داخله	۱۵۲- میرزا نیاز محمد خان
سرکاتب تحریرات وزارت داخلیه	۱۵۳- رحمت الله
سرکاتب اوراق وزارت داخلیه	۱۵۴- عبدالعلی خان
سرکاتب مامورین وزارت داخلیه	۱۵۵- قطب الدین خان
سرکاتب نفوس وزارت داخلیه	۱۵۶- نور الدین خان
سرکاتب تیلیفون وزارت داخلیه	۱۵۷- حسین علی خان
سرکاتب پست وزارت داخلیه	۱۵۸- غلام نبی خان
سرکاتب محاسبه وزارت داخلیه	۱۵۹- عنایت الله خان
مامور تصفییه وزارت داخلیه	۱۶۰- محمد حلیم خان
سرکاتب برقی وزارت داخلیه	۱۶۱- محمد یسین خان
معاون محاسبه مالیه	۱۶۲- سید جعفر
مامور ولایت کابل	۱۶۳- میرزا عبدالقادر
	۱۶۴- عبداللطیف





مامور ریاست سنجش مالیه کابل	۱۹۳- میرزا سید قاسم خان
سرکاتب ریاست سنجش مالیه	۱۹۴- محمد امان خان
سرکاتب ریاست سنجش مالیه	۱۹۵- حضرت خان شاه
سرکاتب ریاست سنجش مالیه	۱۹۶- غلام محمد خان
مفتش وزارت معارف	۱۹۷- عبدالحکیم خان
سرکاتب تنظیمات معارف	۱۹۸- میرزا عبدالواحد خان
تدریسات معارف	۱۹۹- عبداللطیف خان
اوراق معارف	۲۰۰- عبدالله
محاسبه معارف	۲۰۱- عبدالکریم خان
عضو اول محفل تمیز عدلیه	۲۰۲- عطا محمد خان
سرکاتب محاسبه عدلیه	۲۰۳- محمد عمر خان
محکمہ تمیز عدلیه	۲۰۴- نظر محمد خان
کلوپ عدلیه	۲۰۵- احمد میر
مامورین عدلیه	۲۰۶- عبدالغفور
پسا پورت	۲۰۷- احمد علیخان
(پاسپورت) عدلیه	
سرکاتب اوراق عدلیه	۲۰۸- عبدالخالق
اوراق تجارت	۲۰۹- احمد علیخان
سرکاتب معدنیات وزارت تجارت	۲۱۰- جان محمد خان
سرکاتب مامورین معدنیات وزارت تجارت	۲۱۱- سید اکبر
سرکاتب زراعت وزارت تجارت	۲۱۲- دیوان شنکرداس
عضو شورای دولت	۲۱۳- حافظ عبدالغفار
» » » »	۲۱۴- محمد سرور خان
» » » »	۲۱۵- محمد علیخان

- ۲۱۶- محمد یوسف خان  
وکیل ترکستان عضو کابل  
منتخبه شورای سمیت شالی
- ۲۱۷- یماق خان  
وکیل میمنه عضو منتخبه میمنه  
شورا
- ۲۱۸- سید جلال خان  
وکیل قطن و بدخشان قطن
- ۲۱۹- محمد افضل خان  
وکیل سمت جنوبی عضو جنوبی  
منتخبه شورا
- ۲۲۰- میرزا عبدالله خان  
سرکاتب تحریرات شورا کابل
- ۲۲۱- میر شریف علیخان  
" " محکمه سرافعه شورا
- ۲۲۲- سید محبوب خان  
" " محکمه ابتدائیه شورا
- ۲۲۳- سید محمد حسین  
" " مامور محاسبه بلدیہ
- ۲۲۴- محمد حسین  
" " سرکاتب محاسبه طبیه
- ۲۲۵- عبدالرسول خان  
" " معاون مدیریت معارف  
ولایت کابل
- ۲۲۶- محمد اکبر خان  
" " قاضی ابتدائیه کابل
- ۲۲۷- میرزا عبدالخالق  
" " سرکاتب ضبط احوالات
- ۲۲۸- محمد اسلم خان  
" " " " " "
- ۲۲۹- محمد علیخان  
" " کاتب شورای دولت
- ۲۳۰- شاه محمد خان  
" " سرکاتب تصفیة ماضیه مالیه
- ۲۳۱- ملک جی  
" " " " " "
- نمایندگان مردم ولایت کابل در لوی جرگه ۱۳۰۳  
۲۳۲- شهنواز خان  
خان
- ۲۳۳- محمد یوسف خان ولد چندر خان  
تتمدره
- ۲۳۴- میر محمد اکبر خان  
سرخ و پارسا
- ۲۳۵- میر افضل خان  
استانف
- ۲۳۶- کاظم خان  
ترکمن پارسا
- ۲۳۸- پیر محمد  
خان کوهدامن

قره باغ	خان	۲۳۹- میر گل خان کوچی
مالستان غزنی	خان	۲۴۰- حسین علی خان
سراب غزنی	،،	۲۴۱- حاجی یار محمد خان
قیاق غزنی	،،	۲۴۲- محمد افضل خان
واعظالدین	،،	۲۴۳- میر آخور احمد علی
قوچ	،،	۲۴۴- ابراهیم خان
تلخک	،،	۲۴۵- محمد احسن خان
چارکه میدان	،،	۲۴۶- خان محمد خان
صد مرده	،،	۲۴۷- فیض محمد خان
سرخ عمر خیل	،،	۲۴۸- سکندر خان
تکانه	،،	۲۴۹- محمد ایوب خان
غور بند	سید	۲۵۰- سید زین العابدین
غور بند	خان	۲۵۱- محمد جان خان
،،	،،	۲۵۲- محمد ایوب خان
،،	،،	۲۵۳- محمد قاسم خان
،،	،،	۲۵۴- غلام قادر خان
،،	،،	۲۵۵- محمد اعظم خان
برکی را جان	،،	۲۵۶- فیض محمد خان
چرخ	،،	۲۵۷- میرزا غلام حسن خان
لهو گرد	سر کاتب	۲۵۸- سید شاه خان
،،	،،	۲۵۹- اخون زاده عبدالخالق
سمت شمالی	،،	۲۶۰- سید عبدالصمد
بهسود	،،	۲۶۱- رضا بخش خان
محمد آغه	وکیل	۲۶۲- جلال الدین خان
،،	،،	۲۶۳- جلال الدین
،،	،،	۲۶۴- میرزا عباس خان
کتواز	،،	۲۶۵- ملک عبدالله خان
لهو گرد	،،	۲۶۶- سنگی عوض فتح محمد خان

لہوگرد	وکیل	۲۶۷- مراد آغا جان خان
”	”	۲۶۸- عبدالکریم خان
”	”	۲۶۹- عبدالقادر
”	”	۲۷۰- نور محمد خان
”	”	۲۷۱- جلال الدین خان
ککڑک	”	۲۷۲- جان علی خان
تجرب	”	۲۷۳- میرزا محمد سرور خان
تکاب	”	۲۷۴- محمد صدیق خان
پیریان پنجشیر	”	۲۷۵- شہاب الدین خان
”	”	۲۷۶- فیاض خان
شکر درہ	”	۲۷۷- محمد علی خان
ریزہ کوهستان	”	۲۷۸- عبدالغفور خان
قرزہ	”	۲۷۹- پادشاہ گل خان
استرغچ	”	۲۸۰- محمد شریف خان
جیل السراج	”	۲۸۱- محمد زمان خان
سنجن و در قلمہ	”	۲۸۲- محمد شریف الدین خان
بوغران	”	۲۸۳- محمد اسحق خان
جا غوری	”	۲۸۴- محمد سرور خان
میدان	”	۲۸۵- میر حمزہ خان
گوت عشرو (کوٹہ عشرو)	”	۲۸۶- محمد ایوب خان
”	”	۲۸۷- شجاع خان
”	”	۲۸۸- غوث الدین خان
کوٹ عشرو (کوٹہ عشرو)	وکیل	۲۸۹- غلام علی خان
پقمان	”	۲۹۰- محمد رفیق
موسھی لوگر	”	۲۹۱- محمد عمر خان
مقر	”	۲۹۲- اختر محمد خان
”	”	۲۹۳- محمد سمیع خان
بامیان	”	۲۹۴- احمد علی خان
قرہ باغ	”	۲۹۵- خوشدل خان

غزنی	وکیل	۲۹۶ - محمد حسن خان
سیغان و کهمرد	،،	۲۹۷ - باذل خان
وردک	،،	۲۹۰ - صاحب خان
غزنی	،،	۲۹۹ - میرزا عبدالمحمد
خواجه احمد	،،	۳۰۰ - ملا محمد جان
قلعه عبدالاحد	،،	۳۰۱ - جان محمد خان
میدان	،،	۳۰۲ - محمد جان
سرای خواجه	،،	۳۰۳ - خواجه میر علم خان
کابل	،،	۳۰۴ - سید قاسم خان
چهار آسیاب	،،	۳۰۵ - میر آقا خان
باسیان	،،	۳۰۶ - سید قاسم خان
قلعه قاضی	،،	۳۰۷ - نظر محمد خان
تره خیل ده سبز	،،	۳۰۸ - محمد حسن خان
بتخاک	،،	۳۰۹ - عبدالستار خان
چهار آسیاب	،،	۳۱۰ - شمس الدین خان
پغمان	،،	۳۱۱ - محمد شریف خان
ارغنده	،،	۳۱۲ - پیر محمد خان
پغمان	،،	۳۱۳ - شہسوار
گل دره	،،	۳۱۴ - خواجه جلال الدین
گل دره	،،	۳۱۵ - مولا داد خان
ترکمن و پارسا	،،	۳۱۶ - محمد حکیم
مقر	شیخ	۳۱۷ - جا جی گل اخند زاده
کابل	سادات	۳۱۸ - سید محمد عثمان
سه آب کوهدامن	،،	۳۱۹ - سید انبیا
لهوگرد	،،	۳۲۰ - سید میر محمد حسین
بہسود	،،	۳۲۱ - میر محمد اسماعیل
دایزنکی	،،	۳۲۲ - سید اکبر شاہ
علی آباد (ایل آباد) غزنی	،،	۳۲۳ - سید علی خان

کاریز میر	،،	۳۲۴ - سید کریم خان
اوپیان	،،	۳۲۵ - سید امیر خان
روضه غزنی	،،	۳۲۶ - آقا میر خان
باسیان	،،	۳۲۷ - میر محمد عسکر خان
یکاولنگ د ایزنگی	،،	۳۲۸ - میرزا میر محمد حسین
کابل	،،	۳۲۹ - میرویس الدین
تکاب	،،	۳۳۰ - جناب اخندزاده صاحب تکاب شیخ
چندلبائی پغمان	عالم	۳۳۱ - ملا صوفی خان
لهوگرد	،،	۳۳۲ - حاجی محمد رسول
غزنی	،،	۳۳۳ - ملا سر بلند
قلعه بلند چهاریکار	،،	۳۳۴ - مولوی عبدالغنی
رخه پنجشیر	،،	۳۳۵ - مولوی عبدالحی

مولوی عبدالحی از علمای جید، شخص جدی و فعال بود. او با مرحوم غلام محمد پنجشیری پدرش در جهاد بخارا علیه روسها عملاً اشتراک کرد. پدرش در جهاد بخارا در ماوراء النهر شهید شد.

جمال آغه	عالم	۳۳۶ - مولوی محمد رفیق
تکاب	،،	۳۳۷ - مولوی سید محمد خان
کهمرود	،،	۳۳۸ - ملا عبدالستار خان
کابل	،،	۳۳۹ - ملا محمد نعیم خان
لهوگرد	،،	۳۴۰ - ملا احمد نور خان
الوخیل	،،	۳۴۱ - عید محمد
لوگر	،،	۳۴۲ - محمد ابراهیم خان
لوگر	،،	۳۴۳ - برات خان
لوگر	،،	۳۴۴ - بهرام خان
لوگر	،،	۳۴۵ - محمد رفیق خان
لوگر	،،	۳۴۶ - حاجی محمد افضل خان
دایزنگی	،،	۳۴۷ - محمد صادق خان
دایزنگی	،،	۳۴۸ - میر علی بیگ

دیکندی	عالم	۳۴۹ - میرزا محمد حسین خان
دایزنگی	،،	۳۵۰ - میر محمد حسن بیگ
دایزنگی	،،	۳۵۱ - میر غلام حسین بیگ
یکا ولنک	،،	۳۵۲ - میر غلام حسن بیگ ولد
		قمبر بیگ
یکا ولنک	،،	۳۵۳ - اکبر شاه
یکا ولنک	،،	۳۵۴ - غلام حیدر خان
هزاره	،،	۳۵۵ - میر کرم علی
یکا ولنک	،،	۳۵۶ - کلبی رضاء بیگ
سر جنگل	،،	۳۵۷ - محمد حسین کز بلانی
دایزنگی	،،	۳۵۸ - عبدالرشید خان
ناوہ غزنی	،،	۳۵۹ - عبدالحکیم خان
مقر	،،	۳۶۰ - محمد علم خان
کندہ آب	،،	۳۶۱ - عبدالقادر خان
مقر	،،	۳۶۲ - محمد اسماعیل خان
مقر	،،	۳۶۳ - عبدالغفار خان
اندری	،،	۳۶۴ - محمد علی خان
شلگر	شیخ	۳۶۵ - محمد اسماعیل خان
لکن خیل	،،	۳۶۶ - غلام حیدر خان
قلعہ بائی یاما اندری	،،	۳۶۷ - خدایداد
دہ قاضی	،،	۳۶۸ - عبدالستار
جاغوری	خان	۳۶۹ - دین محمد
جاغوری	خان	۳۷۰ - عبداللہ خان
ناور	،،	۳۷۱ - میرزا محمد انور خان
کتواز	،،	۳۷۲ - ملک محمد عمر
حاجی پیک کوہدہ من	شیخ	۳۷۳ - ملا ملنگ اخمد زاده
خم زرگر سمت شمالی	،،	۳۷۴ - مواوی فضل الدین
وردک	خان	۳۷۵ - میر حیدر خان

وردک	خان	۳۷۹ - محمد کریم خان
وردک	»	۳۸۰ - عبدالغیاث خان
جغتو سمت شمالی	»	۳۸۱ - میرزا عبدالعزیز خان
»	»	۳۸۲ - محمد سرور خان
»	»	۳۸۳ - زرین خان
»	»	۳۸۴ - محمد حسن خان
»	»	۳۸۵ - عزیز خان
»	»	۳۸۶ - غلام محی الدین
وردک	»	۳۸۶ - جمعه خان
ولنگ غزنی	»	۳۸۸ - ملک طوطا خان
ولنگ غزنی	»	۳۸۹ - میرزا فتح محمد
خوگیانی	»	۳۹۰ - ملک امیر محمد
قلعه شهراندری	»	۳۹۱ - محمد رضا خان
قلعه نور غزنی	»	۳۹۲ - محمد صادق خان
نجراب	»	۳۹۳ - احمد علی خان
پنجشیر	»	۳۹۴ - پردل خان
چهاریکار	»	۳۹۵ - شیر جان خان

شیر جان خان شخص فاضل و نویسنده کردان بود مراحل مختلف مأموریت را در عصر امانی گذرانیده بود - موصوف وزیر دربار امیر حبیب الله کلکانی مشهور به بچه سقاو بود که در روزهای اول سلطنت نادر خان در جمله ۱۲ نفر بشمول شخص حبیب الله بتاریخ ۴ عقرب ۱۳۰۸ اعدام گردید. (اواز خواجه گان چهاریکار است که جنگ نامه جد بزرگش در مقابل انگلیس ها در عصر ظاهر شاهی طبع شد).

تگاب	خان	۳۹۶ - جان باز خان
ترکمن پارسا	»	۳۹۷ - محمد دین خان
ترکمن پارسا	»	۳۹۸ - خیر الله خان
قلعه مراد بیگ	»	۳۹۹ - محمد کریم خان
ترکمن پارسا	خان	۴۰۰ - عبدالعلی خان



پنجشیر	خان	۴۰۱ - حاجی یار محمد خان
چهاربیکار	،،	۴۰۲ - چنگو خان
کوهستان	،،	۴۰۳ - فقیر محمد خان
ریزه کوهستان	،،	۴۰۴ - عبدالوهاب خان
پنجشیر	،،	۴۰۵ - شیخ محمد خان
چهاربیکار	،،	۴۰۶ - میر بایه صاحب خان
تتمدره	،،	۴۰۷ - محمد اسلم خان
ترکمان	،،	۴۰۸ - عبدالله خان
دکو	،،	۴۰۹ - ملک رستم خان
شکر دره	،،	۴۱۰ - محمد ایوب خان
گلدرد	،،	۴۱۱ - محمد اسماعیل خان
لکن خیل	،،	۴۱۲ - عبدالعزیز خان
خواجه عمری	خان	۴۱۳ - محمد علیخان
مقر	وکیل	۴۱۴ - اختر محمد خان
قره باغ غزنی	خان	۴۱۵ - محمد علیم خان
بهسود	سیادت	۴۱۶ - شاه محمد حسین
گذر بابای خودی	وکیل	۴۱۷ - حاجی غلام حیدر
دایزنگی	خان	۴۱۸ - ارباب فقیر علی خان
،،	،،	۴۱۹ - سید محسن خان
ده دانا	وکیل	۴۲۰ - حاجی محمد خان
سمت شمالی	،،	۴۲۱ - غلام حضرت
قره باغ	،،	۴۲۲ - ملا صاحب کاکر
لهوگر	شیخ	۴۲۳ - محمد یعقوبخان
کابل	شیخ	۴۲۴ - نور المشایخ

حضرت نور المشایخ فضل عمر مجددی مشهور به حضرت صاحب شور بازار روحانی مشهور و مورد احترام مردم افغانستان و جهان اسلام بود و تمام عمر خود را در خدمت دین و تنویر ازهان مسلمانان سپری کرده باتأسیس مدارس دینی مثل مدرسه نورالمدارس غزنی وغیره تعداد زیاد علمای وارد در

علوم دینی و اسلامی را به جامعه تقدیم کردند (قرار معلوم الان همان مدرسه نور المدارس در پشاور پاکستان از طرف حضرات مجددی دائر بوده بخدمت دینی و جهادی و تعلیم و تدریس مصروف است.) اصل مدرسه غزنی با مر نور مجد تره کی بعمار و ویران شد .

منزل حضرت صاحب نور المشایخ در قلعه جواد کابل نیز شکل مدرسه و دارالعلم را داشت . حضرت صاحب نورالمشایخ در جرگه سال ۱۳۰۹ بحیث وزیر عدلیه وقت اشتراک داشته و نیز در جرگه سال ۱۳۲۰ (در اوآن جنگ دوم جهانی) حضور داشتند .

اخیرا در سال ۱۳۳۶ هـ ش در قلعه جواد وفات یافتند مقبره شان در همان محل زیارتگاه خاص و عام است .

پس از حضرت نورالمشایخ پسر شان مجد ابراهیم مجددی ملقب به شیر پادشاه به جانشینی و خلافت شان از طرف علما و مشایخ معروف همان وقت دستار بندی گردید و به ضیاء المشایخ ملقب شد و با سایر برادران اعضای خانواده وسیع شان، علما و مشایخ دیگر امور مذهبی را پیش میبردند .

متأسفانه بعد از کودتای ننگین و سیاه ثور ۱۳۵۷ و تسلط کمونستهای دست نشانده روس در کابل بتاريخ ۲۹ جدی ۱۳۵۷ حضرت مجد ابراهیم مجددی با تعداد بیش از چهل نفر اعضای خانواده سریدان، علما و مشایخ مهمان گرفتار و به شهادت رسانده شدند . پسران کاکا و بعضی افراد خانواده شان که خوشبختانه در وقت مصیبت بزرگ تسلط کمونست ها در خارج مملکت بودند از همان اوآن خطر کمونستی علم جهاد بر افراشته بالفعل در جهاد خدمت میکنند .

حضرت صبغت الله مجددی رهبر جبهه نجات ملی افغانسنان (یکی از تنظیم های هفت گانه) را رهبری میکنند .

همچنان محمد هاشم مجددی با تماس با ممالک عربی و اسلامی و فراهم کردن تسهیلات لازم برای مجاهدین و کمک و همکاری با همه تنظیم ها در امر جهاد فعالیت دارد . محمد هاشم مجددی در زمان ظاهر شاه نیز که خطر نفوذ کمونیزم را درک کرده بود بعضی گروه های مسلمانان را معاونت میکرد و درین راه فعال بود . بعد از کودتای داؤد خان از مملکت خارج گردید .

حضرت شمس المشایخ مجددی روحانی و عالم معروف و از مجاهدان راه اسلام بود که در جهاد استقلال افغانستان بالفعل اشتراک داشته حین تصرف تل شخصا در میدان جنگ تل حضور داشتند (۱) (وی برادر بزرگ نورالمشایخ و یکی از علماء عرفای کشور بود که در دوره امانی بروایتی از طرف (۲) روسها مسموم شد .

غزنی	وکیل	۴۲۶ - جان محمد خان
قلعه قاضی	»	۴۲۷ - ملک نظر محمد
کابل	»	۴۲۸ - میرزا ملک جی

(۱) افغانستان در مسیر تاریخ .

(۲) یاد داشت استاد خلیلی .

## نمایندگان مردم ولایت ترکستان (مزار شریف) در لوی جرگه سال ۱۳۰۳

اسم	صفت سمیزه	مقامات
۱ - ایشان محمد اکرم	فراشباشی روضه شریف	ترکستان
۲ - ایشان سید ناهر	وکیل منتخب	ترکستان
۳ - سید عمر	وکیل منتخب	،،
۴ - ایشان سید اقبال	،،	دهدادی
۵ - ایشان سید مراد	وکیل منتخب	دره صوف
۶ - ایشان سید جلال الدین	،،	تاشقرغان
۷ - ایشان یعقوت شاه	،،	ایبک
۸ - سید مظهر	،،	سنگ چارک
۹ - ایشان محمد غوث	،،	مزار شریف
۱۰ - سید قلخان	،،	خم آب
۱۱ - سید اسد الله	،،	تاشقرغان
۱۲ - ملا محمد عثمان	،،	مزار شریف
۱۳ - ایشان عبدالعزیز خان	،،	علی چوپان
۱۴ - میرزا عبدالعزیز خان	،،	علی چوپان
۱۵ - جوره قلیخان	،،	علی چوپان
۱۶ - حاجی محمد ابراهیم	،،	بوینه قره
۱۷ - توردی علی بای	،،	بوینه قره
۱۸ - قربان نیاز خان	،،	شیرغان
۱۹ - ملا محمد ظاهر خان	،،	شیرغان
۲۰ - ملا حضرت قل	،،	سر پل
۲۱ - محمد قل بای	،،	سر پل
۲۲ - غلام رسول	،،	ترکستان

آقچه	وکیل منتخب	۲۳ - ارباب غلام حسین
تاشقرغان	»	۲۴ - میرزا محمد قاسم
شخص مشهور مزار شریف و حین تجاوز روسها در عهد سلطنت امیر حبیب الله کلکانی بمزار شریف بمقابل روسها به جهاد پرداخت در جمع آوری نفر و تدارک مهمات جنگی خدمت کرده بود .		
خرم	وکیل منتخب	۲۵ - ایشان رحمت ایبه
بلخ	»	۲۶ - او لیاقل
بلخ	عالم	۲۷ - حاجی طوره
بلخ	عالم	۲۸ - ملا شیر علی خان
بلخ	وکیل (در اصل عالم نوشته بلخ شده بود)	۲۹ - عبدالرشید بای
ارغنداب	وکیل	۳۰ - ملا عبدالجلیل اخند زاده
دولت آباد	»	۳۱ - ملا رفیع اخند زاده
مارمل	»	۳۲ - روزی بای
قهر شاهی	»	۳۳ - ملا عزت الله
تاشقرغان	»	۳۴ - غلام حضرت
تاشقرغان	»	۳۵ - حاجی امیر بای
سر پیل	»	۳۶ - محمد علی خان
کوهستان سرپیل	»	۳۷ - سلطان خان
سرپیل	»	۳۸ - دولت بیگ
سنگ چارک	»	۳۹ - صوفی محمد خان
کشته	»	۴۰ - میرزا عبدالستار
سنگ چارک	»	۴۱ - حسن بای
دره صوف	»	۴۲ - غلام نبی
دولت آباد	»	۴۳ - ارباب محمد سرور
شورتیه	وکیل منتخب	۴۴ - صاحب نظر
دره صوف	»	۴۵ - شاه مراد بیگ
شورتیه	»	۴۶ - ابراهیم قلیخان
»	عالم	۴۷ - ملا امام قل

شورثپه	عالم	۴۸ - ملا نوروز خان
،،	وکیل	۴۹ - سلیم بای
،،	،،	۵۰ - محمد ایوب
چار کینت	،،	۵۱ - گرگ علیخان
آقچه	،،	۵۲ - محمد قل بای
سرپیل	وکیل	۵۳ - ملا عبدالرحمن
آقچه	وکیل	۵۴ - امان نظر خان
فیض آباد	خان	۵۵ - عبدالمحمد خان
سرپیل	عالم	۵۶ - ملا یماق
سرپیل	عالم	۵۷ - ملا محمد سرور خان
قورچی	وکیل	۵۸ - بابا مراد حاجی
شبرغان	عالم	۵۹ - ملا عبدالصمد خان
سنگ چارک	وکیل	۶۰ - قرشی بای
کنده	عالم	۶۱ - ملا یرات
ایبک	وکیل	۶۲ - قاسم بیگ
دولت آباد	وکیل	۶۳ - روزی خان
شورتپه	وکیل	۶۴ - خدا بیرن
دره صوف	وکیل	۶۵ - ملا گردی شاه خان
روئی دوآب	وکیل	۶۶ - ملا ظهران خان
شهر بلخ	خان	۶۷ - محمد حسین
چارکنت	خان	۶۸ - نور محمد خان
نهر سیاه گرد	وکیل	۶۹ - رجب علیخان
مزار شریف	خان	۷۰ - محمد شاه بای
قرقین	خان	۷۱ - بیرم قلی

## سلسله‌های نمایندگان ولایت میمنه در لوی جرگه سال ۱۳۰۳

مقامات	صفت سمیزه	اسم
صربوط میمنه	سید	۱ - سید احمد شاه
»	عالم	۲ - داملا میر سید
»	عالم	۳ - سید جلال الدین
»	خان	۴ - عبدالرحیم خان
»	سید	۵ - جلال الدین
»	خان	۶ - سید عبدالرحیم
»	خان	۷ - سید محمد خان
»	عالم	۸ - خلیفه ملا عاشور قلیخان
»	»	۹ - خلیفه ملا رجب علی
»	وکیل	۱۰ - خلیفه عبدالرزاق
»	خان	۱۱ - میرزا محمد جان خان
»	»	۱۲ - روزی قل
»	»	۱۳ - میرزا محمد دین
»	»	۱۴ - محمد ضیاء
»	»	۱۵ - ملا احمد جان
»	»	۱۶ - دولت مراد خان
»	»	۱۷ - ملا بدل خان
»	وکیل	۱۸ - ملا احمد خان
»	وکیل	۱۹ - توخته تاش خان
»	خان	۲۰ - اسفند یار خان
میمنه	»	۲۱ - فیض کریم خان
»	»	۲۲ - محمد خان شمل زائی
»	»	۲۳ - گلدار خان بارک زائی

میمنه	خان	۲۴ - ملا قلندر کوشائی
،،	وکیل	۲۵ - ملا نذیر قل
،،	خان	۲۶ - خال مراد
،،	وکیل	۲۷ - محمد مراد
اندخوی	سید	۲۸ - سید عابد
درزاب	،،	۲۹ - سید محمد
بیرون سونه (پشتونکوت)	،،	۳۰ - ملا رستم خان
قیصار	سید	۳۱ - سید کمال خان
تکاب شیرین	وکیل	۳۲ - استاده قل خان
المار	وکیل	۳۳ - ملا عطا محمد خان
کوهستان	سید	۳۴ - سید محمد
دولت آباد	وکیل	۳۵ - ملا خواجه خان

### نمایندگان مردم قطن و بدخشان در لوی جرگه سال ۱۳۰۳

مقامات	صفت سمیه	اسم
نهرین	عالم	۱ - موای عبدالروف
ذهنه غوری	عالم	۲ - ملا محمد حسین خان
قندز	شیخ	۳ - حاجی نظر محمد خان
خوست و قرنک	سید	۴ - ملا سید اسحق
حضرت امام	عالم	۵ - ملا گل محمد خطیب
خان آباد	عالم	۶ - ملا گل دست
بورکه و تیمز	شیخ	۷ - قاری عبدالرشید
جنگل باش	بیانات	۸ - سید حسین خا
چهار دره قندز	،،	۹ - سید - - - - -
خان آباد	،،	۱۰ - سید عطا خان
بغلان	،،	۱۱ - ایشان عبدالقیوم خان
اندراب	،،	۱۲ - سید گوهر خان
غوری	،،	۱۳ - خواجه کلان
بغلان	عالم	۱۴ - ملا ابراهیم
تالقان	سید	۱۵ - ایشان سید مراد خان



تالقان	سید	۱۶ - ایشان منصور خان
فرخار	خان	۱۷ - میر ہاشم خان
”	”	۱۸ - میر قربان خان
اندراب	سید	۱۹ - میر اکبر خان
اشکمش	”	۲۰ - میر سید احمد
خان آباد	وکیل	۲۱ - ملا محمد عیسیٰ
اندراب	وکیل	۲۲ - نائب محمد داد
ایل آباد قندز	وکیل	۲۳ - داستان بیگ
غوری	”	۲۴ - شیر محمد منگ باشی
تالقان	”	۲۵ - حاجی منگلی خان
کشم	”	۲۶ - ملا محمد حسین
واغ	”	۲۷ - ملا غنیت خان
رستاق	”	۲۸ - میر امان الدین خان
انجمن	وکیل	۲۹ - سلطان علی خان
انجمن	”	۳۰ - محمد نظیف خان
فیض آباد	خان	۳۱ - محمد سید خان
شہر بزرگ	وکیل	۳۲ - محمد شریف خان
کشم	”	۳۳ - غلام دستگیر خان
فیض آباد	خان	۳۴ - محمد نظر خان
چاہ آب	”	۳۵ - فیض اللہ خان
رستاق	”	۳۶ - نائب غلام بیگ
جرم بدخشان	”	۳۷ - محمد سعید
”	”	۳۸ - قیچقار خان
کشم	”	۳۹ - عبدالرحمن خان
واخان	”	۴۰ - میر سر بلند
شغنان	”	۴۱ - الف بیگ
فیض آباد	وکیل	۴۲ - قاضی اجازت شاہ
جرم	”	۴۳ - محمد ضیاء
رستاق	”	۴۴ - بابہ کلان

عالم	عبدالرسول	۴۵ -
وکیل	ملا شیر خان	۴۶ -
عالم	شاه میر حسین خان	۴۷ -
عالم	ملا سکندر خان	۴۸ -
چاه آب	عبداللہ خان (۱) ولد فیصل اللہ خان	۴۹ -

۱ - عبداللہ خان پسر مرحوم فیض اللہ خان مندرج شماره ۳۵ میباشد . او در موقع اعلان جہاد استقلال با دو صد نفر اقوام نزدیک خود شامل خدمت نظام شد چندی بہ حیث کمیدان و بعد بہ حیث کمدکوش خدمت کرد -

حالا درس ۸۶ سالگی در قید حیات است سہ پسر جوانش حمید اللہ ، نجیب اللہ درس ۱۳۶ و عباد اللہ درس ۱۳۶۳ در سنین ۲۵ - ۲۰ و ۱۸ سالگی در چاه آب در جہاد با روسها شہید شدند - تنها مختصری درباره حمید اللہ کہ خالی از دلچسپی نیست ذکر میکنیم -

بتاریخ ۱۱ ماه جوزای ۱۳۶ مجاہدین تحت قوماندانی مجاہد چوین (۱) در قریہ پای شاف چاه آب کہ در یک تپہ مرتفع موقعت دارد تازه از ینگی قلعه کہ در سمت غرب قریہ واقع است وارد شدہ بودند . با اثر اطلاع کسی حملات روسها و قوای حکومتی در ساعات صبح روز شروع گردید . جنگ سخت در گرفت جانین متحمل خسارات شدند اکثر اهل قریہ با اثر اعلانات مامورین و قوای حکومتی مبنی بر تخریب قریہ آنجا را ترک گفتمہ بودند . شام تاریک شد یکمہ مجاہدین تحت قوماندہ مجاہد مشہور چوین بدشورہ حمید اللہ کہ هنوز زخمی نشده بود ، با وصف محاصره شدید از قریہ برآمدند حمید اللہ با گروپ تحت امرش این گوشہ و آن گوشہ بہ فیرومقاومت ادامہ میداد تا محاصره بشکنند و راہی برای خروج پیدا شود . درین وقت حمید اللہ مرمی خورد و ران پایش شکست ، یارانش گفتند ترا با خود می بریم ، گفت من دیگر جور نمیشوم زخم کاری خورده ام ، مرا با سلاح بگذارید . چند شہید دیگر ہم بہ گوشہ و کنار در زیر ویرانہ ها افتیدہ بودند -

(۱) اصل چدن است چون در محل چوین تلفظ میشود لذا همانطور تحریر شد .

۵۰ - سید محمد اسماعیل	وکیل	ینگی قلعه
۵۱ - میرزا کلان خان	وکیل	کیلهگی
۵۲ - ارباب سید محمد کریم خان	و	غوری
۵۳ - صفر محمد خان	و	غوری
۵۴ - سید بدر الدین	سید	اندراب
۵۵ - سید محمد امیر	سید	قندز

از اکثر آنها کسی خبر نداشت ، شب حمید الله خود را در چند متری شمال غرب قریه نزدیک گنهم سبزه که تازانو رسیده بود رساند بر علاوه سلاح خودش تفنگ یک شهید دیگر بنام ملا بازار را هم با خود به مشکل کشیده برده بود تا ازان استفاده کند صبح شد روسها در قسمت شمال و جنوب قریه از هلیکوپترها پیاده شدند چون دیدند صدای فیر بگوش نمیرسد ، به قریه نزدیک شدند و چون قریه از مجاهدین (بجز بعضی که مخفی شده بودند) خالی شده بود داخل قریه شدند . حمید الله با دیدن روسها تفنگ اضا فکی ملا بازار شهید را بطرف آنها انداخت و گفت من زخمی هستم . اینک سلاح مرا بگیرید ، روس ها بطرف او دویدند (تا هم تفنگ را بگیرند و هم جیب های او و شهدای دیگر را تلاشی کنند) درین وقت صدای ماشیندار حمید الله بلند شد و مرمی ها مانند تگرگ بر سر روس ها بارید (۱) شش نفر بخاک مزات افتادند . این وقت به اشاره قوماندان روسی وولس وال چاه آب (حاجی عبدالحکیم) از نقطه بنام سر رزگه فیر های متواتر از تانک ها صورت گرفت از سمت غرب قریه هم قوا پیاده شده با فیر آغاز کردند ، حمید الله به اثر این فیر ها بار دیگر مورد اصابت قرار گرفت و لباس افتخار شهادت به تن کرده مردم شهر که در حدود سه الی چهار کیلو متر فاصله دارند این رستخیز بزرگ را از صبح تا شام و در طول شب دیده و ناظر این صحنه غم انگیز (تباهی و انهدام یک قریه و شهادت یک عده فرزندان رشید شان) بودند ماتم برپا بود مانند صد ها (هزاران از این نوع ماتم) مردم جمع شدند اجساد شهدا را بشهر آورزند و در قبرستان عمومی دفن کردند . کمونستها سلاح حمید الله را به نعایش گذاشتند عبدالله خان ۸۶ ساله شاهد شهادت دو پسر جوان دیگر و چندین نفر برادر زاده های جوانش بود .

(۱) چشم دید مجاهدین و شهود عینی در قریه .

خان آباد	وکیل	۵۶ - محمد نسیم منگ باشی
چال	،،	۵۷ - محمد افضل خان
حضرت امام	،،	۵۸ - ملا علیخان
نهرین	،،	۵۹ - میرزا صفر محمد
خان آباد	،،	۶۰ - محمد حسین
تالقان	،،	۶۱ - خواجہ جمال الدین
اندراب	،،	۶۲ - عبدالقدوس
بغلان	،،	۶۳ - غلام رسول
برکہ و تیمز	،،	۶۴ - محمد شمس الدین
حضرت امام صاحب	،،	۶۵ - قربان خان
قندز	،،	۶۶ - ملا محمد کریم (محمد کریم عرض بیگی)
چال	،،	۶۷ - محمد شریف خان
فرخار	،،	۶۸ - ایشان دیوانہ خان
کلفگان	،،	۶۹ - ملا سعد اللہ
خنجان	،،	۷۰ - عبدالرؤف خان
تالہ و برفک	،،	۷۱ - ملا تغای محمد
فیض آباد بد خشان	عالم	۷۲ - دا ملا محمد شریف
خان آباد	شیخ	۷۳ - شیخ کمال

### اسمائی نمایندگان مردم ولایت هرات در لوی جرگہ سال ۱۳۰۳

مقامات	صفت سمیزه	اسم
مرکز هرات	سادات	۱ - میر عطا محمد (وزیر عدلیہ و رئیس عیان)
اسفزار	،،	۲ - سید حکیم خواجہ
سیاهوشان	،،	۳ - میر محمد صدیق
غور	،،	۴ - میر سید اعظم شاہ
دہ بالی (دہ بالا)	،،	۵ - میر عثمان خان
نویں	،،	۶ - میر عبداللہ
گازرگاہ	،،	۷ - میر غلام نبی متولی گازرگاہ

گازرگاہ	سادات	۸ - میر عبداللہ
گازرگاہ	"	۹ - میر محمد شریف آقا
داد شان	"	۱۰ - میر محمد عمر خان
مرکز ہرات	"	۱۱ - میر غلام محی الدین
مرکز ہرات	"	۱۲ - میرزا محمد عثمان
مرکز ہرات	"	۱۳ - خواجہ میر اسحق
زیارتگاہ	شیخ	۱۴ - میرزا محمد صدیق
مرکز ہرات	"	۱۵ - محمد امین
مرکز ہرات	"	۱۶ - ملا عبدالباقی
مرکز ہرات	"	۱۷ - ملا صلاح الدین
مرکز ہرات	"	۱۸ - درویش محمد خان
گسیاچہ	"	۱۹ - عبدالرؤف خان
خسرو	"	۲۰ - اخند زادہ عبدالرحیم
محلہ بابا جی	"	۲۱ - خواجہ میر امام الدین
مرکز ہرات	شیخ	۲۲ - خواجہ اشرف الدین
"	"	۲۳ - خواجہ نجم الدین
"	"	۲۴ - عبدالقدوسخان
"	"	۲۵ - فضل محمد خان
غوریان	"	۲۶ - محمد یوسف خان
شاقلان (پشتون زرغون)	"	۲۷ - دین محمد خان
سبز وار	"	۲۸ - محمد علم خان
انار آباد	"	۲۹ - حاجی محمد زمان
بالا مرغاب	"	۳۰ - محمد عثمان خان
بالا مرغاب	"	۳۱ - محمد حسین خان
قلعہ نو	"	۳۲ - محمد اکبر خان
قلعہ نو	"	۳۳ - عزیز محمد
ادرسکن	"	۳۴ - سردار محمد اعظم
کروچہ	"	۳۵ - شهنواز خان
چغچران	"	۳۶ - فاضل خان

غوریان	وکیل مستخبه	۳۷ - عجب خان
چخچران	،،	۳۸ - میر محمد حسن خان
قادس	،،	۳۹ - غنیمت خان
جوند	،،	۴۰ - ملا عبدالفتاح خان
شهرک	،،	۴۱ - ملا عبدالحمید خان
غوریان	،،	۴۲ - ملا عبدالکریم خان
انار دره	،،	۴۳ - ملا مرتضی
پرچمن غور	،،	۴۴ - دوست محمد
بلوک گجران	،،	۴۵ - سید محمد خان
فراه رود	،،	۴۶ - محمد ابراهیم خان
مرکز هرات	عالم	۴۷ - عبدالواحد خان
غوریان	خان	۴۸ - حاجی ملا حیدر خان
فیروز کوه	،،	۴۹ - عبدالعزیز خان
مرکز هرات	،،	۵۰ - محمد عثمان
مرکز هرات	،،	۵۱ - ملا عبدالله خان
اوبه	،،	۵۲ - عصمت الله خان
قلعه نو	،،	۵۳ - خلیفه سید ابراهیم خان
تاوش	،،	۵۴ - عبدالله خان
مرکز هرات	،،	۵۵ - امیر محمد
مرکز هرات	،،	۵۶ - میر محمد عثمان
اسفزار	،،	۵۷ - محمد امین خان
کرخ	،،	۵۸ - محمد نبی خان
سیاهو شان	،،	۵۹ - دین محمد خان
محلہ صفحہ	،،	۶۰ - محمد اکبر خان
قادس	،،	۶۱ - عبدالله خان - فیروز کوهی
اوبه	،،	۶۲ - پاینده محمد خان
کرخ	وکیل	۶۳ - ملا عطا محمد خان
کمبراق	،،	۶۴ - محمد ابراهیم خان
اودان تیزان	،،	۶۵ - آدم خان

تولک	وکیل	۶۶ - دولت خان
کنج	»	۶۷ - محمد جان
شافلان (پشتون زرغون)	»	۶۸ - عبدالله خان
کھسان	»	۶۹ - مهر دلخان
یلوک النجان	»	۷۰ - ملا محمد حیدر
کجران	»	۷۱ - محمد اسماعیل
غوریان	وکیل	۷۲ - عبدالرحمن
کمیراق	»	۷۳ - محمد ابراهیم
تولک	»	۷۴ - خدای نظر
اوبه	»	۷۵ - سکندر خان
سیاهوشان	»	۷۶ - میر علی خان
حراغاب	»	۷۷ - محمد نعیم خان
بیلده	»	۷۸ - میر تھجر
آتشان	»	۷۹ - غلام نبی
خیابان	»	۸۰ - خواجہ ظہیر الدین
خیابان	»	۸۱ - حاجی قربان علی خان
قلعہ تو	»	۸۲ - عبدالغفور خان
اسفزار	»	۸۳ - میر محمد ہاشم
قادس	»	۸۴ - محمد اسماعیل
انار درہ	شیخ	۸۵ - فضل احمد خان
غوریان	»	۸۶ - غوث محمد
کرخ	»	۸۷ - میرزا محمد حیدر خان
کرخ	»	۸۸ - میر عبدالصمد
مرکز ہرات	عالم	۸۹ - ملا عبدالله سلجوقی
گازرگاہ	»	۹۰ - ملا عبدالله واعظ
مرکز ہرات	»	۹۱ - عبدالرحمن
غوریان	»	۹۲ - عطاء اللہ خان
اسفزار	»	۹۳ - جنید اللہ خان
باغ دشت	خان	۹۴ - محمد نادر خان

چار برجک	خان	۹۵ - امیر محمد خان
شافلان	،،	۹۶ - محمد رستم
تولک	،،	۹۷ - دولت محمد خان
اسفزار	،،	۹۸ - عبدالباقی خان
غور	،،	۹۹ - محمد خان
کورت	،،	۱۰۰ - حاجی محمد خان
غوریان	،،	۱۰۱ - دوست محمد خان
اوبه	،،	۱۰۲ - محمد رفیق خان
اوبه	،،	۱۰۳ - انبیاء
اوبه	،،	۱۰۴ - محمد ایوب خان غلزائی

### اسمای وکلای ولایت قندهار در لوی جرگه سال ۱۳۰۳

مقامات	صفت ممیزه	اسم
قندهار	سید	۱ - سید محمد علی خان
،،	،،	۲ - سید عبدالشکور
،،	،،	۳ - سید شیرین
،،	،،	۴ - سید محمد جان خان
،،	،،	۵ - سید محمد اکرام
،،	،،	۶ - سید ابوبکر آقا
،،	،،	۷ - سید علی اکبر آقا
ریگ آباد	،،	۸ - سید محمد نعیم
پشت رود	،،	۹ - سید قوام الدین شاه
،،	،،	۱۰ - سید دین محمد شاه
،،	،،	۱۱ - سید دولت محمد
دهراود	،،	۱۲ - نثار احمد خان صاحب زاده
قندهار	عالم	۱۳ - عبدالمجید خان
،،	،،	۱۴ - علی محمد توخی
،،	،،	۱۵ - غلام دستگیر
،،	،،	۱۶ - شاه محمد خان
،،	،،	۱۷ - عبدالحمید



قندهار	عالم	۱۸ - عبدالقیوم خان
»	»	۱۹ - محمد رسول خان
سوشان	»	۲۰ - محمد اسماعیل خان
»	»	۲۱ - جمال الدین خان
قندهار	»	۲۲ - نظام الدین خان
پیشت رود	»	۲۳ - مولوی اختر محمد
»	»	۲۴ - عبدالحق
قندهار	خان	۲۵ - حاجی محمد کریم
»	»	۲۶ - غلام حیدر خان
»	»	۲۷ - عبدالله خان
»	»	۳۸ - محمد رفیق خان
»	»	۲۹ - حاجی محمد حسن خان
»	»	۳۰ - حاجی محمد عمر خان
»	»	۳۱ - محمد افضل خان
»	»	۳۲ - عبدالحمید خان
»	»	۳۳ - غلام حیدر خان
»	»	۳۴ - نعیم خان ناصری
»	»	۳۵ - مارکو خان پوپل زائی
»	»	۳۶ - محمد حسن خان
»	»	۳۷ - حاجی غلام حیدر خان
»	»	۳۸ - حاجی فیض محمد خان
»	»	۳۹ - حاجی محمد اسلم خان بلوچ
»	»	۴۰ - عبدالله خان
»	»	۴۱ - محمد عثمان خان
»	»	۴۲ - محمد صدیق خان نورزائی
»	»	۴۳ - حاجی عبدالرحمن
قندهار	خان	۴۴ - پیر محمد خان
»	»	۴۵ - آقا محمد خان بارکزائی
»	»	۴۶ - عبدالقیوم خان محمد زائی

قندهار	خان	۴۷ - حاجی غلام نبی خان
»	خان	۴۸ - دیوان جلیا
»	»	۴۹ - دیوان تر چند
جلدک	»	۵۰ - نظر محمد خان
قندهار	»	۵۱ - شیرین خان الکوزائی
تَرین	»	۵۲ - محمد عثمان خان بارکزائی
»	»	۵۳ - محمد حسن خان اچکزائی
»	»	۵۴ - ملا محمد ابراهیم پوپلزائی
»	»	۵۵ - داد محمد خان
»	»	۵۶ - حاجی محمد امان
کشک نخود	»	۵۷ - محمد رسول خان نورزائی
دهله	»	۵۸ - محمد سعید خان
ارغستان	»	۵۹ - عبدالجیب خان
»	»	۶۰ - حاجی غلام جان
گرمسیر	»	۶۱ - نظر محمد خان
»	»	۶۲ - محمد حسین خان
»	»	۶۳ - نیک محمد خان
»	»	۶۴ - حاجی عبدالرحمن
»	»	۶۵ - حاجی محمد یوسف
قندهار	»	۶۶ - محمد ناصر خان بارکزائی
گرمسیر	»	۶۷ - نظر محمد خان بارکزائی
لک پتی	»	۶۸ - فضل محمد خان بارکزائی
معروف	خان	۶۹ - شیر محمد خان بارکزائی
نوزاد	»	۷۰ - عبداللطیف
گرشک	»	۷۱ - محمد عمر خان بارکزائی
نوزاد	»	۷۲ - ولی محمد خان
»	»	۷۳ - یار محمد خان اسحق زائی
»	»	۷۴ - عبدالعزیز خان اسحق زائی

نوزاد	خان	۷۵ - محمد فاضل نورزائی
سیاه پشته	۶۰	۷۶ - محمد یونس خان اورزائی
گرشک	۶۰	۷۷ - غلام رضا
سیاه پشته	۶۰	۷۸ - عزیز الله خان
ارزگان	۶۰	۷۹ - محمد شریف خان مهاجر
ارزگان	۶۰	۸۰ - حاجی خدا داد
ارزگان	۶۰	۸۱ - عبدالرحیم خان
ارزگان	۶۰	۸۲ - غلام محمد خان
کلات	۶۰	۸۳ - عصمت الله خان توخی
کلات	۶۰	۸۴ - محمد شریف خان
کلات	۶۰	۸۵ - نظر محمد خان
هوتکی	خان	۸۶ - عیدالسبحان خان
هوتکی	عالم	۸۷ - ملا دین محمد
قندهار	۶۰	۸۸ - عبدالقیوم خان
چهارده	وکیل	۸۹ - حکمت الله بارک زائی
ارغستان	۶۰	۹۰ - محمد اکبر خان
کلات	۶۰	۹۱ - امیر محمد خان توخی
منصور خان	۶۰	۹۲ - خدا باز خان
قندهار	۶۰	۹۳ - محمد ناصر
تیموریان	۶۰	۹۴ - عبدالحمید
ترین	۶۰	۹۵ - عزیز الله خان
قندهار	۶۰	۹۶ - عبدالعلی خان
۶۰	۶۰	۹۷ - محمد انور خان برگد
ارزگان	۶۰	۹۸ - داد محمد خان خروقی
ارزگان	۶۰	۹۹ - شهزاده خان
قندهار	۶۰	۱۰۰ - سید جان خان نورزائی
ارزگان	۶۰	۱۰۱ - عبدالغنی خان اچکزائی
پشت رود	۶۰	۱۰۲ - محمد انور خان برگد
ارغستان	۶۰	۱۰۳ - شمس الدین

ارغستان	وکیل	۱۰۴ - عبدالحمید خان
”	”	۱۰۵ - محمد حسن خان
کشک نخود	”	۱۰۶ - محمد رسول خان
”	”	۱۰۷ - محمد انور خان
پشت رود	”	۱۰۸ - صفدر جنگ
”	”	۱۰۹ - گل محمد خان
”	”	۱۱۰ - محمد خان
”	”	۱۱۱ - دارو خان
”	”	۱۱۲ - محمد قاسم خان
”	”	۱۱۳ - محمد جمعہ خان
”	”	۱۱۴ - محمد حسن خان
”	”	۱۱۵ - محمد رسول خان
”	”	۱۱۶ - عبدالقیوم خان
قندھار	”	۱۱۷ - خوش دل خان
دہلہ	”	۱۱۸ - غلام جان بارکزائی
ترین	”	۱۱۹ - ولی محمد خان
بالا کرز	”	۱۲۰ - عبدالقیوم خان
مور کوچہ	”	۱۲۱ - محمد رفیق خان
قشلاق	”	۱۲۲ - نظر محمد خان
کلات	”	۱۲۳ - میر غلام محمود
قندھار	عالم	۱۲۴ - ملا عبداللہ
گرشک	وکیل	۱۲۵ - باز محمد
ارزگان	”	۱۲۶ - دلاور خان
دہلہ	”	۱۲۷ - محمد ایوب خان
ارزگان	”	۱۲۸ - حاجی محمد عمر خان
گیزاب	”	۱۲۹ - جلاد خان

ارزگان	وکیل	۱۳۰ - ملا عبدالغفور کاکری
کشک نخود	،،	۱۳۱ - ملا حسین خان
کلات	،،	۱۳۲ - حاجی صراف اسحق زانی
کلات	خان	۱۳۳ - صاحب جان خان
قندھار	،،	۱۳۴ - سلطان محمد خان
،،	،،	۱۳۵ - غلام یحیی خان
،،	وکیل	۱۳۶ - عبدالرشید خان
،،	،،	۱۳۷ - عبدالرب خان

### وکلای مردم ولایت سمت مشرقی در لوی جرگہ سال ۱۳۰۳

مقامات	صفت معیزہ	اسم	شمارہ
چکنور (ازشاہخ معروف بود)	شیخ	۱ - ملا صاحب چکنور	
-رکانی	،،	۲ - محمد صدیق خان	
ہدہ از مریدان و ہمراہان	،،	۳ - استاد صاحب ہدہ	
ملا نجم الدین ہدہ و متولی			
مدرسہ و مزار او بود			
فقیر آباد	،،	۴ - محمد یوسف خان	
چہار باغ	سید	۵ - سید غلام سرور	
کفر پسر شہینخ پادشاہ	سید	۶ - سید عباس	
مجاہد معروف			
حصارک	،،	۷ - سید فخر الدین	
حصارک	سید	۸ - محمد پادشاہ خان	
چکنور	،،	۹ - سید صاحب خاکسار	
اسمار	،،	۱۰ - زیور شاہ	
لعل پور	عالم	۱۱ - ملا فقیر محمد	
سنگر سراہ	عالم	۱۲ - مولوی محمد ابراہیم	

گردی سرای	عالم	۱۳ - محمد صدیق خان
بولان	۱۵	۱۴ - محمد گل خان
گندی باغ	۱۶	۱۵ - عبدالصبور خان
کامہ	۱۷	۱۶ - مسکین خان
سلطانپور علیا	۱۸	۱۷ - محمد صادق
لغمان	۱۹	۱۸ - عبدالحمید خان
،،	۲۰	۱۹ - سید محمود
حصارک مزینہ	۲۱	۲۰ - قاضی سید محمد امان
سنگر سرای کامہ	۲۲	۲۱ - مولوی حبیب الرحمن
صعر کوز	۲۳	۲۲ - شیر احمد خان
غنی خیل	خان وکیل	۲۳ - میر افضل خان
نازیان شنوار	۲۴	۲۴ - ملک اللہ دوست خان
شنوار	۲۵	۲۵ - ملک ناصر
پشد کتر	۲۶	۲۶ - میرزا قمبر خان
کتر	۲۷	۲۷ - ملک عبدالاحمد
کتر	۲۸	۲۸ - جانان خان
چپرہار	۲۹	۲۹ - عبدالرحمن خان
انبار خانہ	۳۰	۳۰ - فیروز خان
چپرہار	۳۱	۳۱ - ملک عبدالرحمن
پشد کتر (کتر)	۳۲	۳۲ - سید محمد خان
چپرہار	۳۳	۳۳ - ملک سرور خان
چپرہار	۳۴	۳۴ - محمد موسیٰ خان
ہدہ	۳۵	۳۵ - ملک عبدالحمید خان
خواجہ زائی	۳۶	۳۶ - امیر محمد خان
گردابی	۳۷	۳۷ - سردار خان

کامہ	۳۸ -	ملک شاہ حسین خان
لعل پور	۳۹ -	زین العابدین
لعل پور	۴۰ -	دوست محمد خان
سرخرود	۴۱ -	حاجی امان اللہ
بتی کوت	۴۲ -	ملک مراد خان
جلال آباد	۴۳ -	محمد اکبر خان
شیخ آباد	۴۴ -	ملک محمد عمر خان
بتی کوت	۴۵ -	سید مختار
جلال آباد	۴۶ -	ملا عبدالعزیز خان
کامہ	۴۷ -	ملا عبدالغفور خان
لغمان	۴۸ -	ملک محمد شریف خان
خواجہ زائی	۴۹ -	محمد جان خان
خواجہ زائی	۵۰ -	میر افضل خان
خور زائی	۵۱ -	ملک امین خان
سرخرود	۵۲ -	حاجی عبدالعزیز خان
مرز کٹر	۵۳ -	ملک میر احمد
ہزار ناو	۵۴ -	میان میر اکبر خان
سلالای مہمند	۵۵ -	ملا عبداللہ
مہمند	۵۶ -	ملک مزمل
سلالای مہمند	۵۷ -	ملک خالو خان
گندمک	۵۸ -	ملک محمد ایوب
خوگیانی	۵۹ -	گل علم خان
کلالی	۶۰ -	در ویزہ خان
نورستان	۶۱ -	عبدالصمد خان
اسمار	۶۲ -	عبداللہ خان

نور گل (در اصل کتواژ تحریر شده بود)	خان وکیل	۶۳ - عبدالرحیم خان
کامدیش	۶۴	۶۴ - محمد عمر خان
پیچ	۶۵	۶۵ - عبدالعزیز خان
بارون	۶۶	۶۶ - شیر احمد خان
پیچ	۶۷	۶۷ - محمد هاشم خان
چپر هار	۶۸	۶۸ - احمد گل خان
کنر	۶۹	۶۹ - غلام رضاء خان
بریکوت	۷۰	۷۰ - کریم شاه خان
کنر	۷۱	۷۱ - محمد حکیم خان
بئی کوت	۷۲	۷۲ - ارسلان خان
شنوار	۷۳	۷۳ - سید میرانخان
کنر	۷۴	۷۴ - سید کاظم خان
چهاؤنی لغمان	۷۵	۷۵ - ملک اخند جان
لغمان	۷۶	۷۶ - عبدالجلیل خان
لغمان	۷۷	۷۷ - ملک خیر محمد خان
شنوار	۷۸	۷۸ - محمد علم خان
جلال آباد	۷۹	۷۹ - میرزا نیک محمد خان
شنوار	۸۰	۸۰ - احمد جان خان
شنوار	۸۱	۸۱ - گزار خان
کندی باغ	۸۲	۸۲ - ملک غلام جیلانی
لغمان	۸۳	۸۳ - عطا محمد خان
مزینه	۸۴	۸۴ - ملک اجون خان
دکه	۸۵	۸۵ - محمد نظر خان
باسول	۸۶	۸۶ - گل محمد خان
لغمان	۸۷	۸۷ - ملک محمد حسین خان



لغمان	خان وکیل	۸۸ - احمد جان
لغمان	،،	۸۹ - ملا نوروز
جلال آباد	،،	۹۰ - حاجی محمد جان طیب
تیگری	،،	۹۱ - محمد اسلم خان
شنوار	،،	۹۲ - ملا اسد اللہ
شنوار	،،	۹۳ - شیر علی خان
اسمار	،،	۹۴ - سید آقا خان
شنوار	،،	۹۵ - حبیب اللہ
کتر	،،	۹۶ - عصمت اللہ خان
اگام	،،	۹۷ - ملک شمس الدین
خوگیانی	،،	۹۸ - نواب خان
دکھ	،،	۹۹ - زر داد خان
لعل پور	،،	۱۰۰ - رستم خان
کادہ	،،	۱۰۱ - ملا عبدالرحیم خان
عبدالخیل	،،	۱۰۲ - با چامیر
سزینہ	،،	۱۰۳ - کامران خان
لغمان	،،	۱۰۴ - میر نظام الدین
لغمان	،،	۱۰۵ - محمد علم خان
شنوار	،،	۱۰۶ - سید حسین خان
خوگیانی	،،	۱۰۷ - شاہ حسین خان
خوگیانی	،،	۱۰۸ - میان عبدالجلیل خان
لغمان	،،	۱۰۹ - محمد معصوم خان
حصارک	،،	۱۱۰ - محمد سرور خان
جلال آباد	،،	۱۱۱ - عطر سنگھ چھوڈری
لغمان	،،	۱۱۲ - ایا سنگھ
مہاجر مقیم بساجور بعداً عضو	،،	۱۱۳ - مولوی فضل ربی
(جمعیت العلماء)		
مہمند	شیخ	۱۱۴ - پادشاہ گل
باجور	عالم	۱۱۵ - مولوی فضل محمد خان

## وکلائی مردم ولایت فراه در لوی جرگه سال ۱۳۰۳

مقامات	صفت ممیزه	اسم	شماره
اسلام آباد	سمید	۱ - سید تاج الدین خان	
عبادت آباد	سمید	۲ - سید دلجو خان	
چخانسور	سمید	۳ - سید غلام جان	
خاشرود	سمید	۴ - سید اختر محمد خان	
لاش جوین	سمید	۵ - سید محمد حسین	
خاشرود	عالم	۶ - ملا غلام نبی خان	
مساو	عالم	۷ - ملا عبدالعزیز خان	
دار آباد	عالم	۸ - ملا عبدالواحد خان	
کهنه گان	عالم	۹ - ملا عبدالقیوم خان	
کهنه گان	عالم	۱۰ - ملا عبدالحق خان	
چار بریک چخانسور	خان	۱۱ - سردار عطا محمد خان	
مساو	خان	۱۲ - یحیی خان	
فراه	خان	۱۳ - نور احمد خان	
مرکز	و	۱۴ - محمد امان خان	
کچگین	و	۱۵ - محی الدین خان	
نرده	و	۱۶ - محمد عمر خان	
نرده	و	۱۷ - محمد حسن	
فراه	و	۱۸ - عبدالرحمن خان	
دره گی فراه	خان و کیل	۱۹ - محمد انور خان	
سپاه	و	۲۰ - محمد نبی خان	
نرده	و	۲۱ - نظر محمد خان	
چخانسور	و	۲۲ - شاه محمد خان	
چخانسور	و	۲۳ - یار محمد خان	
لاش جوین	و	۲۴ - غلام محمد خان	
بکواه	و	۲۵ - شهاب الدین	
بکواه	و	۲۶ - حاجی محمد بشیر	
خاشرود	و	۲۷ - محمد عمر خان	

مرکز فراه	خان وکیل	۲۸ - احمد شاه
بکواه	”	۲۹ - ولی محمد خان
بکواه	”	۳۰ - عبدالاحمد خان
گلستان	وکیل منتخبه	۳۱ - محمد اسلم خان
کنگ	”	۳۲ - شیر علی خان بلوچ
چخانسور	”	۳۳ - نور محمد خان
لاش جوین	”	۳۴ - عبدالحمید خان
بکواه	”	۳۵ - یار محمد خان
گلستان	”	۳۶ - کندل خان
چخانسور	”	۳۷ - احمد خان بلوچ
نهر شاهی	”	۳۸ - محمد علم خان بلوچ
نهر شاهی	خان وکیل	۳۹ - عبدالقادر خان
چخانسور	”	۴۰ - سلطان محمد خان
چخانسور	”	۴۱ - سید محمد خان
چخانسور	”	۴۲ - امیر محمد خان
چخانسور	”	۴۳ - اختر محمد خان
چخانسور	”	۴۴ - امیر محمد خان کرو خیل
چخانسور	”	۴۵ - عبدالرحمن خان
چخانسور	”	۴۶ - محمد عمر خان

### اسمای وکلای ولایت جنوبی در لوی جرگه سال ۱۳۰۳

مقامات	صفت ممیزه	اسم	شماره
خواجه حسن	سید	سید سکندر شاه	۱
خواجه حسن	وکیل	غلام حیدر	۲
خواجه حسن	”	جلاد خان	۳
خواجه حسن	”	عزیز خان	۴
کوچی خیل	”	سید محمد خان	۵
حسن شاه	”	محمد خان	۶
ابنو	”	سید الدین خان	۷

ملک خیل	وکیل	۸ - محمد رؤف
نادر خیل	و	۹ - آزاد خان
کندی خیل	و	۱۰ - شیر دل
خند خیل	و	۱۱ - جان محمد خان
خند خیل	و	۱۲ - سکندر خان
رود احمد زی	و	۱۳ - شهنواز
رود احمد زی	و	۱۴ - پیر دوست خان
میرزکہ	و	۱۵ - نور محمد خان
میرزکہ	و	۱۶ - حیدر خان
میرزکہ	و	۱۷ - مسل خان
میرزکہ	و	۱۸ - واصل خان
خوش حال خیل	و	۱۹ - درانی خان
مچلغو	و	۲۰ - عبدالرحمن خان
شاهی خیل	و	۲۱ - غلام سرور خان
احمد زائی	و	۲۲ - عبدالرحمن خان
حسن خیل	وکیل	۲۳ - شاه محمد خان
نواز خان مچلغو	وکیل	۲۴ - محبت خان
خندی خیل	و	۲۵ - شهنواز خان
یارو خیل مچلغو	و	۲۶ - یار محمد خان
چمکنی	سید	۲۷ - سید فقیر شاه
چمکنی	وکیل منتخبہ	۲۸ - محمد عزیز خان
هاشم خیل جاجی	و	۲۹ - احمد شاه خان
علی خیل جاجی	و	۳۰ - نور محمد
حسن خیل جاجی	و	۳۱ - محمد علی
صالح خیل جاجی	و	۳۲ - اختر محمد
الوف زرمت	و	۳۳ - عصمت الله
زرمت	و	۳۴ - عبدالرحمن
ملا خیل جاجی	و	۳۵ - صاحب نور
کلال کو	و	۳۶ - محمد اکبر خان
عثمان خیل طوطی خیل	و	۳۷ - جان محمد خان
یوسف خیل زرمت	و	۳۸ - ملک نظر محمد
مدہ خیل	و	۳۹ - محمد گل خان

## جرگه بزرگ (لوی جرگه) سال ۱۳۰۷ هـ. ش پغمان

امان الله خان در سال ۱۳۰۷ بسفر ششماه و ده روز به اروپا رفت و بعد از مراجعت از خارج لوی جرگه سال ۱۳۰۷ را دائر ساخت. او میخواست از یکطرف مسافرت خود بخارج را به نمایندگان توضیح بدهد و دلایل باصطلاح نوآوریها را در مملکت بانها شرح بدهد و از جانب دیگر میخواست برای سلطنت و حکومت خود که باثر بدینیهای مردم و انعکاسات آن هرآن روبه تزلزل میگذاشت پشتیبانی ملت را حاصل و آنرا تحکیم بخشد. لذا جرگه سال ۱۳۰۷ را دائر کرد. در لوی جرگه سال ۱۳۰۳ به یک تعداد نظامنامهها و باصطلاح تجدد پسندیهای او تعدیلاتی بعمل آمد و آن قسمت مواد نظام نامهها را که مغایر شریعت اسلام دیده میشد رر کردند و در بعضی موارد (به نقل از کسانیکه شخصا دران جرگه شامل و حاضر بودند) اعتراضاتی بشخص او هم صورت گرفت. لذا با تجربه ایکه در جرگه سال ۱۳۰۳ بعمل آمد کوشش شد تا در جرگه ۱۳۰۷ اشخاص نسبتاً جوان شامل گردند تا باشد که نظر باینکه سنین آنها به عصر و زمان نزدیکتر است نظریات امیر امان الله خان مورد قبول واقع شود. ولی چنان معلوم شد که این مفکوره هم چندان مفید واقع نگردید و نمایندگان با همان روحیه شک و تردید در جرگه اشتراک کردند و آنچه را که به نظر شان خلاف شریعت اسلام بود رد کردند.

در لوی جرگه سال ۱۳۰۷ یک هزار و یکصد نفر نمایندگان از تمام مملکت از سران قوم و اشخاص برجسته قراء و شهرها و علمای دینی گرد هم جمع آمده بودند. درین جرگه بزرگ که در پغمان دائر گردیده بود برای وکلاه و نمایندگان از طرف حکومت دریشی که عبارت از کرتی و پتلون سیاه، پیراهن سفید، نکتانی سیاه، وکلا شجوی سیاه بود تهیه گردیده بود. امر شده بود که لباسهای فوق را در روزهای جرگه بپوشند و در روز هائیکه در پغمان بودند نیز این دریشیها را به تن میکردند. ارباب محمد یونس خان چاه آبی که درین جرگه اشتراک داشت بارها بخنده در مورد دریشی، به نویسنده حکایتها کرده و از اینکه چگونه باد دریشی

خود را مقید احساس میکردند نقل کرده است .

(تهیه دریشی و بالا پوش برای وکلاء از طرف دولت در تمام دوره‌های مجلس شورای ملی و لوی جرگه‌ها تا دوره ۱۲ رایج بود) . لوی جرگه ۱۳۰۷ در پغمان دائر و مدت پنج روز دوام داشت . جرگه سال ۱۳۰۷ مانند جرگه ۱۳۰۳ دستور العمل و هدایت نامه داشت که باماس آن تشکیل جلسه میداد و از طرف دارالتحریر شاهی بدسترس وکلاء گذاشته میشد . مواد دستورالعمل مذکور قرار آتی است :

۱- لوی جرگه تحت ریاست اعلیحضرت غازی انعقاد یافته و جلسات آن هر روز دوام دارد . در موقعیکه اعلیحضرت غازی در جرگه تشریف نداشته باشند رئیس شورا بوکالت ذات شاهانه وظیفه ریاست جرگه را ایفا مینماید .

۲- جرگه از ساعت ۹ صبح شروع و بساعت ۵ عصر ختم میشود . از ساعت ۱۲ تا ساعت ۲ بعد از ظهر وقت غذا و نماز خواندن است بر علاوه هر ساعت یا بعد از هر مذاکره رئیس مجلس ۵ دقیقه تنفسی میدهد و یا رئیس هر وقت بخواد مجلس را تعطیل میکنند .

۳- اعضای لوی جرگه عبارتست از وکلاییکه رسماً دعوت و دروکالتنامه هایشان تصدیق شده معاونین اعضای منتخبه و طبیعیه شورا ، وزراء بمعیت یک نفر از اعضای وزارت خانه شان .

۴- مسایل مهمه اساسی متعلق به مصلحت عموم ملت خواه از طرف وزراء پیشنهاد شود خواه از طرف وکلاء مطرح گردد در جرگه مطرح مذاکره قرار میگردد .

۵- وزراء و وکلا مسایلی را که در لوی جرگه میخواهند مورد بحث قرار گیرد آن مسائل را قبل از انعقاد جرگه بریاست شورا تقدیم دارند . ریاست شورا درین مسایل تعمق نموده چیز هائیکه با موضوع جرگه ربط دارد مطرح بحث قرار میدهد و مسایلی را که مربوط وزارت خانه‌ها است به وزارت‌های متعلقه آن برای توجه در اطراف آن می‌فرستد . اگر بعضی مسایل قابل بحث بعد از انعقاد جرگه به خاطر ذوات فوق الذکر برسد موقع دیگر برای تقدیم آن بریاست شورا روز سوم جرگه است . درین مرتبه هم ریاست شورا در اطراف مسایل پیشنهاد شده مثل مرتبه اول غور نموده آنرا به سه قسم تفریق میکند .

۶- در اخیر مجلس هر روز مسائلیکه به مجلس وزراء بحث میشود برای استحضار خاطر اعضای جرگه نشر و اعلام میشود .

۷- مسایل مباحث عنه به اکثریت تصویب میشود .

۸- در موقعیکه منشی مجلس یک مسئله پیشنهاد شده از طرف وزراء یا وکلا را جهت استحضار عمومی قرائت مینماید لازم است عموم گوش گرفته ساکت باشند هکذا در موقعیکه یک نفر مشغول بحث و بیان است سائرین ساکت بوده استماع نمایند و هرگاه برله و علیه بیان کننده چیزی به خاطر شان برسد پس از ختم و سکوت بیان کننده با اجازه رئیس برخاسته بشرح مافی الضمیر خود آغاز نماید .

۹- دقت باید نمود که در موقع بحث خارج از موضوع بحث نشود اگر کسی حین بحث و بیان از حدود موضوع خارج شد رئیس او را خطاب میکند .

۱۰- هرکس که در محل بیان شروع به بیان میکند طرف خطاب او باید رئیس مجلس باشد .

۱۱- بوقت جریان مجلس مذاکرات و اختلاط خصوصی ممنوع است .

۱۲- حد کافی مذاکره و مناقشه از طرف رئیس اعلام و بعد شروع بگرفتن رأی میشود .

۱۳- همه اشخاصیکه حق شمولیت به مجلس لوی جرگه را چه به سمت عضو و چه به صفت سامع دارند بدون داشتن تکت مخصوص داخل جرگه شده نمیتوانند .

۱۴- مدیران و نمایندگان جراید وطن برای گرفتن صورت مذاکرات بداخل مجلس آمده میتوانند ولی صرف به جاهای مخصوص شان نشسته حق مذاکره و رأی دادن ندارند .

۱۵- جریانات مجلس و اظهارات تقریرکنندگان از طرف تیز نویسندگان قید میشود .

اولین جلسه این جرگه بزرگ در ۲۹ - اگست ۱۹۲۸ م مطابق ۵ سنبله ۱۳۰۷ هـ ش بانطق افتتاحیه شاه امان الله افتتاح گردید. امان الله خان در بیانیه اش به نمایندگان ملت گفت :

((اولا جرگه دوره سوم خود را بنام خدای خود شروع میکنم موصوف گفت:

ما باید بفهمیم که جرگه چیست و مسلک و نصب العین من کدام است . میدانید که خدای مجید ما مشوره را در قرآن کریم اساس قرار داده و برای آن توصیه و امر فرمودند . ما هم به همان اساس کار میکنم و همیشه در نظر

داریم که در کار های وطن با اقوام خود مشوره کنیم چرا که محور اجراءات ما بر مفاد آن مبتنی است. ازین رو لازم می آید ما و افراد ملت ما در هر آنچه مفید بدانیم مشوره و تبادل افکار بکنیم تا پیشرفت ما اصول بهتری را اختیار کند. بلی! ممکن بود متهم مانند سلاطین سابق تنها با خاندان خود و دوستان خود مشوره میکردم و بس، اما بر عکس بهترین راه مشوره را با اقواء دیدم نه با خاندان و دوستان خود)). امان الله خان افزود: «اطمینان قوی بشما میدهم آنچه که درین جرگه بحث میشود از اساس دین مقدس اسلام بیرون نیست و چیزهایی را که برای بهبود آینده خود قرار میدهیم البته برای آن راه های نیک پیدا کرده خواهد شد. اگر از ابرار برای خود داری کردید البته در وکالت خود با عموم ملت خیانت کرده و در پیش قوم خود و در پیش پیغمبر خود وهم در روز حشر نزد خدا مسئول خواهید بود. همچنان در عین زمان هرگاه مذاکراتی که به کثرت آراء فیصله شود دوباره از آن تغلب کنید نزد خداوند مسئول خواهید بود)). (جریده انیس ۵ سنبله ۱۳۰۷)

لوی جرگه سال ۱۳۰۷ که روز ۵ شنبه ۵ سنبله سال مذکور دائر گردید امان الله خان در ضمن بیاناتش که یک قسمت آن در فوق ذکر شد به مباحثات سفرش به اروپا پرداخت و آخرین جملات خود را در باره عنعنات افغانستان ادا کرد. امان الله خان بعد از یک سلسله بیانات در باره رفع حجاب مطالبی بیان و اظهار کرد ((یک زن در برقع حرکت میکند شخص فکر میکند که او چگونه و چطور خواهد بود. نه، روی برهنه باشد، دل پاک باشد، هر کس براه خود می رود)) بعد از ملکه خواست تا نقابش را بردارد و در مقابل نمایندگان جرگه حاضر شود، ملکه با روی برهنه در حضور نمایندگان حاضر شد. با حضور ملکه بدون نقاب در جرگه در مجلس هیجان زیادی حکمفرما شد، مردم تجدد پسند حضور ملکه را با کف زدن با بدرقه کردند. وضع هیجان آور نمایندگان ملت باوج خود رسیده بود. امان الله خان خشم اکثر نمایندگان را که بعد نهایت شدید رسیده بود نادیده گرفته با بی اعتنائی کامل بیانات خود را در باره نظریاتیکه طرف قبول واقع نگردیده بود بشدت ادامه داد. (۱)

(۱) روابط سیاسی افغانستان در نیمه اول قرن بیست روابط با المان، انگلیس

و روس. آدسک. ترجمه پوهاند فاضل.



امان الله خان حین افتتاح جلسه اول به نمایندگان گفت که او بحیث زمامدار افغانستان حرف نمی زند و آنها را به قبول پیشنهادات خود مجبور نمی سازد و وظیفهٔ انسانست تا آزادانه در بارهٔ کشور خود تبادل افکار کند و حرف بزند. مگر اصرار ورزید که به فیصله ای که توسط اکثریت آراء گرفته میشود احترام کرده به آن پایدار مانند او مخالفت نمایندگان ملت را به تصامیم اکثریت خیانت تلقی کرد و قرار گذاشت که هر چه بادین اسلام مغایرت داشته باشد نمیتواند مورد بحث قرار گیرد.

در جلسهٔ اول چنین فیصله بعمل آمد :

شورای دولت به شورای ملی که توسط ملت آزادانه انتخاب شود عوض گردد. شورای ملی باید با لوی جرگه هم آهنگی داشته باشد. بعد از آن مسودهٔ قانون انتخابات اعضای پارلمان (شورای ملی) توسط غلام صدیق خان قرائت شد.

در جلسهٔ دوم ۳۰ اگست ۱۹۲۸ م مطابق ۶ سنبله ۱۳۰۷ را پور فعالیت‌های سه ساله وزرای مملکت قرائت گردید بعضی پیشنهادات تصویب شد. درین جلسه قدرت عفو از قضات گرفته شده تصویب شد که اصلاحیت به شخص پادشاه تخصیص داده شود. رشوت گرفته نشود.

قدرت سؤ استفاده، زجر و دشنام دادن سلب گردد.

یک دائرهٔ تفتیش آزاد تشکیل گردد تا بمظالم و شکایات نهایت رسیدگی کند و راساً به شخص شاه مربوط باشد. همچنان در هر وزارت خانه یک دائرهٔ تفتیش تشکیل گردد.

مدت خدمت عسکری از دو سال به سه سال تمدید و برای همه اجباری باشد. عوض گرفتن مجاز دانسته میشود.

تطبیق تعزیر که از یک پیشانی ترشی تا درجهٔ اعدام وسعت دارد ممنوع قرار داده شود و باید بصورت قاطع تعریف و تحدید شود، در آخر نمایندگان فیصله کردند که سالانه احصائیه گیری و سر شماری حیوانات اجرا گردد.

۳۱ - اگست ۱۹۲۸ م - سنبله ۱۳۰۷ جلسهٔ سوم دائرهٔ گردید درین جلسهٔ جمیع عناوین و القاب از بین برده شد و همچنان عناوین اجتماعی رالغو کردند. اشخاص رسمی را بدون در نظر داشتن مقام و منزلت آن بکمال سادگی عزیز

خطاب میگردند مانند عزیز محترم، وزیر عزیز و مثل آن امان الله خان میخواست او را هم عزیز خطاب کنند نمایندگان لوی جرگه این پیشنهاد را نپذیرفتند و اصرار ورزیدند که امان الله خان القاب خود یعنی اعلیحضرت را حفظ کند.

لباس های محفل رسمی و یونیفورم های قیمت دار باید از بین برداشته شود و در اوقات رسمی و مراسم اجتماعی باید لباسهای ساده، برای اشخاص ملکی دریشی سیاه و برای اشخاص نظامی دریشی خاکی تخصیص داده شد. تمام مدال ها و تزئینات از بین برداشته شد با ستشای نشان اعطاء استقلال که برای اشخاص بس فعال و مدافع ملی و فاتحان و قهرمانان اعطاء میشد (۱).

این نوع معیار ها و شرایط مساوات که همگان سراعات میگردند، برای علما چندان پسند نبود زیرا تحدید و قیود در نوع لباس چیز زاید و بی لزوم تلقی گردید و نوعی دخالت در امور متعلق به شخصی، اشخاص مخصوصاً علما پنداشته میشد و برای اکثر شاملین جرگه دلچسپ نبود، سلا هائیکه بحیث امام معلم ویا واعظ وظیفه داشتند تابع امتحان دانسته میشدند بعد از اخذ امتحان و اخذ تصدیقنامه اجازه داده میشد تا وظایف شائرا انجام بدهند. سلا هائیکه در خارج تدریس کرده بودند مخصوصاً آنهائیکه از دیوبند فارغ التحصیل شده بودند اجازه نداشتند داخل افغانستان گردش کنند.

در پایان این جلسه امان الله خان اعلان کرد که پنجاه و سه هزار تفنگ خریداری کرده است، اراده دارد پنجاه هزار دیگر هم با پنجاه میلیون کارتوس و مهمات دیگر آن را بخرد قیمت آن از درک اعانه جمیع افراد کشور که بالاتر از ۱۵ سالگی باشند فی نفر پنج افغانی و تادیه یکماهه معاش مامورین دولت برای یک مرتبه پرداخته خواهد شد. این اعلان امان الله خان با شوق و ذوق نمایندگان سلح شور افغانستان پذیرفته شد. نماینده کابل غلام محی الدین گفت: «برای این هدف مقدس یک لک افغانی میدهد و از دیگران هم خواهش کرد از او پیروی کنند».

جلسه چهارم که ۸ سبته ۱۳۰۷ مطابق اول ستمبر ۱۹۲۸ م دائر شد یک

(۱) روابط سیاسی افغانستان در نیمه اول قرن بیستم (روابط با انگلیس، روس و جرمنی ترجمه پوهاند فاضل).

قسمت وقت آن وقف قانون مامورین دولت و موضوعات مربوط آن گردیدند . برای جلوگیری از تخطی باید مامورین دولت در بدو تقرر دارائی خود را با عایدات سالانه ثبت کنند . این دفاتر ثبت دارائی در حین تفتیش بدسترس مفتشین گذاشته شود آنچه علاوه از مصارف آنها باقی میماند یا منبع عایداتی آن معلوم شود یا آنکه شاهد بزرگ تخطی و اختلاس آنها بشمار میرود که در نتیجه تنبیه و سرزنش میشوند . درین قانون شرایط و اوضاع مامورین بمصارف سفریه مامورین در اثنای انجام وظایف رسمی در نظر گرفته شده بود و معاشات مامورین توسط پارلمان تعیین میشد . یک مامور دولت نمیتوانست بیش از یک زن داشته باشد .

تجویز دولت در مورد اینکه مردان پیش از سن ۲۲ سالگی و زنان قبل از سن ۱۸ سالگی نباید ازدواج کنند بعد از مباحثات داغ و شدید از جهت اینکه با رسوم اسلامی مخالف بود به اکثریت مطلق آراء رد شد . امان الله خان دوباره تجویز خود را تکرار و گفت که نصیحت و مشوره من محض برای بهبود جوانان و والدین شان میباشد نه آنکه بحیث پادشاه افغانستان حیثیت فرمان را داشته باشد ولی جرگه اعتنائی نکرد .

امان الله خان در آخر جلسه پیشنهاد کرد که خانمش را ملکه و پسرش رحمت الله خان را بحیث وارث تاج و تخت و ولی عهد افغانستان بشناسند ، این پیشنهاد او با کف زدنهاد و هلله پذیرفته شد .

در جلسه پنجم (۱) که جلسه آخرین بود روز ۹ سنبله ۱۳۰۷ مطابق دوم ستمبر ۱۹۲۸ امان الله خان بیرق جدیدی برای افغانستان بمجلس ارائه کرد او شکل بیرق جدید را رنگ های سیاه ، سرخ و سبز پیشنهاد کرد بافتنیکه از قله های پر برف سر کشیده و خوشه های گندم دو طرف او را فرا گرفته باشد در وسط نام خدا ثبت شده باشد تزئین یابد . او رنگها را چنین تعبیر کرد . رنگ سیاه رنگ ماتم و زسانیکه افغانستان در تحت حمایت غیر بود . رنگ سرخ رنگ قطرات خونست که برای کسب آزادی ریختانده شده است . از آن نمایندگی میکند که آزادی خونبهای ماست . و رنگ سبز رنگ امید واری ، نوید ، آزادی و پیشرفتها است که در آینده نصیب مان میشود .

(۱) روابط سیاسی افغانستان در نیمه اول قرن بیست ، تالیف آدمک ترجمه پوهاند

کوه ها مثل افغانستان است و طلوع آفتاب پیشرفت و انکشاف افغانستان را نمایش میدهد و خوشه های گندم علامه ایست که احمد شاه بابا آنرا حین تاج پوشی در سال ۱۷۴۷م مطابق ۱۱۲۶ هـ بسر خود گذاشت و گفت :  
 ((ازین لحاظ است که من فاقد تاجم یا ازین لحاظ است که بتاج دیگر احتیاج ندارم)).

بر حسب پیشنهاد یکی از نمایندگان نام پیغمبر اسلام حضرت محمد (ص) نیز در آن افزوده شد . بمسأله برقع یا نقاب در آخر جلسه بار دیگر تماس گرفته شد مگر به فیصله ای نه انجامید . تا آنکه بعد از سپری شدن یک ماه حینیکه امان الله خان را پور سفر اروپائی خود را میداد مجدداً سعی کرد تا مردم افغانستان این یونی فورم را بپذیرند .

طوریکه از جریان این جرگه بزرگ ملی معلوم میگردد نمایندگان در اظهار رائی و آرائه نظریات شان از صراحت لهجه و جرئت اخلاقی کامل برخوردار بوده و مخصوصاً به مسایل دینی و مذهبی خیلی دقیق و علاقه مند بودند با وصف آنکه امان الله خان به حیث یک پادشاهیکه در گرفتن استقلال سیاسی مملکت اقدام کرد و به غازی مشهور شد، و کلاً حین ابراز نظریات، جزئی ترین اندیشه و هراس از او نداشتند ، موقع شناسی های سیاسی و زمانه سازی در نهاد شان نبود . در مسایل آنطوریکه اراده داشتند و فکر میکردند ابراز نظر مینمودند . نمایندگان به کدام حزب و دسته سیاسی مربوط نبودند تا اظهارات شان از سیاست حزب سر چشمه گرفته و بلی گوی حزب باشند بلکه آنها بمردم خود ، محیط و ماحول زندگی و وطن خود و مسایل مربوط آن ارتباط داشتند .

با وصف اختلافات نظر ها بعض تصاویر درین جرگه صورت گرفت .  
آینده انعقاد لوی جرگه : چنین تجویز گردید که لوی جرگه بعد ازین پنج سال در پنج سال بمرکز و دربار پادشاهی بقسم مهمانی برای ملاقات حضور اشرف حاضر خواهد شد . لوی جرگه بمجلس شورای ملی اختیارات نام میدهد تا قوانین و مقرراتیکه همه وقت مجلس شورای ملی به مفاد عمومی ملت و حکومت تصویب کند منظور و قابل اجراء خواهد بود .

در لوی جرگه ها از بسکه نظریات امان الله خان از طرف نمایندگان ملت رد گردید دیگر حوصله اش سر رفت و کم کم خواست خود را از جنجال لوی جرگه ها خلاص کند چنانچه در جرگه ۱۳۰۱ جلال آباد فیصله شده بود

که لوی جرگه هر سال یک بار دائر شود. جرگه ۱۳۰۳ را دو سال بعد دائر و در جرگه مذکور یعنی جرگه سال ۱۳۰۳ تصویب بعمل آمد که جرگه بعد از هر سه سال دائر شود اما در جرگه سال ۱۳۰۷ که ۴ سال بعد دائر شد تصویب گردید که لوی جرگه بعد از پنج سال دائر شود. قسمت اختیارات قانون گذاری آن نیز بشورای ملی واگذار گردید. باین ترتیب اگر عمر سلطنت امان الله خان چند سال دیگر دوام میکرد شاید در یک جرگه دیگر قیود بیشتری بر لوی جرگه های آینده وضع میکرد.

بهر حال لوی جرگه ۱۳۰۷ یک تعداد نظامنامه ها را که از طرف مقامات دولتی تهیه و ترتیب یافته و در لری جرگه تقدیم شده بود مورد غور و بررسی قرار داده بعد از تعدیلات لازم تصویب نمودند.

- ۱ - نظامنامه بلدیہ - ۵ ثور ۱۳۰۷.
  - ۲ - نظامنامه محصول مواشی - ۱۰ جوزای ۱۳۰۷.
  - ۳ - نظامنامه مالیات - تفریق وظایف حکام و مامورین متعلقه آن - ۲۱ جوزای ۱۳۰۷.
  - ۴ - نظامنامه تقاوی تجاریه - ۲۵ جوزای ۱۳۰۷.
  - ۵ - نظامنامه نشانهای ذیشان دولت مستقلة افغانستان - ۲۶ جوزای ۱۳۰۷.
  - ۶ - نظامنامه محکمه شرعیه.
  - ۷ - نظامنامه تعلیمات دولت - ۴ سرطان ۱۳۰۷.
  - ۸ - نظامنامه اخذ رسوم گمرک - ۲۰ سرطان ۱۳۰۷.
  - ۹ - نظامنامه اذوقه - ۲۵ سرطان ۱۳۰۷.
  - ۱۰ - نظامنامه تعمیرات پغمان - ۵ سرطان ۱۳۰۷.
  - ۱۱ - نظامنامه وظایف مستوفیان و سر رشته داران و مامورین تحت اثر ایشان - ۲۵ جوزای ۱۳۰۷.
  - ۱۲ - نظامنامه اقدامات صورت فیصله قتل و حبس دوام که بمحاکم عدلیه آینده بر وفق آن فیصله تحریر شود - ۲۵ سرطان ۱۳۰۷.
  - ۱۳ - نظامنامه تعمیرات دولت - ۲۵ سرطان ۱۳۰۷.
  - ۱۴ - نظامنامه پوشیدن لباس رسمی و غیر رسمی.
- در لوی جرگه ۱۳۰۷ امان الله خان بجز تصویب بعض نظامنامه ها

توانست نظریاتش را باین جرگه بزرگ ملی که بعق نام لوی جرگه را گرفته است، نبولاند. بعضی موضوعات را حتی تکرار هم ارائه میکرد ولی تصمیم جرگه همچنان قاطع و پابدار بود. و چون قناعت امان الله خان درین مجلس بزرگ فراموش نگردید، و چون او نتوانست بسیاری به اصطلاح نوآوری های خود را در لوی جرگه به تصویب برساند و شرح مسافرتش را بخارج و ذکر جزئیات آنرا لوی جرگه عبت تشخیص کرد، لذا خواست نظریات خود را در مجمع دیگری بیان کند تا نظریات منطقی!! و خیراندیشانه! او شایع گردد مخصوصاً اشتراک دیپلماتها در کفرانسه‌های آینده او شاید بهمین منظور بود.

لذا یک ماه بعد در چمن قصر استور در دوم اکتوبر همان سال در حدود ۹ میزان ۱۳۰۷ چهار خطابه برای شنوندگانیکه آنها را هواخواه و هم‌نویان خود میدانست ایراد کرد. آدمک درین باره مینویسد: ((شنوندگان درین جلسه در حدود شش صد نفر بشمول هیأت دیپلماتها بودند. درین مجمع اشخاص عالیرتبه ملکی، نظامی، اعضای شورای دولت و بعضی از نمایندگان برجسته و ممتاز شهر کابل به علامه استقبال از نوآوری ها خاتم های شان هم اشتراک کرده بودند.

امان الله خان درین مجمع شش صد نفری نخست بعضی دلایل را برای اتخاذ تصمیم سفر خود که مورد تبصره های فراوان واقع شده بود از لحاظ سیاسی و اقتصادی شرح داد و بعد ازان در موقف خانم های افغان بعضی ابتکارات و نوآوریها بیان کرد. او سفرش به اروپا را موفقانه خواند، زیرا مصرف سفرش را هفتاد هزار پوند از جمله عواید چهار صد و شصت هزار پوند و انمود کرد. این مبلغ را صرف ارزش هدایائیکه در اروپا برای او داده شده بود ادعا نمود. این ارقام شامل خریداری هائیکه در خارج شده است نمی باشد که آنهم مبلغ هنگفتی بوده است. برحسب محاسبه جرمن ها مبلغ سیزده یا چهارده ملیون مارک درایتا لیا و فرانسه و در حدود شش ملیون مارک در جرمنی خریداری شده است.

امان الله خان در کنفرانس شش صد نفری نتایج سیاسی سفرش را و قرار داد هائیکه با ممالک مختلف منعقد کرده بود و پذیرائیهای گرمیکه مخصوصاً در روسیه بلشویکی از او بعمل آمده بود یاد آوری کرد.

درین کنفرانس امان الله خان در کنفرانس دوم خود درباره ریفورم

و نوآوریهای تعلیمات مسلکی و عسکری بحث کرد و اراده خود را در مورد تجدید نظر در تشکیلات مکتب حربیه ابراز و تشکیلات آنرا بیان کرد. او درین بیانیه اش گفت صاحب منصبان عسکری، از مرید شدن و دست پیرگرفتن ممنوع میباشند. عساکر باید مهارت های حیاتی و صنعتی را در دوره عسکری فرا گیرند که حین بازگشت به جامعه بتوانند آنرا تطبیق کنند. بد یگران یاد بدهند و عضو صالح جامعه خود بشوند. امان الله خان برای تطبیق پروگرامهای اصلاحی، یونی فورم مالیه تعیین کرد که از معاشات خود پیر دازند. نویسنده کتاب (۱) میگوید طبق اطلاع منابع موثق اگر صاحب منصبان رضا کار میبودند و اختیار میداشتند ترک مسلک میگفتند، زیرا معاش ماه اسد را برای پذیرائی پادشاه در کابل صرف میکردند. معاش برج سنبله خود را برای اعانه خریداری تفنگ از خارج میبرداختند. معاش میزان را برای کلوپ عسکری باید تادیه میکردند. امان الله خان درین بیانیه اش باز به موضوع سن ازدواج بین جوانان که بموجب فرمان او در دوره مکتب جوانان اجازه نداشتند ازدواج کنند برگشت و دران باره دلایل ایراد کرد.

در بیانیه سوم خود درین کنفرانس شش صد نفری باز موضوع رفع حجاب زنان افغان که در لوی جرگه یک ماه پیش با ابراز احساسات تند نمایندگان و شور و غوغای فراوان روبرو گردیده بود حمله کرد. او اعلام داشت که در ظرف دو ماه چادری معموله زنان که میپوشند از بین برداشته شود. یکی از دلایلیکه آورده بود این بود ((چادری مانند خیمه برای براه رفتن زنان در سرکهای کابل خطرناک است و مصئون نمی باشد نشود که پای زنان به چادری بند شده و بسر بیفتند)). چادری به نقابی مانند نقاب زنان ترکی که متشکل از یک دستمال است که قسمت پایانی روی را می پوشاند عوض شود و پوشیدن این نقاب عصری باید اختیاری باشد برای اینکه این حرف خود را به کرسی بنشانند گفت نقاب در حقیقت از و جائب اسلامی نیست و بنا بران او خواست خانمش نقاب خود را بر دارد و رو بجانب خاتمه خود کرد و گفت تا نقاب را از روی خود بر دارد. بلکه تجویز شوهرش را پذیرفت که به کف زدهای زنان خارجی و دیگران بد رقه گردید.

(۱) روابط سیاسی افغانستان در نیمه اول قرن بیستم، تألیف ادملک، ترجمه



امان الله خان که نظریاتش مخصوصاً در چنین مورد بشکست مواجه گردیده و مورد قبول واقع نشد به تشکیل مجمع شش صد نفری طوریکه قبلاً ذکر شد و اکثریت اعضای آن هوا خواهان اصلاحات او بودند پرداخت مجمعیکه قدرت فیصله و تصمیم نداشت و تنها میتوانست به کف زدنهای ممتد شاه را خوش سازد. چنانچه دیده شد در لوی جرگه و قتیکه شاه به سلکه امر کرد برقع از روی خود بردارد عکس العمل غیر عادی جرگه را برانگیخت و پیشنهاد به ناکامی مواجه شد. برعکس درین مجمع شش صد نفری که سلکه با روی برهنه ظاهر شد با کف زدنها و هلله شادمانی در میان زنان سفرا و نمایندگان خارجی و دیگر حاضرین مواجه گردید. از جرگه عمومی یک ماه پیش تا این مجمع دو حالت مطلق متضاد بمشاهده میرسید.

آن اعضای لوی جرگه بودند که در اطراف و اکناف مملکت رفته و انعکاسات نا مطلوب را در میان مردم شایع کردند و آن مردم بودند که اراده و خواست شان میتوانست به پشتیبانی و استحکام سلطنت یانجامد و یا برعکس اراده آن مردم در تزلزل و سقوط سلطنت سهم بارزی داشته باشد نه اعضای مجلس شش صد نفری یا تماشا بیتان خارجی و نمایندگان سیاسی ممالک و مامورین دولت امان الله خان که رای و تصمیم شان در ملت تاثیری نداشت.

امان الله خان در همین بیانیه اش ملاها را طرف حمله قرار داده آنها را اشخاص متعصب و جاهل خواند که مسئول عوام قریبی ها و منبع تمام تعصبات بیجا و اشاعه و پخش جهالت و نادانی ها میباشند. این اظهارات آنها در چنان مجلس شش صد نفری که باز تاب آن بصورت قوری در داخل و خارج مملکت پخش میگردد علت دیگری مزید بر علت ها شد و ملا هائیرا که قبلاً به تحریکات و ایجاد هیجانان پرداخته بودند هر چه بیشتر بر انگیخت و تا توانستند در تبلیغات شان بر علیه امان الله خان افزودند و درین راه زحمت بیشتر کشیدند، اگر تنها در محیط و منطقه خود به تبلیغات سپرداختند بعد ازین به نقاط دور دست تر رفته و باعده دیگر از همسلکان و هم فکران خود پیوستند و دامنه تبلیغات را هر چه بیشتر وسعت دادند.

امان الله خان در خطابه چهارم (۱) خود ۵ - اکتوبر ۱۹۲۸ در حدود

---

(۱) روابط سیاسی افغانستان در نیمه اول قرن بیست تألیف - ادبک ترجمه پوهاند فاضل.



۱۲ میزان ۱۳۰۷ بمجلس را پور داد که شیر احمد خان را بحیث صدراعظم تعیین کرده بودم و هدایت داده بودم که کابینه خود را تشکیل بدهد از آنجا که شیر احمد خان قابلیت و لیاقت آنرا نداشت تا افغانهای ممتاز و برجسته را برای خدمت در تحت رهنمائی خود تشویق کند، بنا بران شخصاداو طلب این عهده میشود تا آنکه کابینه جدید تشکیل شود و به پارلمان (آینده) تقدیم گردد زیرا تنها او بود که قابلیت پیشبرد ریفورم و نوآوریهای انقلابی را که ایجاب میکرد داشت. او خطابه خود را به این الفاظ خاتمه داد ((من یک پادشاه انقلابی هستم و آرزو دارم که انقلاب را در هر جهت زندگی کشور خود بوجود بیاورم)) او پیشنهاد کرد از جمله کارکنان دولت هر کس که بصورت شعوری با وجدان آزاد نمیتواند با او همکاری کند باید از کارش استعفی بدهد. یکی از نمایندگان (بایدگفت یکی از مامورین حاضر در مجلس - نویسنده) عبدالرحمن لودی رئیس گمرکات از عهده خود استعفی کرد.

موضوع استعفای عبدالرحمن لودی در کتاب افغانستان در میسر تاریخ به شکل دیگری آمده است. عبدالرحمن لودی در جرگه شش صد نفری حاضر بود گفت: ((اعلیحضرت خود را یک پادشاه انقلابی معرفی کردند پس توقع میرود که انقلاب در دستگاه دولت را بپذیرند. ده سال است که اعلیحضرت وظیفه صدارت را بدوش گرفته اند، در حالیکه انقلاب متقاضی اینست که عوض اعلیحضرت شخص مسئول دیگری بحیث صدراعظم افغانستان منصوب گردد. البته این پیشنهادها پذیرفته نگردید و جواب عبدالرحمن خان فردای آن روز در قصر دلکشا داده شد و آن اینکه او را احضار کردند و از طرف شاه امر گردید که استعفای خودش را از ماموریت دولت بدهد. ((اورئیس گمرکات بود))

در سطور قبلی بملاحظه رسید که جرگه های ملی و نمایندگان به دلخواه مردم در مجامع و مجالس اشتراک ورزیده اند، اکثریت شان مردمی بودند که از عمق افراد جامعه برخاسته به روحیات مردم خود بدرستی آشنا و از خواسته های منطقی و معقول شان آگاه بودند.

آمدیم در موضوع نو آوری ها که بارها در مجالس و مجامع از آنها یاد آوری میشده است. ما دیدیم که پدیده های نو که مستقیماً به خیر و صلاح

جامعه بوده هیچ گونه تضاد با مسایل مذهبی و رسومات معقول عنعنوی شان نداشته است بخوبی پذیرفته و در تطبیق آن از هیچ گونه سعی و کوشش دریغ نکرده اند .

مثلاً در استفاده از آلات زراعتی و کار بردن آسیابهای جدید ، ماشین های برنج پایی، استعمال کود کیمیاوی ، و اتر پمپ و غیره وسایل سهولت کار ها هر کدام از یک دیگر پیش دستی کرده اند اما چیز های را که استعمال و بکار بردن آن نه تنها جزئی ترین مفاد مادی و معنوی نداشته صرف تحمیل یک عمل اضافی و بی لزوم پنداشته اند قبول نکرده اند و اگر هم جبراً قبولانده شده اند عکس العمل آن برای روزیکه فرا رسد در ذهن شان باقی مانده است . مثلاً تغییر رخصتی هفته از روز جمعه بروز پنجشنبه و دادن سلام به شکل کلاه را از سر بر داشتن رسم اروپا و عوض استفاده از لباس عادی در کار و بار روز مره مخصوصاً دهاقین در دشت ها و کشت زار و محل کار پوشیدن کرتی پتلون نکتائی و کلاه شیو و غیره .

همچنان در مورد رفع حجاب که دفعتاً و بدون کدام ضرورت قبلی اعلان گردید و باز مثال روپوش زنان ترکیه معرفی شد بلیخصوص دران روز هائیکه مشهور بود حکومت جدید ترکیه از اسلام فاصله گرفته و خلافت اسلامی را از میان برده است گرفتن نام ترکیه سبب بروز عکس العمل ها گردیده و اصل موضوع که عبارت از رفع حجاب زنها بود مورد قبول واقع نگردید .

(در منابعیکه بملاحظه رسیده و استفاده بعمل آمد اسمای وکلای لوی جرگه ۱۳۰۷ ینظر نرسید چنانچه در جرگه های دیگر هم اسمای وکلای بعضی جرگه ها بدست آمد و از بعضی جرگه ها نام های نمایندگان بملاحظه نرسید .)

## جرگه بزرگ (لوی جرگه) سال ۱۳۰۹ هـ - ش کابل

بعد از آنکه سلطنت امان الله خان توسط حبیب الله کلکانی مشهور به بچه سقاء معقود کرد حبیب الله کلکانی بحیث پادشاه افغانستان بنام خادم دین رسول الله قدرت را بدست گرفت . در سال ۱۳۰۸ محمد نادر خان سپه سالار و وزیر حریبه امان الله خان که درین وقت سفیر افغانستان در فرانسه بود وارد پشاور شده و از طریق سمت جنوبی (پکتیا) وارد افغانستان شده و بر علیه امیر حبیب الله کلکانی بجنگ پرداخت .

محمد نادر خان بعد از یک سلسله جنگ ها که متضمن پیشرفت و عقب نشینی ها بود در سال ۱۳۰۸ سلطنت امیر حبیب الله را سقوط داده داخل شهر کابل و بحیث پادشاه مملکت اعلان گردید .

از یک طرف امان الله خان مورد نفرت ملت قرار گرفته بود که مردم دیگر او را نمیخواستند و سلطنت امیر حبیب الله کلکانی هم محبوبیت و استحکامی در میان مردم حاصل نکرده بود از جانب دیگر محمد نادر خان به حیث یک شخص نیک و سابقه دار مملکت شهرت داشت و مردم که از جنگ ها و کشمکش های داخلی به تنگ آمده بودند و در رأس مملکت شخصیتی مانند نادر خان را دیدند بزودی به سلطنت او بیعت کردند .

نویسنده کتاب روابط سیاسی افغانستان در نیمه اول قرن بیست ادمک چنین مینویسد: ((و تکه نادر خان داخل کابل گردید علی الفور به سلام خانه رفت و خطابه ای (در حضور یک تعداد مردم) ایراد کرد و در آن اظهار داشت : او به کشور خود محض بغرض نجات آن آمده است . او علاوه کرد کشورم را از دست دزدان حتی اگر به قیمت جانم تمام میشد نجات میدادم ، و نیز گفت که کرد آرزو ندارد پادشاه افغانستان شود . . . . .))

طوریکه در فوق ذکر شد مردم به نادر خان بیعت کردند اما در شهر کابل در میان مردم چیز فهم و تعلیم یافته شایعاتی پخش شده بود که نادر خان

از انگلیسها کمک های مالی دریافت داشته و به معاونت و همدستی آنها به افغانستان آمده است. شایعه گرفتن امداد نقدی و سلاح و مهمات جنگی از انگلیس ها زیاد در سر زبانها بود.

لئوی دوپیری مورخ امریکائی نویسنده کتاب افغانستان میگوید نادر شاه مقدار ده هزار تنگ، پنج میلیون کارتوس و یک صد و هفتاد هزار پوند از برطانیا کمک گرفته بود تا سرحدات را مثل امیر های گذشته در صلح نگهدارد.

نادر خان برای تحکیم سلطنت خود و شکل قانونی دادن به آن در صد و تشکیل لوی جرگه گردید. قبل از تشکیل جرگه امر اعدام امیر حبیب الله کاکلی و بعضی اراکین حکومت او را که قبلا به وساطت یک عده علما و روحانیون باساس یک تعهد نامه تسلیم شده بودند صادر کرد.

فرمان اعدام امیر حبیب الله (بچه سقاء)

ملت عزیز و وفا دار من!

((من به احساسات ملی و وطن دوستی و حمیت و غیرت شما تماس کرده ام شما میخواهید از کسانی که تباهی ملت شما را بار آورده اند انتقام بگیرید. بنا بران من اکنون این ۱۲ نفر را که نزد حکومت من محبوس اند بشما میسپارم. من جمیع پیش رفت ها و عظمت و جلال را برای ملت شجاع و دلاور خود تنها میکنم.))

قبل از صدور این فرمان، بعد از آنکه عفو آنها بمردم اعلان شده بود نامه های شکایت آمیز و تقاضا نامه های امضا شده توسط نمایندگان قبایل مختلف ارسال گردید که اظهار میداشتند ((نادر خان اگر خواسته باشد میتواند آنها را در برابر جنگها و دشمنی ای که با و کرده اند عفو کند مگر نمیتواند در عوض دیگران آنها را به بخشد.))

بنا بران فرمان فوق را صادر کرد.

اسمای اشخاص مذکور حسب آقی یاد داشت شده که بتاریخ ۳۴ عقرب

۱۳۰۸ هـ ش یکجا در پای دیوار شمالی ارگ اعدام گردیدند. (۱)

(۱) روابط سیاسی افغانستان در نیمه اول قرن بیست تالیف ادبک ترجمه پوهاند فاضل.

۱- امیر حبیب الله کاکانی پادشاه وقت مشهور به بچه سقاء .

۲- جنرال محمد صدیق صاحبزاده قوماندان عسکری سمت جنوبی (ولایت پکتیا و پکتیکا) .

۳- سید حسین چهاریکاری نایب السلطنه .

۴- حمید الله برادر امیر حبیب الله معین السلطنه .

۵- صاحبزاده شیر جان خان وزیر دربار .

۶- ملک محسن کاکانی والی کابل .

۷- محمد محفوظ خان (پسر برگد احمدجان الکوژائی) معین وزارت حریه .

۸- منشی غلام قادر خان چنداولی از مردم بیات غزنی سر منشی امیر

امان الله و بعداً سر منشی سید حسین .

۹- غیاث سپه سالار از ماری سرای خواجه .

۱۰- عبدالوکیل سپه سالار خروطی از حسین کوت .

۱۱- محمد جان خان از گوگاه منده .

۱۲- سید محمد کاکانی یاور حضور امیر حبیب الله .

نوت : برعلاوه ۱۲ نفر فوق درلست مند رجه رساله ((امیر حبیب الله خادم

دین رسول الله )) نوشته شاه آقا مجددی اسمای دو نفر خواهر زاده

های امیر حبیب الله بنامهای سکندر و سمندر نیز شامل میباشد .

دو نفر دیگر که در جمله مجوسین بوده و زنده نجات یافتند

عبارت از :

۱- محمد کاظم خان پسر مرحوم صاحبزاده جنرال محمد صدیق خان .

۲- عبدالستار خان صافی کوهستانی .

بعد از یکماهیکه نادر خان به قدرت رسید ده نقطه اساسی طرز العمل

حکومت توسط فرمانی بمقامات حکومتی خبر داده شد .

ده نقطه اساسی طرز العمل حکومت نادر خان :

۱- حکومت مطابق اوامر اسلام و فقه حنفی عمل و اجراءت مینماید .

هیات رئیسۀ شورای ملی و وزارت عدلیه مسئول تدوین و اجراءات قانون اند. یک شعبهٔ امین و اخلاق باید تشکیل گردد. جمیع افغانها از نظر قانون اسلام مساوی اند. احدی نمیتواند امتیاز خاص را در برابر تطبیق آنها داشته باشد. خاتم ها ضرورت به پوشیدن برقع یا نقاب دارند.

۲- تمام افغانها پابند و مقید بقرآن اند که شایسته نخواهد بود تا آنها رشوت یا تحفه را قبول کنند و باید از روی وجدان و ایمان بمردم خود خدمت نمایند. صرف الکول و نوشیدن آن توسط افغانها قطعاً ممنوع است.

۳- برای حفظ استقلال افغانستان تشکیل یک اردوی مجهز به تجهیزات عصری و آخرین نمونه های اسلحه ضروریست. مکتب حربیه باید برای تربیه صاحب منصبان لایق تاسیس یابد.

۴- افغانستان باید بروش افغانیت خاص که امان الله خان اتخاذ نموده بود ادامه دهد و باقدر نهای ممالک جهان روابط خود را برقرار دارد.

۵- اشخاص لایق باید بحیث والیان و روسای دوایر ولایات مقرر شوند و انواع وسایل مخازرات و اطلاعات توسعه و تقویت یابد.

۶- وزارت مالیه محض موظف به وضع و حصول مالیات باشد و مقدار آن از اندازه ایکه قبل ازین تعیین شده است اضافه نشود. باقیاتیکه بخشیده شده و مالیاتیکه وضع گردیده است بحال خود باقی بماند.

۷- تجارت خارجی توسعه یابد و پروژه های آبیاری، معادن، ساختمان خط ریل، توسعهٔ زراعت و فلاحات احداث گردد.

۸- تاسیس تکنالوژی بحیث ضرورت اولی اساسی و تقویه امور دینی و مادی شناخته شده و ضروری دانسته شود و برای دفاع افغانستان بکار رود.

۹ - شورای ملی از نمایندگان مناسب و راست ملت تشکیل یابد.

۱۰ - صدر اعظم توسط پادشاه تعیین گردد، بساختن کابینه ماسور شده و در تعیین

وزرا باو اعتماد شود البته منظوری نهائی از طرف پادشاه بعمل می آید.

طوریکه درسطور گذشته اشاره گردید نادر خان در صدد تشکیل لوی جرگه و تاسیس شورای ملی شد و در سرطان ۹، ۱۳۰۵ هـ ش فرمان ذیل را عنون ملت افغانستان صادر کرد تا نمایندگان باصلاحیتشان رادر لوی جرگه انتخاب و اعزام نمایند.

## اعلان لوی جرگه سال ۱۳۰۹

به خواطر (۱) خلوصیت مظاهر عموم رهایای صاد قانه ام مخفی مباد!

مهمترین نکته ایکه اساس تمام سعادت و برتری و بلندترین وسیله که ترقیات نیک نامی و آرامی یک جامعه را حاوی است، همانا اتحاد روحی و اتفاق فکری یک قوم و یک ملت میباشد. نادراتخاذ راههای صحیح و سعادت و بختیاری خود همه تن کوشش دارند تجربه و تاریخ شاهد است که ملیکه پایه های ترقی و اعتلا را پیموده اند فقط در اثر همین اتحاد فکری و وحدت روحی شان بوده است. بالعکس هر آنقدر زوال و هبوطی که یک ملت را فرا گرفته و سعادتشانرا به شقاوت مبدل کرده از اثر تضاد افکار، اختلاف آرای همان ملت بعمل آمده است.

چون فراهم آوردن وسایل ارتقا و سعادت و ادامه حیات معنوی قوم و ملت از وظایف مهم و تکالیف واجبه حکومت است، می باید حکومت دائماً در تهیه اسباب رفاه و بهبود ملت و مملکت خود بوده فوق العاده کوشان باشد تا آنها را به هر ذریعه که باشد مسعود سازد.

از طرف دیگر مساعدت و اظهار افکار خیر اندیشانه دانش وران وطن و معاضدت و اعطای نظریات سعادت مندانه و خرد مندانه مملکت و پیشنهاد های مفیده عامه افراد حکومت متبوعه تان در پیشرفت مقاصد عالیه و ترقیات مشروعه مملکت از وظایف وجدانی و فرایض ایمانی ملت میباشد.

ازین جهت است که این خیر خواه مملکت و فدائی ملت دائماً به اقتضای آیه کریمه (و شاور هم فی الامور) عزمت فتوکل علی الله در امور مهمه سلطنت و جریانات اساسی حکومت از ملت محبوبم استثاره و از افکار آنها استفاده ورزیده جداً خواستارم تا پایه های حکومت اسلامی علیه افغانستان را به اصول مستحکم شرع انور و مطابق میل و آرزو های بهیخو اهانة وطن بگذارم و دائماً آرزو مندم تا در جریانات اهم امور مملکت و در بدست آوردن وسایل آسایش و سعادت ملت خود آراء قومی را نیز شامل و در برداشتن بارگران سلطنت عالی قدر امکان فکراً و قولاً و عملاً از ملت محبوب و قوم شجاعم معاضدت و مساعدت حاصل نمایم.

چنانچه با اساس همین مفکوره سعادت اندیشانه ام (خط مشی) خودم را

(۱) تاریخ جرگه های ملی، نوشته عبد الله مهربان.

اشاعه و به تعقیب آن یک شورای ملی را اسرو اراده نموده ام ، بر علاوه آن نظر به ابتدای شیرازه بندی رشته های از هم گسیخته مملکت و رفع نقایص و خرابی سابقه وطن و جبیره خسارات و اراده انقلاب و معین نمودن یک راه صحیح و درست جهت اجرا آن آئیه حکومت و سنجیدن اطراف و جوانب سیاست و دریافتن روحیات اساسی قوم و تحصیل دیگر مقاصد عالییه چنان مناسب دانستیم که در ماه سنبله هذا سنه یک جرگه عالییه را از وکلاییکه ملت آنها را انتخاب و تعیین میکند انعقاد دهم و راجع به وظائف فوق الذکر وسائل سعادت اجتماعی و ترقیات عمومی خود به هیئت و حیثیت عمومی مذاکرات و تظاهر افکار بنمائیم و بمطالب عمده غور و مطلب مان را دائماً دران حل و فصل کنیم و از خداوند توانا(ج) در ترقیات مشروعه این مملکت عقب مانده خود استعانت و استمداد جوئیم .

اینک شما ملت محبوبیم را ازین ارادت قلبی خودم که بالنسبه مسعودیت و برتری و ترقیات مطلوبه وطن صفا ما من تان را در نظر دارم توسط این اعلان مطلع ساختم تا در انتخاب وکلای معتمد خود که در مطالب فوق از آنها افاده گرفته شود بمجرد وصول این اعلان آغاز کرده تماماً وکلای تانرا به تعدادیکه نایب الحکومه ها و حکام اعلی و علاقه داران تان بموجب فرامین جداگانه ابلاغ میدارند انتخاب کنید .

باید وکلای منتخبه تان از هر موضع پس از اخذ مخارج سفر خرج خود ها از مراکز نایب الحکومگی ها و حکومتی های اعلی باین چنین یک تاریخی بصوب کابل اعزام شوند که الی دهم ماه سنبله بمركز برسند و به جرگه با دیگر برادران خود شامل شده اعطای افکار و استفاده ورزند .

در خاتمه از خدای برتر امید وارم که این مجلس عالی بموافقت آرای نمایندگان ملت نجیبم نتایج خوشگوارى را پدید آرد و مطالب مهمی را راجع به سعادت حقیقی و نیک بختی وطن محبوب ما آشکار کرده بیک صورت خاطر خواه به فیصله تعالی انجام انعام یابد، محل مهر هما یونی .

### افتتاح لوی جرگه و جریانات آن

با صدور فرمان فوق در حدود ۳۰۱ نفر نمایندگان از سراسر مملکت در لوی جرگه انتخاب و اعزام کابل مرکز افغانستان گردیدند و نخستین جلسه این جرگه بزرگ ملی روز چهارشنبه ۱۸ سنبله ۱۳۰۹ در تالار بزرگ قصر استور



با نطق محمد نادر شاه پادشاه افغانستان افتتاح و به جلسات خود آغاز نمود . نادر خان در بیانیه اش چگونگی آمدنش را بوطن و کمک هائیکه از منابع خارجی گرفته بود و با شایعاتیکه درین مورد بود اظهاراتی کرد . ادسک نویسنده کتاب روابط سیاسی افغانستان در نیمه اول قرن بیست روابط با انگلیس، روس و المان چنین مینویسد : ((نادر شاه در بیانات خود نظر به اتهاماتیکه بر وی شده بود به نمایندگان ملت حمله کرد و از اینکه چگونه توسط قوه های خالص افغانها و کمک افغانهای قبایل به قدرت رسیده بود تشریحات داد. او اعتراف کرد که بیک بار آنهم زمانیکه به قدرت رسیده بود کمک مالی و پولی جمیع منابع را بشمول برطانیا پذیرفته است. مگر این معاونت را بدون کدام تعهدات و وعده های سیاسی اخذ داشته است . نادر شاه اظهار کرد که : ((قبایل جنوبی انکار نمود تا برعلیه بچه سقو از من کمک و طرفداری کنند زیرا آنها عقیده داشتند که من نیت دارم تا باز امان الله خان را بر سر اقتدار آورم)). بنا برآن او مجبور شد تا کمک قبایل آنطرف سر حد برطانیا را بخود جلب کند . گماشته انگلیس حاجی محمد اکبر خان از برطانیا تقاضا کرد تا افغانهای آنطرف سرحد را اجازه دهد که با قوای نادر خان به پیوندند مگر همچو معاونتی منظور نشد)).

نادر شاه شرح مزیدی از کمک های پولی و سلاح هائیکه از برطانیا بدست آورده بود داده اظهار کرد که ((همچو کمک ها را برطانیا بشمول کشور های فرانس و المان کرده بودند . قرضه های خارجی معنی پذیرفتن نفوذ و پالیسی خارجی را ندارد و اعلام داشت که (افغانستان در حفظ موازنه بین قوا سعی میورزد تا در بین قوای هر دو همسایه توازن را برقرار دارد . . . .)).

جرگه مذکور مدت ده روز جلسات خویش را تحت ریاست صدر اعظم محمد هاشم خان که از جانب پادشاه باین مقام موظف شده بود ادامه داد. در موضوعات ذیل تصویبات لازمه بعمل آوردند .

۱ - تصویب لوی جرگه راجع به لایحه انتخابات شورای ملی .

۲ و ۳ - ماده لایحه انتخابات شورای ملی بحضور ما قرائت گردید. با توضیحاتیکه از طرف مجلس دران نموده شد فئاعت ما به صحت آن حاصل آمده اینک از موافقت خود نسبت لایحه مذکور امضاً و امر اجرای آنرا از حکومت عادل

خویش تمنا میکنیم .

۲ - تصویب راجع به وکلای مجالس مشوره ولایات .  
تعداد وکلای مجالس مشوره ولایات و حکومت اعلی و کلان مطابق لایحه منضمه ۹۳ نفر است و صورت انتخابات آنها موافق به انتخابات شورای ملی خواهد بود .

۳ - تصویب راجع به نشان ها و القاب دولت .  
نشان رتبه و القاب در افغانستان لازم است وضع و اجرای آنها را مطابق لوایح مخصوص ایشان تصویب می کنیم .

۴ - تصویب راجع به رنگ بیرق :  
لوان بیرق رسمی افغانستان سیاه ، سرخ و سبز و علامت آنرا محراب و منبر و فیته خوشه گندم تصویب میمائیم . ما این علم را علم مبارک ملی و رسمی خود میدانیم و عهد میکنیم که زیر سایه آن برای دفاع وطن و حفظ شرف و ناموس خود فداکاری خواهیم کرد و الی آخرین دقایق حیات و آخرین افراد خود او را بنظر احترام دیده در حفظ آن جان های خود را نثار میکنیم . (۱)  
(محل امضاء وکلا)

۵ - تصویب در باره استر داد دارائی های امان الله خان به حکومت و رد خواهشات وی .

۱ - بحضور مبارک اعلیحضرت پادشاه معظم غازی !  
والاحضرت صدر اعظم (محمد هاشم خان) تلگرام امان الله خان را که بحضور شما مخابره نموده و سکتویکه به والاحضرت وزیر مختار (سردار شاه ولی خان) در لندن نوشته به مجلس لوی جرگه قرائت فرمودند . درین خواهش و تمنائیکه امان الله خان از اعلیحضرت مینماید ازان بی انصافی های بزرگست که بر زخم های ملت ستم کشیده (که از سؤ رفتار و اعمال آن شاه مخلوع داریم) نمک می باشد و در انظار ملل متمدن خود را مفتضح و رسوا میکند . امان الله خان قبل از آنکه این مطالبه بی جا را از حکومت ما مینمود باید فکر و سنجش میکرد که عین المال نام که در افغانستان موجود بود از کدام سرمایه تشکیل یابد و از کدام آمدنی روز بروز دران می افزود . آیا از رهگذر تجارت

(۱) تاریخ جرگه های ملی ، نوشته عبدالله مهربان .

بود ، از زراعت ، از آمدنی فابریکه صنعت بود . منابع این عین المال چه بود که بعد از دارائی حکومت افغانستان ثروت درجه اول را احراز مینمود مبرهن است که از خزینه جواهر (های) گرانها و اشیائیکه مهم و ذی قیمت ساخته میشد بدست پادشاه بود و بصورتیکه در دنیای امروزه مروج و متداول است اسباب زیب و زینت انائیه خاندان شاهی از دارائی حکومت تشکیل می یافت اما مالک آن ملت بود . اشیای مذکور مال حکومت (و باصطلاح) مال بیت المال مسلمین است . بمناسبت اینکه در افغانستان یک اصول صحیح در دست موجود نبود ، خانواده سلطنتی همه این هستی و دارائی را مایملک خود شمرده عاقبت در ذیل عین المال بشمار آوردند . اعایحضرت امیر شهید که این نکته را بدرستی فهمیده بودند بخود امان الله خان و تمام ماسورین افغانستان که اکثریت فعلاً موجود است معلوم میباشد که این اشیاء و جواهر گرانها را در قید دفتر آورده هر وقت اظهار و بیان مینمود که این مال حکومت افغانستان است و برای پنج روز به اهالی حرم عاریت داده شده آیا امان الله خان که خود کاین کیفیت و حقیقت را میداند به چه صورت این مطلب را به پادشاه و حکومت ما پیشنهاد مینماید .

۲ - باز خود امان الله جائیکه فابریکه و جائیکه منابع حاصل خیز و پرمفعت مملکت بود نام عین المال را بالای آن گذاشته داخل دارائی خود آورد . اگر امان الله خان اینچنین عین المال میخواست ثابت شد که اولین خائن بیت المال مسلمان ها خود امان الله خان بوده اگر دیگران خیانت میکردند به تبعیت اجراء آن خیانت خودش مینمودند .

در حالیکه امان الله خان دوره مسافرت اروپا نموده بود و طلا در کابل باقی نمانده وزارت مالیه شب و روز در خریداری طلا و هندوی (کلدار هندی) صرف مساعی داشت ، پول هنگفتی را بخارج فرستاد که امان الله خان برای افغانستان اسباب ترقی خریداری نماید اما امان الله خان غازی بجای اینکه پول حکومت را بمصارف حقیقی آن که خریداری اسباب ترقی بود برساند پول را در بانک گذاشت . یک اندازه فابریکه هائیکه خریداری نموده بود پول قیمت آنرا نپرداخته به قرض خریداری کرد و ملت عاجز را قرضدار ساخت .

امان الله خان وقتیکه مملکت و حکومت و ناموس ما ملت را بدست سقاوی ها گذاشت جمیع جواهرات و خزاین اندوخته حکومت افغانستان را به

خارج برد. که جراید دنیا در همان موقع تمام وقایع را انتشار داد. حال آنکه امان الله خان در اروپا دارای عمارات متعدد و پول کثیری میباشد و اسهام میخرد و مفاد حاصل میکند از پول کیست ؟

اعلیحضرتا ! ما بشما (از شما) استدعا میکنیم و بحضور شما عرض میداریم که شما وکیل و حافظ حقوق قاطبه ملت افغانستان میباشید آنچه را که از خزینه و فیه حکومت افغانستان امان الله خان غازی در خارج برده و امروز به پول ما عیش و عشرت مینماید از وی مطالبه شود و ما را بحق برسانند .

((امان الله خان را در افغانستان مالک خانه ، زمین و هستی نمیدانیم و بیت المال مسلمین را که بنام عین المال جمع کرده بود چنانچه شما در اول جلوس خود به بیت المال ضمیمه نمودید حقوق خود و مات خود دانسته به امان الله خان میگوئیم)) شما که از ما عین المال مطالبه مینمائید آیا ماخرانه و جبه خانه و تمام دارائی حکومت خود را که خود بردید و مابقی را بدست طبقه جهال و دزد سپردید از کدام اشخاص مطالبه کنیم)) .

آیا نتیجه اعتماد و اعتباریکه ما شما را به پادشاهی خود برگزیده بودیم همین بود که شما حکومت ما را به جماعه قطاع الطریق (ها) سپرده وطن ما را صحنه خون ریزی و انسان کشی نمائید . آیا جناب شما و عایله شما قدر و قیمت داشت یا حیات جامعه که برای سلامت حیات خود حیات جامعه را در خطر انداختید . اگر شما حقیقتاً حقوق شناس میباشید خطبات و بیانات خود را که در میز خطابه و مواقع نطق، خون خود و اولاد خود را بزبان در راه ترقی و تعالی ما میریختاندید بیاد آورده درین حال فقر و پریشانی حکومت ما که آرزوهای خود پسند و نا مشروع شما ما را باین حال گرفتار نمود و از جهت اخراج طلا و جواهر افغانستان که شما خارج کرده اید امروز نرخ پول ما بدرجه صفر افتاده پول ما ملت عاجز را در خارج بعوض قرض ایکه شما برای ما حاصل کرده اید پرداخته باقی آنرا به حکومت متبوع تسلیم کنید تا ثابت کرده باشید که بیانات شما شمه از حقیقت داشت و ما هم بتوانیم برای تأمین حیات آینده خود ثروقی داشته باشیم .

ما ملت عاجز از حق خود گذشته نمیتوانیم و باز به حکومت متبوعه خود پیشنهاد میکنیم بهر ذریعه و وسیله که ممکن است حقوق ما را از

امان الله خان بگيريد . تحرير يکشنبه ۲۲ سنبله ۱۳۰۹)) .  
محل امضای وکلای جرگه

### مکتوب امان الله خان

امان الله خان در سال ۱۹۳۰ م (۱۳۰۹ هـ ش) مکتوبی را در هند بچاپ رسانید و محرمانه آنرا در افغانستان توزیع کرد که دران این تهمت که ثروت زیادی از افغانستان با خود برده و حسابات مخفی در بانک های اروپا باز کرده رد میکرد و نادر خان را به فریب کاری متهم میساخت چنانچه هنگام اغتشاش باو (امان الله خان) اطمینان داده بود که (ما روی عین مرام کار میکنیم تا او بتواند در احراز سلطنت باوی رقابت کند . این مقاله حرکات و فعالیت های نادر خان و برادرانش را مبنی بر همدستی او شان بسا دولت انگلیس بمنظور سقوط دولت امانی و تصاحب تاج و تخت افغانستان شایع نمود . قسمت بیشتر مذاکرات و مباحثات این جرگه پیرامون رد بیانات امان الله علیه نادر خان صورت گرفت طوری که قبلا ذکر شد در پایان جلسه تصویبی علیه امان خان و ادعاهای او صادر شد .

امان الله خان که به نفرت مردم مواجه شده بود و شروع سلطنت نادرخان بود ، لذا نمایندگان بهمان روحیه جرگه های سال ۱۳۰۳ و سال ۱۳۰۷ باز هم نفرت خود را به ، امان الله خان ابراز و سلطنت نادر خان و قانون اساسی او را تصویب کردند و بوسیله همین جرگه سلطنت نادر خان شکل قانونی بخود گرفت .

### اسمای اعضای لوی جرگه سال ۱۳۰۹ هـ ش

اسمای وکلای ولایت کابل و مربوطات آن

- |                              |                 |
|------------------------------|-----------------|
| ۱- حاجی شهنواز خان           | وکیل شهر کابل   |
| ۲- غلام نقشبند خان           | وکیل شهر کابل   |
| ۳- میر آقا ولد میر محمد حسین | وکیل شهر کابل   |
| ۴- میجر غلام خان             | وکیل میدان      |
| ۵- شیر علی خان               | وکیل چهار آسیاب |

- ۶- ملک سمندر  
 ۷- حاجی محمد خان  
 ۸- حاجی محمد شریف  
 ۹- محمد عمر  
 ۱۰- میر عبدالقادر  
 ۱۱- محمد سرور  
 ۱۲- جمعه خان  
 ۱۳- مرزا عبدالغالب  
 ۱۴- خواجہ فیض اللہ  
 ۱۵- محمد اسلم  
 ۱۶- عبدالغفار  
 ۱۷- خال محمد  
 ۱۸- محمد رحیم  
 ۱۹- شہر یار بیگ  
 ۲۰- محمد نسیم  
 ۲۱- محمد افضل  
 ۲۲- سمندر خان  
 ۲۳- کمال الدین  
 ۲۴- میرزا محمد اسلم  
 ۲۵- میر غلام حیدر  
 ۲۶- محمد صدیق  
 ۲۷- حافظ عبدالمجید  
 ۲۸- عبدالحمید خان  
 ۲۹- میرزا محمد خان  
 ۳۰- محمد سرور خان  
 ۳۱- محمد قاسم خان  
 ۳۲- محمد امین خان  
 ۳۳- عبدالرؤف
- وکیل جلریز میدان  
 وکیل حصہ اول و دوم چہار دہی  
 وکیل بیگ توت و پغمان  
 وکیل حصہ اول بتخاک  
 وکیل حصہ دوم بتخاک  
 وکیل علاقہ داری دایمیر داد  
 وکیل خوات  
 وکیل وردک  
 وکیل قریہ جات حکومتی لوگر  
 وکیل چرخ و قرأ شاہ مزار  
 وکیل علاقہ داری محمد آغہ  
 وکیل مرکز حکومتی بامیان  
 وکیل مرکز کہمرد  
 وکیل سیغان  
 وکیل اہالی پنجشیر  
 وکیل جبل السراج  
 وکیل کلکان ، فرزہ و استرغچ  
 وکیل مرکز حکومت کلان شمالی  
 وکیل علاقہ داری شگردہ  
 وکیل استالف  
 وکیل خارج درہ نجراب  
 وکیل درہ کلان نجراب  
 وکیل شغتان  
 وکیل علاقہ داری سفید شیر پنجشیر  
 وکیل مرکز تگاب  
 وکیل غوربند  
 وکیل ریزہ کوهستان  
 وکیل اہالی حکومتی کوهستان

- ۳۴- میرزا افضل خان  
 ۳۵- غلام محی الدین خان  
 ۳۶- ملک شاه سعید خان  
 ۳۷- علی جمعه خان  
 ۳۸- میرزا امیر الدین  
 ۳۹- فیض الله  
 ۴۰- محمد حسن  
 ۴۱- سید زوار خان  
 ۴۲- ملک محمد صدیق خان  
 ۴۳- محمد عسکر خان  
 ۴۴- سید شاه محمود خان  
 ۴۵- شیر علی خان  
 ۴۶- شهاب الدین  
 ۴۷- محمد اکبر  
 ۴۸- میر محمد حسن بیگ  
 ۴۹- ارباب محمد مهدی خان  
 ۵۰- محمد صادق
- وکیل حکومت کلان غزنی  
 وکیل قره باغ غزنی  
 وکیل علاقه داری جغتو  
 وکیل علاقه داری مابستان  
 وکیل حکومتی مقر  
 وکیل ناوه و کیلان مقر  
 وکیل حکومتی بهسود  
 وکیل درویشان بهسود  
 وکیل افغانه کوچی بهسود  
 وکیل علاقه داری دایزنگی  
 وکیل حکومتی یکاولنگ  
 وکیل حکومتی سرخ و پارسا  
 وکیل علاقه داری اندر  
 وکیل حکومتی کلان غزنی  
 وکیل حکومتی دایزنگی  
 وکیل حکومتی دایزنگی  
 وکیل حکومتی دایکنندی

### اسمامی وکلای نائب الحکومه گی قندهار در جرگه سال ۱۳۰۹

- ۵۱- عبدالقیوم خان  
 ۵۲- عبدالوهاب خان  
 ۵۳- حاجی عبدالقیوم خان  
 ۵۴- سید اکرم  
 ۵۵- میرزا علی اکبر  
 ۵۶- لالا حاجی اکو خان  
 ۵۷- حاجی محمد عمر خان  
 ۵۸- جلال خان  
 ۵۹- حاجی شیر دل خان  
 ۶۰- ولی محمد خان
- وکیل مرکز قندهار  
 وکیل مرکز قندهار  
 وکیل مرکز قندهار  
 وکیل مرکز قندهار  
 وکیل مرکز قندهار  
 وکیل مرکز قندهار  
 وکیل مرکز قندهار  
 وکیل مرکز حکومت پشت رود  
 وکیل مرکز کندي  
 وکیل داور

- ۶۱- محمد اکبر خان  
 ۶۲- محمد ایوب خان  
 ۶۳- عبدالله خان  
 ۶۴- عبدالعجیب  
 ۶۵- حاجی عبدالاحد  
 ۶۶- حاجی غلام جان  
 ۶۷- صفدر جنگ  
 ۶۸- گل محمد خان  
 ۶۹- سید محمد عمر  
 ۷۰- محمد عثمان خان  
 ۷۱- عبدالقیوم خان  
 ۷۲- یار محمد خان  
 ۷۳- غلام دستگیر خان  
 ۷۴- محمد فاضل ولد پیر دوست  
 ۷۵- محمد صدیق خان  
 ۷۶- حاجی محمد ایوب  
 ۷۷- آدم خان  
 ۷۸- محمد حکیم  
 ۷۹- حاجی محمد امین  
 ۸۰- عبدالقیوم خان  
 ۸۱- حاجی محمد اعظم  
 ۸۲- محمد سرور  
 ۸۳- حاجی غلام حیدر خان  
 ۸۴- عبدالله خان
- وکیل ترین  
 وکیل کشک نخود  
 وکیل علاقه داری هوتکی قلات  
 وکیل علاقه داری معروف  
 وکیل ترنگ و جلگ  
 وکیل ارغستان  
 وکیل علاقه داری قلعه گز  
 وکیل دامان ذا کر  
 وکیل پنجوائی وزاله خان  
 وکیل حکومتی دهلہ  
 وکیل قلات  
 وکیل گرمسیر  
 وکیل دھراوود  
 وکیل . . . .  
 وکیل علاقه داری ناوہ  
 بارک زائی  
 وکیل نوزاد  
 وکیل قلعه گز  
 وکیل قلعه بست  
 وکیل پشت رود  
 وکیل شین غورک  
 وکیل خا کریز  
 وکیل شورا بک  
 وکیل ارغنداب  
 وکیل مرکز قندهار

اسمای وکلای نائب الحکومہ گی ہرات و مربوطات آن

درلوی جرگہ سال ۱۳۰۹

وکیل علاقه داری جوند

۸۵- علی نظر خان



وکیل بلوک کمران  
 وکیل کوهسان  
 وکیل تولک  
 وکیل انار دره  
 وکیل علاقه داری کراچہ  
 وکیل فرس  
 وکیل بلوک گذرہ  
 وکیل علاقه ادوان تیزان  
 وکیل فراہ رود  
 وکیل حکومتی غوریان  
 وکیل علاقه داری بلوک انجیل  
 وکیل پشابند غور  
 وکیل مرکز حکومتی غور  
 وکیل علاقه داری گلران  
 وکیل بلوک افشان  
 وکیل حکومتی کشک  
 وکیل اسفزار  
 وکیل اسفزار  
 وکیل الوجان تیک  
 وکیل شهر هرات  
 وکیل شهر هرات  
 وکیل شهر هرات  
 وکیل حکومتی سرغاب  
 وکیل چخچران  
 وکیل علاقه داری قادس  
 وکیل حکومتی شهرک  
 وکیل علاقه داری اوبہ  
 وکیل علاقه داری جوی نو

۸۶- ملا محمد معصوم  
 ۸۷- حاجی مهر دل خان  
 ۸۸- ملا سید محمد خان  
 ۸۹- محمد یسین خان  
 ۹۰- عبداللہ خان  
 ۹۱- ملا غلام محمد خان  
 ۹۲- محمد شریف خان  
 ۹۳- جلال الدین خان  
 ۹۴- سید محمد خان  
 ۹۵- محمد ابراہیم  
 ۹۶- میرزا سید محمد خان  
 ۹۷- محمد کریم خان  
 ۹۸- سید عبدالوہاب  
 ۹۹- سلطان محمد خان  
 ۱۰۰- محمد نادر خان  
 ۱۰۱- دین محمد خان  
 ۱۰۲- محمد اعظم خان  
 ۱۰۳- سید احمد خان  
 ۱۰۴- محمد یوسف خان  
 ۱۰۵- قاضی غلام نبی  
 ۱۰۶- حافظ ملا فخر الدین  
 ۱۰۷- شیخ محمد امین  
 ۱۰۸- عبدالوہاب  
 ۱۰۹- ملا داد بیگ  
 ۱۱۰- حاجی محی الدین خان  
 ۱۱۱- ملا صالح محمد  
 ۱۱۲- نصر الدین خان  
 ۱۱۳- محمد افضل خان

وکیل نایب الحکومه گی هرات

” ” ”

” ” ”

وکیل حکومت غوریان

وکیل علاقه داری کرخ

وکیل علاقه داری شافلان

۱۱۴- حاجی عبدالحق

۱۱۵- محمد ایوب خان

۱۱۶- در ویزه خان

۱۱۷- ملا موسی خان

۱۱۸- شیر علیخان

۱۱۹- حاجی شاه سعید

## اسمای وکلای نایب الحکومه گی مزار شریف و هربرطات

### آن در لوی جرگه سال ۱۳۰۹

وکیل مزار شریف

وکیل مزار شریف

وکیل مزار شریف

وکیل مزار شریف

وکیل اوزبکیه سر بل

وکیل افغانه سر پیل

وکیل کوهستان سر پیل

وکیل حکومتی سنگ چارک

وکیل بلخاب

وکیل تاشقرغان

وکیل تاشقرغان

وکیل تاشقرغان مشهور به داملای

عرب که به فتوای او مردم

ولایت مزار شریف و اطراف آن

در سال ۱۳۰۸ موقع تجاوز روسها قیام

و جهاد کردند. این عالم مشهور و

غازی درین جهاد علیه روسها تسهیلات

زیادگی به مجاهدین فراهم کرد.

وکیل ایبک

۱۲۰- حاجی محمد شریف

۱۲۱- سید حسین خان

۱۲۲- ایشان محمد صدیق

۱۲۳- ملا عبدالرحمن

۱۲۴- میرزا عبدالاحد

۱۲۵- طوره خان

۱۲۶- سید کریم

۱۲۷- سید یعقوب خان

۱۲۸- میرزا غلام شاه

۱۲۹- محمد ابراهیم خان

۱۳۰- داکتر شیر احمد

۱۳۱- ملا آدینه محمد

۱۳۲- میرزا مراد خان

- ۱۳۳- سید عبدالعزیز خان  
 ۱۳۴- سید کمال الدین خان  
 ۱۳۵- ملا عبدالوهاب خان  
 ۱۳۶- خال بای  
 ۱۳۷- آستانه قل  
 ۱۳۸- یوسف علی خان  
 ۱۳۹- ملا حبیب الله  
 ۱۴۰- حاجی طوره خان  
 ۱۴۱- محمد ایوب خان  
 ۱۴۲- ملا رحمت الله  
 ۱۴۳- عیسی قلی  
 ۱۴۴- روزی بای  
 ۱۴۵- محمد شاه  
 ۱۴۶- ملا سید نظر خان  
 ۱۴۷- عبدالصمد  
 ۱۴۸- حاجی عبدالله  
 ۱۴۹- میرزا محمد یعقوب خان
- وکیل آقچه  
 وکیل آقچه  
 وکیل حکومتی شبرغان  
 وکیل حکومتی شبرغان  
 وکیل علاقه داری چار کنت  
 وکیل علاقه داری دوآب  
 وکیل علاقه داری دوآب  
 وکیل چهاردهنهر حکومتی بلخ  
 وکیل شهر فیض آباد  
 وکیل فیض آباد  
 وکیل علاقه داری قرقین  
 وکیل شهر دولت آباد  
 وکیل شهر دولت آباد  
 وکیل علاقه داری شورتهپه  
 وکیل دره صوف  
 وکیل علاقه داری کشنده  
 وکیل علاقه داری بوبنی قره
- اسمای وکلای نائب الحکومه گی ولایت قطغن و بدخشان  
 و مربوطات آن در لوی جرگه سال ۱۳۰۹

- ۱۵۰- نظر محمد  
 ۱۵۱- حاجی سلطان رضا  
 ۱۵۲- رستم بیگ  
 ۱۵۳- خالقداد  
 ۱۵۴- جلدش بای (۱)  
 ۱۵۵- دوست محمد
- وکیل حکومت کلان بدخشان  
 وکیل ده ویران، خان آباد  
 وکیل حکومت کلان بدخشان  
 وکیل خان آباد  
 وکیل علاقه داری ینگی قلعه  
 وکیل خان آباد

(۱) در سال ۱۳۰۹ هـ ش باثر اشتباهی در قریبه عیبهالنظر بیگ جلگه در باغ خودش باسر ابراهیم بیگ اعدام گردیده

وکیل علاقه داری راغ بدخشان  
 وکیل بیخ دهنه غوری  
 وکیل حکومتی جرم و خاش  
 وکیل اندراب  
 وکیل علاقه داری چال  
 وکیل تاله و برنگ  
 وکیل بغلان  
 وکیل فرخار  
 وکیل کشم  
 وکیل حضرت امام  
 وکیل (علاقه داری) کندز  
 وکیل علاقه داری شهر بزرگ  
 وکیل نهرین  
 وکیل دوشی  
 وکیل خوست و فرنگ  
 وکیل حوض شاه (درواز)  
 وکیل زیباک  
 وکیل مرکز حکومتی درواز  
 وکیل شغنان  
 وکیل حکومتی واخان

۱۵۶- محمد اکبر خان  
 ۱۵۷- شمس الدین خان  
 ۱۵۸- ملا سید عبدالقیوم  
 ۱۵۹- میرزا رحمت الله  
 ۱۶۰- شیر محمد  
 ۱۶۱- فضل احمد  
 ۱۶۲- ملا محمد  
 ۱۶۳- ملا عبدالعزیز  
 ۱۶۴- صقر محمد  
 ۱۶۵- ملا نور محمد  
 ۱۶۶- محمد اکرم  
 ۱۶۷- فتح الله  
 ۱۶۸- میرزا احمد  
 ۱۶۹- سید نصر الدین  
 ۱۷۰- میر محمد عمر  
 ۱۷۱- میر جان  
 ۱۷۲- سلطان علی خان  
 ۱۷۳- میرزا عیدالمومن  
 ۱۷۴- سنجر خان  
 ۱۷۵- سر بلند خان

### اسمای وکلای حکومت اعلیٰ شرقی و مربوطات آن در لوی

جرگه سال ۱۳۰۹

وکیل اقوام معروف خیل حصارک  
 وکیل اقوام جبار خیل حصارک  
 وکیل خربون خوگیانی  
 وکیل شیر زاد خوگیانی  
 وکیل وزیر خوگیانی

۱۷۶- شیرین خان  
 ۱۷۷- محمد صدیق خان  
 ۱۷۸- میرزا محمد خان  
 ۱۷۹- محمد ارسلاح  
 ۱۸۰- ملک شمس الدین

- ۱۸۱- محمد صدیق خان  
 ۱۸۲- سید محمد اکرم  
 ۱۸۳- سید زمان  
 ۱۸۴- میرزا کریم  
 ۱۸۵- ملک شهنواز  
 ۱۸۶- ملا عبدالله  
 ۱۸۷- ملا گل محمد اخند زاده  
 ۱۸۸- عقل میر  
 ۱۸۹- غلام محمد خان  
 ۱۹۰- حاجی میرزا محمد نسیم  
 ۱۹۱- ملا عبدالغفور  
 ۱۹۲- ملا محمد جان  
 ۱۹۳- سیرزا حمید الله  
 ۱۹۴- قاضی گلاب شاه  
 ۱۹۵- شیر علیخان  
 ۱۹۶- ملا محمد معظم  
 ۱۹۷- احمد جان خان  
 ۱۹۸- ملک میران  
 ۱۹۹- ملا فقیر محمد  
 ۲۰۰- عتیق الله  
 ۲۰۱- درویش  
 ۲۰۲- حسن خان  
 ۲۰۳- محمد حسین  
 ۲۰۴- سید عبدالغفار  
 ۲۰۵- محمد هارون
- وکیل شیر زاد خوگیانی  
 وکیل چپر هار  
 وکیل حصارک مزینہ  
 وکیل رودات  
 وکیل نازیان شنوار  
 وکیل علاقہ داری ده بالا شنوار  
 وکیل عبدالرحیم خیل شنوار  
 وکیل عبدالرحیم خیل شنوار  
 وکیل سرخرود  
 وکیل قریہ میرزایان  
 وکیل کامہ  
 وکیل لعل پور و دکہ  
 وکیل اقوام بتی کوت  
 وکیل کوکوران و حسن خیل  
 وکیل مرکز حکومتی لغمان  
 وکیل قریہ جات گنج گل و  
 سرکانی تعلقہ کٹر خاص  
 وکیل علاقہ داری جرگہ میانہ  
 لغمان  
 وکیل کٹرخاص  
 وکیل حکومت کلان اسمار  
 وکیل حکومت کلان اسمار  
 وکیل حکومت کلان اسمار  
 وکیل چغہ سرای حکومت اسمار  
 وکیل حکومت درہ پیچ  
 وکیل علاقہ داری درہ علیشنگ  
 وکیل قریہ جات علاقہ داری  
 چکمہ مینار لغمان

وکیل مرکز حکومتی لغمان  
 وکیل درهٔ علینگر  
 وکیل شیوه و شیگی  
 وکیل تاجیک و صافی نور گل  
 وکیل تاجیک صافی درهٔ نور  
 وکیل درهٔ پیچ  
 وکیل اقوام صافی درهٔ پیچ  
 وکیل مرکز جلال آباد  
 وکیل سلام زانی اسمار  
 وکیل مشوانی  
 وکیل درهٔ سند  
 وکیل نورستان لغمان  
 وکیل حکومتی نورستان  
 وکیل حکومتی نورستان

### اسمای وکلای حکومت اعلیٰ جنوبی و مربوطات آن در لوی جرگهٔ سال ۱۳۰۹

وکیل اهالی احمد زی  
 وکیل تصور خیل احمد زی  
 وکیل جندی خیل احمد زی  
 وکیل مارو خیل احمد زی  
 وکیل طوطی خیل  
 وکیل اقوام خندی خیل طوطی  
 خیل  
 وکیل خوشحال خیل طوطی خیل  
 وکیل احمد دین خیل و و  
 وکیل یوسف خیل سهاک زرمست  
 وکیل سهاک زرمست  
 وکیل یوسف خیل زرمست

۲۰۶- حبیب الرحمن  
 ۲۰۷- سید شریف  
 ۲۰۸- سید عبدالواحد  
 ۲۰۹- گل محمد  
 ۲۱۰- عبدالله  
 ۲۱۱- سلطان محمد  
 ۲۱۲- ایشان جان  
 ۲۱۳- میرزا محمد رفیق  
 ۲۱۴- سعد الله  
 ۲۱۵- سید امان  
 ۲۱۶- ملک یوسف  
 ۲۱۷- نور محمد  
 ۲۱۸- عبدالغفور خان  
 ۱۱۹- محمد یار

۲۲۰- محمد حکیم خان  
 ۲۲۱- ملک نظر محمد خان  
 ۲۲۲- ملک عبدالرحمن  
 ۲۲۳- ملک آزاد خان  
 ۲۲۴- سلطان گل  
 ۲۲۵- صاحب جان  
 ۲۲۶- ملک امیر محمد  
 ۲۲۷- جلال الدین خان  
 ۲۲۸- ملک عبدالکریم  
 ۲۲۹- ملک محمد اسلم  
 ۲۳۰- ملک غلام محمد

- وکیل تاجیکه زرمت  
 وکیل لوئی جنده خیل  
 وکیل دولت زائی جنده خیل  
 وکیل هاشم خیل حاجی  
 وکیل موسی خیل منگل  
 وکیل میرزکه منگل  
 وکیل جلوزائی و جانی خیل منگل  
 وکیل جانی خیل منگل  
 وکیل چمکنی  
 وکیل مقبل  
 وکیل چمکنی  
 وکیل چمکنی  
 وکیل بیا خیل خُدران  
 وکیل پرزئی خُدران  
 وکیل تسی خوست  
 وکیل یعقوبی خوست  
 وکیل سنگ خوست  
 وکیل اقوام لکن خوست  
 وکیل متود کنندی خوست  
 ” ” ” ”  
 وکیل گربز ”  
 وکیل اسمیل خیل خوست  
 وکیل مندوزائی خوست  
 وکیل تا تَدین و هارون  
 وکیل شمل خوست  
 وکیل کمکی خوست
- ۲۳۱- محمد اکبر خان  
 ۲۳۲- صاحب خان  
 ۲۳۳- علیخان  
 ۲۳۴- ملک خان محمد  
 ۲۳۵- جان ولی خان  
 ۲۳۶- شخان  
 ۲۳۷- معاذ الله  
 ۲۳۸- ملک پرگل  
 ۲۳۹- محمد ایوب  
 ۴۴۰- سلطان محمد  
 ۲۴۱- محمد گل  
 ۲۴۲- عزیز خان  
 ۲۴۳- عالم خان  
 ۲۴۴- ملک سنگین  
 ۲۴۵- حاجی محمد  
 ۲۴۶- ملک صاحب  
 ۲۴۷- ملک عجب نور  
 ۲۴۸- حسین شاه  
 ۲۴۹- دین محمد  
 ۲۵۰- میرزا محمد  
 ۲۵۱- ملک بلند خان  
 ۲۵۲- ملک اسلم خان  
 ۲۵۳- حکیم شاه  
 ۲۵۴- ملک رحیم  
 ۲۵۵- ملک گل محمد  
 ۲۵۶- علی جان

وکیل پاک خوست	۲۵۷- محمد هاشم
وکیل نیازی وغیره اقوام کوچی	۲۵۸- محمد یعقوب
وکیل شرن حکومتی کتواز	۲۵۹- شاه خان
وکیل سلیمان خیل	۲۶۰- بهاول خان
وکیل حکومتی کتواز	۲۶۱- صاحب جان
وکیل حکومتی کتواز	۲۶۲- علی محمد
وکیل تاجیکه ارگون	۲۶۳- ملا نظر محمد
وکیل تاجیکه ارگین	۲۶۴- ملا عبدالحکیم
وکیل حُدران ارگون	۲۶۵- ملک اختر محمد
وکیل خروقی ارگون	۲۶۶- خوشدل خان
وکیل پاک خوست	۲۶۷- نور محمد
وکیل گردیز	۲۶۸- دین محمد
” ”	۲۶۹- مند خان
وکیل زرمت	۲۷۰- جان محمد
وکیل زرمت	۲۷۱- خان شیرین
وکیل جانی خیل	۲۷۲- حسین

### اسمای وکلای حکومت اعلای فراه و چخانسور در لوی جرگه سال ۱۳۰۹

وکیل اهالی چخانسور	۲۷۳- یار محمد
وکیل مرکز حکومتی فراه	۲۷۴- محمد اسلم
” ” ” ”	۲۷۵- سید محمد
وکیل علاقه داری قلعه فتح	۲۷۶- یار محمد
وکیل اصل چخانسور	۲۷۷- میرزا محمد عظیم خان
وکیل کوهستان گلستان	۲۷۸- عبدالقدوش خان
وکیل کوچی بکواه	۲۷۹- عبدالغفار
وکیل بکواه خا شرود	۲۸۰- شهاب الدین
وکیل لاش جوین	۲۸۱- غلام محمد
وکیل کوچی مرکز فراه	۲۸۲- عبدالبصیر



وکیل کوچی مرکز فراه	۲۸۳- محمد جان
وکیل کوچی مرکز فراه	۲۸۴- محمدعظیم
وکیل حکومتی چخانسور	۲۸۵- غلام محمد
وکیل چهار برجک	۲۸۶- عطا محمد

### اسمای وکلای حکومت اعلی میمنه در لوی جرگه سال ۱۳۰۹

وکیل در زاب گرزویان	۲۸۷- ملا طوره خان
وکیل اندخوی	۲۸۸- امان گل چک باشی
وکیل اندخوی	۲۸۹- امام گندی بای
وکیل اندخوی	۲۹۰- محمد ولی
وکیل مرکز میمنه	۲۹۱- ملا عبدالرحیم
وکیل مرکز میمنه	۲۹۲- سید قربان خان
وکیل علاقه داری بیرون سونه (پشتون کوت)	۲۹۳- ملا کمال خان
وکیل شیرین تگاب	۲۹۴- سید خیر الله
وکیل بندر کوهستان	۲۹۵- حاجی کریمداد
وکیل مالدار المار و قیصار	۲۹۶- طوره خان
وکیل علاقه داری غلزائی قیصار	۲۹۷- محمد سعید بیگ
وکیل قیصار	۲۹۸- محمد امان بیگ
وکیل دولت آباد	۲۹۹- ایشان قل

بر علاوه وکلا و نمایندگان ملت - وزراء و مامورین عالی رتبه دولت و نمایندگان سیاسی دول خارج در افغانستان نیز درین جرگه شرکت داشتند که اسمای شان قرار ذیل است :

پادشاه افغانستان	۳۰۰- اعیحضرت محمد نادر شاه
صدر اعظم	۳۰۱- محمد هاشم خان
سپه سالار و وزیر حربیه	۳۰۲- شاه محمود خان
وزیر خارجه	۳۰۳- فیض محمد خان
وزیر داخله	۳۰۴- محمد گل خان

- ۳۰۵- حضرت فضل عمر صاحب  
مجددی نور المشانح
- ۳۰۶- میرزا محمد ایوب خان
- ۳۰۷- علی محمد خان
- ۳۰۸- میرزا محمد اکبر خان
- ۳۰۹- عبدالاحد خان
- ۳۱۰- احمد شاه خان
- ۳۱۱- محمد نوروز
- ۳۱۲- محمد اکبر خان
- ۳۱۳- سردار اسد الله
- ۳۱۴- سید شریف خان
- ۳۱۵- محمد سرور خان
- ۳۱۶- عبدالریم خان
- ۳۱۷- یار محمد خان
- ۳۱۸- یار محمد خان
- ۳۱۹- محمد هاشم
- ۳۲۰- محمد شاه
- ۳۲۱- علی شاه خان
- ۳۲۲- محمد عمر خان
- ۳۲۳- جان باز خان
- ۳۲۴- زلمی
- ۳۲۶- زر خان وزیر
- ۳۲۶- احمد شناه خان
- ۳۲۷- باز محمد خان
- ۳۲۸- میرزا محمد خان (یفتلی)
- ۳۲۹- شیر احمد خان
- ۳۳۰- سلطان احمد خان
- ۳۳۱- غلام یحیی خان
- وزیر عدلیه
- وزیر مالیه
- وزیر معارف
- وزیر تجارت
- رئیس شوری
- وزیر دربار طبیه
- سرمنشی حضور اعلیٰ حضرت
- مدیر مستقله طبیه
- فرقه مشر سر سروس حضور
- سر یاور حربی حضور
- وکیل ولایت کابل
- مشاور صدارت
- رئیس ضبط احوالات
- مدیر اول تحریرات صدارت
- مدیر دوم تحریرات صدارت
- مدیر سوم تحریرات صدارت
- معین وزارت حربیه
- رئیس ارکان حربیه عمومی
- نائب سالار (قومی)
- نائب سالار (قومی)
- نائب سالار (قومی)
- فرقه مشر
- مدیر اوراق تحریرات صدارت
- معین وزارت خارجه
- سفیر کبیر افغانی در تهران
- سفیر کبیر افغانی در انقره
- مدیر عمومی سیاسی وزارت خارجه

- ۳۳۲- غلام غوث خان  
 ۳۳۳- غلام جیلانی خان  
 ۳۳۴- سلطان محمد خان  
 ۳۳۵- صلاح الدین خان  
 ۳۳۶- عبدالصمد خان  
 ۳۳۷- محمد ابراهیم خان  
 ۳۳۸- حفیظ الله خان  
 ۳۳۹- عبدالغفار  
 ۳۴۰- محمد یونس خان  
 ۳۴۱- محمد شقیع  
 ۳۴۲- آدم خان  
 ۳۴۳- غلام ناروق خان  
 ۳۴۴- نیک محمد خان  
 ۳۴۵- خیر محمد خان  
 ۳۴۶- خدا داد خان  
 ۳۴۷- غلام محی الدین  
 ۳۴۸- سعدالدین خان  
 ۳۴۹- میرزا بدر الدین  
 ۳۵۰- شاه محمد خان  
 ۳۵۱- شاه محمد خان  
 ۳۵۲- فضل احمد خان  
 ۳۵۳- امین الله خان  
 ۳۵۴- قضیلت ماب مولوی عبدالرب رئیس تمیز  
 ۳۵۵- قضیلت ماب ( - - - - ) عضو اول تمیز  
 ۳۵۶- میرزا محمد میر  
 ۳۵۷- میرزا عبدالسلام  
 ۳۵۸- قضیلت همراه ملا بزرگ صاحب رئیس جمعیت العلماء وزارت عدلیہ  
 ۳۵۹- قضیلت همراه مولوی عبدالعلی عضو جمعیت العلماء وزارت عدلیہ
- مدیر عمومی اداری وزارت خارجه  
 مستشار سفارت افغانی در ماسکو  
 مدیر عمومی تشریفات وزارت خارجه  
 مدیر عمومی مطبوعات وزارت خارجه  
 مدیر دول غرب وزارت خارجه  
 مدیر عمومی مامورین وزارت خارجه  
 مدیر محاسبه وزارت خارجه  
 مدیر اوراق وزارت خارجه  
 سر کاتب ویژه و قونسل گری  
 مدیر عمومی دول شرقیه  
 معین اول وزارت داخله  
 معین دوم وزارت داخله (بعداً وزیر داخله)  
 معین سوم وزارت داخله  
 معین چهارم وزارت داخله  
 مدیر مامورین وزارت داخله  
 مدیر سرحدات وزارت داخله  
 مدیر معایر وزارت داخله  
 مدیر محاسبه وزارت داخله  
 کفیل مدیریت عمومی پولیس  
 حاکم لوگر  
 معین وزارت عدلیہ  
 رئیس اصلاحیہ  
 رئیس تمیز  
 عضو اول تمیز  
 مدیر مامورین وزارت عدلیہ  
 مدیر تحریرات وزارت عدلیہ

عضو جمعیت العلماء وزارت عدلیہ	۳۶۰ - ملا عبدالحمید
عضو جمعیت العلماء	۳۶۱ - ملا محمد محسن
عضو جمعیت العلماء	۳۶۲ - مولوی عبدالحی
عضو جمعیت العلماء	۳۶۳ - ملا سید محمد
عضو جمعیت العلماء	۳۶۴ - ملا عبداللہ
” ” ”	۳۶۵ - مولوی محمد قاسم
” ” ”	۳۶۶ - مولوی عبدالواحد
” ” ”	۳۶۷ - ملا دین محمد
” ” ”	۳۶۸ - مولوی محمد عثمان
” ” ”	۳۶۹ - مولوی عبداللہ
” ” ”	۳۷۰ - مولوی سلیمان قل
” ” ”	۳۷۱ - مولوی غلام حیدر
” ” ”	۳۷۲ - میان عبداللہ
” ” ”	۳۷۳ - ملا عبدالباقی
” ” ”	۳۷۴ - ملا محمد بہرام
” ” ”	۳۷۵ - ملا عبدالکریم
” ” ”	۳۷۷ - مولوی فضل ربی
” ” ”	۳۷۸ - مولوی عبدالقدوس
منشی جمعیت العلماء	۳۸۹ - میر غلام
” ” ”	۳۸۰ - جناب حضرت فضل عثمان
” ” ”	۳۸۱ - عالیجاہ نور الدین
” ” ”	۳۸۲ - عالیجاہ گل محمد
عضو تہذیب	۳۸۳ - فضیلت ماب مولوی حفیظ اللہ
مہین وزارت مالیہ	۳۸۴ - میرزا محمد حسین
رئیس مطابع	۳۸۵ - صوفی عبدالحمید
معاون ریاست مطابع	۳۸۶ - سید محمد ایشان
مدیر محاسبہ وزارت مالیہ	۳۸۷ - میرزا محمد اسلم

مدیر بودجه وزارت مالیه  
 مدیر محاسبه ریاست مطابع  
 مدیر (۰۰ - ۰۰۰) وزارت مالیه  
 مدیر تحقیق و تصفیہ وزارت مالیه  
 خطاط ریاست مطابع (خطاط شهیر عالم  
 و دلسوز جامعه بود)  
 خزانه دار ریاست مطابع  
 معین وزارت معارف  
 معاون ریاست دارالتاء لیف  
 مدیر تفتیش وزارت معارف  
 مدیر تنظیمات وزارت معارف  
 مدیر مکتب استقلال  
 رئیس مکتب دارالعلوم عربی  
 وکیل مدیر مکتب حبیبیہ  
 مدیر مکتب صنایع  
 مدیر دارالمعلمین  
 معاون مکتب امانیہ  
 معاون مکتب امانیہ  
 مدیر موزہ و حفريات  
 مدیر تحریرات وزارت معارف  
 معین وزارت تجارت  
 رئیس پنجات  
 مدیر گمرکات  
 مدیر زراعت وزارت تجارت  
 مدیر ماسورین وزارت تجارت  
 سر کاتب وزارت تجارت  
 سر کاتب وزارت تجارت

۳۸۸- میرزا عزیز الله  
 ۳۸۹- میرزا محمد ہاشم  
 ۳۹۰- میرزا محمد افضل  
 ۳۹۱- میرزا عبدالحکیم  
 ۳۹۲- سید محمد داؤد الحسینی  
 ۳۹۳- محمد سرور  
 ۳۹۴- میر سید قاسم خان  
 ۳۹۵- ہاشم شایق  
 ۳۹۶- عزیز الرحمن خان  
 ۳۹۷- میرزا عبداللہ  
 ۳۹۸- فتح محمد خان  
 ۳۹۹- عبدالرسول خان  
 ۴۰۰- محمد نبی خان  
 ۴۰۱- پرو قیسور غلام محمد  
 ۴۰۲- غلام فاروق  
 ۴۰۳- محمد حسین  
 ۴۰۴- محمد ایوب خان  
 ۴۰۵- محمد رضاء  
 ۴۰۶- میرزا محمد قاسم  
 ۴۰۷- محمد حسین  
 ۴۰۸- غلام حیدر خان  
 ۴۰۹- عبدالقیوم  
 ۴۱۰- حاجی محمد اکبر  
 ۴۱۱- جان محمد  
 ۴۱۲- محمد ضیاء الدین  
 ۴۱۳- محمد عنایت اللہ

ترجمان وزارت تجارت	۴۱۴- عبدالمجید
متخصص وزارت تجارت	۴۱۵- سید کریم
متخصص وزارت تجارت	۴۱۶- نور احمد
۳۰	۴۱۷- محمد یوسف
۳۱	۴۱۸- پر دل خان
معین ریاست شورا	۴۱۹- سردار محمد سرور
عضو ریاست شورا	۴۲۰- جرنیل عبدالرحیم خان
۳۲	۴۲۱- حاجی میرزا محمد
۳۳	۴۲۲- حاجی میرزا عبدالرحیم
۳۴	۴۲۳- حاجی عزیز احمد
۳۵	۴۲۴- میرزا عبدالواحد
عضو منتخبہ شورا	۴۲۵- میرزا یوسف علیخان
۳۶	۴۲۶- حاجی عبدالغفار خان
۳۷	۴۲۷- ملا محمد تذیر
۳۸	۴۲۸- ملا روشنل
۳۹	۴۲۹- غلام نقشبند
۴۰	۴۳۰- خان آقا
۴۱	۴۳۱- شیر محمد
۴۲	۴۳۲- محمد امان
۴۳	۴۳۳- میرزا امین اللہ
۴۴	۴۳۴- جلال الدین
۴۵	۴۳۵- معاذ اللہ
۴۶	۴۳۶- سراج الدین
۴۷	۴۳۷- ملا یزدان قل
۴۸	۴۳۸- ملا امیر محمد

عضو منتخبہ شورا	۴۳۹- ملا محمد یوسف
” ” ”	۴۴۰- وزیر محمد
” ” ”	۴۴۱- ابو الخیر
” ” ”	۴۴۲- میرزا عبدالواحد
” ” ”	۴۴۳- فقیر محمد
” ” ”	۴۴۴- میرزا محمد انور
” ” ”	۴۴۵- عطا محمد
” ” ”	۴۴۶- جان محمد
” ” ”	۴۴۷- عبدالودود
” ” ”	۴۴۸- عبدالرشید
عضو ریاست شورا	۴۴۹- حافظ عبدالغفار
سر کاتب شفاخانہ ملکی مدیریت	۴۵۰- عبدالغفار
مستقلہ طبیہ	
معین وزارت دربار	۴۵۱- محمد حیدر خان
مصاحب حضور	۴۵۲- حاجی محمد نواب
مدیر محاسبہ وزارت دربار	۴۵۳- عبدالوہاب خان
عضو منتخبہ شورا	۴۵۴- میرزا شیر محمد
مدیر تحریرات وزارت دربار	۴۵۵- عبدالرحیم خان
معاون تشریفات دربار	۴۵۶- جمعہ خان
معاون مامورین وزارت دربار	۴۵۷- اکرم خان
دہ باشی پیش خدمت ہا	۴۵۸- عبدالصمد
معاون پیش خدمت ہا	۴۵۹- محمد علم
معاون پیش خدمت ہا	۴۶۰- محمد اسماعیل
پیش خدمت	۴۶۱- محمد اسلم
آبدار	۴۶۲- میر احمد
متخصص ماشین بکر الصوت	۴۶۳- عطا اللہ
متخصص ماشین بکر الصوت	۴۶۴- عطا اللہ

- ۴۶۵- عالیجاه عزت و شجاعت همراه وکیل یاور حضور  
سید عبدالله
- ۴۶۶- عبدالکریم خان  
مدیر محاسبہ
- ۴۶۷- غلام محی الدین  
مدیر جشن
- ۴۶۸- عبدالغیاث  
مدیر تعمیرات
- ۴۶۹- خیر محمد  
مدیر فابریکہ گوگرد سازی
- ۴۷۰- میرزا محمد علی  
وکیل مدیریت تحریرات
- ۴۷۱- محمد یونس  
مدیر دائرہ مهندسی
- ۴۷۲- شجاعت همراه شیر محمد  
یاور حربی
- ۴۷۳- شجاعت همراه محمد صفر  
(یاور حربی مرحوم با تعداد اعضای خانواده  
شان در محبس پلچرخ پی دست کمونستہا  
شہید شدند)
- ۴۷۴- سلطان احمد  
یاور حربی
- ۴۷۵- فیض محمد  
یاور حربی
- ۴۷۶- حافظ نور محمد  
مدیر شعبہ اول دارالتحریر شاہی
- ۴۷۷- عبدالاحمد  
مدیر شعبہ دوم دارالتحریر شاہی
- ۴۷۸- مولوی برہان الدین کشکی  
بعداً معین معارف
- ۴۷۹- محمد سرور  
مدیر شعبہ سوم دارالتحریر شاہی
- ۴۸۰- محمد مرید  
سر کاتب شعبہ سوم
- ۴۸۱- غلام قادر  
کاتب شعبہ اول
- ۴۸۲- سید اسحق  
کاتب شعبہ دوم
- ۴۸۳- سید حبیب اللہ  
کاتب شعبہ چہارم
- ۴۸۴- عبدالجمیل  
مستوفی ولایت کابل
- ۴۸۵- طورہ باز خان  
قوماندان کوتوالی ولایت کابل
- ۴۸۶- اسلام الدین  
سر مامور قوماندانی کابل
- ۴۸۷- نظر محمد خان  
مدیر محاسبہ
- ۴۸۸- محمد عمر خان  
مدیر خزانہ  
مدیر گمرک



مدیر معارف ولایت کابل	۴۸۹- پاینده محمد
مدیر واردات و مصارفات ولایت کابل	۴۹۰- محمد رفیق
مدیر تحریرات	۴۹۱- میرزا محمد علی
رئیس بلدیہ	۴۹۲- صداقت همراه غلام قادر
معاون بلدیہ	۴۹۳- غلام محی الدین
معاون بلدیہ	۴۹۴- سید جلال
معاون بلدیہ	۴۹۵- میرزا نقشبند
مدیر تحریرات	۴۹۶- عبدالصمد
مدیر اعزه	۴۹۷- سردار گل محمد
مدیر اعزه	۴۹۸- میرزا محمد هاشم
مدیر جریده اصلاح	۴۹۹- مولوی محمد امین
معاون اصلاح	۵۰۰- محمد امان
محرر اصلاح	۵۰۱- غلام دستگیر
معاون انیس	۵۰۲- عبدالرشید
سرکاتب انیس	۵۰۳- محمد اسلم
محرر اصلاح	۵۰۴- شیر احمد خان
» »	۵۰۵- محمد قدیر
مدیر انیس	۵۰۶- غلام محی الدین

**اسمای سفرا و نمایندگان سیاسی دول خارج مقیم افغانستان که در لوی جرگه سال ۱۳۰۹ اشتراک ورزیده بودند**

سفیر کبیر شوروی	۵۰۷- جالتماب ستارک
مستشار سفارت شوروی	۵۰۸- جالتماب ریکس
سرکاتب دوم سفارت شوروی	۵۰۹- جالتماب الکزاندروف
اتاشه نظامی سفارت شوروی	۵۱۰- ( - - - - )
عضو سفارت شوروی	۵۱۱- آقای فونولمن
سفیر کبیر ایران	۵۱۲- جالتماب خلعت بری
سرکاتب سفارت ایران	۵۱۳- آقای حاجب
سفیر کبیر ترکیه	۵۱۴- جالتماب حکمت بیگ

- ۵۱۶- جلالتماب سعدالله بیگ  
 ۵۱۷- آقای جمال کاظم بیگ  
 ۵۱۸- عارف امین بیگ  
 ۵۱۹- آقای فواد بیگ  
 ۵۲۰- جلالتماب آقای پاستر  
 ۵۲۱- آقای میجر نارول  
 ۵۲۲- آقای سبجراج اچ ایست  
 ۵۲۳- آقای کمپن میکن  
 ۵۲۴- خان صاحب سکندر اور  
 ۵۲۵- آقاگیر
- سر کاتب سفارت ترکیه  
 کاتب سفارت ترکیه  
 کاتب سفارت ترکیه  
 کاتب سفارت ترکیه  
 مستشار سفارت کبرای برطانیا  
 اتاشه نظامی برطانیا  
 عضو سفارت برطانیا  
 عضو سفارت برطانیا  
 نیشل سکرتری سفارت برطانیا  
 شارزداقیر سفارت فرانسه (۱)

قانون اساسی عصر نادر خان که در لوی جرگه سال  
۱۳۰۹ هـ. ش تصویب شد و تا ۹ میزان ۱۳۴۳ هـ. ش  
در مملکت نافذ بود

طوریکه در بطور قبیل اشاره بعمل آمد لوی جرگه سال ۱۳۰۹ هـ. ش توأم با  
تصویب بعضی اصولنامه‌ها و ولوایح، قانون اساسی ای را بنام «اصول اساسی  
دولت علیه افغانستان» که دارای یکصد و ده ماده بود تصویب نمود. این قانون  
که شامل حقوق پادشاه، حقوق عمومی تبعه افغانستان، شورای ملی، حقوق  
وزراء و مأمورین، محاکم، دیوان عالی، امور مالی مملکت، اداره ولایات و  
موضوع عسکری بود تا ۹ میزان ۱۳۴۳ هـ. ش که قانون اساسی جدید افغانستان نافذ  
گردید مرعی الاجرا بود.

اینک اصول اساسی مذکور ضمن «مآثر قوانین اساسی که در ظرف مدت بیش  
از نیم قرن در مملکت نافذ بود بغرض مطالعه خوانندگان گرامی تقدیم میشود.

## اصول اساسی

### دولت علیه افغانستان

#### اصول کلیه

#### اصل :

- ۱- دین افغانستان دین مقدس اسلام و مذهب رسمی و عمومی آن مذهب منیف حنفی<sup>(۷۱)</sup> است . پادشاه افغانستان باید دارای این مذهب باشد . دیگر ادیان مثل اهل هنود و یهودی که در افغانستان هستند بشرطیکه آسایش و آداب عمومی را اخلال نکنند نیز به تحت تأمین گرفته میشوند .
- ۲- دولت علیه افغانستان اداره امور داخله و خارجه خود را با استقلال تامه حائز بوده همه محلات و قطعات مملکت بزیر امر و اراده سنیه ملوکانه بصورت یک وجود واحد تشکیل می یابد و بهیچ حیثیت در اجزای مملکت تفریق کرده نمی شود .
- ۳- پایتخت افغانستان شهر کابل است تمام اهالی مملکت به نظر حکومت مساوی هستند که هیچ امتیازی اهالی شهر کابل نسبت ب دیگر شهرها و قصبیات مملکت محروسه افغانستان ندارد .
- ۴- بیرق رسمی افغانستان السوان سیاه و سرخ سبز و در وسط آن خوشه گندم و محراب و منبر می باشد .

#### حقوق پادشاه

- ۵- بنابر تقدیر فداکاری و خدماتیکه اعلیحضرت غازی (محمد نادر شاه افغان) در راه استقلال و نجات وطن افغانستان و بر انداختن بنیان ظلم و استبداد ابراز فرموده اند ملت افغانستان عموماً ذات شاهانه شانرا پادشاه صحیح و لائق مملکت خود شناخته و با نهایت تقدیر و احترام تعهداً پذیرفته و می پذیرند و ذات همایونی در همین جلوس بر تحت سلطنت مستقله افغانستانه بالمواجهه عموم و کلا و اشراف اهالی افغانستان تعهد نموده اند که مطابق اوامر مقتی بهای شرع شریف نبوی صلعم و مذهب مهذب حنفی<sup>(۷۲)</sup> و اصول اساسی مملکت اجرای اوامر حکومت شاهانه

خود را فرسوده محافظت و رعایت استقلال افغانستان را مهمترین وظایف خود دانسته بملت و وطن صداقت نموده از تعمیل شرایط فوق مخالفت ننمایند، بناء علیه ملت نجیبه افغانستان متعهد میشوند که سلطنت افغانستان بخاندان این پادشاه ترقی خواء مملکت بانتخاب اعلیحضرت پادشاهی و اهالی ملت افغانستان انتقال می کند .

### تبصره

خاندان عبارت است از اولاد ذکور کبیر و برادر .

۶- پادشاه افغانستان باید قبل از جلوس بر تخت سلطنت عهد نامه ذیل را بمقام شورای ملی بحضور و کلاء اظهار و امضاً نماید .

(به خدای عظیم و قرآن کریم عهد میکنم که در اعمال و افعال خود خداوند جل شانہ را حاضر و ناظر دانسته بمحافظت دین مبین اسلام و استقلال افغانستان و حفظ حقوق ملت و حراست و ترقی و سعادت وطن باساس شرع مبین محمدی صلی اللہ علیہ وسلم و مقررات اصول اساسی مملکت سلطنت تمام و به برکت روحانیت مقدس اولیای کرام<sup>(۳)</sup> برای خود استمداد می نمایم) .

۷- در خطبه ها ذکر نام پادشاهی و ضرب سکه بنام پادشاه ، تعیین رتب و مناصب ، اعطای نشان ، تعیین صدراعظم ، منظوری وزراء ، عزل و تبدیل شان ، تصدیق اصولات مصوبه شورای ملی ، اعلان مرعیت و محافظت آنها ، حفاظت و اجرای احکام شرعیه و اصولیه ، قوماندانی عموم قوای عسکری افغانستان و اعلان حرب و عقد مصالحه و علی العموم معاهدات ، عفو و تخفیف مجازات تعزیری مطابق شرع شریف از حقوق جلیله پادشاهی شمرده میشود .

۸- پول مصارفات پادشاهی باید در بودجه مملکتی معین باشد .

### حقوق عمومی تبعه افغانستان

۹- همه افرادی که در مملکت افغانستان میباشند بلا تفریق دینی و مذهبی تبعه افغانستان گفته میشوند صفت تابعیت افغانیه مطابق اصولنامه تابعیت استحصال یا اضاعه میشود .

۱- کافه تبعه افغانستان در امور دینی و مذهبی و اصولات سیاسی دولت متبوعه خود مکلف و مقید بوده آزادی حقوق مشروع خود را مالک هستند .

۱۱- حریت شخصیه از هرگونه تعرض مصئون است هیچکس بدون امر شرعی و اصولنامه های موضوعه توقیف و مجازات نمیشود ، در افغانستان اصول اسارت ممنوع است از زن و مرد هیچکس دیگری را بطور اسارت استخدام کرده

نمی‌تواند .

۱۲- تبعه افغانستان در امور تجارت ، صنعت و زراعت در داخل اصولات موضوعه آزاد اند .

۱۳- کافه تبعه افغانستان بحضور شریعت غرا و اصولات موضوعه دولت در حقوق و وظائف مملکت حق مساوات دارند .

۱۴- عموم تبعه افغانستان نظر به قابلیت و اهلیت بقدر ضرورت حکومت استخدام میشوند .

۱۵- در افغانستان مال و ملک هر شخص در امن میباشد اگر یک ملکی به مقصد منافع عمومی بکار دولت شود موافق حکم شرع شریعت و اصولنامه مخصوصه آن اولاً قیمت آنرا بمالکش تادیه نموده بعد ملک را گرفته میتواند .

۱۶- مسکن و جای هر فرد تبعه افغانستان از هرگونه تعرض مصنون است هیچکس از طرف حکومت و مائنه بدون احکام شرع و اصولنامه های موضوعه بخانه شخص بلا استبدان داخل شده نمیتواند .

۱۷- ضبط املاک و اموال اهالی ممنوع است باستثنای کسانیکه در خارج مملکت متوقف بوده و بر علیه حکومت افغانستان تحریکات و تشریات مینمایند .

۱۸- مصادره و بیگار ممنوع است اما کار و تکالیفیکه در زمان محاربه پیش شود ازین قاعده مستثنی است .

۱۹- شکنجه و دیگر انواع زجر تماماً موقوف است و خارج احکام شرع شریف و اصولنامه های دولت برای هیچکس مجازات داده نمیشود .

۲۰- تعلیم ابتدایه برای اطفال تبعه افغانستان واجبی و حتمیست .

۲۱- در افغانستان تدریس علوم اسلامیة آزاد است هر فرد تبعه افغانستان عموماً و خصوصاً برای تدریسات علوم اسلامیة ماذون و مجاز میباشد اما اشخاص اجنبی باستثنای نفری که برای تعمیم فتون و صنایع و تعلیم زبانهای اجنبی استخدام میشوند ، بداخل مملکت افغانستان بافتتاح و اداره مدارس مجاز نیستند .

۲۲- عموم مکاتب افغانستان در زیر نظارت و تفتیش حکومت می باشد تا امور تربیه و تعلیمیه آنها برخلاف عقائد و مصطلحات اسلامیة نبوده بمنافع علمیه و فنییه و صناعیه موافق باشد اصول تعلیمیه که بامور اعتقاییه و مذهبیه اهل ذمه تعلق دارد اخلاص کرده نمیشود .

۲۳- مطبوعات و اخبارات داخله که خلاف مذهب نباشد مطابق اصولنامه

مخصوص آن آزاد می‌باشد نشر اخبار فقط از حقوق حکومت و تبعه افغانیه است مطبوعات و جراید خارجه که بمذهب و سیاست حکومت علیه افغانستان اخلال نرساند ادخال آن بافغانستان آزاد است .

۲۴- فیصله منازعات شخصیه و دیگر امورات افراد تبعه که بمحاکم عدلیه و دوائر رسمیه متعلق است هر گاه بفیصله و حکم دوائر منسوبه قناعت حاصل نکنند میتوانند که بمقامات بالاتر تا وزارت متعلقه و در صورت عدم قناعت بمقام صدارت عظمی و بحضور شاهانه عرض و طلب غور رسی نماید .

۲۵- مالیات و محصولات مقررہ مطابق اصولنامه های علیحده آن گرفته میشود .

۲۶- خارج اصولنامه های دولت از هیچکس چیزی گرفته نمیشود .

ACKU

## شورای ملی تشکیلات مجلس

- ۲۷- مجلس شورای ملی بعزم و تصمیم اعلیحضرت همایونی و تصویب هرگه ۱۳۰۹ منعقدہ مرکز کابل دائر و مؤسس است .
- ۲۸- این مجلس تمام و کمال مرکب از افرادی است که در اسورات معاشی و سیاسی افغانستان مشارکت دارند یعنی نماینده قاطبہ اهالی مملکت است .
- ۲۹- ترکیب و تشکیل مجلس شورای ملی از وکلای است که از ولایت کابل وسائر ولایات و حکومت و علاقہ داری ها منتخب میگرددند محل انعقاد آن در پایتخت است .
- ۳۰- تعداد وکلای شورای ملی در اصولنامه مصوبہ انتخابات درج و تعیین گردیده است .
- ۳۱- موعد انتخاب وکلای این مجلس در جمیع ادوار سه سال است و شروع دورہ اول اعتباراً از روز افتتاح شورای ملی است و مقرر است که بعد سرآمد هر سه سال وکلا مجدداً انتخاب شوند انتخاب کنندگان از اینکه بخواهند از وکلای سابقه را تکرراً انتخاب کنند در صورت رضایت مختار و خیراند .
- ۳۲- اوقات تعطیل و موعد اشغال شورای ملی در اصولنامه داخلی مجلس مشخص و محدود کرده خواهد شد در اثنای تعطیل اگر حکومت بوضع کدام اصولنامه ضرورت حس کند این اصولنامه موقتاً از طرف حکومت تصویب و بموجب فرمان پادشاهی تعمیل میشود ، در موقع اشغال اگر اصول موقتی از طرف شورای ملی تسلیم کرده شد ، در اعداد اصول دائمی ادخال والا از طرف مجلس مذکور تعدیل یا تردید میشود .
- ۳۳- مجلس شورای ملی برای تحقیق و فیصله مسائل مهمہ در هنگام تعطیل هم دائر شده میتواند و هر گاه بجهت فوت مسئله مباحث عنها فرصت اجتماع عموم ممکن نشود تنها بحضور وکلای مرکز و قریب آن مجلس شورای ملی انعقاد مییابد .



- ۳۴- وقتی بمذاکرات آغاز میشود که اقله مناصفه اعضا حضور داشته باشند و فیصله مقررات آن هم باساس اتفاق یا اکثریت آرا است .
- ۳۵- مجلس شورای ملی در سوق افتتاح هر یک از ادوار خود خطابه به پیشگاه پادشاهی عرض و تبیین داده و از طرف قرین الشرف همایونی مجاب میگردد .
- ۳۶- ابتدا اعضای شامله مجلس به ترتیب مذیله سوگند یاد مینمایند و قسم نامه را امضا میکنند .

#### قسم نامه

- ۳۷- ما امضاً کنندگان ذیل از جهت اعتمادی که ملت و حکومت بر ما نموده بخداوند عظیم و قرآن کریم سوگند مینمایم که برای ملت و حکومت خود صادق می باشیم .
- ۳۸- اعضای مجلس شورای ملی در اظهار رأی در مجلس شورا بحضور جمیع و کلا آزاد و از هرگونه اعتراض مصئونند .
- ۳۹- کافه مذاکرات مجلس شورای ملی بیاعتشیکه نتیجه آن بمنصه اجرا گذارده می شود و علنی است نمایندهگان جراید و معاینه کنندگان در تحت قیودات اصول نامه داخلی مجلس تنها حق حضور و استماع مذاکرات را دارند .

#### وظایف

- ۴۰- مجلس شورای ملی امورات داخلی خود را مثل انتخاب رئیس اول و ثانی و هیئت تحریر و سائر اجزا و اصول مذاکرات و شعبات و غیره بر اساس اصول نامه داخلی دائر خواهد کرد .
- ۴۱- کلیه اصولات و ضوابطی که وضع و موجودیت آن برای تشدید مبانی حکومت و انتظام امور مملکتی لازم باشد به تصویب مجلس شورای ملی میرسند .
- ۴۲- تسوید امورات مالی رد یا قبول عوارض و فروعات و هم میزیهای جدید که دولت اقدام نماید به تصویب مجلس خواهد بود .
- ۴۳- تدقیق و تصویب بودجه مملکت بعد از ترتیب و پیشنهاد وزارت مالیه از وظایف شورای ملی است .
- ۴۴- وضع اصول نامه جدید یا تغییر و فسخ قوانین مقرره بتصویب شورای ملی صورت خواهد گرفت . خواه لزوم آن از مجلس عنوان و خواه از طرف وزراء اظهار شده باشد .
- ۴۵- تصویب امتیاز ، تشکیل کمپانی ها و شرکت های عمومی از هر قبیل و

بهر عنوان که باشد از طرف شورای ملی خواهد شد .

۴۶- عقد مقاولات و معاهدات ، اعطای امتیازات ، (المحصار) اعم از تجارتی و صنعتی و فلاحی وغیره خواه از طرف داخله باشد یا خارجه به تصویب مجلس شورای ملی میرسد .

۴۷- استقراض دولتی اعم از اینکه از داخله یا خارجه بهر عنوان و اسم باشد باطلاع و تصویب مجلس شورای ملی کرده خواهد شد .

۴۸- تمدید خط آهن و شوسه ، به پول دولت و یا بخرچ شرکت و کمپانی های داخلی و یا خارجی ، تماماً وابسته بتصویب مجلس شورای ملی است .

۴۹- مجلس شورای ملی حق دارد که در اوقات لازمه عریضه به پیشگاه همایونی تقدیم دهد ، اما تقدیم این عریضه بهمه حال بتوسط هیئتی مرکب از رئیس و شش نفر اعضای که سائر طبقات از بین خود انتخاب میکنند . خواهد بود وقت شرفیابی حضور هم اولاً توسط وزارت در باراستیدان میشود .

۵۰- وزراء برای استماع مذاکرات در جلسات مجلس شورای ملی حضور بهم رسانده می توانند و نیز حقدارند که در صورت لزوم به استجازه رئیس مجلس برای مذاکره و تدقیقات امور توضیحات بدهند ، در مجلس برای حضور وزراء موضع معینه می باشد .

۵۱- هرگاه قوانین جدید که بوضع آن احتیاج حس شود از طرف وزارت تجویز و انشا گردیده توسط وزراء یا صدر اعظم به مجلس شورای ملی اظهار می شود و بعد از تصویب مجلس بصفحه پادشاهی مزین گشته قابل التعمیل میگردد .

۵۲- لزوماً رئیس مجلس می تواند که شخصاً یا به پیشنهاد ده نفر از اعضای مجلس و یا وزیری بدون حضور نمایندگان جراید و معاینه کنندگان ، اجلاس محرمانه تشکیل دهد و نیز می تواند انجمن محرمانه مرکب از یکعده منتخبین اعضای مجلس که اعضای سائره مجلس حق دخول در آن نداشته باشند ترتیب نماید مگر نتیجه انجمن یا اجلاس محرمانه وقتی مرعی خواهد بود که در هر دو صورت مسئله مبحث عنها بحضور سه ربع از منتخبین مطرح مذاکره شده و با کثرت آراء قبول شده باشد ، در صورتیکه مطلب در انجمن محرمانه قبول نشود در مجلس عنوان نخواهد شد و مسکوت عنه خواهد ماند .

۵۳- در صورتیکه مجلس محرمانه بخواش رئیس دائر شده باشد مذاکرات را تا اندازه مناسب باطلاع عموم میرساند اختیار دارد اما اگر تشکیل مجلس به

تقاضای وزیر بوده است در آن صورت افشای مذاکرات هم وابسته با اجازه خود وزیر خواهد بود .

۵۴- وزراء مطلب اظهار نمودگی خود را ولو هر قدر بروی سباحه شده باشد حق دارند که از مجلس مسترد کنند ، اما اگر اظهار ایشان بخواهش مجلس بوده است برای استرداد مطلب موافقت مجلس هم شرط است .

۵۵- اگر لایحه اظهار نمودگی وزیر را مجلس قبول نه نماید با ملاحظات خود ، عودت خواهد داد و این لایحه وقتی بمجلس ثالثاً اظهار خواهد شد که وزیر ملاحظات مجلس را رد یا قبول نماید .

۵۶- اظهار رأی از طرف اعضای مجلس شورای ملی راجع به تردید یا قبول مطلب واضح و بالتصريح میشود ، و هیچکس نمیتواند ایشانرا بدادن رأی خویش تحریص یا تهدید نماید اظهار رد یا قبول اعضای مجلس به علامات ظاهری امثال ورقه سیاه و سفید بوده محل ادراک و افادات نمایندگان جراید و معاینه کنندگان خواهد بود .

### عنوان مطلب از طرف مجلس

۵۷- هر یک از مطالبی که از طرف اعضای مجلس عنوان می شود آنوقت قابل مذاکره خواهد بود که اقلاً ربع اعضا مذاکره مطلب مذکور را تصویب بدارند درین صورت عنوان مذکور کتباً به رئیس مجلس تقدیم می شود و اگر رئیس مجلس آن لایحه را بدوایر انجمن تحت تدقیق ببرد می تواند .

۵۸- یک عده از اعضای شورای ملی که بانتخاب سائر اعضا و تصویب رئیس شوری منتخب و تجزیه می شود بنام (انجمن تحقیق) سنجش های ابتدائی مسائل وارده شوری را دقت نموده از آنجمله مواد قابل الذکر مجلس را همراه یک لایحه نظریه خودها بر رئیس مجلس پیش میدارند . و با اجازه رئیس مطرح مذاکره می شود . و موادیکه اکمال بخواهد یا مذاکره مجلس را ایجاب نکند با اسباب موجه آن از طرف رئیس بوزارت منسوبه اش اعاده می شود اعضای انجمن تحقیق اقلاً ده نفر خواهد بود .

۵۹- مطالبی که نظر با اصل (۵۷) در مجلس عنوان می شود اگر متعلق بیکی از وزراء باشد در وقت مذاکره و تدقیق لایحه مذکوره چه در انجمن تحقیق و یا در مجلس باید به وزیر متعلقه اش خبر داده شود که شخصاً خودش حاضر شود و یا معین خود را بفرمند و یک نقل لایحه و ضامیم آنرا باید مجلس قبل از احضار وزیر ویا

معین برای مسبوقیت شان از ده الی پانزده روز باسثنای مطالب فوری بوزارت منسوبه ارسال دارد .

۶۰- در صورتیکه وزیر بنا بر کدام مصلحتی در مطالب معنون از طرف مجلس موافقت نتواند لازم است معاذیر خودش را موجهتاً تصریح و مجلس را قانع بسازد .  
 ۶۱- وزیریکه مجلس شورای ملی از وی توضیحات بطلبد از جواب ناگزیر و مسؤل است و بدون عذر موجهه و علاوه از اقتضای بتعویق و تاخیر جواب هم مجاز نیست والا در صورتیکه مطالب محرمانه و در اختفای آن برای یک مدت صلاح ملت و دولت باشد اما بعد موعده معینه بابر از مطلب مذکور بحضور مجلس مکلف است .

۶۲- عرض شخصی افراد تبعه که بدوائر رسمیه تا مرکز وزارت منسوبه غور آن نشود ذریعه وکیل محلی خود شامل مجلس شورای عرض و استغائه کرده می‌توانند از ریاست شوری این قسم عرائض برای غور و تحقیق بمقام صدارت فرستاده می‌شود .

۶۳- در وقت رحلت پادشاه اگر مجلس شورای ملی تعطیل باشد حتماً انعقاد خواهد شد و انعقاد مجلس از قوت پادشاه باید زیاده از بیست روز معطل نشود .

۶۴- قبل از رحلت پادشاه اگر دوره وکالت وکلا تمام شده باشد و در موقع رحلت دیگر وکلا معین نگردیده باشند ، مجلس بوجود وکلای دوره سابقه انعقاد میشود .

۶۵- موادیکه در مجلس شورای ملی تصویب می‌شود باید باحکام دین مبین اسلام و سیاست مملکت مخالفت نداشته باشد .

۶۶- مصوبات و قرار های مجلس شوری بالعوم بعد از امضای ذات شاهانه در موقع اجرا گذاره می‌شود .

### مجلس اعیان

۶۷- مجلس اعیان مرکب است از اشخاص تجربه کار و با بصیرت که راساً از طرف قرین الشرف پادشاهی انتخاب و تعیین می‌شوند مرکز انعقاد آن کابل است .

۶۸- تصویب اصولات موضوعه متعلق است به مجلسین شورای ملی و اعیان ، پیشنهاداتی که از طرف هیئت وزراء درین مجلس عنوان می‌شود پس از مذاقنه و مذاکره با اکثریت تصدیق و بغرض تصویب به مجلس شورای ملی فرستاده می‌شود برعکس آن مواد مصوبه شورای ملی در مجلس عیان ملاحظه و تصویب میگردد .

۶۹- در وقت افتتاح مجلس شورای ملی اگر مجلس عیان منعقد نشده باشد

مصوبات مجلس شورای ملی معطل نمی‌ماند و بعد از صحنه همایونی در معرض اجرا گذارده می‌شود .

۷- مطالبی که در مجلس عیان تصویب و به مجلس شورای ملی فرستاده می‌شود ، در صورتیکه به مجلس شورای ملی قبول نشود نظر با اهمیت مطلب مجلس دیگری مرکب از یک عده اعضای مجلسین تشکیل می‌گردد تعداد اعضای این مجلس که بالتساوی انتخاب می‌شوند ، اقلایست نفر خواهد بود ، مجلس منتخبه به مسئله متنازع فیه غور و دقت نموده رأی خود را به مجلس شورای ملی ارائه میدهند اگر بر رأی مجلس منتخبه مجلس شورای ملی موافقت نکرد موضوع بحضور ملوکانه معروض می‌گردد و باراده سینه فیصله می‌شود .

### مجالس مشاوره ولایات

۷۱- در مرکز نایب الحکومه‌گیاها و حکومت اعلی و کلان یک یک مجلس مشوره تشکیل می‌شود .

۷۲- صورت انتخاب و تعداد اعضا و وظایف این مجلس در اصولنامه مخصوص آن بیان و ایضاح می‌گردد .

### وظایف و حقوق وزراء

۷۳- امور اجرائیه مملکت بذریعہ وزرای دولت که بانتخاب صدر اعظم و منظوری حضور ملوکانه تعیین می‌شوند اداره می‌شود .

۷۴- ریاست هیأت وزراء مفوض است بصدر اعظم در غیاب صدر اعظم وزیر وزارت اول وظیفه ریاست را ایفا میدارد .

۷۵- هیچکس نمیتواند مقام وزارت را اشغال نماید بدون اینکه مسلمان و از تبعه افغانستان باشد .

۷۶- هر یک از وزراء در سیاست عمومیه دولت مشترکا و در امور موظفه وزارت متعلقه خود مخصوصاً بنزد شورای ملی مسؤلفند بنا علیه ذات شاهانه غیر مسؤل می‌باشند .

۷۷- مسؤلیت وزراء و سیاستی را که راجع بآنها میشود اصول تعیین خواهد نمود .

۷۸- وزراء امورات مربوط متعلقه خود را بالدازه اختیارات خود اجرا و ما فوق آنرا بحضور صدر اعظم تقدیم می‌دارند . صدر اعظم بدرجه صلاحیت وظایف خود اجرا نموده ما فوق آنرا بحضور ملوکانه عرض و هدایت میگیرند .

۷۹- هرگاه یکی از وزرای دولت بجرم خلاف ورزی در حدود وظیفه رسمی شان مظلون واقع شوند مرجع محاکمه شان دیوان عالی شناخته می‌شود دیگر دعاوی شخصی و وزراء که بخارج وظیفه ماموریت شان باشد مانند سائر رعایا به محاکم عدلیه مراجعت مینمایند .

۸۰- وزیریکه تحت اتهام می‌آید الی نتیجه محاکمه و برائت آن از وظیفه رسمی معطل می‌ماند .

۸۱- در غیاب وزیر معین وزارت یا وکیل که عنداللزوم مقرر شود تمام اختیارات شخص وزیر را دارا میگردد .

۸۲- برای تفتیش احوال عمومی وزراء و مامورین، یک هیئت تفتیشیه باستیدان حضور شاهانه مطابق لایحه مخصوصه آن از شورای ملی انتخاب و تعیین می‌شود .

۸۳- تعداد وزارتات و تشکیل دوائر و وظایف شان در اصولنامه تشکیلات اساسیه توضیح یافته .

### حقوق مامورین

۸۴- بالعموم مامورین مطابق موادیکه در اصولنامه های مخصوصه ایضاح گردیده به ماموریت هائیکه لایق و مناسب باشند تعیین کرده می‌شوند و هیچیک از مامورین تا زمانی که از وظیفه خود مستعفی نشود و یا از طرف دولت بنا بر یک امر ضروری لازم تبدیلی و یا موقوفی نباشد اصلاً عزل و موقوف نمی‌شود - و مامورینیکه حسن سلوک و استقامت خدمت خود را ابراز نمایند مطابق اصولنامه های مخصوصه استحقاق ترقی رتبه و ماموریت و مستمری را دارند .

۸۵- همه مامورین علی‌المراتب در اطاعت امر مافوق شان مطابق اصولنامه های موضوعه مکلف هستند آمران مافوق و مامورین مسا تحت هیچیک امر را خلاف آن اجرا کرده نمیتواند . هرگاه از طرف آمران مافوق در اجرای کدام امر خلاف اصول بالای مامورین مسا تحت امر اجرا شود مامورین مسا تحت قبل از اجرای آن به مرکز وزارت الی صدارت عظمی باید اطلاع نماید .

۸۶- وظایف مامورین در اصولنامه های مخصوصه تعیین و تفریق گردیده و هر مامور موافق هدایات اصولنامه های موضوعه از وظایف موظف اش مسؤل شناخته می‌شود .

### محاکم

- ۸۷- محاکم عدلیه مرجع دعاوی عمومی شرعیه می باشد .
- ۸۸- در محاکم شرعیه دعاوی مرجوعه مطابق مقررات مذهب مهذب حنفی<sup>(۱)</sup> فیصله می شوند .
- ۸۹- همه محاکم از هرگونه مداخلت آزاد هستند .
- ۹۰- در محاکم عدلیه دعاوی بصورت علنی فیصله می شود باستثنای مسائلیکه شارع فیصله آنها بطریق خفیه هدایت داده است .
- ۹۱- در حضور محاکم هر شخص برای محافظه حقوق خود همه وسائط مشروع را پیشنهاد نموده می تواند .
- ۹۲- محاکم عدلیه در رویت و فیصله دعاوی باستثنای امر شرعی تاخیر و ماطله کرده نمیتواند .
- ۹۳- هیچکس خارج محاکم برای فیصله بعضی فقرات مخصوصه یک محکمه فوق العاده تشکیل داده نمیتواند .
- ۹۴- صنوف و درجات محاکم و صلاحیت شان باصولنامه تشیکلات اساسیه توضیح یافته .

### دیوان عالی

- ۹۵- دیوان عالی برای محاکمه وزرای دولت عند الاقتضا موقتاً تشکیل می یابد و بعد انجام اموریکه باو سپرده می شود فسخ میگردد .
- ۹۶- طرز تشکیل دیوان عالی و اصول محاکمه در آن مطابق اصولنامه مخصوصه آن اجرا میشود .

### امور مالیه

- ۹۷- همه محصولات دولت مطابق اصولنامه مخصوصه آن اخذ می شود .
- ۹۸- هر سال برای واردات و مصارفات دولت یک بودجه مطابق اصل ۴ تنظیم کرده می شود این بودجه برای واردات دولت موازنه و برای مصارفات اساس بوده همه مصارفات از روی آن اخذ و صرف می شود .
- ۹۹- بعد از تطبیق و اجرای بودجه سالانه یک محاسبه قطعی تنظیم می شود این محاسبه قطعی مقدار حقیقی واردات و مصارفات این سال را حاوی میباشد .
- ۱۰۰- برای تنظیم محاسبه قطعی و برای تنظیم بودجه و صورت تطبیق و اجرای آن اصولنامه مخصوصه موجود است .



۱.۱- تخفیف و یا معافی مالیات بموجب اصولنامه مخصوصه آن اجرا میشود.

### اداره و ولایات

۱.۲- اصول اداره ولایات از سه قاعده اساسیه مبنی است: توسیع ماذونیت، تفریق وظایف، تعیین مسئولیت، بنا بر قواعد مذکوره همه وظایف مامورین ولایات مطابق اصولنامه های موضوعه تعیین و تفریق کرده شده است و اختیارات مامورین نیز بر طبق اصولات موضوعه محدود است و هر مامور در وظایف خود علی المراتب نزد امر مافوقش مسئول شناخته می شود.

۱.۳- در ولایات از هر شعبه وزارت مامورین جداگانه مقرر هستند افراد اهالی برای اجرای کار و انجام حوائج خود بشعبات مرجوعه مراجعت میکنند.

۱.۴- هر گاه در یک حصه مملکت آثار عصبیان و بغاوت که مخل امنیت عمومی باشد حس کرده شود حکومت برای دفع بغاوت و قیام امنیت تدابیر لازمه کرده میتواند.

۱.۵- تشکیل دوائر بلدییه وظایف آن قرار اصولنامه مخصوص آن اجرا میشود.

### عسکر

۱.۶- صورت اخذ عسکر بموجب اصول مخصوصه آن اجرا میشود وظایف و حقوق عسکری و ترقی در مناصب بموجب اصول است.

۱.۷- تبعه خارجه در مسلک عسکری با متشای صنف داکتری و معلمی حربی قبول نمیشود.

۱.۸- حقوق و مناصب هیچیک افراد عسکری سلب نمیشود مگر بموجب اصول.

### اصول متفرقه

۱.۹- مصونیت مکاتیب یکی از حقوق اهالی است همه مکاتیب و مراسلات محصولی اهالی که تودیع پوخته میشود تا از طرف یک محکمه حکم جواز تجسس نشود در هیچ پوخته خانه و دیگر جا باز نمیشود همچنان سر بسته بمسئل الیه سپرده می شود.

۱.۱۰- در امپوریکه از حضور شاهانه و یا صدر اعظم بیکی از وزراء یا دیگر مامورین امر شفاهی فرموده شود باید احکام تحریری آنرا با مضای همایونی او یا صدر اعظم حاصل دارند.

تعمیل و اجرائی احکام مواد اصولنامه لهذا را امر و اراده میفرمایم تحریر



۸ عقرب ۱۳۱۰ شمسی مطابق ۱۹ جمادی‌الثانی ۱۳۵۰ قمری (محل مهر مقام سلطنت).

### ضمیمه اصول اساسی مملکت

۱- مامورین وزارت خارجه و صاحبمنصبان عسکری و همچنان محصلین افغانی که به پول دولت برای تحصیل در خارج مملکت اعزام می‌شوند بازدواج از تبعه خارجی مجاز نیستند.

۲- اتباع خارجه در افغانستان قطعاً حق استملاک ندارند یا سفارت‌های دول خارجه مقیم افغانستان حسب مقاولات طرفین بصورت معامله متقابل رفتار میشود. مؤرخه ۱۲ سنبله ۱۳۱۱ شمسی مطابق غره جمادی الاول ۱۳۵۱ قمری

### تجدیل اصل (۵۱) اصول اساسی

هرگاه یکی از وزارتات یا دوائر مستقله بوضع اصولنامه احتیاج حس نماید لایحه آنرا ترتیب نموده در مجلس وزراء تدقیق و بعد از تصویب مجلسین شوری و عیان و صحه همایونی قابل‌التعمیل می‌گردد.

مؤرخه ۲۶ حمل ۱۳۱۳ شمسی مطابق ۳ ذی‌الحجه ۱۳۵۲ قمری

### تجدیل اصل ضمیمه نمبر اول

#### اصول اساسی مملکت

اتباع خارجه افغانستان حق استملاک ندارند با سفارت‌خانه‌ها و قونسلیگریهای خارجه در افغانستان حسب مقاولات طرفین بصورت معامله و متقابل رفتار میشود. مؤرخه ۲۴ اسد ۱۳۱۷.

## جرگه بزرگ (لوی جرگه) سال ۱۳۲۰ هـ ش کابل

جنگ دوم جهانی به شدت جریان داشت هر روز خون هزاران انسان ریخته میشد دامنه جنگ روز بروز وسعت می یافت حوادث خونین ، انهدام شهر ها ، مزارع ، فابریکه ها ، و واقعات اسفناک روز بروز ازدیاد یافته ، را دیو های جهان اخبار داخلی و خارجی با نشر جریانات جنگ این وقایع غم انگیز را به گوش مردم جهان میرساندند. افغانستان از ابتدای بروز جنگ بیطرفی خود را اعلان کرده بود . شورای ملی مطابق معمول در جریان بود و بیطرفی مملکت در جنگ خان و سان سوز در اولین روز های جنگ یعنی در ۱۱ ماه سنبله ۱۳۱۸ هجری شمسی (اول سپتمبر ۱۹۳۹) به تصویب شورای ملی افغانستان رسیده مکرر اعلان شده بود .

با وصف اعلان بیطرفی و گوشه گیری افغانستان از جنگ مردم در تشویش و اضطراب بسر میبردند . آلمان ها قبلا در اول سرطان ۱۳۲۰ به روسیه حمله کرده بودند و روس که تا آنوقت متحد جرمنی بود اکنون بحیث متحد انگلیس بر علیه جرمنی در جنگ شامل شده بود . دول محور (آلمان، ایتالیا و جاپان) از یکطرف و متحدین (روس و انگلیس) از جانب دیگر به فعالیت های مزید سیاسی در اکثر ممالک از جمله در افغانستان پرداخته بودند . جنگ دوم جهانی که در سنبله ۱۳۱۸ مطابق سپتمبر ۱۹۳۹ آغاز گردیده بود در اولسط سال ۱۳۲۰ باوج شدت خود رسیده بود ، روزنامه ها و رادیو ها پیشرفت سریع قوای جرمنی و اشغال ممالک بلجیک، دنمارک، ناروی را در می ۱۹۴۰ و درگیری سخت را با فرانسه بالاخره تسلیم، فرانسه را در ۲۲ جون ۱۹۴۰ اطلاع میدادند جرمنی در همین تاریخ به روسیه حمله کرد و جنگ شدت بیشتر اختیار کرد .

در افغانستان مردم به علت عنادیکه از سالها با انگلیس داشتند و بدبینی و بدگمانی تیکه به نسبت اشغال ممالک مسلمان آسیای سیانه و قتل عام مردم مسلمان آن مناطق با روسیه داشتند ، همچنان روس ها مسلک الحاد و خدا

ناشناسی را در میان ملل مسلمان آن مناطق با کشتار های دسته جمعی مردم رایج میکردند، مردم ما به روس نهایت بدبین بودند و لذا بصوت عمومی از متحدین نفرت داشته و ذهناً طرفدار پبشرفت محور بودند.

اضطراب و هیجان مردم روز بروز بیشتر میگرددید مخصوصاً اشغال دولت مسلمان و همسایه افغانستان (ایران) که از طرف متحدین (روس و انگلیس) به تاریخ سوم سنبله ۱۳۲۰ صورت گرفت هیجان مردم را بیشتر از پیش ساخت و نفرت عمیق انگلیس و روس ایجاد شد.

در چنین وقتی لوی جرگه سال ۱۳۲۰ که در زمان ظاهر شاه اولین جرگه افغانستان بود دائر گردید. برای اینکه عات و نتایج تشکیل این جرگه بزرگ ملی بر رسی شود لازم است یک اندازه معلومات در بساره جریانات و فعالیت های سیاسی از جانب متحدین از یک سو و دول محور از جانب دیگر تسامد ممکن ارائه گردد و وضع هیجان انگیز و نگرانی هائیکه در میان مردم و نیز در حلقه های حکومت ایجاد شده بود مطالعه شود. افغانستان در یک دو راهی قرار داشت یا باید بیطرف میبود یا با استفاده از جریان اوضاع تضعیف انگلیس و راه یافتن به بحر آزاد و اعاده سر زمین های قبایلی آنطرف خط دیورند بطرفداری جرمنی داخل جنگ میگرددید. بروز جنگ و موضوع بیطرفی مملکت طوریکه اشاره بعمل آمد در اولین روز های جنگ بشورای ملی روایت داده شد و شورای ملی بیطرفی مطلق افغانستان را در جنگ تصویب و تأیید کرد ولی با وصف آن دول در گیر در جنگ از فعالیت های سیاسی دست نمی گرفتند.

قیصله دولت افغانستان مبنی بر بیطرفی در جنگ فعالیت های دول در گیر در جنگ را که هر کدام میخواهند افغانستان را بطرفداری خود به جنگ بکشاند محدود ساخت، به فعالیت های پروپاگندی اجازه داده نمیشد. نشر اخبار در را دیو و جراید افغانستان هم احتیاط کارانه و مورد قبول قوای در گیر در جنگ بود. تعداد زیادی متخصصین جرمنی در رشته های مختلف در کابل و غیره نقاط کار میکردند. دولت جرمنی در صدد بود وسیله ای میسر شود که بر علاوه متخصصین قبلی یک تعداد متخصصین اضافی را به افغانستان اعزام دارد. درین وقت افغانستان در میان دو قوه متحد در جنگ قرار داشت از یک طرف روسیه که تازه مورد حمله جرمنی قرار گرفته و سخت محتاج کمک و معاونت متحدین خود بود و از طرف دیگر دولت برطانی که تمام هند مستعمره

او بود. حکومت افغانستان در تلاش شد تا در معامله با آلمان ها که تا آنوقت در پروژه های انکشافی افغانستان کمک میکردند و متخصصین زیاد در شقوق مختلف در کابل و بعضی ولایات مثل بغلان و غیره وجود داشت یک نوع تعادل و موازنه بوجود بیاورد. تا وقت حمله آلمان بروسیه فعالیت های آلمانها در افغانستان چندان تحت کنترول و مراقبت جدی قرار نمیگرفت بعد از حمله آلمانها بروسیه که افغانستان در میان دو متحد قرار گرفت احتیاط و مراقبتهای جدی بعمل آمد. یک تعداد پروژه های انکشافی افغانستان که از طرف آلمانها کمک میشد باینر اوضاع ناشی از بروز جنگ نیمکاره باقیمانده بود. حکومت افغانستان میخواست کمک برطانیا را درین مورد جلب نماید. معلوم شد که برطانیا آماده نبود باندازه آلمان با افغانستان کمک کند. آنچه برطانیا میتوانست و میخواست عبارت از پیدا کردن بازار برای صدور پیداوار افغانستان بود که قبل ازین به آلمان و روسیه فرستاده میشد میوه و پخته دو قلم جالب برای هندوستان بود. (۱)

در بالا ذکر شد دولت های آلمان و برطانیا هر کدام به قسمی در روابط با افغانستان میکوشیدند. طوریکه بعد ها خواهیم دید آلمان میخواست متخصصین بیشتر با افغانستان اعزام کند تا توسط آنها به فعالیت های سیاسی دست بزنند. برطانیا تنها برای بازاریابی به بعضی پیداوار افغانستان اکتفا کرده از سهم گیری در پروژه های بزرگ خود داری کرد چه انگلیس ها روحیات مردم افغانستان را روی تجارب گذشته خوب درک میکردند و میدانستند که در فعالیت های سیاسی شان نمیتوانند اعتماد مردم افغانستان را جلب کنند. فعالیت های اقتصادی آنها هم به پیمانۀ وسیع برای آنها جالب نبود.

روابط روس و افغانستان درین وقت تاریک و مبهم بود زیرا در افغانستان این هراس وجود داشت (قبل از حمله آلمان بروسیه در سرطان ۱۳۲۰) که روسیه شاید برای اشغال هند از طریق افغانستان دست به لشکر کشی بزند و افغانستان تحت تهاجم روس قرار بگیرد. علاوه بران دران وقت (قبل از حمله بروسیه) افغانستان اندیشه داشت که مبدا شوروی از طریق

(۱) روابط سیاسی افغانستان در نیمه اول قرن بیست.

قونسل گری های خود با قبایل سرحدی مفاهمه و آنها را بر علیه هند برطانوی تحریک کند و این ناقص بیطرفی افغانستان بود. چنانچه همانوقت قونسل گری های افغانستان و شوروی بسته شد. قرار خبر منتشره ۳۱ مارچ همان سال شوروی پیشنهاد کرد قونسل گریهای خود را از اول اپریل در هرات، مزار شریف، میمنه بسته کند و همچنان دفاتر قونسل گری افغانی در تاشکند و مرو بسته شود. از زبان فیض محمد خان وزیر خارجه افغانستان به مقامات رسمی برطانیا گفته شده بود که روسیه مجددا سوال سرحدی دریای آسو را بلند کرده و ادعا کرده است که کنار چپ دریا سرحد بین دو کشور باشد.

بنا بران تا اواسط سال ۱۹۴۰ روابط شوروی و افغانستان برهم و درهم بود عساکر شوروی در امتداد سرحدات افغانستان در حال آماده باش قرار داشت. بعد از فتوحات المان در غرب اشغال هالیند، دنمارک و بلژیک و شکست فرانسه (۲۲ جون ۱۹۴۰) بالاخره حمله وسیع المان در ۲۲ جون ۱۹۴۰ (اول سرطان ۱۳۲۰) به روسیه، روابط روسیه با افغانستان به اثر قرار داد ۲۸ جولائی ۱۹۴۰ رو به بهبود گذاشت و عساکر شوروی از سرحدات افغانستان انتقال داده شد.

وضع بین المللی به نفع المان تغییر یافت و طوریکه پیشتر ذکر گردید عساکر المان در نیمه سال ۱۹۴۰ م به دنمارک، ناروی و بلجیم هجوم آورد، در ۲۲ جون فرانسه را شکست داد و در همان زمان به روسیه حمله کرد. درین وقت ایتالیا بحیث یک قدرت جنگی در ظرف کمتر از دو هفته عروج کرد. یکسال از تسلیمی فرانسه گذشته بود که المان قسمت زیاد بر اعظم اروپا را مستقیم یا غیر مستقیم به تصرف داشت، درین وقت جنگ با برطانیا هم در گرفت. اتحاد سه گانه بین نیروهای المان، ایتالیا و جاپان (۲۷ سپتمبر ۱۹۴۰) ترس مدهشی را در برطانیا، اروپا و آسیا ایجاد کرده بود (۱) در بهار سال ۱۹۴۱ قوماندان بزرگ و نابغه جنگی المان (فیلد مارشال رومل) به شمال افریقا حمله کرد.

---

(۱) روابط سیاسی افغانستان در نیمه اول قرن بیستم (روابط با انگلیس، روس و جرمنی).

درین وقت المانها چنان اهمیتی پیدا کردند که فکر میشد چگونه آنها در مدت کم از جنگ اول جهانی که در جنگ مذکور مغلوب شده بودند اهمیت حیاتی در ایجاد و ابداع نظم و نسق جدید کسب نموده و از تحت نفوذ فرانسسه و برطانیه برآمده بر آنها مسلط گردیدند توجه جهان را بخود جلب کرد.

تا قبل از حمله المان بروسیه و بعد از انعقاد لوی جرگه سال ۱۳۲۰ چنین قیاس میشد که المان در جنگ پیروز است. در جولائی ۱۹۴۰ سفیر المان مقیم کابل بحکومت خود اطلاع داد که وزیر اقتصاد افغانستان (عبدالمجید) با و وانمود کرده است که افغانستان آمادۀ حرکت با جمیع وسایل دست داشته خود در جهت علایق و اهداف المان میباشد و قبایل سرحدی را علیه هند برطانوی بر میانگیزد درین صورت برطانیا مجبور خواهد شد قوای عظیمی را در هند نگاه دارد قوائیکه میخواست به مدیترانه سوق بدهد. وزیر اقتصاد افغانستان وعده داد که او حکومت افغانستان را به قبول این روش و پالیسی میکشاند بشرط آنکه شرایط آتی را برای افغانستان تأمین و تضمین کند.

- ۱- تکمیل و تضمین سرحدات افغانستان از طرف شوروی.
- ۲- راه یافتن به بحر
- ۳- گذاشتن طیارات، تانکها و وسایل ضد طیاره بدسترس افغانستان.

عبدالمجید وزیر اقتصاد حتی قدسی فراتر رفته (بقول سفیر المان) احساس مینمود نیروهای اتحادیه سعد آباد را میتوان بطرفداری المان تشویق کرد او میگوید (وزیر افغانستان بطور مسلم مینداشت که گرفتن کمک ترکیه را میتواند تضمین کند) ترکیه ایکه تا اخیر جنگ بیطرف ماند و نظر به کمک های مساعدیکه از برطانیا و دیگران گرفته بود در پایان جنگ و روزهای شکست قطعی المان بطرفداری متحدين و ضد المان اعلان جنگ داد که هیچگاه عملی نشد.

منبع فوق می نویسد (بر حسب مخابره تلگرافی از کابل برطانیا حاضر شده بود تا برای حمایت سرحدات شمال غربی خود با افغانستان وعده اعطای بندر بحری را بصورت آزاد از ساحل بلوچستان بدهد همچنان تمدید خط آهن را از چمن تا قندهار دمه وار شده بود).

باساس همین منبع الله نواز خان سفیر افغانستان در برلین که بکابل آمده بود نیز در کابل در سفارت المان حین مذاکره با بارون فون ویز سا کر

(Baron von Wees Sacker) سوال جنگ المان در آسیا را بالا کرد که عرب‌ها بایست آزاد شوند. ۱۵ میلیون افغان در هند باید آزادی خود را بگیرند آنوقت عدالت درباره افغانستان تأمین خواهد شد که سرحد آن تا دریای اتک امتداد یابد. او همچنان در باره اختلاف افغانستان با شوروی حرف زد. پرسید که (آیا المان حاضر است در صورت بروز کدام مشکل و مخالفت جدی بین افغانستان با ماسکو میانجی‌گری کند. طرف مقابل بطور اکید گفت بلی و علاوه نمود که امید واری افغانستان در امتداد سرحد آن تا دریای اتک تصدیق خواهد شد و لو که هند برطانیا آزاد شود و از تسلط برطانیا خارج شود).

زمزمه پیمان افغانستان و المان تا هنگامی به گوش میرسید که المان بروسیه حمله کرد آنوقت یک تحول آبی و قطعی در سیاست خارجی افغانستان رخ داد. اگرچه ترس حمله روس به افغانستان از میان رفت ولی افغانستان در میان دو قوای متحد که همسایه او بودند محاصره گردیده بود. درین گیر و دارها محمد هاشم خان صدر اعظم از موقع استفاده کرده تضمین المان را بر علیه روسیه حاصل کرده و معتقد بود که المان فاتح آرزوهای افغانستان را تشخیص میدهد. در فبروری ۱۹۴۱ عبدالمجید وزیر اقتصاد که ظاهراً بغرض معالجات صحی بالمان رفته بود باز مطالب گذشته را تکرار کرد و به الهجه رایج اظهار کرد که افغانستان حاضر است در مقابل برآورده شدن آرزوهای قربانی بدهد. عبدالمجید خان نظریات سیاسی خود را بصورت مبهم در تحت عنوان محور (اتحاد برلین بغداد کابل خلاصه کرد) او یک ماه بعد آماده اظهار نظر شد و امکانات ذیل را تقدیم کرد:

(الف) افغانستان آماده طرفداری علی المان است البته بعد از آنکه سلاح های عصری و اشخاص فنی و تخنیکی طرف ضرورت را بدست آورد بطرفداری قوای محور داخل جنگ میشود.

(ب) افغانستان جنگ های گوریلائی سرحدی را تا آنوقت دوام میدهد که آماده جنگ میدانی شود.

طوریکه دیده میشود عبدالمجید خان در معاملات خود با المان ها تا اندازه گرم بود که پیشنهاد های خود را یک جانبه و بدون آماده بودن المانها به مذاکره و اینکه چه معاونتهاً می‌توانند بکنند تقدیم کرد. بگفته نویسنده کتاب فوق (کار استادانه و ماهرانه ای نکرد).



درین فرصت نا آرامی در سوریه و لبنان برپا شد بر خورد ها در عراق  
رو نما گردید که در سال ۱۹۴۱ منجر به کودتا علیه محور اتحاد فوق  
گردید .

چون المان نتوانست به عراق بر علیه حملات قوای برطانیای کمک کند ،  
علائق افغانستان با همه جا ( المانها و عراق ) از بین رفت ، یک روز بعد از  
تهاجم المان به روسیه علی محمد خان وزیر خارجه افغانستان به سفیر المان  
تیم کابل گفت ( این حقیقت که روسیه و برطانیای باهم متحد شده اند وضع  
صحنه سیاسی جهان را بکلی تغییر داده است افغانستان اکنون نمیتواند هیچ  
یک از همسایه گان خود را مشتعل سازد و عبارت کوتاه وزیر خارجه افغانستان  
مطلب را چنین افاده کرد ( اکنون حکومت افغانستان نه طرفدار المان و نه  
طرفدار برطانیای است بلکه محض طرفدار افغانستان است ) .

چون لوی جرگه \* ۱۳۲ هـ ش در حالات و اوضاع ناقرار سیاسی و بحران  
ناشی از جنگ دوم جهانی دائر گردیده بود که قوای در گیر در جنگ هر کدام  
میخواستند از افغانستان استفاده کنند چنانچه در آینده خواهیم دید که بعد از  
حمله المان به روسیه و ناکامی معاهدات رسمی المان با حکومت افغانستان در  
براه انداختن جنگ های گوریلائی و غیره در سرحدات ، المانها چگونه با  
اقدامات سری و توسط گماشته گان خود خواستند در سرحدات مملکت بر ضد  
انگلیس ها تحریکات و جنگ ها را برپا کنند کاریکه وزرای افغانستان وعده  
آنها داده بودند ، همچنان خواهیم دید که المانها تا کدام اندازه به مردم  
افغانستان اهمیت قایل بودند که میخواستند آنها را به ضد انگلیس به جنگ  
وارد کنند .

بعد از مذاکرات علی محمد خان وزیر خارجه با سفیر المان حکومت  
افغانستان مانع فعالیت های سیاسی و پروپاگند های دول شامل در جنگ میشد  
و دولت افغانستان مکرر بی طرفی خود را اعلان میکرد المان ها از همدردی  
قابل قدر در افغانستان بر خوردار و ممنون بودند . بعضی از شخصیت های  
دولتی اگر از فعالیت های سیاسی المانها واقف هم میشدند نادیده میگرفتند ،  
المانها به هر نوعیکه ممکن بود سعی میکردند افغانها مخصوصاً افغانهای سرحد



را بر علیه انگلیس بر انگیزند. یکی از صحنه های فعالیت المانها مساعی موسسه ابوهر (۱) میباشد که دو نفر از نمایندگان خود را در قسمت های سرحدات آزاد اعزام کرده بود. در بهار سال ۱۹۴۱ (۱۳۲۰ هـ ش) کسوارونی سفیر المان مقیم کابل را وادار ساخت تا در باره مقدار پرداخت نقدی برای فقیرایی (Ipi) مشوره کند تا او را در خریداری مهمات جنگی طرف ضرورت جهت حمله بر قوای هند برطانوی آماده سازد. المانها درین مورد موافقت کردند و نماینده ابوهر در ماه می همان سال به برلین اطلاع داد که تماس قابل اعتمادی به فقیرایی بر قرار شده است در قدم اول برای فقیرایی باید ده هزار پوند هر ماه تادیه گردد.

در کابل و برلین فعالیت های زیر پرده در جریان بود تا از افغانستان و شرایطیکه درینجا حکمفرما بود به نفع دول محور استفاده بعمل آید. دیده میشود که در اکثر موارد پای عبدالمجید زابلی وزیر اقتصاد افغانستان در میان است. از مقامات وزارت خارجه و یا شخصیت های دیگر درباری آنوقت از کس دیگر چندان نام برده نمیشود. بهمین سلسله فعالیت ها، ویز ساکر (Wees Sacker) از وزارت خارجه المان به عبدالمجید وزیر اقتصاد که درین وقت در برلین بود تیلقونی گفت که در سه موضوع (قبلاً پیشنهاد شده) کمک به افغانها مدنظر و مطلوب میباشد به شرطیکه سه اصل آتی را بپذیرند.

۱ - اجازه افغانها در انتقال یک را دیوی موج کوتاه در منطقه سرحد

آزاد.

۲ - اجازه سهم گیری سری المان در استفاده از را دیوی کابل.

۳ - تحمل افغانستان در آوردن یک تعداد سلاح ها بطور قاچاق.

ویز ساکر در اجرای این درخواست خود چندان موفق نبود او گفته بود که عبدالمجید خان این خواهش او را پذیرفته است ولی بزودی موضوع را تغییر داده گفت که طرف افغانی میخواهد ثابت سازد که وضع در عراق که تازه بر علیه قوای محور اقداماتی شده بود چه تاثیری بالای افغانستان داشته باشد.

چنان پیداست که مقامات افغانی در حالتی بودند که گاه یک طرف پله و

گاه جانب دیگر آنرا میدیدند و در چنین موارد البته فیصله های فوری منفعتی را ببار نمی آورد. ویز ساکر در برلین فتوحات المان را به عبدالمجید خان یاد آوری کرده گفت (خوش بختانه قشون روس از آغاز جنگ به تلفات قاطع مواجه گردیده است). او سعی کرد تا ترس حکومت افغانستان را زایل کرده از خیال همکاری با روس باز دارد.

بر علاوه آنکه فعالیت های سیاسی گوناگون در کابل و برلین در زیر پرده به شدت خود جریان داشت فعالیت های تحریک آمیز بر علیه انگلیس مخصوصاً در مناطق سرحدی و جائیکه همیشه بهانه ای علیه انگلیس ها داشتند نیز با مساعی هر چه تمام در دست اجراء بود.

سکرتر سفارت ایتالیا انزیلوتی (Anzilotti) موفق شد تا راه خود را بطرف سرحد آزاد باز کند. حینیکه انزیلوتی ازین رسالت خود باز گشت اطلاع داد نخستین بار در فبروری ۱۹۴۱ معاونت پولی برای این پیشوای قبایل فقیر ایبی) بعمل آمد یک مقدار پول نقد از طرف ایتالیا به موصوف پرداخته شده و وعده داده شد تا بیست و پنج هزار پوند بقسط دو ماه برای فقیر مذکور پرداخته شود. در مقابل پرداخت پول مورد ضرورت فقیر ایبی نصب دستگاه رادیو و تربیه اشخاص فنی را پذیرفته و جنگ را علیه انگلیس سربراه میکرد. المانها بعد از راپور سکرتر سفارت ایتالیا فکر کردند که اکنون زمان مذاکره فرا رسیده است لذا دو نفر المانی بنامهای هرد و رفرو برانندت را به سرحدات اعزام کردند. این دو نفر قبل از آنکه نزد فقیر ایبی برسند در عرض راه در مناطق پکتیا با افراد نظامی افغانی مواجهه و یک نفر شان بقتل رسید و بگران به کابل آورده شدند. در مورد برخورد این اشخاص نظریات مختلف وجود داشت یک نظر این است که این کار تصادفی بوقوع پیوسته است نظر دیگر اینست که چون اشخاص مذکور به موافقت قبلی حکومت افغانستان رفته بودند حکومت که جریان را تعقیب میکرد برای اینکه مورد اتهام متعادلین قرار نگیرد و بظرفی از تیره شود خود باین کار دست زده است.

از فحوای سطور فوق معلوم میشود که رفتن دو نفر جرمنی به جرمنی و وزیر راه بلد بغرض ملاقات با فقیر ایبی بموافقت حکومت افغانستان بوده است که در آن لحظات حساس که پیروزی المان را در جنگ شان میداد با آنها موافقت کرده بودند و از جانب دیگر چون در میان دو

دولت متحد در جنگ یعنی روس و انگلیس قرار داشتند اینطرف موازنه را باید خوب نگه میداشتند لذا مهاجم به دو نفر جرمنی و کشته شدن یک نفر شان بنام هرد و رفرو زخمی شدن نفر دیگرش را اصلاً از طرف حکومت افغانستان و ظاهراً بنام سهو وانمود کرده اند. در همان وقت در کابل درمیان مردم و مکاتب لیلیه آوازه این حادثه پخش گردید. (و هم شایع گردیده بود که مهاجرین معالک آسیای میانه که در افغانستان بودند به جمع آوری اسلحه پرداخته قصد دارند از بعضی نقاط به جمهوریت های تاجکستان و ازبکستان حمله کنند حکومت بهمان اثر یک تعداد از سران این جنبش را، مجبوس کرد (از آنجمله) سید مبشر طرازی عالم و نویسنده مشهور که در دارالتحریر شاهی کار میکرد و بعد از خاتمه جنگ و رهائی از حبس به مصر مهاجرت کرد و چندین تن از مهاجرین بخارا و فرغانه مجبوس شدند) (۱) قاری عبدالاحد جوان وطن دوست مجاهد، عالم فقه و حافظ قرآن ساکن قندز که در عنقوان جوانی به همین علت در بغلان مجبوس بود (بغلان، قندز و تخار در آنوقت یک ولایت بودند). نویسنده در آنوقت سر معلم مرکز تالقان بود. در ماه سنبله سال ۱۳۲۱ در محبس بغلان قاری عبدالاحد را که در همان سن جوانی شخص عالم و محترمی بود ملاقات کردم. او ریش سیاه متناسب، قد رسا، چهره زیبا و دلکش داشت با آواز گیرا قرآن میخواند در پاهایش زولانه بود که دیدن این حالت برای من که خود اهل معارف بودم و جوان، نهایت تأسف آور بود.

قاری عبدالاحد نیز بعد از ختم جنگ رها گردیده در قندز اسرار حیات میکرد. در سالهای بعد از کودتای داؤد خان دوباره مهاجر شد و فعلاً در عربستان سعودی در قید حیات است.

برگردیم به دنباله موضوع همان وقت حکومت افغانستان و هم المان ها هر دو افسانه تیرا بوجود آوردند که گویا حادثه\* (کشته شدن یک نفر و زخمی

---

(۱) جناب عالی پادشاه بخارا در منزلش مورد باز پرس قرار گرفت و حکم شد که از منزلش بیرون نشود در همان حالت تأسف آور فوت شد. (یادداشت

شدن نفر دیگر در پکتیا) محض یک اشتباه و خطای دلخراش بوده است (۱).  
 در چنین حالتیکه فعالیت سیاسی سری و علنی از طرف دول محور مخصوصاً  
 المان ها در افغانستان جریان داشت دول متحد (انگلیس و روس) هم بر علیه  
 افغانستان و فعالیت های متخصصین المانی به پروپاگند هائی دست زدند مخصوصاً  
 جراید هند برطانوی مطالبی درین مورد مینوشتنند. وضع جنگ روز بروز وخیم  
 تر میشد.

بعد از حمله المان ها به روسیه افواهاات در بارهٔ دائر شدن لوی جرگه  
 در کابل بیشتر گردید، مردم در جوش احساسات بودند، نفرت عمیق و عجیبی  
 نسبت به متحدین و همدردی با جرمن ها در میان مردم موجود شده بود.  
 خصوصاً این نفرت و عناد نسبت به متحدین (انگلیس و روس) و همدردی  
 با جرمنی وقتی به اوج شدت خود رسید گه در ۳ سنبله ۱۳۲۰ (۲۵ - ۲۹  
 اگست ۱۹۴۱) انگلیس و روس به ایران هجوم بردند و آنرا در میان خود  
 تقسیم کردند. بعد ازین حادثه از یک طرف سعی در بسلامت رساندن اتباع  
 جرمنی و ایتالیا بوطن شان بعمل آمد و از جانب دیگر انعقاد لوی جرگه هرچه  
 ضروری تر و سریع تر گردید.

### اخراج المان ها و ایتالیویها از افغانستان

در موقعیکه جرمنی به روسیه حمله کرد انگلیس و روس متحد شدند در  
 کابل و نیز در سراسر مملکت آوازه شد که متحدین حکومت افغانستان را مجبور  
 به اخراج اتباع المان و ایتالیا که در پروژه های مختلف مملکت استخدام شده  
 اند کرده است، همچنان این آوازه خیلی قوت گرفته بود که انگلیس ها از  
 حکومت افغانستان خواسته اند تا اجازه داده شود قوای برطانوی از خاک  
 افغانستان عبور و به کمک شوروی بروند. پخش این دو آوازه در میان مردم  
 هیجان و نا آرامی زیادی بوجود آورد. سفارت جرمنی با احساس این خطر برای  
 خانواده های المان ها مخصوصاً با درک این مطلب که متحدین از افغانستان

(۱) بغرض معلومات مزید و مطالعهٔ مفصل درین مورد رجوع شود به روابط  
 سیاسی افغانستان در نیمهٔ اول قرن ۲۰ روابط انگلیس، المان و روس  
 نوشتهٔ (ادمک) ترجمهٔ پوهاند فاضل.

برای عبور عساکر برطانیای به خاک شوروی راه میخواستند خیلی مضطرب و در صدد پیدا کردن راه هائی شدند که چگونه خانواده های المان از خاک افغانستان خارج شوند. در صورت عملی شدن عبور قوای انگلیس از خاک افغانستان و نقض بیطرفی این مملکت خطر کالی برای خانواده های مذکور متصور بود. قبل از آنکه در باره اخراج خانواده های المانی تصمیم نهائی اتخاذ گردد حادثه اسفناک دیگری رخ داد که اخراج خانواده های المانی را مشکل تر گردانید. سوم سنبله ۱۳۲۰ دولت مسلمان و بیطرف همسایه افغانستان از طرف قوای روس و انگلیس اشغال شد لذا جرمن هائیکه در افغانستان بودند راه عبور و خروج شان از کشور های بیطرف بسته شد. از یک طرف این خانواده ها نباید تاختم جنگ در افغانستان میبودند از جانب دیگر این اندیشه موجود شده بود که دو صد خانواده جرمنی در راه خروج از افغانستان بدست قوای متحدین می افتاد لذا اخراج آنها خطرناک بود.

تهاجم انگلیس و روس به ایران خصومت و نفرت مردم افغانستان را بر علیه متحدین بیشتر ساخت در میان حلقه های حکومت این هراس پیدا شد که وضع ایران میتواند در افغانستان تطبیق گردد.

در عین حال در اخبار و جراید هند برطانوی مضامینی به نشر میرسید که خانواده های المان مقیم افغانستان را یک قدرت محرک تعریف کرده از فعالیت هائیکه در سرحدات آزاد بر علیه انگلیس انجام میدادند یاد آوری میکردند و همچنان رادیو ها حکومت افغانستان را دارای مطبوعات دروغ پرانگی توصیف کرده بودند. بتاريخ ۱۲ اکتوبر ۱۹۴۱ علی محمد خان وزیر خارجه به پیلگر سفیر المان و سفیر ایتالیا اطلاع داد که سفیران برطانیای و روس بتاريخ ۱۱-۹ اکتوبر (۱۷-۱۹ میزان ۱۳۲۰) تقاضای اخراج اتباع المانی را از افغانستان کرده اند. این مطالب چند روز قبل از انعقاد لوی جرگه بدریعه نجیب الله خان مدیر عمومی سیاسی وزارت خارجه بطور مفصل از رادیو کابل براد کاست شد و هیجان مردم درین موقع زیاد تر و شدید گردید.

اخراج اتباع المان از افغانستان مخصوصاً وقتیکه متحدین ایران را اشغال کردند و راه خروج آنها مسدود گردید مشکل تر شد. حکومت افغانستان اخراج آنها را بشرطی عملی میکرد که آنها با مصئونیت کامل بوطن شان برسند و حکومت افغانستان پا فشاری میکرد تا خانواده های متخصصین المانی از راه

های مصئون اعزام کرده شوند. سفیر برطانیا به تقاضای حکومت افغانستان جهت تهیه راه آزاد در قلعرو برطانیا تا یک خطه بیطرف موافقت کرد. متحدین در باره اخراج اعضای سفارت المان دیگر اصرار نکردند.

المان ها بوعده سفیر برطانیا اکتفا نکرده بذریعه حکومت افغانستان اصرار میکردند تا سفیر مذکور موافقه تحریری بدهد. مذاکرات جریان داشت این تجویز که از طریق پشاوره کراچی و بعد بذریعه کشتی از راس امید انتقال داده شوند در نظر المانها از خوف حمله تحت البحری های محور خطرناک دیده می شد.

درین فرصت که مذاکرات محرمانه در میان وزارت خارجه افغانستان و سفارت های انگلیس و روس و المان ادامه داشت شایعه اخراج اتباع المانی در میان مردم شدت بیشتر اختیار کرده شور و هیجان مردم زیاد ترمیشد هر لحظه نفرت مردم نسبت به متحدین بیشتر میشد و همدردی مردم با المان ها روز افزون میشد و حکومت نسبت اخراج اتباع المانی از طرف مردم ملامت قرار داده میشد. اگرچه اخبار و جراید چیزی نمی نوشتند ولی مردم اکثراً برملا هر جا میگفتند در چنین مسایل تماس و تبصره میکردند.

در عین حال زمزمه تشکیل لوی جرگه هم در سر زبان ها بود و مخصوصاً آوازه راه خواستن انگلیس ها جهت انتقال قوای شان بخاک شوروی روز بروز انعکاس میکرد.

درین فرصت نجیب الله خان مدیر عمومی سیاسی وزارت خارجه در ۱۵ اکتوبر ۱۹۴۰ مطابق ۲۰ میزان ۱۳۲۰ (سه روز بعد از تقاضای تحریری متحدین) موضوع فشار متحدین را بر افغانستان مبنی بر اخراج اتباع المانی از رادیو کابل توضیح داده آرزوی حکومت را برای صلح و امنیت ابراز داشت. او گفت (حکومت افغانستان بصورت مکرر بیطرفی خود را اعلام داشته است اما از آغاز جنگ اخبار های برطانیا و هند برطانوی نسبت به حضور و موجودیت اعضای قوای محور در افغانستان خطر بزرگی را احساس میکردند و دران اصرار میورزیدند). او شکایت کرد که (ذهنیت برطانیا حتی بعد از اتحاد با روس هم در باره افغانستان تغییر نکرده است تا آنکه منجر به تقاضای هر دو قدرت (انگلیس و روس) در خروج اتباع المان و ایتالیائی ها گردید. حکومت افغانستان در فقدان این متخصصین و اشخاصی قتی خساره مند گردیده است. مگر تحمل این رنج ها

برای آنست که صلح دوستی و بیطرفی خود را باثبات رساند. موقف بیطرفی افغانستان توسط شورای ملی تصویب و تأیید شده است. ذوات رسمی افغانستان با تبارز عزم متین و تصمیم نهائی گفته اند مردم افغانستان برای تحمل هرگونه قربانیها در راه مقابله با دفع شداید و محدودیت ها باحفظ آزادی و شرف خود آماده است) نجیب الله خان باین وسیله یک اندازه سیاست حکومت را توضیح و برای تسکین خاطر مردم دلایلی را ارائه کرد و مجبورت حکومت را در اخراج اتباع المانی وانمود کرد. (نویسنده حین جریان این حوادث متعلم بودم و به این مسایل دلچسپی داشتم، یک شب قبل در رادیو اعلان شد که فردا شب نجیب الله خان در موضوع جریانات جنگ و سیاست افغانستان بیانیه ای ایراد میکند. در آنوقت رادیو کم بود و در لیلیه ها سخت گیری هم بود با دوسه نفر دیگر از لیلیه برآمده در یک دوکان سودا و اثر فروش واقع شاه دو شمشیره بیانیه او را شنیده و نا وقت شب به لیلیه باز گشتیم. بیانیه او خیلی مفصل و تسکین دهنده بود).

بعد ها ترتیبات لازم برای اخراج اتباع المان و چند نفر تبعه ایتالیا گرفته شد. (۱۸۰ نفر (۱) المانی و ۸ نفر ایتالوی به دو قافله از ۳ تا ۳۱ اکتوبر ۸-۹ عقرب ۱۳۲۰ کابل را ترک گفتند. ده سرویس (Bus) وسی لاری برای انتقال خود آنها و حمل کالای شان تخصیص داده شد برای هر نفر شان اجازه داده شد تا ۲۵۰ کلدار نقد و شصت پونده وزن با خود ببرند. برای متخصصین که در پروژه های انکشافی افغانستان قرار داد داشتند تحایف داده شد. خانواده های مذکور در پشاور جمع شده بتاریخ ۸ نومبر بطرف کراچی حرکت کردند بعد از سه روز بسواری کشتی جانب بصره حرکت کرده و بتاریخ ۲۵ نومبر بذریعه ریل مخصوص از طریق بغداد به انفره رفتند. (۲)

(۱) روابط سیاسی افغانستان در نیمه اول قرن ۳. رابطه با انگلیس، المان و روس ترجمه پوهاند فاضل.

(۲) هاتریش لوبکه رئیس جمهور المان غرب در سال ۱۳۴۶ موقعکه جهت افتتاح تعمیر جدید لیسه نجات بکابل آمده بود، رسماً از سلامت رسیدن المان ها و ایتالوی ها بوطن شان تشکر کرده اظهار نمود که ما شهادت مردم افغانستان را فراموش نمیکنیم. (یادداشت برادر محمد سرزم نالان که آنوقت مدیر مکتب صنائع کابل بود).



بعد از اخراج اتباع المان زمزمه راه خواستن متحدین از افغانستان جهت اعزام عساکر برتانوی به روسیه هنوز هم وجود داشت و مردم گوش به آواز حوادثی بودند که در آینده بروز خواهد کرد. مردم در اوج احساسات بودند با مشاهده پیشرفت قوای المان در جهات غرب و شکست پیهم قوای روس در مقابل جرمنی چنین ذهنیت پیدا شده بود که باید افغانستان به طرفداری قوای محور جهت بدست آوردن سر زمین های از دست رفته، آزادی بخارا و هند داخل جنگ گردد. در چنین حالتی لوی جرگه مشهور سال ۱۳۲۰ بتاریخ ۱۴ عقرب ۱۳۲۰ - ۵ و ۶ نومبر ۱۹۴۱ دائر گردید.

### مقدمات تشکیل لوی جرگه سال ۱۳۲۰ (۱۹۴۱)

در طول مدتی که مذاکرات سیاسی بین حکومت افغانستان، روس و انگلیس و سفارت المان جریان داشت و حکومت افغانستان بمشکلات مواجهه بود ترتیبات مقدماتی جهت تشکیل لوی جرگه ادامه داشت. به ولایات امر داده شده بود تا نمایندگان ملت را که واجد شرایط عضویت در جرگه بزرگ ملی باشند بمرکز اعزام دارند. امر شده بود از هر ولسوالی سه نفر و از مراکز ولایت دو دو نفر در جرگه انتخاب و بکابل اعزام گردند. نمایندگان در کابل جمع شدند جای رهایش و شب باش نمایندگان ملت مکتب صنایع سابق بعد ها مکتب حبیبیه و حالا مکتب عایشه درانی واقع باغ عمومی جنوب رود خانه کابل متصل گنبد تیمورشاه تعیین گردید. قبل از انعقاد جرگه محمد هاشم خان صدر اعظم با حضرت صاحب فضل عمر مجددی (نورالمشایخ) با هیأت کابینه رئیس شورای ملی (عبدالاحد خان) با تعدادی اراکین ملکی و نظامی دولت در محل رهایش و کلا حضور بهمرسانده اولاً در اطاقهای مختلف سر زده بعد در اطاق کلان عدّه زیادی را بصورت خصوصی و خودمانی ملاقات و آنها را خوش آمدید گفت. ازان به بعد تا تکمیل تمام نمایندگان و شروع جرگه بزرگ ملی وقتاً فوقتاً اراکین دولت از اعضای لوی جرگه دیدن میکردند.

در جرگه های که نویسنده مطالعه کرده ام این جرگه ملی بواسطه اینکه در حین جریان جنگ و حساسیت موقع افغانستان پیرامون شایعات و گفت و شنود های زیاد و آوزاه های راه خواستن متحدین از داخل خاک ما دائر شد، دارای اهمیت خاصی گردیده و توجه همگان را به خود جلب کرده بود. در موقع جنگ دو مملکت نیرومند همسایه افغانستان متحد همدیگر و در گیر



جنگ با قوای محور (المان ایتالیا و جاپان) بودند. در عین حال اخراج اتباع  
المان و ایتالیا از افغانستان بآثر فشار همین دو قوه را مردم خلاف مهمان  
نوازی افغانی و خلاف اصول بیطرفی خود میدانستند. لذا مردم با توجه  
و علاقه مندی زیاد جریان این جرگه بزرگ را تعقیب میکردند. روز ۱۴ عقرب  
۱۳۲۰ (۵ نومبر ۱۹۴۱) جرگه بالاخره با بیانیة محمد ظاهر شاه پادشاه وقت  
افتتاح گردید. (۱)

### نطق افتتاحیه محمد ظاهر شاه و گذارشات جرگه (عزیران من !)

با محبت و علاقه تمام به تمام شما خوش آمدید میگویم و خوشحالم که  
بزرگان ملت خود را که برای بهبود وطن جمع آمده اند همه را درین مجلس  
می بینم.  
عزیزانم !

اجتماع همه شما در مرکز دو علت دارد یکی اینکه من شخصاً خواستم  
با بزرگان و نمایندگان ملت عزیز که مثل آرزو ها و احساسات ملت میباشند  
ملاقات کنم. و دیگر اینکه اوضاع حاضر که بآثر این جنگ عالم گیر در  
ظرف مدت دو سال و چند ماه پیش شده است چنین مجلس را ایجاب می کرد.  
شما هم میدانید که بآثر این جنگ در مدت کم تغییرات بزرگ نه تنها  
در اوضاع جغرافیائی جهان بلکه در تمام جوانب زندگی ملل پیش شده است.  
محارب و غیر محارب را یکسان متأثر کرده است مخصوصاً درین چند ماه جنگ  
از غرب بجانب شرق کشانده شده است. و آن مملکت هائیکه قبل ازین خود  
را از جنگ نسبتاً دور نگاه داشته بودند به صدمات شدیدی دچار شده اند.

پس بنا برین لازم شد که افغانستان که درین قسمت شرق  
موقعیت مهمی دارد درین وقت نازک در سیاست خارجی خود که باساس بیطرفی  
و صلح بود و هست در مقابل این حوادث موجود طوریکه باید و شاید غور و  
دقت کند و ملت و حکومت که هیچ وقت از یک دیگر جدائی نداشتند و در  
مسائل جزئی و کلی مملکت یک دست بودند تبادل افکار و تصمیم لازم بگیرند.  
اینست که امروز بنام خداوند بزرگ این جرگه را افتتاح میکنم و از

خداوند بکمال عجز آرزو مندم که تصمیم های این جرگه بزرگ را باعث سعادت و بهبودی این خاک پاک گرداند و ملک و ملت را به برکت اتفاق یک دستی و همدستی بان سعادت و افتخارات که آرزوی قلبی من است برساند و از وقایع بد زمانه ما را نگاه دارد. (۱)

بعد از ختم بیانیه افتتاحیه پادشاه رئیس شورای ملی (مرحوم عبدالاحد خان) از جانب وکلای شورا بیانیه‌ای ایراد کرد در آن احساسات (نیک) تمام ملت را بحضور پادشاه عزیز خود اظهار کرد و از اجرا آت و اقدامات نیک حکومت و اینکه همیشه آرزو ها و افکار ملت را خواسته و مطابق آن رفتار کرده است تشکر نمود. بعد ازان محمد هاشم خان صدر اعظم که نایب دوم رئیس بود بیانیه خود را اظهار و وزیر خارجه را معرفی کرد تا در اطراف اوضاع سیاسی و جریانات این دو سال توضیحات بدهد.

بعد از اولین جلسه علی محمد خان وزیر خارجه سیاست خارجی حکومت را مفصلاً توضیحات داده چنین ادامه داد. بعد از اشتعال نایره جنگ دوم جهانی حکومت افغانستان بارها و بصورت جدی بیطرفی خود را اعلان کرده است اخیراً بنا بر توسعه دامنه جنگ و نزدیک شدن به سرحدات مملکت ما اوضاع کسب و خامت کرد. حکومت افغانستان تلاش ورزید تا موازنه را در میان دول در گیر در جنگ حفظ و بیطرفی واقعی خود را همچنان دوام بدهد و چنانچه دوام داده است.

اما متأسفانه از مدتی بایطرف خصوصاً از آوانیکه المان بروسیه حمله کرد جراید و رادیو های برطانیا و هند برطانوی علیه افغانستان شایعات و پروپاگند هائیرا به نشر میرسانند. منابع برطانوی و هند برطانوی یک تعداد متخصصین المانی را که در پروژه های افغانستان کار میکنند متهم به اقدامات و فعالیت های سیاسی علیه متحدین (انگلیس و روس) کرده اخیراً مطالبی در باره آنها و حکومت افغانستان نشر میکنند و جراید مذکور از حکومت های خود همواره ، خواسته اند تا به افغانستان فشار آورده شود که خانواده های المان و ایتالیا از افغانستان خارج گردند. علی محمد خان در بیانیه اش که بنا بر اهمیت مسایل و افشاء بعضی موضوعات سری (که در جریان بوده است)

و نهایت دلچسپ بود چنین ادامه داد .

(بتاریخ ۹ اکتوبر ۱۷ میزان سفارت برطانوی عظمی و بتاریخ ۱۱ اکتوبر ۱۹ میزان ۱۳۲۰ دولت روس کتبا از حکومت خواستند تا متخصصین المانی و ایتالوی که در افغانستان کار میکنند از افغانستان خارج گردند . آنها دلایلی را ارائه کرده اند که متخصصین المانی را در تحریکات مردم و فعالیت های سیاسی علیه متحدین متهم کرده بودند . با وصف نقصانهایکه از عزیمت متخصصین المانی در پروژه های انکشافی مملکت ما واقع میگرددید حکومت به سایقه حس صلح خواهی و تأمین بیطرفی افغانستان که بارها اعلان گردیده بود باخراج متخصصین المانی و ایتالوی موافقت کرده از سفارت برطانیا و روس پرسیدیم که ((متحدین از حکومت افغانستان دیگر چه خواهش دارند)). سفارت خانه های مذکور دو باره از ما پرسیدند ((مثلاً چه خواهش))؟ دوباره بر ایشان نوشتیم ((خواهش را نمیتوان توضیح کرد)).

در جواب سفارت برطانیا و سفارت روس بوضاحت نوشتند . ((متحدین دیگر از حکومت افغانستان هیچ خواهشی ندارند)). نمایندگان که به دقت و توجه خاص بیانات وزیر خارجه را گوش میکردند چون سخن به اینجا رسید که متحدین دیگر خواهشی ندارند معلوم شد که متحدین راه عبور عساکر برطانیا را از خاک افغانستان خواهش نکردند و هم از تأسیس کدام مرکز نظامی در افغانستان حرقی درمیان نیست لذا کف زدن آنها و هلهله شادمانی در تالار سلامخانه بالا گردید و بقراری و نگرانی نمایندگان خاتمه یافت .

علی محمد خان در بیانیه اش افزود بعارض حفظ و ثبوت حسن نظر همسایگان حکومت باثر غور و مشوره های زیاد و مشوره با کمیسیون مربوط شورا و بعد ازآنکه رضائیت سقرای المان و ایتالیا درین مورد حاصل شد و بعد ازآنکه از وزیر مختار دولت انگلیس در مورد وصول آنها از طریق هند و عراق و ترکیه ضمانت تحریری اخذ گردید تصمیم گرفته شد متخصصین المانی و ایتالوی ، خانواده های شان (با استثنای اعضای سفارت آن دو مملکت که مثل سابق باید در مملکت می ماندند) رخصت شوند که بتاریخ ۸ و ۹ عقرب ۱۳۲۰ از سرحد افغانستان گذشتند .

علی محمد خان به جرگه اطمینان داد که متخصصین المانی و ایتالوی بضمانت دولت دوست و برادر ترکیه از طریق آن مملکت بوطن شان اعزام

شدند که طبق اطلاع سفارت خانه های دو مملکت متخصصین مذکور و خانواده های شان بعافیت بوطن های شان رسیده اند  
 باوجود آن طوریکه اوضاع جهان هر روز تغییر میکند بهتر است از طرف لوی جرگه خط مشی آینده مملکت تصویب و تعیین شود که مطابق آن رفتار شود.

بنا بر این بیانات علی محمد خان بعضی وکلای محترم مانند جناب حضرت فضل عمر مجددی (نورالمشایخ)، فضیلت ماب محمد سعید حضرت صاحب چهار باغ و اخند زاده صاحب تکاب و ملا صاحب گیان (ولایت پکتیا) و یک تعداد دیگر از نمایندگان بیانات مملو از حرارت مبنی بر قبول بیطرفی و عزم ستیز ملت به حفظ این بیطرفی و حفظ حقوق و شئون ملی و حفظ سرحدات مملکت از هر گونه تجاوز به حفظ استقلال و تمامیت ارضی افغانستان ایراد کردند که به ابراز احساسات و هیجان وکلای و نمایندگان رو برو و به کف زندهای ممتد استقبال شد.

جرگه بزرگ ملی در اوج احساسات نمایندگان در جریان بود هر کدام در بیاناتشان علیه انگلیس و روس سخن میگفتند. هرگاه دامنه بیانات و عکس العمل های نمایندگان بر حسب دستور العمل معمول کوتاه نمیشد شاید روزهای زیاد بیانات نمایندگان دوام میکرد. بالاخره چنین تجویز شد که خلاصه بیانات وکلای و نمایندگان هر ولایت و حکومت اعلی تحت عنوان احساسات نمایندگان (ولایت - - - - یا حکومت اعلی - - - -) جداگانه در اخبار و جراید نشر شود و چنین هم شد.

جلسه اول ساعت چهار و نیم بعد از ظهر خاتمه یافت. فردای آن روز جلسه دوم بریاست محمد هاشم خان صدراعظم بساعت ۳ بعد از ظهر منعقد گردید و بعد از مشوره طولانی و غور و دقت کامل نمایندگان مصوبه ذیل را قبول و از طرف حضرت صاحب نور المشایخ بحضور نمایندگان لوی جرگه قرائت گردید.

تصویب و اختتام لوی جرگه سال ۱۳۲۰ هـ ش

((نحمده و نصلی علی رسوله الکریم الحمد لله رب العالمین و العاقبت للمتقین .

مانمایندگان ملت افغانستان بموجب اختیاراتیکه از موکلین ما به ما داده شده است و برای لوی جرگه بکابل آمده ایم بعد از آنکه بیانات عالیقدر جلالتماب وزیر امور خارجه را راجع به گذارشات عالم و جریانات سیاسی افغانستان را تا

امروز استماع و دران غور و دقت نمودیم بیان میداریم : خط مشی سیاسی که حکومت المتوکل علی الله تا کنون تعقیب نموده مطابق آرزوی ما بوده کاملاً درست است لذا ما نمایندگان لوی جرگه سیاست بیطرفی کامل را که تا حال نگهداشته شده و در آینده هم بطور قطعی و حکم باید حفظ شود تصدیق مینمائیم.

افغانستان میخواهد در ساحه صلح با دول متعاهد و مخصوصاً همسایگان خود زندگی کند اما ما نمایندگان بموجب اختیاراتیکه از موکلین خود داریم این امر را بصورت قاطع و حتمی بیان میداریم که ملت افغانستان حاضر نیست هیچ خواهش یا مطالبه ایرا که مستقیم یا غیرمستقیم متضاد شرف و عنعنات و استقلال تام ما باشد و از هر طریقه باشد مورد بحث یا قبول قرار دهد یعنی به هیچ حکومت خارجی بهیچ صورت و بهانه اجازه و موقع داده نخواهد شد که تمام یا حصه از مملکت افغانستان را اشغال نماید یا برای مقصد عسکری از زمین و یا فضای مملکت محبوب ما استفاده کند و یا کدام امتیازی در دوران جنگ از ما خواهش نماید و قطعاً لازم نمیدانیم که حکومت ما با یکی از دول خارجی داخل معاهده جدیدی شود که سیاست بیطرفی مملکت ما را اخلال نماید و همچنین به هیچ حکومت به هیچ صورت و بهانه موقع داده نمیشود و نخواهد شد که به کوچکترین حقوقیکه در معاهدات افغانستان و در حقوق بین‌المللی برای یک مملکت مستقل که افغانستان هم یکی از آنها است معین شده است تصرفات و مداخله نماید. علاوه بران افغانستان حق داشته و حق دارد و حق خود را محفوظ خواهد داشت که باهر مملکتی که میخواهد روابط سیاسی خود را محفوظ نگداشته و در آینده هم روابط سیاسی خود را قائم کند. که نمایندگان ملت افغانستان بموجب اختیاراتیکه از موکلین خود داریم بر خط مشی فوق فیصله قطعی و حتمی مینمائیم.

ملت افغانستان هیچ وقت زیر بار یکی از حکومت های خارجه نرفته و نخواهد رفت. همیشه زندگی آزاد نموده و در آینده هم آزاد و مستقل زندگی خواهد کرد ملت افغان بعون الله و تعالی متحداً حاضر هستند که خود را محافظه نموده با شرف زیست و حیات نمایند (۱)

۵ شنبه ۱۵ عقرب ۱۳۲۰ امضای وکلا و نمایندگان ملت

بعد از قرائت مصوبه لوی جرگه از جانب حضرت صاحب نور المشایخ والا حضرت صدراعظم در اطراف عزم حکومت مبنی بر انجام آرزوهای ملت که از ابتدای حکومت اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید مدار اجراءات حکومت بوده است و آینده هم همینطور می باشد بیانیه ایراد کرد.

بعد از آن فضیلت مآب حضرت صاحب چهار باغ در تائید این فیصله نامه بیانیه ای ایراد و در آن عزم متین ملت افغانستان را که از حفاظت استقلال و حقوق خود و حفظ صیانت دین مقدس اسلام و حفاظت این سر زمین اسلامی (افغانستان) دارند اظهار داشت و هم از خیر خواهی، بیداری و کیاست حکومت و اینکه ملت ما باین پادشاه عادل و حکومت دین دار اعتماد کامل دارد بیانیه پر حرارت ایراد کردند.

بعد از آن شاه محمود خان وزیر حریه بحیث وکیل قبایل سمت جنوبی احساسات ساکنین آنجا را و اینکه درین موقع ضرورت بدون خواهش کدام معاونت مادی به سرو مال خود جهت انجام وظیفه مقدس دفاع از وطن و حفاظت دین مقدس اسلام و حکومت اسلامی افغانستان آماده هستند ترجمانی کرده بیانیه خود را باین جمله خاتمه داد.

((ما نخواهیم گذاشت هیچ یک شخص بیگانه در مملکت ما قدم گذارد و این خاک را وسیله پیشبرد مقصد ناپاک خود بگردانند)) هلهله و کف زدنها .

بعد از آن ملا صاحب گیان که از وکلا و علمای سمت جنوبی میباشند از طرف مردم سمت جنوبی بیانیه ای ایراد کرده و عزم متین و خلل نا پذیر ملت که جهت حفاظت حقوق و حدود وطن دین اسلام و اطاعت از حکومت اسلامی افغانستان کرده اند اظهارات نمودند.

بعد از آن چند نفر وکلای دیگر هم بیانات مملو از حرارت که همه موید تصویب لوی جرگه و اجرای آن بود ایراد کردند.

در اخیر صدر اعظم بحیث رئیس دوم ختم موفقانه لوی جرگه را اعلام کرد و گفت این مصوبه صرف یک پارچه کاغذ نیست بلکه حرف حرف آن باید در سینه های هر فرد افغان ثبت باشد و هر فرد افغان در هر جفا بهر کاریکه باشد باید در اجرای آن مخصوصاً در این وقت نازک و پر از شور و شر حاضر و آماده باشد باید بدانند که اجرای این تصویب ها تنها بدوش حکومت نمی

باشد بلکه هر فرد در آن سهم دارد و از همه بیشتر باید تفاق و شفاق را از میان خود دور کنیم و هر شخص که نسبت به آرامی و خیر و صلاح مملکت اراده‌نا درست داشته باشد موقع داده نشود که در میان ما تفاق و فتور ایجاد کند. در اخیر گفت خداوند بزرگ بما توفیق بدهد که این تصویبات را عملی کنیم.

این جرگه بزرگ ملی ساعت ۳ بجه و ۴۵ دقیقه روز در حال خوشی و هیجان برای حفظ دین، وطن، آزادی، ناموس ملی، اراده قوی و مستحکم ملت انجام یافت.

### جرگه بزرگ (لوی جرگه) سال ۱۳۳۴ هـ ش کابل

در خاتمه جنگ جهانی دوم و تشکیل دولت جدید اسلامی پاکستان محمد هاشم خان صدر اعظم بزرگوار و آخر سال ۱۳۲۵ هـ ش مستعفی و شاه محمود خان برادرش بحدیث صدراعظم تعیین گردید و بلافاصله موضوع پشتونستان در سر زبان‌ها افتاد.

روسها که همواره در جستجوی فرصت مناسبی جهت استفاده از اوضاع بودند این موضوع را دامن زدند و با استفاده از احساسات حکومت افغانستان با در نظر گرفتن هموائی و پشتیبانی حکومت هند از ادعای افغانستان پشتیبانی خود را بحکومت افغانستان و نمود و حکومت افغانستان را تشویق کردند و یک موضوعیکه نه مردم افغانستان خبر داشت و نه در دنیا کمترین طرفدار پیدا کرد، ریاکارانه دامن زدند اصل موضوع پشتونستان ماجرای طولانی است که در این مختصر نمی‌گنجد و اثر مستقلی را ایجاد میکند، چون مطلب از بیان چگونگی جرگه سال ۱۳۳۴ هـ ش میباشد که اصلا در همین موضوع دائر شده بود لذا در مورد پشتونستان نیز چند سطر مختصر بخدمت خوانندگان تقدیم میگردد.

در ابتدای تشکیل دولت پاکستان تمام ممالک دنیا آنرا برسمیت شناخت غیر حکومت افغانستان و حین قبول شدن پاکستان بحدیث عضو موسسه ملل متحد تنها حکومت افغانستان در شمول پاکستان بان موسسه رای منفی داد. گرچه بعد هلمرائی خود را واپس گرفت اما در نظر جهانیان حرکت چندان معقول تلقی نگردید.

به بینیم منابع خارجی درین مورد چه میگویند، ((سرحدات شرقی افغانستان



برای روس اهمیت حیاتی داشته و میکوشیده است که همکاری سران قبایل را بدست آورد. دست داشتن روسها در سرحدات شرق افغانستان تا امروز مشهور است ((۱)).

در سال ۱۹۴۷ بعد از اخراج انگلیسها از منطقه و بوجود آمدن دو مملکت مستقل هند و پاکستان حکومت افغانستان خواست با استفاده از آخرین فرصت مناطق از دست رفته را از طریق مذاکرات سیاسی بدست آورد. حکومت افغانستان چنین فکر میکرد که بعد از بیرون رفتن انگلیسها از منطقه فرصت مطرح نمودن مسئله مناطق از دست رفته افغانستان فوت خواهد شد. البته انگلیسها باین خواسته افغانستان کدام ارزش نداده و حاضر نشدند پاداش سیاست بیطرفی افغانستان را در جنگ جهانی دوم بپردازند که در گذشتهها نیز چنین شده بود.

نویسنده درین مورد چنین علاوه میکند. در سال ۱۹۴۷ انگلیسها قبل از آزادی هند و پاکستان جهت رفع مشاجرات هندوها و مسلمانان در ایالت سرحدی ریفراندم را براه انداختند تا معلوم شود که مردم منطقه طرفدار کدام جانب اند. ساکنین مسلمان نشین باید بین هند و پاکستان یکی را انتخاب می نمود.

در جمله کسانی که حق رای دادن داشتند ۵ / ۵۵ فیصد شان برای انداختن رای در صندوقها حاضر شدند که از آن جمله ۹۹ فیصد شان به طرفداری تشکیل پاکستان رأی دادند. در عین حال یک تعداد احزاب منطوقوی طرفدار خود ارادیت بودند.

بالاخره حکومت کابل به طرح مسئله ((بنام)) پشتونستان پرداخت. حکومت کابل این موضوع را در سر خط تبلیغات خویش قرار داده خواهان ملت مستقل شد که از نگاه نژادی و زبانی باهم متحد بودند. در حالیکه این وحدت در بین خود قبایل هم وجود ندارد.

اما بعداً از خود نرمش نشان داده موجودیت همسایه اش را پذیرفت. انتونی آرنولد مینویسد ((حکومت افغانستان در مراحل اولی مبارزه اش

(۱) چشم انداز تهاجم روس بر افغانستان بقلم آرنولد ترجمه سید رسول



در راه بدست آوردن خاک‌های از دست رفته، از پشتیبانی حکومت هند برخوردار بود بعد از چندی که حکومت افغانستان امکانات بدست آوردن سرزمین‌های مذکور را ضعیف و ضم آنها بخواک افغانستان مشکل یافت، مسئله را بشکل حق خود ارادیت پشتونها و بلوچها مطرح نمود. انضمام آنها بافغانستان بحدت جزئی از خاک‌های از دست رفته صرفنظر نمود. حکومت هند باین اقدام کابل هم نظر نشد زیرا میترسید سرنواشت کشمیر هم بهمین ترتیب فیصله خواهد شد لذا پشتیبانی حکومت هند از مسئله پشتونستان در دهه (۱۹۵۰) قسماً رو به سردی گذاشت (۱). سیاست خارجی امریکا درین ایام جلوگیری از پیشروی روسها بود لذا واشنگتن میگوشتید پاکستان را به نحوی از انجا شامل یکی یا چند پکت امریکائی سازد. باین ترتیب ایالات متحده امریکا حاضر نبود حکمرانان پاکستان را با نزدیکی با افغانستان آزرده خاطر سازد.

همچنان پستی بانی روسهائیز از این ادعای افغانستان موثر و صمیمانه نبود و روسها که در سال (۱۹۴۹) بصورت فجیعانه از آذربایجان - ایران بیرون را نده شده بودند در سیاستهای منطقوی شان سخت محتاط بودند.

در عین حال حکومت افغانستان از فعالیت‌های روسها در افغانستان و استخدام اشخاص فراری تاجکی، اوزبکی و ترکمنی آسیای مرکزی در شبکه‌های جاسوسی روس در اواخر دهه ۱۹۴۰م آگاهی یافته بودند و حکومت افغانستان از فعالیت افراد مذکور در افغانستان در تشویش بوده در نزدیکی‌شان با روسها دقیقانه متوجه بودند. با اینهم روابط روسیه و افغانستان در سائر ساحات نیک و حسنه بود.

شرایط فوق‌الذکر باعث گردید که افغانستان از پشتیبانی کامل بین‌المللی برخوردار نگردد. مقارن تشکیل دولت پاکستان در داخل افغانستان به تجویز مامورین دولت از هر جا حداً هائی بنام پشتونستان بلند گردید. تا جائیکه بعد ها یک روز (۹ سنبله) را بنام روز پشتونستان نام گذاشتند و برای مامورین حاضری گذاشته میشد مجبور بودند دران روز مقابل وزارت مالیه جائیکه بنام پشتونستان یاد میشد جمع شوند.

در افغانستان بر علاوه نشرات را دیو و جراید در روز ۹ سنبله در هر جا

بنام پشتونستان جشن گرفته میشد و سر و صدائی بالا میگردد تا جائیکه شعار دهندگان اکثراً با تمسخر این کلمات مکرر را دیو کابل را ادا میکردند (یا پشتونستان جوړوم یا به گورستان جوړوم) بسا اشخاص بنام طرفداری از موضوع پشتونستان استفاده های مالی کردند. حکومت های افغانستان پول - پارچه باب غله، شکر و غیره ما یحتاج زندگی را سیل آسا به مناطق پشتون نشین ماورای سرحد ارسال میکردند اینکچه چه اندازه به آنها میرسید سوالیست که نزد نویسنده مجهول است.

مامورین دولت ادعا نامه ها از طرف مردم هر منطقه ترتیب و درحالیکه مردم اصلاً ازان ادعا نامه ها اطلاع نداشتند برا دیو و ریاست مستقل قبایل ارسال میکردند که گفته میشد ما برای احقاق حقوق حقه برادران پشتونستانی بسر و مال حاضریم. این نوع تبلیغات همه روزه در رادیو، روزنامه ها و جراید پخش و نشر میگردد تا جائیکه در را دیو، برای سایر موضوعات کمتر جای می ماند. موضوع پشتونستان رفته رفته در دستگاه حکومت گرم میشد اما در نظر ملت بهمان تناسب سرد بود.

برای یک نفر نویسنده کافی بود چند سطر در باره احقاق حقوق برادران پشتونستانی خود بنویسد و مورد لطف و نوازش حلقه های حکومت مخصوصاً داؤد خان قرار گیرد. اگرچه این موضوع از بسکه طول کشید و از بسکه مکرر بود حتی طرفداران سر سخت مسئله پشتونستان را هم خسته ساخته بود. داؤد خان در پس تمام این ماجرا ها قرار داشت او بمصرف پول و ایجاد خوف و تهدید بکسی مجال نمیداد تا درباره عدم لزوم این سر و صد ها سخن بمیان بیارد.

مرحوم غلام سرور وکیل قره باغ در دوره ۱۲ ولسی جرگه بصراحت گفت که: ((این مسئله پشتونستان از سالها در سر زبان ها است چه ضرورت دارد مردم ما را به فقر کشانده و بمردم پشتونستان هم کدام قایده نرسانده است بیائید ازین موضوع بکلی صرف نظر کنیم)).

در سال ۱۳۳۲ استعفای شاه محمود خان اعلان شد و داؤد خان بحیث صدراعظم بی پروا و بی خبر از مهارت های سیاست مداران روسی و هندی تمام توجه خود را بطرف مسئله پشتونستان معطوف گردانید.

او خواست عملاً به روس ها و هندیها نشان بدهد که با تمام قدرت

این سیاست ، (پشتونستان و کشمکش با پاکستان) را پیش میبرد . لذا خواست لوی جرگه را دائر کند و ازین نام باستانی و با ارزش ملی استفاده کند . نزد ملت افغانستان و هم در نظر ملل خارج لوی جرگه های افغانستان دارای اهمیت بزرگ سیاسی و اجتماعی بوده گاه گاهی بعد از هر چند سال در موارد نهایت حساس دائر میشوند . بهمین سبب هر وقت لوی جرگه افغانستان دائر شود منابع خارجی و خبر گذاریها با توجه خاص بان می نگرند .

لوی جرگه سال ۱۳۳۴ دعوت و اعلانات و فرامین آن بذریعۀ ارگانهای حکومت به اطراف ابلاغ گردید . داؤد خان در مورد نمایندگان چه در لوی جرگه و چه در شورای ملی به دو اصل اتکا داشت یکی اینکه میخواست اشخاص نالایق - به مجالس او حاضر شوند و دیگر اینکه او جزئی ترین مخالفت یا ابراز نظر را تحمل نداشت .

لذا کسی را که یک بار بخود مخالف تشخیص کرده بود و یا دانسته بود که او شخص فهمیده است کوشش میکرد در مجالس همراه نیابد . بطور مثال طرز انتخاب نمایندگان شهر کابل در جرگه سال ۱۳۳۴ یاد آوری میشود .

در موقع انتخابات نمایندگان شهر کابل در جرگه سال ۱۳۳۴ ، حسب تعامل معززین شهر در حدود صد نفر یا بیشتر در لیست حبیبیۀ آنوقت پسان لیست عایشه درائی (جنوب دریای کابل) جمع شدند تا چند نفر را در لوی جرگه انتخاب کنند . نامهای یک تعداد کاندیدها در روی تخته سیاه تحریر شد ، محمد هاشم مجددی هم در آن محفل حاضر بود .

با صرار حاضرین نام او نیز در تخته سیاه تحریر و کاندید شد . در نتیجه پنج نفر هر یک میر سید قاسم خان ، غلام محمد فرهاد ، میرزا محمد خان یفتلی ، محمد قدیر ترهکی و محمد هاشم مجددی که ماسور عالی رتبه وزارت معارف بود بحیث نمایندگان شهر کابل انتخاب شدند . فردای آن دا کتر عبدالمجید وزیر معارف وقت آقای مجددی را خواست و گفت حتما سید عبدالله والی کابل را ببینید بعد از چاشت همان روز محمد هاشم مجددی نزد والی کابل رفت . سید عبدالله برایش گفت ((شما ماسور وزارت معارف هستید در لوی جرگه اشتراک کرده نمیتوانید از جرگه استعفی بدهید)) ، محمد هاشم مجددی گفت ((قرار قانون یک ماسور دولت که به موکسات ملی انتخاب میشود از وظیفه اش

استعفی می‌دهد من از مأموریت خود در معارف استعفی می‌دهم)). سید عبدالله باز در حرف خلاف قانون خود اصرار کرد. مرد عالم گفت ((این خلاف قانون است مردم بمن اعتماد کرده اند من از مأموریت استعفی می‌دهم. هنوز جرگه دائر نشده چرا استعفی بدهم)) بعد از نزد والی مرخص شد اما حکومت از ورود محمد هاشم مجددی به جرگه جلوگیری کرد و نگذاشت شامل جرگه گردد. چه داؤد خان میدانست که شخصی مانند هاشم مجددی با پروگرام پشتونستان سازی او مخالفت میکند.

در عوض آقای مجددی دو نفر دیگر جنرال متقاعد محمد جعفر خان و عبدالعزیز خان وزیر داخله اسبق به جرگه تعیین شدند.

چنین آوازه بود که داؤد خان در تدویر جرگه سال ۱۳۳۴ سه هدف داشت.

۱ - جنگ یا تظاهر به جنگ با پاکستان به تحریک و تشویق روس ها و هندی ها.

۲ - در نمایش موضوع پشتونستان استفاده از نام جرگه.

۳ - خریداری یک مقدار سلاح از روس (بنام اینکه امریکا و دول غربی بافغانستان سلاح نمیدهند) درین مورد داؤد خان از احساسات مردم استفاده کرده و یک اندازه سلاح های کهنه زمان جنگ دوم جهانی را از روس ها خرید.

داؤد خان موضوع دوم و سوم این یاد داشت را چنانکه بعد تر در بیانیه او خواهیم دید رسماً مطرح کرد ولی موضوع اول را که جنگ بود بصورت خصوصی و بطور (باصطلاح لابی انگ) (Lobbying) (۱) بذریعه گماشتگان معتمد خود در صحبت های خصوصی با وکلاء مطرح میکرد. و چون دید هیچ کس راجه موضوع جنگ علاقه نگرفته و جزئی ترین پشتیبانی ندارد بلکه بکمال بی علاقه گی بان دیده میشود لذا دیگر از آن موضوع صرف نظر کرد.

او این موضوع را در سفر بری سال ۱۳۳۳ یک بار امتحان کرده بود گرچه افراد قوای احتیاط را جلب کرد آنها مجبور بودند حاضر شوند. چه در

(۱) اصطلاح پارلمانی: وکلا را بطور خصوصی دیدن در دهلیزها بیانیه های

تبلیغاتی خصوصی کردن.

افغانستان خدمت زیر بیرق و احتیاط اجباریست. اما ذهنیت مردم دارای اهمیت خاص بود. مردم داؤد خان را در مدت تصدی وزارت داخله، ریاست تنظیمه قندهار بعد تر در مدت سه چهار سال (تا تشکیل جرگه) اول صدارت او خوب درک کرده بودند به نظریات او قلباً موافقت نداشتند. لذا سفر بری سال مذکور هم جائی را نگرفت و روسها همچنان در انتظار ماندند.

بهر حال نمایندگان بغرض اشتراک در لوی جرگه وارد کابل شدند و جرگه بتاريخ ۲۲ عقرب ۱۳۳۴ ساعت ۴ - ۳ دقیقه بعد از ظهر در تالار قصر ستور افتتاح شد. در یک نشریه جداگانه بنام لوی جرگه سال ۱۳۳۴ و همچنان سالنامه سال ۱۳۳۴ کابل درین مورد چنین ذکر شده است:

((الحمد لله رب العالمين والصوات والسلام على خير خلقه محمد واله واصحابه اجمعين. به توفیق خداوند دانا و توانا و بدعای طول عمر المتوکل علی الله اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و به سعادت و بختیاری افغانستان لوی جرگه یعنی مجلس بزرگ ملی به پیشنهاد شاغلی صدر اعظم و اراده سنیة اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه در مرکز مملکت اجتماع نمود.

جرگه بتاريخ ۲۲ عقرب ۱۳۳۴ بساعت ۴ - ۳ دقیقه بعد از ظهر در تالار قصر ستور به تلاوت آیات قرآن کریم و نطق شاهانه که رئیس این مجلس بزرگ ملی میباشند افتتاح گردید. (۱) بسببیکه ذات ملوکانه در تمام جلسات لوی جرگه حضور بهم رسانده نمیتوانستند به شاغلی محمد نوروز رئیس دوره نهم شورای ملی امر فرمودند که مجلس را به انتخاب یک رئیس دعوت نمایند.

هنگامیکه اعلیحضرت معظم همایونی از سالون اجتماع لوی جرگه تشریف فرما گردیدند حسب الامر اولوالامر مجلس به انتخاب رئیس دعوت شد و در نتیجه شاغلی محمد گل مهمند وکیل نرننگ و با سول ولایت مشرقی به نیابت لوی جرگه منتخب گردید.

محمد گل خان بعد از آنکه مجلس را دایر کرد ضمن بیاناتش در عوض اصل موضوع و اینکه نظریات مردم را در باره پشتونستان معطوف و از جوش

(۱) متن نطق پادشاه باوصف تلاش زیاد بدست نیامد حتی در اصل رساله ایکه بنام لوی جرگه ۱۳۳۴ مستقلاً نشر شده فرمان پادشاه بنظر نرسید.

احساسات داؤد خان و بعضی کسان دیگر بکاهد ، به دا کتر عبدالمجید وزیر معارف حمله کرد و ضمن گفته هایش افزود ((چه سم او صحیح مری نه دی)) یعنی آدم درست و صحیح نیست . این گفته او انعکاس بسدی در کابل کرد . بهر حال مجلس افتتاح شد . طوریکه پیشتر ذکر گردید این جرگه ها در حیات مردم افغانستان دارای اهمیت سیاسی و اجتماعی زیادی میباشند و هم گاه گاه در مواقع مهم و حساس دائر میشوند لذا مردم جهان به تدویر این جرگه ها اهمیت زیاد قایل میباشند . جنرال آیزن هاور رئیس جمهور ایالات متحده امریکا چون آوازه تدویر این جرگه آنهم در مورد خاص پشتونستان را شنید مکتوب مفصلی بنام ملت افغانستان و لوی جرگه فرستاد که حین جریان جرگه ترجمه آنرا سردار محمد نعیم و وزیر خارجه داؤد خان بمجلس قرائت کرد . او در مکتوب خود علاقه بسدی ملت امریکا را بمردم افغانستان وانمود و از جرگه خواهش کرده بود تا خویشتن داری نشان داده و برای حفظ صلح و ثبات منطقه از صبر و تحمل کار بگیرند . . . . .))

سپس به اجازه نایب رئیس شاغلی صدر اعظم بیانات مفصل خود را در موضوع حقوق مردم پشتونستان بحضور مجلس قرائت نمود و خاطر نشان ساخت که ((حکومت افغانستان در مدت هشت سال سعی و کوشش نمود تا از راه مفاهمه دوستانه اهمیت موضوع را به زمامداران پاکستان حالی سازد و برای حل مسالمت جویانه آن به فیصله ای برسد . متأسفانه که تمام مساعی حکومت افغانستان بجائی نرسید بلکه نتیجه آخرین آن ادغام جبری خاک پشتونستان در یونت غربی پاکستان گردید .

با این اقدام خود زمامداران پاکستان ثابت ساختند که تصمیم نموده اند برخلاف میل و آرزوی ملت پشتونستان شخصیت ملی و حقوقی آن قوم را برای همیشه از بین برده و علاقه های آنرا برخلاف میل آن مردم جزء پاکستان بسازند . از طرف دیگر با کمک های نظامی و اقتصادی که به پاکستان از بعضی ممالک بزرگ بعمل آمده و می آید بکلی موازنه قوا را درین قسمت آسیا پر هم زده و خطرات مدعش را برای امروز و آینده افغانستان تولید کرده است . چنانچه همین تقویت نظامی پاکستان موقع داده است تا از راه جبر و ظلم بیشتری حقوق مردم پشتونستان را پامال ساخته و برای نابودی و امحای آنها قدمهای درشت و سنگین بردارد)) .

شاغلی صدراعظم بعد از دادن توضیحات مفصل اظهار نمود که ((بنده بحیث خدمتگار قوم!!! وظیفه وجدانی و ملی خود میدانم که حقایق و خطراتی (۱) را که افغانستان بدان مواجه شدنی است باطلاع نمایندگان محترم ملت برسانم و با کمال وضاحت روشن بسازم که درین موقع مهم و تاریخی دو نقطه با رز برای فیصله نزد حکومت و ملت افغانستان عرض وجود میکنند.

۱ - آیا حکومت افغانستان صدای تظلم و ندای مصرانه مردم پشتونستان را مربوط حمایت حقوق مسلم آن برادران خون شریک خود لیبک بگوید و حقوق مشروع شائرا حمایت کند یانه ؟

۲ - چون موازنه قوا با کمک تسلیحاتی که با پاکستان کرده شده و میشود درین منطقه کاملاً برهم خورده آیا حکومت افغانستان برای بقا و محافظه شرافت ملی خود بغرض تقویه دفاعی اقدام نماید یا خیر ؟

بعد از شنیدن بیانات صدراعظم اعضای لوی جرگه با اجازه نایب رئیس به مذاکرات و اظهار نظر پرداختند. از روز اول مجلس تا روز سوم که ۲۴ عقرب است سه روز متوالی با حضور (۳۷۱) نفر وکلاء ملت در اطراف پیشنهاد حکومت بحث و مذاقه بعمل آمد و بعضی از نمایندگان از نزد صدراعظم سوالاتی نمودند و جوابات قناعت بخش گرفتند.

بتاریخ ۲۴ عقرب لوی جرگه باز تحت ریاست نایب رئیس انعقاد یافت بعد از مذاکرات و بیانات وکلاء و توضیحات شاغلی صدراعظم و سائر اعضای حکومت کمیسیون از طرف لوی جرگه تعیین گردید تا فیصله آخری لوی جرگه را تسوید و بمجلس عمومی حاضر دارند. بتاریخ ۲۷ عقرب لوی جرگه مکرراً طبق معمول تشکیل جلسه داد و باتفاق آراء باین نتیجه رسید :

۱ - حمایت حقوق و تعیین سر نوشت مردم پشتونستان که برادران همکیش و هم نژاد ما هستند بنا بر درخواست عامه مردم پشتونستان وظیفه ملت و حکومت افغانستان است. بناء علی هذا لوی جرگه بحکومت توصیه میکند که مطابق ایجابات اوامر شرعی و اشتراک تاریخ و عنعنه و کتور از درخواست عامه مردم پشتونستان برای حق تعیین سر نوشت آنها حمایت نماید.

(۱) کدام خطرات ؟ خطراتیکه بالآخره خودش با کودتای جعلی سال ۱۳۵۲

هش برای افغانستان مهیا کرد ؟ (نویسنده)



۲ - نظر به سیاست موجوده حکومت پاکستان مخصوصاً بهم خوردن توازن قواء درین منطقه که در اثر گرفتن کمک های نظامی از ممالک بزرگ از طرف پاکستان بوجود آمده و اضرار اراده سوء و اقدامات خطرناک پاکستان به افغانستان نیز متوجه گردیده است . پس در چنین موقع پر خطر و وظیفه حکومت است مملکت را نظر به فریضه حفاظت استقلال و تمامیت ارضی تقویت کند . بناء علیه لوی جرگه بملاحظه این ایجابات و ضرورت وقت حکومت را توصیه میکند تا بهرگونه طرق و وسایل که ممکن باشد و بهر قسمیکه بصورت شرافتمندانه میسر شود مملکت را بفرض دفاع مجهز و تقویت نماید .

۳ - لوی جرگه به نمایندگی از ملت افغانستان اعلام میدارد که بهیچ صورت علاقه های پشتونستان را برخلاف میل و آرزوی خود ملت پشتونستان جزء خاک پاکستان ندانسته و درین مورد تصویب نمبر ۷۲ تاریخی ۲۳ میزان ۱۳۳۴ مجلس شورای ملی و اعضای آنرا تأیید میکند .  
در خاتمه لوی جرگه به پشتیبانی هر سه مقصد فوق آمادگی ملت را بحکومت وعده اطمینان میدهد .

ومن الله التوفیق .

نوت: تصویب نمبر ۷۲ - ۲۳ میزان ۱۳۳۴ شورای ملی سیاست حکومت داؤد خان را در مورد پشتونستان تأیید کرده است .



## استغفی داؤد خان از مقام صدارت

بعد از ظهر دو شنبه ۱۹ حوت ۱۳۴۱ هـ ش بود که وزیر معارف وقت  
داکتر علی احمد پوپل از مجلس وزراء باز گشت یک اندازه باشتاب معلوم میشد  
به چوکی خود نشست و گفت: ((سردار (داؤد خان) استغفی میدهد میگوبند  
یکی از جوانهای تحصیل کرده بحیث صدر اعظم مقرر میشود قانون اساسی  
تجدید و حکومت پارلمانی واقعی روی کار خواهد آمد.))

نویسنده مامور عالی رتبه وزارت معارف و از همکاران نزدیک داکتر پوپل  
بودم. چند لحظه گفت و شنود که ناشی از حس کنجکاو من بود صورت گرفت.  
بعد با ارتباط کارهای وزارت معارف ورقه عرضی بود که وزیر امضاً کرده بودند  
باید بامضاً صدر اعظم میرسید و رقعہ را بمن داد و گفت زود نزد وزیر مخابرات  
(محمد مرید خان که منشی مجلس وزراء بود) بقرست تا با مضمناً سردار صاحب برساند.  
به عجله نزد محمد مرید خان رفته ورقه را در اطاق کارش باو دادم دید و  
گفت: ((چه میدانم سردار صاحب امضاً کند؟ کابینه از بین رفت سردار صاحب  
استغفی داده است، وزیر صاحب معارف چیزی نگفت منتظر جواب من نشده  
گفت قانون تغییر میخورد. جوانهای تعلیم یافته باید بیایند او که سکدر و متفکر  
معلوم میشد دیگر چیزی بیشتر نگفت ورقه را گرفت و من مرخص شدم.

همان روز شام یا فردای آن خبر استعفای داؤد خان از را دیو اعلان شد  
مردم افغانستان که از داؤد خان و حکومت طویل المدت او در طول نه ونیم  
سال خسته شده بودند خبر استعفای او را به خوشحالی زیاد استقبال میکردند.  
دوستان یک دیگر را تبریک میگفتند.

## جرگه بزرگسال ۱۳۴۳ هـ - ش کابل مطابق سپتمبر ۱۹۶۴ م

و مقدمات تسويد قانون اساسی جهت تقدیم به جرگه

بتاریخ ۱۹ حوت ۱۳۴۱ استعفای داؤد خان اعلان شد و داکتر محمد یوسف از طرف پادشاه بحیث صدر اعظم دوره انتقالی تعیین گردید. داکتر محمد یوسف در دوره کوتاه صدارت خود از کارهای مهمی که انجام داد تسويد قانون اساسی جدید و تصویب آن توسط لوی جرگه و تنفیذ یک تعداد قوانین فرعی بود. مردم باریسیدن به حقوق و آزادی نسبی به آینده امیدوار گردیدند. مخصوصاً بعد ازینکه قانون اساسی جدید تدوین و از جرگه بزرگ ملی تصویب و در مملکت نافذ گردید امیدواری مردم بیشتر شد. مردم که از استبداد و اختناق رنج میبردند و به تغییرات جدید علاقه مند بودند قانون اساسی و تحول جدید را بخوشی استقبال کردند ملت که مرحله جدید حیات سیاسی و تحول اجتماعی را به چشم میدیدند بی صبرانه انتظار تغییرات فوری و مهمی را می کشیدند. در اخبار و جراید کشور همه روزه مقالات و تبصره های زیادی نشر میشد که همه نوید دهنده روزهای خوش و خرم بود. عوامل زیادی این تغییرات را بوجود آورده بود. نفوذ روز افزون روس ها در دستگاه حکومت داؤد خان و تفرزید مردم ازین رهگذر بیخبری و خوش باوری او به عناصر کمونست اما ظاهراً مخلص به خودش که اصلاً نماینده روس و در حقیقت داؤد خان را مثل آله در دست داشتند، وقوع کودتا در عراق و سرنگون شدن سلطنت و رویکار آمدن حکومت چپ گرا در آن مملکت نیز در جریان سیاسی بین المللی آنوقت تأثیر داشت. بر علاوه کشمکش های بی لزوم سیاسی داؤد خان با پاکستان، مسدود شدن سرحدات، رکود تجارت، صعود نرخ ها مخصوصاً رکود صادرات و واردات بین افغانستان و پاکستان مزید بر عوامل تنفر و انزجار مردم نسبت به حکومت داؤد خان شده بود.

پادشاه از ذهیت عمومی جامعه بی برده بود لذا در صدد دور کردن او از صحنه و ایجاد یک حکومت قانونی گردید.

بنا بران این تغییر از طرف مردم بخوبی استقبال شد شنیدن خبر کنار رفتن داؤد خان مردم را به بهبود اوضاع آینده امیدوار گرداند. هر کس با دوستان روبرو میشد موضوع بحث و گفتگو همین جریان بود. کم کم طلیعه آزادی نمودار میشد نشست و برخاست ها بین دوستان و علاقه مندان مسایل سیاسی آغاز یافته بود. لوتی دو پری نویسنده کتاب (افغانستان) بعد از آنکه درباره روابط افغانستان و پاکستان (قبل از استعفای داؤد خان و تشکیل حکومت قانونی) و بسته شدن سرحدات و کشمکش های سیاسی و تشنجات ناشی از آن بحث میکند در مورد تغییر حکومت و تشکیل جرگه ۱۳۴۳ چنین اشاره کرده است: ((در نهم مارچ ۱۹۶۳ بن بست با یک اعلان در اماتیک رادیو افغانستان شکست سردار محمد داؤد خان که مدت نه و نیم سال بار مسئولیت حکومت را بدوش داشت از وظیفه اش استعفی داد و استعفای او از طرف پادشاه قبول گردید. فکر میکنم جرگه های عنعنوی بیشتر از هر چیز دیگر افغانستان را در بحران داخلی اش محفوظ داشته است. داؤد فکر میکرد که از طریق انتخابات آزاد قدرت را بدست خواهد گرفت)).

لوتی دوپری تحت عنوان مرحله قانونی آغاز میشود چنین علاوه میکند: ((روز های آفتابی صاف و درخشان ۱۰ مارچ ۱۹۶۳ (۲۰ حوت ۱۳۴۲) بود چند روز پیش یک برف غیر موسمی (بعقیده دوپری) با ریزه بود درین روز آفتابی کوه ها مانند آئینه انعکاس میکرد. مردم مثل نوروز ها و عید ها در کوچه قدم میزدند، فامیل ها یک دیگر را ملاقات میکردند. مامورین دولت در کار های خود بودند ولی اکثر چوکی های خود را خالی گذاشته برای چندی بیرون میرفتند تا با ازدحام بپیوندند و باز بکار های خود بر گردند. دوستان با یک دیگر در باره استعفای داؤد مذاکره میکردند.....  
..... در قریه جات سردمان ناخوان برادیو های ترانز ستور خود جهت شنیدن انکشافات بعدی گوش میدادند. اشخاص خواننده (با سواد) در مقابل تخته های نصب اخبار ایستاده خبر ها را میخواندند در بازار ها نه پولیس کس را مراقبت میکرد و نه اثری از تانک ها دیده میشد. موسسات تجارقی، اهل بازار، موسسات صادراتی و وارداتی گوش به آواز و چشم براه باز شدن سرحدات شدند. تجار و کسبه پول دار آماده سرمایه گذاری و امید وار رونق گرفتن بازار ها بودند. در حدود دو صد هزار کوچی با مید جریان

رفت و آمد شان براه های سابق خود بافغانستان و پاکستان شدند .  
مردم کابل تنزیل نرخ ها را که صد فیصد بالا رفته بود انتظار داشتند  
علما و طبقه مسلمان انتظار داشتند مسایل دینی زیاد تر مدنظر گرفته  
شود. (۱)

خلاصه هر طبقه و گروه در جامعه افغانی فکر میکردند باروی کار آمدن  
حکومت جدید در وضع جدید و فعالیت های آنها بهبودی حاصل خواهد گردید.  
چون داؤد خان سخت تحت تاثیر روسها قرار داشت علما مخصوصاً ازین لحاظ  
تشویش داشته گوش به آواز جلوگیری از بی بند و باریهای ناشی از بی اعتنائی  
دوره حکومت داؤد خان در مسایل دینی و مذهبی بودند .

طبقه با سواد، طلاب و منسوبین معارف و محصلان پوهنتون احساس  
میکردند ریفارم های اجتماعی و سیاسی بعین خواهد آمد .

((تنها سه گروه در از میان رفتن داؤد خان خوشنود نشدند . یکی طرف  
داران سر سخت مساله پشتونستان ، دیگری اعضای خانواده شاهي مخصوصاً  
محمد زائی(۲) های بیرون در بار که بصورت غیر سرئی منافع بنام  
محمد زائی گری داشتند به دلیل اینکه خوب نشد قدرت از دست خانواده خارج  
گردید . گروه سوم تعداد محدودی از صاحب منصبان عسکری طرفدار  
خدمت گذار روس ها . بسیاری ازین گروه ها هم مردمان موقع شناس بودند  
که بزودی بدور حکومت جدید گرائیدند و دسته دیگر همچنان بحیث گروه  
مخالف امانه بسیار اشکارا باقی ماند)) . داؤد خان بعد از کودتای ۲۶ سرطان  
خود این گروه موقع شناس را در بیانیه هایش همیشه سر زنش و بنام دوستان  
سست عنصر یاد می کرد .

خلاصه غیر از همین گروه های فوق که از نظر تعداد هم خیلی کم  
بودند دیگر همه طبقات و گروه های مختلف مردم طوریکه در فوق اشاره گردید  
از تغیر حکومت خوشحال بودند . منابع خارجی هم بعلت باز گردیدن راه ها  
و صدور اموال تجاری و مسایل دیگر ازین تغیرات خوش بودند . تنها روس ها  
بودند که یک آله موثر و قوی دست خود را از دست داده و ازین جریان بکلی  
ناراض بودند . لوتی دوپری درین مورد چنین نگاهشده است :

(۱) افغانستان - لوتی دوپری .

(۲) باید گفت بعضی از محمد زائی ها . (نویسنده)

((متابع غربی، امریکائی ها و جرسن ها ازین تغییر خوش حال شدند چه راه باز میشد و تجارت و مواد امدادی شان دو باره جریان می یافت. در ظرف مدت هشت هفته از ۳۱ جنوری ۱۹۶۳ مطابق ۱۰ دلو ۱۳۴۲ سرحدات (افغانستان و پاکستان) باز گردید.

ایرا نیاها نیز ازین جریان خوشحال شدند زیرا شاه ایران شاید کمک هائی درین مورد میکرد. پاکستان نیز به نوبت خود درین مورد خوشحال بود که مسایل و مشکلات خود را با همسایه غربی خود رفع میکرد.

در جمله ممالک خارج تنها روسیه شوروی و اعمار او و جمهوریت مردم چین این تغییر را استقبال نکردند دیگر همه ممالک این تغییر را استقبال کردند. روسیه بعضی مامورین عالیرتبه خود را برای مشوره به مسکو خواست. بعضی مامورین سابقه دار سفارت روس در کابل برای مدت چندی امریکائی ها را ندیدند تا متیقن شدند که درین تغییر امریکا دست نداشته است)).

داکتر یوسف خان بتاريخ ۲۵ حوت ۱۳۴۲ کابینه خود را اعلان کرد از جمله وزرای کابینه داکتر یوسف ۶ تن اعضای کابینه داؤد خان بودند. بیانیه داکتر یوسف را هر کس بخوبی استقبال کرد و منتظر نتیجه فوری اقدامات او بودند.

روز ۱۸ مارچ ۱۹۶۳ مطابق ۳۰ حوت ۱۳۴۲ وزارت مالیه نرخ بین المللی دالر را ۴۵ افغانی در مقابل یک دالر اعلان کرد. دو روز بعد در اوایل حمل ۱۳۴۳ وزارت فواید عامه اعلان کرد که امریکا و روسیه در مورد ساختمان سرک ها قرار داد هائیرا با افغانستان امضاء کردند.

۶ حمل ۱۳۴۳ - ۲۴ مارچ ۱۹۶۳ آریانا اعلان کرد که طیارات جدید از امریکا خریداری میکنند. در ۲۶ مارچ ۱۹۶۳ - ۸ حمل ۱۳۴۳ وزارت فواید عامه اعلان کرد امریکا یک ملیون دالر دیگر به افغانستان کمک خواهد کرد تا تعمیرات پوهنتون کابل تکمیل گردد. گرچه کارهای مربوط باین قرضه ها بزودی آغاز نشد اما حکومت را نزد مردم اعتبار بیشتر داد. (۱)

اجراآت و اقدامات حکومت یکی بعد دیگر اعلان میگرددید و همه آن در حقیقت بمردم مزده بهبودی و رفاه حال میداد. مخصوصاً مردم که مدت نه و نیم

سال تحت حکومت ناخوش آیند داؤد خان گذرانده بودند هر اقدام حکومت را به نظر نیک و قدردانی استقبال میکردند.

داکتر محمد یوسف در ۲۸ مارچ ۱۹۶۳ مطابق ۷ حمل ۱۳۴۳ اعلان کرد که یک کمیته برای تسوید قانون اساسی تعیین گردیده است و همانروز یک کنفرانس مطبوعاتی دایر نمود. بسیاری باین عقیده بودند که غرض ازین کنفرانس مطبوعاتی هموار کردن راه برای ایجاد مطبوعات خارج کنترل دولت بود. در همان ایام در شهر کابل این شایعه پخش گردید که مطبوعات غیر دولتی آزاد میشود امتیاز روزنامه انیس و بعضی جراید دولتی به اشخاص فروخته میشود. چنانچه بعد از نفاذ قانون اساسی جدید یک تعداد روزنامه ها و جراید آزاد به نشرات آغاز کردند. در سال ۱۳۴۳ در معاشات ماسورین افزودی بعمل آمد.

در بهار سال ۱۳۴۱ هـ ش مطابق سال ۱۹۶۲ شاه ایران به هر دو مملکت افغانستان و پاکستان سفر کرد تلاش هائی بخرچ داد تا راه حل موضوع پشتونستان را در یابد. او در مساعی اش که بمساعی جمیله اعلیحضرت شاهنشاه ایران توصیف گردید موفق نشد.

بهر حال هر دو جانب (افغانستان و پاکستان) در اوخر می ۱۹۶۳ مطابق (۳۰ ثور ۱۳۴۳) باثر دعوت شاهنشاه ایران هیئت های خود را به تهران اعزام کردند. در ۲۰ می یک اعلامیه همزمان از تهران-راولپندی-کابل نشرگردید. این اعلامیه تجدید روابط سیاسی و تجاری بین افغانستان و پاکستان را وانمود میکرد. هر دو مملکت سفرای خود را تعیین کردند، تاسیس مجدد قونسل گری های پاکستان در قندهار و جلال آباد موافقت شد، تا هر وقت ضرورت احساس شود دائر گردند. افغانستان قونسل گری و نمایندگی تجاری خود را فوری افتتاح کرد، هر دو جانب موافقت کردند که به موافقتنامه ترانزیتی سال ۱۹۵۸ پایدار بمانند. برعلاوه هر دو جانب موافقت کردند تا تمام مسایل ذات البینی را مطابق قوانین بین انمللی حل و فصل کنند و مساعی خود را در ایجاد فضای تفاهم نیک دوستی و اعتماد متقابل برقرار کنند و موضوع پشتونستان را فراموش کنند.

هیئت های افغانستان و پاکستان مساعی جمیله شاهنشاه ایران را ستودند، آقای سید قاسم رشتیا رئیس هیئت افغانی اظهار کرد که بر علاوه راه

ترانزیتی پاکستان راه ترانزیت از ایران نیز برای افغانستان باز خواهد ماند .  
 بالاخره موافقت نامه تهران موضوع پشتونستان را بطور سه جانبه از  
 موضوعات عادی سیاسی مجزا اعلان کرد. (۱)

مهمترین اجراءات کابینه موقتی داکتر محمد یوسف اعلام تعیین یک کمیته  
 برای تسوید قانون اساسی جدید مطابق ایجابات و ضروریت های زندگی مردم  
 افغانستان و مطابق تقاضای عصر و زمان بود بعهده دوپری که ((مطلوب ترین  
 اقدام)) محسوب می شد .

بعد از تشکیل کابینه داکتر محمد یوسف از اقدامات مهم پادشاه تعیین  
 هیئت ۷ نفری برای تسوید قانون اساسی بود که فرمان آن ۲۸ مارچ ۱۹۶۳  
 مطابق ۷ حمل ۱۳۴۳ صادر شد . بموجب این فرمان اعضای تسوید قانون  
 اساسی تعیین گردیدند که فرامین جداگانه بنام هر کدام شان صادر شد . اعضای  
 تسوید قانون اساسی عبارت بودند از :

- ۱ - سید شمس الدین مجروح وزیر عدلیه بحیث رئیس کمیته .
  - ۲ - سید قاسم رشتیا وزیر اطلاعات و کلتور بحیث عضو کمیته .
  - ۳ - داکتر میر نجم الدین انصاری مشاور وزارت معارف بحیث عضو  
 کمیته .
  - ۴ - محمد موسی شفیق معین وزارت عدلیه و آمر تقنین آن وزارت بحیث  
 عضو کمیته .
  - ۵ - داکتر عبدالصمد حامد رئیس پوهنتون و سابق رئیس تدریسات ثانوی  
 وزارت معارف بحیث عضو کمیته .
  - ۶ - حمیدالله متخصص حقوق و علوم سیاسی استاد پوهنتون کابل .
  - ۷ - میر محمد صدیق فرهنگ آمر پلان وزارت معادن و صنایع .
- با تعیین کمیته تسوید قانون اساسی زمره انعقاد لوی جرگه هم هر  
 سر زبانها بود و موضوع تشکیل لوی جرگه هر روز بیشتر از روز دیگر مورد  
 گفت و شنود مردم قرار میگرفت .
- کمیته تدوین مسوده قانون اساسی اولین جلسه خود را در ۱۰ خمل  
 ۱۳۴۳ مطابق ۳۱ مارچ ۱۹۶۳ دائر کرد و از میان خود یک کمیسیون
- 
- (۱) افغانستان نوشته (لوی دوپری) .



چهار نفری عبارت از داکتر حامد، موسی شقیق، حمیدالله و فرهنگ را تعیین نمود تا ماخذ قانونی از قانون های اساسی بعضی ممالک را در اداره تقنین وزارت عدلیه جمع آوری و تنظیم کنند. کمیته در طول سال با اشخاص متعددی از گروپ های مختلف افغانستان و همچنین بعضی متخصصین خارجی ملاقات و عقاید آنها را جمع آوری کرد. یک نفر متخصص قانون از فرانسه استخدام گردید.

کمیته تسوید قانون مسوده خود را تکمیل کرد. باساس پیشنهاد داکتر یوسف یک کمیسیون مشورتی ۲ نفری (۱) از طرف محمد ظاهر شاه بشمول چند نفر زن تعیین شد تا درین مسوده غور کرده و پیشنهادات شانرا قبل از انعقاد لوی جرگه جهت تصویب آن ارائه دهند.

مرحوم صلاح الدین سلجوقی و مرحوم میر غلام محمد غبار که بموجب فرمان پادشاه بحیث اعضای این کمیسیون تعیین شده بودند بعلت مریضی از اشتراک در کمیسیون معذرت خواستند که متن نامه های هر دو نفر مبنی

(۱) اساسی اشخاصیکه بحیث اعضای کمیسیون مشورتی تعیین گردیده بودند قرار آتی است:

- ۱ - عبدالهادی داوی . ۲ - خلیل الله خلیلی . ۳ - عبدالمجید زابلی .
  - ۴ - محمد قایم ترهکی . ۵ - نور احمد اعتمادی . ۶ - داکتر عبدالظاهر .
  - ۷ - مولوی غلام نبی کاموی . ۸ - محمد شاه ارشاد . ۹ - مولوی عبدالرب . ۱۰ - امیر الدین شنسب . ۱۱ - پوهاند محمد اصغر .
  - ۱۲ - کبرا نورزائی . ۱۳ - محمد ابراهیم عقیفی رئیس فابریکه بغلان .
  - ۱۴ - صلاح الدین سلجوقی (اشتراک نکرد) . ۱۵ - میر غلام محمد غبار (اشتراک نکرد) . ۱۶ - محمد آصف سهیل (اشتراک نکرد) .
  - ۱۷ - محمد کریم نزیهی . ۱۸ - محمد هاشم مجددی . ۱۹ - معصومه وردک . ۲۰ - صدیق الله رشتین . ۲۱ - داکتر خلیل احمد ابوی .
  - ۲۲ - احراروی . ۲۳ - محمد ظاهر خدران . ۲۴ - پوهاند غلام سرور رحیمی .
  - ۲۵ - داکتر عبدالواحد سرابی . ۲۶ - لعل محمد کاکر (شاروال قندهار) .
- و چند تن دیگر. از جمله ابو الخیر خیری میهنه فی بموجب فرمان پادشاه در جرگه اشتراک کرده بود .



بر عدم اشتراک در کمیسیون مذکور در را دیو و جراید کابل نشر شد و همچنان داکتر محمد آصف سهیل یکی از طرفداران داؤد خان که عضو این کمیسیون تعیین شده بود ظاهراً بعلت خستگی در کمیسیون اشتراک نکرده عدم اشتراک او نیز در رادیو و جراید نشر شد ولی از طرف مردم چندان استقبال نشد.

اعضای کمیسیون که رئیس شان مرحوم داکتر عبدالظاهر (بعداً رئیس شورا و صدراعظم) بود با همان ۷ نفر کمیته تسوید قانون اساسی به کار ادامه دادند. کمیسیون مشورقی تا اول می سال ۱۹۶۴ بکار خود ادامه داد. فعالیت های کمیسیون مشورقی پیوسته در جراید نشر میگردید و مردم به دلچسپی زیاد آنرا تعقیب میکردند. فرامین مبنی بر تشکیل لوی جرگه هم صادر شده مردم در مرکز انتظار تشکیل جرگه را داشتند و در اطراف فعالیتها در مورد اعزام نمایندگان در جریان بود.

مذاکرات کمیسیون مشورقی جریان داشت در مورد اینکه خانواده شاهی تا کدام اندازه در امور سیاسی مملکت اشتراک کنند مباحثات جدی صورت میگرفت که بعضاً طولانی می شد بالاخره مباحثات کمیسیون مشورقی به تصویب ماده ۲۴ قانون اساسی که بعداً در لوی جرگه بالای آن مباحثات حتی مشاجرات لفظی صورت گرفت انجامید.

### تمدید دوره خدمت وکلای دوره یازدهم شورای ملی

حسب تعامل در لوی جرگه ها وکلای شورای ملی هم اشتراک میکردند و چون در جرگه سال ۱۳۴۳ قانون اساسی جدید تصویب و قانون اساسی سابق ملغی قرار داده میشد و معیاد خدمت وکلای دوره یازدهم نیز در اوایل سال ۱۳۴۳ بسر میرسید و در نظر بود که جرگه سال ۱۳۴۳ در نیمه سال مذکور دائر گردد، لذا جهت پر شدن خلای قانونی معیاد خدمت وکلای دوره یازدهم شورا تا ختم کار جرگه تمدید داده شد تا بحیث وکلای قانونی دوره یازدهم در جرگه اشتراک کنند.

وقتیکه کار کمیسیون تسوید قانون اساسی تکمیل و به کمیسیون مشورقی ۲۹ نفری تفویض شد از مقام سلطنت فرمان ذیل مبنی بر تمدید معیاد خدمت وکلای دوره یازدهم شورای ملی صادر شد.

## فرمان مقام سلطنت درباره تمدید مدت خدمت و کلای دوره یازدهم شورای ملی جهت سهمگیری در تصویب قانون اساسی جدید مورخ ۲۱ ر ۱۱ ر ۱۳۴۲

ملت عزیزم : به پیروی از اراده ما دائر به تنظیم مجدد حیات ملی و بمنظور تطبیق اساسات تحویکه یا تشکیل حکومت در کشور ما آغاز گردیده قبلا کمیته جهت تجدید نظر بر اصول اساسی دولت و تهیه مسوده قانون اساسی جدید افغانستان تعیین گردیده بود .

اکنون مسوده قانون اساسی به پایه تکمیل رسیده و بعد از مطالعات یک انجمن مشورتی حسب معمول به لوی جرگه تقدیم خواهد شد .

چون به یاری خدای بزرگ تبارک و تعالی لوی جرگه در نیمه اول سال ۱۳۴۳ هجری شمسی از طرف ما در پایتخت کشور دعوت و دائر خواهد گردید و چون تأمین این مقصود بزرگ ملی ایجاب میکند تا اجرای انتخابات و کلای مجلس شورای ملی که موعده معمول آن فرارسیده به تعویق نیافتد لذا باین وسیله به کافه افراد ملت عزیز خود اعلام مینمائیم که مدت خدمت و کلای دوره یازدهم شورای ملی تا ختم کار لوی جرگه از حضور ما تمدید داده شده اعضای دوره یازدهم که اکنون در هنگام تعطیل است مانند هر سال بتاریخ ۲۰ ماه ثور ۱۳۴۳ هجری شمسی جهت انجام وظایف معمول خود بکابل حاضر شوند و به اجرای امور محوله خویش ادامه بدهند .

لوی جرگه افغانستان به عون الله و تعالی بسمول همین اعضای دوره یازدهم مجلس شورای ملی در موقع آن دائر خواهد گردید .

(محمد ظاهر پادشاه افغانستان)

اسمای وکلای دوره یازدهم شورای ملی که نظر به فرمان پادشاهی  
 بمیاد خدمت شان تا ختم کار لوی جرگه  
 تمديد يافت

### اسمای وکلای ولایت کابل در دوره یازدهم شورای ملی

- |                         |                          |
|-------------------------|--------------------------|
| ۱ - دكتور سيد حشمت الله | وکیل مرکز کابل           |
| ۲ - جهاندار شاه         | وکیل ده سبز              |
| ۳ - محمد یونس           | وکیل بگرامی              |
| ۴ - میر گدای            | وکیل حکومت کلان کوهد امن |
| ۵ - مولوی حفیظ الله     | وکیل حکومت سروبی         |
| ۶ - عبدالقادر مدقی      | وکیل حکومت کلان لوگر     |
| ۷ - عبدالعزیز           | وکیل حکومت کلنگار        |
| ۸ - عبدالحکیم           | وکیل حکومت کلان میدان    |
| ۹ - امین الله حیدری     | وکیل حکومت کلان وردک     |
| ۱۰ - غلام محی الدین     | وکیل حکومت بهسود         |

### اسمای وکلای ولایت قندهار در دوره یازدهم شورای ملی

- |                         |                      |
|-------------------------|----------------------|
| ۱۱ - سردار عبدالله طرزی | وکیل مرکز قندهار     |
| ۱۲ - عبدالغفور          | وکیل مپین بولدک      |
| ۱۳ - دوست محمد          | وکیل ارغستان         |
| ۱۴ - غلام فاروق         | وکیل تیرین           |
| ۱۵ - حاجی عبدالقیوم     | وکیل خاک ریز         |
| ۱۶ - صالح محمد الکوزی   | وکیل ارغنداب         |
| ۱۷ - حاجی عطا محمد      | وکیل پنجوائی         |
| ۱۸ - محمد نادر میوندی   | وکیل کشک نخود        |
| ۱۹ - میرزا محمد         | وکیل دهله            |
| ۲۰ - عطا محمد           | وکیل شورابک          |
| ۲۱ - میرزا محمد نبی     | وکیل حکومت کلان قلات |
| ۲۲ - حبیب الله          | وکیل شینکی           |

- ۲۳ - حاجی محمد حسن وکیل جلدک  
 ۲۴ - حاجی محمد جان وکیل اقوام کوچی

### اسمای وکلای ولایت هرات در دوره یازدهم شورای ملی

- ۲۵ - محمد طاهر الکوزی وکیل شهر هرات  
 ۲۶ - عبدالملوک وکیل مرغاب  
 ۲۷ - محمد ظریف وکیل گران  
 ۲۸ - عبدالرحمن وکیل کشک  
 ۲۹ - محمد علی وکیل قادس  
 ۳۰ - حاجی عبدالشکور وکیل غوربان  
 ۳۱ - محمد محسن وکیل شین دند  
 ۳۲ - حاجی محمد رحیم وکیل چونده  
 ۳۳ - غلام محمد وکیل زنده جان  
 ۳۴ - سید عظیم وکیل ادرسکن  
 ۳۵ - محمد عثمان وکیل انجیل  
 ۳۶ - حاجی محمد صدیق وکیل او به  
 ۳۷ - عبدالعزیز الکوزی وکیل کرخ  
 ۳۸ - سید عبدالعظیم حسینی وکیل پشتون زرغون

### اسمای وکلای ولایت مزار شریف در دوره یازدهم شورای ملی

- ۳۹ - عبدالکریم وکیل مرکز مزار شریف  
 ۴۰ - مولوی محمد رجب وکیل نهر شاهی  
 ۴۱ - حاجی احمد وکیل دولت آباد  
 ۴۲ - محمد موسی وکیل شولگره  
 ۴۳ - قاری مولانا قل وکیل شورتپه  
 ۴۴ - عصمت الله شرق وکیل سمنگان  
 ۴۵ - محمد نعیم وکیل خلم  
 ۴۶ - حاجی نیک محمد وکیل دره صوف

### اسمای وکلای ولایت قطن (بغلان و قندز) در دوره

#### یازدهم شورای ملی

- ۴۷ - محمد غلام وکیل بغلان

۴۸ - سردار عبدالرشید وکیل پهل خمیری .

مرحوم سردار عبدالرشید از وکلای با حیثیت بوده در دوره ۱۲ و ۱۳ که دو دوره انتخابات آزاد بود نیز نظر به حسن سلوک که با مردم داشت بحیث وکیل پهل خمیری انتخاب گردید.

این شخص با دیانت در دوره ۱۲ و ۱۳ با عناصر کمونیست و ملحدان سخت در پیکار بود. موصوف قبل از ختم دوره ۱۳ در سال ۱۳۵۰ با اثر مریضی که عاید حالش بود داعی اجل را لبیک گفت و مصیبت کودتای سال ۱۳۵۳ داؤد خان و باز کودتای شوم ۷ ثور ۱۳۵۷ و بلاخره تسلط روس بر وطن عزیز ما را ندید و بهمان روح شاد و آزاد بدار بقا رحلت کرد روحش شاد باد .

۴۹ - ملا غلام نبی	وکیل نهرین
۵۰ - غلام نبی	وکیل اندراب
۵۱ - غلام نبی ناشر	وکیل حکومت کلان قندز
۵۲ - عبدالستار	وکیل قلعه زال

### اسمای وکلای ولایت ننگرهار در دوره یازدهم شورای ملی

۵۳ - عبدالواحد	وکیل خوگیانی
۵۴ - دوست محمد	وکیل سرخرود
۵۵ - سید کریم	وکیل کامه
۵۶ - محمد کریم	وکیل برکنر
۵۷ - میرزا نوروز خان	وکیل چهار باغ
۵۸ - محمد کبیر	وکیل لنده سین
۵۹ - محمد عمر	وکیل سرکانی
۶۰ - حاجی سعادت	وکیل حصارک غلزائی
۶۱ - سید عاشق الله	وکیل قرغه ای
۶۲ - خایسته	وکیل اچین
۶۳ - غلام نبی	وکیل مهمند دره
۶۴ - عبدالباقی	وکیل اقوام کوچی

### اسمای وکلای ولایت پکتیا در دوره یازدهم شورای ملی

۶۵ - نیک محمد	وکیل مرکز گردیز
---------------	-----------------

وکیل حکومتی سپهری	۶۶ - سایل
وکیل گومل	۶۷ - تاج محمد
وکیل حاجی	۶۸ - حاجی رحمت
وکیل محدران	۶۹ - عاقل الدین
وکیل زرمست	۷۰ - پیر محمد
وکیل از رو	۷۱ - آدم خان
وکیل سید کرم	۷۲ - عبدالغنی
وکیل مرکز خوست	۷۳ - صالح گل
وکیل تنی	۷۴ - جنگ شاه
وکیل موسی خیل منگل	۷۵ - فقیر محمد
وکیل حاجی میدان	۷۶ - رحیم گل
وکیل جانی خیل	۷۷ - محمد جان

### اسمای وکلای فراه در دوره یازدهم شورای ملی

وکیل مرکز فراه	۷۸ - مرزا گل احمد
وکیل اناردره	۷۹ - حاجی محمد حسن

### اسمای وکلای حکومت اعلی میمنه در دوره یازدهم شورای ملی

وکیل اندخوی	۸۰ - حاجی حبیب الله
وکیل پشتون کوت	۸۱ - محمد امین
وکیل پل چراغ	۸۲ - عیدالروف
وکیل تنگاب شیرین	۸۳ - عبدالاحد
وکیل قیصار	۸۴ - فیض الله

### اسمای وکلای حکومت اعلی بدخشان در دوره یازدهم

#### شورای ملی

وکیل مرکز بدخشان	۸۵ - محمد قسیم نعیم
وکیل درواز	۸۶ - عبدالحکیم
وکیل جرم	۸۷ - میرزا امان الدین
وکیل کشم	۸۸ - سید شیر آقا
وکیل اشکاشم	۸۹ - میرزا محمد

## اسمای وکلای ولایت پروان در دوره یازدهم شورای ملی

- |                  |                               |
|------------------|-------------------------------|
| وکیل مرکز پروان  | ۹۰ - محمد ولی                 |
| وکیل بگرام       | ۹۱ - سید جمیل یعقوبی          |
| وکیل پنجشیر      | ۹۲ - میر سکندر بیگ            |
| وکیل سرخ و پارسا | ۹۳ - حاجی میر فراموز (فرامرز) |
| وکیل غور بند     | ۹۴ - عبدالوهاب                |
| وکیل نجراب       | ۹۵ - محمد اکبر                |

## اسمای وکلای حکومت اعلیٰ غزنی در دوره یازدهم شورای ملی

- |                       |                           |
|-----------------------|---------------------------|
| وکیل مرکز غزنی        | ۹۶ - غلام غوث (سید عالمی) |
| وکیل ناور             | ۹۷ - رستم علی             |
| وکیل مقرر             | ۹۸ - نور محمد             |
| وکیل قره باغ          | ۹۸ - غلام نقشبند ناشر     |
| وکیل جغتو             | ۱۰۰ - حاجی سلطان محمد     |
| وکیل جاغوری           | ۱۰۱ - قمبر علی            |
| وکیل حکومت کلان کتواز | ۱۰۲ - امیر محمد           |
| وکیل شرن              | ۱۰۳ - دریا                |
| وکیل وازه خواه        | ۱۰۴ - محمد                |
| وکیل اقوام کوچی غزنی  | ۱۰۵ - موسی                |
| وکیل اقوام کوچی کتواز | ۱۰۶ - کشمیر               |

## اسمای وکلای حکومت اعلیٰ گرشک در دوره یازدهم شورای ملی

- |                     |                      |
|---------------------|----------------------|
| وکیل مرکز گرشک      | ۱۰۷ - حاجی محمد موسی |
| وکیل نهر سراج       | ۱۰۸ - احمد           |
| وکیل نوزاد          | ۱۰۹ - عبدالعزیز      |
| وکیل موسی قلعه      | ۱۱۰ - حاجی عبدالله   |
| وکیل گرم سیر        | ۱۱۱ - محمد عمر       |
| وکیل کوچیان پشت رود | ۱۱۲ - ولی محمد       |
| وکیل حکومتی ریگستان | ۱۱۳ - جان محمد       |

## اسمای وکلای حکومت اعلای شبرغان در دوره یازدهم شورای ملی

وکیل مرکز شبرغان	۱۱۴ - عبدالرحیم
وکیل سنگ چارک	۱۱۵ - محمد اکرام

## اسمای وکلای حکومت اعلای غورات در دوره یازدهم شورای ملی

وکیل شهرک	۱۱۶ - حیات الله
وکیل چخچران	۱۱۷ - ابوبکر
وکیل تولک	۱۱۸ - محمد اسلم
وکیل پرچمن	۱۱۹ - عبدالوهاب
وکیل لعل و سر جنگل	۱۲۰ - میر محمد سرور بیگ
وکیل پسابند	۱۲۱ - محمد امین

## اسمای وکلای حکومت اعلای ارزگان در دوره یازدهم شورای ملی

وکیل مرکز ارزگان	۱۲۲ - عبدالخالق
وکیل گیزاب	۱۲۳ - محمد نائب
وکیل اجرستان	۱۲۴ - عبدالقادر
وکیل دهرآود	۱۲۵ - غلام نبی
وکیل دیکندی	۱۲۶ - محمد اکبر شاه عالمی
وکیل شهرستان	۱۲۷ - سهراب علی
وکیل دایه چوپان	۱۲۸ - حاجی منگل

## اسمای وکلای حکومت اعلای بامیان در دوره یازدهم شورای ملی

وکیل مرکز بامیان	۱۲۹ - محمد نسیم
وکیل حکومتی کهمرد	۱۳۰ - احمد جان
وکیل یکاولنگ	۱۳۱ - میرزا محمد ناصر
وکیل دیزنگی	۱۳۲ - محمد انور



## اسمای وکلای حکومت اعلاى نالقان در دوره یازدهم

### شورای ملی

وکیل رستاق	۱۳۳ - شیر علی
وکیل چاه آب	۱۳۴ - سید ایشان جعفری
وکیل یتگی قلعه	۱۳۵ - میر جهانگیر
وکیل خوست و فرنگ	۱۳۶ - میر علم
وکیل اشکمش	۱۳۷ - میر مقیم
وکیل فرخار	۱۳۸ - میر محمد طاهر

### اسمای اعضای مجلس اعیان که بعلت تمديد دوره ۱۱ شورا در جرگه سال ۱۳۴۳ اشتراک ورزیده بودند

۱ - رئیس مجلس اعیان (۰۰۰۰۰۰)	۶ - ایشان امان الدین عضو
۲ - معین حافظ عبدالغفار	۷ - نظر محمد زرمتی عضو
۳ - عبدالعزیز مشرقی عضو	۸ - اخوند زاده محمد رسول قندهاری عضو
۴ - خواجه جانگل عضو	۹ - عبدالستار عضو
۵ - محمد امین خوگیانی عضو	۱۰ - میرزا محمود عضو

جراید اخبار و رادیو از تاریخ اختتام کار کمیسیون مشورتي تا تشکیل لوی جرگه متواتر در مورد قانون اساسی جدید تبصره ها میکردند. اصل مسوده بعد از اكمال کار کمیسیون مشورتي در جراید و اخبار بغرض آگاهی مردم نشر گردیده بود.

قبلا در ۲۱ دلو ۱۳۴۲ توسط فرمان پادشاهی مبنی بر انعقاد لوی جرگه جهت مطالعه و تصویب قانون اساسی جدید بمردم ابلاغ شده بود تا نمایندگان خود را در لوی جرگه انتخاب و اعزام دارند.

اینک بعد از ختم کار کمیسیون مشورتي و نشر مسوده قانون اساسی در جراید و اخبار فرمان آتی از مقام سلطنت بنام ملت افغانستان صادر گردید:

## اعلان پادشاهی

مورخ ۲۱ اسد ۱۳۴۳

۱۲ اگست ۱۹۶۴

ملت عزیزم!

قبلاطی اعلان پادشاهی مورخ ۲۱ دلو ۱۳۴۲ از اراده خود دائر بر انعقاد لوی جرگه جهت مطالعه مسوده قانون اساسی جدید افغانستان و اخذ تصمیم در مورد آن در نیمه اول امسال بشما اعلام نموده بودم.

اکنون که مسوده قانون اساسی به پایه تکمیل رسیده بعد از اخذ مشوره یک کمیسیون مرکب از اهل دانش و خیرت از طرف مجلس وزراء نیز تصویب شده است باستعانت از بارگاه پروردگار جل علی شانه عزم کرده ایم مجلس بزرگ و تاریخی لوی جرگه بروز هژدهم ماه سنبله ۱۳۴۳ هجری شمسی در پایتخت دائر گردد.

بدین تقریب مراتب آتی را بشما عزیزان خود ابلاغ میدارم:

اول - مردم هر حوزه انتخابی مجلس شورای ملی قبل از ماه اسد سال جاری یک نفر از بین خود را مطابق به تعامل لویه جرگه سال ۱۴۳۴ جهت اشتراک در لویه جرگه انتخاب نمایند. موعده آغاز انتخاب بعدا از طرف حکومت با اطلاع شما رسانده خواهد شد.

دوم - لویه جرگه از ارکان ذیل تشکیل خواهد گردید.

الف - اعضای شورای ملی که دوره خدمت شان تا ختم کار لویه جرگه تمدید گردیده است.

ب - رئیس و اعضای مجلس اعیان.

ج - وکلاییکه از طرف شما برای شرکت در لویه جرگه انتخاب میشوند.

د - صدر اعظم و وزراء.

ه - رئیس و اعضای محکمه تمیز عدلیه

د - رئیس و اعضای کمیته مطالعه قانون اساسی.

ز - رئیس و اعضای کمیسیون مشورتي.

ح - یک تعداد اشخاصیکه از طرف ما حسب المعمول به عضویت لویه جرگه تعیین خواهند گردید.

از خدای پاک تبارک تعالی نیاز متمدن تا به همه افراد ملت عزیز در ادای این وظیفه بزرگ تاریخی توفیق ایزدی خود را عنایت فرماید.

(محمد ظاهر پادشاه افغانستان)

بعد از صدور اعلان پادشاهی نمایندگان مردم بغرض اشتراک در لوی جرگه تاریخی و مهمیکه قانون اساسی مملکت را تصویب و مرحله نویسی را در تاریخ مملکت بوجود می آورد کم کم وارلر شهر کابل شدند. در شهر کابل یکصد نفر (۱۰ نفر از هر ناحیه) (آنوقت شهر کابل ده ناحیه داشت) در سالون شار والی جمع شدند و دو نفر را بحیث وکیل در لوی جرگه انتخاب کردند.

در اطراف مملکت باساس تساوسل سابق در مراکز حکومتات محلی جرگه قومی دائر و نماینده لوی جرگه قرار وثیقه شرعی انتخاب کردند.

در انتخابات لوی جرگه نمایندگان از تمام طبقات اجتماعی، سیاسی، مذهبی انتخاب شده و از گروه های مذکور نمایندگی میکردند نمایندگان اشخاص براننده و قابل اعتماد جوامع خود بودند. یک گروه ۲۷ نفری بشمول سه نفر جنرال مستقاعد بحیث اعضای انتصابی در لوی جرگه تعیین شدند. درین جمله یک گروه روحانیون، پروفیسوران، سامورین دولت و بانکداران بودند. روز افتتاح لوی جرگه سه نفر روحانیون دیگر و ۴ نفر زنان هم از طرف پادشاه بحیث اعضای لوی جوگه تعیین گردیدند. لوی دو پری نویسنده کتاب افغانستان مینویسد:

(قبل از دائر شدن لوی جرگه مسوده قانون اساسی به زبان های دری، پشتو، انگلیسی و فرانسوی چاپ و نشر گردید قبل از ۱۸ سنبله (۹ دسمبر) اعضای لوی جرگه به کابل آمده میرفتند. از پامیر (بام دنیا) گرفته تا کوهستانات پکتیا و کنر و همه ولایات به کابل آمده بودند. نمایندگان از لحاظ ظاهری فرق داشتند. ملا های ریش سفید با سله های باریک بسته شده و جامعه های دراز، جوانان مجلس به دریشی نوع غربی و کلا های قره قل، بعضی ها پیراهن های د راز با جاکت و بوتهای ایتالوی پوشیده بودند. از لباس های شان قومیت او زبک، تاجک، هزاره، پشتون و دیگر گروه ها از همه طوائف مملکت معلوم میگردد).

و کلا و نمایندگان ملت وارد شهر کابل شدند در قصر سلامخانه برای نمایندگان اطراف جای رهایش تهیه شده بود. لوی جرگه هم در خود سلامخانه دایر میشد. جای غذا خوری شان هم در سلامخانه بود. ترتیبات امنیتی خاصی اتخاذ گردیده بود. وزارت مخابرات وسایل ارسال و مرسلول مخابرات بصورت رایگان در داخل سلامخانه تهیه کرده بود. وزارت صحت

عامه داکتران و وسایل صحی مهیا کرده بود. نمایندگان در اوقات فراغت از سلام خانه خارج و از حصص مختلف شهر کابل دیدن میکردند و نزد دوستان خود میرفتند و به آزادی کامل هر جا میرفتند و می آمدند. علی الرغم قیاس های نادرست که گفته میشد شاید نمایندگان در سلامخانه محصور بمانند و کلا هیچ نوع قیودی نداشتند. اکثرا شب ها در خانه های دوستان و اقارب خود استراحت میکردند، برادر و دوستان نویسنده دران جرگه عظیم اشتراک داشتند که روز ها بعد از فراغت و شب ها نزد من می آمدند و استراحت میکردند.

بهر حال نمایندگان در سلامخانه جمع شدند دید وادید های دوستان ادامه داشت، حالات مختلفی دیده میشد، طرفداران داؤد خان به گفت و شنود های کمتر امیدوار کننده و مخالفین او بامیدواری خیلی زیاد عندالموقع به مباحثات می پرداختند. در نظر اکثریت مردم دور نمای از بین رفتن قطعی داود خان از صحنه سیاست آشکار تر میگردد. تعداد نمایندگان انتخابی و انتصابی درین جرگه بزرگ قرار ذیل یاد داشت شده است:

اعضای انتخاب شده	۱۷۶ نفر
اعضای شورای دوره ۱۱ که دوره آن تمدید شده بود.	۱۷۶ نفر
اعضای انتصابی باساس فرمان پادشاه	۳۴ نفر بشمول ۴ نفر زن
اعضای مجلس سنا	۱۹ نفر
اعضای کابینه	۱۴ نفر
اعضای ستره محکمه	۵ نفر
اعضای کمیته تسوید قانون اساسی	۷ نفر
اعضای کمیسیون مشورتی بشمول ۲ زن	۲۱ نفر
جمله - ۴۵۲ - نفر	

روز ۱۸ سنبله نزدیک میشد مردم به بیصبری افتتاح لوی جرگه و آغاز مباحثات درباره قانون اساسی را انتظار میکشیدند بالاخره مجلس افتتاح گردید یکی از اعضای سکرتریت اعلام کرد که اعلیحضرت بساعت ۱ بجه وارد سلام خانه خواهد شد، چند دقیقه بعد داکتر یوسف صدر اعظم پادشاه را پذیرائی کرد. شاه پوره ساعت ده بجه وارد تالار گردید و به استقبال گرم و پرهیجان نمایندگان روبرو شد. بعد از سرود ملی و سلام شاهی چند آیت از

قرآن کریم توسط یکی از علماء قرائت گردید .  
پادشاه برخاست تایانیة افتتاحیه خود را ایراد کند که بیانیه افتتاحیه ذیل  
از طرف پادشاه ایراد گردید .

### نطق افتتاحیه محمد ظاهر شاه پادشاه افغانستان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خداوند توانا را شکر گذارم فرصت آن میسر گردید که این لویه جرگه  
را بمنظور تأسیس نظام نوین افغانستان در سایه امنیت وطن و در پرتو صلح  
جهان افتتاح مینمایم . دیدار هر یکی از شما که بحیث ممثلین اراده ملت درین  
جلسه بزرگ حضور بهم رسانیده اید موجب مسرت من است . آرزو مندم  
اقامت شما در پایتخت گوارا و جلسات تان مظهر موفقیتی شود که نتایج آن در  
حیات امروز و فردای ملت تاثیر مثبت و عمیق داشته و خاطره آن مایه احترام  
و مباهات همه گان باشد . لویه جرگه که امروز انعقاد می یابد در حالیکه از  
یکطرف آغاز یک فصل جدید در فضای سیاسی کشور ما خواهد بود از  
طرف دیگر از بهترین سنن و روایات قومی سانمایدگی نموده باینصورت حلقه  
اتصال دربین گذشته و آینده ما را تشکیل میکند . سی و پنج سال قبل  
هنگامیکه مملکت در آتش یک انقلاب وخیم و خانمانسوز میسوخت پدر من  
اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید از بستر مرضی برخاسته به آن عزم رهسپار  
کشور گردیدند که پیش از همه وطن ما را از آتش خانه جنگی نجات بخشیده  
نظم و آراش را مجدداً برقرار نمایند . در مرحله دوم آرزوی پاک و بی آرایش  
شان تائیس حکومتی بود که توسط آن مردم افغانستان باعقیده راسخ به  
آینده این سرزمین شیرازه امور را بدست خویش گرفته بر اساس رعایت حقوق  
فردی و تأمین عدالت اجتماعی راه پیر افتخاری را بسوی سرنوشت آینده به  
پیماید وقتی اعلیحضرت شان بر اساس تصمیم و اصرار ملت بارسنگین سلطنت  
را بدوش گرفتند اوضاع عمومی کشور بحرانی و مختل بود . مردم افغانستان تازه  
از روزگار تاریک اغتشاش سر بر آورده بسوی آینده با نگرانی نگاه میکردند .  
وضع دفاعی کشور موجب تشویش ، امنیت داخلی کاملاً مضطرب و  
بنیان مالی متهدم شده بود . در دوران چنان روز های بحرانی اعلیحضرت  
شهید موفق گردیدند در مدت کوتاه پادشاهی خود نمایندگان ملت را دعوت  
ولوی جرگه را دایر و توسط آن قانون اساسی افغانستان را تصویب و متعاقباً  
اولین شورای ملی را در همین روز تأسیس نمایند ، این قانون اساسی ایجابات آن  
زمان را بخوبی در نظر گرفته شیرازه ازهم گسیخته کشور را بهم بست .

اگر تمام آرزو های که اعلیحضرت شهید درین راه بخاطر می پرورانید در مدت کوتاه تری جامعه عمل نپوشید علل آنرا باید در گذارش حوادث نه تنها در کشور بلکه در صحنه مناسبات بین المللی جستجو نمود .

اولا چنانچه همه میدانیم استقرار مجدد آرامش در کشور که در سال ۱۳۰۷ در جامعه ریشه دوانده بود ، سالها بعد از اطفای آتش انقلاب مولد تشنجات گوناگون و اندیشه های عمیق گردید .

ثانیا عدم استقرار صلح در سر تا سر جهان که بالاخره منتج به جنگ دوم جهانی گردید تطبیق تحولات جدید را نهایت مشکل گردانیده بود . حکومت هائیکه درین مدت زمام امور را بدست داشتند چنان کار های بزرگی را انجام دادند که در نتیجه آن زمینه تحولات اساسی در ساحه قانون و اداره مملکت مساعد گردید . در پرتو مساعی قابل قدر ایشان امنیت در مملکت قایم شد ، معارف بست و انکشاف یافت و اقتصاد جامعه ارتقاء پذیرفت و روح اعتماد دوباره در مملکت بوجود آمد ، در آغاز این جلسات بزرگ وظیفه ماست که خدمات برجسته اشخاص را که با صبر و حوصله و شهامت صحنه را برای احداث حیات نوین آماده نموده اند فراموش نکنیم .

سردار محمد هاشم خان مرحوم و سردار شاه محمود خان هر یک به نوبه خود در روز های نهایت دشوار وظایف محوله شانرا به صداقت و امانت انجام دادند تذکر خاص از سهم بارزی که سردار محمد داود در راه رسیدن باین مرام عالی داشتند موجب مسرت ماست .

با ملاحظه این پیشرفت ها احساس شد وقت آن فرا رسیده که مشروطیت افغانستان را که توسط اعلیحضرت شهید سعید بنیان گذاری شده بود و پیوسته در آرزوی تکمیل آن بودیم ، توسعه بخشیده امور حکومت را که بحکم ضرورت و بر اساس اعتماد ملت توسط افراد خانواده ما اداره میشد ، بعد ازین از خانواده سلطنت مجزا گردانیده باین صورت یکی از اساسات دیموکراسی را جامعه عمل بپوشانیم بنا برین اساس ، شاغلی دا کتر محمد یوسف را که از جوانان منور و باتجربه و شخصیت شان مورد اعتماد ما و مردم افغانستان است موظف نمودیم که به تشکیل کابینه پرداخته اصلاحات قانونی را که ضرورت آن محسوس بود روی دست بگیرد . مسرت دارم که حکومت جدید تعنت ریاست دکتور محمد یوسف وظایف محوله شان را طوریکه شایسته فرزندان صالح

این خاک است درین یکنیم سال ایفا نموده اند یقین کامل دارم آینده نیز رفاه و اعتلای مملکت نصب العین حقیقی شان خواهد بود .

یکنیم سال قبل در آستانه تحول نوین تصمیم اتخاذ گردید در قانون اساسی افغانستان تجدید نظر بعمل آمده اساسات جدید تنظیم و انکشاف ملی در یک وثیقه نوین ملی ثبت گردد . بنا بران کار تسوید و تهیه قانون اساسی جدید به عده از دانشمندان کشور سپرده شد - در پایان یک سلسله مطالعات عمیق مسوده قانون اساسی آماده شد ، بمقصد مذاقه مزید به هیات دیگری مرکب از اشخاص خبیر مملکت تفویض گردید و اینک مسوده مذکور از مطالعه مجلس وزراء نیز گذشته باین جرگه بزرگ سپرده میشود .

تصور نمیکنم احتیاج آن محسوس گردد که بار دیگر عظمت و اهمیت وظیفه را که شما در دوران این روز ها به دوش دارید خاطر نشان سازم . وثیقه ایکه بالاخره در اثر غور و تعمق شما تصویب میگردد خط مشی دولت و مسیر زندگانی ملت را بسوی آینده تعیین خواهد کرد .

نیاز من به بارگاه پروردگار توانا اینست که قانون اساسی جدید افغانستان ضامن سعادت و اعتلای امروز و فردای ملت عزیز ما گردد . (۱)

پادشاه بعد از ایراد بیانیه اش که به آهستگی و تانی ادا میکرد جرگه را ترک گفت حین خروج جوش و خروش و هلهله مردم بالا بود .

بعد موسی شفیق آمر سکرتریت جرگه و یکی از اعضای تدوین کنندگان قانون اساسی ، جنرال متقاعد عطا محمد توخی نماینده مزار شریف را که از کلان سال ترین نمایندگان بود حسب تعامل عمومی بحیث رئیس موقتی معرفی و جرگه موافقت کرد . عطا محمد خان توخی با اظهار امتنان از اعتمادیکه با و شد وظیفه خود را اشغال و زمینه انتخاب رئیس دائمی فراهم شد . چون رئیس اول شخص پادشاه است لذا نائب رئیس انتخاب میگردد .

پوهاند اصغر برای احراز کرسی نیابت جرگه داکتر عبدالظاهر رئیس شورای ملی را نامزد کرد . دو نفر اعضای جرگه محمد اسماعیل مایار و یک نفر دیگر آنرا تأیید کردند . قبل از آنکه انتخابات معاون ریاست و غیره اعضای اداری آغاز شود ضیاء المشایخ حضرت محمد ابراهیم مجددی شهید شیر پادشاه



(که با یک تعداد اعضای خانواده و ارادتمندان شان در ۲۹ جدی سال ۱۳۵۷ از طرف حکومت کمونست کابل بشهادت رسیدند) بیانیه ای ایراد و از پادشاه تشکر کرد و اسمای بعضی شخصیت های تاریخی را که مصدر خدماتی شده بودند یاد آوری کرد.

در ساعت یکنیم لوی جرگه داکتر عبدالظاهر (مرحوم) را بحیث نایب لوی جرگه انتخاب کرد. داکتر عبدالظاهر به چوکی ریاست نشسته و وظیفه خود را اشغال کرد. موسی شفیق (شهید) بحیث متشی جرگه انتخاب گردید. داکتر عبدالظاهر داکتر محمد یوسف صدراعظم را به لوی جرگه معرفی کرد. او بیانیه خود را ایراد کرد ضمن بیانیه اش از آینده خوب و درخشان افغانستان اطمینان داد. در طول سخن رانی او اعضای لوی جرگه بیانات او را بدقت و دلچسبی گوش میکردند.

## بیانیه داکتر محمد یوسف صدراعظم دوره انتقال

هموطنان عزیزم!

اجازه دهید که نخست بحیث رئیس حکومت ورود و اشتراک شما را درین جلسه تاریخی که فیصله های آن در زندگانی این قوم با شهامت ارزش تاریخی دارد خیر مقدم بگویم و موفقیت تانرا در پیشبرد این مسئولیت مقلس از خدای بزرگ التجا کنم. هژده سنبله که روز تاسیس شورای ملی بدست حق پرست اعلیحضرت شهید سعید است همیشه از جانب مردمان ما احترام میشود. و بانعقاد این لوی جرگه که در همین روز تاریخی که مقصد آن تصویب بزرگترین وثیقه ملی و اجتماعی ملت افغانستان است روز ۱۸ سنبله مقام ارزنده تری را کسب و بنام آغاز دوره تحول جدید کشور ما در تاریخ یاد خواهد شد. الحال که من در نزد شما بحیث رئیس حکومت ایستاده ام حس میکنم که امروز یک روز با افتخاری در حیات ما و شما می باشد. زیرا سر از امروز در اثر اراده پادشاه محبوب و مهربان وکلای ملت به تصویب یک قانون جدید که حیات امروز و فردای همه ما را صیانت و حمایت میکند تصمیم میگیرند. یکنیم سال قبل هنگامیکه اعلیحضرت معظم هما یونی پادشاه محبوب و بانی تحول تاریخی و نهضت جدید افغانستان افتخار امانت بزرگ صدارت عظمی را بمن بخشیدند توام با آن وظیفه ای را بمن و حکومت من تفویض نمودند که



عظمت تاریخی و اهمیت آن برای سر نوشت مردم ما در تاریخ این کشور بسیار کم نظیر بود .

اعلیحضرت معظم همایونی بعد از آنکه تشخیص فرمودند ملت شاهانه شان آماده انتقال از یک مرحله تاریخ بمرحله دیگر آنست اراده فرمودندکنه باید زندگی ملی افغانستان بر اساس ایجابات زمان بمنظور آرزو های بزرگی که بدل میپرورائیدند مجدداً تنظیم شود .

بتاسی ازین اراده وطن خواهانه و ملت پرورانه پادشاه محبوب خود من و همکارانم درین مدت یکنیم سال در پهلوی امور جاریه مملکت که بفضل خداوند و به همکاری و استقبال صمیمانه مردم در تمام شقوق اداری و عمرانی و انکشافی سیر طبیعی و ارتقائی خود را طی نموده است توجه خود را به طرح ریزی تحولات آینده مملکت مطابق به آرزو های پاک و مقدس اعلیحضرت معظم همایونی معطوف و متمرکز نمودیم چون پایه گذاری آینده اولتر از همه تجدید نظر را بر قانون اساسی مملکت ایجاب مینمود کمیته موظف شد تا بکار تسوید قانون اساسی جدید افغانستان پرداخته متن آنرا به دسترس حکومت بگذارد . تا جائیکه از متن تهیه شده و از جریان مذاکرات کمیته قانون اساسی بر می آید به وضاحت درک میشود که کمیته سعی کرده تا نهضت جدید افغانستان بر پایه های دین ، ثقافت و تاریخ مردم ما و بروی مفید ترین وجدید ترین تجاربی استوار باشد که در ساحه سیاست ، اجتماع ، اقتصاد و فرهنگ در جهان امروزی بوجود آمده و تطبیق آن در شرایط محیط ما ممکن و سود مند باشد . طوریکه همه اطلاع دارند متن ایکه از طرف کمیته مطالعه قانون اساسی تسوید گردیده به کمیسیون از اهل تجربه و بصیرت تقدیم شد و بعد از آنکه نظریات او شان نیز بدست آمد متن مورد غور مجدد مجلس وزراء قرار گرفته شکل نهائی را بخود اختیار کرد .

و اینک امروز افتخار دارم که بر حسب امر و ارشادات اعلیحضرت معظم همایونی پادشاه و پیشوای زندگی ملی افغانستان مسوده قانون اساسی جدید را بشما تقدیم میکنم . درین موقع وظیفه خود میدانم چند کلمه مختصری را در باره مسوده قانون اساسی بخدمت شما عرض نمایم . مسوده ایکه اعضای محترم اوی جرگه بدسترس خود می یابند بعد از غور و تعمق در اطراف احتیاجات مملکت ما ، در اطراف مبنا و اساسات دین و ثقافت و تاریخ کشور ما ، در

اطراف سیر تاریخ جهانی بصورت عام بوجود آمده است. این مسوده دین مقدس اسلام و آهنگ ملی افغانستان را بحیث زیر بنای زندگی ملت ما میشناسد و اصولیکه برای حفظ حیات ملی تنظیم و انکشاف آن وضع میکنند در حالیکه اصول ایست دارای ارزش جهانی و محصول تجارب کتله های مختلف بشر، تطبیق آن در محیط و شرایط ما تابع خصوصیت احتیاجات، دین، فرهنگ و تاریخ ما گردانیده شده است.

نقطه اساسی در تهیه و تنظیم مسوده قانون اساسی افغانستان عبارت است از حفظ توازن در بین منافع عالی جامعه از یک طرف و تأمین حقوق و منافع افراد از طرف دیگر حفظ این موازنه برای انکشاف سالم شئون ملی افغانستان حتمی و ضروری بوده تثبیت آن به سویه قانون اساسی میتواند از تشنجاتیکه جوامع در دوره انتقال و تحول بآن مواجه میگرددند جلوگیری نماید بر علاوه از مراعات این موازنه مهم و ضروری مراعات ارکان اصلی یک قانون اساسی رژیم های شاهی مشروطه عصری که عبارت از تنظیم آزادی و عدم مداخله قوای ثلاثه در فعالیت های همدیگر، احترام پادشاه و نیز صیانت حق خلق میباشد بدرستی حمایت کرده است طوریکه در متن مسوده ملاحظه میفرمائید حفظ این توازن هم در مرام وهم در احکام قانون اساسی منظور بوده مبنای بسی ارزش های جدید این قانون اساسی را تشکیل میدهد. برای تأمین حقوق افراد احکام مبسوطی وضع گردیده که جان مال و آزادی را در سایه قانون حمایت میکند. همچنان ایجاد یک قوه قضائی مستقل و موثر و تقویه بنیان و صلاحیت قوه مقننه برای همین منظور پیش بینی گردیده است. در قسمت منافع اجتماعی به استقرار اوضاع و جلوگیری از تشنجات احتمالی که جامعه را به هرج و مرج مواجه میسازد اهمیت خاص داده شده مواد مربوط به دین مبین اسلام، نقش مقام سلطنت بحیث محور توازن در بین قوای ثلاثه، سلامت دولت تثبیت مساله جانشینی بر اساس دساتیر مشخص و ثابت، بوجود آوردن یک قوه اجرائیه موثر و مسئول و بالاخره محدود ساختن حقوق افراد به ملاحظه منافع عامه از جمله ارزش هائی میباشد که منافع جامعه را در برابر هوا و هوس فردی صیانت میکند.

پرنسیپ مهم دیگری که در تسوید قانون اساسی منظور بوده اینست که از تقلید صرف و بی لزوم از سایر ممالک صرف نظر شود و بجای آن از واقعیت

زندگی ملی با در نظر گرفتن تاریخ و فرهنگ افغانستان از یک طرف و پیش بینی انکشاف آینده از جانب دیگر استفاده بعمل آید. باین صورت میتوان گفت مسوده قانون اساسی با در نظر گرفتن ارزش های جهانی که در تحت کلمه دیموکراسی خلاصه میشود یک تائون تماماً افغانی میباشد.

مسوده قانون اساسی با یک دیباچه آغاز میشود درین دیباچه که میتوان آنرا بحیث یک مرامنامه ملی تعریف نمود تمام ارزش های که تنظیم آن هدف قانون اساسی جدید میباشد با رعایت ایجاز قید گردیده است.

مطالعه دقیق دیباچه و احکام که بر اساس آن در متن قانون اساسی وضع گردیده بهتر از هر گونه شرح و تفصیل روحیه ای را که قانون اساسی به پیروی ازان تسوید و ترتیب گردیده به اعضای محترم لوی جرگه معرفی مینماید که من به توضیح بیشتر نمی پردازم. درین موقع یکی از ارشادات پیشوای اسلام را تبرکا و تیختاً یاد آور میشوم. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم گفته است: ((من سن سنة حسنة فله اجرها و اجر من عمل بها و من سن سنة سيئة فله و زرها و زر من عمل بها)) هر کس سنت و قاعده نیکو میگذارد اجر عمل او و عمل کسانی که بعد از او بان قاعده رفتار میکنند باو میرسد و هر کس سنت و قاعده بدی را میگذارد گناه عمل او و عمل کسانی که ازان قاعده پیروی میکنند به بنیاد گذارنده آن عاید میشود. این قصار که یک جهان حکمت دران مضمون است امروز ما را به بنیاد گذاری این قانون جدید که قواعد آنرا بصواب و نیکو تشخیص داده ایم برای ما و شما پاداش بزرگی را وعده میدهد و بعد از بنیاد گذاری این قواعد حسنه و دستور های نیکو مرحله تطبیق و عمل آن وظایف و جائب بنیاد سنگین و دقیقی را بطولش همه ما میگذارد.

هموطنان عزیز! ما در آن مرحله باید ثابت کنیم که واقعاً شایسته چنین نظام اجتماعی هستیم و حق داریم بحیث ملت سر افراز در دنیا زندگی کنیم ما باید در عمل و حرکت خود ثابت کنیم که حقیقتاً بحیث یک جامعه به رشد رسیده مستحق چنین وثیقه افتخار بوده ایم ما باید امتحان بدهیم که مطالب و امال سیاسی و اجتماعی خود را با یک روحیه تسامح و تحمل که خاصه دیموکراسی است پیش برده میتوانیم.

در خاتمه امید وارم ملت افغانستان در سایه قیادت پادشاه محبوب خویش

حیات ملی خود را بر بنای قانون اساسی جدید طوری تنظیم و انکشاف بخشید که آرزوهای همه ما و شما برای پیشبرد جامعه انسانی بفضل خدای متعال به بهترین وجه بر آورده شود .

بعد از ختم بیانیه داکتر محمد یوسف صدراعظم که از طرف نمایندگان بگرمی استقبال گردید جرگه حسب معمول بکار خود ادامه داد .

نوسی شفیق مقررات پروسیژر جرگه را بهر دو زبان (دری - پشتو) قرائت کرد . داکتر ظاهر اعضای جرگه را دعوت کرد تا هر ماده را جداگانه ملاحظه و ابراز نظر کنند. جریبان مجلس بهر دو زبان دری و پشتو صورت میگرفت بسیار کم واقع میشد که اعضای جرگه هر دو متن را تفهمنند . پروسیژر جرگه به تصویب رسید در مورد وقت سخن رانی نمایندگان که فکر میکردند وقت کم است مباحثاتی صورت گرفت . چون در اکثر موارد بحث چندانی صورت نمیگرفت و هم در چنین موارد همه نمایندگان ابراز نظر نمیکنند لذا جرگه موافقت کرد که هر شخص در هر ماده حرف نخواهد زد اگر یک شخص درباره یک ماده حرف بزنند دیگران هم در نتیجه مباحثه مستهضر میشوند . لهذا پروسیژر تصویب و مباحثات درین باره خاتمه یافت . جرگه از ساعت ۹ صبح آغاز و ساعت ۱۲ ختم و بعد ساعت ۲ بجه بعد از ظهر شروع و تا ساعت ۵ عصر کار میکرد . اعضای جرگه به آزادی کامل نظریات شانرا ابراز میداشتند بیانات و کلا و مباحثات مجالس تایب و ثبت میشد در دوران مباحثات شورای دوره ۱۲ و ۱۳ هم سخنان و کلا و همه مباحثات بعلت اهمیت تاریخی آن ثبت میگردد (۱) و چون این جرگه و مباحثات آن دارای ارزش مهم تاریخی بود مذاکرات و بیانات و کلا و شاملین جرگه ثبت میشد تا در آینده برای محققین و پژوهشگران زمینه تتبع و پژوهش مساعد گردد .

لوی دوپری محقق اسریکائی نویسنده کتاب افغانستان جریبان این جرگه را به دلچسپی تعقیب کرده است او چنین مینویسد: «از بحث در ماده اول معلوم شد که جرگه یک جرگه دهن بین نیست اعضای اطراف جرگه مهارت خود را در ابراز بیانات و مباحثات نشان دادند. آنها در جرگه های محلی در گفتگو و ایراد بیانیه ها مهارت و مشق خوب داشتند بیانات و کلا در قیته ها ثبت می شد .

(۱) در جرگه های عصر امان الله خان که تایب وجود نداشت مباحثات و مذاکرات بذریعه تند نویسان ثبت می گردید .

یک حقیقت دیگر ناظرین را متحیر ساخت این بود که بعضی نمایندگان در مورد مواد مربوط به حقوق و وظایف افراد بیاناتی کردند و بحث زیاد صورت گرفت حتی یک روز تمام را در بر گرفت بعد نمایندگان گفتند هر کس نظر خود را درین موضوع تحریری بدهد تا رأی گیری شود. درین جرگه همه ارائه دلیل میکردند علمای دین که اعضای ولسی جرگه بودند دلایل بعد دلایل ارائه میکردند. بعضی در نظریات شان از مخالفت دست نمی کشیدند مباحثات بشدت ادامه می یافت. کمیته تسوید قانون اساسی داخل مباحثات نمیشد جز در مواردیکه تشریحات لازم بود.

حین بحث بر ماده ۹۲ قانون اساسی یعنی سلب اعتماد از حکومت بعضی نمایندگان میگفتند: - همچنانکه حکومت حین اخذ رأی اعتماد بنا اکثریت آراء مورد قبول واقع میشود، سلب اعتماد از حکومت هم باید با اکثریت آراء صورت بگیرد و بدو ثلث آراء بعضی از اعضای جرگه میگفتند: - باید همین متن تصویب شود. بعد از مذاکرات طولانی درین مورد که با مشاجرات لفظی توأم بوده جرگه ماده مذکور را چنین تصویب نمود: ((ماده ۹۲: - رأی سلب اعتماد از حکومت باید صریح و مستقیم باشد. این رأی در مورد حکومتیکه در خلال دو دوره تقنینی اول به تعقیب نفاذ این قانون اساسی بوجود میآید به اکثریت دو ثلث آرا و در مورد حکومت های ما بعد به اکثریت آرای اعضای ولسی جرگه صادر می گردد.))

در مورد زبانهای رسمی مباحثات زیاد صورت گرفت. مرحوم ابو الخیر (خیری) میمنه‌گی در مورد زبان اوزبکی مردم افغانستان بیاناتی داد او چند کلمه بزبان اوزبکی ادا کرد و بعد گفت که شما نفهمیدید که من چه گفتم پس همین طور است مردم ما زبانهای دیگر را نمیدانند لذا بزبان ما نیز سوتع داده شود تا معارف و نشرات داشته باشد و نیز در مورد زبانهای افغانستان استاد خلیلی بیاناتی مفصلی بمجلس ارائه کرد که مورد توجه قرار گرفت. بعد از بیانات استاد خلیلی مرحوم سلطان احمد ذکریا که در دستگاه دوات وظایف وزارت و سفارت را اجراء کرده و رئیس دوره ششم شورای ملی بود درباره زبان دری و ادبیات و فرهنگ غنی آن که قرنهای درمیان مردم افغانستان بوجود آمده و تکامل نموده و بممالک اطراف نیز انتشار یافته و در افغانستان امروزی آریانای کهن سابقه چندین هزار ساله دارد و از بلخ قدیم تا هری، غرنه، تخار، بدخشان و کابل زبان ارزشمند این سرز و بوم و ممالک همجوار

بوده است بحث مفصل و طولانی نموده با گریه اضافه نمود لازم نیست ما برای مملکت زبان جدید بوجود بیاوریم زبانهای رسمی زیاد سبب پس مانی و پراگندگی میشود. این مباحثات هر قدر که جرگه پیش میرفت طول میکشید. بعضا اعتراضاتی می شد که بیانات یک نماینده از پنج دقیقه زیاد نشود امارئیس جرگه داکتر عبدالظاهر برای سخن وران موقع میداد تا سخنان خود را تمام کنند گرچه مکروفون ها زیاد بود اما سخن گویان خوش داشتند از مکروفون ستیج استفاده کنند.

بحث در مواد مختلف قانون اساسی صورت می گرفت مخصوصاً ماده مربوط به دو زبان رسمی بحث زیادی را در بر گرفت. بعد از ذکر مباحثات و مذاکرات مختصر جرگه جهت مزید معلومات و استفاده خوانندگان متن قانون اساسی تصویب شده درین جرگه مهم را درج میکنم تا اهمیت قانون اساسی در حیات مردم ما و ارزش کار این جرگه مهم تاریخی مورد قضاوت قرار گیرد. یکی از مواد این قانون اساسی که مورد بحث و مذاکره زیاد قرار گرفت ماده ۲۴ (۱) بود که اعضای خانواده شاهی را تعریف و آنها به صراحت تمام از اشتراک در دستگاه دولت، احزاب و فعالیت های سیاسی منع گردیده بودند. در مورد کاکاهای سکه و غیر سکه پادشاه و زنان و اطفال آنها سه پیشنهاد اصلاحی از طرف اعضای جرگه پیش شد که از طرف جرگه رد گردید. پیشنهاد اصلاحی دیگر در مورد اینکه اعضای خانواده شاهی نمیتوانند در احزاب سیاسی شامل و در کابینه و ستره محکمه و غیره شامل کار شوند بحث زیادی را در بر گرفت و بالاخره فیصله بعمل آمد که اعضای خانواده شاهی در کابینه، ستره محکمه و شورای ملی نمیتوانند عضویت داشته باشند و هم در احزاب و دیگر فعالیت های سیاسی اشتراک کرده نمی توانند.

شهید نور احمد اعتمادی حین بحث در ماده ۲۴ سخت پافشاری کرد تا این ماده از میان برود به خانواده شاهی با زهم حق داده شود تا در دستگاه دولت موثرانه اشتراک داشته باشند اما لوی جرگه اعتراضات او را در کرد و ماده ۲۴ بهمان نوعیکه کمیسیون تسوید و لوی جرگه خواسته بود تصویب گردید.

در آغاز لوی جرگه افواها پخش گردیده بود که داؤد خان شاید کار

جرگه را اخلال کند مخصوصاً در موقعیکه ماده ۲۴ مورد بحث و مذاکره قرار میگرفت، اضافه گویان این افواه را بیشتر میکردند. ولی جرگه به کمال متانت کار خود را پیش برد و کمتر کسی در اندیشه داؤد خان شد.

باقی مباحثات لوی جرگه بصورت اختصار تحریر خواهد گردید اینک قرار تذکر قبلی متن قانون اساسی سال ۱۳۴۳ تصویب شده درین جرگه بزرگ ملی را بغرض مطالعه خوانندگان تقدیم و بعد جریان مذاکرات و مباحثات دنبال خواهد گردید.

## قانون اساسی

دباجه :

دولت	فصل اول
پادشاه	فصل دوم
حقوق و وظایف اساسی مردم	فصل سوم
شوری	فصل چهارم
لوی جرگه	فصل پنجم
حکومت	فصل ششم
قضاً	فصل هفتم
اداره	فصل هشتم
حالت اضطرار	فصل نهم
تعدیل	فصل دهم
احکام انتقالی	فصل یازدهم



## قانون اساسی افغانستان

۹ میزان ۱۳۴۳

### توشیح پادشاه افغانستان

ما المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه پادشاه افغانستان مسوده قانون جدید افغانستان را که از طرف لوی جرگه ایکه از هژدهم تا بیست و هشتم ماه سنبله سال ۱۳۴۳ هـ ش در شهر کابل انعقاد یافت، تصویب گردیده بنام خداوند بزرگ توشیح میکنیم و سر از امروز آنرا بحیث قانون اساسی افغانستان در تمام نقاط دولت نافذ اعلام مینمائیم .

سر از امروز قانون اساسی را که از طرف لوی جرگه سال ۱۳۰۹ هـ ش تصویب گردیده و تا کنون در کشور نافذ بود با تمام ضمایم آن سلغی اعلام میداریم .

قصر گل خانه

۹ میزان ۱۳۴۳

## بنام خداوند توانا و داد گر

- بمنظور قسطیم حیات ملی افغانستان مطابق به مقتضیات عصر و بر اساس واقعیات تاریخ و فرهنگ ملی .
- بمنظور تامین عدالت و مساوات .
- بمنظور تطبیق دیموکراسی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی .
- بمنظور تنظیم شئون و ارکان دولت ، برای تأمین آزادی و رفاه افراد و حفظ نظم عمومی .
- بمنظور انکشاف متوازن تمام امور حیاتی افغانستان .

و در نهایت

- بمنظور تشکیل یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس تعاون اجتماعی و حفظ کرامت انسانی ، ما مردم افغانستان ، با درک تحولات تاریخی که در زندگانی ما بحیث یک ملت و یک جزء جامعه بشری بوقوع پیوسته ، در حالیکه ارزش های فوق را حق همه جوامع بشری میدانیم ، به قیادت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه پادشاه ، پیشوای زندگانی ملی افغانستان این قانون اساسی را برای خود و نسل های آینده وضع کردیم .

### فصل اول

#### دولت

- ماده اول : افغانستان دولت پادشاهی مشروطه مستقل واحد و غیر قابل تجزیه است حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد .
- ملت افغانستان عبارتست از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را مطابق به احکام قانون دارا باشند بر هر فرد از افراد مذکور کلمه افغان اطلاق میشود .
- ماده دوم : دین افغانستان دین مقدس اسلام است . شعایر دینی از طرف دولت مطابق به احکام مذهب حنفی اجراء میگردد .
- آن افراد ملت که پیرو دین اسلام نیستند در اجرای مراسم مذهبی خود در داخل حدودیکه قوانین مربوط به آداب و آسایش عامه تعیین میکند آزاد میباشند .

- ماده سوم : از جمله زیانهای افغانستان پشتو و دری زبانهای رسمی میباشد .
- ماده چهارم : بیرق افغانستان مرکب است از سه قطعه رنگ های سیاه ، سرخ و سبز که بصورت عمودی باندازه های مساوی ، از چپ به راست در کنار هم واقع شده . عرض مقدار هر رنگ معادل نصف طول آنست . در وسط نشان محراب و منبر برنگ سفید جا دارد که در گوشه آن دو بیرق نصب و از هر دو طرف به دو خوشه گندم احاطه شده است .
- ماده پنجم : پایتخت افغانستان شهر کابل است .

## فصل دوم

### پادشاه

- ماده ششم : در افغانستان پادشاه حاکمیت ملی را تمثیل میکند .
- ماده هفتم : پادشاه حامی اساسات دین مقدس اسلام حفظ استقلال و تمامیت ساحه ، نگهبان قانون اساسی و مرکز وحدت ملی افغانستان است .
- ماده هشتم : پادشاه باید از تبعه افغانستان ، مسلمان و پیرو مذهب حنفی باشد .
- ماده نهم : پادشاه دارای حقوق و وظایف آتی میباشد .
- ۱ - قیادت اردوی افغانستان .
  - ۲ - اعلان حرب و متارکه .
  - ۳ - دائر کردن و افتتاح لوی جرگه .
  - ۴ - افتتاح اجلاس عادی شوری .
  - ۵ - دائر نمودن و افتتاح اجلاس فوق العاده شوری .
  - ۶ - منحل ساختن شوری و اصدار فرمان انتخابات مجدد .
- انتخابات مجدد در خلال مدت سه ماه از تاریخ انحلال شوری انجام می یابد .
- ۷ - توشیح قوانین و اعلام انفاذ آنها .
  - ۸ - اصدار فرامین تقنینی .
  - ۹ - اعطای اعتبار نامه بغرض عقد معاهدات بین الدول مطابق احکام قانون .
- ۱۰ - توشیح معاهدات بین الدول .

- ۱۱ - تعیین صدراعظم و قبول استعفای او ، تعیین وزراء به پیشنهاد صدراعظم و قبول استعفای آنها .
- ۱۲ - تعیین اعضای غیر انتخابی مشرانو جرگه و تعیین رئیس جرگه مذکور از جمله اعضای آن .
- ۱۳ - تعیین قاضی القضاة و اعضای ستره محکمه .
- ۱۴ - تعیین و تقاعد قضاة و تعیین و تقاعد مامورین و صاحب منصبان عالی رتبه مطابق به احکام قانون .
- ۱۵ - تعیین سران نمایندگی های سیاسی افغانستان نزد دول خارجی ، تعیین نمایندگان دائمی افغانستان نزد موسسات بین المللی و قبول اعتماد نامه های نمایندگان سیاسی خارجی .
- ۱۶ - اعلام حالت اضطرار و خاتمه دادن بان .
- ۱۷ - تخفیف و عفو مجازات .
- ماده دهم : سکه بنام پادشاه ضرب زده میشود .
- ماده یازدهم : در خطبه ها نام پادشاه ذکر میگردد .
- ماده دوازدهم : نشان از طرف پادشاه مطابق به احکام قانون اعطاء میشود .
- اعطای نشان متضمن هیچ نوع امتیاز مادی نمی باشد .
- ماده سیزدهم : مصارف پادشاهی در بودجه دولت مطابق به قانون مصارف پادشاهی تعیین می گردد .
- ماده چهاردهم : استفاده از صلاحیت های مندرج این فصل در داخل حدودی صورت میگیرد که احکام این قانون اساسی تعیین نموده است .
- ماده پانزدهم : پادشاه غیر مسئول و واجب الاحترام است و باحضور اعضای خانواده پادشاهی حکومت و اعضای ستره محکمه در برابر جلسه مشترک هر دو جرگه شوری حلف آتی را بجا می آورد :

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای عظیم سوگند یاد میکنم که در کافه اعمال خود خداوند جل جلاله را حاضر دانسته اساسات دین مقدس اسلام را حمایت ، قانون اساسی را حراست ، استقلال وطن ، تمامیت ساحه ، قوانین دولت و حقوق مردم را حفاظت کنم . با استعانت از بارگاه پروردگار بر طبق احکام قانون اساسی

افغانستان پادشاهی نمایم و مساعی خود را در راه سعادت و ترقی ملت افغانستان بکار برم .

ماده شانزدهم : پادشاهی افغانستان در خانواده اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید بر حسب احکام این قانون اساسی انتقال مینماید .

ماده هفدهم : هر گاه پادشاه اراده استعفی نماید به مجلسی مرکب از رئیس ولسی جرگه ، رئیس مشرانو جرگه ، صدراعظم ، قاضی القضاة و وزیر دربار پادشاهی اطلاع داده بعد در خلال مدت هفت روز لوی جرگه را دائر میکند و استعفی خود را شخصا یا توسط وزیر دربار به جرگه مذکور ابلاغ مینماید ، در صورتیکه لوی جرگه تصدیق نماید که استعفی از اراده پادشاه نشئت نموده از تاریخ تصدیق آن استعفی پادشاه نافذ شمرده میشود .

ماده هزدهم : در موقع استعفی یا وفات پادشاه ، پادشاهی به پسر بزرگش انتقال می نماید . در صورتیکه پسر بزرگ پادشاه واجد شرایط پادشاهی که درین قانون اساسی ذکر گردیده نباشد پادشاهی به پسر دوم او و همچنان الی اخیر انتقال میکند .

ماده نوزدهم : هر گاه پادشاه وفات کند یا استعفی بدهد و پسری نداشته باشد که واجد شرایط پادشاهی باشد ، پادشاهی به بزرگترین برادر پادشاه انتقال مینماید . در صورتیکه بزرگترین برادر پادشاه واجد شرایط پادشاهی نباشد پادشاهی به برادریکه از نظر سن میان برادران بلا فاصله بعد از او واقع باشد و همچنان الی آخر انتقال مینماید در صورتیکه پادشاه برادری نداشته باشد که واجد شرایط پادشاهی باشد ، جانشین پادشاه از جمله باز ماندگان پسری اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید انتخاب میگردد . درین حالت انتخاب پادشاه توسط مجلسی مرکب از لوی جرگه ، حکومت ، و اعضای ستره محکمه صورت میگردد . این مجلس در صورت وفات در خلال مدت پانزده روز از تاریخ وفات و در صورت استعفی در خلال مدت هفت روز از تاریخ نفاذ آن از طرف صدراعظم دائر

میشود. تصمیم این مجلس با اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ میگردد و بعد از موافقت شخصی که بحیث پادشاه انتخاب شده نافذ میگردد. از تاریخ وفات پادشاه یا فغاذ استعفی یا انتخاب جانشین پادشاه وزیر دربار نایب پادشاه شناخته میشود.

ماده بیستم : هنگامیکه پادشاه اراده سفر به خارج مملکت نماید یک یا چند

نفر را بحیث وکیل خود تعیین میکند. شخص یا اشخاص مذکور در غیاب پادشاه بوکالت از او امور پادشاهی را در حدود صلاحیتی که از طرف پادشاه به او داده میشود برطبق احکام این قانون اساسی اجرا می نماید.

اشخاص ذیل بحیث وکیل تعیین میشوند :

- ۱ - صدراعظم .
- ۲ - رئیس ولسی جرگه .
- ۳ - رئیس مشرانو جرگه .
- ۴ - قاضی القضاة .

ماده بیست و یکم : هر گاه پادشاه وفات کند و جانشین او سن بیست را تکمیل نکرده باشد تا موقعیکه سن مذکور را تکمیل کند ملکه نیابت پادشاه را به عهده میگیرد. در صورتیکه ملکه وجود نداشته باشد مجلس که در ماده نهم ذکر گردید شخصی را از جمله بازماندگان پسری اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید بحیث نایب پادشاه انتخاب میکند.

ماده بیست و دوم : هر گاه پادشاه استعفی نماید و جانشین او سن بیست را تکمیل نکرده باشد تا موقعیکه سن مذکور را تکمیل میکند، مجلسی که در ماده نهم ذکر گردیده شخصی را از جمله بازماندگان پسری اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید بحیث نایب پادشاه انتخاب مینماید.

ماده بیست و سوم : نایب وکیل پادشاه باید واجد شرایط مندرج ماده هشتم باشد. نایب پادشاه امور پادشاهی را بر طبق احکام این قانون اساسی اجراء میکند.

در صورتیکه ملکه نیابت پادشاه را بعهدہ داشته باشد از صلاحیت مندرج فقره دوم و سادۀ نهم به مشورۀ حکومت استفادہ میکند .

نائب پادشاه نمیتواند در مدت تصدی این عہدہ بدیگر مشاغل اشتغال ورزد . شخصی کہ بر حسب احکام مواد بیست و یکم و بیست و دوم این قانون اساسی به صفت نائب پادشاه تعیین میگردد هیچ گاہ بحیث پادشاه انتخاب نمیشود در دورۀ نیابت پادشاهی مواد مربوط بہ جانشینی فصل پادشاه این قانون اساسی تعدیل نمیشود .

مادۀ بیست و چهارم : پسر و دختر و برادر و خواہر پادشاه و از واج و زوجات و ابناء و بنات شان و عم و ابنای عم پادشاه خانوادۀ شاهی را تشکیل میدہند . در تشریفات رسمی دولت خانوادۀ شاهی بعد از پادشاه و ملکہ اخذ موقع مینمایند .

مصارف خانوادۀ شاهی در بودجہ مصارف پادشاهی تعیین میشود القاب مختص بہ خانوادۀ شاهی میباشد و مطابق با حکام قانون تعیین میشود .

اعضای خانوادہ پادشاهی در احزاب سیاسی شمولیت نمی ورزند و وظایف آتی را اجراء نمی کنند .

۱ - صدارت عظمی یا وزارت .

۲ - عضویت شورا .

۳ - عضویت سترہ محکمہ .

اعضای خانوادہ پادشاهی حیثیت خود را بصفت عضو خانوادہ پادشاهی مادام الحیات حفظ میکنند .

## فصل سوم

### حقوق ووظائف اساسی مردم

مادۀ بیست و پنجم : تمام مردم افغانستان بدون تبعیض و امتیاز در برابر قانون حقوق و وظایف مساوی دارند .

مادۀ بیست و ششم : آزادی حق طبیعی انسان است . این حق جز آزادی دیگران و منافع عامہ کہ توسط قانون تنظیم میگردد حدودی ندارد .

آزادی و کرامت انسان از تعرض مصنون است انفکاک نمی پذیرد. دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می باشد هیچ عملی جرم شمرده نمی شود مگر بموجب قانونیکه قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد. هیچ کس را نمیتوان مجازات نمود مگر بر طبق حکم محکمه باصلاحیت که بعد از محاکمه علنی و حضوری صادر گردیده باشد.

هیچ کس را نمیتوان مجازات نمود مگر مطابق به احکام قانونیکه قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد. هیچ کس را نمیتوان تعقیب یا گرفتار نمود مگر بر طبق احکام قانون.

هیچ کس را نمیتوان توقیف نمود مگر بر طبق حکم محکمه باصلاحیت و مطابق به احکام قانون. برائت ذمه حالت اصلی است متهم تا وقتیکه بحکم قطعی محکمه محکوم علیه قرار بگیرد بی گناه شناخته میشود.

جرم یک امر شخصی است تعقیب گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزا به او به شخص دیگری سرایت نمی کند.

تعذیب انسان جواز ندارد هیچ کس نمیتواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگری اگر آن شخص تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد. تعیین جزائیکه مخالف کرامت انسانی باشد جواز ندارد.

اظهاریکه از متهم یا شخص دیگر بوسیله اکراه بدست آورده میشود اعتبار ندارد اعتراف به جرم عبارتست از اعترافی که متهم برضای کامل در حالت صحت عقل به ارتکاب جرمیکه قانونا با و نسبت داده شده در حضور محکمه باصلاحیت سیماید. هر شخص حق دارد برای دفع اتهامیکه قانونا با و متوجه شده وکیل مدافع تعیین کند.

مادیون بودن یک شخص در برابر شخص دیگر موجب سلب یا



محدود شدن آزادی مدیون شده نمیتواند طرز و وسایل تحصیل دین توسط قانون تنظیم میگردد .

هر افغان حق دارد در هر نقطه از ساحه دولت خود سفر نماید و مسکن اختیار کند مگر در مناطقی که قانون ممنوع قرار داده است و همچنین هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون بخارج افغانستان سفر نماید و عودت کند .

هیچ افغان به تبعید در داخل افغانستان و خارج از افغانستان محکوم نمیشود .

ماده بیست و هفتم : هیچ افغان بابت اتهام به یک جرم به دولت خارجی سپرده نمیشود .

ماده بیست و هشتم : مسکن شخصی از تعرض مصئون است . هیچ کس بشمول دولت نمیتواند بدون اجازه ساکن یا محکمه با صلاحیت و بغیر از حالات و طرزیکه در قانون تصریح شده به مسکن کس داخل شود ، یا آنرا تفتیش نماید .  
در مورد جرم مشهود مامور مسئول میتواند به مسکن شخصی بدون اجازه قبلی محکمه به مسؤولیت خود داخل شود یا آنرا تفتیش کند . مامور مذکور مکلف است بعد دخول یا اجرای تفتیش در خلال مدتیکه قانون تعیین میکند فیصله محکمه را حاصل نماید .

ماده بیست و نهم : ملکیت شخص از تعرض مصئون است .

ملکیت هیچ شخص بدون حکم قانون و فیصله محکمه با صلاحیت مصادره نمیشود . استملاک ملکیت شخص تنها به مقصد تأمین منافع عامه در بدل تعویض قبلی و عادلانه بموجب قانون مجاز میباشد .

هیچ کس از کسب ملکیت و تصرف در آن منع نمیشود مگر در حدود قانون طرز استملاک ملکیت بمنظور تأمین منافع عامه توسط قانون تنظیم و رهنمونی میشود .

تفتیش و اعلان دارائی شخص تنها بحکم قانون صورت میگیرد .  
دول و اتباع خارجی در افغانستان حق ملکیت اموال عقاری

ندارند فروش عقار به نمایندگیهای سیاسی دول خارجی بر اساس رویه بالمثل و به موسسات بین المللی ایکه دولت افغانستان عضو آن باشد بعد از موافقه حکومت مجاز است.

ماده سی ام : آزادی و محرمانه مخابرات اشخاص چه بصورت مکتوب باشد و چه بوسیله تلیفون و تلگراف و یا باساس دیگر از تعرض مصئون است. دولت حق تفتیش مخابرات اشخاص را ندارد مگر به موجب فیصله محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانون. در حالات عاجل که در قانون تعریف میگردد ماسور مسئول میتواند بدون اجازه قبلی محکمه بمسئولیت خود به تفتیش مخابرات اقدام کند. ماسور مذکور مکلف است بعد از اجرای تفتیش در خلال مدتیکه قانون تعیین میکند فیصله محکمه را حاصل نماید.

ماده سی و یکم : آزادی بیان از تعرض مصئون است.

هر افغان حق دارد فکر خود را بوسیله گفتار، نوشته، تصویر یا امثال آن مطابق قانون اظهار کند.

هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون به طبع و نشر مطالب بدون ارائه قبلی آن به مقامات دولتی پردازد.

اجازه و امتیاز تأسیس مطابع عمومی و نشر مطبوعات تنها باتباع دولت افغانستان مطابق به احکام قانون داده میشود.

تأسیس و تدویر دستگاه عامه فرستنده رادیو و تلویزیون مختص بدولت است.

ماده سی و دوم : اتباع افغانستان حق دارند برای تأمین مقاصد جائز و صلح آمیز بدون حمل سلاح مطابق به احکام قانون، بدون اجازه قبلی دولت اجتماع نمایند.

اتباع افغانستان حق دارند بمنظور تأمین مقاصد مادی، معنوی مطابق احکام قانون جمعیت ها تأسیس نماید.

اتباع افغانستان حق دارند مطابق به احکام قانون احزاب سیاسی تشکیل دهند مشروط برآنیکه :

۱ - هدف فعالیت های حزب و مفکوره هائیکه تشکیلات

احزاب بروی آن بناشده مناقض ارزش های مندرج این قانون اساسی نباشد .

۲ - تشکیلات و منابع مالی حزب علنی باشد .

حزبیکه مطابق به احکام قانون تشکیل می یابد بدون موجبات قانونی و حکم ستره محکمه منحل نمیشود .

ماده سی و سوم : هر شخص که از هر اداره بدون موجب متضررمیشود مستحق جبران خساره میباشد و میتواند برای حصول آن در محکمه دعوی اقامه کند .

دولت نمی تواند بجزدر حالاتیکه قانون تصریح میکند بدون حکم محکمه با صلاحیت به تحصیل حقوق اقدام کند .

ماده سی و چهارم : تعلیم حق تمام افراد افغانستان است و بصورت مجانی از طرف دولت و اتباع افغانستان فراهم میشود . هدف دولت درین ساحه رسیدن به مرحله ایست که دران تسهیلات مناسب تعلیم و تربیه برای همه افراد افغانستان مطابق به احکام قانون فراهم گردد . دولت مکلف است برای تعلیم متوازن معارف در تمام افغانستان پروگرام موثری وضع و تطبیق نماید . رهنمونی و نظارت تعلیم و تربیه وظیفه دولت است .

تعلیمات ابتدائی برای تمام اطفال در نقاطیکه وسایل آن از طرف دولت تهیه شده حتمی است .

تأسیس و اداره تعلیمات عالی و عمومی تنها حق و وظیفه دولت است در خارج این ساحه اتباع افغانستان حق دارند مکاتب اختصاصی و سواد آموزی تأسیس نمایند .

شروط تأسیس نصاب تعلیم و شرایط تحصیل در چنین مکاتب توسط قانون تنظیم میگردد حکومت میتواند مطابق به احکام قانون به اشخاص خارجی اجازه تأسیس مکاتب خصوصی بدهد . ازین مکاتب تنها اشخاص خارجی میتوانند استفاده کنند .

ماده سی و پنجم : دولت موظف است پروگرام موثری برای انکشاف و تقویۀ زبان ملی پشتو وضع و تطبیق کند .

ماده سی و ششم : دولت موظف است در حدود توان خود وسایلی و قیامه از امراض و علاج آنرا بصورت متوازن برای همه افغانها تهیه کند هدف دولت درین ساحه رسیدن به مرحله ایست که دران تسهیلات صحی مناسب برای تمام افراد افغانستان فراهم گردد .

ماده سی و هفتم : کار حق و فریضۀ هر افغانست که قدرت اجرای آنرا داشته باشد . هدف عمده قوانینی که برای تنظیم کار وضع میگردد رسیدن به مرحله ایست که دران حقوق و منافع اصناف کار گران حمایت شود . شرایط مساعد کار فراهم گردد . روابط بین کار گران و کار فرمایان بصورت عادلانه و مترقی تنظیم یابد .

اتباع افغانستان به اساس اهلیت و بموجب احکام قانون بخدمت دولت پذیرفته میشود و انتخاب شغل و حرفه در داخل شرایطی که قانون تعیین می نماید آزاد میباشد .

تحمیل کار اجباری اگرچه برای دولت باشد جواز ندارد .

تحریم کار اجباری مانع تطبیق قوانینی نمیشود که بمنظور تنظیم فعالیت دسته جمعی برای تأمین منافع عامه وضع میگردد .

ماده سی و هشتم : هر افغان مکلف است به دولت مالیه و محصول تادیه کند و هیچ نوع محصول و مالیه بدون حکم قانون وضع نمیشود . اندازه مالیه و طرز تادیه آن بارعایت عدالت اجتماعی توسط قانون تعیین میگردد . این حکم در مورد اشخاص خارجی نیز تطبیق میشود .

ماده سی و نهم : دفاع از وطن وظیفۀ مقدس تمام اتباع افغانستان است . کافۀ اتباع افغانستان به اجرای خدمت عسکری مطابق به احکام قانون مکلف میباشند .

ماده چهلیم : پیروی از احکام قانون اساسی ، وفاداری و احترام به شاه ، اطاعت به قوانین ، رعایت نظم و امن عامه ، صیانت منافع وطن

و اشتراک در حیات ملی و وظیفه تمام مردم افغانستان است .

## فصل چهارم

### شوری

مادهٔ چهل و یکم : شورای افغانستان مظهر اراده مردم آنست و از قاطبه ملت نمایندگی میکند . مردم افغانستان به توسط شوری در حیات سیاسی مملکت سهم میگیرند .

هر عضو شوری در حالیکه از یک حوزه معین انتخاب شده در موقع اظهار رای مصالح عمومی افغانستان را مدار قضاوت خود قرار میدهد .

مادهٔ چهل و دوم : شوری دارای دو مجلس میباشد : ولسی جرگه و مشرانو جرگه .

مادهٔ چهل و سوم : اعضای ولسی جرگه توسط انتخابات آزاد ، عمومی ، سری و مستقیم مطابق به احکام قانون از طرف مردم انتخاب میشود . افغانستان باین منظور به حوزه های انتخابی تقسیم میگردد ، تعداد ساحه ها ، حوزه ها توسط قانون تعیین میشود از هر حوزه یک نفر وکیل انتخاب میگردد و او طلبی که در حوزه خود مطابق به احکام قانون رای بیشتر حاصل میکند وکیل شناخته میشود .

مادهٔ چهل و چهارم : اعضای ولسی جرگه برای مدت ۲ سال که یک دورهٔ تقنینیه است انتخاب میشوند ، هر گاه شوری مطابق با احکام این قانون اساسی منحل شود ولسی جرگه جدید برای یک دورهٔ تقنینیه انتخاب میگردد ولی تاریخ ختم طوری تنظیم میشود که جرگهٔ ما بعد بتاریخیکه در مادهٔ پنجاه و نهم تثبیت گردیده افتتاح شود .

مادهٔ چهل و پنجم : اعضای مشرانو جرگه به ترتیب ذیل انتخاب میشوند .

۱ - یک ثلث اعضاء از جملهٔ افراد خبیر و با تجربه برای

مدت پنج سال از طرف پادشاه تعیین میشوند .

۲ - دو ثلث دیگر اعضاء بر حسب آتی انتخاب میشوند .

(الف) هر جرگه ولایت یک نفر از جملهٔ اعضاء خود را

برای مدت سه سال به عضویت مشرانو جرگه

انتخاب میکنند.

(ب) ساکنین هر ولایت یک نفر را از طریق انتخاب آزاد عمومی سری و مستقیم برای مدت چهار سال عضویت مشرانو جرگه انتخاب میکنند.

مادهٔ چهل و ششم: شرایط انتخاب کنندگان در قانون انتخابات تعیین میگردد. انحصاریکه عضویت شوری تعیین بنا انتخاب میشوند باید علاوه بر تکمیل شرایط انتخاب کنندگان واجد اوصاف ذیل باشند:

- ۱ - اقلای ده سال قبل از تاریخ تعیین یا انتخاب تا بعیت دولت افغانستان را کسب کرده باشند.
- ۲ - بعد از نفاذ این قانون اساسی از طرف محکمه بحرمان از حقوق سیاسی محکوم نشده باشند.
- ۳ - خواندن و نوشتن بدانند.
- ۴ - اعضای ولسی جرگه باید سن بیست و پنج را در موقع انتخابات و اعضای مشرانو جرگه سن سی را در موقع تعیین یا انتخاب تکمیل کرده باشند.

مادهٔ چهل و هفتم: رئیس و اعضای حکومت، قضات، صاحب منصبان و افراد اردو مامورین و دیگر کارکنان اداری نمیتوانند در هنگام تصدی و وظیفه عضویت شوری تعیین یا انتخاب شوند.

مادهٔ چهل و هشتم: هیچ کس نمیتواند در یک وقت عضو هر دو جرگه باشد.

مادهٔ چهل و نهم: با رعایت احکام این قانون اساسی انتخابات مطابق به احکام قانون صورت میپذیرد. پیشنهاد تعدیل قانون انتخابات در دو سال اخیر دورهٔ تقنینیه ولسی جرگه در فهرست کار هیچ یک از جرگه داخل شده نمیتواند.

مادهٔ پنجاهم: و ثایق عضویت در هر جرگه توسط خو- جرگه تدقیق میگردد. طرز تدقیق و ثایق در اصول و وظائف داخلی هر جرگه تعیین میشود.

مادهٔ پنجاه و یکم: هیچ عضو شوری بعیت رای یا نظریه ایکه هنگام اجرای وظیفه در داخل شوری یا خارج از آن ابراز میدارد مورد

تعقیب عدلی قرار نمیگیرد.

هر گاه یک عضو شوری به جرمی متهم شود مأمور مسئول از موضوع به جرگه ایکه متهم عضو آن است اطلاع میدهد و بعد از آنکه جرگه مذکور به اکثریت دو ثلث اعضاء اجازه بدهد متهم تحت تعقیب عدلی قرار میگیرد. جرگه میتواند اجازه خود را به اکثریت دو ثلث اعضاء مسترد نماید.

در مورد جرایم مشهود مأمور مسئول میتواند متهم را بدون اجازه جرگه ایکه او عضو آن میباشد تحت تعقیب عدلی قرار دهد و گرفتار نماید. هر گاه تعقیب عدلی قانوناً توقیف را ایجاد کند مأمور مسئول مکلف است موضوع را بلا فاصله با اطلاع جرگه مربوط برساند و در صورتیکه جرگه مذکور اجازه بدهد متهم توقیف شده میتواند. در صورتیکه اتهام در هنگام تعطیل جرگه صورت بگیرد اجازه توقیف از هیئت اداری جرگه حاصل میگردد. فیصله هیئت به نخستین جلسه آینده جرگه جهت اخذ تصمیم ارائه میشود.

ماده پنجاه و دوم: اعضای شوری نمیتوانند به شغل دیگری اشتغال ورزند. این حکم شامل زراعت و دیگر مشاغل آزاد نمیشد.

ماده پنجاه و سوم: برای اعضای شوری معاش مناسب مطابق به احکام قانون تعیین میگردد.

ماده پنجاه و چهارم: هر عضو شوری حق دارد در جرگه مربوط خود در موضوع مورد مباحثه نظریه خود را مطابق به اصول و ظایف داخلی اظهار کند.

ماده پنجاه و پنجم: هر دو جرگه در وقت واحد بصورت جداگانه اجلاس میکنند. مشرانو جرگه میتواند برای مطالعه طرح بودجه دولت در مدت تعطیل ولسی جرگه جلسه فوق العاده خود را دائر کند.

در موقعیکه دوره تقنینیه یا اجلاس سالانه از طرف پادشاه افتتاح میگردد جلسه مشترک هر دو جرگه دائر میشود.

ماده پنجاه و هشتم: حکومت میتواند در جلسات هر یک از دو جرگه اشتراک

ورزد . هر جرگه میتواند حضور رئیس یا اعضای حکومت را در جلسه خود مطالبه کند .

ماده پنجاه و هفتم : مباحثه جلسات در هر دو جرگه علنی میباشد . مگر اینکه رئیس حکومت ، رئیس جرگه یا اقلا ده نفر از اعضا سری بودن آنها درخواست نماید و جرگه این درخواست را بپذیرد . جرگه میتواند با کثرت دو ثلث اعضا مباحثه ایرا که سری صورت گرفته دوباره علنی بسازد . جریان مباحثه هر دو جرگه ثبت میگردد .

هیچ کس نمیتواند عنفا به مقر شوری داخل شود متخلفین مطابق به احکام قانون مجازات میشوند .

ماده پنجاه و هشتم : جز در مواردیکه حکم آن صریحا درین قانون اساسی ذکر گردیده تصمیم هر جرگه با کثرت اعضای حاضر اتخاذ میگردد .

ماده پنجاه و نهم : هر جرگه در هر سال یک اجلاس عادی دائر میکند که بتاريخ بیست و دوم میزان آغاز میگردد تعداد اجلاس سالانه توسط قانون تزیید شده میتواند . درین صورت تاریخ آغاز اجلاس و مدت آن توسط قانون تنظیم میگردد .

مدت کار هر جرگه در هر سال هفت ماه است در صورت ایجاب کار هر جرگه میتواند این مدت را تمدید نماید در هنگام تعطیل باسر پادشاه ، بدرخواست حکومت یا رئیس یکی از دو جرگه یا یکخمس از اعضای آن اجلاس فوق العاده شورا دائر میشود .

جلسه فوق العاده توسط فرمان پادشاهی که بعد از مشوره یا روسای دو جرگه صدور می یابد ختم میگردد .

ماده شصتم : رئیس مشرانو جرگه ازین اعضای این از طرف پادشاه تعیین میشود .

ولسی جرگه ازین اعضای خود یک نفر را بحیث رئیس انتخاب میکند هر جرگه ازین اعضای خود یک نفر نائب اول رئیس، یک نفر نائب دوم رئیس ، یکفرمنشی و یک نفر



نائب منشی انتخاب میکنند .

اشخاص فوق هیئات اداری جرگه را تشکیل میدهند .

هیئت اداری ولسی جرگه در آغاز دوره تقنینیه انتخاب میشود  
نائبان رئیس ، منشی و نائب منشی مشرانو جرگه در آغاز

اجلاس سالانه برای مدت یکسال انتخاب میگردند .

رئیس هر جرگه مباحثه جرگه مذکور را اداره مینماید و

برای برقراری نظم و امنیت در مقر جرگه تدابیر لازم

اتخاذ میکند ، سائر و ظایف رئیس در اصول و وظائف داخلی

تعیین میگردد .

در غیاب رئیس نائب اول و در غیاب نائب اول نائب دوم

وظیفه رئیس را اجرا میکند .

منشی هر جرگه مباحثات آنرا ثبت میکند و اسامی دارالانشای

جرگه سرپرستی مینماید در غیاب منشی نائب منشی وظیفه

او را اجرا میکند .

ماده شصت و یکم : هر جرگه برای مطالعه دقیق و مفصل موضوعات مورد

بحث بر طبق احکام اصول و وظائف داخلی انجمن ها تعیین

مینماید .

ماده شصت و دوم : هر جرگه اصول و وظائف داخلی خود را وضع مینماید .

ماده شصت و سوم : شوری میتواند به امر پادشاه منحل شود .

انحلال شوری در حالت مندرج ماده یکصد و بیست و یکم

حتمی است .

انحلال شوری شامل اعضای غیر انتخابی مشرانو جرگه

نیز میباشد .

ماده شصت و چهارم : شوری برای تنظیم امور حیاتی افغانستان مطابق به

احکام این قانون اساسی قوانین وضع میکند هیچ قانون

نمیتواند متناقض اساسات دین مقدس اسلام و دیگر ارزش

های مندرج این قانون اساسی باشد .

تصدیق معاهدات بین الدول ، فرستادن قطعات اردوی

افغانستان به خارج ، اعطای امتیازات دارای اهمیت در اقتصاد

ملی بشمول انحصار اجازه نشرپول و اخذ قرصه از صلاحیت شوری میباشد .  
 امتیازاتیکه اعطای آن از صلاحیت شورا میباشد توسط قانون تعیین میگردد .

ماده شصت و پنجم : حکومت نزد ولسی جرگه مسئول میباشد .  
 ماده شصت و ششم : اعضای ولسی جرگه میتوانند از حکومت استیضاح نمایند  
 مباحثه در مورد توضیحی که از طرف حکومت داده میشود به تصمیم جرگه منوط میباشد .

ماده شصت و هفتم : اعضای شوری میتوانند از صدر اعظم یا وزرا در موضوعات معین سوال بنمایند اشخاصیکه از آنها سوال بعمل آمده مکلفند جواب شفوی یا تحریری بدهند . این جواب مورد مباحثه قرار نمیگیرد .

ماده شصت و هشتم : ولسی جرگه صلاحیت دارد به پیشنهاد یک ثلث از اعضای خود جهت تحقیق و مطالعه اعمال حکومت و اجراءات اداره انجمن تعیین نماید .  
 ترکیب و طرز العمل انجمن در اصول و وظائف داخلی تثبیت میگردد .

ماده شصت و نهم : پاستهای حالانیکه برای آن طرز عمل خاصی درین قانون اساسی تصریح گردیده قانون عبارتست از مصوبه موافق هر دو جرگه که به توشیح پادشاه رسیده باشد در ساحه ایکه چنین مصوبه موجود نباشد قانون عبارتست از احکام فقه حنفی شریعت اسلام .

ماده هفتاد : پیشنهاد وضع قانون از طرف حکومت یا اعضای شوری و در ساحه تنظیم امور قضائی از طرف ستره محکمه صورت گرفته میتواند .  
 ماده هفتاد و یکم : پیشنهاد وضع قانون از طرف حکومت یا ستره محکمه به هر یک از دو جرگه تقدیم شده میتواند پیشنهاد وضع قانون در مورد بودجه امور مالی تنها از طرف حکومت صورت میگردد .

ماده هفتاد و دوم : هرگاه پیشنهاد وضع قانون از طرف اعضای یکی از دو جرگه

صورت بگیری بعد از تائید ده نفر از اعضای جرگه ایکه پیشنهاد به آن ارائه شده در فهرست کار داخل میگردد .

هر گاه پیشنهاد وضع قانون حاوی تکلیف جدید یا تنقیص در عایدات دولت باشد بشرطی در فهرست کار داخل میشود که در متن پیشنهاد مدرک جبران پیش بینی شده باشد این حکم به پیشنهاد وضع قانون از طرف ستره محکمه تطبیق نمیشود .

ماده هفتاد و سوم : وقتی پیشنهاد وضع قانون در فهرست کار یکی از دو جرگه داخل گردید ، نخست بانجمن مربوط محول میگردد و بعد از آنکه انجمن نظر خود را درباره آن ابراز کرد طرح قانون با نظریه انجمن در جرگه قرائت میشود ، بحث روی آن صورت میگردد ، بعداً در مورد هر ماده رای گرفته میشود و سپس طرح بار دوم قرائت شده درباره رد یا تصویب آن بصورت یک کل رای گرفته میشود .

ماده هفتاد و چهارم : هر گاه تصویب یک جرگه از طرف جرگه دیگر رد شود برای حل اختلاف هیأت مختلط به تعداد مساوی از اعضای هر دو جرگه مطابق به احکام قانون دائر میگردد . فیصله هیئت بعد از توشیح پادشاه نافذ شمرده میشود ، در صورتیکه هیئت مختلط نتواند اختلاف نظر را رفع کند تصویب رد شده بحساب می رود هر گاه تصویب از طرف ولسی جرگه بعمل آمده باشد دوره تقنینیه جدید ولسی جرگه میتواند آنرا به اکثریت آرای اعضا تصویب کند . این تصویب بدون ارائه به مشرانو جرگه بعد از توشیح پادشاه نافذ شمرده میشود .

هر گاه اختلاف دو جرگه در مورد طرح قوانین مالی باشد در صورتیکه هیئت مختلط بحلی این موفق نشود ، ولسی جرگه میتواند در اجلاس مابعد طرح مذکور را با اکثریت آرای اعضا تصویب نماید ، طرح بدون ارائه به مشرانو جرگه بعد از توشیح پادشاه قانون شمرده میشود .

ماده هفتاد و پنجم : بسودجه دولت از طریق مشرانو جرگه و تسوام

با نظریه مشورتی آن به ولسی جرگه تقدیم میشود . رئیس ولسی جرگه بودجه و نظریات مشرانو جرگه را به انجمن مربوط تفویض میکند بعد بودجه با نظریات انجمن مربوط در ولسی جرگه مطالعه میشود و درباره آن تصمیم اتخاذ میگردد ، این تصمیم بدون ارائه به مشرانو جرگه بعد از توشیح پادشاه نافذ شمرده میشود . این حکم در مورد مذکرات ولسی جرگه راجع به پلان انکشافی حکومت نیز تطبیق میگردد . هر گاه نظر به عللی تصویب بودجه قبل از آغاز سال مالی صورت نگیرد تا تصویب بودجه سال جدید بودجه سال گذشته تطبیق میشود . حکومت مکلف است اقلاً یکماه قبل از تقدیم طرح بودجه حساب قطعی بودجه یکسال قبل را به ولسی جرگه تقدیم کند .

ماده هفتاد و ششم : هر گاه مشرانو جرگه فیصله خود را در مورد مصوبه ولسی جرگه در خلال مدت ششماه از تاریخ وصول آن صادر نکند مصوبه مذکور قبول شده بشمار میرود در سخن این مدت دوره تعطیل بحساب گرفته میشود .

ماده هفتاد و هفتم : در هنگام تعطیل یا انحلال شوری حکومت میتواند در ساحه مذکور فقره اول ماده شصت و چهارم برای تنظیم امور عاجل فرامین تقنینی ترتیب کند . این فرامین بعد از توشیح پادشاه حکم قانون را حائز میشود . فرامین تقنینی باید در خلال مدت سی روز از تاریخ انعقاد نخستین جلسه به شوری تقدیم گردد و در صورتیکه از طرف شوری رد شود از اعتبار ساقط میگردد .

## فصل پنجم

### لوی جرگه

ماده هفتاد و هشتم : لوی جرگه مرکب است از اعضای شوری و روسای جرگه های ولایات . در حالت انحلال شوری اعضای آن حیثیت خود را بصفت اعضای لویه جرگه تا دائر شدن شورای جدید حفظ میکنند .

ماده هفتاد و نهم : با رعایت احکام مواد نهم ، بیست و یکم و بیست و دوم لوی جرگه توسط فرمان پادشاهی دائر میشود .

ماده هشتاد : در هنگام دائر بودن لوی جرگه حکم ماده پنجاه و یکم در مورد اعضای این تطبیق میگردد .

ماده هشتاد و یکم : مباحثه لوی جرگه عانی میباشد مگر اینکه حکومت یا بیست نفر از اعضاء سری بودن آنرا درخواست نمایند و لوی جرگه این درخواست را بپذیرد .

ماده هشتاد و دوم : رئیس لوی جرگه در غیاب او رئیس مشرانو جرگه از جلسات لوی جرگه ریاست میکند . لوی جرگه در اولین جلسه یکنفر را از بین اعضای خود بحیث مشی انتخاب میکند .

ماده هشتاد و سوم : جز در مورد یکه حکم آن صریحاً درین قانون اساسی ذکر گردیده تصمیم لوی جرگه با کثرت آرای اعضای حاضر اتخاذ میگردد . با رعایت احکام این قانون اساسی طرز العمل لوی جرگه توسط قانون تنظیم میشود .

ماده هشتاد و چهارم : لوی جرگه دارای صلاحیت هائی میباشد که درین قانون اساسی تعیین گردیده است .

## فصل ششم

### حکومت

ماده هشتاد و پنجم : حکومت افغانستان متشکل است از صدر اعظم ، وزراء ، صدر اعظم رئیس و وزراء اعضای حکومت میباشند .

تعداد وزراء ووظایف شان توسط قانون تنظیم میگردد .

ماده هشتاد و ششم : هر شخصیکه بر طبق احکام این قانون اساسی اهلیت انتخاب شدن را بصورت و لسی جرگه دا را باشد میتواند بحیث رئیس یا عضو حکومت تعیین شود . رئیس حکومت باید افغان متولد شده باشد رئیس و اعضای حکومت میتوانند از اعضای شوری یا خارج ازان تعیین شوند ، هر عضو که بحیث رئیس یا عضو حکومت تعیین شود عضویت خود را در شوری از دست میدهد .

ماده هشتاد و هفتم: صدر اعظم و وزرا نمیتوانند در مدت تصدی وظیفه به مشاغل دیگری اشتغال ورزند.

ماده هشتاد و هشتم: برای رئیس و اعضای حکومت معاش مناسب توسط قانون تعیین میگردد.

ماده هشتاد و نهم: حکومت توسط شخصیکه از طرف پادشاه بعیث صدر اعظم موظف شده تشکیل میگردد. اعضا و خط مشی حکومت توسط صدر اعظم به ولسی جرگه معرفی میشود و جرگه پس از مباحثه راجع به اعتماد بر حکومت تصمیم میگیرد. در صورت صدور رای اعتماد فرمان پادشاهی راجع به تعیین رئیس و اعضای حکومت دائر میگردد. سپس صدر اعظم خط مشی حکومت را به مشرانو جرگه معرفی مینماید.

ماده نود: هرگاه حکومت به علت قوت یا استعفی صدر اعظم در هنگام انحلال شوری از بین برود حکومت جدید بفرمان پادشاهی تعیین میشود.

در آغاز دوره تقنینیه جدید صدر اعظم اعضای حکومت و خط مشی آنرا به ولسی جرگه معرفی و رای اعتماد مطالبه میکند.

ماده نود و یکم: حکومت در احوال آتی از بین میرود:

- ۱ - در حالت استعفی یا قوت صدر اعظم.
- ۲ - در حالت سلب اعتماد ولسی جرگه از حکومت.
- ۳ - در حالت اتهام رئیس، تمام یا اکثر اعضای حکومت بجرم خیانت ملی مطابق حکم ماده نود و سوم.
- ۴ - در حالت انحلال شوری.
- ۵ - در حالت ختم دوره تقنینیه.

در دو حالت اخیر حکومت توأم با اولین جلسه ولسی جرگه جدید از بین میرود.

در حالت استعفی صدراعظم پس از منظوری استعفی از طرف پادشاه حکومت از بین میرود.

در صورت قوت صدر اعظم یک نفر از وزراء با مر پادشاه وظایف

صدر اعظم را تا تشکیل حکومت جدید اجرا میکنند.

در صورتیکه حکومت به علت اتهام به جرم خیانت، ملی مطابق به حکم ماده نود و سوم از بین برود شخصی که از طرف پادشاه بجهت صدر اعظم تعیین میشود میتواند تا اولین جلسه ولسی جرگه به تعقیب تصمیم لوی جرگه در مورد مذکور قبل از حصول رأی اعتماد وظایف صدر اعظم را اجرا نماید. در سائر احوال حکومتی که از بین رفته تا تشکیل حکومت جدید بوظیفه خود دوام میدهد.

ماده نود و دوهم : رای سلب اعتماد از حکومت باید صریح و مستقیم باشد. این رای در مورد حکومتی که در خلال دو دوره تقنین اول به تعقیب نفاذ این قانون اساسی بوجود می آید به اکثریت دو ثلث آراء و در مورد حکومت های ما بعد به اکثریت آرای اعضای ولسی جرگه صادر میگردد.

ماده نود و سوم : هر گاه بیش از یک ثلث اعضای ولسی جرگه محاکمه صدر اعظم، تمام یا اکثریت حکومت را بر اساس اتهام بجرم خیانت ملی تقاضا نماید و ولسی جرگه این تقاضا را با اکثریت دو ثلث اعضا تصویب کند حکومت سقوط مینماید و لوی جرگه برای تعیین هیأت تحقیق دایر میگردد، اگر بعد از مطالعه راپور هیئت لوی جرگه با اکثریت دو ثلث اعضا اجرای محاکمه را لازم بداند یک نفر از اعضای ولسی جرگه را موظف مینماید تا علیه متهم در ستره محکمه دعوی اقامه کند. حکم فقره فوق در حالتی نیز تطبیق میشود که اتهام خیانت ملی به یک یا چند نفر وزیر که تعداد شان از نصف اعضای حکومت بیشتر نباشد متوجه گردد در نتیجه این اتهام متهم از وظیفه سبکدوش ولی حکومت سقوط نمیکند.

ماده نود و چهارم : تعمیل احکام این قانون اساسی و تمام قوانین، تعمیل فیصله های قطعی محاکم، اتخاذ تدابیر لازم جهت برقراری نظم و امن عامه تنظیم وضع مالی دولت و حفاظت دارائی عامه، انکشاف وضع اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی

مردم ، حفظ استقلال ، دفاع از تمامیت ساحه ، حیانت متافع و حیثیت افغانستان در جامعه ملل و وظیفه حکومت می باشد . حکومت برای تنظیم وظایف خود بر اساس قوانین ، مقررات وضع میکند. این مقررات باید منافی با روح هیچ قانون نباشد.

ماده نود و پنجم: مجلس وزراء خطوط اساسی سیاست حکومت را تعیین میکنند و مقرراتی را که وضع آن از صلاحیت حکومت میباشد تصویب مینمایند ، صدر اعظم از مجلس وزراء ریاست مینماید . فعالیت حکومت را اداره ، و رهنمونی میکند و در اجراء آن هماهنگی تأمین مینماید . حفظ رابطه حکومت با پادشاه و شوری نیز وظیفه صدر اعظم میباشد . وزراء وظایف خود را بحیث آسیرین واحد های اداری و بحیث اعضای حکومت تحت امر و رهنمائی صدر اعظم در داخل حدودیکه این قانون اساسی و قوانین دیگر تعیین میکنند اجراء مینمایند .

ماده نود و ششم: صدراعظم و وزراء از سیاست عمومی حکومت مشترکا و از وظائف مشخصه خود منفردا نزد ولسی جرگه مسئولیت دارند . صدر اعظم، و وزراء از آن اعمال حکومت که درباره آن بر طبق احکام این قانون اساسی فرمان پادشاهی را حاصل میکنند نیز مسئول مینباشند .

## فصل هفتم - قضاء

ماده نود و هفتم: قوه قضائیه یک رکن مستقل دولت است و وظایف خود را در ردیف قوه تقنینیه و قوه اجرائیه انجام میدهد .

ماده نود هشتم: قوه قضائیه مرکب است از یک ستره محکمه و محاکم دیگری که تعداد آن توسط قانون تعیین میگردد. صلاحیت قوه قضائیه شامل رسیدگی به تمام دعاوی ایست که دران اشخاص حقیقی یا حکمی بشمول دولت بصفت مدعی یا مدعی علیه قرار گرفته و درپیشگاه آن مطابق به احکام قانون اقامه شود . هیچ قانون نمیتواند در هیچ حالت قضیه یا ساحه ایرا از دائره صلاحیت قوه قضائیه دولت و به نحویکه درین فصل تحریر شده



خارج بسازد و بمقام دیگری تفویض کند. این حکم مانع تشکیل محاکم عسکری نمیگردد ولی ساحه این نوع محاکم به جرائم مربوط اردوی افغانستان منحصر می باشد تشکیل صلاحیت محاکم عسکری توسط قانون تنظیم میشود.

ماده نود و نهم: قضات به پیشنهاد قاضی القضاة از طرف پادشاه تعیین میگردند. هر گاه یک نفر قاضی مرتکب جرمی شود ستره محکمه به حالت قاضی رسیدگی کرده بعد از استماع دفاع او پیشنهاد عزلش را به پادشاه تقدیم کرده میتواند. در صورتیکه پیشنهاد مذکور از طرف پادشاه تأیید گردد قاضی از وظیفه عزل میشود. تبدیلی ترفیع، مواخذه و پیشنهاد تقاعد قضات مطابق به احکام قانون از صلاحیت ستره محکمه میباشد. برای قضات معاش مناسب توسط قانون تعیین میگردد. قضات نمیتوانند در مدت تصدی وظیفه به مشاغل دیگری اشتغال ورزند.

ماده یکصدم: در محاکم افغانستان محاکمه بصورت علنی اجراء میشود. هر کس حق حضور را در آن مطابق به احکام قانون دارد. محکمه میتواند در حالت استثنائی که در قانون تصریح گردیده باشد جلسات سری دائر کند اعلام حکم باید بهر حال علناً صورت بگیرد. محاکم مکلف اند اسباب حکمی را که صادر میکنند در فیصله خود ذکر نمایند.

ماده یکصد و یکم: تمام فیصله های قطعی محاکم واجب التعمیل است مگر در حالت حکم به مرگ شخص که تعمیم حکم محکمه مشروط به توشیح پادشاه میباشد.

ماده یکصد و دوم: محاکم در قضایای مورد رسیدگی خود احکام این قانون اساسی و قوانین دولت را تطبیق میکنند.

هر گاه برای قضیه از قضایای مورد رسیدگی در قانون اساسی و قوانین دولت حکمی موجود نباشد محاکم به پیروی از اساسات کلی فقه حنفی شریعت اسلام در داخل حدودیکه این قانون اساسی وضع نموده در چنین احوال حکمی صادر میکنند که در نظر شان عدالت را به بهترین صورت ممکن تأمین نماید.

ماده یکصد و سوم: تحقیق جرائم از طرف مدعی العموم که جزء قوه اجرائیه

دولت است مطابق بر احکام این قانون صورت میگیرد .  
 ماده یکصد و چهارم : با رعایت احکام این قانون اساسی قواعد مربوط به تشکیلات و اجراءات محاکم و امور مربوط به قضات توسط قانون تنظیم میگردد .  
 هدف عمده این قوانین توحید مزایف قضائی و توحید تشکیلات صلاحیت و طرز العمل محاکمه میباشد .

ماده یکصد و پنجم : ستره محکمه تشکیل است از نه عضو که از طرف پادشاه تعیین میشود. پادشاه اعضای ستره محکمه را از بین اشخاصی تعیین میکند که دارای اوصاف ذیل باشند .

- ۱ - سی و پنج سالگی را تکمیل کرده باشند .
- ۲ - اهلیت انتخاب شدن بعضویت شوری را مطابق به حکم ماده چهارم و ششم داشته باشند .
- ۳ - از علم حقوق ، اهداف ملی ، حقوق و نظام حقوق افغانستان آگاهی کافی داشته باشند .

پادشاه یک نفر از اعضای ستره محکمه را که سن او از چهل و پنج کمتر و از شصت زیاد تر نباشد بحیث قاضی القضاات تعیین مینماید. پادشاه میتواند بر تعیین قاضی القضاات و اعضای ستره محکمه بعد از مرور هرده سال از تاریخ تعیین شان بوظائف مذکور تجدید نظر بنماید . با رعایت این حکم و حکم ماده یکصد و ششم قاضی القضاات و اعضای ستره محکمه از وظایف شان بر طرف نمیشوند .  
 باستثنای حالت مندرج ماده یکصد و ششم قاضی القضاات و اعضای ستره محکمه بعد از ختم دوره خدمت برای بقیه مدت حیات از تمام امتیازات مالی دوره خدمت مستفید میشوند .

قاضی القضاات و اعضای ستره محکمه نمیتوانند بعد از ختم دوره خدمت شان رئیس یا عضو حکومت ، شورا یا مامور دولت باشند .  
 قاضی القضاات و اعضای ستره محکمه نمیتوانند در مدت تصدی وظیفه و بعد ازان در احزاب سیاسی شمولیت ورزند .

ماده یکصد و ششم : هر گاه بیش از یک ثلث اعضای ولسی جرگه محاکمه قاضی القضاات یا یک یا چند عضو ستره محکمه را بر اساس اتهام بجرم ناشی از اجرای وظیفه تقاضا نماید و جرگه مذکور این تقاضا را به اکثریت دو ثلث

اعضا تصویب کنند متهم از وظیفه سبکدوش میشود و لوی جرگه برای تعیین هیئت تحقیق دایر میگردد. هرگاه لوی جرگه بعد از مطالعه راپور هشت به اکثریت دو ثلث اعضاء محکمه متهم را لازم بداند از بین اعضا (یک نفر راجعت اقامه دعوی و هیئت را مرکب از ۸ نفر برای اجرای محاکمه تعیین میکنند. این هیأت تحت ریاست رئیس مشرانو جرگه متهم را مطابق به طرز العمل محاکمه بجزائی که در ستره محکمه تطبیق میشود محاکمه مینماید و در صورتیکه جرم متهم ثابت شود او را از وظیفه عزل کرده به جزا محکوم میسازد.

ماده یکصد و هفتم : ستره محکمه مرجع نهائی قضائی افغانستان است. ستره محکمه تشکیلات و اجراءات محاکم و امور قضائی دولت را مطابق به احکام این قانون اساسی و دیگر قوانین تنظیم مینماید. ستره محکمه تدابیر لازم راجعت تنظیم امور اداری محاکم اتخاذ میکند. بودجه قوه قضائی از طرف قاضی القضاة بمشوره حکومت ترتیب گردیده بعد از موافقه ستره محکمه بحیث یک جزء بودجه دولت توسط حکومت به شوری تقدیم می شود.

تطبیق بودجه قوه قضائیه از صلاحیت ستره محکمه میباشد. در مورد مامورین و سائر کارکنان اداری قوه قضائیه احکام قوانین مربوط به مامورین و سائر کارکنان اداری دولت نافذ میباشد. ولی تعیین، ترفیع، عزل، مواخذه و تقاعد شان توسط ستره محکمه بر وفق قانون صورت میگیرد.

## فصل هشتم - اداره

ماده یکصد و هشتم : اداره افغانستان بر اصل مرکزیت مطابق به احکام این فصل استوار است.

اداره مرکزی بموجب قانون بیک عده واحد های اداری منقسم میگردد که در رأس هر کدام آن یک نفر وزیر قرار دارد. واحد اداره محلی ولایت است. تعداد، ساحه، افراد و غیره تشکیلات ولایت توسط قانون تنظیم میگردد.

ماده یکصد و نهم : در هر ولایت یک جرگه تشکیل میشود. اعضای

ولایت جرگه ، توسط انتخابات آزاد ، عمومی ، مستقیم و سری از طرف ساکنین ولایت انتخاب میگردد .

ولایت جرگه یکنفر از اعضای خود را بحیث رئیس انتخاب مینماید . ولایت جرگه در تامین اهداف انکشافی دولت بنحو یکده در قوانین تصریح میگردد سهم میگردد . همچنین این جرگه برای بهبود امور و انکشاف اوضاع عمومی ولایت به حکومت ولایت مشوره میدهد .

ولایت جرگه وظایف خود را به همکاری حکومت ولایت اجرا مینماید . برای اعضای ولایت جرگه معاش مناسب توسط قانون تعیین میگردد . ماده یکصد و دهم : برای نظم امور مربوط به اداره محلی قوانین وضع میگردد که دران اصول مندرج این فصل رعایت میشود .

از جمله اهداف این قوانین تنظیم جرگه ها تا درجه قراء و تأسیس اشتراک روز افزون آن در اداره محلی میباشد .

ماده یکصد و یازدهم : برای اداره امور شهری شاروالی ها تشکیل میشود . مجالس شاروالی از طریق انتخابات آزاد ، عمومی ، مستقیم و سری تاسیس میگردد . با ایجاب احکام این فصل امور مربوط شاروالی ها توسط قانون تنظیم میشود .

ماده یکصد و دوازدهم : وظایف اداره توسط مامورین و سائس کار کنان اداری اجراء میشود . برای مامورین و سائس کار کنان اداری معاش مناسب توسط قانون تعیین می گردد .

حقوق و وظایف مامورین و سائس کار کنان اداری توسط قانون تنظیم میشود .

## فصل نهم

### حالت اضطرار

ماده یکصد و سیزدهم : هر گاه بعلت حرب ، خطر حرب ، اغتشاش و خیم ، یا حالت معائلی که مملکت را با خطر مواجه سازد حفظ استقلال و حیات ملی از مجرائیکه در قانون اساسی تعیین شده ناممکن گردد حالت اضطرار از طرف پادشاه اعلان میشود .

هر گاه حالت اضطرار بیش از سه ماه دوام نماید برای تمدید آن موافقت لوی جرگه شرط است .

ماده یکصد و چهاردهم : در حالت اضطرار پادشاه میتواند تمام یا بعضی

صلاحیت های شوری را بحکومت انتقال دهد .

ماده یکصد و پانزدهم : در حالت اضطرار حکومت میتواند بعد از موافقه ستره محکمه تنفیذ احکام ذیل این قانون اساسی را توسط فرامین تقنینی معطل بسازد یا برآن قیودی وضع نماید .

۱ - حکم فقره اول ماده بیست و هشتم .

۲ - حکم فقره سوم ماده بیست و نهم .

۳ - حکم فقره دوم ماده سی ام .

۴ - حکم فقره اول ماده سی و دوم .

۵ - حکم فقره اول ماده سی و سوم .

ماده یکصد و شانزدهم : در حالت اضطرار پادشاه میتواند پایتخت را به محل دیگری غیر از شهر کابل موقتا انتقال دهد .

ماده یکصد و هفدهم : هر گاه دوره تقنینیه ولسی جرگه یا دوره خدمت یک قسمت از اعضای مشرانو جرگه در اثنای حالت اضطرار ختم شود ، پادشاه میتواند اجرای انتخابات جدید را ملتوی بگذارد و دوره تقنینیه ولسی جرگه یا دوره خدمت اعضای مذکور مشرانو جرگه را تا ختم حالت اضطرار تمدید دهد .

بعه از ختم حالت اضطرار بلا فاصله انتخابات اجرا میگردد .

ماده یکصد و هژدهم : در حالت اضطرار قانون اساسی تعدیل نمیشود .

ماده یکصد و نوزدهم : در حالت اضطرار اقداماتیکه به اساس حکم ماده یکصد و پانزدهم بعمل آمده بلا فاصله از اعتبار ساقط میشود .

اقداماتیکه بر اساس حکم ماده یکصد و چهاردهم از طرف حکومت بعمل آمده در مدت یکماه از تاریخ دائر شدن نخستین جلسه شوری بعد از ختم حالت اضطرار به شوری ارائه میشود . در صورتیکه شوری آنرا رد کند از اعتبار ساقط میگردد . هر گاه در حالت اضطرار حکومتی تشکیل شده باشد که در اثر تطبیق ماده یکصد و چهاردهم رای اعتماد ولسی جرگه را حاصل نکرده باشد موضوع رای اعتماد و حکومت بلافاصله بعد از ختم حالت اضطرار در ولسی جرگه مورد بحث قرار گرفته راجع به آن تصمیم اتخاذ میشود .

## فصل دهم تعدیل

ماده یکصد و بیستم : اصل پیروی از اساسات اسلام ، اساس پادشاهی مشروطه مطابق به احکام این قانون اساسی و ارزش های مندرج ماده هشتم تعدیل نمیشود .

تعدیل دیگر محتویات قانون اساسی به پیشنهاد مجلس وزراء یا یک ثلث از اعضای ولسی جرگه یا مشرانو جرگه مطابق به احکام این فصل صورت میگیرد .

ماده یکصد و بیست و یکم : پیشنهاد تعدیل را لوی جرگه مطالعه میکند و در صورتیکه اکثریت اعضای آن ضرورت تعدیل را تصویب کند هیئتی از بین اعضا جهت تهیه طرح تعدیل تعیین مینماید این هیئت طرح تعدیل را به مشوره مجلس وزراء و ستره محکمه تهیه نموده به لوی جرگه تقدیم میکند .

هرگاه لوی جرگه با کثرت اعضا طرح تعدیل را تصویب کند طرح به پادشاه تقدیم میشود، پادشاه شوری را منحل ساخته طرح تعدیل را به اطلاع عامه میرساند. تاریخ انتخابات جدید را اعلان میکند، انتخابات مجدد در خلال چهار ماه از تاریخ اعلان شوری انجام می یابد .

ماده یکصد و بیست و دوم : به تعقیب افتتاح شوری و تشکیل حکومت پادشاه لوی جرگه را دائر میکند، لوی جرگه طرح تعدیل را مطالعه کرده متن آنرا قبول یا رد مینماید. تصویب لوی جرگه درین مورد یا کثرت دو ثلث اعضا اتخاذ میشود و بعد از توشیح پادشاه نافذ میگردد .

## فصل یازدهم احکام انتقالی

ماده یکصد و بیست و سوم : بارعایت محتویات این فصل احکام این قانون اساسی از تاریخ توشیح و اعلام از طرف پادشاه نافذ میگردد .

ماده یکصد و بیست و چهارم : بعد از آنکه پادشاه این قانون اساسی را اعلام نماید مجلسین شورای ملی و اعیان منحل شناخته میشوند .

ماده یکصد و بیست و پنجم : شورای جدید روز بیست و دوم میزان ۱۳۴۴ هجری شمسی افتتاح میگردد .

مدت بین تاریخ اعلام این قانون اساسی و افتتاح شورای جدید دوره

انتقالی شمرده میشود.

در دوره انتقال صلاحیت نشوری به حکومت تفویض میشود. فرامین تقنینی ایکه در خلال دوره انتقال بر وفق احکام این فصل صادر میگردد مطابق به حکم ماده هفتاد و هفتم به شوری ارائه میشود. اگر در اثنای دوره انتقال یکی از حالات ظهور نماید که بر طبق احکام این قانون اساسی وجود لوی جرگه را ایجاب کند، مجلسین منحل شده شوری و اعیان دعوت گردیده لویه جرگه بر طبق ماده هفتاد و هشتم دائر میشود.

چون در موقع ظهور یکی از حالات مذکور هنوز جرگه های ولایات بوجود نیامده لوی جرگه بدون وجود روسای جرگه های ولایات تشکیل میگردد. ماده یکصد و بیست و ششم: در دوره انتقال از جمله وظایف حکومت است که:

۱- فرامین تقنینی مربوط به انتخابات، تشکیلات اساسی، مطبوعات، تشکیلات و صلاحیت قضائی را ترتیب نموده به پادشاه جهت توشیح تقدیم کند.

۲- مسوده قوانین مربوط به احزاب سیاسی و جرگه های ولایات را تهیه نموده به شورائیکه بعد از ختم دوره انتقال دائر میگردد تقدیم کند.

۳- تدابیر لازم را جهت آماده ساختن زمینه برای تطبیق احکام این قانون اساسی اتخاذ نماید.

ماده یکصد و بیست و هفتم: ستره محکمه روز بیست و دوم میزان ۱۳۴۶ هجری شمسی تشکیل میگردد.

هرگاه در اثنای دوره انتقالی به تطبیق مواد پانزدهم و هفدهم - ۱۹ - ۲۱ - ۲۲ و ۱۱۵ این قانون اساسی ضرورت بیفتد احکام مواد مذکور بدون شمول ستره محکمه یا قاضی القضاة تطبیق میگردد.

در مدت بین تاریخ نفاذ این قانون اساسی و تشکیل ستره محکمه پادشاه صلاحیت دارد به منظور تأمین اجرای وظایف ستره محکمه تدابیر لازم اتخاذ نماید.

ماده یکصد و بیست و هشتم: قوانینی که قبل از تاریخ نفاذ این قانون اساسی صادر گردیده بشرطی نافذ شمرده می شود که متناقض احکام این قانون اساسی نبوده و قوانین جدید آنرا لغاثر کرده باشد.

بعد از تصویب ماده ۲۴ انعکاسات زیادی در محیط رونما گردیده، اکثریت زیاد مردم که خواهان کنار رفتن داود خان بودند جریان را با مسرت استقبال میکردند. جرگه بزرگ ملی هم مباحثات خود را همچنین ادامه می داد.

بحث در موضوعات حقوق اجتماعی، مساوات در مقابل قانون، آزادی فردی، مصئونیت دارائی شخصی، آزادی فکر و بیان، حقوق مساوی، تعلیم و تربیه و صحت عامه، حقوق تشکیل احزاب سیاسی با بهایت دلچسپی از طرف نمایندگان مورد توجه قرار گرفت و مباحثات زیادی بعمل می آمد موضوع اینکه ((هیچ تبعه افغانی از منطقه زندگی خود تبعید نمیشود)) نیز بحث زیادی را در بر گرفت بالاخره تصویب شد که هیچ افغان از منطقه خود تبعید نمیشود. همچنان هیچ افغان بجرم مجرم به مملکت دیگر داده نمیشود در مورد کلمه افغان بحث ها بسیار صورت گرفت بالاخره به کمیته قبلی حواله گردید که آنرا تعریف درست کند و در جمله اعضای کمیته چند نفر از جرگه هم شامل شد. بعد چنین پیشنهاد شد که مقصد از کلمه افغان اینست که هر فرد که در افغانستان زندگی میکند و تبعه افغانستان است از هر قوم و قبیله ایکه باشد افغان گفته میشود، جرگه آنرا تصویب کرد.

در مورد ماده ۲۷ که بیگار را منع میکرد نیز بحث ها صورت گرفت و بعد به تصویب رسید.

ماده ۶۹ قانون را تعریف میکرد که قانون عبارت است از تصویب هر دو مجلس و صحه پادشاه، در مواردیکه قانون صراحت نداشته باشد احکام فقه اسلامی مذهب حنفی مورد تطبیق قرار میگیرد.

ماده ۶۴ حکم میکند که هیچ قانون مغایر شریعت اسلام تصویب شده نمیتواند که با اتفاق آراء تصویب شد. لوئیس دوپری در مورد اسور قضائی چنین مینویسد:

((در موضوع اسور قضائی در لوی جرگه بحث و مذاکرات زیاد صورت گرفت سه نوع دلایل در جرگه ارائه گردید. یک گروه از رهبران گروه مذهبی محافظه کار موضوع را از نگاه احکام شرعی تعریف کردند، گروه دیگر از رهبران مذهبی دهن بین (تحت نفوذ حکومت) موضوع را تحت



شرایط جدید قبول شده در قانون اساسی تعریف کردند گروه سوم نظریه اول را رد کرده یک سیستم جدید قضائی را با در نظر داشت حقوق انفرادی پیشنهاد کردند . ))

بیش از چهل نفر درین مورد سخن رانی کردند ، بحث ها داغ شد ، از صلاحیت نامحدود قضات شکایت ها گردید .

بحث در مورد ماده ۱۰۳ که حکم میگرد مجرمین بذریعه بخارنوالی تعقیب میشوند باعث تشویش نمایندگان بود .

قبل از تسوید قانون اساسی و تشکیل لوی جرگه اداره بخارنوالی باساس فرمان تقنینی بروحیه قانون اساسی جدید تشکیل گردید مجرمین بذریعه بخارنوالی تعقیب میشوند . مردم تجارب ناگواری از پیش آمد بخارنوال ها و طرز اجراء آنها در اثنای تحقیق مجرمین داشتند ، حین بحث در ماده مذکور سخن رانی های زیادی صورت گرفت که عکس العمل های شدید مردم را در مقابل بخارنوالی نشان میداد . یکی از علل این انعکاسات این هم بود که در ابتدای کار بخارنوالی ها اشخاص نالایق مخصوصاً در اطراف مملکت در امور بخارنوالی مقرر شدند . عدم لیاقت ، اغراض شخصی و دست اندازی های چنین اشخاص مزید بر علت انزجار مردم شده بود که در جرگه بزرگ ملی انعکاسات آن دیده شد . ماده ۱۴۷ مربوط به ستره محکمه بود که فیصله شد در ۲۲ میزان ۱۳۴۶ تشکیل گردد . چنانچه در همان تاریخ ستره محکمه در عمارت صحت عامه افتتاح وقاضی القضاة و اعضای ستره محکمه معرفی گردیدند .

ماده ۱۲۸ حکومت را در تطبیق قوانین رهنمائی کرد و توضیح گردید که هر گاه قوانین دیگر مخالف این قانون اساسی باشد لغو شود .

رئیس جرگه و سکرتریت از کمیته ایکه قبلاً در مورد تعریف کلمه افغان و بعضی مواد دیگر تعیین شده بود خواست که را پور تعدیلات خود را به جرگه تقدیم کند . تعریف و تعدیل های مذکور به تصویب رسید .

بعد از ظهر روز مذکور تمام مواد قانون اساسی به تصویب رسید و در وقت باقیمانده دکتر عبد الظاهر رئیس جرگه یاد آوری کرد که یک اعلامیه درباره پشتونستان هم صادر شود . چون لوی جرگه سال ۱۳۳۴ چنین اعلامیه ای را صادر کرده بود لذا چنین فکر میشد که اگر این جرگه اعلامیه صادر نکنند پاکستان فکر خواهد کرد که این موضوع کم شدن

دلچسپی افغانها را در مورد پشتونستان نشان خواهد داد . از جانب دیگر چون حکومت در تهیه و تدوین قوانین جدید مصروف بود توقع نداشت تا ازین رهگذر سرگرم اعتراضات گروپ طرفدار مساله پشتونستان شده وقت را ضایع کند . بنا بران این موضوع را برای تسکین خاطر این گروپ پیش کردند و نیز فکر کردند که شورای دوره ۱۲ که در میزان ۱۳۴۴ دائر میشود به موضوع رسیدگی کند . لوی دوپری علاوه میکند :

«بین چهل تا پنجاه نفر میخواستند در موضوع پشتونستان سخن رانی کنند اما عده کم آنها موقع یافتند که حرف بزنند . بالاخره لوی جرگه قانون اساسی را تصویب کرد .»

داکتر محمد یوسف بمناسبت ختم کار لوی جرگه بیانیه ایراد و از لوی جرگه به نسبت تصویب قانون اساسی از جانب حکومت تشکر کرد و تقاضا کرد لوی جرگه سیاست بیطرفی را که بذریعه صدر اعظم آماده شده بود تصویب کند . این سیاست عبارت بود از بیطرفی عنعنوی در قضاوت آزاد ، مساوی بین المللی ، عدم وابستگی به پیمان های نظامی و احترام متقابل ملل مطابق منشور ملل متحد .

جرگه بزرگ ملی از پادشاه ، صدر اعظم ، اعضای کابینه ، رئیس جرگه ، سکرتریت ، کمیته تسوید ، کمیسیون مشورتی تشکر کردند .

داکتر عبد الظاهر بیانیه خود را بمناسبت خاتمه کار جرگه ایراد و پیام پادشاه را که جرگه را بمناسبت خاتمه کار شان تبریک میگفت قرائت کرد .

## پیام اعلیحضرت معظم هما یونی بمناسبت اختتام لوی جرگه

بسم الله الرحمن الرحيم

عزیزان من اعضای محترم لوی جرگه!

یکبار مسرت دارم که شما وظیفه مهم ملی خود را طوریکه لازم و شایسته اهمیت آن بود با موفقیت بانجام رسانیدید. دقت و غوریکه شما در مسوده قانون اساسی جدید بازادی کامل ضمیر و فکر بیان بکار برده اید، موجب رضایت کامل ما گردید. مسوده ایکه لوی جرگه تصویب نموده و بعد از توشیح ما حیثیت قانون اساسی را حاصل میکند، این کشور تاریخی را به یک مرحله جدید و بسیار مهم حیات ملی آن وارد میکند. باین مناسبت این جرگه بزرگ و گران مایه در تاریخ امروز و آینده کشور ما یک مقام عالی و درخشان را احراز مینماید. ما حمایت تمام اعضای لوی جرگه را تقدیر نموده از خدای پاک جل جلاله تمنا مینمائیم که وطن و مردم افغانستان را در سایه قانون اساسی جدید و مساعی مشترک ملت و ارکان دولت مسعود سازد و بمدارج عالی رفاه و ترقی نایل گرداند.

بعد از قرائت پیام پادشاه جرگه بساعت چهار و نیم بعد از ظهر روز ۲۸ سنبله ۱۳۴۳ به قرائت چند آیه از قرآن کریم در میان موجی از احساسات اعضای آن خاتمه یافت.

درین جرگه، لوی جرگه‌های آینده باین شکل عنعنوی آن از میان رفت و بجای آن در ماده ۷۸ این قانون اساسی چنین پیش‌بینی و تصویب گردید که لوی جرگه عبارت است از اعضای ولسی جرگه و مشرانو جرگه و روسای جرگه های ولایات که در قانون اساسی جدید پیش بینی شده ولی هنوز دائر نشده بود. بتاریخ ۹ میزان ۱۳۴۳ محمد ظاهر شاه قانون اساسی جدید را توشیح

کرد متن توشیح به پشتو و دری در آغاز قانون ثبت گردیده است. برای هر نماینده جرگه یک یک مدال یادگار اعطاء گردیده به اعزاز و کلا و نمایندگان ملت در باغ معروف کاریزمیر از طرف محمد ظاهر شاه پادشاه وقت دعوت مجلی ترتیب داده شده و دران باغ بار دیگر اعضای جرگه را بحضور خود پذیرفت.

## تبصره درباره ماده ۷۸ و محدود شدن لوی جرگه

در قانون اساسی جدید افغانستان لوی جرگه به قسم عنعنوی آن از میان برده شده و در ماده ۷۸ آمده است که لوی جرگه عبارت است ( از اعضای ولسی جرگه و مشرانو جرگه و روسای جرگه های ولایات که در قانون اساسی پیش بینی شده ) ولی هنوز دائر نشده بود .

در حقیقت لوی جرگه بمفهوم حقیقی و هویت اصلی آن از میان برده شد زیرا در لوی جرگه اصلا اعضای شورای ملی ( ولسی جرگه و مشرانو جرگه ) شامل میشدند . بر علاوه از هر ولسوالی یک و بعضا دو و سه نفر شامل جرگه میشدند هر گاه از هر ولس والی تنها یک نفر و از مرکز ولایات یک یا دو نفر محاسبه کنیم در حقیقت از هر ولایات بعلاوه اعضای ولسی جرگه و مشرانو جرگه بهمین تعداد اعضای جدید یعنی اعضای اصلی جرگه بمرکز حاضر و با اعضای هر دو جرگه ( ولسی جرگه و مشرانو جرگه ) بغرض اشتراک در لوی جرگه می پیوستند .

بر علاوه آن اعضای کابینه ، مامورین عالیرتبه و یک تعداد اشخاص صاحب نظر و تجربه در امور اجتماعی و سیاسی مملکت نیز بموجب فرمان پادشاهی بجمله اعضای جرگه شامل میگرددند ، که از یکطرف تعداد نمایندگان ملت در جرگه زیاد بوده و ازین رو هم ملت در تصامیم لوی جرگه افزایش می یافت و از جانب دیگر بشمول یک تعداد مامورین عالیرتبه و صاحب نظران در امور مملکت ، علما ، دانشمندان و روحانیون جرگه از نگاه کیفیت نیز همان امتیاز و ارزش تاریخی و اهمیت بزرگ ملی و مملکت شمول خود را حائز میگرددند .

حالا ملاحظه شود نمایندگان از ولس والی ها ، مامورین عالیرتبه ، اهل خبره ، علماء و روحانیون ، کلان شونده گان قوم که تعداد شان چند برابر اعضای ولسی جرگه و مشرانو جرگه میشد از جمله اعضای جرگه حذف گردیدند پس اعضای ولسی جرگه ماند و اعضای مشرانو جرگه که اصلا از هر ولایت در مشرانو جرگه یک نفر میباشد و اگر مجلس ولایتی دائر باشد و از هر ولایت یک نفر دیگر در لوی جرگه شامل شود جمله بهمان تعداد اعضای مشرانو جرگه ۲۸ نفر دیگر (دز موقع تصویب قانون اساسی مملکت به ۲۸ ولایت تقسیم گردیده بود ) افزوده خواهد شد که این ۲۸ نفر جانشین یک یک نماینده

از هر ولس والی و یک یا دو نفر از مراکز ولایات و یک تعداد اهل خبره و دانشمندان انتصابی گردیده است .

پس در حقیقت هر دو مجلس شورای ملی لوی جرگه محسوب گردید که بهیچ صورت و بهیچ وجه نمیتواند با لوی جرگه های تاریخی ملی همانند باشد و جای آن جرگه های بزرگ و با عظمت تاریخی را بگیرد . لذا بصراحت میتوان گفت که جرگه بزرگ ملی بمعنی و مفهوم واقعی آن از بین برده شده و در عوض شورای ملی (ولسی جرگه و مشرانو جرگه) جانشین آن گردیده است . در حقیقت باین وسیله حکومت ها بغرض اینکه دست آزاد تر در امور داشته باشند سهم ملت ازین جرگه های مهم ملی را کاسته اند .

لوی جرگه ها یک گردهم آئی عمومی و عنعنۀ نهایت مفید و موثر در حیات سیاسی و اجتماعی مملکت میباشد و این یک جرگه دائمی و همیشگی نبوده گاه گاه در مواقع ضرورت و حساس دائر میگردد .

تنهادر عصر امان الله خان در طول ۷ سال سه بار (سال ۱۳۰۱-۱۳۰۳ و ۱۳۰۷) دائر شد که درباره هر کدام و لزوم تشکیل آنها توضیح داده شده است . بعد از آن وقتیکه نادرآبقدرت رسید لوی جرگه سال ۱۳۰۹ را دائر کرد و قانون اساسی را به تصویب آن رساند .

از آن پس لوی جرگه سال ۱۳۲۰ مدت یازده سال بعد در آستانه جنگ دوم جهانی باثر ضرورت سبرم آنوقت دائر شد .

جرگه سال ۱۳۳۴ چهار ده سال بعد باثر اصرار و پافشاری سردار داؤد خان دائر شد .

جرگه دیگر در سال ۱۳۴۳ ۹ سال و چند ماه بعد دائر و قانون اساسی جدید را تصویب و انتخابات آزاد بوجود آمد که دو دوره (۱۲ - ۱۳) نمایندگان مردم باثر انتخابات آزاد در شورای ملی رفتند .

همچنان در جرگه های بزرگ ملی و منطقوی که هر کدام مصدر کارهای مهمی شده اند بین انعقاد یک جرگه تاجرگه دیگر وقت زیادی گذشته بود مثلاً جرگه بزرگ مزار شیر سرخ قندهار ۳۸ سال بعد از جرگه مهم مانچه دائر شد و هکذا جرگه های دیگر که شرح داده شده است .

غرض ازین تذکر اینست که جرگه های بزرگ ملی چیز سطحی و سرسری نیست که هر کس هر وقت بخواهد آنها دائر و باز لغو کند

عمر جامعه از خود فرهنگ، ثقافت، خصوصیات و سمیاتی دارد که این خصوصیات و عنعنات در طول سال‌های استعماری در میان جامعه بروز کرده انکشاف یافته و مورد استفاده مردم آن جامعه قرار گرفته است که در جامعه ما یکی از آن رسوم و عنعنات دیرین و با ارزش همین جرگه‌های بزرگ ملی می‌باشد. با ملاحظه این خصوصیات جرگه‌های بزرگ ملی و باستانی مردم ما که از اهمیت اجتماعی، سیاسی و تاریخی برخوردار می‌باشند نباید قسمیکه در فوق ذکر شد محدود ساخته شوند.

یکی از ارزش‌های مهم دیگر این جرگه‌ها این بود که طوری که در سطور گذشته اشاره شد نمایندگان نه به کدام حزب ارتباط داشتند و نه آله دست دیگران میشدند بلکه مردم صادق و بی‌آلایش بودند و آزاد و سبزا از تاثیرات گروه‌های سیاسی بودند که در مواقع ضرورت در جرگه‌ها شامل میشدند و همچنان عملاتی بودند که در علوم متداول دارای احاطه کامل بوده در مسائل مورد علاقه بخوبی وارد بودند و بجز مسائل دینی چیز دیگری به آنها تاثیر نداشت. لذا مسایل را بجزئیات و استکرا بیان میکردند و از بادشاه و لدا عیارس نداشتند. چنانچه در اکثر جرگه‌ها مشائهای آن بکثرت دیده شده است. اینچنین اشخاص و دیگر شخص‌های ملی و عووف در امور از مسایل و مشکلات مردم و امور مملکت در جرگه اشتراک و جرگه - تمام عظمت ملی خود جریان می‌یافت و تصمیم‌های مهم تاریخی اتخاذ میگردید.

در اوی جرگه‌ها از تمام نقاط مملکت اکثراً مردمان با خیر، مورد اعتماد مردم دارای ثبوت و ادراک نژادکنهای اوضاع جاری مملکت با احساس مسئولیت و شناخت حقوق و مسایل مردمیکه در میان آنها زندگی داشتند شامل میشوند.

اعضای لوی جرگه‌های عنعنوی در میان مردم شریک غم و شادی آنها، با خیر از مشکلات محلی و عمومی جامعه بوده موقعیکه در جرگه اشتراک میکردند جرگه و فاروقیات درخور شان خود را حائز گردیده و منظر آن از واقعیت شناخت جامعه افغانستان نمایندگی میکرد. جرگه‌های سال ۱۳۰۳ - ۱۳۰۷ و ۱۳۲۰ و ۱۳۴۳ از سوئته‌های این جرگه‌های ملی و تاریخی بود، هر که لوی جرگه با محدودیت که در قانون اساسی تصویب شده دایر نبود تنها یک نفر از اعضای جرگه ولایت جرگه بزرگ ملی شامل میشود که

در حقیقت از هر ولایت یک نفر شامل جرگه میگردد . و در صورت اشتراک نمایندگان در جرگه ها با اساس معامل عنعنوی، بر علاوه تعداد نمایندگان مجلسین شوری بهمین تعداد و بلکه بیشتر از آن از ولس والی ها و مراکز ولایات انتخاب و به مرکز اعزام میشدند . و نیز درین جرگه ماسورین عالی رتبه دولت و اهل بصیرت که مدت های طولانی در مملکت خدمت کرده و صاحب نظر بودند بموجب فرمان پادشاه جمله اعضای جرگه انتصاب معرفی میشدند . اما با اساس حکم ماده ۷۸ قانون اساسی تعداد اعضای جرگه فقط محدود به نمایندگان شوری (مجلسین) و تنها یک یک نفر از هر ولایت گردیده که درین صورت از اهل خبره ، صاحب نظران و شخصیت های ملی که بموجب فرمان پادشاه شامل مجلس میشوند اثری دیده نمیشود . هم از نظر کمیت و هم از نگره کیفیت جرگه بزرگ ملی محدود ساخته شد ، که بذات خود نقص بزرگی به عنعنات مفید و ملی جامعه افغانستان گفته میشود .

تعداد نمایندگان مدت در جرگه های گذشته قرار ذیل ثبت شده است :

تعداد نمایندگان در جرگه سال	۵ ۱۳۴۴	۲۰۰۰	نفر
تعداد نمایندگان در جرگه سال	۵ ۱۳۹۳	۵۴۰	“
تعداد نمایندگان در جرگه سال	۵ ۱۳۰۱	۸۷۲	“
تعداد نمایندگان در جرگه سال	۵ ۱۳۰۳	۱۰۵۰	“
تعداد نمایندگان در جرگه سال	۵ ۱۳۰۷	۱۱۰۰	“
تعداد نمایندگان در جرگه سال	۴ ۱۳۰۹	۳۰۱	“
تعداد نمایندگان در جرگه سال	۴ ۱۳۲۰	۱۰۰۰	“
تعداد نمایندگان در جرگه سال	۴ ۱۳۳۴	۳۷۱	“
تعداد نمایندگان در جرگه سال	۴ ۱۳۴۳	۴۵۲	“
تعداد نمایندگان در جرگه سال	۴ ۱۳۵۵	۳۵۲	“

در هر کدام ازین جرگه ها تعداد اعضای جرگه نمایندگی از سهم گیری

بیشتر مردم در جرگه میکرد .

جرگه سال ۱۳۰۹ بصورت عاجل و البته لزوماً محدود بود زیرا او ایل سلطنت نادر خان فرصت کم بود تا نمایندگان بیشتر برده از هر گوشه و کنار کشور خواسته شود .

همچنان جرگه سال ۱۳۳۴ که نه ملت آنرا میخواست و نه سلطنت ولی داؤد خان با فشار خود آنرا دائر کرد و تعداد نمایندگان (۳۷۱) نفر بود. حالا اگر جرگه ها با اساس حکم ماده ۷۸ قانون اساسی سال ۱۳۴۳ که با اثر کودتای داود خان از بین رفت مقایسه شود تعداد نمایندگان در لوی جرگه ازین قرار خواهد بود.

تعداد وکلای ولسی جرگه ۲۱۶ - نفر

تعداد اعضای مشرانو جرگه ۱۵+۲۸ ۴۳ - نفر

تعداد اعضای جرگه های ولایات قرار ماده ۷۸ همان قانون ۲۸ - نفر

میزان ۲۸۷ - نفر

اینک به وضاحت دیده میشود که جرگه های بزرگ ملی (لوی جرگه ها) محدود ساخته شده است.

پس زمام داران آینده که به خیر و صلاح مردم افغانستان علاقه دارند سعی ورزند نگذارند این عنعنۀ مهم اجتماعی و سیاسی مملکت محدود ساخته شود. بلکه بهمان پیمانۀ تاریخی و باستانی به شکل منظم تر، وسیع تر و با صلاحیت تر بچیت یک قدرت ذخیره قانونی ملی و اسلامی پا بر جا مانده در مواقع حساس و ضروری بهمان خصوصیت بزرگ و با ارزش ملی در جهت منافع علیای مملکت ازان استفاده بعمل آید.

در لوی جرگه سال ۱۳۴۳ ذوات آتی بچیت نمایندگان ملت اشتراک ورزیده بودند و نیز صدراعظم و اعضای کابینه درین جرگه شامل بودند که اسمای شان جداگانه تذکر داده خواهد شد.

**اسمای نمایندگان انتخابی مردم که در لوی جرگه سال ۱۳۴۳**

**شرکت نمودند**

**وکلای ولایت کابل**

وکیل منتخب شهر کابل

۱- غلام محمد فرهاد



- |                       |                     |
|-----------------------|---------------------|
| ۲- حاجی عبدالخالق     | وکیل منتخب شهر کابل |
| ۳- میرزا احمد خان     | وکیل منتخب ده سبز   |
| ۴- حاجی در علی        | وکیل منتخب پغمان    |
| ۵- غلام حسن           | وکیل منتخب بگرامی   |
| ۶- شیر محمد امینا بان | وکیل منتخب چهار دهی |

### وکلائی ولایت بامیان در جرگه سال ۱۳۴۳

- |                         |                       |
|-------------------------|-----------------------|
| ۷- سید غضنفر شاه        | وکیل منتخب شهر بامیان |
| ۸- سید محمد حسن         | وکیل منتخب پکاولنگ    |
| ۹- محمد اکبر (نرگس)     | وکیل منتخب بامیان     |
| ۱۰- محمد رضا نعلی شریفی | وکیل منتخب جاغوری     |

### وکلائی ولایت مزار شریف در لوی جرگه ۱۳۴۳

- |                         |                      |
|-------------------------|----------------------|
| ۱۱- سید شاه             | وکیل منتخب مرکز بلخ  |
| ۱۲- حاجی سید محی الدین  | وکیل منتخب مزار شریف |
| ۱۳- عبدالهاشم           | وکیل منتخب مرکز ایبک |
| ۱۴- ملا محمد الله       | وکیل منتخب خام       |
| ۱۵- عبدالواحد           | وکیل منتخب دره صوف   |
| ۱۶- سید سلطان           | وکیل منتخب نهر شاهی  |
| ۱۷- حاجی مرزا محمد امین | وکیل منتخب شولگر     |
| ۱۸- سید محمد یحیی (۱)   | وکیل منتخب دولت آباد |

### وکلائی ولایت قندهار در لوی جرگه ۱۳۲۳

- |                     |                    |
|---------------------|--------------------|
| ۱۹- عزیز الله واصفی | وکیل مرکز قندهار   |
| ۲۰- محمد صدیق       | وکیل ولسوالی میوند |

(۱) این شخص در دوره ۱۲ و ۱۳ ولسی جرگه وکیل دولت آباد بود بعد از کودتای کمونیستی و نفوذ روس در مملکت کمر به جهاد بست و مدتها در نواحی مزار شریف و سمنگان به اتفاق حاجی نور محمد تاتار وکیل روی دو آب سمنگان در دوره ۱۳ ولسی جرگه و دیگر مجاهدين جهاد کرد. اکنون در پاکستان پناهنده شده و در خدمت جهاد فعالیت دارد.

- |                   |                       |
|-------------------|-----------------------|
| وکیل ولسوالی دهله | ۳۱- لعل محمد          |
| وکیل سپین بولدک   | ۳۲- محمد محبوب        |
| وکیل پنجوائی      | ۳۳- سید محمد دین      |
| وکیل دند          | ۳۴- عبدالواحد بارکزی  |
| وکیل شورا بک      | ۳۵- فیض محمد انگار    |
| وکیل ارغستان      | ۳۶- محمد انور         |
| وکیل ارغنداب      | ۳۷- غلام جیلانی       |
| وکیل خاک ریز      | ۳۸- احمد موسی         |
| وکیل گرم سیر      | ۳۹- محمد ایوب         |
| وکیل نهر سراج     | ۴۰- امیر محمد بارک زی |
| وکیل معروف        | ۴۱- محمد افضل         |

### وکلائی ولایت فراه در لوی جرگه ۱۳۲۳

- |                   |                     |
|-------------------|---------------------|
| وکیل شهر فراه     | ۳۲- حاجی محمد حسین  |
| وکیل مرکز چخانسور | ۳۳- حاجی الله داد   |
| وکیل انار دره     | ۳۴- میرزا محمد حسین |
| وکیل بکواه        | ۳۵- حاجی سلطان محمد |
| وکیل شین دند      | ۳۶- آقا محمد        |

### وکلائی ولایت پروان در لوی جرگه ۱۳۲۳

- |                  |                    |
|------------------|--------------------|
| وکیل مرکز پروان  | ۳۷- عطا الحق       |
| وکیل پنجشیر      | ۳۸- غلام حیدر      |
| وکیل غور بند     | ۳۹- عبدالاحد       |
| وکیل جبل السراج  | ۴۰- عبدالخلیل      |
| وکیل بگرام       | ۴۱- نور احمد       |
| وکیل سرخ و هارسا | ۴۲- حاجی صالح محمد |
| وکیل کهمرد       | ۴۳- محمد یوسف      |

### وکلائی ولایت کاپیسا در لوی جرگه ۱۳۴۳

- |                  |                    |
|------------------|--------------------|
| وکیل مرکز کاپیسا | ۴۴- مولوی غلام جان |
| وکیل نجراب       | ۴۵- مولوی عبدالشیر |

وکیل کوهستان

۴۶- عبدالعزیز

## وکلائی ولایت کنر در لوی جرگه ۱۳۲۳

وکیل مرکز کنر

۴۷- محمد اکبر

(در وقت نور محمد تویک - یک تعداد  
ریش سفیدان کنر (در حدود شش  
صد نفر) یکجا به شهادت رسانده شد.)

وکیل ولسوالی خاص کنر

۴۸- میرزا محمد جان

وکیل ولسوالی جوکی

۴۹- عبدالحکیم

وکیل ترکانی

۵۰- سید گل جان

وکیل برکنر

۵۱- ملک سعید

وکیل دره پیچ

۵۲- محمد صدیق

وکیل کامدیش

۵۳- ملک زمان

## وکلائی ولایت لغمان در لوی جرگه ۱۳۴۳

وکیل مرکز لغمان

۵۴- محمد نسیم

وکیل قرغه تی

۵۵- مولوی شمس الحق

وکیل نورستان (سابق حاکم اعلای  
بدخشان)

۵۶- محمد سرور

وکیل مرکز غزنی

۵۷- حاجی حقیظ الله

وکیل قره باغ

۵۸- عبدالحمید

وکیل چغتو

۵۹- علیخان کربلائی

وکیل اندر

۶۰- عبدالجلال

وکیل ناور

۶۱- میر محمد یوسف

## وکلائی حکومت اعلای میمنه در لوی جرگه ۱۳۴۳

وکیل مرکز میمنه

۶۲- عبدالصمد کوهی

وکیل بلچراغ

۶۳- ایل مراد

وکیل خان چار باغ

۶۴- محمد غنی

وکیل مرکز اند خوی

۶۵- سید طوره

وکیل شیرین تکاب

۶۶- ملا معاد

- ۶۷- خلیفه محمد یوسف  
 ۶۸- جوره بای  
 ۶۹- دولت بای  
 وکیل قیصار  
 وکیل قرم قل  
 وکیل شور تپه

### وکلائی ولایت پکتیا در لوی جرگه ۱۳۴۳

- ۷۰- فیض محمد  
 ۷۱- علیخان  
 ۷۲- ردی گل  
 ۷۳- عجب خان  
 ۷۴- نیاز پادشاه  
 ۷۵- مقبل  
 ۷۶- محمد انور  
 ۷۷- یاز محمد  
 ۷۸- حاجی محمد  
 ۷۹- محمد اکبر  
 ۸۰- نعمت الله  
 ۸۱- میر سعید  
 ۸۲- جنت گل  
 ۸۳- نور محمد  
 ۸۴- شیر محمد  
 ۸۵- عمر خان  
 ۸۶- آدم  
 ۸۷- عبدالقدوس  
 وکیل مرکز گردیز  
 وکیل لوی ولسوالی خوست  
 وکیل ولسوالی تنی  
 وکیل حاجی میدان  
 وکیل موسی خیل  
 وکیل سید کرم  
 وکیل زرملی  
 وکیل حاجی  
 وکیل چمکنی  
 وکیل لوی ولسوالی اورگون  
 وکیل گومل  
 وکیل تیری خدران  
 وکیل جانی خیل منگل  
 وکیل وزی خدران  
 وکیل شون  
 وکیل اقوام کوچی کتواز  
 وکیل ولسوالی کتواز  
 وکیل وازه خواه

### وکلائی ولایت ننگرهار در لوی جرگه ۱۳۴۳

- ۸۸- حاجی عبدالحکیم  
 ۸۹- عبدالعزیز  
 ۹۰- سید آقا جان  
 ۹۱- حاجی محمد گل  
 ۹۲- سید احمد گیلانی  
 وکیل شهر جلال آباد  
 وکیل کامه  
 وکیل کوز کنر  
 وکیل اقوام کوچی  
 وکیل سرخرود

( موصوف رهبریکی از تنظیم های هفت گانه جهاد است. در سال ۱۳۶۴ برای مدت سه ماه نطق همه تنظیم های جهاد بود. (حسب معمول برای یک دوره سه ماهه یک نفر از رهبران تنظیم ها بحیث نطق همسه تنظیم ها انتخاب میگردد.)

وکیل مرکز شنوار	۹۳- سید بهرام شاه
وکیل حصارک غلزائی	۹۴- محمد علی
وکیل اچین	۹۵- حاجی محمد اکبر
وکیل مومند دره	۹۶- غلام حسین
وکیل خوگیانی	۹۷- امیر محمد
وکیل رودات	۹۸- سید محمد ظاهر

### وکلاى ولايت هيرمند در لوى جرگه ۱۳۲۳

وکیل بست	۹۹- حاجی محمد انور
----------	--------------------

### وکلاى ولايت بغلان در لوى جرگه ۱۳۴۳

وکیل مرکز بغلان	۱۰۰- شیر محمد خان
وکیل پل خمري	۱۰۱- حاجی میرا جان
وکیل نهرين	۱۰۲- حاجی عبدالصمد خان
وکیل اندراب	۱۰۳- حاجی عبد القدوس
وکیل دوشی	۱۰۴- نورالدینخان

### وکلاى ولايت تخار در لوى جرگه سال ۱۳۴۳

وکیل مرکز تخار	۱۰۵- محمد نظر خان
وکیل و لسوالی فرخار . این	۱۰۶- مولوی عبدالولی

شخص در دستگاه حکومت ببرک وزیر شئون اسلامی و از جمله همکاران حکومت کمونست کابل است .

وکیل رستاق	۱۰۷- حاجی محمد صدیق خان
وکیل چاه آب .	۱۰۸- جمشید خان شعله (۱)

(۱) این شخص در زمستان ۱۳۵۲ به علتیکه در اینجا گنجایش تحریر آن نیست. با مراد ددخان

گرفتار و چندی در همزنگ کابل و بعد از اكمال محبس پل چرخى بانجا انتقال .

- ۱۰۹- محمد نبی خان  
 ۱۱۰- میر فضل احمد خان  
 ۱۱۱- میر عهد القیوم  
 وکیل ینگی قلعه .  
 وکیل اشکمش  
 وکیل خوست و فرنگ

## وکلائی ولایت قندز در لوی جرگه سال ۱۳۴۳

- ۱۱۲- میرزا محمد رحیم خان  
 وکیل مرکز قندز . مرحوم  
 میرزا رحیم پسر محمد کریم

داده شده مدت هفت سال و چند ماه در سن هفتاد سالگی محبوس بود .  
 در حالیکه خودش هنوز در محبس پل چرخی به رنج و عذاب میگذراند  
 پسر جوانش محمد قاسم شعله فارغ پوهنهدجی ژورنالیزم و مامور اداره  
 نشرات وزارت اطلاعات و کتور در بهار سال ۱۳۵۸ باثر قلمداد یک  
 صاحب منصب از قوای قندهار در کابل از طرف حکومت کمونست  
 گرفتار و چندی در محبس پل چرخی تحت شکنجه قرار داشته و بعد با  
 شهید عبدالرحمن سیستانی یک مامور سابقه دار وزارت معارف که او نیز  
 از قندهار قلمداد شده بود به قندهار اعزام شدند و در آنجا محمد قاسم شعله  
 و عبدالرحمن سیستانی با چند تن دیگر بدست جلادان کمونیست در تحت  
 شکنجه بشهادت رسیدند . خانم محمد قاسم ، مرضیه شعله لیسانس  
 ژورنالیزم معلمه با ۴ طفلش که بزرگترین آن ۱۲ ساله و خورد ترین  
 آن که بعد از شهادت پدرش تولد شد پسر ۴ ساله ، دو دختر در میان  
 آنها به پاکستان پناهنده شده و بتاريخ دو شنبه اول ثور ۱۳۶۵ مطابق  
 ۳۱- اپریل ۱۹۸۶ بحیث پناهنده عازم امریکا شدند .

همچنان یک تعداد از برادر زاده های جمشید خان شعله به ترتیب  
 ذیل از طرف حکومت کمونیستی کابل به شهادت رسیدند .  
 ۱- محد ساعد سر معلم پسر محمد صالح خان بعد از حادثه  
 مشهور تره خیل از قوای ۱۵ زره دار با ۱۲ نفر دیگر گرفتار و در  
 محبسی پل چرخی اعدام گردید .

۲- حمید الله

۳- نجیب الله

۴- عباد الله ولدان وکیل عبدالله خان ، طوریکه قبلا ذکر گردید در

عرض بیگی از خانواده های بزرگ و معزز ولایت قندز بود مدت ها در شقوق مالی و چند دوره بحیث شا روال قندز خدمت کرده است . او دارای خلق کریم حیای حضور بوده به مهمان نوازی شهرت داشت .

پسر مرحوم میرزا محمد رحیم، امین الله سر معلم با خانم شان معلمه تاجور در قندز، کابل و دیگر نقاط وطن با مجاهدین همکاری جدی و موثر داشتند از چند سال با بنظر به پا کستان پناهنده شده و در راه جهاد فعالانه خدمت میکنند . معلمه خانم تاجور ، خانم امین الله خان یک خانم مجاهده فعال بوده بهمین اثر در سال ۱۳۶۱ از طرف کمونیست ها گرفتار مدتی در محبس شش درک ، صدارت و پل چرخ محبوس بود موصوفه در کنفرانس او سلو (ناروی) که یک تعداد مجاهدین از طرف صلیب احمر بین المللی دعوت شده بودند اشتراک ورزیده و مصاحبه اش از رادیوی (بی بی سی) و صدای امریکا و دیگر را دپوهای معتبر جهان نشر گردید . موصوفه از تاریخ ۳ مارچ ۱۹۸۶ مطابق ۱۳ حوت ۱۳۶۴ ش الی تاریخ ۲۴ مارچ ۱۹۸۶ مطابق ۴ حمل ۱۳۶۵ در کنفرانسی مذکور اشتراک کرده بود .

وکیل قعله زال

۱۱۳ نظر محمد

مارچ ظرف مدت دو سال در جهاد بالفعل در چاه آب ولایت تخار

در محضر دیدگان پدر ۸۶ ساله شان بشهادت رسیدند .

۵- فیض الله

۶- کلیم الله ولدان انور بیگ با ۲۱ نفر دیگر در ماه دلو ۱۳۶۴ در محبس شهر تالقان مرکز ولایت تخار اعدام شدند .

۷- حینکه این کتاب تکمیل و آماده چاپ بود شکرالله ولد انور بیگ در ماه میزان ۱۳۶۶ در تخته کوپرک تالقان بشهادت رسید او در راس یک گروپ مجاهدین از مرکز جهاد در پشاور تجهیز و بغرض جهاد عازم وطن شده بود . دارای زن و دو طفل بود .

۸- عبد الغفور

۹- عبد الشکور ولدان محمد شریف خواهر زاده ها - اولی در جهاد به شهادت رسید و دومی در محبس تالقان با مجاهدین شماره ۵-۶ اعدام

گردیدند

۱۱۴- عبدالرحمن

وکیل حضرت امام

۱۱۵- عبدالله

وکیل خان آباد

## وکلای ولایت بدخشان در لوی جرگه سال ۱۳۴۳

۱۱۷- محمد هاشم      وکیل مرکز بدخشان . مرحوم

محمد هاشم و اسوخت بدست عده از اشخاص در فیض آباد بدخشان به قتل رسید.

۱۱۷- سید محمد دهقان      وکیل جرم بدخشان . مرحوم

دهقان اصلاً از کشم بدخشان فاضل، نویسنده لایق با دیانت، وطن دوست بود او مدتها مدیر اخبار اتحاد خان آباد بود، خط خوش داشت، نشر نویس ماهر و طبع رسا در شعر داشت به سبب داشتن خلق خوش صداقت و راستکاری و عاطفه انسانی همه مردم به او احترام داشتند او در هر نقطه بدخشان محبوبیت داشت . مرحوم دهقان در دوره شورای ملی از طرف مردم کشم بدخشان وکیل انتخاب و در جمله وکلای با شخصیت و وظیفه شناس آن دوره بود . اخیراً در سال ۱۳۶۳ هـ ش در زادگاهش کشم بدخشان چشم از جهان پوشید .

وکیل کشم

۱۱۸- عبد القدوس بلوچ

وکیل اشکاشم

۱۱۹- باز محمد

← ۱۰- محمد فاضل

۱۱- محمد ظاهر خان

۱۲- سهراب پسران محمد ناظر خان خواهر زاده ها در چاه آب - هنگام جهاد علیه کمونیست ها به شهادت رسیدند .

۱۳- فیض الله ولد ارباب محمد یونس خان در کابل بدست یک صاحب منصب پرچمی به شهادت رسید دارای زن و چهار طفل بود .

۱۴- عبد السلام پسر دیگر ارباب محمد یونس خان در قندهار به شهادت رسید .

همچنان چند نفر دیگر بشمول سه نفر زن که در اثر بمبارد به شهادت رسیده اند، نیز عده دیگری از همین خانواده شهید شده اند .



وکیل و اخان

۱۲۰- خواجه بردی

### وکلائی ولایت جوزجان در لوی جرگه سال ۱۳۴۳

- |                       |                  |
|-----------------------|------------------|
| ۱۲۱- عبد الرشید جوهری | وکیل مرکز شبرغان |
| ۱۲۲- حاجی محمد قل بای | وکیل آقچه        |
| ۱۲۳- عبد الله         | وکیل سرپل        |
| ۱۳۴- حاجی مقیم        | وکیل سنگ چارک    |
| ۱۲۵- حاجی گل محمد     | وکیل قرقین       |

### وکلائی ولایت هرات در لوی جرگه سال ۱۳۴۳

- |                                 |                      |
|---------------------------------|----------------------|
| ۱۲۶- میر غلام حیدر میر گازر گاه | وکیل شهر هرات        |
| ۱۲۷- عیدالوهاب                  | وکیل انجیل           |
| ۱۲۸- سید رسول یوسفی             | وکیل گذره            |
| ۱۲۹- عبدالصمد مجددی (شهید)      | وکیل کهسان . مرحوم   |
|                                 | عبدالصمد مجددی معاون |

بنار والی هرات بود در اوایل تسلط کمونیست ها با ستاتور شهید عبدالباقی مجددی برادر و چند تن دیگر از اعضای خانواده شان از طرف کمونیست ها به شهادت رسانده شدند .

- |                               |            |
|-------------------------------|------------|
| ۱۳۰- حاجی محمد تاجمیر نورزانی | وکیل گران  |
| ۱۳۱- حاجی امیر محمد           | وکیل کرخ   |
| ۱۳۲- سعد الدین                | وکیل او به |

### اعضای کابینه که بموجب فرمان پادشاهی در لوی جرگه سال ۱۳۴۳

شرکت داشتند

- |  |
|--|
| ۱- داکتر محمد یوسف صدر اعظم و وزیر خارجه |
| ۲- داکتر محمد حیدر وزیر مخا برات         |
| ۳- محمد سرور عمر وزیر تجارت              |
| ۴- محمد حسین صا وزیر معادن و صنایع       |
| ۵- سید قاسم رشتیا وزیر مالیه             |

- |                       |                                |
|-----------------------|--------------------------------|
| وزیر صحیہ             | ۶- داکتر عبد الظاهر            |
| وزیر دفاع ملی         | ۷- ستر جنرال خان محمد          |
| وزیر عدلیہ            | ۸- سید شمس الدین مجروح         |
| وزیر معارف            | ۹- داکتر محمد انس              |
| وزیر مطبوعات          | ۱۰- محمد ہاشم میوند وال (شہید) |
| وزیر فواید عامہ       | ۱۱- تورن جنرال محمد عظیم       |
| وزیر پلان             | ۱۲- عبد اللہ یفتلی             |
| وزیر داخلہ            | ۱۳- داکتر عبد القیوم           |
| وزیر زراعت            | ۱۴- ناصر کشاورز                |
| مشاور علمی مقام سلطنت | ۱۵- استاد خلیل اللہ خلیلی      |

سالنامہ سال ۳۴-۴۴-۴۵-انیس شماره های ۱۵۶-۱-۲-۳ سنبلہ ۳۴۳

ACKU

بخش پنجم  
جرگه های نام نهاد  
جرگه نام نهاد سال ۱۳۵۵ هـ ش کابل

داود خان در موقع تصدی مقام صدارت که مدت ۹ سال و چند ماه طول کشید بدون هیچ گونه مخالفت از طرف کسدام گروه خاص یا شورای ملی بکار ادامه میداد.

او در انتخابات شورا مداخله و انتخاب نمایندگان مردم پاراده و نظر ولسوال ها و والی ها بود هر کس را که مناسب حکومت داود خان میدانستند بهر نیرنگ و قریکه بود برای او وثیقه وکالت ترتیب میکردند. در دوره هایکه مردم بشورا چندان علاقه نداشتند (دوره اول تاشش) و نایبالحکومه ها و حکام هر کس را که میخواستند بشورا اعزام کنند نظر و مشوره مردم حتماً گرفته میشد.

ولی در عهد صدارت داود خان یکبار که یک شخص از طرف حاکم محل و در نتیجه از طرف نایب الحکومه بحیث وکیل شورا اعزام شده بود (السته رضا نامه ترتیب داده میشد تا مراتب رسمی بجا شود) و امتحان خود را برای داود خان میداد او دیگر وکیل دائمی بود. در دوره جدید بمحل سکونت او شفر داده میشد که همین شخص دوباره وکیل شود.

و اگر وکیلی را نمیخواست برعکس هدایت داده میشد که دیگر وکیل نشود. طرز انتخابات شهر کابل در دوره های ۹ - ۱۰ - ۱۱ درین زمینه روشن است.

در انتخابات دوره هفت که نسبتاً آزاد تر بود گرچه در قانون اساسی وقت وضاحت نداشت مرحوم شاه محمود خان صدراعظم امر کرد تا باصول رای گیری ممالک دیگر صندوق آراء گذاشتند. از جمله کاندیدها مرحوم داکتر عبدالرحمن محمودی ۱۴۰۰ و مرحوم میر غلام محمد غبار ۱۳۰۰

رای ، امیر الدین شنسب رئیس نساجی پلخمیری ۶۰۰۰ رای و همچنان بعضی‌های دیگر ۴۰۰۰ و کم بیش بردند . از شهر کابل دو نفر وکیل انتخاب میشد بنابراین داکتر عبدالرحمن محمودی و میر غلام محمد غبار وکیل شدند ، امیر الدین خان و دیگران باوجود داشتن رای زیاد موفق نشدند .

اما در دوره ۸ میر علی اصغر شعاع ، محمد حسن ، ملک اصغر از میان آنهمه مردم به اخذ رای خیلی کم از دوره ۷ انتخاب شدند . در دوره ۹ داکتر فقیر محمد شفا ، یاخذ ۸۰۰ رای بحیث وکیل انتخاب گردید . همچنان داکتر اسماعیل علم نیز بهمین انداز ۱۰۰۰ ق خود داشت .

این نشانه از سد اخلات حکومت داود خان انتخابات بود .

مثلاً در موقع انتخابات دوره نهم در سال ۱۳۳۴ هـ ش در ولس‌وای ولایت تخار دو نفر کاندید برای شورا و ۲ نفر برای مجلس مشوره ولایت برپا خاسته بودند . دو کاندید شورای ملی بعلت اینکه هر دو به دو خانواده مشهور و سرشناس مربوط بودند لذا برای نایب الحکومه داؤد خان مطلوب دیده نمیشدند . از جانب دیگر هر دو نفر طرفداران زیاد داشتند . حاکم که باثر هدایت آمرانش هر دو نفر را نمیخواست از اجرای کار عاجز ماند چه طرفداران هردو نفر زیاد بود . مرد سیکه از یک کاندید شورا حمایت میکردند از یک نفر کاندید مجلس مشوره هم حمایت میکردند یعنی یک کاندید شورا و یک کاندید مجلس مشوره از یک طرف و کاندید دیگر شورا و مشوره ولایت از طرف دیگر نامزد بود و حمایت میشد .

حاکم کلان تالقان میر علم خان شخصاً بچاه آپ رفت و بعد از یک سلسله نصیحت‌های پدرانیه گفت برای اینکه مردم جهت رای گیری از کاروبار شان می مانند و سرگردانی پیش میشود لذا هر دو کاندید شورای ملی صرف نظر کنند و درمیان دو کاندید مجلس مشوره پشک می اندازیم یک نفر شان به بشورای ملی و دیگرش بمشوره ولایت تعیین شوند .

چون حاکم کلان شخص سخت گیر بود لذا مردم مجبوراً پیشنهاد او را پذیرفتند . در نتیجه محمد صالح خان و زمان الدین خان دو کاندید شورای ملی مجبور به استعفی شدند و بین محمد عالم خان و میرزا محمد یوسف خان

دوکاندید مجلس مشوره پشک انداخته شد که نام محمد عالم خان ظاهر شد. او بشورای دوره نهم رفت و میزرا محمد یوسف بمجلس مشوره تعیین گردید. ازین نوع مداخله ها زیاد شده مثل افشا شدن شفر نمبر ۸ در مورد ممانعت وکالت مرحوم عبدالاول قریشی کاندید وکالت مرکز تالقان در دوره هشتم.

**تظاهر به خدمت گذاری:** او بسیار به کردانی و خدمت گذاری تظاهر میکرد و غیر از خودش دیگری را غم خوار مملکت نمیدانست. بعد از آنکه کودتای شوم، شرم آور و ننگین خود را بقسمیکه دیده شد باراده و پلان روسها انجام داد از خرابی دهه اخیر بسیار حرف میزد، دهه ایکه او از صحنه رفته بود و مردم نفسی به آسودگی میکشیدند هرکس بخود امیدوار بود، محصلان از جمله آنهاییکه در دوره تصدی او از ادامه تحصیل ممانعت شده بودند موقع ادامه تحصیل یافتند و بعد از ختم تحصیل هر کدام شان اشخاص مفید و خدمتگذار واقعی جامعه خود بیمار آمدند. و چون در دو دوره شورای آزاد و انتخابی (دوره ۱۲ و ۱۳) انتقاد هائی به کارهای او شده بود لذا تا توانست بر علیه شورا حرف زد و بسیاری وکلای آن دوره را بمصیبت ها گرفتار کرد.

**مسئله پشتونستان:** داود خان در وقت تصدی صدارتش موضوع پشتونستان را خیلی جدی گرفت و وقت زیادی را صرف این موضوع نمود، تصویب ها اخذ کرد، جرگه ها ساخت، اعلامیه ها نشر کرد، اقتصاد مملکت ضعیف شد.

ثروت های زیاد ملت بنام پشتونستان حیف و میل گردید، اشخاص نزدیک به داود خان همه غنی شدند. ولی معلوم نیست که مردم مناطق قبایلی تاچه اندازه ازین مصرف ها بهره ور شدند شاید هیچ.

میگویند تنها دارا در پشتنی تجارقی بانک نهصد و پنجاه سلوین افغانی بود. در سال ۱۳۰۶ اشرا باسود تجارقی میخواست. سود او قرار مقررات بانک ۹ فیصد میشد ولی در ۱۳۰۶ فیصد به نرخ سود تجارقی میخواست و نیز او میخواست تمام پولهاییکه بنام او بانک بود به یکی از بانک های لندن که خودش معرفی کرده بود انتقال داده ود. رئیس بانک مفاد خلاف قانون را داده نمیتوانست. ولی در اثر فشار داکتر نجیب رئیس

خاد از ترس جان خود مجبور گردید و دارائی مفت‌الزراعت آورده خان عبد الغفار خان را به بانک لندن به اسعار خارجی برایش انتقال بدهد او توانست سود خلاف قانون پول اند وخته اش را که چندین میلیون افغانی میشد بدست بیاورد مجموعه دارائی اش در حدود یک هزار میلیون افغانی بحساب او به لندن منتقل گردید.

این بود یک نمونه ازان پشتونستان خواهی و غم خواری مردم پشتون و این یک سشت نمونه از خروار ها بود که ذکر شد.

ازین رو وقتیکه داود خان از عهده تخمین ده ساله صدارت کنار رفت استعفی او باستقبال مردم روبروشد خلاصه قانون اساسی ۱۳۴۳ بمیان آمد داود از میان رفت دوره انتخابات آزاد صورت گرفت. شورای قانونی بوجود آمد مردم چند صباحی از نعمت آزادی و عدم اختناق بهره بردند. و پامیدواری زندگی کردند. پروژه هائیکه در دوره شورا مخصوصاً پروژه های قصیر المدت که از طرف شهید موسی شفیق بشورا تقدیم و تصویب شد مژده زندگی مرفه و خوش آیند برای مردم افغانستان بود.

اما داود خان هیچ وقت آرام نشست. با استفاده از امتیاز خاندان سلطنت به هر اقدامی دست زد کسی جرئت نداشت درباره او حرفی بزند. با روسها چه مستقیماً خودش و چه بذریعه کمونستهای مورد حمایتش در تماس بود. روسها از هر فرصت مساعد استفاده میکردند و داود خان را مجهز و آماده مینمودند. روسها می فهمیدند که هرگاه داود خان بار دیگر بقدرت برسد، زمینه برای کمونستها خوب تر مساعد میشود.

از طرف دیگر روسها دیدند که موسی شفیق به جدیت کار میکند مسأله آب هیرمند را با ایرانیها حل کرد. موضوع دو هزار پنجمصد میلیون دالر قرضه ایران سبب تمدید خط آهن از مشهد از طریق اسلام قلعه به هرات قندهار غزنی کابل میشد و بوسیله حفر کانال از آب سیستان به بندر عباس افغانستان به بحر اتصال می یافت و صدها پروژه کوتاه مدت دیگر که چهره افغانستان را تغییر میداد و مردم افغانستان روز بروز به حیات بهتر آینده امیدوار میشدند.

روسها میدیدند که افغانستان در حیات سیاسی دارای حکومت پارلیمانی آزاد و انتخابی شده وضع اقتصادی مردم سرو صورتی پیدا میکند کم کم مملکت پهای خود ایستاده میشود. داود خان شخص مورد نظر آنها رو به پیری میرود.

بر علاوه نشود که بالاخره حکومت یا مجلس شورا متوجه اوضاع گردیده در پی چاره داؤد خان شوند. مخصوصاً عدم اصدار فرمان انتخابات دوره ۱۴ وکلائی مجلس را کنجکاو ساخته بود گاه گاه سوالاتی از صدر اعظم و شاه میکردند. لذا روسها دیگر معطلی را صلاح ندیدند تا مبادا وقت از دست برود. بنا بران بزودی دست بکار شدند و بنام کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ داؤد خان را بروی صحنه آوردند. در همان روز هائیکه کودتا صورت گرفت قبل از حرکت پادشاه بجانب روم پاد گورنی رئیس جمهور شوروی بکابل آمده و چند روز در کابل بود با پادشاه ملاقات کرد بعد از رفتن پاد گورنی چند روز بعد پادشاه بدون اعلامیه قبلی و بصورت ناگهانی جانب روم رفت و هفته دیگر کودتا اعلان گردید. اینک کودتا چگونه صورت گرفت و مقامات دولتی چه وضعی داشتند دور از گنجایش این بیان مختصر میباشد.

۲۶- سرطان ناگهان مردم صدای داؤد خان را از رادیو شنیدند و فهمیده شد که او کودتا کرده است باز مصیبت دامن گیر مردم شد. مصیبت سخت و غم انگیز. تا چندی مردم از یکدیگر سوال میکردند که واقعا داؤد خان کودتا کرده است. بعد معلوم شد که روسها برای او کودتا کرده بودند. کوماندوهای روس که یک (۱) هفته قبل وارد کابل شده و در قوای ۱۵ زرهدار جا داده شده بودند. بالفعل در کودتا اشتراک داشتند. اشخاص قبلا تربیه شده در دستگاه روسها مثل قادر، وطن جار، رفیع، گلاب زوی، سروری، عمر (که در روز کودتا کشته شد) و غیره که در اردو نفوذ زیاد داشتند و کودتای ساختگی را سر براه کردند، یک تعداد اشخاص را کشتند و تعداد زیاد دیگر را توقیف کردند.

دو روز کامل کشتار کردند. در قرغه، ریشخور، مهتاب قلعه، قوای مرکز و غیره تعداد زیاد افراد و صاحب منصبان کشته شدند. در اطراف هم یک تعداد مردم خالی ذهن کشته شدند و نام آنها کودتای سفید گذاشتند.

خلاصه داود خان بتاریخ ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ قدرت را بدست گرفت فردای آن انحلال شورا و قانون اساسی را اعلان کرد. بگرفت و گیر مردم پرداخت بعد از هر چند روز یک تعداد اشخاص سر شناس را بنام کودتا

---

(۱) جنایات و دسایس روس در افغانستان تالیف دکتر حق شناس.

دستگیر وعده به قتل رسانده شدند.

اولین قربانیان او یک عده جوانان مسلمان بودند. شهید انجنیر حبیب الرحمن به تاریخ ۲۴ قوس ۱۳۵۲ گرفتار و بتاريخ ۲۷ برج اسد ۵۳ بشهادت رسانده شد. مرحوم مولوی حبیب الرحمن، خواجه محفوظ، منصور و چندین نفر جوانان مسلمان بتاريخ ۲۱ جوزای ۱۳۵۶ اعدام گردیدند. همچنان شهید غلام محمد نیازی رئیس پوهنهی شرعیات و همراهان او گرفتار و بعد حین تسلط تره کی بشهادت رسانیده شدند.

شهید محمد هاشم میوند وال با یک تعداد وکلای شورا، صاحب منصبان عالیرتبه را بنام اینکه کودتا میکنند گرفتار و بعد محمد هاشم میوند وال در تحت شکنجه عذاب کش شد و چند نفر دیگر مثل شهید ساما زرغون شاه، محمد طاؤس خان، و کیل سیف الرحمن و کیل نازیان، جنرال خان محمد خان سابق معاون وزارت دفاع ملی و عارف شنواری (تاجر) را با یک تعداد دیگر اعدام و به شهادت رساند و عده دیگر را به عرصه های مختلف محبوس نمود.

چندی بعد بتاريخ ۱۰ عقرب ۱۳۵۵ جنرال میر احمد شاه خان با یک تعداد صاحب منصبان دیگر گرفتار شدند. آنها به عرصه های مختلف حبس گردیدند. اما بعد از تسلط کمونستها بتاريخ ۹ جوزا ۱۳۵۸ در محبس پلچرخي مانند صد ها نفر جوانان مسلمان و مجاهد یک تعداد آنها را شهید گردانیدند.

داود خان مدت ده سالی را که از صحنه دور بود و مردم از سلطه او خلاص بودند و دو دوره انتخابات آزاد و حکومت قانونی بمیان آمده و مردم افغانستان چند سال محدود را بآرامی گذرانده بودند، بنام دهه اخیر عامل تمام بدبختی های جامعه افغانی خواند و همه عیب ها را بدو دوره شورا متوجه ساخت. دو دوره ای که مردم آزادانه نمایندگان خود را انتخاب کرده بودند در هر دو دوره شورا و کلا با احتیاط (با در نظر داشت روابط او با خاندان شاهی) از داود و کار های او انتقاد میکردند.

داود خان دریائیه هایش و بعد بذریعه یک عده اشخاص بی سروپا و مزدور از همان قماش هائیکه پسان مملکت را بزوسها دادند نمایندگان منتخب ملت را که باساس قانون اساسی و انتخابات آزاد انتخاب شده بودند و خدماتی هم



انجام دادند نمایندگان فیودالها، قاجاق برآن و اروپایان متنفذ و دور از خواسته های مردم خواندند. شورا را بیک دستگاه چپاول و غارتگری از خزانه بیت المال و جیب مردم وا نمود کرد.

دوره های ۹، ۱۰، و ۱۱ شورا را میتوان ماشین رای دهی حساب کردند دوره های واقعا انتخابی را، دران دوره ها بود که در اثر تسلط داود خان و کیل شهر پرنفوس کابل به هشتصد رای انتخاب گردید. در دوره های ۹ تا دوره ۱۱ و کیل شهر کابل به ۸۰۰ رای و بعضا به ۶۰۰ رای و کیل تعیین شدند و این به این جهت بود که مردم از مداخله داود خان آگاه بودند و در انتخابات علاقه نمیگرفتند و به کاندیدهای از پیش تعیین کرده ای او رای نمیدادند.

سیاست خارجی مملکت را به دروغ و تقلب و سیاست اقتصادی و پلان گذاری را هم تابع امیال ذهنی اشخاص قلمداد کرده و موثریت آنرا منفی قلمداد کرد. تبعیض قومی، نژادی و منطوقی و خلاصه همه بدبختی های افغانستان را ناشی از عدم وجود خودش در مسند قدرت وانمود کرد و نویسندگان خود فروخته، جاهل بی معلومات و غیر مسئول این اظهارات او را توسعه دادند و هر چه کور کورانه بفکر شان آمد نوشتند. این نویسندگان فراموش کردند که بعد از کودتای داود خان تجارت خارجی بکلی سقوط کرد عایدات گمرگ به صفر رسید. تنها روسیه بود که از کودتای داود خان بهره کافی برد. اموال نا باب روس بدون اینکه بازار درست داشته باشد بی بازار های افغانستان سرازیر شد، سواد خام از افغانستان به روسیه صادر شد، بقسمیکه سورت و درجه بندی اسوال در آنطرف آمو به اختیار و صلاحیت خود روسها بود. مال افغانستان را به قیمت ارزان گرفته و مال صنعتی خود را بقیمت بلند به افغانستان داد. موضوع نفت و گاز که در جای خودش باشد. روس ها گاز طبیعی افغانستان را بقیمت ارزان گرفته و گاز خود را بممالک اروپای شرقی بقیمت بین المللی بفروش میرسانند. روس ها با استفاده از علاقمندی داود خان، سلاح های پس مانده از جنگ جهانی دوم را با افغانستان داده و در عوض اسعار خارجی بدست آوردند.

در عهد حکومت جمهوری داود خان یک عده جوانان مسلمان در پنجشیر قیام کردند اما همه سرکوب و شهید شدند. مردم محل ییخبر از مفکوره

جوانان در قلع و قمع آنها سهیم شدند .

اینست که داود خان بعد از سه سال و چند ماه حکومت در فکر دعوت لوی جرگه شد . اما قبلا بهمان عادت قدیمی بمجلات هدایت داده بود که چه کسانی باید به جرگه بیایند .

حکام رشوت خوار و کمونست که بقرض اجرای اهداف کمونستی از وزارت داخله با طرف مقرر شده بودند خوب میدانستند که چه کسانی باید به جرگه اعزام کنند و کسانی بجرگه آمدند که اکثرش از سواد بهره نداشتند و از مردم نمایندگی نمیکردند بلکه اکثراً منتظر سقوط داود خان و رسیدن روز موعود یعنی نفوذ کمونیزم و تسلط خدا نا شناسان بر مردم افغانستان بودند ، بعضی اشخاص ریش سفید و دارای شخصیت نیک و یک عده علما هم بجرگه آمده بودند اما آنها نمیدانستند که در پس پرده ، این بازی ها چه میگذرد .

خلاصه همانطوریکه استعفی و کنار رفتن داود خان در ده سال پیش برای مردم افغانستان حادثه مسرت آور ، موفقیت بزرگ ، شادی ، خرمی و امید واری بود ، کودتای او در ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ برای مردم افغانستان ماتم ، یاس و نا امیدی بزرگ بود . مردم یکسره همه هستی و موجودیت مملکت را از دست رفته پنداشته انتظار روزی بودند که چگونه سقوط او را باز به چشم و سر مشاهده کنند و بار دیگر زندگی آزاد ، امید بخش و قانونی را بدست بیاورند . مردم سقوط او را دیدند اما چه سود که داود خان همه زمینه ها را برای تسلط روسها و تباهی مملکت آماده کرده بود .

نویسندگان چاپلوس آله دست روسها ابتدا با تعرضات خائنانه به شورای انتخابی و نمایندگان قانونی مردم حمله کرده کودتای داود را حق بجانب معرفی کردند و باز بعد از سقوط داود برای سقوط او نیز دلایل منطقی تراشیده و ظهور نور محمد ترهکی و دارو دسته او را مرجح امید وانمود کردند .

آیا قتل عام ، چور چپاول ، تا راج و صد ها و هزار ها اعمال ناشایسته در زمان ترهکی ، امین ، ببرک تا امروز و بالاخره تسلطه مستقیم روسها بر مقدرات مملکت از نگاه این انشا پردازان فرو سایه و کوتاه نظر چگونه تعبیر خواهد شد . اینها البته شریک های جرم وطن فروشان مثل ترهکی ، امین ، ببرک

نجیب و غیره هستند .

خلاصه داود به تشکیل جرگه و شکل قانونی بخشیدن به حکومت جمهوری اش اقدام نمود<sup>۱۰</sup> و جهت تسوید قانون اساسی برای جمهوریت افغانستان کمیسیونی را تعیین کرد کمیسیون بتاريخ ۲۶ حوت ۱۳۵۴ کار خود را انجام داده و به کمیسیون بزرگتر تفویض گردید . داود بنان فرمان ذیل را عنوان دکترا عبدالمجید وزیر عدلیه اش صادر کرد .

((به تاسی از احساس مسئولیت بزرگ در برابر مردم که افتخار خدمت گذاری آنرا به عهده دارم ، وفا به پرنسپهای انقلاب ، خود را مکلف میدانم تا و جائب خود را بکمال امانت داری در حدود توانم در برابر ملت حق دار و نجیب افغانستان ایفانمایم .

با پیروی از همین احساس صادقانه و با در نظر داشت این واقعیت مسلم که در طول تاریخ معاصر وطن خود با بسا کشور های دیگر آنچه تجارب تلخ نشان داده و بر همگان اشکار است نه استبداد و نه مطلق العنانی و نه انجام گسیختگی و انارشی هیچ کدام نتوانسته و نمی تواند درد های حقیقی یک ملت در حال انکشاف را مدا و سازد . من معتقد هستم مردم افغانستان در وضع کنونی هر چه بیشتر به همبستگی کامل ، وحدت فکر و عمل کار و زحمت خستگی ناپذیر در محیط برابری و برادری و آمیخته با یک احساس قوی دسیپلین ملی ضرورت دارد . لذا از تجارب گذشته باید آموخت و برای سعادت آینده وطن در جهت رشد طبیعی راهی را باید جستجو کرد که در شرایط فعلی ملتی خالی از افراط و تفریط و تقلید ناآگاهانه بوده برای انکشاف سریع و سالم کشور مفید و موثر واقع گردد . طوریکه سالها قبل گفته بودم و این عقیده خود را تکرار میکنم هدف نهائی هر تحول جز قایم ساختن دیموکراسی واقعی و معقول که بنای آن بر تأمین حقوق اکثریت مردم و اصل حاکمیت ملی استوار باشد چیز دیگری بوده نمی تواند .

بتاسی ازین مفکوره و بعد از تحقق ثبات انقلاب توفیق خداوند با همکاری کمیسیونیکه باین منظور تعیین شده بود مسوده قانون اساسی جمهوری افغانستان ترتیب و اینک حسب وعده به کمیسیون با صلاحیت تری که مرکب از بیست نفر عضو بوده توسط شما که در راس قوه قضائیه دولت قرار دارید میسپارم اعضای کمیسیون عبارت اند از :

- ۱ - داکتر حسن شریک معاون صدارت .
- ۲ - سید عبدالاله وزیر مالیه .
- ۳ - داکتر عبد المجید وزیر عدلیه .
- ۴ - داکتر عبد الرحیم نوین وزیر اطلاعات و کتور .
- ۵ - عزیز الله واصفی وزیر زراعت .
- ۶ - وفی الله سمیع معین معارف ( سابق استاد پوهنتون ) ( توسط کمونست ها شهید شد ) .
- ۷ - غلام صدیق محبی وزیر تحصیلات عالی .
- ۸ - برید جنرال شاهچور ( مدیر قبایل ولایت مشرقی در وقت داود که از پول قبایل ثروت سر شاری بدست آورد ) .
- ۹ - برید جنرال یحیی نوروز .
- ۱۰ - محمد اکرم عبقری قاضی .
- ۱۱ - محمد اسماعیل قاسم یار قاضی .
- ۱۲ - پوهندوی داکتر ضامن علی ( رئیس موسسات صحتی پوهنتون بدریعه کمونست ها شهید شد ) .
- ۱۳ - یار محمد دلیلی قاضی ( وکیل در دوره ۱۳ شخص مسلمان و پاک نفس بود بدست کمونستها شهید شد ) .
- ۱۴ - داکتر سید مخدوم رهین استاد پوهنتون .
- ۱۵ - پوهنمل داکتر بشیر وهاب زاده استاد پوهنتون .
- ۱۶ - پوهنمل عالیہ حفیظ استاد پوهنتون .
- ۱۷ - فاطمه کیفی .
- ۱۸ - دکتور محمد اعظم وهاب زاده .
- ۱۹ - دکتور محمد آصف سهیل .
- ۲۰ - سید ناصر سادات .

با درک تحولات عظیم جهانی و پیشرفت سریع جوامع بشری روحیه و غایه نهائی در مسوده این قانون تحقق بخشیدن بر آرمانهای ملی و به ثمر رساندن اهداف انقلاب میباشد که اساس آن بر خدمت قاطبه مردم و سعادت و تعالی افغانستان استوار است .

طرز انتخاب رئیس و طرز العملی که این کمیسیون برای انجام وظیفه

ترتیب مینماید مریوط به خود کمیسیون است. صرف آنچه را من میخواهم توصیه کنم اینست که در کمیسیون مسوده قانون اساسی به شیوه کاملاً دیموکراتیک و آزاد مورد غور و مذاقه قرار گیرد. امید وارم قانون اساسی دولت جمهوری افغانستان بچیت مشعل فروزان انقلاب افغانی حتی دستورالعمل شایسته برای دولت بشمار آید. در پرتو هدیای آن ملت نجیب افغان بتواند شالوده یک افغانستان قوی و مستحکم و مترقی و آبرومند را بنیان گذاری کند.)) (سالنامه کابل سال ۱۳۵۵)

ومن الله التوفیق

محمد داؤد رئیس دولت جمهوری افغانستان

کمیسیون بررسی و مطالعه قانون اساسی کارش را در مدت چهار ماه تکمیل کرد و قانون مذکور آماده تقدیم به لوی جرگه یا مجلس کبیر ملی گردید. (نمیتوان این جرگه را جرگه واقعی گفت زیرا یک رژیم قانونی از بین رفت و داؤد خان با دار و دسته اش خود رابه قدرت روس بمردم تحمیل کرد. دیگر جرگه اصلاً معنی و مفهوم خود را از دست داده وآله دستی برای کمونست ها شده بود.)

بمنظور تشکیل لوی جرگه فرمان آتی از طرف داؤد خان صادر گردید

خواهران و برادران عزیز! شنبه ۷ جدی ۱۳۵۵

مطابق عرف جامعه ما لوی جرگه ها در افغانستان در مواقع مهم و حساس تشکیل گردیده و موضوعات حیاتی ملی را مورد غور و مذاقه قرار داده اند.

ولی لوی جرگه آینده افغانستان خاصیت ممتاز دیگری را نیز دارا است و آن اینکه این لوی جرگه ایست که بعد از الغای نظام شاهی تشکیل میشود.

لذا علاوه بر اینکه مسوده قانون اساسی دولت جمهوری بغرض غور و تصویب به پیشگاه مجلس کبیر ملی ارائه خواهد گردید پالیسی و اجراء عمده دولت جمهوری نیز دران جرگه ملی گذارش خواهد یافت.

با توجه به نکات فوق آرزومندم ملت نجیب افغانستان مطابق به تعاملی که ترتیب و طرز العمل آن به حکومت هدایت داده میشود در انتخاب نمایندگان خود اقدام خواهند کرد.

یا توجه باین امانت بزرگ ملی از حدای توانما نیازمندم تا ملت نجیب

افغانستان را در انتخاب نمایندگان شان که حیات مستقبل و آبرو مند افغانستان با طرز اجرای آنها پیوند ناگسستنی دارد موفق و کامران گرداند .

بعد از صدور فرمان فوق الذکر حکومت ابلاغیه ایرا مبنی بر طرز العمل انتخاب اعضای جرگه بشرح ذیل با اطلاع مردم رسانید .

بتاسی از اعلامیه ۶ جدی ۱۳۵۵ ریاست جمهوری مبنی بر انعقاد لوی جرگه در کابل حکومت ابلاغیه ذیل را با اطلاع مردم افغانستان میرساند : (۱)

۱ - انتخاب نمایندگان ملت مطابق تعامل لوی جرگه های سابقه بمنظور اشتراک در اولین لوی جرگه دولت جمهوری افغانستان از تاریخ ۹ جدی آغاز و بتاريخ ۳ جدی خاتمه می یابد .

۲ - از مرکز کابل سه نماینده بمنظور اشتراک در لوی جرگه انتخاب میگردد. از مراکز ولایات بلخ، پکتیا، غزنی، قندهار، قندوز، ننگرهار، هرات دودو نفر و از سایر مراکز ولایات یک یک نفر بحیث نمایندگان لوی جرگه از طرف مردم انتخاب میگرددند . همچنان از لوی ولسوالی ولس والیها یک یک نفر نماینده بغرض اشتراک در لوی جرگه انتخاب میشوند .

۳ - لوی جرگه دولت جمهوری افغانستان از ارگان های آتی متشکل میباشد :

الف - نمایندگان انتخابی .

ب - اعضای حکومت، کمیته مرکزی .

ج - رئیس و اعضای شورای عالی قضا .

د - رئیس و اعضای کمیته تدقیق وغور بر مسوده قانون اساسی .

ه - صاحب منصبانیکه به فرمان مقام ریاست دولت جمهوری از اردو تعیین خواهند گردید .

و - اشخاصیکه از مقام ریاست دولت جمهوری توسط فرمان بصفت اعضای لوی جرگه تعیین میگرددند .

\* این جرگه روز دهم دلسو ۱۳۵۵ در تالار کنفرانسهای صحت عامه واقع انصاری وات کابل بشمول ۲۲۲ نفر نمایندگان ( باصلاح ) انتخابی مردم و ۱۳۰ نفر نمایندگان انتصابی به شمول هیات کابینه ، اعضای محکمه عالی تمیز اشتراک ورزیده بودند با بیانیه محمد داؤد خان افتتاح گردید . در همین جلسه افتتاحیه عزیز الله واصفی بحیث رئیس لوی جرگه تعیین شد .

داود خان فعالیتها و اجراءات سه ساله خود را به نمایندگان توضیح کرد و از سیاست داخلی و خارجی کشور حرف زد. این جرگه در ۲۴ جلسه در مدت ۱۵ روز در موضوعات ذیل بحث و غور نموده تصامیم اتخاذ نمود. (۱)

قانون اساسی دولت جمهوری افغانستان که مسوده آن شامل ۱۳ فصل و ۱۳۱ ماده بود مورد غور قرار گرفت و با ایزاد ۵ ماده و یک مقدمه بحیث یک کل تصویب گردید. و مطابق ماده ۱۳۳ قانون اساسی جدید لوی جرگه که در نظام جمهوری در دهم دلو دائر میشد یعنی همین لوی جرگه مورد بحث بایست اولین رئیس جمهور افغانستان را برای مدت شش سال انتخاب میکرد.

داود خان با آنکه شخص خود خواه و بسیار از خود راضی بود با این حال تظاهر به دیموکراسی هم میکرد. مثلاً در همین جرگه ساخته و بافته خودش رئیس لوی جرگه از زبان داود خان فریاد کرد، برادرها! داؤد خان ریاست جمهوری نمیخواهد، هر کس که میخواهد کاندید شود لطفاً کاندیدای خود را تقدیم کنند. اینجا چند نفر گماشته معلوم الحال صدا میکنند ما غیر از داؤد خان کس را نمی خواهیم حتماً کاندید شود. بار دیگر واصفی صدا میکند. برادرها! حقیقتاً داؤد خان ریاست جمهوری نمیخواهد باز هم گماشتگان مذکور صدا میکنند غیر از داؤد خان کسی این وظیفه را نمی تواند پیش برد. داود خان تا حال خاموش است. عزیز الله واصفی رئیس جرگه و بطرف داؤد خان صاحب مردم شمارا میخواهند. درین وقت وریشمین و کیل خوست ولایت پکتیا صدا کرد (( جنرال غلام حیدر رسولی هم برای ریاست جمهوری شخص مناسب است اگر کاندید شود )) داؤد خان دفعتاً فکر میکند خلاف توقع نام رسولی برده شد مبادا کدام پلانی در پس پرده باشد. لذا بدون اینکه به واصفی موقع بدهد در حالیکه دست خود را بالا کرده وانگشت او بطرف مجلس است میگوید بیک شرط، بیک شرط، بیک شرط، کاندید میشوم که همه باتفاق آراء قبول کنید. صداها بعلاصه تائید بلند میشود. خلاصه داؤد خان باتفاق آراء برای مدت شش سال آینده بحیث رئیس جمهور انتخاب میشود. گرچه این کار داؤد خان نزد ملت افغانستان چیز عجیب و نونو نبود. داؤد خان برای گرفتن قدرت از هیچ اقدامی دریغ نمیکرد. این دراما هم بسر آمد داود خان در محضر جرگه اش حلف وفا داری یاد کرد و بار دیگر خود را خدمتگار و غمخوار مردم و یگانه دلسوز افغانستان معرفی کرد.



روز بیست و هشتم دلو ۱۳۵۵ جرگه داؤد خان اعلامیه ذیل را صادر کرد. ما نمایندگان ملت !!! در اولین سوی جرگه ایکه بقصرمان مقام ریاست جمهوری افغانستان از تاریخ دهم تا بیست و هشتم دلو ۱۳۵۵ هـ ش در شهر کابل مرکز افغانستان جهت غور بر مسوده قانون اساسی دولت جمهوری و اتخاذ تصمیم برآن اجتماع نموده بودیم بیانیه شاغلی محمد داؤد خان رئیس دولت و صدر اعظم را که مبنی بر توضیح علل انقلاب ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ و اجراءات سه ساله و هفت ماه دوره جمهوریت و مسائل مربوط به امور داخلی، سیاست اقتصادی، سیاست خارجی افغانستان و دور نمای خطوط اساسی پلان انکشاف اقتصادی و اجتماعی آینده کشور بود استماع نمودیم از آنجائیکه این پالسمی را تماما موافق به تمنیات ملت میدانیم آنرا تأیید و ازان پشتیبانی مینمائیم.

در مورد مناسبات افغانستان و پاکستان مربوط به موضوع پشتونستان اظهار مینمائیم که افغانستان بحیث یک کشور صلح دوست همواره طرف دار حل شرافت مندانه اختلاف سیاسی خود با پاکستان بوده است از اینک تماسهای مستقیم و تبادل افکار بین زعمای طرفین و در تضای تفاهم و صمیمیت صورت گرفته و نمایانگر آرزو مندی رفع یگانه اختلاف سیاسی شان شمرده میشود با حسن نظر استقبال میکنیم، ما دوام همچو تماسها و تبادل افکار را بین جوانب ذیعلاقه مفید و موثر میدانیم تا رسیدن بیک حل نهائی و شرافتمندانه بانمایندگان ملت افغانستان به تأیید از خط مشی حکومت درین مورد یک بار دیگر بصورت مداوم و مسالمت آمیز از احقاق حقوق حقه برادران پشتون و بلوچ پشتیبانی نموده و مینمائیم و آرزو مندیم که این اختلافات سیاسی مطابق خواسته های مردم و زعمای آنان حل گردد.

### (محل امضای وکلای لوی جرگه)

خلاصه آنچه داؤد خان در سال ۱۳۵۵ بنام جرگه دائر کرد نه جرگه گفته میشود و نه از مزایای جرگه های ملی برخوردار بود. یک گرد هم آئی چند نفر بفرمایش داؤد خان ساختگی و دور از خواسته های مردم افغانستان و برعلیه آمال و آرزوهای مردم بود. همچنان که کودتای او به کمک و پلان روسها بعمل آمد جرگه او نیز تحت تاثیر همین خاصیت و یک جرگه بی ارزش و فاقد اهمیت ملی و سردمی بود. بهمین سبب جرگه مذکور در ردیف جرگه های نام نهاد آورده شد.



قانون اساسی  
دولت جمهوری افغانستان  
سال ۱۳۵۵

## قانون اساسی داؤد خان که در جرگه سال ۱۳۵۵ هـ ش تصویب شد

طوریکه در صفحات قبل اشاره بعمل آمد داؤد خان بعد از سه سال و چند ماه حکومت ، لوی جرگه نام نهاد را که نمایندگان آن اکثراً اشخاص گم نام بی کفایت و پیسواد و نیم سواد بودند دعوت کرد تا قانون اساسی او را تصویب و خودش را برای مدت شش سال رئیس جمهور تعیین کنند . جرگه مذکور قانون او را تصویب و خودش را بحیث رئیس جمهوری برای مدت شش سال انتخاب کرد .

اما چه سود روس ها دیگر او را هم مجال ندادند و دست به بازی دیگر زدند که شرح مختصر آن در صفحات قبل تذکر داده شد و در جرگه های آینده نیز بحث بعمل آمده است . اینک متن قانون اساسی داؤد خان که در جرگه سال ۱۳۵۵ به تصویب رسید بمطالعه خوانندگان درج میگردد .

### توشیح رئیس جمهور افغانستان

بنام خداوند بزرگ و به آرزوی سعادت مردم نجیب افغانستان من محمد داؤد اولین رئیس جمهور افغانستان به تاسی از وظیفه ای که نمایندگان نخستین لویه جرگه دولت جمهوری به استناد مصوبه تاریخی ۲۵ دلو ۱۳۵۵ هجری شمسی به اتفاق آراء بمن سپرده است این قانون اساسی را الیوم پنجشنبه ۵ حوت ۱۳۵۵ هجری شمسی در کابل مرکز افغانستان توشیح و انفاذ آنرا اعلام مینمایم .

محمد داؤد اولین رئیس جمهور دولت جمهوری افغانستان پنجم حوت ۱۳۵۵

## دیباچه

از آنجائیکه ملل و جوامع پیوسته در مسیر تاریخ در حال تحول و تکامل می باشند ، واز آنجائیکه این واقعیت در زندگی تاریخی ما بحیث یک ملت و جزء جامعه بشری پدیدار گشته، بناء :

جهت تامین یک زندگی آبرومند ، استوار برپایه های متین عدالت و کفایت و مملو از سعادت ، رفاه و اطمینان .

جهت تامین آرمانهای مقدس ملی ، اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی انقلاب ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ .

• جهت تقویه و استحکام روز افزون وحدت ملی ، تضامن و تسانند تامین عدالت اجتماعی ، امحای تضاد هابه شیوه مثبت و مترقی مطابق به واقعتهای تاریخ فرهنگ ملی و شرایط عینی و ذهنی حاکم بر جامعه ما بمنظور احترام عمیق به تاریخ باشکوه و گذشته پر عظمت مردم کشور ما . و مبارزات مستدام شان در راه حفظ هویت ملی و استقلال کشور و ایفای رسالت تاریخی و انسانی آنها ، با ایمان به خداوند بزرگ (جل جلاله) و پیروی از اساسات دین مقدس اسلام ، و بالاخره جهت تحقق این همه مقاصد و غایه ها ما مردم افغانستان با درک شرایط و ایجابات عصر تصمیم گرفته ایم تا زندگی ملی خود را بر اساس آزادی ، ترقی ، حق ، عدالت و صلح روی اصول برادری و برابری استقرار بخشیم ، و فلسفه حیات و سر نوشت نسل های امروز و فردای کشور را مطابق به اهداف اساسی و اقتصادی انقلاب ملی و مترقی ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ افغانستان بنیان گذاری نمائیم .

با درک این حقایق ، این وثیقه ملی را بحیث قانون اساسی دولت جمهوری جهت تامین سعادت ، رفاه و ارتقای مادی و معنوی مردم نجیب افغانستان برای خود و رهنمایی نسلهای آینده وضع نمودیم .

## فهرست

فصل هشتم	فصل اول
حکومت	اهداف های اساسی
فصل نهم	فصل دوم
تضام	اساسات اقتصادی
فصل دهم	فصل سوم
اضطرار	دولت
فصل یازدهم	فصل چهارم
تعدیل	حقوق و واجبات مردم
فصل دوازدهم	فصل پنجم
احکام انتقالی	سالی جرگه
فصل سیزدهم	فصل ششم
احکام عمومی	نویه جرگه
	فصل هفتم
	رئیس جمهور

## فصل اول

### هدف های اساسی

#### ماده اول

دفاع از استقلال ، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی .

#### ماده دوم

اجرای قدرت توسط مردم که اکثریت آزاده‌هئانان ، کارگران ، سوزین و جوانان تشکیل می‌دهند .

#### ماده سوم

تحکیم اتحاد فکروعمل بمنظور سهم گرفتن کامل مردم برای ساختمان و انکشاف مادی و معنوی کشور .

#### ماده چهارم

تامین دیمو کراسی متکی بر عدالت اجتماعی و منافع مردم .

#### ماده پنجم

احترام به آزادی و کرامت انسانی و از بین بردن هنر گونه تعذیب و تبعیض .

#### ماده ششم

استقرار و استحکام روز افزون نظام جمهوری .

#### ماده هفتم

ایجاد تحولات دوامدار ، عمیق و بنیادی اقتصادی و اجتماعی متکی بر اساسات و ارزشهای سندرج این قانون اساسی بمنظور تامین منافع اکثریت مردم افغانستان .

#### ماده هشتم

از بین بردن استثمار بهر نوع و شکلی که باشد

#### ماده نهم

تضمین حق کار

#### ماده دهم

تامین و تعمیم تعلیمات ابتدایی اجباری ، توسعه و رشد تعلیمات ثانوی عمومی ، مسلکی و عالی به صورت مجانی بمنظور پرورش واکمال کادر های علمی و فنی جهت خدمت به مردم .

#### ماده یازدهم

بسط و توسعه طب وقایوی و معالجوی بمنظور حفظ و بهبود صحت عامه .

#### ماده دوازدهم

احترام به اساسات منشور ملل متحد ، اعلامیه جهانی حقوق بشر و پشتیبانی از صلح عادلانه .

در نهایت تشکیل یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس برادری ، برابری ، تعاون و حفظ کرامت انسانی .

## فصل دوم

### اساسات اقتصادی

#### ماده سیزدهم

منابع از قبیل معادن ، جنگلات و انرژی ، صنایع بزرگ ، مخابرات ، تاسیسات مهم ترانسپورت هوایی و

ماده نوزدهم  
سالیات بر اساس عدالت اجتماعی  
مطابق به احکام قانون اخذ میگردد.

### فصل سوم

#### دولت

ماده بیستم  
افغانستان دولت جمهوری  
دیموکراتیک، مستقل، واحد و غیرقابل  
تجزیه میباشد.

ماده بیست و یکم  
حاکمیت ملی در افغانستان بمردم  
تعلق دارد.

ملت افغانستان عبارتست از تمام  
افرادیکه تابعیت دولت افغانستان را  
مطابق با حکام قانون دارا باشند.  
بر هر فرد از افراد ملت افغانستان  
کلمه افغان اطلاق میشود.

ماده بیست و دوم  
دین افغانستان دین مقدس اسلام  
است.

آن افراد ملت که پیرو دین اسلام  
نیستند در اجرای مراسم مذهبی خود  
در داخل حدودیکه قوانین مربوط به  
آداب و آسایش عامه تعیین میکند آزاد  
میباشند.

ماده بیست و سوم  
از جمله زبان های افغانستان  
پشتو و دری زبان های رسمی میباشد.

زمنی، بدر، بانک ها، بیمه ها،  
تاسیسات بهم تهیه ارزاق، آثار  
باستانی و تاریخی، مطابق به احکام  
قانون جزء دارائی ملت و اداره آن  
متعلق به دولت است.

ماده چاردهم  
حد نهایی ملکیت زراعتی توسط  
قانون اصلاحات ارضی تعیین و تثبیت  
میگردد.

ماده پانزدهم  
ملکیت و تشمبات خصوصی متکی به  
اصل عدم استثمار توسط قانون تنظیم  
میشود.

ماده شانزدهم  
کوپراتیف ها و شرکت های تعاونی  
تولید و مصرف با اشتراک مردم  
بمنظور تامین منافع اکثریت مردم  
مطابق با حکام قانون از طرف حکومت  
تشویق، حمایت و رهنمایی میشود.

ماده هفدهم  
سرمایه گذاریها و تشمبات خصوصی  
در ساحه صنایع متوسط، کوچک و  
دستی مطابق به احکام قانون تشویق،  
حمایه و رهنمایی میشود.

ماده هجدهم  
تجارت کشور به اساس تجارت  
رهبری شده بر روی منافع اکثریت  
مردم مطابق با حکام قانون تنظیم  
میشود.

## ماده بیست و چهارم

بیرق افغانستان دارای رنگ های سیاه، سرخ و سبز میباشد که بصورت افقی به اندازه های معین از بالا به پائین واقع شده و در قسمت چپ بالائی آن نشان ملی دولت نصب میباشد.

تعریف و اندازه بیرق و نشان ملی توسط قانون تنظیم میگردد.

## ماده بیست و پنجم

قوای مسلح دولت جمهوری افغانستان که به هدف های انقلاب ملی وفادار و به عنعنات ملی خود پایند می باشد در خدمت مردم تحت اوامر حکومت قرار دارد.

قوای مسلح دفاع قلمرو افغانستان را بعهده داشته از طریق شو رای عالی قوای مسلح در فعالیت های ملی سهم میگیرد.

## ماده بیست و ششم

اداره افغانستان بر اصل مرکزیت مطابق با حکام قانون استوار است. مرکز افغانستان شهر کابل میباشد.

## فصل چهارم

## حقوق و وجایب مردم

## ماده بیست و هفتم

تمام مردم افغانستان اعم از زن و مرد بدون تبعیض و امتیاز در برابر قانون حقوق و وجایب مساوی دارند.

## ماده بیست و هشتم

آزادی حق طبیعی انسان است مگر اینکه به آزادی و شرافت دیگران یا به منفعت و امنیت عامه و مصالح ملی صدمه یالطمه وارد کند. این حق توسط قانون تنظیم میگردد.

## ماده بیست و نهم

هر افغان که سن هژده سالگی را تکمیل کند مطابق با حکام قانون حق رای دادن را دارد.

## ماده سی ام

برائت ذمه حالت اصلی است. متهم تاوقتیکه به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد بی گناه شناخته میشود.

هیچ عملی را نمیتوان جرم شمرد مگر بموجب قانون.

هیچ کس را نمیتوان مجازات نمود مگر برطبق حکم محکمه باصلاحیت.

هیچ کس را نمیتوان مجازات نمود مگر مطابق با احکام قانونیکه قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

هیچ کس را نمیتوان تعقیب، گرفتار یا توقیف نمود مگر مطابق با حکام قانون.

## ماده سی و یکم

جرم یک امر شخصی است. تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزاء بر او به شخص دیگری سرایت نمیکند.

**ماده' سی و پنجم**

مسکن شخص از تعرض مصئون است . هیچ شخص بشمول دولت نمیتواند بدون اجازه ساکن یا حکم محکمه با صلاحیت و بغیر از حالات و طریقه در قانون تصریح شده به مسکن کسی داخل شود یا آنرا تفتیش کند .

در مورد جرم شهود مامور مسئول میتواند به مسکن شخص بدون اجازه او یا اجازه قبلی محکمه به مسئولیت خود داخل شود و یا آنرا تفتیش کند . مامور مکلف است بعد از داخل شدن یا اجرای تفتیش در خلال مدتیکه قانون تعیین میکند حکم محکمه را حاصل نماید .

**ماده' سی و ششم**

ملکیت از تعرض مصئون است . ملکیت هیچ شخص بدون حکم قانون و فیصله محکمه با صلاحیت صادره نمیشود .

استملاک ملکیت خصوصی تنها به مقصد تأمین منافع عامه در بدل تعویض عادلانه بموجب قانون مجاز میباشد .

هیچ شخص از کسب ملکیت و تصرف در آن منع نمیشود مگر در حدود قانون .

طرز استعمال ملکیت بمنظور تأمین منافع عامه توسط قانون تنظیم و

تعطیل و تعیین جزائیکه مخالف کرامت انسانی باشد جواز ندارد .

هر شخص حق دارد برای دفع اتهامیکه قانوناً علیه او وارد گردیده وکیل مدافع تعیین کند .

**ماده' سی و دوم**

مدیون بودن شخص در برابر شخص دیگر موجب سلب یا محدود شدن آزادی وی شده نمیتواند .

طرز و وسایل تحصیل دین توسط قانون تنظیم میگردد .

**ماده' سی و سوم**

هر افغان حق دارد در هر نقطه از ساحه کشور خود سفر نماید و مسکن اختیار کند مگر در بناطیکه قانون ممنوع قرار داده است .

همچنین هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون بخارج سفر نماید و بوطن عودت کند .

**ماده' سی و چارم**

هیچ افغان به تبعید در داخل و یا خارج افغانستان محکوم شده نمیتواند . هیچ شخص به منع اقامت در محل معین یا انتقال از آن محکوم شده نمیتواند مگر در حالاتیکه قانون بمنظور تأمین امنیت و منافع عامه اجازه داده باشد .

هیچ افغان بعلت اتهام جرم به دولت خارجی سپرده نمیشود .



رهنمائی میشود .

### ماده سی نهم

اتباع افغانستان حق دارند برای تأمین مقاصد جایز و صلح آمیز بدون حمل سلاح مطابق باحکام قانون اجتماع نمایند .

### ماده چهلیم

برای انعکاس خواسته های اجتماعی و تشریح سیاسی مردم افغانستان تازمانیکه این آرزو بر آورده گردد و به رشد طبیعی خود برسد سیستم یک حزبی در کشور برهبری حزب انقلاب ملی که بانی و پیشاهنگ انقلاب سردمی و مترقی ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ مردم افغانستان است برقرار خواهد بود .

### ماده چهل و یکم

کارحق ، شرف و فریضه هرافغانیست که قدرت اجرای آنرا داشته باشد . هدف عمده قوانینیکه برای تنظیم کار وضع میگردد رسیدن بمرحله ایست که در آن حقوق و منافع تمام زحمتکشان ، دهقانان ، کارگران و اصناف حمایت شود . شرایط مساعد کار فراهم گردد ، روابط بین کارگر و کار فرما بصورت عادلانه و مترقی تنظیم گردد .

انتخاب شغل و حرفه در داخل شرایطی که قانون تعیین مینماید آزاد میباشد .

### ماده چهل و دوم

اتباع افغانستان به اساس اهلیت و

### ماده سی و هفتم

آزادی و حریمیت مخابرات اشخاص چه بصورت مکتوب و چه بوسیله تیلیفون و تلگراف و یا وسایل دیگر باشد از تعرض مصئون است .

دولت حق تفتیش مخابرات اشخاص را ندارد مگر بموجب حکم قانون . در حالات عاجل که در قانون تعریف میگردد مامور مسئول میتواند بدون اجازه قبلی محکمه به مسؤولیت خود به تفتیش مخابرات اقدام کند .

مامور مکلف است بعد از اجرای تفتیش در خلال مدتیکه قانون تعیین میکند حکم محکمه را حاصل نماید .

### ماده سی و هشتم

آزادی فکر و بیان از تعرض مصئون است .

هر افغان حق دارد فکر خود را بوسیله گفتار ، نوشته ، تصویر یا امثال آن مطابق به احکام قانون اظهار کند .

اجازه و امتیاز تاسیس مطابع و نشر مطبوعات تنها به اتباع افغانستان مطابق باحکام قانون داده میشود .

تاسیس مطابع بزرگ و تاسیس و تدویر دستگاه عامه فرستند در ادیو و تلویزیون مختص بدولت است .

رئیس جمهور ، اطاعت به قوانین ، رعایت نظم و امن عامه ، صیانت منافع وطن و اشتراک در حیات ملی و وظیفه تمام مردم افغانستان است .

#### ماده چهارم و هفتم

هیچ کس نمیتواند با استفاده از حقوق و آزادی های مندرج این قانون اساسی به استقلال ملی ، تمامیت ارضی ، وحدت ملی و به خواسته های منافع اکثریت مردم و یا به هدف های انقلاب ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ صدمه وارد کند .

### فصل پنجم

#### ملی جرگه

#### ماده چهارم و هشتم

ملی جرگه افغانستان مظهر اراده مردم آنست و از قاطبه ملت نمایندگی میکند .

#### ماده چهارم و نهم

اعضای ملی جرگه که پنجاه فیصد آنها دهقانان و کارگران تشکیل میدهد از جانب حزب پیشنهاد و از طریق انتخابات آزاد ، عمومی ، سری و مستقیم مطابق باحکام قانون برای مدت چهار سال از طرف مردم انتخاب میشوند .

باین منظور افغانستان به حوزه های انتخاباتی تقسیم میگردد .

تعداد و ساحه حوزه ها توسط قانون

بموجب احکام قانون بخدمت دولت پذیرفته میشوند .

#### ماده چهارم و سوم

تحمیل کار اجباری اگرچه برای دولت باشد جواز ندارد .

تحریم کار اجباری مانع تطبیق قوانینی نمیشود که بمنظور تنظیم فعالیت دسته جمعی برای تامین منافع عامه وضع میگردد .

#### ماده چهارم و چهارم

هر افغان مکلف است بدولت مالیه و محصول تادیه کند .

هیچ محصول و مالیه بدون حکم قانون وضع نمیشود .

اندازه مالیه و محصول و طرز تادیه آن بارعایت عدالت اجتماعی توسط قانون تعیین میگردد .

این حکم در مورد اشخاص خارجی نیز تطبیق میشود .

#### ماده چهارم و پنجم

دفاع از وطن و وظیفه مقدس تمام اتباع افغانستان است .

کافه اتباع افغانستان به اجرای خدمت زیر بیرق مطابق با حکام قانون مکلف میباشد .

#### ماده چهارم و ششم

پهروی از احکام قانون اساسی ، وفاداری به اهداف انقلاب ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ و نظام جمهوری ، احترام به

داخل جرگه در موضوع مورد مباحثه نظریه خود را مطابق به اصول و وظایف داخلی اظهار نماید .

#### ماده پنجاه و چهارم

هیچ عضو ملی جرگه به علت رای یا نظریه ای که هنگام اجرای وظیفه ابراز میدارد مورد تعقیب عدلی قرار نمیگیرد . هر گاه یک عضو ملی جرگه بجرمی متهم شود ماسور مسئول از موضوع به ملی جرگه اطلاع میدهد و بعد از آنکه جرگه مذکور با کثرت آراء اجازه بدهد متهم تحت تعقیب عدلی قرار میگیرد .

در موارد جرم مشهود ماسور مسئول میتواند متهم را بدون اجازه جرگه تحت تعقیب عدلی قرار دهد و گرفتار نماید .

هر گاه تعقیب عدلی قانوناً توقیف را ایجاب کند ماسور مسئول مکلف است موضوع را بلا فاصله به اطلاع جرگه و در هنگام تعطیل به اطلاع هیأت اداری جرگه برساند . هیأت اداری مکلف است موضوع اولین جلسه ملی جرگه که بعد از تعطیل صورت میگیرد برساند .

#### ماده پنجاه و پنجم

حکومت میتواند در جلسات ملی جرگه اشتراک ورزد . جرگه می تواند حضور اعضای

تعیین میشود .

#### ماده پنجاهم

طرز و شرایط انتخاب وکلای ملی جرگه و وظایف شان مطابق با حکام قانون تنظیم میگردد .

طرز تدقیق و ثابق و رسیدگی به اعتراض بر قانونی بودن انتخاب یک وکیل مطابق به اصول و وظایف داخلی ملی جرگه صورت میگیرد .

#### ماده پنجاه و یکم

سلب امتیاز و کالت از وکیل تنها به موافقه دو ثلث اعضای ملی جرگه صورت میگیرد .

#### ماده پنجاه و دوم

شرایط انتخاب کنندگان در قانون انتخابات تعیین میگردد .

شخصیکه به عضویت ملی جرگه انتخاب میشود باید علاوه بر تکمیل شرایط انتخاب کنندگان واجد اوصاف آتی باشد :

- ۱ - اقلاده سال قبل از تاریخ انتخاب تابعیت دولت افغانستان را کسب کرده باشد .
- ۲ - از طرف محکمه به حرمان از حقوق سیاسی محکوم نشده باشد .
- ۳ - سن بیست و پنج سالگی را در موقع انتخاب تکمیل کرده باشد .

#### ماده پنجاه و سوم

هر عضو ملی جرگه حق دارد در

دو نفر دیگر را بحیث منشی و نایب منشی در آغاز اجلاس سالانه برای مدت یک سال انتخاب میکند .

اشخاص فوق هیأت اداری ملی جرگه را تشکیل میدهند و در ظرف مدت اعظمی پانزده روز از آغاز اجلاس باید انتخاب گردند .

#### ماده پنجاه و نهم

ملی جرگه برای مطالعه دقیق و مفصل موضوعات مورد بحث بر طبق احکام اصول و وظایف داخلی ، انجمن ها تعیین میکند .

#### ماده شصتم

ملی جرگه اصول و وظایف داخلی خود را وضع مینماید .

#### ماده شصت و یکم

برای اعضای ملی جرگه معاش مناسب مطابق با حکام قانون تعیین میگردد .

#### ماده شصت و دوم

ملی جرگه برای تنظیم امور حیاتی افغانستان مطابق با حکام این قانون اساسی بر مسوده قوانینی که از طرف حکومت و قوه قضائیه پیشنهاد میگردد بعد از مطالعه و غور تصمیم لازم اتخاذ مینماید .

اتخاذ تصمیم بر بودجه ، تصدیق معاهدات بین الدول، فرستادن قطعات قوای مسلح دولت جمهوری افغانستان

حکومت را در جلسه مطالبه و از آنها استیضاح نماید .

مباحثات جلسات ملی جرگه علنی میباشد مگر اینکه رئیس جمهور سری بودن جلسه را اعلام بدارد .

همچنان رئیس ملی جرگه ، هر عضو حکومت و یا اقلا ده نفر از اعضای ملی جرگه می توانند سری بودن آنرا درخواست نمایند و جرگه این درخواست را بپذیرد .

هیچ کس نمی تواند عنفاً به مقر ملی جرگه داخل شود ، متخلفین مطابق با حکام قانون مجازات میشوند .

#### ماده پنجاه و ششم

جز در مواردیکه حکم آن صریحاً در این قانون اساسی ذکر گردیده تصمیم ملی جرگه با کثرت آرای اعضای حاضر اتخاذ میگردد .

#### ماده پنجاه و هفتم

ملی جرگه در هر سال یک اجلاس عادی برای مدت چهار ماه مسلسل که بتاريخ اول قوس آغاز میشود دایر میکند .

#### ماده پنجاه و هشتم

ملی جرگه در آغاز دوره تقنینیه از بین اعضای خود یکنفر را بحیث رئیس انتخاب میکند .

جرگه از بین اعضای خود دو نفر را بحیث نایب اول و دوم رئیس و

- پنج الی هشت نفر نماینده از هر ولایت

- سی نفر اعضاء که بوسیله فرمان از طرف رئیس جمهور تعیین میشود

#### ماده شصت و ششم

لویه جرگه مطابق به احکام این قانون اساسی توسط فرمان رئیس جمهور دایر میشود

رئیس جمهور، رئیس لویه جرگه میباشد

در صورت وفات یا استعفای رئیس جمهور در خلال مدت بیست روز از تاریخ وفات یا استعفاء لویه جرگه از طرف مقام ریاست جمهوری دایر میگردد.

#### ماده شصت و هفتم

لویه جرگه در حالات آتی تحت ریاست رئیس جمهور و یا نایب رئیس لویه جرگه دایر میگردد:

۱- تعدیل قانون اساسی

۲- انتخاب و قبول استعفای رئیس جمهور

۳- تصویب اعلان حرب و متارکه

۴- هر واقعه مهمی که تصویب لویه جرگه را ایجاب کند

#### ماده شصت و هشتم

در هنگام دایر بودن لویه جرگه حکم ماده پنجاه و چارم این قانون اساسی در مورد اعضای آن تطبیق میگردد.

به خارج از صلاحیت های ملی جرگه میباشد

در هنگام تعطیل یا انحلال ملی جرگه حکومت میتواند برای تنظیم امور عاجل فرامین تقنینی تسوید و ترتیب کند، این فرامین بعد از توشیح و اعلام رئیس جمهور نافذ میگردد

این فرامین تقنینی جهت اتخاذ تصمیم به ملی جرگه در خلال مدت سی روز از تاریخ انعقاد اولین آن ارائه می شود

#### شصت و سوم

قانون عبارتست از مصوبه ملی جرگه که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد

#### ماده شصت و چارم

هیچ قانون نمیتواند مناقض اساسات دین مقدس اسلام، نظام جمهوری و دیگر ارزش های مندرج این قانون اساسی باشد

### فصل ششم

#### لویه جرگه

#### ماده شصت و پنجم

در افغانستان لویه جرگه عالیترین مظهر قدرت و اراده مردم آنست

لویه جرگه مرکب است از:

- اعضای ملی جرگه

- اعضای شورای مرکزی حزب

- اعضای حکومت و شورای عالی

قوای مسلح

- اعضای ستره محکمه

در حالت ذایر بودن اجلاس لویه جرگه همه اعضای آن بدون در نظر داشت مقام، رتبه و وظیفه حق مساوی دارند.

## فصل هفتم

### رئیس جمهور

#### ماده هفتاد و پنجم

رئیس جمهور در رأس دولت افغانستان قرار داشته وظایف قوه اجرائیه و حزبی را که مطابق با حکام این قانون اساسی و اساسنامه حزب مستقیماً بعهده دارد توسط اورگانهای مربوط اداره و رهنمایی میکند.

#### ماده هفتاد و ششم

رئیس جمهور پس از نامزد شدن از طرف حزب از طریق لویه جرگه با کثرت دوثلت آراء اعضاء برای مدت شش سال انتخاب میگردد.

#### ماده هفتاد و هفتم

رئیس جمهور باید تبعه افغانستان و مسلمان بوده خود و همسر وی از والدین افغان متولد و از حقوق مدنی و سیاسی برخوردار و سن وی از چهل سال کم نباشد.

#### ماده هفتاد و هشتم

رئیس جمهور داری صلاحیتها و وظائف آتی می باشد:

- ۱- قیادت اعلی قوای مسلح کشور.
- ۲- با مشوره لویه جرگه اعلان

#### ماده شصت و نهم

مباحثات لویه جرگه علنی میباشد مگر اینکه پیش از دوثلت اعضای حکومت و یا شورای مرکزی حزب و یا سی نفر از اعضاء سری بودن آنها درخواست نمایند و لویه جرگه این درخواست را بپذیرد.

#### ماده هفتادم

لویه جرگه بعد از افتتاح در اولین جلسه خود نایب رئیس و دو نفر منشی را از بین اعضاء خود به اکثریت آراء انتخاب میکند.

#### ماده هفتاد و یکم

جز در مواردیکه احکام آن صریحاً در این قانون اساسی ذکر گردیده تصمیم لویه جرگه اکثریت آراء اعضاء حاضر اتخاذ میگردد.

#### ماده هفتاد و دوم

بارعایت احکام این قانون اساسی طرز العمل لویه جرگه توسط قانون تنظیم میگردد.

#### ماده هفتاد و سوم

لویه جرگه دارای صلاحیت هائی میباشد که در این قانون اساسی تعیین گردیده است.

#### ماده هفتاد و چهارم

در حالات انحلال ملی جرگه اعضاء آن حیثیت خود را بصفت اعضاء لویه جرگه تا ذایر شدن ملی جرگه جدید حفظ میکنند.

حرب و مشارکته .

و قاضی القضاة .

۱۳- تعیین ، تقاعد ، قبول استعفاء و عزل قضات ، صاحب منصبان قوای مسلح و مامورین عالیرتبه مطابق با حکام قانون .

۱۴- تعیین سران نمایندگی های سیاسی افغانستان نزد دول خارجی ، تعیین نمایندگان دائمی افغانستان نزد موسسات بین المللی و قبول اعتماد نامه های نمایندگان سیاسی خارجی .

۱۵- توشیح قوانین و فرامین تقنینی و اعلام انفاذ آنها، اعطای اعتبار نامه بغرض عقد معاهدات بین الدول مطابق با حکام قانون و توشیح معاهدات بین الدول .

#### ساده هفتاد و نهم

رئیس جمهور میتواند در موضوعات مهم ملی به آراء عمومی مردم افغانستان مراجعه نماید .

#### ساده هشتادم

رئیس جمهور قبل از اشغال وظیفه در محضر اعضای لویه جرگه حلف آتی را بجا می آورد .

بحضور شما نمایندگان ملت افغانستان من . . . بناه خداوند بزرگ سوگند یاد میکنم که اساسات دین مقدس اسلام را حمایت کنم ، قانون اساسی و دیگر قوانین افغانستان را محترم و از آنها پیروی کنم ، از استقلال

در صورت خطر فوری و آشکاری که استقلال و تمامیت ارضی را تهدید کند و یا در حالات عاجل دیگر ، رئیس جمهور میتواند تصمیمات استثنایی اتخاذ نماید و لویه جرگه را دایر کند .  
۳- اعلان حالت اضطرار و خاتمه دادن به آن .

۴- دایر کردن و افتتاح لویه جرگه .  
۵- افتتاح اجلاس عادی ملی جرگه و دایر نمودن و افتتاح اجلاس فوق العاده آن .

۶- منحل ساختن ملی جرگه و اصدار فرمان انتخابات مجدد . انتخابات مجدد در خلال مدت سه ماه از تاریخ انحلال ملی جرگه صورت میگیرد .

۷- تحکیم وحدت ملی و پشتیبانی از منافع مردم افغانستان .

۸- رهبری و هماهنگ ساختن سیاست داخلی و خارجی کشور مطابق با حکام این قانون اساسی .

۹- تخفیف و عفو مجازات .

۱۰- اعطای نشان مطابق با حکام قانون .

۱۱- تعیین معاون یا معاونین ریاست جمهوری از جمله اعضای حزب و همچنان تعیین وزراء از داخل و خارج حزب ، عزل و قبول استعفاء آنها .

۱۲- تعیین اعضاء ستره محکمه



ملی و تمامیت ساحه حراست و تمام نیروی خود را وقف دفاع از حقوق و منافع مردم و اهداف انقلاب ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ و جمهوریت افغانستان نمایم.

#### ماده هشتماد و یکم

به استثنای حالاتیکه در ماده سی و ششم این قانون اساسی تصریح گردیده رئیس جمهور در مدت تصدی و وظیفه هیچ معامله انتفاعی را با دولت انجام نمیدهد.

#### ماده هشتماد و دوم

رئیس جمهور در حالت مریضی و یا سفرمعاون یا معاونین ریاست جمهوری را مؤظف میسازد تا طبق هدایاتیکه صادر میکنند عوض وی کار نماید.

#### ماده هشتماد و سوم

معاش و مصارف رئیس جمهور توسط قانون تعیین میگردد.

#### ماده هشتماد و چارم

برای انتخاب رئیس جمهور بایدچهل و پنج روز قبل از ختم دوره ریاست جمهوری مطابق به احکام این قانون اساسی و اساسنامه حزب اقدامات لازمه بعمل آید.

#### ماده هشتماد و پنجم

هرگاه رئیس جمهور اراده استعفا بنماید لویه جرگه را دایر و استعفا نامه خود را مستقیماً به لویه جرگه تقدیم

میدارد.

در صورتیکه لویه جرگه این استعفاء را قبول نماید انتخاب رئیس جمهور جدید طبق ماده هشتماد و ششم این قانون اساسی صورت میگردد.

#### ماده هشتماد و ششم

هرگاه رئیس جمهور وفات نماید یا استعفا دهد وظیفه ریاست جمهوری مؤقتاً بر رئیس ملی جرگه سپرده میشود. در این حالت رئیس ملی جرگه بحیث ناسزد ریاست جمهوری در انتخابات تعیین شده نمیتواند.

در زمان تصدی رئیس ملی جرگه بحیث رئیس جمهور مؤقت، این قانون اساسی تعدیل شده نمیتواند.

رئیس جمهور جدید باید در ظرف سی روز بعد از تاریخ خالی شدن کرسی ریاست جمهوری مطابق با حکام این قانون اساسی انتخاب گردد. در صورت بروز حالات عاجل و مهم ملی ایکه رئیس جمهور مؤقت را به اعمال صلاحیت های مندرج ماده هفتاد و هشتم این قانون اساسی مجبور سازد رئیس جمهور مؤقت میتواند با موافقه اعضای حکومت و شورای مرکزی حزب با رعایت احکام مندرج این ماده از صلاحیتهای متذکره ماده هفتاد و هشتم این قانون اساسی استفاده نماید.



### ماده هشتماد و هفتم

اتهام به جرم خیانت ملی علیه رئیس جمهور از طرف دو ثلث اعضای ملی جرگه تقاضا شده میتواند. این تقاضا بعد از موافقه دو ثلث آراء اعضای شورای مرکزی حزب به لویه جرگه ارائه میشود.

در این حالت رئیس جمهور مکلف است لویه جرگه را دایر نماید. رئیس ملی جرگه از جلسات لویه جرگه ریاست مینماید.

هرگاه لویه جرگه اتهام منسوب را با دلایل ارائه شده آن به اکثریت دو ثلث آراء اعضای خود تصویب نماید رئیس جمهور از وظیفه سبکدوش میگردد. ترکیب محکمه و طرز العمل محاکمه طور جداگانه توسط قانون خاص تنظیم میشود.

در این حالت وظیفه ریاست جمهوری موقتاً به رئیس ملی جرگه سپرده میشود. رئیس جمهور موقت تابع احکام مندرج ماده هشتماد و ششم این قانون اساسی می باشد.

### فصل هشتم

#### حکومت

#### ماده هشتماد و هشتم

حکومت اورگان عالی اجرائیوی و اداری دولت و متشکل از معاون یا معاونین ریاست جمهوری و وزراء میباشد که تحت رهبری رئیس جمهور

ایفای وظیفه مینماید.

#### ماده هشتماد و نهم

معاون یا معاونین رئیس جمهور و وزراء باید تبعه افغانستان بوده خود و همسران شان از والدین افغان متولد و واجد تمام حقوق مدنی و سیاسی باشند.

#### ماده نودم

معاون یا معاونین رئیس جمهور و وزراء قبل از اشتغال وظیفه حلف آتی را بحضور رئیس جمهور بجا می آورند:

بنام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد میکنم که قانون اساسی و دیگر قوانین افغانستان را محترم شمارم و از آن پیروی کنم و تمام نیروی خود را وقف دفاع از حقوق و منافع ملی نموده از اهداف انقلاب ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۴ و جمهوریت افغانستان حمایت نمایم.

#### ماده نود و یکم

حکومت دارای وظایف و صلاحیت های ذیل میباشد:

- ۱- تطبیق سیاست داخلی و خارجی کشور مطابق به احکام قانون و اساسات حزب.
- ۲- اداره، انسجام و مراقبت امور وزارت ها و سایر دوائر و موسسات عامه.
- ۳- صدور تصامیم اجرائیوی و اداری طبق قوانین و فرامین صادره و نظارت

انتفاعی را با دولت انجام داده نمیتوانند.

### ماده نود و چهارم

معاون یا معاونین رئیس جمهور و وزراء در برابر رئیس جمهور، شورای مرکزی حزب و ملی جرگه در قسمت اجرا آت خود مسؤول میباشند.

### ماده نود و پنجم

اتهام جرم علیه معاون یا معاونین رئیس جمهور یا هر یکی از وزراء از طرف یک ثلث اعضای ملی جرگه تقاضا شده میتواند.

این تقاضا صرف به اکثریت دو ثلث آراء اعضای ملی جرگه تصویب میگردد. متهم پس از تصویب از وظیفه مشغول میشود.

محاكمه متهم در محضر محكمه خاص دایر میشود.

ترکیب محكمه، و طرز العمل محكمه آن و همچنان مجازات طور جداگانه توسط قانون خاص تنظیم میگردد.

## فصل نهم

### قضاء

#### ماده نود و ششم

قوه قضائیه یک رکن دولت و مرکب است از ستره محكمه و محاکم دیگر که تعداد آن توسط قانون تعیین میگردد. هدف عمده این قوانین توحید محاکم قضای و تنظیم تشکیلات صلاحیت محاکم و طرز العمل محاکمه میباشد.

بر تطبیق آنها.

۴ - تسویه قوانین و وضع مقررات.

۵ - ترتیب و تنظیم بودجه دولت و اتخاذ تدابیر برای استحکام وضع اقتصادی و سیستم پولی و مالی.

۶ - طرح پلانیهای انکشافی دولت و اتخاذ تدابیر برای تطبیق و اجرای آن.

۷ - مباحثه و مذاکره راجع به گرفتن و دادن قروض داخلی و خارجی.

۸ - اتخاذ تدابیر برای تأمین نظم و امن عامه.

۹ - اتخاذ تدابیر لازم و مؤثر جهت از بین بردن هر نوع فساد اداری مطابق به احکام قانون.

۱۰ - عقد قراردادها با ممالک و موسسات خارجی مطابق به احکام قانون.

۱۱ - اجرای سایر وظایفیکه این قانون اساسی و قوانین به حکومت سپرده باشد.

### ماده نود و دوم

حکومت برای تنظیم امور بر اساس قوانین، مقررات وضع میکند. این مقررات مناقض نص یا روح قانون بوده نمیتواند.

### ماده نود و سوم

به استثنای حالاتیکه در ماده سی و ششم این قانون اساسی تصریح گردیده معاون یا معاونین رئیس جمهور و وزراء در مدت تصدی وظیفه هیچ معامله

**ماده نود و هفتم**

صلاحیت قضاء شامل رسیدگی به تمام دعاوی ایست که در آن اشخاص حقیقی یا حکمی بشمول دولت بصفت مدعی علیه قرار گرفته و به پیشگاه آن مطابق به احکام قانون اقامه شود.

**ماده نود و هشتم**

در هیچ حالت به استثنای حرب نمیتوان قضیه یا ساحه را از دایره صلاحیت قوه قضائیه دولت به نحویکه در این فصل تحدید شده خارج ساخت و به مقام دیگری تفویض نمود. این حکم مانع تشکیل محاکم عسکری نمیگردد ولی ساحه این نوع محاکم به جرایم مربوط به قوای مسلح افغانستان منحصر میباشد. تشکیل و صلاحیت محاکم عسکری توسط قانون تنظیم میگردد.

**ماده نود و نهم**

محاکم در قضا یا ی مورد رسیدگی خود احکام این قانون اساسی و قوانین دولت را تطبیق میکنند.

هر گاه برای قضیه ای از قضایای مورد رسیدگی در قانون اساسی و قوانین دولت حکمی موجود نباشد محاکم به پیروی از اساسات کلی فقه حنفی شریعت اسلام در داخل حدودیکه این قانون اساسی وضع نموده در چنین احوال حکمی صادر میکنند که در نظر شان

عدالت را به بهترین صورت ممکن نامین نماید.

**ماده صد**

قضات به پیشنهاد قاضی القضاة و منظوری رئیس جمهور تعیین میگردند.

**ماده یکصد و یکم**

عزل قضات با اثر ارتکاب جرم به پیشنهاد ستره محکمه و منظوری رئیس جمهور صورت می گیرد هر گاه قاضی به ارتکاب جرمی متهم شود ستره محکمه مطابق به احکام قانون بحالت قاضی رسیدگی نموده پس از استماع دفاع او در صورتیکه ستره محکمه اتهام را وارد بداند پیشنهاد عزلش را به رئیس جمهور تقدیم و یا منظوری آن از طرف رئیس جمهور قاضی از وظیفه عزل و مطابق به احکام قانون مجازات میشود.

**ماده یکصد و دوم**

تبدیل، ترفیع، تقاعد، قبول استعفا و مواخذة قضات توسط ستره محکمه مطابق با حکام قانون صورت میگیرد.

**ماده یکصد و سوم**

برای قضات معاش مناسب توسط قانون تعیین میگردد.

**ماده یکصد و چهارم**

به استثنای حالاتیکه در ماده سی و ششم این قانون اساسی تصریح گردیده اعضای ستره محکمه و قاضی القضاة در مدت تصدی وظیفه هیچ

### ماده یکصد و هفتم

ستره محکمه مرکب است از (۹) عضو که از طرف رئیس جمهور تعیین میشوند.

عضو ستره محکمه باید دارای اوصاف ذیل باشد :

۱ - سن سی و پنج سالگی را تکمیل نموده باشد.

۲ - اقلاده سال قبل از تاریخ تعیین تابعیت دولت افغانستان را کسب کرده باشد.

۳ - از طرف محکمه بجرمان از حقوق سیاسی محکوم نشده باشد.

۴ - از اهداف ملی، عام حقوق، و نظام حقوقی افغانستان آگاهی کافی داشته باشد.

رئیس جمهور یک نفر از جمله اعضای ستره محکمه را که سن او از چهل سال کمتر نباشد به حیث قاضی القضاة تعیین مینماید.

رئیس جمهور می تواند بر تعیین اعضای ستره محکمه و قاضی القضاة بعد از مرور هر پنج سال از تاریخ تعیین شان به وظایف مذکور تجدید نظر بنماید.

بازعایت این حکم اعضای ستره محکمه و قاضی القضاة بهیچ وسیله دیگر به استثنای حالت مندرج ماده (۱۱۱) این قانون اساسی از وظایف شان بر طرف نمیشوند.

معامله انتفاعی را با دولت انجام داده نمی توانند.

### ماده یکصد و پنجم

در محاکم افغانستان محاکمه بصورت علنی اجرا میشود و هر کس حق حضور را در آن مطابق با حکم قانون دارد.

فیصله های قطعی محاکم واجب التعمیل است مگر در حالت حکم به مرگ شخص که تعمیم حکم محکمه نهایی مشروط به توشیح رئیس جمهور می باشد.

محکمه میتواند در حالت استثنائی که در قانون تصریح گردیده باشد جلسات سری دایر کند ولی اعلام حکم باید بهر حال علناً صورت بگیرد.

محاکم مکلف اند اسباب حکمی را که صادر میکنند در فیصله خود ذکر نمایند.

### ماده یکصد و ششم

کشف جرایم از طرف پولیس تحقیق، تعقیب و اقامه دعوی آن از طرف شارنوال که جزء قوه اجرائیه هستند مطابق با حکم قانون صورت میگیرد.

کشف و تحقیق جرایم مربوط به قوای مسلح افغانستان توسط قانون خاص تنظیم میگردد.

**ماده یکصد و هشتم**

اعضای ستره محکمه و قاضی القضاات قبل از اشغال وظیفه حلف آتی را بحضور رئیس جمهور بجا می آورند :

((بنام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد میکنم که وظیفه قضاء را با کمال اسانت و شرافت اجرا نموده حق و عدالت را بارعایت اساسات دین مقدس اسلام و سایر احکام و ارزشهای قانون اساسی و قوانین دولت جمهوری افغانستان تأمین نمایم و در همه اجراءات خود خداوند جل جلاله را حاضر دانسته حقوق مردم و وطن را به نفع عدالت حمایت نمایم.))

**ماده یکصد و نهم**

به استثنای حالت مندرج ماده (۱۱۱) این قانون اساسی اعضای ستره محکمه و قاضی القضاات بعد از ختم قانونی دوره خدمت برای بقیه مدت حیات از تمام امتیازات مالی دوره خدمت شان مستفید میشوند. اعضای ستره محکمه و قاضی القضاات نمی توانند بعد از ختم دوره خدمت عضو حکومت، عضو ملی جرگه و یا ماسور دولت باشند.

**ماده یکصد و دهم**

هر عضو ستره محکمه و قاضی القضاات می تواند طبق احکام قانون استعفا بدهد، استعفا اعضای ستره محکمه و قاضی القضاات از تاریخ منظوری آن

از طرف رئیس جمهور نافذ می گردد، قاضی القضاات و عضو مستعفی از امتیازات مالی مندرج ماده یکصد و نهم این قانون اساسی مستفید شده نمیتوانند. قیود متذکره فقره اخیر ماده یکصد و نهم بالای هر عضو مستعفی و قاضی القضاات قابل تطبیق میباشد.

**ماده یکصد و یازدهم**

هر گاه یک ثلث اعضای ملی جرگه محاکمه قاضی القضاات یا یک یا چند عضو ستره محکمه را بر اساس اتهام بجرم ناشی از اجرای وظیفه تقاضا نمایند و ملی جرگه این تقاضا را به اکثریت دو ثلث اعضاء تصویب کند متهم از وظیفه سبکدوش میشود.

ملی جرگه از بین اعضاء یک نفر را جهت اقامه دعوا و هیأتی را مرکب از هشت نفر برای اجرای محاکمه تعیین میکند.

این هیأت تحت ریاست رئیس ملی جرگه متهم را مطابق به طرز العمل محکمه جزائی محاکمه مینماید و در صورتیکه جرم متهم ثابت شود او را از وظیفه عزل و بجزا محکوم میسازد.

**ماده یکصد و دوازدهم**

ستره محکمه تشکیلات و اجراءات محاکم و امور قضائی دولت را مطابق با احکام این قانون اساسی و قوانین تنظیم مینماید

یا حالت مماثلیکه کشور را باخطر مواجه سازد، حفظ استقلال و حیات ملی یا امنیت را برهم زند به نحویکه تأمین آن از مجرائیکه در این قانون اساسی تعیین شده ناممکن گردد حالت اضطرار از طرف رئیس جمهور اعلان میشود.

هر گاه حالت اضطرار بیش از چهار ماه دوام نماید برای تمدید آن موافقت ملی جرگه شرط است.

#### ماده یکصد و پانزدهم

در حالت اضطرار رئیس جمهور می تواند تمام یا بعضی صلاحیت های ملی جرگه را بحکومت انتقال دهد.

#### ماده یکصد و شانزدهم

در حالت اضطرار رئیس جمهور می تواند با رعایت حکم مندرج ماده نود و هشتم این قانون اساسی قسمتی از صلاحیت قضاء را به محاکم عسکری انتقال دهد.

#### ماده یکصد و هفدهم

در حالت اضطرار حکومت میتواند با موافقه ستره محکمه احکام ذیل این قانون اساسی را توسط فرامین جمهوری معطل بسازد و یا بر آن قیودی وضع نماید:

جر در مواردیکه درین قانون اساسی تصریح گردیده صلاحیت های قضایی و اداری ستره محکمه توسط قانون تنظیم میشود.

ستره محکمه تدابیر لازم را جهت تنظیم امور اداری محاکم اتخاذ میکند. بودجه قوه قضائیه از طرف قاضی القضاة به مشوره حکومت ترتیب گردیده بحیث یک جزء بودجه دولت توسط حکومت به ملی جرگه تقدیم میشود، تطبیق بودجه قضاء از صلاحیت ستره محکمه می باشد.

ستره محکمه می تواند در ساحت تنظیم امور قضایی قوانین را تسوید و آنرا مطابق بحکم مندرج ماده شصت و دو این قانون اساسی به ملی جرگه پیشنهاد نماید.

#### ماده یکصد و سیزدهم

در مورد مامورین و سایر کارکنان اداری قوه قضائیه، احکام قوانین مربوط به مامورین و سایر کارکنان اداری دولت نافذ می باشد ولی تعیین، ترفیع، قبول استعفاء مواخذه و تقاعد شان توسط ستره محکمه برونق قانون صورت میگیرد.

## فصل دهم

### اضطرار

#### ماده یکصد و چهاردهم

هر گاه حرب، خطر حرب، اغتشاش

تعدیل دیگر محتویات قانون اساسی نظر به تجارب و ایجابات عصر به پیشنهاد حکومت و یا شورای مرکزی حزب و یا یک ثلث اعضای ملی جرگه مطابق به احکام این فصل صورت میگیرد.

#### ماده یکصد و بیست و دوم

پیشنهاد تعدیل را لویه جرگه غور نموده در صورتیکه اکثریت اعضای آن ضرورت تعدیل را تصویب کند هیأتی را از بین اعضاء جهت تهیه طرح تعدیل تعیین مینماید.

این هیأت طرح تعدیل را به مشوره حکومت و ستره محکمه تهیه نموده به لویه جرگه تقدیم میکند. هر گاه لویه جرگه به اکثریت اعضاء طرح تعدیل را تصویب کند بعد از توشیح و اعلام رئیس جمهور نافذ میگردد.

### فصل دوازدهم

#### احکام انتقالی

#### ماده یکصد بیست و سوم

با نفاذ این قانون اساسی رئیس جمهور فرمان انجلال حکومت را صادر میکند و حکومت جدید را برطبق روحیه این قانون اساسی دولت جمهوری تشکیل مینماید.

#### ماده یکصد و بیست و چهارم

رئیس جمهور مطابق به احکام این قانون اساسی ملی جرگه را بتاريخ اول قوس سال ۱۳۵۸ هجری شمسی دایر مینماید.

- ۱ - حکم فقره پنجم ماده سی ام.
- ۲ - حکم فقره اول ماده سی و پنجم.
- ۳ - حکم فقرات سوم و چارم ماده سی و ششم.
- ۴ - حکم فقره دوم ماده سی و هفتم.
- ۵ - حکم ماده سی و نهم.

#### ماده یکصد و هجدهم

در حالت اضطرار رئیس جمهور میتواند مرکز افغانستان را بمحل دیگری غیر از شهر کابل انتقال دهد.

#### ماده یکصد و نوزدهم

هر گاه دوره وکالت اعضای ملی جرگه در اثنای حالت اضطرار ختم شود رئیس جمهور میتواند اجرای انتخابات جدید را ملتوی بسازد و دوره وکالت اعضای ملی جرگه را تا ختم اضطرار تمدید دهد.

بعد از ختم دوره اضطرار بلا فاصله انتخابات اجرا میگردد.

#### ماده یکصد و بیستم

در حالت اضطرار قانون اساسی تعدیل نمیشود.

### فصل یازدهم

#### تعدیل

#### ماده یکصد و بیست و یکم

اصل پیروی از اساسات اسلام و نظام جمهوری مطابق با احکام این قانون اساسی تعدیل نمیشود.



تشکیل ستره محکمه را بتاريخ اول  
سرطان ۱۳۵۷ هجری شمسی اعلام  
مینماید.

رئیس‌جمهور از تاریخ نفاذ این قانون  
اساسی الی زمان تشکیل ستره محکمه  
بمنظور تأمین اجرای وظایف آن تدابیر  
لازم را اتخاذ مینماید.

**ماده یکصد و بیست و هفتم**  
فراستین تقنینی ایکه در دوره انتقال  
نافذ میگردد بعد از دایر شدن ملی  
جرگه در اولین اجلاس آن در ظرف  
سی روز به ملی جرگه جهت اخذ تصمیم  
تقدیم میشود.

**ماده یکصد و بیست و هشتم**  
در دوره انتقال، حکومت موظف  
است که:  
فراستین تقنینی مربوط به انتخابات  
ملی جرگه، مطبوعات، اجتماعات،  
و تشکیلات اساسی دولت را ترتیب  
نموده و به توشیح رئیس‌جمهور  
برساند.

**ماده یکصد و بیست و نهم**  
در دوره انتقال، حکومت تدابیر  
لازم را جهت هم‌آهنگ ساختن اجراءات  
تطبیق و عملی نمودن پروگرامهای  
دولت بر طبق احکام این قانون اساسی  
اتخاذ مینماید.

**ماده یکصد و سی ام**  
در دوره انتقال، مطابق بحکم ماده

مدت بین انفاذ این قانون اساسی  
و افتتاح ملی جرگه دوره انتقال شمرده  
میشود.

در دوره انتقال صلاحیت های ملی  
جرگه به حکومت تعلق میگیرد.

**ماده یکصد و بیست و پنجم**  
هرگاه در دوره انتقال حالتی از حالات  
ظهور نماید که مطابق حکم ماده (۶۷)  
این قانون اساسی وجود لویه جرگه را  
ایجاب کند رئیس‌جمهور اعلامیه ای  
مبنی بر دایر شدن لویه جرگه را صادر  
میکند در چنین حالات تا زمان دایر  
شدن لویه جرگه رئیس‌جمهور تمام  
صلاحیت های لویه جرگه را دارا  
میباشد. رئیس‌جمهور بلافاصله بعد  
از افتتاح لویه جرگه اجرا آتی را که  
مطابق بحکم این ماده بعمل آورده به  
استحضار لویه جرگه میرساند و لویه  
جرگه در مورد آن تصمیم اتخاذ میکند.  
هرگاه در موقع ظهور یکی از حالات  
مذکور هنوز شورای مرکزی حزب  
و یا شورای عالی قوای مسلح و یا  
ستره محکمه مطابق با حکام این قانون  
اساسی تشکیل نشده باشد لویه جرگه  
بدون موجودیت آن به شکل عنعنوی  
دایر میگردد.

**ماده یکصد و بیست و ششم**  
رئیس‌جمهور مطابق بحکم مستدرج  
ماده یکصد و هفتم این قانون اساسی



جمهوری بتاريخ دهم دلو ۱۳۵۵ هجری شمسی در کابل مرکز افغانستان دایر میشود و این رئیس جمهور دولت جمهوری افغانستان را با کثرت دو ثلث آراء اعضاء برای مدت شش سال انتخاب مینماید.

#### ماده یکصد و سی و چار

صاحب منصبان قوای مسلح، پولیس و ماسورین وزارت امور خارجه باید خود و همسر شان از والدین افغان متولد باشند.

#### ماده یکصد و سی و پنجم

مرجع با صلاحیت تفسیر این قانون اساسی ستره محکمه میباشد.

#### ماده یکصد و سی و ششم

با نفاذ این قانون اساسی قانون اساسی سابق و فرامین جمهوری شماره اول، دوم و سوم مؤرخ چارم اسد سال ۱۳۵۲ ملغی شناخته میشود.

احکام قوانینیکه قبل از انفاذ این قانون اساسی صادر گردیده به شرطی نافذ شمرده میشود که مناقض احکام و ارزشهای این قانون اساسی نباشد.

چهلیم این قانون اساسی اساسانه حزب انقلاب ملی بحیث اولین حزب که بانی و پیش آهنگ انقلاب ملی و مترقی (۲۶) سرطان سال ۱۳۵۲ مردم افغانستان است از طرف رئیس جمهور نافذ و اعلام میگردد.

#### ماده یکصد و سی و یکم

در دوره انتقال رئیس جمهور شورایی عالی قوای مسلح را تاسیس و اعلام مینماید.

#### ماده یکصد و سی و دوم

در دوره انتقال، رئیس جمهور صلاحیت دارد تا به منظور اجرای وظایف مقام ریاست جمهوری در حالت وفات وی شورای مؤقت ریاست جمهوری را با اساس فرمانیکه در مورد صادر مینماید پیشینی کند.

شورای مؤقت ریاست جمهوری مکلف است که در ظرف ده روز از تاریخ وفات لویه جرگه را برای انتخاب رئیس جمهور جدید به شکل عتعنوی دایر نماید.

### فصل سیزدهم

#### احکام عمومی

#### ماده یکصد و سی و سوم

نخستین لویه جرگه ایکه در نظام

اشخاص ذیل بصفت نمایندگان مردم در لوی جرگہ  
سال ۱۳۵۵ داؤد خان اشتراک کرده بودند  
اسمائی وکلای ولایت ارزگان

شماره اسم	صفت ممیزه	محل وکالت
۱ - عید محمد	وکیل منتخب	ترین کوت مرکز ولایت
۲ - محمد قاسم	وکیل منتخبہ	دایکندی
۳ - سہراب علی	وکیل منتخبہ	شہرستان
۴ - حاجی محمد یوسف	وکیل منتخبہ	گیزاب
۵ - ملا محمد لاهور	وکیل منتخبہ	اجرستان
۶ - حاجی نظر محمد	، ،	چودن
۷ - غلام حیدر	، ،	کجران
۸ - حاجی عبدالقیوم	، ،	دہراؤد
۹ - حاجی عبدالرحمن	، ،	خاص ارزگان

اسمائی وکلای ولایت بادغیس در جرگہ سال  
۱۳۵۵ داؤد خان

۱۰ - محمد ابوبکر	وکیل منتخبہ	قلعہ نو مرکز ولایت
۱۱ - محمد طاہر	وکیل منتخب	قادس
۱۲ - محمد یوسف	، ،	چوند
۱۳ - باز محمد	، ،	غور ماچ
۱۴ - غلام جیلانی	، ،	مرغاب

اسمائی وکلای ولایت با میان در جرگہ سال ۱۳۵۵  
داؤد خان

۱۵ - عبدالمالک	وکیل	مرکز بامیان
۱۶ - محمد یوسف	، ،	پنجاب
۱۷ - شیخ محمد محسن	، ،	ورس (ورث)
۱۸ - سید حبیب اللہ	، ،	یکا و لنگ
۱۹ - سید شاہ	، ،	سیغان و کھمرد

اسمائی وکلای بدخشان در جرگہ ۱۳۵۵ داؤد خان

۲۰ - حاجی عبدالحفیظ	وکیل	فیض آباد
---------------------	------	----------

درواز	وکیل	۲۱ - سید محمد اکبر
جرم	،،	۲۲ - عبدالواسع
اشکاشم	،،	۲۳ - میرزا محمد
کشم	وکیل	۲۴ - برکات احمد
واخان	،،	۲۵ - خواجه بردی

### اسمای وکلای ولایت بغلان در جرگه سال ۱۳۵۵ داود خان

مرکز بغلان	وکیل	۲۶ - محمد قاسم
پل خمری	،،	۲۷ - سلطان احمد
دوشی	،،	۲۸ - حاجی خیر الدین
اند راب (بعد از سقوط داؤد خان از طرف کمونسستها کشته شد)	،،	۲۹ - عید محمد خورسند
خوست فرنگ	،،	۳۰ - عبدالغفار بای
نهرین	،،	۳۱ - حاجی محمد شریف خان

### اسمای وکلای ولایت بلخ در جرگه سال ۱۳۵۵ داؤد خان

مرکز مزار شریف	وکیل	۳۲ - غلام محمد اورس
		۳۳ - حاجی فیصل الله ولد
مرکز ولایت بلخ	،،	حبیب الله
دولت آباد	،،	۳۴ - حاجی فیض الله ولد چاری
چمتال	،،	۳۵ - امیر محمد
چهار بولک	،،	۳۶ - عبدالرحیم
شولگره	،،	۳۷ - نور محمد
ولسوالی بلخ	،،	۳۸ - جلاد خان
نهر شاهی	،،	۳۹ - سید داد
شور تپه	،،	۴۰ - مولوی رحمن بردی

### اسمای وکلای ولایت پروان در جرگه ۱۳۵۵

مرکز پروان	وکیل	۴۱ - میر غوث الدین
		۴۲ - سید محمد اصغر
غور بند	،،	ولد میر علی گوهر

پنجشیر	۴۳ - عبدالقیوم عطائی وکیل
جیل السراج	۴۴ - یار محمد
بگرام	۴۵ - حاجی عبدالرحمن
سرخ و پارسا	۴۶ - فراموز (فرامرز)
مرکز حکومت کلان کاپیسا	۴۷ - محمد آصف وکیل
تنگاب	۴۸ - سعد الله
کوهستان	۴۹ - عبدالواحد
نجراب	۵۰ - مولوی ابوالقاسم وکیل

### اسمای وکلای ولایت پکتیا در جرگه داؤد خان سال ۱۳۵۵

گردیز	۵۱ - حاجی نیض وکیل
گردیز	۵۲ - گل احمد وکیل
سید کرم	۵۳ - عبدالغنی
زرمست	۵۴ - محمد انور
چمکنی	۵۵ - سلطان محمد
جاجی	۵۶ - محمد عمر
جانی خیل	۵۷ - ملاخواجه
وزی خُدران	۵۸ - میرا جان
خوست	۵۹ - وریشمین
جاجی میدان	۶۰ - برکت الله
موسی خیل	۶۱ - موسی خان
تنی	۶۲ - میرزا شادزاد
	۶۳ - شیر محمد ولد
حکومت کلان ارگون	۶۴ - عیسی خان
سپیری خُدران	۶۵ - قطب خان
گومل	۶۶ - رحمت خان

### اسمای وکلای ولایت تخار در جرگه داؤد خان

تالقان مرکز ولایت تخار	۶۷ - عبدالمبین وکیل
رستاق	۶۸ - کریم الله

شماره اسم	صفت ممیزه	محل و کالت
۶۸ -	نائب جمعه خان (۱)	ینگی قلعه
۶۹ -	محمد سرور	اشکمش
۷۰ -	مواوی عبدالواحد	فرخار
۷۱ -	میر غلام حیدر وکیل	چاه آب
۷۲ -	عبدالرشید	خواجه غار

### اسمای وکلای ولایت جوزجان در جرگه سال ۱۳۵۵ داؤد خان

۷۳ -	ایگم بردی وکیل	شبرغان مرکز ولایت
۷۴ -	وصال الدین وکیل	سنگ چارک
۷۵ -	سید محمد	سرپل
۷۶ -	صحبت خان	آتچه
۷۷ -	حاجی صفر محمد	قرقین
۷۸ -	رحمن نظر	منگجک

### اسمای وکلای ولایت زابل در جرگه سال ۱۳۵۵ داؤد خان

۷۹ -	عبدالقادر وکیل	مرکز ولایت زابل
۸۰ -	عبد الجلیل	ارغنداب
۸۱ -	حاجی کمال	شینگی
۸۲ -	حاجی دلبر	جلدک
۸۳ -	منگل خان	دایه چوپان
۸۴ -	محمد ایوب	نماینده کوچیان
۸۵ -	محمد کریم	شاه جوی

### اسمای وکلای ولایت سمنگان در جرگه سال ۱۳۵۵ داؤد خان

۸۶ -	غلام صدیق وکیل	ایک
------	----------------	-----

۱ - نائب جمعه خان پسر نائب محمد شفیع شخص خیر اندیش و نیکوکار بود - پسر نائب جمعه خان بنام قاضی محمد کبیر از مجاهدان سر شناس منطقه ینگی قلعه و از سه چهار سال باینطرف در درقد و ینگی قلعه بحیث قوماندان یک گروپ مجاهدین بجهاد مشغول است و همیشه برای رفاه و دموکراسی مشکلات ایجاد کرده است

محل وکالت	صفت معیزه	شماره اسم
دره صوف	وکیل	۸۷ - جهانگیر
		۸۸ - نجیبه بنت
خلیم	"	محمد سهیل
روئی دوآب	"	۸۹ - حاجی نور محمد (۱)

### اسمای وکلای ولایت غزنی در جرگه سال ۱۳۵۵ داؤد خان

مرکز غزنی	وکیل	۹۰ - حاجی حبیب الله
مرکز غزنی	"	۹۱ - عبدالله شمیمی
ولسوالی اندر	"	۹۲ - سید جعفر
ناهور	"	۹۳ - غلام علی عیدی
جغتو	"	۹۴ - شجاع محمد
قره باغ	"	۹۵ - اختر محمد
جاغوری	"	۹۶ - غلام علی
حکومت کلان کتواز	"	۹۷ - نیاز محمد
وازه خواه	"	۹۸ - محمد خان
شرن	"	۹۹ - محمد رفیق
کوچیان کتواز	"	۱۰۰ - حاجی محمد سرور
کوچیان مرکز	"	۱۰۱ - بیخت پور
مقر	"	۱۰۲ - فضل محمد
ناوه	"	۱۰۳ - عبدالسلام
مالستان	"	۱۰۴ - محمد جعفر

### اسمای وکلای ولایت غور در جرگه سال ۱۳۵۵ داؤدخان

چغچران مرکز غور	وکیل	۱۰۵ - خلیفه نور احمد
لعل و سر جنگل	"	۱۰۶ - محمد امین بیگ
تولک	"	۱۰۷ - حاجی عبدالستار

(۱) حاجی نور محمد وکیل در دوره ۱۳ ولسی جرگه بوده از ابتدای نفوذ کمونست ها دست به جهاد زده بدتها در کوههای سمنگان خرم و روئی دوآب جهاد کرده و فعالانیز در امر جهاد مشغول است.

محل وکالت	صفت سمیزه	شماره اسم
شهرک	..	۱۰۸- حاجی سید انور
نیوره	..	۱۰۹- محمد حسن
یسابند	..	۱۱۰- ساسر الدین

### اسمای وکلای ولایت فاریاب در جرگه سال ۱۳۵۵

محل وکالت	صفت سمیزه	شماره اسم
میمنه مرکز فاریاب	وکیل	۱۱۱- محمد عمر
اندخوی	..	۱۱۲- عبدالرسول
پشتون کوت	..	۱۱۳- غلام سخی
بلچراغ	..	۱۱۴- کشمیر
شیرین تگاب	..	۱۱۵- محمد عظیم
علاقه داری قیصار	..	۱۱۶- عبدالقادر
دولت آباد	..	۱۱۷- حاجی جمعه ایشان
در زاب	..	۱۱۸- نصرالله

### اسمای وکلای ولایت فراه در جرگه سال ۱۳۵۵ داؤد خان

محل وکالت	صفت سمیزه	شماره اسم
مرکز فراه	وکیل	۱۱۹- عبدالرزاق
بکواه	..	۱۲۰- عبدالرشید
شمین دند	..	۱۲۱- محمد اسماعیل
اناردره	..	۱۲۲- میر محمد ایوب
پرچمن	..	۱۲۳- حاجی عبدالغفار
گلستان	..	۱۲۴- سبقت الله (صبغت الله)
قلعه کاه	..	۱۲۵- سید مقیم الدین
لاش و جوین	..	۱۲۶- غلام محمد
بالبلوک	..	۱۲۷- محمد عمر

### اسمای وکلای ولایت قندز در جرگه سال ۱۳۵۵ داؤد خان

محل وکالت	صفت سمیزه	شماره اسم
مرکز قندز	..	۱۲۸- محترمه عزیزه بنت محمد اسان
مرکز قندز	وکیل	۱۲۹- محمد انور رسولی ولد
حضرت امام	..	۱۳۰- عبدالرسول پای
	..	۱۳۱- عبدالجکیم

شماره اسم	صفت تمیزه	محل وکالت
۱۳۱ - نعمت الله ولد خان ملا	وکیل	خان آباد
۱۳۲ - مولوی قلندر	،،	دشت ارچی
۱۳۳ - صفر محمد	،،	قلعه زال
۱۳۴ - محمد گلاب	،،	چهار دره

### اسمای وکلای ولایت قندهار در جرگه سال ۱۳۵۵ داؤد خان

۱۳۵ - محمد انور	،،	مرکز قندهار
۱۳۶ - خیر محمد	،،	مرکز قندهار
۱۳۷ - عبدالله	،،	دند قندهار
۱۳۸ - حاجی عبدالکریم	وکیل	سپین بولدک
۱۳۹ - حاجی امان الله	،،	ارغستان
۱۴۰ - محمد عثمان	،،	خاک زیر
۱۴۱ - عبدالعلیم	،،	پنجوائی
۱۴۲ - عبدالوهاب	،،	میوند
۱۴۳ - لعل محمد	،،	شاه ولیکوت
۱۴۴ - نظر محمد	،،	شورا بک
۱۴۵ - غلام علی	،،	معروف
۱۴۶ - غلام رسول	،،	شینکی
۱۴۷ - حیات الله	،،	ارغنداب

### اسمای وکلای ولایت کابل در جرگه سال ۱۳۵۵ داؤد خان

۱۴۸ - کبرابنت بسم الله وکیل		شهر کابل
۱۴۹ - پوهاند دا کتر عبدالفتاح همراه	،،	نماینده شهرکابل از طرف کمونستها بشهادت رسانده شد)
۱۵۰ - محمد شریف	،،	شهر کابل
۱۵۱ - پوهنوال حبیب الرحمن هاله	،،	میر بچه کوت
۱۵۲ - غلام نبی باهر	،،	چهاردهی ولایت کابل
۱۵۳ - محمد علی فیض	،،	پغمان



شماره اسم	صفت میزه	محل وکالت
۱۵۴ - محمد انور	وکیل	بگرامی
۱۵۵ - عصمت الله	»	سروبی
۱۵۶ - میر شریف الدین انصاری	»	ده سبز
۱۵۷ - عبدالله نیک	»	شکر دره
۱۵۸ - محمد داد	»	قره باغ

### اسمای وکلای ولایت لغمان در جرگه سال ۱۳۵۵ داؤد خان

۱۵۹ - دا کتر جانان	وکیل	میترا لام مرکز لغمان
۱۶۰ - عبدالقدیر	»	نورستان لغمان
۱۶۱ - حاجی عبدالرزاق	»	علیشنگ
۱۶۲ - سید عباس	»	قرغه ای
۱۶۳ - ملک عبدالحی	وکیل	علینگار

### اسمای وکلای ولایت لوگر در جرگه سال ۱۳۵۵ داؤد خان

۱۶۴ - محمد آصف	وکیل	پل علم لوگر
۱۶۵ - حاجی کریم داد	»	محمد آغه
۱۶۶ - سید احمد	»	برکی برک
۱۶۷ - شاه محمود	»	ولسوالی از رو
۱۶۸ - ملک نور احمد	»	کوپیان ولایت لوگر

### اسمای وکلای ولایت ننگرهار در جرگه سال ۱۳۵۵ داؤد خان

۱۶۹ - حاجی محمد دین	وکیل	کوپیان ولایت ننگرهار
۱۷۰ - جان محمد	»	جلال آباد
۱۷۱ - دا کتر تارا سنگ	»	جلال آباد
۱۷۲ - محمد هاشم	»	حکومت کلان کتر
۱۷۳ - محمد طاهر وطن یار	»	چوکی
۱۷۴ - عبدالجبار	»	کامدیش
۱۷۵ - عبدالله غمخور	»	مرکز کتر

سرکافی	وکیل	۱۷۶ - نورستان
خاص کنر	»	۱۷۷ - محمد خان
دره بیچ	»	۱۷۸ - حاجی محمد صدیق
حکومت کلان شنوار	»	۱۷۹ - سید بهرام شاه
هسکه سینه (ده بالا) شنوار	»	۱۸۰ - مامور سرور
اچین	»	۱۸۱ - گل محمد
مهمند دره	»	۱۸۲ - حاجی سردار محمد
گوشته	»	۱۸۳ - سید کریم
نامه	»	۲۸۴ - ملک شیرین دل
کوز کنر	»	۱۸۵ - محمد خان
رودات (موصوف از سال ۱۳۵۷ یا چند نفر اعضای خانواده اش از طرف کمونستها به شهادت رسید.)	»	۱۸۶ - حاجی مطیع الله (شهید)

سرخرود	وکیل	۱۸۷ - عبدالله
خوکیانی	وکیل	۱۸۸ - جرنیل دلاور خان
حصارک	»	۱۸۹ - عبدالوهاب

### اسمای وکلای ولایت نیمروز در جرگه سال ۱۳۵۵

شهر زرنج مراکز ولایت	وکیل	۱۹۰ - فیض محمد
چار برجک	»	۱۹۱ - محمد جان
چغانسور	»	۱۹۲ - محمد شریف
کنگ	»	۱۹۳ - محمد حسین

### اسمای وکلای ولایت هرات در جرگه سال ۱۳۵۵

شهر هرات	وکیل	۱۹۴ - محترمه نجیبه بنت عبدالرحیم
شهر هرات	»	۱۹۵ - علی آقا
انجیل	»	۱۹۶ - داکتر غلام رسول حقیقی
اوبه	»	۱۹۷ - اختر محمد
زنده جان	»	۱۹۸ - محمد امین شکیبا

شماره	اسم	صفت ممیزه	محل وکالت
۱۹۹-	عبدالباقی بهنواز	»	ادرسکن
۲۰۰-	قاری محمد ابوبکر	»	غوریان

جوان تحصیل کرده و پاک نفس بود از طرف کمونستها به شهادت رسید

۲۰۱-	امین الله	وکیل	کرخ
۲۰۲-	عبدالهادی قاضی	»	پشتون زرغون
۲۰۳-	عبدالکریم تمنا	»	گلران
۲۰۴-	صالح محمد	»	گذره
۲۰۵-	حاجی محمد اعظم	»	کھسان

### اسمای وکلای ولایت هلمند در جرگه سال ۱۳۵۵

۲۰۶-	حاجی فیض الله	وکیل	موسی قلعه
۲۰۷-	حاجی محمد نعیم	»	گرم سیر
۲۰۸-	حاجی خدایداد	»	راد علی
۲۰۹-	غلام سرور	»	باگران
۲۱۰-	حاجی ظریف	»	ناوه بلک زائی
۲۱۱-	سلطان سکندر	»	مرکز هلمند
۲۱۲-	حاجی پیر محمد	»	نهر سراج
۲۱۳-	آقا محمد	»	نوزاد
۲۱۴-	حاجی محمد زمان	»	دیشو

### اسمای وکلای ولایت وردگ در جرگه سال ۱۳۵۵

۲۱۵-	حیات الله	وکیل	میدان بنار
۲۱۶-	محمد اسحق	»	حصه اول بهسود
۲۱۷-	محمد ناصر	»	مرکز بهسود
۲۱۸-	حاجی سلطان محمد	»	سید آباد
۲۱۹-	محمد محسن	»	چک وردگ

### اسمای اعضای انتصابی جرگه نام نهاد سال ۱۳۵۵. ش

۲۲۰-	عبدالعزیز خان	پاکر جنرال
۲۲۱-	محمد موسی	پاکر جنرال

شماره	اسم	صفت ممیزه
۲۲۲-	عبدالله روی	پسرعم نادر شاه که از طرف کمونست‌ها بشهادت رسانده شد .
۲۲۳-	عبدالغنی	تورن جنرال
۲۲۴-	محمد طاهر	برید جنرال
۲۲۵-	بابه جان	برید جان
۲۲۶-	غلام دستگیر	برید جنرال
۲۲۷-	نور محمد	برید جنرال
۲۲۸-	نیک محمد عزیزی	دگر جنرال
۲۲۹-	دکتور مورگل	دکروال
۲۳۰-	محمد نعیم	»
۲۳۱-	غلام صدیقی طوره باز	»
۲۳۲-	مرتضی قل	دگرمست - ۷ ثور بذریعہ کمونست‌ها در میدان هوائی بگرام کشته شد .
۲۳۳-	سید سکندر شاه	دگرمن
۲۳۴-	عبدالستار	جگرن
۲۳۵-	محمد یعقوب	دهقان
۲۳۶-	زمری	»
۲۳۷-	آدم خان	»
۲۳۸-	عبدالغفور	»
۲۳۹-	فتح الله	»
۲۴۰-	میر اسلم	»
۲۴۱-	عبدالصمد	»
۱۴۲-	ملا جان	»
۱۴۳-	عبدالمجید	»
۲۴۴-	عبدالواسع	»
۲۴۵-	محمد طاهر	»
۲۴۶-	علیخان	»

شماره	اسم	صفت میزہ
۲۴۷-	غلام رسول	دھقان
۲۴۸-	حضرت محمد	،،
۱۴۹-	عبدالجبار	،،
۱۵۰-	صوفی رمضان	،،
۲۵۱-	نواب	،،
۲۵۲-	محمد عظیم	،،
۲۵۳-	امر اللہ	،،
۲۵۴-	رجب علی	،،
۲۵۵-	غلام رؤف (رؤف)	،،
۲۵۶-	عبدالباقی	،،
۲۵۷-	خواجہ فیض محمد	،،
۲۵۸-	عبدالصمد	کلاگر
۲۵۹-	عبدالوہاب	،،
۲۶۰-	عبدالرؤف	،،
۲۶۱-	عبداللہ	،،
۲۶۲-	شیر محمد	،،
۲۶۳-	فیض اللہ	،،
۲۶۴-	غلام حیدر	،،
۲۶۵-	محمد عیسیٰ	،،
۲۶۶-	محمد سرور	،،
۲۶۷-	اسد اللہ	،،
۲۶۸-	باز محمد	،،
۲۶۹-	محمد طاہر	،،
۲۷۰-	عبدالقدیر	،،
۲۷۱-	غلام ربانی	،،
۲۷۲-	شاہ دل	،،
۲۷۳-	محمد ابراہیم	،،

شماره	اسم	صفت مجیزہ
۲۷۴-	محمد نعیم	کارگر
۲۷۵-	محمد سلیمان	»
۲۷۶-	نیاز محمد	»
۲۷۷-	شجاع الدین	»
۲۷۸-	عجب گل	»
۲۷۹-	محمد زمان	»
۲۸۰-	باشمی زرین	»
۲۸۱-	محمد علی	»
۲۸۲-	محسن	»
۲۸۳-	خالدہ عبدالرزاق	»
۲۸۴-	حمیرا غلام غوث	لیسانس ادبیات
۲۸۵-	ثریا خادم قیام الدین	داکتر طب
۲۸۶-	ذکیہ محمد رسول	لیسانس سائنس
۲۸۷-	زینب محمد امین	»
۲۸۸-	محبوبہ نور محمد	ما فوق لیسانس
۲۸۹-	خدیجہ عبدالحق	ما فوق بکلوریا
۲۹۰-	عزیزہ عبدالعزیز	لیسانس حقوق
۲۹۱-	عبدالکریم حقانی	استاد
۲۹۲-	محمد کبیر	دپلوم انجینیر
۲۹۳-	محمد امین قریت	(شاعر)
۲۹۴-	عبداللہ واحد	داکتر طب
۲۹۵-	محمد بشیر لودین	دپلوم انجینیر
۲۹۶-	محمد یونس	لیسانس اقتصاد
۲۹۷-	میر عبدالصمد	ماہر تخنیک
۲۹۸-	عبدالعلی مہرزاد	داکتر طب
۲۹۹-	میر حسین مادات	دپلوم انجینیر
۳۰۰-	جلال نورانی	لیسانس حقوق

صفت ممیزه	اسم	شماره
داکتر حقوق	محمد طاهر سیفی	۳۰۱
انجینیر	عزیز احمد	۳۰۲
(والی سابق پکتیا)	روشندل احمد شاه	۳۰۳
داکتر تعلیم و تربیه	محمد یسین عظیم	۳۰۴
لیسانس تعلیم و تربیه	سید کریم حائز	۳۰۵
ما فوق بکلوریا	میر محمد یوسف	۳۰۶
داکتر طب	خان آقا خاشع	۳۰۷
استاد مدرسه	مولوی عبدالمجید	۳۰۸
لیسانس حقوق	محمد لطیف وها بزاده	۳۰۹
بکلوریا	غلام رشاد مهمند	۳۱۰
ما ستر سوسیالوژی	محمد افضل	۳۱۱
داکتر ادبیات	قیام الدین راعی	۳۱۲
انجینیر	عبدالواحد	۳۱۳
معادل لیسانس	غلام حضرت	۳۱۴
لیسانس فارسی	محمد حسن فروتن	۳۱۵
داکتر اقتصاد	محراب الدین	۳۱۶
داکتر دندان	محمد متین همراز	۳۱۷
لیسانس حقوق	محمد اقبال	۳۱۸
داکتر طب	عبدالغفار متوکل	۳۱۹
داکتر پلان سازی و اقتصاد	عبدالله نقشبندی	۳۲۰
لیسانس	حمید الله	۳۲۱
انجینیر	محمد طاهر	۳۲۲
ما ستر روانشناسی	محمد صدیق فراهی	۳۲۳
لسانس ماینس	رجب سهیلی	۳۲۴
لیسانس حقوق	محمد معبد	۳۲۵
داکتر طب	شوهرن	۳۲۶
لیسانس	عبدالحمید حمیدی	۳۲۷

شماره	اسم	صفت ممیزه
۳۲۸-	محمد حسن نیر	لیسانس ژورنالیزم
۳۲۹-	محمد ظفر	انجینیر
۳۳۰-	محمد قاسم	لیسانس ژورنالیزم
۳۳۱-	عبدالرباب	لیسانس
۳۳۲-	فتح محمد	جنرال متقاعد
۳۳۳-	سید رسول فکور	لیسانس ساینس
۳۳۴-	عنایت شریف	لیسانس اقتصاد
۳۳۵-	امین الله	دپلوم انجینیر
۳۳۶-	سید یوسف واعظی	لیسانس حقوق
۳۳۷-	عماد الدین غیاثی	داکتر حفاظت نباتات
۳۳۸-	سید عور	انجینیر برق
۳۳۹-	عین الدین	انجینیر
۳۴۰-	عطا محمد	لیسانس حقوق
۳۴۱-	غلام نبی	لیسانس تعلیم و تربیه
۳۴۲-	لعل محمد	لیسانس اقتصاد
۳۴۳-	میر علی احمد ہاشمی	داکتر طب
۳۴۴-	عبدالستار	لیسانس
۳۴۵-	حمید احمد	ما مٹر تخنیک
۳۴۶-	سرور غنچہ	ماسور زراعت و آبیاری
۳۴۷-	محمد کبیر	داکتر اقتصاد



## جبهه با اصطلاح ملی پدر وطن یا جرگه نام نهاد سال ۱۳۶۰ کابل تحت تسلط روسها

کودتای ۷ ثور : طوریکه در سطور قبلی گذشت داؤد خان کودتا

کرد و بعد از چند سال فرماندهی بر مردم

جرگه ای راهم تشکیل کرد و قانون اساسی پاس و خود از

طرف جرگه مذکور برای مدت شش سال بحیث رئیس جمهور تعیین گردید .

در تمام این احوال کسانیکه او را بقدرت رسانده بودند بدقت متوجه او بودند او خودش اصلا درک نکرده بود که روسها تا کدام اندازه با او وفادار میباشند و تا کجا او را همراهی میکنند : روها نسبت داؤد خان اشخاص فرسانبردار ترو مطیع تر ضرورت داشتند . وجود دو گروه حزب کمونست بنام پرچم و خلق برای داؤد خان درد سری بود ولی داؤد خان آنقدر مغرور در عین حال بی خبر بود که آنچه در جریان بود و اینکه کمونست ها تا چه اندازه وضع خود را با روسها استحکام بخشیده بودند اصلا خبر نداشت . یا یامید مرحمت بیشتر روسها بود .

گرچه داؤد خان برای دور ساختن کمونست ها از کارهای نسبتا حساس بیک سلسله اقدامات دست زد اما چه سود اشخاص مانند نعمت الله پژواک و امثال او با بازیهای دو جانبه و بلکه چند جانبه، داؤد خان را اغفال کرده بودند، داؤد خان فکر میکرد که کمونست ها را متفرق ساخته است ولی او امر او تنها در دفتر خودش نفوذ داشت و بس چنانچه موقعیکه امر توقیف سران کمونست از طرف داؤد خان داده شد حقیقتا الله امین بزودی توقیف نشده در خانه اش یا جای دیگر ماند و صبح آنروز یعنی صبح روز کودتا توقیف شد . این از بی خبری دستگه داؤد و ارتباط آمران پولیس با کمونست ها بود . کمونست ها تا توانستند به چپاول مردم پرداختند پول فراوان اندوختند تا آینده برای تقویت حزب کمونست مصرف کنند .

داؤد خان بعد از بازگشت از ممالک عربی بیشتر متوجه کمونست ها شد و چنان معلوم میگردد که او قلع و قمع کردن کمونست ها را در نظر دارد . اما اشخاص ظاهراً وفادار باو در حقیقت باو خیانت میکردند و از وفاداران جدی روسها و حزب کمونست بودند مانند حسن شرق ، نعمت الله یژواک وعده دیگر .

در حقیقت بعض وزراء و اراکین دولت داؤد خان گماشتگان روس بودند که او را احاطه کرده بودند تا در موقع مناسب او را ازین برده و شخص دیگری بجایش بیاورند چنانچه کردند - بهر حال .

بتاریخ شام (۱) ۲۸ حمل ۱۳۵۸ میر اکبر خیبر یکی از سرشناسان جناح پرچم حزب کمونست در نزدیکی مطبعه عمومی کابل بقتل رسید که خبر آن روز ۲۹ حمل بسر زبانها افتاد . بتاریخ ۳ حمل ۱۳۵۷ جسد او را هر دو جناح خلق و پرچم از پیش روی ارگ گذرانده در عقب بالا حصار دفن کردند . در مورد قتل او مردم شهر چنین تبصره میکردند که میر اکبر توسط عمال K.G.B. بقتل رسانده شده است . اما کمونیست ها حکومت داؤد خان را مقصر قتل میر اکبر خیبر میدانستند . در سر قبر خیبر یکتعداد پرچمی ها و خلقیها ( کمونیستها ) بیاناتی داده و از حکومت سخت انتقاد کردند .

بتاریخ ۶ ثور ۱۳۵۸ یک عده کمونست ها عبارت از ببرک ، نور محمد ترهکی ، شرعی جوز جانی ، نور احمد نور ، دکتر شاه ولی - - - و چند نفر دیگر بندی شدند . حفیظ الله امین با دیگران توقیف نشد همانشب در خانه خودش یا جای دیگر ماند . آمران پولیس که با حزب کمونست همنا بودند او را موقع دادند تا با افسران اردو تماس بگیرد و کاریکه میخواست انجام بدهد فرد ای آنروز یعنی صبح ۷ ثور روز آغاز کودتا توقیف شد .

با توقیف شدن این چند نفر از نفرت داؤد خان در نظر مردم برای چند ساعتی کاسته شد بعضا دوستان یک دیگر راحتی در تلفون تبریک گفتند و فکر کردند داؤد خان واقعاً متوجه ذهنیت عمومی مردم شده و اکنون کمونست ها را سر کوب میکنند .

**کودتای ۷ ثور :** روز پنجشنبه ۷ ثور بین ساعت ۹ - ۱ بجه صبح

حمله کمونست ها برارگ شروع گردید ولی اکثر مردم شهر بیخبر بودند

در نظر بود نویسنده همان روز در یک جنازه اشتراک کنم. جنازه مرحوم ارسلان سلیمی ساعت دوازده ونیم ظهر از نهر در سن انتقال داده شده در یک تپه مقابل قلعه حیدر خان از دوراهی پغمان بطرف ارغنده دفن و باز گشتیم باران بوقفه‌ها میبارید. ساعت ۳ بعد از ظهر بن و محمد ابراهیم خواخوژی در میرویس میدان از موتر عمومی مربوط جنازه پیماده شدیم تا از آنجا بخانه برویم. در ایستگاه موتر ها نا گهان متوجه شدیم که دکانها بسته است به آقای خواخوژی گفتم می بینی دکانها بسته است خیریت باشد اوهم با تعجب متوجه شد. باز متوجه شدیم که تانکها همه جارا فرا گرفته است و در بعض تانگ ها پارچه های خورد سرخ در اهتزاز دیده میشود. متیقن شدیم که حتما واقعه ای اتفاق افتاده است. مخصوصا دیدن پارچه های سرخ تشویش آور بود. ما هر دو که خانه های مان بیک سمت واقع بود سوار نکسی شدیم بعد از کمی فاصله از تکسی ران پرسیدیم برادر از کدام طرف آمدی گفت از شهر.

— در شهر خیریت است اینجا دکانها بسته معلوم میشود —

— دیگر نفهمیدم مرده چندین نفر صاحب منصبان پولیس را در حصه فروشگاه دیدم که غرق در خون افتاده است در عمارت فروشگاه چند فیئر راکت شده. فیئر ها زیادو در حصه ارگ جنگ واری بود. آواز وقوع جنگ و زد و خورد ها بیان کرد. (بعد ها محمد نعیم خیابان یک هم صنف نویسنده که درین وقت در فروشگاه بود حکایت و شرح داد چگونه مردم عادی و افراد و صاحب منصبان پولیس مورد حمله تانکها وغیره سلاحهای ثقیله قرار گرفته بودند.) درین وقت بکارته مامورین رسیدیم. بینوا و محمود حبیبی هم در حصه خانه بینوا ایستاده گوش به آواز تازه ترین تحولات بودند. ما هم بانها پیوستیم. طیارا زیاد شد یک یمب یا فیئر راکت در گندمهای سبز غرب سرک مقابل ما افتاد هر کدام بخانه های خود رفته متوجه رادیو گردیدیم.

\* اکنون معلوم شد که کمونست ها کودتا کرده اند. هنوز بحانه نرفته بودیم که یک جوان از شهر آمده گفت وزارت داخله را اشغال کردند و

محبوسیت (ببرک، ترهکی، امین و دیگران) را از توقیف خلاص و به رادیو کابل بردند (جائیکه کمونست‌ها بدو مرکز گرفته بودند). اولین صدا از رادیو خبر کودتا را مختصر بیان کرد. بعداً سرودهای کمونستی و بعضاً اخبار کوتاه نشر میشد. هر قدر روز میگذشت اوضاع روشن‌تر میشد. از قیام قوای ریشخور، قرغه، مهتاب قلعه و قوای مرکز حرف‌ها شنیده میشد. بی‌بی سی هم خبرهای افغانستان را پخش میکرد و از مقاومت شدید قوای ریشخور و غیره خبر می‌داد.

قوای جلال آباد هم بطرف کابل حرکت و یک حصه پیش آمده بودند اما قوماندان آنها تورن جنرال محمد یونس خان از طرف کمونست‌ها به شهادت رسید قبل از داخل فرقه. هم زد و خورد شده بود. قیام فرقه ننگرهار دیگر سودی نکرد. در تمام قرارگاه‌های نظامی بعضی کمونست‌ها که شناسائی شده بودند تیر پاران شدند. قیام قرغه از داخل بذریعه کمونست‌ها خنثی گردید. در ریشخور و مهتاب قلعه جنگ بیش‌تر ادامه دادند. قوای مرکز مقاومت زیاد کرد تعداد زیاد افراد اردو و صاحب منصبان کشته شدند.

عبدالعلی خان رئیس ارکان قوای مرکز به ریشخور رفت. قوای ریشخور قبلاً کمونست‌های شناخته شده را از میان برده بجانب شهر در حرکت شده بودند.

درین وقت عبدالقادر خود را به بگرام رسانده از طیارات استفاده بیشتر بعمل آمد. روز پنجشنبه در اکثر نقاط بشمول ارگ بجنگ گذشت. در طول شب هم قوای ریشخور از طرف توپ‌های دور زن قرغه مورد حمله قرار گرفت و در طول شب فیرها ادامه داشت جنگ در اطراف ارگ هم بشدت جریان داشت. پنجشنبه گذشت.

روز جمعه ۸ ثور قوای ریشخور از دو جانب از سمت دارالامان و از جانب سنگ نوشته و بینی حصار بطرف شهر در حرکت شد.

از جانب دیگر در ارگ که جنگ شدید بود گفته شد که مهمات در ارگ تمام شد در اطراف ارگ چندین تانک حریق و قوای کمونست رو بشکست بود و دگروال عمر برادر عارف خان که از جمله کمونست‌های کودتاجی بود کشته شد اما دسیسه بکار رفت و دست داؤد خان از مهمات کوتاه گردید.

جمعه ساعت ۱۱ بجه را دیو کابل چنین اعلان کرد ((آخرین بقایای خاندان یحیی داؤد غدار از پا در آمد -)) همان ساعت از زیان اشخاص نزدیک به حفیظالله امین در جای گل احمد فریده من و بینوا و فرید شنیدیم که یکنفر تولیمشر بنام امام الدین در گلخانه جائیکه داؤد خان برادرش و دیگران بودند با افراد خود داخل شد و امر تسلیمی داد - درین وقت بعلت تمام شدن مهمات جنگی داؤد خان دست از جنگ کشیده بود قبل از ورود امام الدین نزد داؤد خان چندین نفر نواسه ها و مربوطین او را درپیش نظرش کشته بودند تا او تسلیم شود - و قتیکه امام الدین داخل اطاق شده تسلیمی داؤد خان را خواست از طرف پسر او مورد حمله قرار گرفت اما مرمی بدست چپ او اصابت کرده نمرد بالمقابل با رگبار مسلسل داؤد خان برادرش و همه حاضرین آنجا را به شهادت رساند - بعد فریادکنان داؤد را کشتیم، داؤد را کشتیم گفته از محل خارج گردید - همان ساعت چندین نفر افراد خانواده و برادرانش در بیرون اطاق گلخانه کشته شدند .

همانروز قدیر وزیر داخله و عبدالاله وزیر مالیه هم در ارگ بودند که کشته شدند حیدر رسولی وزیر دفاع از ارگ خارج و ابتدا به قرغه رفته دید آنجا وضع خراب است و صاحب منصبان کمونست حرکات قوا را خنثی کرده اند . بعد جانب مهتاب قلعه و قوای مرکز رفت آنجا چندی مقاومت صورت گرفت . (۱) قرار اظهار یک شاهد عینی رسولی بعد از قوای مرکز بادوتن دگروالان در چهل ستون بجای یکی از دوستان رسولی بنام نجار باشی پناهنده شدند . در آنجا بانها خیانت شد بعد از لحظه برادر نجار باشی از خانه غائب شد . دو نفر دگروالان احساس کردند و قسمیکه توانستند فرار کردند ولی بعداً دستگیر و اعدام شدند .

با اثر اطلاع برادر نجار باشی مذکور ماسورین کمونست بجای او آمده

---

۱ - این شاهد عینی یکی از دوستان دیرین نویسنده است . او والی یک ولایت بود . در روز کودتائی کمونست ها بذریعه هلو کوپتر بکابل انتقال داده شد چندی در وزارت دفاع و بعد به پل چرخنی انتقال داده شد . خوش بختانه اخیراً از تسلط کمونست ها نجات یافته به پاکستان مهاجرت کرد . رسولی را و قتیکه در وزرات دفاع محبوس بود دیده بود .

رسولی را دستگیر و بورارت دفاع بردند. اورالت و کوب درده بودند که از یک چشم خون جاری بود. بعداً او را بخواجه رواش یا جای دیگر انتقال داده اعدام کردند.

میکویند بروز جمعه نوای ریشخور از یکطرف به بینی حصار و چمن حضوری رسید. بودند و از جانب دارالامان تا پل محمد غوث خان پیش آمده بودند اما چون نعش داؤد خان را بر ایشان نشان دادند دیگر از جنگ دست کشیدند. بدیدن جسد داؤد خان و نشریات پی در پی رادیو کابل قوماندان قطعاً ریش خور نتوانست تصمیم بگیرد و این قدرت جنگی هم که مردم بان امید داشتند از کار ماند.

در ضمن این حوادث در ولایات هم بین طرفداران حکومت و کمونست ها زد و خورد هائی واقع شد. اما چون کمونست ها دقیقاً از اوضاع پیش بین و آماده بودند با وصف کمی نفرشان همه حرکات و مقاومتها را خنثی کردند. افواهاات دیگر پسانها در سر زبانها افتاد که گفته میشد وقتی که کمونستها به ارگ حمله کردند و بعد از یک مدتی به داؤد خان معلوم شد امر کرد که سران کمونست که در تسویف ولایت کابل بودند اعدام شوند درین وقت قوماندان امنیه ولایت کابل میر گل بود و والی آن عبدالحکیم. مطابق این آوازه عبدالحکیم گفته بود که در اعدام این اشخاص امر تحریری باید داده شود. درین وقت کسی مجال نمی یافت امر تحریری بدهد وقت هر قدر گذشته میرفت به نفع کمونستها تمام می شد. چنانچه زنده ماندن کمونستها سبب شد که همان روز پنجشنبه بین عصر و شام کمونستها نجات یافته و یکسره رهبری کسودتا را بدست بگیرند. حمله روز پنجشنبه ۷ ثور از ساعت های ۹-۱۰ صبح آغاز شده بود در چنان حالت غیر عادی کسی نمیتوانست متوجه ولایت شده امر تحریری بدهد تا کمونستها اعدام شوند تنها کسیکه میتواند این کار را انجام بدهد عبدالحکیم والی کابل بود. بعقیده نویسنده در چنین حالت والی کابل که یک رکن بزرگ دولت بود بدون صدور کدام امر باید شخصاً تصمیم میگرفت و برای نجات وطن اقدام مقتضی بعمل می آورد چه رسد باینکه شفاها برایش دستور هم رسیده بود.

خلاصه کمونست‌ها مستقر شدند و گرفت گیر اشخاص و قتل و کشتار را شروع کردند و روز یکشنبه ۱۰ ثور کابینه خود را اعلان نمودند. نور محمد تره‌کی رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم، بپرک معاون او، حفیظ الله امین وزیر خارجه و معاون صدر اعظم، شرعی جوز جانی وزیر عدلیه، دا کتر شاه ولی وزیر صحت عامه، نظام الدین تهذیب وزیر سرحدات، دستگیر وزیر تعلیم و تربیه، غورندی وزیر تجارت، نور احمد نور وزیر داخله، و طنجار وزیر دفاع، رفیع وزیر فواید عامه و هر کدام بکارهای دیگر مقرر شدند.

چندی نگذشت که در میان دو جناح خلق و پرچم اختلاف پیدا شد ببرک کارمل بحیث سفیر به چکوسلواکیا و نور احمد نور بحیث سفیر به امریکا و اناهیتا بحیث سفیر در بلگراد، نجیب الله به حیث سفیر در ایران، عبدالوکیل در لندن مقرر شدند و باقی پرچمها هر کدام از صحنه دور شدند و علیه آنها تبلیغات بشدت جریان یافت و تا سقوط حفیظ الله امین ادامه داشت.

بعد در اوایل سال ۱۳۵۸ حفیظ الله امین تره‌کی را کشت و خود جانشین او گردید. ماجرای کشته شدن تره‌کی و چندین رویداد دیگر از موضوع بحث این مختصر دور است.

حفیظ الله امین باز هم بیخبر از نیرنگ روسها به قدرت کامل بحکومت پرداخت عده دیگری را کشت و قتل عام دره صوف، بامیان، سمنگان، قیام دلیرانه و شهادت بیش از ۲۵ هزار نفر مردم شرافتمند سرافراز و شجاع شهر هرات در ایام تسلط شوم تره‌کی و امین بوقوع پیوست.

با نفوذ کمونست‌ها در مملکت کم کم در هر گوشه و کنار مجاهدین به قیام شروع کردند و مردم به مهاجرت آغاز نمودند.

حفیظ الله امین و برادرش عبدالله و پسر او اسد الله چندی یکه تاز میدان ماندند بعد در طول مدتی که ببرک و دارو دسته او از صحنه دور بودند رادیو کابل، اخبار و جراید کمونست‌ها قسمت اعظم وقت خود را وقف بدگویی آنها میکردند. بنامهای پناهنده غرب، جاسوس دربار و کار غل و غیره یاد میکردند. بعد چنان آوازه شد که امین میخواهد با وصف کمونست بودن و ملحد بودنش مستقل از روسها باشد و یا نیرنگ دیگری در میان بود، روسها ابتدا در حدود پنج هزار نفر سر باز را در میدان هوایی بگرام پیاده کرده حین تطبیق



پلان، محافظین و کسانیکه فی الجمله مقاومت کردند بقتل رساننده بعد تانکهای نوع جدید را بطرف کابل سوق دادند. در تپه تاج بیگ مقر حفیظ الله امین حمله کرده او را کشتند و همان شب صدای ببرک از تاشکند بروی امواج رادیو کابل شنیده شده بود. همان بود که روسها ببرک کارمل را در پیشا پیش سپاه بیش از یکصد هزار نفری شان از روسیه آورده در چوکی قدرت نشاندهند. تعداد عسکر روس پسانها در حدود دو صد هزار نفر تزئید یافت.

۶ جدی روز ورود ببرک و اردوی روس قیام مجاهدین شدت یافت، در اکثر نقاط ولایات تخار و قندز ولسوالی ها را بدست آوردند در ولایت تخار چاه آب، ینگی قلعه، قرخار بدست مجاهدین افتاد، شهر تالاقان مرکز ولایت تخار را مجاهدین اشغال کردند. خواجه غار (خواجه ایل غار) رستاق، ارچی، اشکمش در ۷ جدی بدست مجاهدین بود. والی تخار گل سعید وفادار، گل محمد تسلی مدیر معارف، عبدالمجید معاون تدریسی تعلیم تربیه، محمد اکبر مدیر عمومی مخابرات و یک تعداد دیگر از اراکین او حین فرار در عرض را بین تالاقان و خان آباد بین قول برس و چین زانی از طرف مجاهدین بقتل رسیدند. قیام مجاهدین قوی تر و منظم تر گردید. مدیر اداری بنام کریمی ظالم و سفاک معروف در چمن ولایت از طرف مردم قطعه قطعه گردید. اجازت شاه مشغنائی نیز که شخص بی رحم بود بهمان سرنوشت مواجه شد.

در روز اول ورود روسها از زمین در سرحدات در حضرت امام و اطراف قندز مقاومت صورت گرفت و مردم خسارات زیاد دید بعد از تخمین یکیم ماه مردم چاه آب، رستاق و ینگی قلعه در حصه پل شیمه دریای کوکچه مربوط خواجه غار بمقابل قوای روس به جهاد حاضر شده طرفین تلفات زیاد دیدند بیش از ۳۰ نفر درین جنگ تنها از مجاهدین چاه آب شهید شدند.

شرح واقعات عمومی مقاومتها یکیکه در نقاط مختلف علیه تسلط روسها و کمونستها بعمل آمد و جنگها و جان بازیهای قهرمانانه مردم تفصیل جداگانه میخواهد.

شام ۵ جدی ببرک بیانیه اش را از رادیو تاشکند بر روی امواج متوسط و کوتاه رادیو کابل ایراد کرد. ناگهان حین نشرات رادیوی کابل صدای ببرک شنیده شد. بهر حال.



بعد از آنکه حقیقت الله قدرت را بدست گرفت و پرچمی‌ها را سردود اعلان کرد در هر جا که بودند پولهای سفارتخانه‌ها را برداشته در ماسکو یا کدام نقطه دیگر در اروپای شرقی با هم یکجا شدند. قرار نشریه‌های آنوقت تنها نور احمد نور از سفارت افغانستان در واشنگتن، ۲۶ هزار دالرو نجیب از سفارت افغانی در تهران و هر کدام به تناسب هرچه دارائی سفارت خانه‌ها بود برداشتند و رفتند. رادیو کابل اخبار و جراید همه آنها را خائن و وطن فروش معرفی میگرد.

اینک همان وطن فروشان بار دیگر پیشا پیش قوای روس بوطن عودت کردند و در کرسی قدرت نشستند. تا امروز که سال هشتم از فاجعه تسلط روسها می گذرد هزاران قریه و قصبه ویران، بیش از یک میلیون نفوس وطن ما به شهادت رسیده و بیش از پنج میلیون نفوس به پاکستان ایران وغیره ممالک مهاجرت کرده اند زمین های زراعتی خشک سیستم آبیاری مختل، تحطی هرگزسنگی ادامه دارد یگانه امید مردم افغانستان به خدای عزوجل و نیروی امید بخش جهاد مجاهدین می باشد.

خلاصه بیکر قدرت را بدست گرفت قیود شب گردی همچنان مثل سابق حبس، قتل، زجر و شکنجه جوانان مسلمان و مردم بهمان پیمانیه که در وقت ترهکی و امین بود ادامه دارد.

از جانب دیگر حکومت کمونست کابل نیروی پروپاگندی را بکار انداخته خواست از رسوم و عنعنات گذشته مردم افغانستان استفاده تبلیغاتی بعمل آورد لذا به تشکیل جبهه پدر وطن دست زد و نام آنرا لوی جرگه گذاشت.

چون جرگه‌های ملی در افغانستان دارای ارزش ملی و سوابق تاریخی زیاد است و نمایندگان از طرف مردم بازادی کامل انتخاب و جرگه اعزام میشدند دیده شود که جرگه حکومت کمونست کابل را چگونه میتوان جرگه نام گذاشت.

جهان می بیند که قوای روس مملکت ما را اشغال کرده - بیش از پنج میلیون نفوس مملکت به پاکستان، ایران و سائر ممالک مهاجرت کرده اند جنگ در تمام مملکت به ضد روسها و کمونست‌ها جریان دارد. محاپس کابل و ولایات از جوانان مجاهد و مردمان سرشناس مملکت پر - بمبارد طیارات روس

بصورت مداوم در نقاط مختلف افغانستان جریان دارد - بجز سرکهای اسفالت شده و سرازولایات آنها از طریق هوا حکومت کمونست با دیگر نقاط مملکت ارتباط ندارد. خونهای هزاران نفر فرزندان افغانستان هر روز از جانب جنایت کاران روسی، ببری ریخته میشود، در ملل متحد یکصد و بیست و دو کشور جهان روسها و کمونست های دست نشانده آنها را محکوم کرده و اخراج قوای متجاوز را از افغانستان بصورت فوری و عاجل خواسته اند.

چگونه میتوان کدام کرد هم آئی و جرگه ای را در چنین حالت جرگه نامید؟ حکومت دست نشانده روسها در کابل یک تعداد گماشته گان حزب کمونست (خلق) و مامورین خاد را یکجا جمع کرده نام آنها جرگه گذاشت از آنها فراتر رفته نام بی سومی دیگری را بان گذاشت که رسوائی و بی ارزشی آنها خوب تر بر ملا می سازد یعنی جبهه ملی پدر وطن!!

در جرگه های بزرگ ملی مطالب معینی بحث میشدند مثل تصویب قوانین و بحث در مورد کدام حادثه و رویداد معین.

اما آنچه در سال ۱۳۶۰ از طرف کمونستها بود وجود آمد آنها بنام نومی جرگه یاد کرده و بعد هم شاخ و پنجه داده نام های بنام پدر وطن و کنگره موسس وغیره بان داده مانند همه ارزشهای ملی، این عنعنۀ بزرگ تاریخی و ملی ما را نیز خاینانه و جنایت کارانه مانند خود و دستگاه خود برسوائی کشیدند. گرچه هموطنان و خوانندگان عزیز از خیانتها و ساخته کاریهای این خائنان و جنایت کاران بخوبی آگاهند با آنها با معذرت از طول کلام مختصری از رسوائی های شان که خود شان نوشته اند یاد آور میشود.

در مقدمۀ جرگه نام نهاد ۱۳۶۰ نوشته شده ((ولی چگونگی وضع انقلابی در کشور بخصوص مبارزه با ضد انقلاب (کدام انقلاب) ایجاب میکرد که زمینۀ جرگه های محلی که نه تنها هسته تشکل اجتماعی در سطح محلی آنست بلکه بر حسب ضرورت زمان در جهت حل مسائل مهم حیات ملی اکثرا نقش

بزرگ تاریخی را نیز ایفا نموده مورد توجه حزب و دولت ما قرار گرفت)) .  
 ((با پیروزی انقلاب شور بخصوص مرحله نوین و تکاملی آن به نقش همچو  
 جرگه ها در حیات ملی و سیاسی جامعه ما هر چه بیشتر توجه بعمل آمد.))

اکنون توجه شود میگوید وضع انقلابی کشور بخصوص در مبارزه با ضد  
 انقلاب اولاً کدام انقلاب . آیا کودتای ننگین و شرم آور شور کسه به قدرت  
 روسها صورت گرفت ؟ ما بجز قتل عام مردم افغانستان غارت و آتش سوزی  
 ویرانی و بربادی چیزی دیگری را در افغانستان ندیده ایم .

بلی انقلاب واقعی ازان مردم افغانستان و مجاهدین ملت کسه با نیروی  
 ایمان وجدان به پا خاسته و در سر تا سر کشور عرصه را بر قوای اشغالگر  
 روس بلکه بر قوای پیمان وارشو تنگ ساخته اند . این انقلاب اسلامی مردم  
 و مجاهد افغانستان است کسه در دفاع از دین شرف و حییات در مقابل تجاوز  
 گران و ملحدان میجنگند نه کودتای وطن فروشان و خائنان .  
 باز میگوید ((در مبارزه با ضد انقلاب)) ضد انقلاب یعنی کسه ؟

مجاهدین راه آزادی ، مدافعین دیانت و ناموس وطن را ضد انقلاب نام  
 میدهند . بلی ضد هستند ، ضد وطن فروشان ، ضد تسلط روس به وطن شان ، ضد  
 قاتلان هزاران نفر پدران ، ما دران و برادران و اطفال شان یعنی ضد نیروی  
 روس و کمونست های دست نشانده روس .

ضد هستند اما ضد کسانیکه سبب آوارگی بیشتر از پننج ملیون برادران و  
 خواهران شان و انهدام هزاران ده ، قصبه و سبب قتل و تباهی نسل موجوده  
 افغانستان شده اند . بلی ضد و مخالف هستند ضد سلطه بیگانه در وطن و ضد  
 غداران و وطن فروشان .

باز میگوید ((ایجاب میگرد زمینه جرگه های محلی - - -)) باید گفت  
 که این مردم افغانستان بودند و هستند که اهمیت جرگه های قومی و مجالس  
 ملی را قرنهای قبل درک کرده و در دوران تاریخ ممالکت صد ها مثال دران  
 بمشاهده میرسد که کمونست ها که نه ارزش انسان رامیدانند و نه ارزش جرگه  
 و مجالس را . انسان ها را دسته دسته میکشند - انسان را زنده آتش میزند .

در مجالس شان انسانها را مجبور می سازند کسه هر چه چند نفر خاین  
 و لایعقل گفت دست بالا کند . آنچه به کمونست های دست نشانده روس میرسد

رسوایی ، بدنامی ، خجالت و سرانگیندگی است نه افتخار یا ایجاد جرگه‌های محلی و ملی .

میگوید ((مرحله نوین و تکاملی)) و بدبختانه ازان به افتخار یاد میکند بعقیده کمونستها کودتای ثورنا تکمیل بود تا آنکه روسها در ۶ جدی یکباره وطن را اشغال کردند آنگاه به اصطلاح وطن فروشان تکمیل گردید باین سبب مرحله نوین و تکاملی اش خواندند. (۶) جدی که وطن عزیز ما را روسها اشغال کرده با پیاده کردن بیش از یکصد و پنجاه هزار عسکر با توپ ، طیاره ، تانک و هزاران وسایل جدید پچییده آدم کشی و قتل عام مردم ما ببرک آورده را به کرسی قدرت نشانند بزبان این خائنان مرحله نوین گفته میشود. آری میتوان گفت خیانت و جنایت‌های شان مراحل مختلف داشته است .

مرحله اول آنرا بدست داؤد خان انجام دادند .

در مرحله دوم کمونست‌ها مستقیما به قدرت رسانده شدند .

مرحله ۳ با اصطلاح نوین و تکاملی آنست که روسها مملکت را اشغال کردند و ببرک را با خود آورده و به قدرت رساندند . اینست مراحل مختلف کمونست‌ها اشغال افغانستان را مرحله نوین و تکاملی میگویند . در مقدمه مذکور میگوید (( اکنون این جرگه‌ها با کسب محتوای انقلابی !! عملا در خدمت جامعه و وطن ، انقلاب و مردم قرار گرفته و ساحه فعالیت آن روز بروز گسترش می یابد که تدویر کنفرانس مقدماتی جبهه ملی پدر وطن و جرگه سران قومی و شخصیت‌های اجتماعی ادامه دهنده این سنت ملی دیرینه ماست . ))

کدام جامعه ؟ جامعه ایکه بیش از یک میلیون نفوس آن بشهادت رسیده و بیش از پنج ملیون آورده شده است .

((در خدمت وطن)) و طنیکه شهرها ، دهات و قصبات آن ویران ، مساجد حریق ، سیستم آبیاری مختل ، نفوس آن از دست روسهای غارتگر و اله دست شان آورده و پریشان گردیده است باز میگوید (( مردم )) با تمام قوت و امکانات در مقابل روس قیام کرده شهادت ، مهاجرت و هزاران مشکل مادی و معنوی را قبول کرده مردانه وار مقابله و مجادله دارند . بلی این مردم افغانستان هستند که باز مجالس و جرگه‌های خود را می سازند و تصامیم آنرا مورد عمل قرار میدهند .

پیشتر گفتیم جرگه‌های بزرگ ملی در مواقع ضرورت دائر می‌سوند شه کنگره دارند و نه موسس که نام کنگره موسس را بان بدهند. کمونس‌ت‌ها مانند همه ارزش‌های ملی این جرگه‌ها را هم مسخ کرده اند و با گذاشتن نام کنگره موسس و غیره شامل کردن روسها دران یکباره هستی و موجودیت جرگه‌ها را از بین برده اند.

در همین مقدمه جبهه ملی پدر وطن میگوید (( کنگره موسس جبهه ملی پدر وطن منبعیث لوی جرگه ملی و تاریخی !!! در شرایط کنونی جامعه ما که کار تدارک آن توسط کمیسیون عالی تدارک کنگره ، تهیه کنفرانس نیرو های ملی وطن پرست مورخ ۶ جدی ۱۳۵۹ انجام شده بود بتاريخ ۲۵ جوزای ۳۶ . با شتراک ۹۴ نفر نماینده از حزب سازمانهای اجتماعی نیروهای ملی وطن پرست اقوام و قبایل در عمارت سلام خانه با بیانیه ببرک کارمل منشی شورای انقلابی رسماً افتتاح گردید. ))

گرچه در اطراف آنچه که از ریشه باطل و غیر قابل قبول است بحث کردن ضیاع وقت است ، باری ، بغرض آگاهی از زیر و بالا دویدن و برای خود موجودیت قابل شدن‌های این خائنان، وطن فروشان لازم دیده میشود مختصری از اجراءات ناروا و خائنانه شان با اینکه کدام کدام اشخاص اند که میخواهند این حرکت خائنانه را پیش ببرند ، از تحریر چند سطر نا گزیریم.

مکرر میگوئیم در مملکتی که بیش از هشتاد فیصد رقبه آن به تصرف مجاهدین و آزاد از سلطه روسها است بیش از پنج ملیون نفوس آن در پاکستان و دیگر ممالک جهان آواره شده اند - جهاد ملت مسلمان علیه وطن فروشان بشدت جریان دارد مردم ، چه در داخل وطن باشند و چه در خارج وطن در مهاجرت ، در فکر استخلاص وطن از تسلط روس و دست نشانده هایشان هستند، جهاد مقدس شان در ذقاییق ، ساعات ، و ایام ، جریان دارد - اعضای مجلس از کجا جمع آوری میشوند و کدام مردم اند که جرگه را تشکیل میدهند . لابد همانهاییکه دست بدست روسها داده و بقتل عام مردم وطن چپاول و تاراج خانه‌ها بمباردمان و انهدام شهرها ، قصبات و دهات وطن می پردازند .

لذا نمی توان این مجلس را بنام ملت افغانستان جرگه یا مجلس ملی خواند بلکه یک گرد هم آئی اجباری، ساخته گی و فاقد ارزش ملی میباشد .

اینک اسمای همان کسانیکه نامها و چهره‌های اکثر شان برای هموطنان عزیز ما آشنا میباشد و بنام کمیسیون عالی کنگرهٔ موسس جبههٔ ملی پدر وطن جمهوری دموکراتیک افغانستان ذکر شده است در ذیل درج میگردد :

- ۱- ببرک کارمل
- ۲- اسدالله حبیب
- ۳- انا هیتا راتب زاد
- ۴- ماها قلیچ - رئیس سازمان وطن پرستان بلخ
- ۵- برهان غیاثی
- ۶- حمیرا
- ۷- حمید کارگر
- ۸- رحیم اند خوئی
- ۹- سلطان علی کشتمند
- ۱۰- سید امان صبری از خوست پکتیا
- ۱۱- سید کریم مهنند از گوشته
- ۱۲- سعید افغانی عضو شورای مرکزی اتحادیهٔ نویسندگان (شخصیکه از کمونست شدن لذتی نبرد چند پسرش کشته شدند و خودش نیز با احساس نفرت و انزجار مردم بیچاره وار و خجالت زده در الفعال روحی فوت شد)
- ۱۳- سالم علمی - عضو ریاست شئون اسلامی
- ۱۴- سید عباس مسعود
- ۱۵- صالح زیری
- ۱۶- صالحه فاروق اعتمادی
- ۱۷- عبدالرحیم هانف از قندهار (پسان ها رئیس جبههٔ پدر وطن و رئیس جرگه سال ۱۴۶۴)
- ۱۸- عبدالرشید آرین
- ۱۹- عیدالستار پردلی
- ۲۰- عایشه امیر رئیس انجمن خانواده و عضو کمیتهٔ مرکزی
- ۲۱- عبدالحی حبیبی مشاور وزارت اطلاعات و کتور و عضو هیات رئیسه

## شورای مرکزی نویسندگان شعرای جمهوری دموکراتیک افغانستان

- ۲۲- علی محمد زهما  
 ۲۳- عمر حلیم بیات  
 ۲۴- عبدالودود شاروال فیض آباد  
 ۲۵- عبدالرؤف بینوا  
 ۲۶- عبدالرحمن بلوچ  
 ۲۷- عبدالحکیم حقانی  
 ۲۸- عبدالواحد سرابی مشاور وزارت تحصیلات عالی و مسلکی  
 ۲۹- عطا محمد نماینده کورپراتیف های زراعتی  
 ۳- عبدالغفار لکن وال  
 ۳۱- غلام علی امید عضو شورای مرکزی هنرمندان  
 ۳۲- فرید مزدک  
 ۳۳- فتح محمد فرقه مشر (اخیرا از طرف مجاهدین بقتل رسید.)  
 ۳۴- محمود حبیبی والی کابل عضو شورای عالی اتحادیه نویسندگان  
 ۳۵- مهر چند  
 ۳۶- موسی و یش از نورستان  
 ۳۷- محمد دین ژواک  
 ۳۸- میر محمد صدیق فرهنگ  
 ۳۹- مجاور احمد زیار  
 ۴۰- نجیب الله عضو کمیته مرکزی (رئس خاد بعد ها رئیس جمهور)  
 ۴۱- نور احمد نور  
 ۴۲- نجم الدین کویانی  
 ۴۳- واصف با ختری  
 اشخاص فوق بنام کنگره موسس یاد شده اند

این گروه هم آبی را نمیتوان جرگه گفت و نه این جریان ب مردم افغانستان ارتباط دارد. بلکه همان عده خائنان و وطن فروشان که وطن ما را به روس داده اند تا چند روزی در کرسی قدرت نشسته و بعد با خجالت و شرم ساری بد یار عدم رهسپار می شوند. گاه بنام مجلس و گاهی بنام جرگه و غیره اشخاص

مورد نظر را جمع کرده چند روزی گلو پاره میکنند و صفحات جراید را بر میکنند. این مجالس در ردیف جرگه های تاریخی و ملی افغانستان قطعاً محسوب نمی گردد و نه به آنها نام جرگه اتلاق می شود.

در مورد تعداد شاملین این جرگه هم شک موجود است اصلاً تعداد نفر قرار گرفته بعضی اشخاص که با کار گردانان در تماس بودند شاید مناصف آنچه که ذکر شده است باشد، و ۹۴ نفر اصلاً نبوده است

### جرگه نام نهاد کمونستی سال ۱۳۶۲ هـ کابل تحت تسلط روسها

طوریکه در مورد جرگه نام نهاد غیر ملی و غیر مردمی سال ۱۳۶۰ یا جنبه پدر وطن تفصیلات لازم داده شد از تدویر جرگه مذکور ۴ سال گذشت. خواب های کمونست ها در مورد قلع و قمع مجاهدین راه حق که کمونست ها ضد انقلاب می گویند درست تعبیر نشد و مبارزه شان با ضد انقلاب که در هر جرگه به شد و مد یاد میکنند بجائی نرسید. شدت حملات و موفقیت های مجاهدین روز افزون شد. حملات چریک های مجاهد در شهر کابل شدت یافت. در ماه اسد ۱۳۶۳ در میدان هوایی کابل یک عده پرچی ها که عازم ماسکوبودند توسط انفجار بمب تعداد زیاد شان کشته شد. در ماه سنبله ۱۳۶۳ بمركز فرهنگی روس در دهمزنگ کابل با فیر راکت از فاصله دور حمله شد. تلفات داخل مركز فرهنگی بجز جسد پنج نفر که داخلی بودند دیگران مخفی نگاهداشته شد. اما در اثر همان فیر راکت ها که از فاصله دور صورت گرفت در رستوران بریکوت مجاور مركز فرهنگی یک جنرال روس با ۱۸ (۱) نفر کمونستها که مشغول شراب نوشی بودند ازین برده شدند. اجسادیکه از آنجا بیرون برده شد اکثر مردم در دهمزنگ بچشم دیدند و خرابی رستوران مدت ها مشهور بود. حملات بر مراکز روس ها دوامدار بود.

کمونستها در بیانات شان همیشه تکرار میکنند که امسال ضد انقلاب

---

۱- مدیر رستوران با پسرش در جمله کشت شدگان بودند. یک شاهد عینی که شهرت او مصلحتاً نزد محافظ است و از همکاران نزدیک جنرال روسی بوده، نعلش او را بچشم خود دیده بود، رفتن مذکور را در همان ساعات اول شب بدعوت مدیر رستوران بیان کرد.



از بین برده می شود ولی مجاهدین ، این مدافعین شرف ، دین و ناموس وطن که کمونستها ایشان را ضد انقلاب خطاب میکنند روز بروز مصمم تر موفق تر و آزموده تر به جهاد شان علیه ملحدان ادامه میدهند .

حکومت دست نشانده روس در کابل که به دروغ وریا اتکا دارد بار دیگر خواست چند نفر را جمع کند و نام آنز جرگه گذاشته در رادیو تلویزیون و جراید تا بتوانند به نشر اکاذب پردازند. گویا باین نوع تظاهرات میخواهند به منابع خارجی نشان بدهند که یک عده مردم درین جرگه ها اشتراک و بطرفداری آنها فیصله صادر میکنند. در حالیکه مردم افغانستان ماهیت و خاصیت این جرگه های کمونستی و نام نهاد را میدانند و حین تدویر جرگه های مذکور به تمسخر و استهزا ازان یاد میکنند.

نوع انتخاب نمایندگان در جرگه های نام نهاد کمونست ها به اندازه مضحک و رسوا است که حتی مردم عادی با وصف مصروفیت درکار های روزانه شان که بچنین مسایل چندان علاقه نمی گیرند می توانند ماهیت تقلبی و غیر مردمی جرگه ها و نمایندگان آنها درک کنند. اینک چگونگی انتخاب یا انتصاب نمایندگان در جرگه سال ۱۳۶۴ کابل بطور اختصار تحریر میشود.

در ماه حمل ۱۳۶۴ یک نفر از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست بمرکز هر ولایت وارد گردیده از هر ولسوالی ۳ یا ۴ نفر را که خصوصیت های شان قبلا به شعبات خاد هر ولس والی تحت تسلط حکومت تشیت شده بود بذریعه هیلو کوپتر بمرکز هر ولایت خواستند از میان آنها یک یا دو نفر را که عضو اتحادیه دهقانان یا اتحادیه صنفی ها وغیره بوده و توسط جبهه پدر وطن معرفی و سجل شده بودند تعیین نموده بعد در حالیکه این اشخاص از همان دقایق اول در مرکز ولایت نظر بند نگاه داشته شده بودند . به ولس والی هدایت داده میشد تا از آنجا وثیقه رضا نامه بنام شان ارسال کنند. چند نفر حزبی نزد قاضی کمونست رفته و بعد یک تعداد اسمای دیگر را از کتاب احصائیه داخل وثیقه کرده رضا نامه تکمیل و به ذریعه هلو کوپتر (از ترس حملات مجاهدین خطوط ارتباط زمینی منظم نمیشد) بمرکز ولایت ارسال می شود .

یک تعداد ازین انتصاب شدگان اصلا در مراکز ولایات یا کابل بوده

هتایق بر ایشان از محل مربوط خود شان یا محل دیگر که اصلاً در آنجا آنها را کسی نمی‌شناسد در غیاب شان ترتیب داده شده بود.

بعضی اشخاص سرشناس و کلای سابق در روزهای جریان جرگه پنهان شدند. برای یکنفر وکیل دیگر که اسمش مصلحتاً ذکر نمی‌شود از محل سکونت اصلی او وثیقه حاضر کردند موصوف سه روز خود را از نظر اشخاص موظف پنهان کرد و در خانه گفت بگوئید در کابل نیست بیرون رفته است. روز چهارم اشخاص موظف او را پیدا کردند و موضوع را با او در میان گذاشته و او بصراحت و جرأت تمام گفت ((من نه وطن رفته ام و نه کسی بمن رضا نامه داده است در جرگه اشتراک کرده نمیتوانم)). موظفین که والی منطقه و چند نفر مامور بودند مرخص شدند وکیل موصوف بعد ازین مذاکره باز خود را پنهان کرد.

برای بعضی اشخاص از دو جا وثیقه حاضر کرده شد شخص مورد نظر چون مامور دولت بود گفت اگرچه مردم هیچ یک ازین دو محل سراندریده اند ولی ازین دو وثیقه همان را که از وطن خود ترتیب شده ترجیح میدهم.

اینک یک مثال دلچسپ دیگر هم بفرض آگاهی خوانندگان تقدیم میکنم:

در بهارک بدخشان چند دقیقه قبل یک هیلی کوپتر در نزدیکی مکتب آنجا بزمین نشست و چند نفر از رتشینان آن راساً بمکتب رفته یک چپراسی (ملازم مکتب) را (که شاید قبلاً از طرف کدام جبهه پدر وطن یا خساد در غیابش نامزد شده باشد) صدا کردند او پیش آمد و بجانب هیلی کوپتر رهنمائی شد. پیچاره چپراسی که از هیچ چیز اطلاع ندارد فکر میکند که او را به محبس انتقال میدهند یا میکشند شروع به داد و فریاد میکند ((از برای خدا گناه ندارم خدا خانه شیطان را خراب کند بچه هایم صغیر (یتیم) میشوند (صغیر در اصطلاح آنجا بکس گفته میشود که پدرها درش یا هر دو فوت شده باشد) بیگناه هستم چه کرده ام)).

هر چه برایش گفته می‌شود خیر است برایت فایده دارد، تونمی فهمی، به لوی جرگه بروی در فیض آباد همه چیز را می‌فهمی، ترا عزت میدهند. ولی بیچاره باور نمی‌کند، و همچنان داد و فریاد می‌کند یکی ازان اشخاص با تا کید و اصرار زیاد او را به هیلی کوپتر رهنمائی می‌کند.

یکی از مشاورین روس که او هم بغرض رفتن به فیض آباد در همان هیلی کوپتر بوده یا آنجا وظیفه دیگر داشته از مامور پولیس موظف باشاره به چپراسی میرسد او را چه شد؟<sup>۴۵</sup> افسر پولیس میگوید او را می خواهند بحيث وکیل درلوی جرگه کابل ببرند نمی فهمد گمان می کند او را به محبس میبرند یا میکشند)).

چون هر کسی را که در هیلی کوپتر، جیپ یا تانک و یا دیگر وسائط ثقلیه حکومتی برده اند دیگر اثری از او معلوم نشده است این چپراسی بیچاره فکر میکند که بهمان سر نوشت مواجه خواهد گردید. زیرا قتل عام منصور ها شمی که خود یک بدخشی است در بدخشان شهرت زیاد دارد.

ملازم مکتب وقتیکه نزد والی برده میشود به بر خورد مشفقانه والی رو برو میشود و چیزی برایش سفر خرچ هم میدهند گرچه از زندگی خود و یتیم نشدن اطفالش مطمئن میشود ولی باز هم همین قدر میگوید، صاحب مه بیچاره ناخوان را به جرگه چه بود. او با دیگران که قبلاً آماده شده بودند پذیرفته طیاره بکابل اعزام میشود و یتیمه ای که قبلاً آماده شده بود بمرجع آن یعنی کمیسیون موظف اعتبار نامه های جرگه تسلیم داده میشود که خود وکیل آنرا به چشم خود نمی بیند.

اینست جرگه و نماینده جرگه که حکومت کابل هفته ها از رادیو تلویزیون کابل گلوپاره میکرد و به جرگه مذکور مباحثات مینمود.

بعد از آغاز کار جرگه وطی مراحل معمول نمایندگان ساختگی که از قبل آماده ساخته شده بودند بعضاً بیائیه های آماده شده را به ترتیبیکه برایشان دستور داده شده بود حسب تعامل خواندند و تصویب هائیکه از قبل آماده شده بود در رادیو و جراید اعلان شد.

اگر کدام قطعنامه صادر شود تعامل آن در مجالس کمیونستها چنین است: رئیس مجلس صدا میگردد یک کمیسیون برای تریب تنظیم قطعنامه تعیین شده است که عبارتند از . . . . (نا مهای اشخاص) اکنون رای گیری میشود، کسانی که باعضای کمیسیون موافق اند لطفاً دست بالا کنند همه دست بالا میکنند. مخالف؟ کسی نیست مستکف؟ کسی نیست، بعد صدا میکند کمیسیون به اتفاق آراء تعیین و تصویب شد - کمیسیون نامهای آنها

خودش اعلان کرده بود بعد چند دقیقه اعضای کمیسیون از تالار ناپدید  
 میشود (گویا برای تسوید قطعنامه میروند) بار دیگر در فاصله ده دقیقه یا  
 کمتر بمجلس حاضر میشوند. درین وقت رئیس جرگه اعلان میکند که قطعنامه  
 آماده است در حالیکه قطعنامه مذکور چندین روز پیشتر آماده شده بود. قطعنامه  
 فرائت میشود، و باز همان تعامل رای گیری میشود که رئیس صدا میکند  
 هرکس به قطعنامه موافق است دست بالا کند. در حالیکه خود رئیس دست  
 خود را قبلا بالا کرده است همه دست بالا میکنند. مخالف؟ کسی نیست.  
 مستکف؟ کسی نیست. صدامیکند قطعنامه به اتفاق آراء تصویب شد.  
 بعد این قطعنامه های غیر دلچسپ در رادیو، تلویزیون و جراید مسلسل نشر  
 میگردد. برای اینکه بدانیم رسوائی حکومت دست نشانده روس و جرگه  
 تشکیل دادن و غیره صحنه سازیهای شان بسویه بین المللی چه نوع انعکاس کرده  
 است قسمتهائی از راپور نماینده کمیسیون حقوق بشر ملل متحد را مطالعه  
 میکنیم:

نمایندگان کمیسیون حقوق بشر (۱) ملل متحد دکتر ایرما کورا  
 (Dr. Ermacora) که در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴ ه ش) از افغانستان دیدن  
 کرده میثوسد (از سال ۱۹۷۹ باینطرف وضع حقوق انسانی در داخل مملکت پا  
 معیار های حقوق بشر از لحاظ بین المللی بکلی منافات دارد ولوی جرگه ایکه  
 در اپریل سال ۱۹۸۵ (سوم ثور ۱۳۶۴) در کابل دائر شد نماینده تمام نیرو  
 های سیاسی در مملکت نمود موصوف گفت بدون شک نمایندگان مهاجرین درین  
 جرگه اشتراک نداشتند (مطلب نماینده کمیسیون حقوق بشر، اینست که جای  
 مهاجرین که تعداد شان بیش از پنج میلیون نفر میشود - در مملکت و جریانات  
 سیاسی خالی است و جرگه بی وجود اینقدر جمعیت بزرگ نمیتواند جرگه باشند.  
 نویسنده .)

دکتر ایرما کورا در ضمن بازرسی اش به جرگه مذکور و پرو سیژر  
 تشکیل آن که توسط حکومت انجام گردیده گفت ((اهمیت لوی جرگه ایکه در  
 اپریل سال ۱۹۸۵ سوم ثور ۱۳۶۴ ش) دائر شد خوبتر وقتی درک شده

میتواند که با تاریخ اجتماعات سیاسی و قانونی افغانستان مراجعه شود .))

((آخرین لوی جرگه در سال ۱۹۶۴ (۱۳۴۳ ه. ش) دائر شده بود تا قانون اساسی جدید را تصویب کند آن لوی جرگه مرکب از ۵۵ نفر اعضا بود که ۱۷۶ اعضای انتخاب شده و ۱۷۶ نفر اعضای شورای ملی ، ۳۴ نفر اعضای انتصابی از طرف پادشاه ، ۱۹ نفر اعضای مجلس اعیان (که بذات خود اعضای انتصابی بودند) ، ۱۴ نفر اعضای کابینه ، ۵ نفر از ستره محکمه ، ۷ نفر اعضای کمیسیون تسوید قانون اساسی ، ۲۴ نفر اعضای کمیسیون مشورتی تسوید قانون اساسی بودند .

این جرگه را میتوان گفت جرگه است که بحیث یک مجمع تصمیم گیرنده و دارای اراده آزاد و مستقل در ابراز نظر و تصویب هایش بوده و ممتاز از اجراءات عادی دیگر و میرا از تصویب و صحنه گذاریهای قبلا آماده شده بود .)) (یعنی جرگه آنچه خودش خواست بحث کرد و تصمیم گرفت و تصویب نمود . نویسنده) .

داکتر ایرما کورا مینویسد ((ناظرین یکی/شبه دارند که نمایندگان جرگه ۱۹۸۵ م سال ۱۳۶۴ ش کابل نمایندگان مردم باشند یک تعداد اشخاص برایش گفتند که اعضای این جرگه انتصابی و بذریعه اعضای پارٹی (کمونستها . نویسنده) آمده بودند نه از طریق مردم . یعنی مردم در انتخاب اعضای جرگه هیچ سهم نداشتند .

او گفت منابع مطلع اظهار میدارند که درین جرگه ۱۷۶ نفر اعضای انتخابی (معرفی شده از طرف حزب . ن) ۲۴۷ نفر اعضای قبایل مختلف ۳۸ نفر اعضای قوای مسلح و ۱۱ نفر روحانی (یا روحانی نما . ن) شامل بودند جمله ۴۷۲ نفر . نماینده کمیسیون حقوق بشر مگوید مطابق اظهارات شواهد عینی اعضای جرگه مذکور همه دست بین و چشم بین حکومت بوده مشکل است بتوان گفت که این جرگه نمایندگان مردم افغانستان بوده اند یعنی نماینده مردم افغانستان نبودند .

بر علاوه در قریه جات و اطراف مملکت که معمولا اجتماع صورت میگردد و مردم نمایندگان خود را انتخاب میکنند ، اگر اجتماع مردم نا ممکن نباشد لاقلا خیلی مشکل میباشد (بعلت حملات مجاهدین وهم بیه سبب مهاجرت

قسمت زیاد مردم از جاهای سکونی شان اجتماع شان صورت گرفته نمیتواند . ن)

اطلاعات موثق حاکی است که اشخاص به جبر آورده شدند که نمایندگی مردم را تمثیل دهند (این نظریه نمایندگی کمیسیون حقوق بشر حقیقت دارد چنانچه در مورد چیراسی مکتب بهارک ذکر گردیده است . ن)

دکتر ایرما کورا مینویسد ((مطالب فوق با آنچه که حکومت افغانستان در باره جرگه اعلان کرد مباینت زیاد دارد . حکومت افغانستان گفت ۱۷۹۶ نفر نماینده در جرگه سهم گرفته بودند آنچه که حکومت گفته از یاد داشت فوق نماینده کمیسیون حقوق بشر و نیز معلومات و مشاهدات اشخاص وارد که تمام اعضای جرگه (۴۷۲) نفر بود از حقیقت مغایرت کمی دارد . همچنان بیان حکومت حاکی بدین است که تدویر این جرگه عالی نمایانگر و انعکاس دهنده اتحاد کامل مردم افغانستان و مبین اراده آنان در جهت تعیین سرنوشت آینده ایشان است .

چگونه جرگه ایرا که نمایندگان اکثریت مردم دران حضور نداشته باشند انعکاس دهنده وحدت کامل مردم میتوان شمرد و چگونه میتوان جرگه ایرا که شرکت کنندگان آن جبراً دران فرا خوانده شده اند دیموکراتیک شمرد ؟

حقیقت اینست که جرگه محض یک فارمولیتی و یک نمایش شرم آور بود که تصویب سیاستهای بیگانه و غیر ملی و غیر مانوس که از طرف یک حکومت ستم گر، ظالم و وحشی صفت که از طرف روسهای تجاوز گر پشتیبانی میشود بمردم تحمیل شده بود .

اگر کسی به جرگه سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴ - سوم ثور) نظر اندازد دران نه تنهاییات حکومت را در تبعیض علیه مخالفین با عدم شمولیت نمایندگان شان در جرگه مشاهده میکنند بلکه نیت سؤ حکومت را در منحرف کردن موسسات مملکت در انجام دادن فعالیتهای شان نیز مشاهده مینمائید . را پور نماینده کمیسیون حقوق بشر (۱) خیلی مفصل و دقیق است که همه از فجائع و رسوائیهای

۱ - بغرض معلومات مزید بشماره دوم سال اول فروری ۱۹۸۶ مجله انگلیسی زبان مجاهدین از صفحه ۱۶ به بعد مراجعه شود .

نظام کم‌رنسی در افغانستان، ظلم، بربریت، تغییر و برگرداندن محاکم از یک قدرت مدافع حقوق مردم بیک دستگاه پیشبرد سیاست سرکوب کننده حکومت دست نشاندۀ روس و غیره و غیره دلالت میکند، تنه‌ای ترجمه آن قسمت ازین نشریه که به جرگه نام نهاد سال ۱۳۶۴ کابل ارتباط داشت اکتفا میکنم.

خلاصه نمایندگان در کابل حاضر شدند در پولی تخنیک کابل بر ایشان جا تهیه گردید برای اینکه شاملین جرگه را خیلی زیاد نشان بدهند در حدود یکصد و پنجاه عراده بس ۳۰۲ از بسهای شهری در میدان مقابل پولی تخنیک متوقف ساخته شده بود قبل از آغاز جرگه گاه گاهی فعالیتهای موظفین ترافیک زیاد میشد جاده‌ها مسدود و سرکهای فرعی را افراد مسلح اشغال کرده بودند.

تمام سرکهای عمومی و فرعی مشرف با پولی تخنیک شدیداً تحت مراقبت بود در قسمت جنوب پولی تخنیک حصص مختلف خوشحال مینه مقابل کارته مامورین تمام منطقه کارته مامورین بذریعۀ افراد مساح اشغال شده بود در قسمت شمالی سرک باغ بالا و افشار کسی اجازه تردد نداشت. مردم مجبور بودند از راه‌های دیگر عبور و مرور نمایند. جاده عمومی بطرف افشار مسدود بود تردد عراده جات از سرکهای فرعی خوشحال خان مینه صورت میگرفت.

با وصف سعی حکومت در گردآوری یک تعداد نفر باین جرگه مسخره و ساختگی باز هم بعلت عدم دسترسی حکومت به مناطقی که تحت تأثیر مجاهدین بود تعداد نفر مورد نظر حکومت در جرگه کافی نبود لذا جای آنها را از دوکانداران شهر کابل، علافان اطراف و چوب فروشان پر کردند.

گاه گاهی که نمایندگان را بغرض دیدن بعض جاها می بردند در بس‌های بسته در هر بسی که ظرفیت ۶-۷ نفر را داشت ۸ نفر و ۹ نفر می نشست و باین ترتیب تعداد بس‌ها و نفر در نظر مردم زیاد نشان داده میشد تا برای جرگه از روی تعداد نفر اهمیت قابل شوند.

نمایندگان اگر جاهایشان در کابل بود یا از اطراف آمده بودند در پولی تخنیک قسم نظر بند بودند در مدت جریان جرگه بیرون برآمده نمیتوانستند. کسانی که در شهر کابل خانه داشتند و سایل مسافرت مثل روپاک، لباسهای قالدو، برس و کریم دندان و غیره در جای شب باش جرگه با خود برده بودند



و آنهائیکه در فکر اشیای مذکور نبودند از طرف جرگه برایشان تهیه شده بود تا بیرون نروند .

یکی از نمایندگان که به اکراه در جرگه آورده شده بود شخص ظریف و مدتی هم در پل چرخی محبوس بود گفت ((ما بندی بودیم ولی نه مانند پل چرخی اینجا جمعیت زیاد در یک اطاق جمع میشدیم و جاهای خواب مستریح داشتیم و خیلی معزز بودیم حتی تغاره های نصابور دهن بسته های متوع سگرت وغیره تسهیلات آماده بود . تنها اینقدر بود که در اطراف علمامورین خداد پراکنده بودند . اگر در وقفه های بین نان خوری با کدام نفر آشنا بعد از سلام علیک میخواستیم حرفی بزنیم نفر موظف خاد فوراً بنام اینکه ((صاحب چه امر است)) خود را در میان احوال پرسشی عادی ما داخل میکرد . ما روز های طولانی نشسته بودیم و خواسته و نخواستہ به گفتار های بیمعنی نطاقان کف میزدیم و یک تعداد دیگر به ایراد بیانیہ های غیر دلچسب که تکرار همان کلمات و اصطلاحات شنیدگی در طول شش سال بود ادامه میداد)) . باین ترتیب جرگه پایان یافت . درین جرگه تعداد نفر را ۱۷۹۹ نفر نشان دادند ولی قرار اظهار شواهد عینی و هم قرار راپور موثق نمایندہ حقوق بشر سازمان ملل متحد تعداد مشمواين این جرگه ۴۷۲ نفر بود .

در جرگه نام نهاد سال ۱۳۶۴ ببرک کارمل همان حرفها و کلماتیکه در طول ۶ سال گفته بود تکرار کرد و ضمن سپاسگذاری از روس گفت ((تاوقتیکه تجاوز خارجی از افغانستان قطع نشود قطعات محدود عساکر شوروی در افغانستان خواهد بود .))

او جهاد مقدس فرزندان حقیقی مملکت را تجاوز خارجی مینامد و اشغال روس را تأئد میکند . قوائیکه ببرک و دارو دستہ او را یاخود آورده بقدرت رسانده بودند .

درین جرگه نطاقان همان حرفها و کلمات مکرر چندین ساله را تکرار کردند و برای اینکه مقام امامت مستجد و خطابت را حقیر نشان بدهند بعضی اسامان و ملائعام های بی وجدان را هم در جرگه موظف به ایراد بیانیہ کرده بودند . مانند مولوی صادق خطیب مسجد پل خمیری و شیخ عظیم الدین حدی از ولایت بامیان وغیره .



صلا تشکیل این جرگه نه تنها برای کدام ضرورت و هدف ملی و مملکتی صورت نگرفته بود بلکه علیه منافع مملکت و تکرار بیان جنایتها و خیانتهای کمونستهای آله دست روسها دائر شد .

چون کمونستهای کابل از آزادی عمل و قدرت دولتی محروم اند و باید هر حرکت شان تحت مراقبت جدی روسها قرار داشته باشد، یک تعداد مشاورین روس یعنی جاسوسان کے - جی - بی (K.G.B) هم در جرگه حضور داشته حرکات شاملین جرگه بشمول ببرک کارمل و دیگر اراکین دارو دسته اورا تحت نظر داشتند ما همیت این جرگه را از اعلامیه و قطعنامه شان بخوبی میتوان قضاوت کرد .

در گذارشات جرگه در رادیو و تلویزیون گفته شده که ((در این جرگه ۱۷۹۶ نفر (تعداد واقعی دهرسطور بالا توضیح داده شده است) از تمام اقشار و طبقات مردم شرکت داشتند .))

در مورد اعضای این جرگه ذکر تمام طبقات و اقشار مورد ندارد، زیرا اعضای جرگه که اکثراً از طرف شعبات خاد معرفی شده بودند مربوط به جبهه (نام نهاد) ملی پدر وطن بودند که خود نمایندگی خاد را تمثیل میکند .

یک تعداد کمی که محض پر کردن چوکیها به تالار آورده شده بودند (طوریکه گفتار یکی از آنها قبلا ذکر شد) محض نشسته و در مقابل نطق های تکرار و غیر داجسپ آنها کف میزدند و یا خاموش در چرت کاروبار و غریبی خود فرو رفته بودند .

بعض دیگر بلوکمشرها و تولیمشرهای متقاعد بی معلومات و عزت نا دیده بودند که وقتیکه در جرگه آورده شدند سر از پا نشاخسته فکر میکردند همه نعمتهای جهان نصیب شان گردیده است .

پس اینکه نمایندگان تمام اقشار و طبقات گفته میشود محض یک د و غ و ادعای شرم آور است که در سطور گذشته تفصیل داده شده است .  
شده بود که :

لادر جرگه خواست و اراده مردم بخاطر آزادی، حاکمیت ملی، ترقی، ارضی، ترقی ملی و اجتماعی تقویت قدرت دفاعی کشور حفظ بیطرفی وعدم به بلا کهای نظامی تجاوز گر، تحکیم دوستی با کشور های همسایه

روسیه . ن) دفاع و پشتیبانی از حق سر نوشت پشتونها گسترش مناسبات افغان شوروی تا کید و انعکاس یافته بود . (۱۰)

همچنان درین جرگه از تا\* مین صلح امنیت، آرامش نظم قطع خون ریزی افغان توسط افغان در کشور و نابودی نهائی ضد انقلاب ، ایجاد شرایط کار صلح آمیز و تا\* مین صلح سر تاسری وطن، وحدت و یک پارچگی تمام ملیت ها و اقوام و قبایل علیه باند های ضد انقلاب حرف زده شده است .

خواننده عزیز ! کلمات جملات و عباراتی که در پهلوی هم ریخته شده اند در ملاحظیات گذشت اگر در مورد هر جمله و عبارتی که این ریاکاران ، وطن فروشان و خائنان اظهار کرده اند تبصره شود مثنوی هفتاد جمله بوجود خواهد آمد . اینک کفایت در بطلان ادعای آنها مختصراً تذکر داده شود .

وطن ما علی الرغم حواست و اراده مردم ما از طرف روسها و غداران نوکر روس اشغال گردید ، استقلال و حاکمیت ملی پامال شد ، تمامیت ارضی بازی دست چند نفر وطن فروش شد . (۱)

جای ترق ملی و اجتماعی را بمباردمانها، حریق ها، قتل ، غامها ، ویرانهای دهات، قصبات و شهرها، خرابی سیستم های آبیاری مملکت ، لم یزرع ماندن اراضی حاصل خیز زراعتی ، آوارگی بیش از پنجاه لک نفوس افغانستان گرفت .

بجای بیطرفی و عدم پیوستن به بلاک های نظامی تجاوز گر ، قوای تجاوز گر روس و پیمان ورشو (۱) در پیش چشم جهانیان مملکت را اشغال کرد که قتل و تاراج در سر تاسر مملکت جریان دارد .

تحکیم دوستی با کشور های همسایه یعنی تنها و تنها روسها زیرا حکومت کمونست کابل ، سه مملکت همسایه دیگر (پاکستان ایران و چین) را دشمن میدانند و در تباہیات سو\* شان عایه این سه کشور کوتاهی نمی ورزند .

حق تعیین سر نوشت پشتونها که وکالت دفاع آنرا کمونستهای افغانستان بدمه گرفته اند و باز گویا یک موضوع ریاکارانه و کهنه و فراموش شده را دامن

۱ - از جمله عساکر روسی که به کشتار هموطنان ما میپردازند افراد کیوبانی اتوپایی ، چکی، پولیندی وغیره دیده شده اند که بر علاوه مغایرات ساختمان فزیکیشان از روسها تعداد زیاد شان بدست مجاهدین کشته و زخمی شده اند . یکی از جنگ ها در شهر هرات به جنگ با کیوبانی ها شهرت دارد .

میزند . تعیین سر نوشت چه ؟ . برادران پشتون پاکستانی در پاکستان وطن شان دارای همه حقوق و امتیازات انسانی که برای انسانهای آزاد مرفعه و صاحب وطن میسر میباشد هستند . پس جای برای این دایه های از مادر مهربان تریقی نمیماند . سیاست روسها نیز در همین موضوع رسوا و برملا شده است .

### گسترش دوستی افغان شوروی : اینرا باید گسترش دوستی پرچم

شوروی گفت زیرا مردم افغانستان دیگر شوروی و دوستی او را امتحان کرده اند از ده سال باین طرف مردم ما با این قوه وحشی ، بی فرهنگ ، غدار و خائن به جامعه بشری شرافتدانه و آبرو مندانه در جهاد و نبرد سرنوشت ساز می باشند .

### تأمین صلح و امنیت : از عرصه ده سال باین طرف مملکت و مردم

ما در آتش بیداد روسها و حکومت دست نشانده آن میسوزد . قیود شب گردی بغرض فرصت یافتن کمونستها در تلاشها و تاراج خانه های مردم هنوز نافذ است . در خانه ای نیست که چندین نفر کشته نشده باشد . نظم و آرامش به عقیده کمونستها البته چیز دیگری خواهد بود . در شبهای خنک و دراز زمستان کابل و شهرهای دیگر مردم به سبب وضع قیود شب گردی در خانه های شان بحالت حسرت بار و ستمزده خواب یا بیدار می باشند . میر غضب ها ، جلادان و چپاول گران بنام تلاشی در خانه های مردم بدون دق الباب داخل میشوند و هر چه دار و نداریکه بر ایشان مانده تاراج میکنند . حیثیت و آبروی کس مد نظر گرفته نمیشود . ایست نظم و آرامش !!!

قطع خون ریزی افغان بدست افغان دهم از شعارهای این جرگه شرم آور بود ولی روز بروز قتل و غارت، ویرانی و انهدام دهات ، شهر ها، مزارع و کشت زارها ، اتلاف مواشی و دیگر دارائیهای مردم بدست آدم کشان کمونیست و روسهای مددگار آنها صورت میگیرد . اینست قطع خون ریزی !!! نابودی نهائی ضد انقلاب ، باز هم باید گفت حکومت کابل نیروی آبرومند و مایه امیدواری ملت افغانستان یعنی مجاهدین راضد انقلاب میگوید وضد انقلاب وطن فروشی انقلاب نام میگذارد . و ای باین انقلاب و خوشا باین نابودی نهائی ضد انقلاب !!! عجب نابودی در ظرف ده سال قدرت کوینده و موفقیت های مجاهدین روز افرون شده زبونی رژیم تحت حمایت روس برای جهان و جهانیان بر ملا میگردد . خلاصه آنچه لاف میزنند و گلو پاره میکنند همه باطل

وی ارزش و جنون و دیوانگی است. و عوض نابودی آنچه که کمونست ها ضد انقلاب میگویند خود شان یکی پی دیگر از صحنه خارج و بحالت نهایت انفال و شرمندگی نابود میگردند از داؤد گرفته تا تره کی حفیظ و ببرک و غیره.

ازین جرگه نام نهاد و دروغین که ۷ سال و چند ماه میگذرد نه خون ریزی قطع گردیده و نه کدام شگوفانی نصیب مردم شده است بلکه طوریکه پیشین بنی شده بود بجز خرابی و قتل و کشتار چیز دیگر بار نیآورده است.

بیش از ۸۵ فیصد ساحات مملکت در تصرف مجاهدین قرار دارد. حکومت کمونست کابل در مضیقه قرار دارد.

شطر ننج بازان کرمیلین چهره دیگری را معرفی نموده اند که اسمش نجیب الله مشهور به گاو که تازه به صحنه آورده شده به عادت گذشتگان کمونست خود به نطق و بیان پرداخته گاهی گروهی را ارشد میگوید و گروه دیگری به اتحاد و همستگی دعوت میکنند. خواب هائیکه گذشتگان با قدرت تر از او دیده بودند و تعبیر نشده بود او میخواهد آنها را تعبیر کند.

مردم افغانستان برای نجات وطن، آزادی، دین و ناموس شان برضد نجیب خان و دار و دسته اش جنگ میکنند. جهان روسیه را تقبیح میکند، از تمام ممالک جهان صدای روس از افغانستان خارج شود بلند است. مردم افغانستان سالیان متمادی با هم زیسته و در موارد حساس متحداً و متنقماً در دفاع شرف و ناموس شان در مقابل دشمنان وطن و تجاوز گران قیام کرده اند وطن و شرف و حیثیت ملی شان را حفظ کرده اند. امروز مجاهدین در هر گوشه و کنار مملکت با وحدت کامل دشمن شناخته شده را میکوبند و در جهاد در راه دین و وطن با کمال شهامت مشغولند.

دیگر طبقه بندی و قشر تراشی اقوام و قبایل گفتن ها کهنه و فرسوده شده است مردم افغانستان چیزیکه میخواهند وطن آزاد، دیانت اسلام و ترمیم جراحات وارده بر پیکر وطن عزیز از نفوذ روس ها و کمونست ها است. آنچه را که مردم ما نمیخواهند از آن نفرت دارند وجود نجیب ها و کارمل ها و امثال آنها می باشد. پس هر قدر نجیب و دیگران اتحاد هم بستگی و یک

پار چکی بگویند و هر کس را ارشد و غیر ارشد بگویند مردم دیگر فریب نمیخورد و دروغ و ریاکاری و خیانت های کمونست ها آشکار گردیده است. حکومت کمونست کابل مخصوصاً نجیب خان هنوز هم در پی آنست که مردم را بتواند فریب بدهد. گاهی چند نفر منسوب به یک قوم و گاهی منسوبین قوم دیگر را ملاقات و دروغ های قبلاً طرح شده را تحویل آنها میدهد. در حقیقت این حکومت کمونست کابل است که اقوام و قبایل و گروهها و ملیت ها به سبک روسیه برای تضعیف ملت درست میکنند ورنه مردم ما سالیان دراز در پهلوی هم زندگی کرده اند و باز هم با هم در وطن عزیز شان زندگی خواهند کرد.

نجیب خان فکر میکند که باین دید و وادید ها مردم را بطرف خود متمایل می سازد - غافل از اینکه همین گروهها و اقوام مختلف هستند که فرزندان شان علیه این خائنان و وطن فروشان در جهاد می باشند. بهرحال هر چه میگویند بگویند مردم افغانستان همه آنها را می شناسند دیگر فریب نمی خورند. و دیگر جرگه تشکیل کردند و مجالس بر پا کردن های شان جانی را نمی گیرد.

## جرگه نام نهاد عالی قبايل ماه سنبله ۱۳۶۲ کابل تحت تسلط روسها

بک جرگه ديگريکه در ماه سنبله ۱۳۶۴ (۱۵ سپتمبر ۱۹۸۵) در کابل دایر گردید جرگه مسخره و بی آبرو و محض بنامی بود که به تعداد جرگه های ساختگی و نام نهاد حکومت کمونسیت کابل افزود. نام این جرگه را جرگه عالی قبايل گذاشتند.

طوريکه در موقع انعقاد لوی جرگه نام نهاد ماه شور همین سال واقع شد ده دوازده روز قبل از انعقاد جرگه تمام جاده های اطراف پولی تخنیک که جرگه قبايل در آنجا دائر می شد تحت مراقبت شدید گرفته شد.

در چنین مواردیکه فعالیت های ترافیکی مامورین خاد و قوای نظامی زیاد می شد مردم فکر میکردند که باز مجاهدین کدام عملیات مهمی را انجام داده اند و حکومت با انسداد جاده ها و منع عبور و مرور مردم، آنرا پنهان میکنند. اما چنین نبود، نویسنده ناظر تمام این ته و بالا دويدنها بودم.

دوسه روز جا بجا شهرن بسهای ۳.۲ شهری در مقابل پولی تخنیک، تعیین راه های عبور و مرور ترافیک عادی از راه های غیر معمول و مستعجل تکمیل شد و بعد در اوراق کوچک بطول تخمین ۱۵ سانتی و عرض ۱۰ سانتی تحت عنوان ((جرگه عالی قبايل عنقریب در کابل افتتاح خواهد شد)) چاپ کرده به صد ها نسخه در شیشه های تکسی ها، پایه های برق، کنده های درختان، دکانها و دیوارها نصب گردید تا در باره جرگه مذکور از قبل تبلیغات کرده باشند. کم کم آوازه در شهر پیچید که جرگه نام نهاد عالی قبايل دایر میشود.

ده دوازده روز قبل از انعقاد جرگه بسهای ۳.۲ شهری باز در مقابل پولی تخنیک قرار گرفتند و تبلیغات بنام جرگه عالی قبايل روز افزون شد.

بس های شهری سر بسته خالی و بعضا با دوسه نفر عمائم خاد و غیره در قطارهای ۱۰ و ۱۲ عراده برای اینکه نشان داده شود تعداد زیادی سران قبايل بمرکز حاضر شده اند و دیگران نیز به تدریج حاضر میشوند. این نمایش ده دوازده روز را در بر گرفت.

بالاخره روز ۲۵ سنبله ۱۳۶۴ مطابق ۱۵ سپتمبر ۱۹۸۵ مجلس دائر شد در همان روز هائیکه مجلس بنام قبایل دائر می شد حکومت پاکستان یک سلسله عملیات علیه قاچاقبران هیروئین انجام داده بود، در بر خوردیکه میان افراد امنیتی پاکستان و قاچاقبران شده بود یک تعداد قاچاقبران بان طرف سرحد جانب افغانستان فرار کرده بودند. اما گفته شد که آنها بدعوت حکومت افغانستان بغرض شمول در جرگه قبایل وارد کابل شدند. برایشان در پولی تخنیک جای داده شده و بحیث مهمان از آنها پذیرائی بعمل آمد.

کم کم نمایندگان ساختگی جمع شده و در حدود پنجصد نفر (۱) بجرگه حاضر شدند ولی متابع حکومت تعداد آنها را خیلی زیاد نشان میداد اشخاصیکه دران اشتراک کردند معلوم نشد از کدام مناطق قبایل بودند که بنام سران و روسای قبایل یاد شدند.

وقت و نا وقت پس های خالی از جاهای خود حرکت کرده و باز دوباره بهمان قرارگاهای خود متوقف می شدند. گاه گاهیگه بسهای شهری به گروپ های ۴-۵ اعراده در حرکت می شدند مردم با موجی از نفرت بدینی بطرف آنها میدیدند و زمزمه میکردند که اینها قاچاقبران و پول دوستانی هستند که گاهی به یک لباس و گاهی بلباس دیگری جلوه میکنند.

قبل از افتتاح جرگه با دوستان مذاکره و جستجو کردیم که این نمایندگان قبایل کی ها خواهند بود. آیا واقعا از باشندگان قبایل سرحدی هستند گرچه معلوم بود که کسیکه مسلمان بوده و بوطن خود علاقه داشته باشد در چنین جرگه ها اشتراک نمی کنند مخصوصا آنهائیکه درماورای سرحد و مناطق قبایلی زندگی دارند. چگونه وجدان شان قبول میکند که با حکومت دست نشانده روس که دشمن وطن خود شان (پاکستان) هم هست همکاری کنند. این نوع سوالها در فکر بعضی ها خطور میکرد و کسانیکه از ما هیت چنین جرگه ها با خبر بودند میدانستند که این اشخاص از کجا ها و چگونه جمع شده اند.

---

۱ - کسیکه مصارف خورا که جرگه را مراقبت میکرد تعدادشاملین را پنجصد نفر تصدیق نموده و نیز گفت یک نفر در اثر پرخوری فوت شد. حین غذا خوردن از درد معده شکایت کرد تا داکتر حاضر شد فوت گردید.



با دجره معوم شد که بجز عطاء الله پسر عبدالولی خان کوکی خیل و چند نفر همراهان او و قاچاقبرانی که از عملیات قوای امنیتی پاکستان فرار کرده بودند، دیگران اکثراً اعضای جبهه پدر وطن از داخل افغانستان از بغلان، پل خمری، مزار شریف، پکتیا، ننگرهار، چهار دهی کابل، پشتون های سرحدات هرات، اروزگان و غیره مناطق و چوب فروشان شاه شهید بودند که بهمان تعامل قبلی از طرف شعبات خاد معرفی و پولهای فراوان بر ایشان داده شد در جرگه اشتراک کرده بودند.

جرگه افتتاح شد پسر عبدالولی کوکی خیل بعد از جریان مجلس نا وقت در مستقیماً وارد نالار گردید. برخلاف تمام مقررات و تدابیر امنیتی یا چند نفر همراهان مسلح خود وارد اطاق مجلس شد. بیرک کارمل او را در بغلی گرفت و بگرمی پذیرائی کرد. عطاء الله گفت ((ما وقت می آمدیم سرراه ما را گرفته بودند)) این گفته او شاید اشاره به برخورد قوای امنیتی پاکستان با قاچاقبران بوده باشد.

بالاخره بعد از ده پانزده روز نمایش بس های شهری و ورود (گویا) تمام نمایندگان جرگه، بیرک کارمل باز به سخن سرائی آغاز کرد و بعضی از اعضای دیگر حزب کمونست و نظامیان که بیانیه های شان قبلاً آماده کرده شده بود به تقریر پرداختند. بیرک در بیانیه اش از مردم قبایل خواست تا آنچه که او ضد انقلاب نام گذاشت اجازه ندهند داخل افغانستان شوند. او تا توانست مجاهدین (این فرزندان واقعی افغانستان) را بدگفت از جملات و عبارات مکرر امپریالیزم جهان خوار در رأس امریکا، ارتجاع منطقه و غیره یاد کرد.

کسی از نمایندگان ساختگی میگفت دیگر احدی (مطلب مجاهدین و مهاجرین) از منطقه سکونت من گذشته نمیتواند. دیگری میگفت مرغ از فضای وطن من نخواهد گذشت.

درین جمله عطاء الله پسر ولی خان کوکی خیل و چند نفر قاچاقبران دیگر که بعد از برخورد با پولیس پاکستان فرار کرده و خود را بکابل و در نتیجه به جرگه رسانده بودند نیز بجرگه حاضر بودند.

روزنامه انگلیسی زبان مسلم بتاریخ سه شنبه ۳ فیبروری ۱۹۸۶ شماره ۲۵۳ نوشت ((همچنان از دوستان قبایلی با تأسف چنین فهمیدیم که ولی خان کوکی خیل با دستگاه جاسوسی خاد افغانستان رابطه دارد همچنان گفته شده که



عطاء الله پسر ولی خان در جرگه قبایل ۱۵ سپتمبر ۱۹۸۵ کابل اشتراک کرده در حال حضور ببرک کارمل از حکومت (پاکستان) بدگویی کرده وعده داد که حکومت افغانستان را بر علیه پاکستان معاونت کند. جرگه قبایل در ۱۵ سپتمبر ۱۹۸۵ (سنبله ۱۳۶۴) در کابل دائر شد و عبدالولی خان کوکی خیل درین جرگه شامل بود که حکومت پاکستان را مذمت کرد با اداره خاد افغانستان ارتباط داشت .))

روزنامه مسلم می افزاید ((از مطالب فوق آشکارا معلوم می شود که اقدام حکومت پاکستان (در برخورد با قاجاقبران) بجا و به نفع ملت پاکستان بوده است . بعضی مسائلی هست که به تبدیلی والی یا مامورین ارتباط ندارد . اگر کسی میخواهد از مسایل خیبر بهره برداری سیاسی کند بدشمنان پاکستان کمک خواهد کرد.))

پول ملت به جیب همین گماشتگان خاد و اعضای جبهه پدر وطن که از اطراف مملکت بنام نمایندگان قبایل آورده شده بودند میریخت . در پایان مجلس یک مقدار پول هم بهر کدام شان جهت تهیه تحفه بخانه های شان از جیب مردم افغانستان پرداخته می شد .

حالا ببینیم که تصامیم و فیصله هائیکه ازین جرگه مسخره اعلان گردید چه خواهد بود و تا کدام اندازه جامه عمل پوشید .

یکی ازین فیصله ها این بود که ببرک و نمایندگان یعنی وکلای بی موکل گفتند سرحدات مملکت باید مسدود گردد تا جلو تجاوز ها از آن طرف سرحد گرفته شود . و چنان درین مورد لاف زدند و گلو پاره کردند که بزعم خود شان دیگر بهیچ زنده جانی از سرحد اجازه عبور داده نخواهد شد .

ولی فراموش کرده بودند که در مناطق قبائلی مردمی زندگی دارند که با مردم افغانستان در تمام مسایل حیاتی شریک و از قرنهای باین طرف دیانت اسلام ، لسان ، فرهنگ مشترک و دیگر منافع مشترک حیاتی آنها را بهم یک جا کرده در زندگی همیشگی شان چه در مواقع صلح و آرامی و چه در موارد تهاجم بیگانه و دفاع از نوامیسی مذهبی و ملی دست بدست هم داده اند و مردانه وار باربرادران هم کیش وهم وطن خود از دین و ناموس وطن دفاع کرده اند .

چگونه ممکن است این مردم به تصامیم جرگه ای عمل کنند که دستورات آن از طرف روسهای اشغالگرو تجاوز گران ، دشمنان قدیمی شناخته شده ملت

مسلمان داده شده با شد. یک یا چند نفر خائن به دین و وطن که خود با اثر اعمال خلاف دیانت و سنن اخلاقی و فرهنگی ازین جامعه رانده شده و به دامن ملوث عمال روس پناه برده اند و در کابل آله دست روسها قرار گرفته اند بهیچ وجه نماینده قبایل سرحد گفته نمی شوند. چنانچه انعکاس نفرت و انزجار برادران قبایلی را درباره اعمال چنین اشخاص در جراید پاکستان که اکثرا خود مردم آن نواحی ناشر و کارگردان آنها می باشند و همچنان صدا های شان را از رادیوی ملت برادر و مسلمان پاکستان شنیده ایم.

این تصامیم نه تنها راه عبور و مرور عنعنوی مردم دو طرف سرحد را مسدود کرده نتوانست بلکه علائق دیرینه مردم روز بروز بیشتر شده رفت، نفرت و انزجار مردم در مقابل اعمال خائنانه و نیرنگ های پلان شده روس ها بیشتر گردید.

همچنین اگر چند نفر درایور تکسی، چوب فروش شاه شهید، اعضای جبهه پدر وطن از شهرها و اطراف افغانستان آورده می شوند بهیچ وجه نماینده مردم گفته نمی شوند. شمول چنین اشخاص در جرگه ها و مجالس بیشتر سبب نفرت و انزجار مردم علیه ببرک و دستگاه کمونست او میگردد. این بود ماهیت جرگه عالی قبایل. کمونست ها از بس در اثر حملات و ضربات مؤثر و موفقیت آمیز مجاهدین سراسیمه و مضطرب گردیده اند مانند غریق دریا بهر طرف دست میزنند و سعی میکنند از هر وسیله ای استفاده کنند. اشتراک پسر عبدالولی کوکی خیل در جرگه ماه سپتمبر کابل کدام درد کمونست ها را در مان نکرد، پریشانی و بی اعتباری دست نگری حکومت ازین خوب تر معلوم میگردد که پسر عبدالولی خان با افراد مسلح داخل تالار جرگه میگردد جایکه افراد مجاز با داشتن سلاح حق حمل و نمایش سلاح خود را ندارند ولی قاچاق بران تبعه یک مملکت همسایه با سلاح داخل مجلس میشوند. اینست ارزش ببرک و اینست ماهیت جرگه او. از صلابت و ماهیت جرگه های ملی مردم افغانستان در صفحات گذشته سخن رانده شده است خواننده گان مقایسه خواهند فرمود.

دیری نگذشت که عبدالولی خان کوکی خیل با توبه و ندامت از اعمال گذشته اش خود را به حکومت پاکستان تسلیم و یک بار دیگر وفاداری جدی اش را وطن خود یعنی دولت مستقل پاکستان ابراز کرد و گویا بریش ببرک و

حکومت کمونست او خندید .

اینک تازه نجیب خان راه دیگری را در پیش گرفته گروه گروه مردم اقوام مختلف را میخواهد با آنها مجلس میکند وعده های چرب و نرم میدهد . یک روز مردم یک قوم و روز دیگر مردم قوم دیگر را .

ولی باز باید متذکر شد که فرزندان همین اقوام مختلف هستند که سلاح در دست بیش از ده سال باین طرف با حکومت کمونست کابل و روسهای تجاوز گریختنیان آنها در جهاد هستند فرزندان همین اقوام و ملیت های برادر هستند که عرصه را بر روسهای تجاوز گرو دست نشانده هایشان تنگ ساخته روز بروز تلفات سنگین و طاقت فرسا بانها وارد میکنند . در اثر جهاد خسته گی ناپذیر و قبول قربانی ها و جان فدائی های فرزندان همین اقوام و ملیت ها است که حکومت کمونست کابل دیوانه وار هر روز در پی وسیله و چاره جدیدی میگردد . هر چه با این اقوام و ملیت های برادر ، برادری کند و هر قدر به آنها دروغ بگوید و ریاکاری نماید سودی ندارد . زیرا همین اقوام و ملیت ها مردم افغانستان می باشند و مردم افغانستان با ملحدان و روس ها در جهاد و نبرد می باشند . مردم افغانستان بجز تخلیه وطن از لوٹ وجود روس ها و امحای حکومت کمونست نابودی همه علایم آن و استقرار دولت اسلامی چیز دیگری نمی پسندند و چیز دیگری را ولو چندین ساعت حرف زده شود قبول ندارند . خواه جرگه تشکیل بدهند و خواه مردم هر جا را بخود نزدیک کنند . از مردم افغانستان کسی یا آنها نزدیک نخواهد گردید .

## جرگه نام نهاد سال ۱۳۶۵ هـ ش در کابل بنام لوی جرگه

طوریکه در سطور گذشته ذکر گردید جرگه های بزرگ ملی گاه گاهی حین بروز حوادث مهم در مملکت دایر میشد که نمونه های این جرگه ها قبلاً تحریر شده است. ولی رژیم کمونست کابل که اساس آن به دروغ و مردم فریبی است دایر کردن جرگه های تقلبی و ساختگی را بنا- لوی جرگه های ملی مرجع اتکا خود قرار داده و خواست از نام این جرگه ها استفاده سیاسی بنماید. لذا یکی بی دیگر جرگه هارا دائرکرد حکومت کمونست هر قدر جرگه دائرکرد و هر قدر که نشرات و پروپاگند براه انداخت برایش مفید واقع نشد.

این اثر در ماه سنبله ۱۳۶۰ تکمیل گردیده. ولی هنوز طبع نشده بود، درین اثنا بعد از دو جرگه بی تاثیریکه در ۱۳۶۴ در کابل دائر شد رژیم کمونست کابل در سال ۱۳۶۵ هم جرگه دیگری دائر نمود. باین تفاوت که این بار بازی گر صحنه بجای ببرک کارمل داکتر نجیب بود بیانیه ها ایراد گردید، ععطنامه ها صادر شد همه یک نمونه و پیروی از یک خط مش بعینی تعریف و قوصیف از روس، نکوهش مجاهدین ملت افغانستان، ارتجاع منطقه، استعمار جهانخوار در راس امریکا و وسعت طلبی چین و غیره جملات واصطلاحات مروج در ادبیات کمونست ها بود.

چون جرگه فوق نیز در حالت اشغال مملکت از جانب روس ها و تسلط کمونست ها بر سر نوشت مردم دائر کرده شده، لذا در جمله جرگه های نام نهاد و خالی از ارزش بوده و مصوبات آن تماماً قابل تردید میباشد. چون حملات بی در پی مجاهدین به قوای روس و حکومت دست نشانده اش عرصه را بر رژیم کابل و قوای روس تنگ ساخته تمام وقت، انرجی شان مشغول دفاع از جنگ با مجاهدین افغانستان میباشد و لافهاییکه برای مردم زده بودند و خواب هاییکه دیده بودند عملی و تمبیر شده نمیتواند لذا برای انحراف افکار مردم افغانستان به دائر کردن جرگه ها و نشر اکاذیب می پردازند. در حالیکه این بازی هم بدرد شان نخورد موفقیت های روز افزون نصیب مجاهدین گردیده است.

پس چند سطری درباره این جرگه بی اثر نیز در ردیف همان جرگه های نام نهاد تحت اثر کمونست و روس ها تحریر گردید. تفصیل مزید درباره جرگه مذکور وامثال آن عجالاً ضیاع وقت خواننده گان خواهد بود.

## جرگه نام نهاد سال ۱۳۶۶ هـ ش مطابق ۱۹۸۷ شهر کابل

باحتلالات مداوم و جنگ های دلیرانه مردم افغانستان علیه روس ها و کمونست ها رژیم کابل تمام راه ها را برای بقا و زندگی خود مسدود دیده اشتراک بیش از یکصد و پنجاه هزار عسکر روس با جدید ترین سلاح ها در جنگ با مجاهدین کاری را از پیش برده نتوانست مردم ما شهید شدند ، دهات و قصبات ویران گردید تا حال بیش از یک میلیون شهید داده ایم و پنج میلیون نفر مهاجرت اختیار کرده اند . قوای روس در پلان های شوم خود به ناکامی مطلق مواجه گردیده است . خسارات مالی و جانی روس ها روز افزون گردیده ، مخصوصاً بعد از آنکه مجاهدین راکت های ستنگر بدست آوردند . تلفات قوای هوای روس نهایت زیاد و سنگین شد ، بمبارد ها و کشتار مردم از طرف روس ها دیگر چاره گر واقع نشد . حکومت کابل زوال خود را نزدیک دید و روس ها دست و پا چه شدند .

در عین حال منابع بین الدلی و ذهنیت عمومی مردم جهان علیه روس بوده و اکثر نشریه ها و رساله های خبری روس ها را متجاوز شمرده اخراج قوای روس را هر چه زود تر از افغانستان خواستند . مجمع عمومی سازمان ملل متحد از بدو تجاوز روس ها با افغانستان همه ساله در اجلاس عمومی فیصله نامه تازه صادر میکرد و اخراج بلا قید و شرط قوای روس را از افغانستان تقاضا میکرد از جمله :

مملکت	۱۰۴	۱۹۸۰-۱۱-۱۴	۱- در جلسه اضطراری
»	۱۱۱	۱۹۸۰-۱۱-۱۰	۲- در جلسه عادی سالیانه
»	۱۱۶	۱۹۸۱-۱۱-۱۸	۳- » » » »
»	۱۱۴	۱۹۸۲-۱۱-۲۹	۴- » » » »
»	۱۱۶	۱۹۸۳-۱۱-۲۳	۵- » » » »
»	۱۱۹	۱۹۸۴-۱۱-۱۵	۶- » » » »
»	۱۲۲	۱۹۸۵-۱۱-۱۳	۷- » » » »
»	۱۲۳	۱۹۸۶-۱۱-۱۵	۸- » » » »
»	۱۲۳	۱۹۸۷-۱۱-۱۱	۹- » » » »
»	۱۵۹	نومبر ۱۹۸۸	۱۰- » » » »

در سازمان ملل متحد اخراج روس ها را تقاضا و هر کدام از نمایندگان ملل در بیانیه شان روس ها را ملامت قرار میدادند. کنفرانس جینوا هم تحت نظر نماینده سر منشی ملل متحد در جریان بود. فیصله های این کنفرانس از طرف مجاهدین رد گردید. زیرا طرف واقعی در جنگ با روس ها که مجاهدین بودند شامل کنفرانس نبودند. حکومت کابل برای بقای خود باز هم برهنمائی روس ها به بازی دیگر دست زد (گرچه از چندی باینطرف دا کتر نجیب گاه گاه از اسلام و اسلامیت حرف میزد ولی سودی نه بخشید او فراموش کرده بود که مردم افغانستان به ملحدین و کمونست ها اعتماد ندارند فرد فرد ملحدین را که بقرت رابا توصل به روس و سلاح و پول روس بدست گرفته بودند خوب شناخته اند. مردم افغانستان بچشم دیده بودند که چگونه کمونست ها متون کتب درسی مکاتب را تغییر داده و شعار های کمونستی را در آن ها جاداده (تغییرند)

نجیب خواست این بازی جدید را بنام قانون اساسی در نظر مردم افغانستان و جهان جلوه دهد. بنابراین در ماه قوس ۱۳۶۶ لوی جرگه نام نهاد دیگری را از همان نوع جرگه های قبلی که بپرک کارمل یا خود او دائر کرده بود دائر نمود و قانون اساسی رژیم کمونست خود را در سیزده فصل و یکصد و چهل نه ماده به تصویب جرگه مذکور رساند.

قانون اساسی ای که تحت نظر روس ها و وطن فروشان تدوین گردید. یعنی کسانیکه قوای روسی را خواستند تا مردم افغانستان را قتل عام کنند. و از ده سال باینطرف باقوای انسانی و سلاح های جدید روس ها مردم مارا می کشتند. اکنون آنها غم خوار مردم مآشدند و برای مردم ما قانون اساسی دیموکراتیک !!! نافذ کردند و با اعمال کفر والحاد نام از اسلام بردند و گپ از دیانت زدند. درین قانون اساسی در مآئه دوم فصل اول تحت عنوان قظام سیاسی چنین ذکر شده ((دین افغانستان دین مقدس اسلام است در جمهوریت افغانستان هیچ قانون مناقض دین مقدس اسلام و دیگر مندرجات این قانون اساسی بوده نمیتواند.))

در قانون مذکور نگفته است که در یک مملکت اسلامی عناصر مآجد و غیر اسلامی نمیتواند حکومت کنند. و نیز تدوین کنندگان قانون مذکور

فراموش کرده اند که آنها بارها علیه دیانت و مذهب شعارها داده اند .  
این نوع جرگه ساختن ها بجز اینکه ملت را تحقیر کنند و هر چیز را بنام  
ملت نشر کنند دیگر کدام معنی و مفهوم ندارد . همین قانون اساسی سازان  
بودند که روس ها را برای کشتن و تحقیر کردن مردم افغانستان دعوت کردند  
اکنون بنام همین مردم جرگه دائر میکنند و قانون اساسی میسازند .

## خاتمه

جرگه‌های محلی، منطقه‌سوی و ملی افغانستان تا جائیکه منابع و مآخذ میسر گردید تحریر و تدوین شد. اینکه جرگه‌های مذکور چه وقت و تحت کدام شرایط دایر شد و چه فیصاه‌های در آنها بعمل آمد و چه کارهای را انجام داده‌اند تا اندازه تفصیل داده شده است.

اسماً مشوره و مصلحت بینی در کارها و مسایل زندگی انسانها در میان جوامع بشری بحیثیت یک ضرورت در هر وقت و زمان وجود داشته، حتی انسانهای ابتدائی هم در مسایل حیاتی شان از اصل مشوره استفاده میکرده‌اند. نشست و برخواست‌ها، کنگاش‌ها همواره در میان مردم معمول بوده است. مخصوصاً در محکمت عزیز ما ریشه‌های عمیق و تاریخی دارد.

بعد از ظهور دین مقدس اسلام که مسلمانان جهان در روتنی آن در شاه راه سعادت و خوش بختی رهنمائی شدند، اصل مشوره بموجب آیه کریمه «و شاورهم فی الامر و ناذ اغرمت فتوکل علی الله» و همچنان آیه مبارکه «امر هم شورا بینهم» برای مسلمانان تاکید و ارشاد گردیده و مسلمانان درین امر مکلف و موظف شده‌اند. و با بکار بردن و تعمیل امر خداوند متعال از اصل مشوره در امور حیاتی خوب تر و بهتر استفاده میکنند.

در گذشته‌های دور و نزدیک سلاطین و حکومت‌ها هر قدر هم که خود رای و مطلق العنان بوده‌اند باز هم از اصل مشوره (ولو با اراکین نزدیک و عالی مرتبه خود) فراموش نکرده‌اند و آنهاست که عاقل و مدبر بوده‌اند بمشوره با اشخاص خیر اندیش و دانشمند بیشتر اتکا داشته‌اند.

طوریکه در سطور گذشته هم اشاره بعمل آمد جرگه‌ها در اثر ضرورت‌ها و بروز مسایل مهمه و عمومی مردم تشکیل میشد و اصلاً متکثر تدویر جرگه‌ها در افغانستان مردم بوده‌اند. و بعداً حکومت‌ها این جرگه‌ها را شکل رسمی و ملی داده عندالموقع به تدویر آن اقدام کرده‌اند.



بسا دیده شده است که حکومت‌ها و سلطنت‌ها بنا بر عوامل تاریخی از میان رفته و وجود نداشته ولی ملت تحت رهبری بزرگان واقعی خودگرد هم آمده و سلطنت و یا حکومت را ساخته اند .

هر گاه ملت از آرامش و امنیت برخوردار بوده در سایه آن توانسته جرگه‌ها دائر و به حل مشکلات و مسایلیکه پیش آمده پردازند ولی اگر در میان ملت امنیت و آرامش نباشد اختلافات جزئی بیت‌افراد دامنه و وسعت پیدا کرده ، اعتدال و اطمینان مردم از بین رفته در عوض سهم‌گیری در حل مسایل عمومی هم‌رکس در فکر دفاع از بقا دوام خود شده مسایل عمومی مختل میگردد .

ACKU

### وضع امروز

در وطن ما هنوز جنگ در مقابل روس ها با شدت جریان دارد همه روزه موفقیت های نصیب مجاهدین می گردد قوای روس تماماً وطن ما را ترک نکرده است یک تعداد جوانان وطن فریب خورده و یا مجبوراً در قوای رژیم کمونست شامل شده اند وعده هم بنام ملیشه با کمونست ها همکاری دارند . مجاهدین فداکارانه تنها با قوای روس برای آزادی وطن در پیکار اند بلکه با عناصر کمونست طرفدار روس که فرزندان افغانستان میباشند و پیشا پیش قوای روس در مقابل مجاهدین جنگ سوق داده شده اند نیز مبارزه میکنند بعضاً مجاهدین نیز متأسفانه بنام های مختلف در مقابل هم قرار گرفته اند . مردم در تمام نقاط افغانستان مسلح و در جوش احساسات خود میباشند .

درین صورت جهت اجرای انتخابات آزاد و قانونی مراحل آتی ضروری دیده میشود .

- اول : قوای روس بصورت مکمل از مملکت ما خارج گردد .
  - دوم : حکومت موقتی (انتقالی) مجاهدین قدرت را بدست بگیرند .
  - سوم : مهاجرین با شرایطیکه قبلاً قبول شده در امنیت کامل و آبرومندانه و داوطلبانه بوطن عودت کنند .
  - چهارم : حکومت موقت وقت وقوت کافی داشته باشد تا امنیت را در وطن مستقر گرداند .
  - پنجم : پس از خاتمه جنگ روس سلاحهای توزیع شده مازاد ضرورت های مؤسسات نظامی مجاهدین از مردم جمع آوری گردد .
- با تطبیق و تعمین مراحل فوق زندگی درمیان مردم بحال عادی برگشته مردم بمشاغل و وظایب روزانه خود مشغول میگرددند .
- حکومت موقت بعضی قوانین ضروری مثل قانون انتخابات وغیره را تسوید و در معرض اجرا گذاشته شود . همچنان حکومت موقت قانون اساسی مملکت را تسوید و جهت غور و تصویب به جرگه بزرگ ملی آماده خواهد کرد .

آنگاه لوی جرگه مردم افغانستان باساس رسوم گذشته دائر شود از هر ولسوالی یک یا دو نفر از مراکز پرنفوس ولایات ۲-۳ نفر، از مراکز ساثر ولایات یک یکنفر، از شهر کابل بهمین تناسب پنج نفر یا بیشتر انتخاب کردند. بر علاوه یک عده علماً و ذوات وارد در امور مملکت مخصوصاً حقوق دانان در جرگه اشتراك ورزند. این جرگه قانون اساسی مملکت را که قبلاً توسط حکومت موقت از جانب علمای شریعت و حقوق و اهل تجربه و بصیریت تسوید می شود تحت غور و مذاقه قرارداد آنرا به تصویب خواهند رساند و حکومت آینده باساس قانون مذکور انتخاب خواهد شد. در جرگه هائیکه در تاریخ گذشته مملکت دائر شده ملت در امنیت و آراهش بسر برده و زندگی روزمره مردم بصورت عادی در جریان بوده است اگر امنیت در مملکت برقرار نباشد هر اقدام عمومی و مفید با مشکلات زیاد مواجه خواهد گردید. پس حکومت موقت در ضمن مسؤولیت های متعددی که دارد یکی هم تأمین امنیت در مملکت است تا در سایه آن بتوان بکارهای عمده و مهم عمومی و ملی اقدام کرد.

## درین اثر از منابع آتی استفاده شده است

## فهرست مآخذ

- ۱- سلطنت غزنویان تألیف استاد خلیل الله خلیلی
- ۲- تاریخ ینی ,, عبدالجبار عتبی
- ۳- تاریخ غزنویان ,, ادموند کلفرد باس ورث  
ترجمه حسن انوشه
- ۴- افغانستان در مسیر تاریخ تألیف میر غلام محمد غبار
- ۵- روابط سیاسی افغانستان در نیمه اول  
قرن بیست (روابط با انگلیس روس  
و آلمان)
- ۶- کتاب افغانستان ,, لوی دوپری بمحقق امریکائی  
متن انگلیسی
- ۷- نگاهی به عهد سلطنت امانی نوشته سید رسول
- ۸- رویداد های لوی جرگه سال ۱۳۰۳ طبع مطبعه عمومی کابل
- ۹- سالنامه کابل سال ۱۳۲۰ ,, ,, ,, ,,
- ۱۰- سالنامه کابل سال ۱۳۲۴ ,, ,, ,, ,,
- ۱۱- نشریه بنام لوی جرگه سال ۱۳۳۴ ,, ,, ,, ,,
- ۱۲- سالنامه کابل سال ۱۳۴۴ و ۱۳۴۵
- ۱۳- سالنامه کابل سال ۱۳۴۵-۱۳۵۹
- ۱۴- یادداشت های نویسنده
- ۱- تاریخ جرگه های ملی در افغانستان تألیف عبدالله مهربان
- ۶- مجله ماهانه مجاهدین شماره (۲) سال اول مؤرخ (فروری ۱۹۸۶م)
- ۷- چشم انداز تهاجم روس به افغانستان تألیف انتونی ارنولد ترجمه سید رسول
- ۸- رساله عقاب زرین تألیف استاد خلیل الله خلیلی
- ۹- افغانستان در مطبوعات جهان نشریه ماهوار جریده از کانون ترجمه آثار جهاد  
افغانستان
- دسایس و جنایات روس در افغانستان تألیف داکتر حق شناس



صفحه	سطر	غلط یا از حاب مانده صحیح	صفحه	سطر	غلط یا از حاب مانده صحیح
ب	۱۴	گه ای که	۲۶۷	۵	مباحثه
ج	۲۱	بی سواد اند	۲۷۳	۲	محکمه
		ندارند	۲۸۲	۱۶	هم
۸	۲	ویرانی	۲۸۴	۱۵	اگر
۱۰	۱	داشته که =	۲۸۴	۱۶	شخصیت های
۱۰	۴	بنجایت			ملی یا وفوف
۱۱	۹	کم آب			کامل
۱۲	۱۹	جرکه های بزرگ	۲۸۴	۲۷	ار نمونه
		یا لویه جرکه ها	۲۹۳	پا ورقی	مارج (زاید)
۱۴	۵	با هوش	۲۹۸	۸	اداره رای
۱۴	۶	شده نمیتوانست			در صندوق
۲۷	۹	در دریا رفوی	۲۹۸	۹	و عدم علاقه
۲۷	۱۱	تحت الفاظ			مردم بد
۳۲	پا ورقی	اعمال	۲۹۸	۱۰	جاه آب
۵۲	پا ورقی	۱۳۲۳	۲۹۹	۱۳	دارائی خان
۶۵	۶	حنفی رسمی			عبدالغفار
		رسمی			خان
۶۰	آخر	در صفحه بعد ملا-	۲۹۹	۲۵	او ۱۲ فیصد
		حظه کنید زاید	۲۹۹	۲۷	سود
		است :	۳۰۱	بین	کوتای داود
۰۵	سطر ۲	زاید است	۱۲ و ۱۱	عنوان	خان "عنوان"
	پا ورقی		۳۱۲	عنوان	توسیح
۱۵	زیر سطر ۵	خط کشیده شده	۳۱۸	۲۷	استعمال
۸	زیر شماره	وکیل در دوره	۳۵۳	۱۷	آواز
	۱۷۵	شورای ملی	۳۶۹	آخر	کمیسیون
۱۰۵	۱۸	عبدالحکیم	۳۶۹	۲۳	تربیه
۴۱	۱۵	این	۳۷۰	۱۴	نما بیندگان
۱۲۷	۱۹	ولایات	۳۷۴	۲۶	ملا نما
۱۳۶	پا ورقی	نوت در منابعیکه	۳۷۵	۲۵	و ندر گفته
۱۳۷	۲۱	گفت که کرد	۳۷۵	۱	ملا
۱۵۴	عنوان	اعلی شر	۳۷۵	۲۶	عدم بیوستن
۱۸۶	۱۴	طوریکه	۳۷۷	۲۲	و سوطن فروس
۲۴۰	۲	و آهنگ	۳۷۷	۲۵	صدای بقلاب
۲۴۳	۲۵	دکریا	۳۷۷	۴۶	نابودی بیای باسندهای
۲۵۷	۱۵	تعلیم	۳۷۷	۲۵	نابودی نهائی
	آخر	یعنی			

ACKU

قیمت : دو صد روپیہ